



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

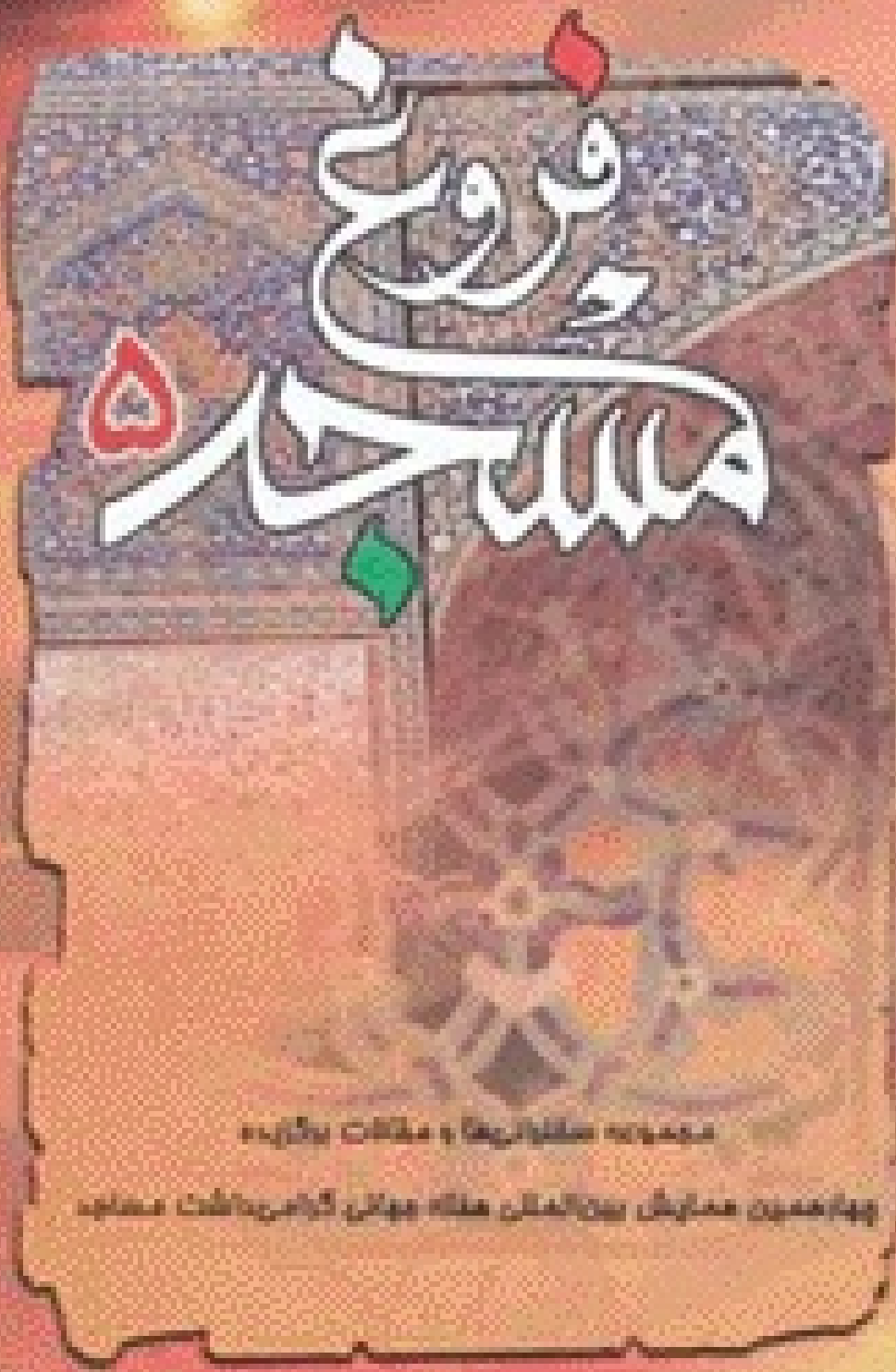
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مجموعه مقالات و مقالات برگزیده
پژوهشگران معاصرین در زمینه هنرهای سنتی و معاصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فروغ مسجد (5): چهارمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد

نویسنده:

گروه پژوهشهای کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی ثقلین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	فروغ مسجد ۵ : چهارمین همایش بین المللی هفته جهانی گرمای داشت مساجد
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۱	فهرست مطالب
۵۱	سخن ناشر
۵۳	پیش گفتار
۵۷	بخش اول: سخنرانی ها
۵۷	اشاره
۵۹	گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی پیش از خطبه های نماز جمعه تهران
۶۳	گزیده ای از سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه هفته جهانی مساجد
۶۷	گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم گرمای داشت هفته جهانی مساجد
۶۹	گزیده ای از سخنان آیت الله تسخیری در مراسم افتتاحیه گرمای داشت هفته جهانی مساجد و کنفرانس اسلامی
۷۱	سخنان حجت الاسلام والمسلمین محسن اژه ای وزیر اطلاعات در جمع ائمه جماعات و فعالان مساجد جنوب تهران
۷۷	سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم افتتاح چند مسجد در تهران
۷۹	گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی معاون فرهنگی مرکز رسیدگی
۸۱	گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله خزعلی در کمیسیون مساجد، چالش ها و راهکارها
۸۳	گزیده ای از بیانیه پایانی کنفرانس وحدت اسلامی و اجلاس گرمای داشت هفته جهانی مساجد
۸۷	سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه در گردهمایی روحانیون غرب استان تهران و کرج
۱۰۱	گزیده ای از سخنان خانم زعفرانی معاون امور زنان مرکز رسیدگی به امور مساجد
۱۰۳	سخنان دکتر علی اکبر ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در همایش هفته جهانی گرمای داشت مساجد
۱۰۷	سخنان حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در جمع ائمه جماعات شرق استان تهران
۱۱۱	بخش دوم: مقالات برگزیده
۱۱۱	اشاره
۱۱۳	فصل اول: مساجد و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۱۳	اشاره
۱۱۵	پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسجد/ دکتر علی محمدی آشنایی
۱۱۵	چکیده
۱۱۶	پیش گفتار
۱۱۶	اشاره
۱۱۶	۱ - مسجد نقطه آغاز و سنگ بنای کادرسازی و تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی
۱۱۷	۲ - مسجد کانون مرکزی جامعه سازی اسلامی
۱۲۱	۳ - مسجد پایگاه وحدت و جایگاه حل اختلاف
۱۲۱	اشاره
۱۲۱	ضرورت پیروی از سیره در دوران معاصر
۱۲۸	مساجد در سیره ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / عالیه جعفری
۱۲۸	پیش گفتار
۱۲۹	خاطره از نخستین منبر مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۰	مسجد، کانون اصلی تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۱	بحثی تاریخی، درباره مسجد

۱۳۱	نخستین مسجد در اسلام
۱۳۲	نقش فرهنگی مسجد در دوران پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۳	نقش فرهنگی مسجدالحرام پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۴	نقش فرهنگی - آموزشی مسجد پس از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۵	سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد
۱۳۶	محتوای سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد
۱۳۷	جایگاه موعظه در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۸	مراعات حال حاضران در مسجد
۱۳۸	جاذبه های معنوی در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۳۹	اهتمام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در باره امور مساجد
۱۳۹	ترجیح جلسات علمی بر جلسات دعا در مسجد، در زمان رسول خدا
۱۴۰	پی گفتار
۱۴۱	پی نوشت ها
۱۴۵	بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اکرم کوحانی زاده
۱۴۵	اشاره
۱۴۵	چکیده
۱۴۶	مقدمه
۱۴۶	مقدمه
۱۴۷	۱ - مسجد به عنوان دانشگاه پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۴۷	اشاره
۱۴۷	الف) جلسه های آموزشی پیامبر اسلام در مسجد
۱۴۹	ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد
۱۵۰	ج) انجام فعالیت های فرهنگی در مساجد و آغاز آن از مسجد الحرام
۱۵۲	د) معلمان مسائل دینی
۱۵۴	۲ - مسجد بعنوان ستاد فرماندهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۵۵	۳ - مسجد، و گفت وگویی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با نمایندگان سایر ادیان
۱۵۸	۴ - اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد
۱۵۹	۵ - ویژگی های مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و شیوه برگزاری نماز جماعت در سیره نبوی صلی الله علیه و آله
۱۶۲	نتیجه گیری
۱۶۳	مسجد در عصر مدرنیته
۱۶۹	اعتکاف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد / رضا مفاخری
۱۶۹	اشاره
۱۶۹	اعتکاف چیست؟ معتکف کیست؟
۱۷۰	پیشینه تاریخی اعتکاف
۱۷۴	همگانی و ضروری بودن اعتکاف
۱۷۶	شروط و احکام اعتکاف
۱۷۷	راه های گسترش اعتکاف
۱۷۸	نتیجه
۱۷۹	فهرست منابع و مأخذ
۱۸۱	مسجد و گفت وگویی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با نمایندگان ادیان / محمد رضایی
۱۸۱	اشاره

۱۸۱	مقدمه
۱۸۲	جایگاه مسجد در سخنان خداوند و گفتار ائمه اطهار علیهم السلام
۱۸۳	علت نام گذاری مسجد
۱۸۴	اهمیت مسجد نزد خداوند متان
۱۸۴	اشاره
۱۸۵	۱ - مذاکره با نمایندگان بنی تمیم
۱۸۶	۲ - گفت وگو با نمایندگان ثقیف
۱۸۹	۳ - گفت وگو با هیئت نمایندگان مسیحیان نجران
۱۹۱	بررسی تاریخی و فقهی حضور زن در مسجد در صدر اسلام / علی اکبر گندمکار
۱۹۱	اشاره
۱۹۴	حضور زنان در مسجد در روزگار پیامبر صلی الله علیه و اله
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	الف) خانه زن مسجد اوست
۱۹۶	ب) روایات عام
۱۹۸	ج) حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبر صلی الله علیه و اله و روایات دال بر جواز حضور
۲۰۱	د) گواه تاریخ بر حضور زنان در مساجد در صدر اسلام برای اموری غیر از اقامه نماز
۲۰۵	هـ) بررسی فقهی حضور زن در مسجد
۲۰۸	و) شرایط حضور زنان در مساجد
۲۰۸	اشاره
۲۰۸	۱ - استفاده نکردن از بوی خوش
۲۰۹	۲ - عدم اختلاط زن و مرد در مسجد
۲۰۹	۳ - پرهیز از سخنان بلند و بیهوده
۲۱۰	۴ - اجازه شوهر
۲۱۱	۵ - توقف بیجا نکردن در مسیر مسجد
۲۱۱	ز) آثار حضور زنان در مسجد
۲۱۳	منابع و مأخذ
۲۱۹	فصل دوم: کارکردهای مساجد
۲۱۹	اشاره
۲۲۱	آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد/سید حمید حسینی
۲۲۱	اشاره
۲۲۱	چکیده
۲۲۲	مقدمه
۲۲۴	ماهیت مسجد
۲۲۶	آثار سیاسی، اجتماعی مسجد
۲۲۷	پیش گیری از جرائم
۲۲۸	مبارزه با ظلم
۲۲۸	وحدت و تعاون
۲۳۱	تعهد برابر سایر انسان ها (رعایت حقوق بشر)
۲۳۱	هم دردی و هم دلی
۲۳۴	دوستی های سالم
۲۳۶	کسب و تجارت

۲۳۷	حفظ حدود و نفوس بلاد اسلامی
۲۳۸	آثار تربیتی
۲۳۹	ایثار و انفاق
۲۴۰	آثار روحی و اخلاقی
۲۴۰	بهره و پاداش الهی
۲۴۲	نتیجه
۲۴۳	پیشنهاد
۲۴۴	فهرست منابع و مآخذ
۲۴۵	نقش مسجد در سلامت روانی جامعه / کبری حیدری
۲۴۵	اشاره
۲۴۵	پیش گفتار
۲۴۶	اهمیت مسجد در اسلام
۲۴۶	آرامش گمشده بشر در جهان امروز!
۲۴۷	عوامل نگرانی و پریشانی
۲۵۰	ارزش یاد خدا (ذکر)
۲۵۲	نماز بهترین وسیله برای یاد خدا
۲۵۳	نماز و آرامش روان
۲۵۷	مساجد ملجأ مردم / ناصر شکریان
۲۵۷	اشاره
۲۵۷	مقدمه
۲۵۸	جایگاه مسجد
۲۶۲	کارکردهای مسجد
۲۶۴	مسجدالحرام ملجأ مردم
۲۶۵	مسجدالحرام مأمن مردم
۲۶۷	مسجدالحرام خانه مردم
۲۶۷	تذکر
۲۶۸	ویژگی های دهگانه
۲۶۸	۱ - امنیت تکوینی
۲۶۹	۲ - امنیت تشریفی
۲۶۹	۳ - امنیت روحی و معنوی
۲۶۹	۴ - امنیت از جهت جنگ و خونریزی
۲۷۰	۵ - امنیت از جهت حضور مفسد و ظالم
۲۷۰	۶ - امنیت از جهت تبعیض و نابرابری
۲۷۱	۷ - امنیت از جهت ورود مشرکین
۲۷۱	۸ - امنیت لفظه
۲۷۱	۹ - امنیت گیاهان و درختان
۲۷۲	۱۰ - اختیاری بودن نماز
۲۷۲	آثار اجتماعی و تربیتی این پناهگاه امن
۲۷۳	مساجد ملجأ مردم
۲۷۷	مساجد و انقلاب اسلامی
۲۸۰	فهرست منابع

۲۸۱ پایگاه نمونه بسیج مسجد / ابوالفضل نجادی
۲۸۱ اشاره
۲۸۱ پیش گفتار
۲۸۲ کارکرد نظامی پایگاه مقاومت بسیج در مسجد
۲۸۲ اشاره
۲۸۳ ۱- سازمان دهی و اعزام نیروها به سوی جبهه های جنگ
۲۸۴ ۲ - آموزش نظامی
۲۸۵ ۳ - نگهداری و پاس داری از کبان مسلمانان و حفظ امنیت
۲۸۶ ۴ - مسجد و فعالیت های اضطراری مربوط به جنگ
۲۸۷ نقش مسجد در جبهه ها و میدان جنگ
۲۸۷ فعالیت های نظامی پایگاه بسیج در زمان صلح
۲۸۷ اشاره
۲۸۸ الف) حفظ و ارتقای آمادگی رزمی بسیجیان
۲۸۸ ب) جذب نیرو و تکمیل ارتش بیست میلیونی
۲۸۸ ج) اجرای برنامه های امنیتی
۲۸۹ کارکرد آموزشی پایگاه بسیج
۲۸۹ اشاره
۲۹۰ الف) تشکیل کلاس های آموزشی
۲۹۱ ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ
۲۹۲ ج) برگزاری مناظرات علمی در مسجد
۲۹۳ کتاب خانه پایگاه بسیج مسجد
۲۹۴ نوارخانه بسیج
۲۹۴ فعالیت های فرهنگی پایگاه مقاومت بسیج مسجد
۲۹۴ اشاره
۲۹۵ ۱ - ترویج فرهنگ جهاد و شهادت
۲۹۷ ۲ - برگزاری جلسات مذهبی
۲۹۷ ۳ - اجرای برنامه های اردویی
۲۹۸ ۴ - برگزاری کلاس های هنری
۲۹۹ ۵ - فعالیت های ورزشی
۲۹۹ فعالیت های اجتماعی عام المنفعه پایگاه مقاومت بسیج مسجد
۲۹۹ اشاره
۳۰۰ ۱ - تأسیس صندوق قرض الحسنه
۳۰۰ ۲ - مشارکت در امر سازندگی و آبادانی کشور
۳۰۱ بسیج و امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۲ بسیج و فعالیت های سیاسی
۳۰۳ رابطه پایگاه مقاومت بسیج با امام جماعت
۳۰۳ رابطه و همکاری بسیج و هیأت امنای مسجد
۳۰۵ رابطه پایگاه بسیج با اهل محل
 رابطه پایگاه مقاومت بسیج با دیگر نهاد و سازمان های دولتی به دلیل آنکه پایگاه مقاومت بسیج نمونه دارای فعالیت های فراوانی و زمینه های گوناگون فرهنگی، نظامی، آموزشی، ورزشی و هنری است، در همین زمینه ها ناگزیر است با نهادها و سازمان های دولتی مرتبط با این فعا
۳۰۷ آسیب شناسی پایگاه های مقاومت بسیج مساجد
۳۰۷ اشاره

۳۰۷	اختلاف با دیگر مجموعه ها و ارکان مسجد
۳۰۸	فاصله گرفتن از اصول و آرمان های مقدس بسیج
۳۰۸	بی برنامه‌گی و اتلاف وقت
۳۰۸	سوء مدیریت
۳۰۹	انحصار پایگاه مقاومت بسیج در فعالیت های نظامی
۳۰۹	استفاده نکردن از بزرگان و افراد با تجربه
۳۱۰	برخوردهای غیرعلمی و سلیقه ای با افراد
۳۱۰	امتیازگرایی
۳۱۰	نفوذ افراد فرصت طلب
۳۱۱	دیدگاه های حضرت امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در باره پایگاه های مقاومت بسیج
۳۱۱	اشاره
۳۱۱	۱- مساجد پایگاه های اصلی و همیشگی بسیج
۳۱۲	۲- حفظ توان نظامی و رزمی بسیج
۳۱۲	۳- جهانی شدن بسیج
۳۱۲	۴- بسیجی بودن؛ افتخار همیشگی
۳۱۳	۵- نگرانی از امنیت ملی
۳۱۴	۶- تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی
۳۱۴	۷- بسیج؛ رمز بقای انقلاب اسلامی
۳۱۵	۸- همه جانبه بودن فعالیت های بسیج
۳۱۶	منابع و مأخذ
۳۱۷	فصل سوم : نقش مسجد در توسعه و مدیریت شهر اسلامی
۳۱۷	اشاره
۳۱۹	نقش مسجد در توسعه فضایی و کالبدی محله ای / دکتر خسرو کی منش
۳۱۹	چکیده
۳۲۰	مساجد هویت مشترک شهرهای اسلامی
۳۲۰	مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی
۳۲۱	دیدگاه کل نگرانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات
۳۲۲	پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات
۳۲۳	مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان نشین
۳۲۴	مساجد و بهینه سازی توسعه شهری و محله ای
۳۲۵	مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات
۳۲۸	مساجد و آرام سازی سیمای ساختاری محلات
۳۲۹	مساجد و ساختار منظم خانه های مستقر در محلات
۳۲۹	آسیب شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات
۳۳۱	منابع و مأخذ
۳۳۲	نقش مسجد در مدیریت توسعه محله ای / دکتر سعید اسدی
۳۳۲	اشاره
۳۳۲	چکیده
۳۳۴	نقش مدیریت در زندگی اجتماعی
۳۳۶	مدیریت در سطح کلان شهری
۳۳۸	دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت

۳۳۹	مدیریت و اسلام
۳۴۱	مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت
۳۴۵	نقش مسجد در مدیریت اقتصادی
۳۴۶	مسجد و مدیریت توسعه
۳۴۸	نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله ای
۳۵۱	نقش مسجد در سازمان و اجتماع محله ای / دکتر مسعود مظاهری
۳۵۱	اشاره
۳۵۱	چکیده
۳۵۲	حوزه های اجتماعی شهرها
۳۵۳	محللات به عنوان حوزه های خرد اجتماعی
۳۵۵	دین به عنوان یک نیاز اجتماعی
۳۵۶	مسجد، مهم ترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی
۳۵۸	نقش تعاونی و اجتماعی مسجد
۳۶۰	مسجد، کانون اجتماعات محلی
۳۶۰	آسیب شناسی نقش اجتماعی محللات
۳۶۳	نقش مسجد در امنیت اجتماع محله ای / دکتر محمد عارفی
۳۶۳	اشاره
۳۶۳	چکیده
۳۶۴	کارکرد اجتماعی مساجد
۳۶۶	مساجد و تعاون اجتماعی
۳۶۶	مساجد و برقراری عدالت اجتماعی
ستادهای حفاظت اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی همان گونه که مساجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مردمی ترین پایگاه اعتقادی و اجتماعی و مرکز نشر فرهنگ اسلام مطرح بوده اند، امروز نیز در مبارزه با تهاجم فرهنگی و تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر	
۳۶۸	نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی
۳۷۰	نقش مساجد در کنترل کنش های ناپهناجر محللات شهری
۳۷۲	مساجد و عدم تضییع حقوق شهروندان
۳۷۲	نقش امنیتی مساجد در شناخت فقرآلود
۳۷۳	نقش تربیتی مساجد و اصل ایشار و انذار
۳۷۴	منابع و مأخذ
۳۷۵	نقش مسجد در ایمنی و مسائل محیط زیست محله ای / دکتر اسدالله اسدی
۳۷۵	اشاره
۳۷۵	چکیده
۳۷۶	دیدگاه جزءگرایانه انسان به طبیعت
۳۷۷	دیدگاه علم گرایانه به طبیعت
۳۷۸	تسلط و کنترل انسان بر طبیعت
۳۷۹	تأثیر انسان محوری بر سیاست های محیطی
۳۸۰	دین و محیط زیست
۳۸۰	توجهات مذهبی در سیاست های محیطی
۳۸۲	اسلام و محیط زیست
۳۸۲	تفکر درباره طبیعت
۳۸۳	مسئولیت انسان در برابر طبیعت
۳۸۴	کمال بخشی به طبیعت

۳۸۵	توسعه پایدار
۳۸۶	ارتباط با طبیعت
۳۸۷	امنیت و ایمنی
۳۸۷	اصلاح و عمران
۳۸۸	دانش و آگاهی
۳۸۸	همکاری و همیاری
۳۸۸	قانون گرایی و قانون مندی
۳۸۹	نتیجه گیری
۳۹۰	منابع و مأخذ
۳۹۱	نقش مسجد در اقتصاد محله / دکتر علی محمد احمدی
۳۹۱	اشاره
۳۹۱	چکیده
۳۹۲	دین و توسعه انسانی
۳۹۳	رابطه دین و اقتصاد
۳۹۴	نقش دین در توسعه و رفاه اقتصادی
۳۹۶	معنای برکت
۳۹۶	اشاره
۳۹۸	الف) تقوی
۳۹۹	ب) حسن نیت
۴۰۰	ج) راست گویی
۴۰۰	د) سخاوت
۴۰۱	اقامه نماز و نماز شب
۴۰۱	اشاره
۴۰۲	الف) استغفار
۴۰۳	ب) دعا
۴۰۳	د) حج و عمره
۴۰۳	اشاره
۴۰۵	الف) انفاق
۴۰۶	ب) صلہ رحم
۴۰۶	ج) میانه روی
۴۰۶	د) ازدواج
۴۰۷	هـ) آسان گیری در معامله
۴۰۸	نقش مساجد در توسعه و رفاه اقتصادی
۴۱۱	نقش مساجد در اقتصاد محله ای
۴۱۳	منابع و مأخذ
۴۱۴	نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله ای / دکتر ابراهیم عباسی
۴۱۴	اشاره
۴۱۴	چکیده
۴۱۵	فرهنگ و ساختارهای تشکیل دهنده آن
۴۱۸	جنبه معنوی فرهنگ
۴۱۹	کارکرد فرهنگی مساجد

۴۲۰	مساجد و شکل گیری فرهنگ و هویت اسلامی محلات شهری
۴۲۲	ضرورت حضور پررنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلات
۴۲۳	تأثیر مساجد بر الگوهای فرهنگی شهروندان
۴۲۳	تعامل مساجد با فرهنگ سراها و خانه های فرهنگ
	توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون های فرهنگی منطقه ای جامعه انسانی نیازمند حکومت و قانون است. قانون هنگامی معقول و مطلوب است که برخاسته از فرهنگ صحیح باشد. این فرهنگ صحیح تنها با وضع قانون ایجاد نمی شود بلکه ضروری است نهادهای فرهنگی جامعه
۴۲۵	آسیب شناسی و چالش های فراروی فرهنگ دینی
۴۲۶	منابع و مأخذ
۴۲۸	نقش مسجد در توسعه محله ای / دکتر بابک نگهداری
۴۲۸	اشاره
۴۲۸	چکیده
۴۲۹	رابطه دین و نهادهای اجتماعی
۴۳۱	توسعه و رابطه آن با زندگی اجتماعی
۴۳۲	رویکردهای توسعه
۴۳۳	مساجد و هویت توسعه شهرهای اسلامی
۴۳۵	نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه
۴۴۰	مساجد، محوریت ایجاد و توسعه شهری و محله ای
۴۴۰	اشاره
۴۴۰	۱ - فضیلت وقف و باقیات الصالحات در فرهنگ اسلامی
۴۴۱	۲ - عدم پیش بینی فضای توسعه در بنای مسجد
۴۴۱	۳ - روحیه راحت طلبی
۴۴۱	۴ - اختلافات قومی و منطقه ای
۴۴۱	آسیب شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات
۴۴۳	نتیجه گیری
۴۴۵	منابع و مأخذ
۴۴۶	فصل چهارم : مسجد، کانون مبارزه با استکبار
۴۴۶	اشاره
۴۴۸	نقش جهانی مساجد در ایجاد وحدت و پشتیبانی از حرکت های انقلابی جهان اسلام
۴۴۸	پیش گفتار
۴۵۲	افق چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه
۴۵۳	نگاهی به برخی از فرازهای سند چشم انداز و برنامه چهارم
۴۵۴	سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه در امور فرهنگی، علمی و فن آوری
۴۵۶	امور اجتماعی، سیاسی دفاعی و امنیتی
۴۶۰	امنیت انسانی و عدالت اجتماعی
۴۶۰	اشاره
۴۶۳	الف) چالش های موجود در مساجد ایران
۴۶۵	ب) آسیب و چالش های فیزیکی و سخت افزاری
۴۶۵	ج) آسیب و چالش های مربوط به نیروی انسانی و کارگزاران
۴۶۶	د) آسیب و چالش های محتوایی و برنامه ای
۴۶۶	راه کارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی مساجد و جذب جوانان
۴۶۸	راه کارهای توسعه کمی و کیفی و جذب جوانان به مسجد
۴۶۸	اشاره

۴۶۹	الف) توسعه کمی
۴۷۲	ب) توسعه کیفی
۴۷۴	مسجد کانون حماسه های اسلامی (از آغاز تاکنون) / غلامرضا گلی زواره
۴۷۴	اشاره
۴۷۵	پایگاه عبادی و سیاسی
۴۷۸	مسجد خار چشم دشمنان
۴۷۸	مسجد کوفه
۴۷۹	جامع دمشق
۴۸۱	قیام های علویان
۴۸۲	قیام سرداران
۴۸۵	خشم مقدس
۴۸۶	قیام گوهر شاد
۴۸۸	فریاد اعتراض
۴۹۱	مسجد و انقلاب اسلامی
۴۹۴	اوج گیری نهضت
۴۹۸	انتفاضه مسجدالاقصی در مقطع کنونی / موسی الرضا حیدری
۴۹۸	اشاره
۵۰۱	ماهیت پروتکلها
۵۰۲	این هدف
۵۱۱	کانون زرسالاران یهودی
۵۱۲	الیکارشی خاخمی
۵۱۴	زرسالاران یهودی و تمدن جدید غرب
۵۱۷	اسطوره سازی صهیونیسم
۵۱۷	اسطوره بوگروم ها
۵۲۲	اسطوره هولوکاست و سیطره بر آمریکا
۵۲۸	پدیده ای بنام صهیونیسم مسیحی
۵۲۸	سرویس خارجی
۵۳۴	حماسه باران قدس
۵۳۴	مقدمه فصل دوم
۵۳۶	انتفاضه فلسطین
۵۳۸	عوامل مؤثر در پیدایی انتفاضه
۵۳۸	اشاره
۵۳۸	۱ - عوامل فلسطینی
۵۴۰	۲ - عوامل منطقه ای
۵۴۳	۳ - سرکوب و شکنجه فلسطینیان
۵۴۴	۴ - عوامل جهانی و بین المللی
۵۴۶	اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در انتفاضه
۵۴۸	نیروهای شرکت کننده در انتفاضه
۵۵۰	دست آوردها و پیامدهای انتفاضه
۵۶۰	منابع
۵۶۲	هولوکاست افسانه یا حقیقت؟! / عصمت اله بهاروند

۵۶۲	اشاره
۵۶۲	مقدمه
۵۷۰	نتیجه
۵۷۲	فصل پنجم: مسجد و جهانی شدن
۵۷۲	اشاره
۵۷۴	جایگاه «مساجد» در: عصر «جهانی شدن»/سید محمدرضا طالبیان
۵۷۴	مقدمه
۵۷۵	بخش اول: جهانی شدن: مبانی، مؤلفه ها و پیامدها
۵۷۵	جهانی شدن
۵۷۸	عناصر اساسی مدرنیسم
۵۷۸	۱ - عقل گرایی (Rationalism)
۵۷۹	۲ - اومانیسم (انسان گرایی) (Humanism)
۵۷۹	۳ - سکولاریسم (جدالتکاری دین و دنیا)
۵۷۹	۴ - آزادی
۵۸۰	بحران های دامنگیر جوامع مدرن
۵۸۱	بخش دوم: کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن
۵۸۱	مسجد و تکثیر اندیشه دینی
۵۸۲	مسجد و زودن شبهات فکری
۵۸۲	مسجد و بهداشت روانی
۵۸۴	مسجد و اندیشه «مهدویت»
۵۸۴	مسجد و مسئله یازبایی هویت
۵۸۶	تأملی در احیای نقش مساجد به اقتضای تحولات عصر جدید / دکتر علی معموری
۵۸۶	اشاره
۵۸۸	۱ - تنوع حاضران
۵۸۹	۲ - حضور غیرمسلمانان
۵۸۹	۳ - حضور بانوان
۵۹۰	۴ - تنوع فعالیت ها
۵۹۰	۵ - امام جماعت
۵۹۱	۶ - اداره شورایی
۵۹۲	نقش و جایگاه مساجد در فرآیند توسعه جهانی شدن / دکتر سید حمید حسینی
۵۹۲	چکیده
۵۹۳	توسعه
۵۹۵	«جهانی شدن»
۵۹۵	اشاره
۵۹۶	مقدمه
۵۹۸	نظریه ی «جهانی شدن»
۶۰۰	مساجد، توسعه و جهانی شدن
۶۰۲	مساجد و دولت کریمه ی جهانی
۶۰۵	نتیجه
۶۰۷	منابع و مأخذ
۶۰۸	درباره مرکز

فروغ مسجد 5 : چهارمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد

مشخصات کتاب

سرشناسه: همایش هفته جهانی مساجد (چهارمین: 1427ق : 1385: تهران)

عنوان و نام پدیدآور: فروغ مسجد 5: مجموعه سخنرانی ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد / [برگزارکننده] مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: قم : موسسه فرهنگ ثقلین ، 1385.

مشخصات ظاهری: 568ص.

فروست: موسسه فرهنگ ثقلین ؛ 28

شابک: 9649484248

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: .The world respect week of Musque.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: مساجد ها -- کنگره ها

شناسه افزوده: مرکز رسیدگی به امور مساجد

رده بندی کنگره: 1382 8/ BP261

شماره کتابشناسی ملی: 297/75

ص: 1

اشاره

مجموعه سخنرانی ها و مقالات برگزیده چهارهمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد

(30 مرداد ماه 1385 - 26 رجب 1427 - 21 آگوست 2006)

مرکز رسیدگی به امور مساجد

ص: 3

همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد (چهارمین: 1427 ق. = 1385 : تهران)

فروغ مسجد (5): مجموعه سخنرانی ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد (30 مرداد 1385، 26 رجب 1427، 21 آگوست 2006) / مرکز رسیدگی به امور مساجد. تهران؛ قم انتشارات ثقلین، 1385 .

568 ص: مصور. - (انتشارات ثقلین ؛ 43)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما

کتابنامه.

1. مسجدها - کنگره ها.

2. مسجدها - ایران - کنگره ها. 3. مسجدها - مقاله ها و خطابه ها. 4. مسجدها - ایران - مقاله ها و خطابه ها. 5. مسجد الاقصی، بیت المقدس - مقاله ها و خطابه ها. الف. عنوان. ب. عنوان: مجموعه سخنرانی ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد (مرداد 1385 - رجب 1427 - آگوست 2006).

8-ه- / BP 75/297 261

1385

فروغ مسجد (5)

ناشر: انتشارات ثقلین

دبیر کمیته علمی همایش: علی رضایی بیرجندی

ویرایش: ایرج تبریزی

صفحه بندی و ناظر چاپ: عباس رحیمی

لیتوگرافی و چاپ: نینوا

قطع: وزیری - 568 صفحه

تیراژ: چاپ اول - 5000 نسخه

تاریخ: تیر ماه 1386

نشانی : مرکز انتشارات ثقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه - کوچه شماره 33 - پلاک 13 - تلفن 7734467 - دورنویس

7732864

دفتر مرکزی مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران - تهرانپارس - بین فلکه دوم و سوم خیابان 182 غربی - پلاک 6 تلفن 77702312 -
دورنویس 77881452

شماره شابک 0 - 09 - 9960 - 964

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

ص: 4

سخن ناشر.. 21

پیش گفتار.... 23

بخش اول: سخنرانی ها

گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی پیش از خطبه های نماز جمعه تهران.. 29

گزیده ای از سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه هفته جهانی مساجد.... 33

گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم گرامی داشت هفته جهانی مساجد..... 37

گزیده ای از سخنان آیت الله تسخیری در مراسم افتتاحیه هفته جهانی مساجد و کنفرانس اسلامی.. 39

سخنان حجت الاسلام والمسلمین محسن اژه ای وزیراطلاعات در جمع ائمه جماعات جنوب تهران..... 41

سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم افتتاح چند مسجد در تهران..... 47

گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی معاون فرهنگی مرکز رسیدگی..... 49

گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله خزعلی در کمیسیون مساجد، چالش ها و راهکارها... 51

گزیده ای از بیانیه پایانی کنفرانس وحدت اسلامی و اجلاس گرامی داشت هفته جهانی مساجد.... 53

سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرودی در گردهمایی روحانیون غرب استان تهران و کرج..... 57

گزیده ای از سخنان خانم زعفرانی معاون امور زنان مرکز رسیدگی به امور مساجد... 71

سخنان دکتر علی اکبر ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در همایش هفته جهانی مساجد..... 73

سخنان حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در جمع ائمه جماعات شرق استان تهران.... 77

فصل اول: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسجد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسجد / دکتر علی محمدی آشنانی..... 85

چکیده..... 85

پیش گفتار..... 90

1 - مسجد نقطه آغاز و سنگ بنای کادرسازی و تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی... 86

2 - مسجد کانون مرکزی جامعه سازی اسلامی... 87

3 - مسجد پایگاه وحدت و جایگاه حل اختلاف... 91

ضرورت پیروی از سیره در دوران معاصر..... 91

مساجد در سیره ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / عالیه جعفری.... 95

پیش گفتار..... 95

خاطره از نخستین منبر مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله... 96

مسجد، کانون اصلی تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله... 97

بحثی تاریخی، در باره مسجد... 98

نخستین مسجد در اسلام..... 98

نقش فرهنگی مسجد در دوران پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله.. 99

نقش فرهنگی مسجدالحرام پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله... 100

نقش فرهنگی - آموزشی مسجد پس از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله... 101

سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد... 102

محتوای سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد..... 103

جایگاه موعظه در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله. 104

مراعات حال حاضران در مسجد..... 105

جاذبه های معنوی در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ...105

اهتمام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در باره امور مساجد. 106

ترجیح جلسات علمی بر جلسات دعا در مسجد، در زمان رسول خدا... 106

پی گفتار..... 107

پی نوشت ها.. 108

ص: 6

بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / کریم کوخانی زاده..... 111

چکیده..... 111

مقدمه..... 112

1 - مسجد به عنوان دانشگاه پیامبر صلی الله علیه و آله... 113

الف) جلسه های آموزشی پیامبر اسلام در مسجد..... 113

ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد..... 115

ج) انجام فعالیت های فرهنگی در مساجد و آغاز آن از مسجدالحرام..... 116

د) معلمان مسائل دینی..... 118

2 - مسجد بعنوان ستاد فرماندهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله..... 120

3 - مسجد، و گفت و گوی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با نمایندگان سایر ادیان... 121

4 - اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد..... 124

5 - ویژگی های مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و شیوه برگزاری نماز جماعت در سیره نبوی صلی الله علیه و آله.. 125

نتیجه گیری..... 128

مسجد در عصر مدرنیته..... 129

اعتکاف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد / رضا مفاخری..... 135

اعتکاف چیست؟ معتکف کیست؟.. 135

پیشینه تاریخی اعتکاف.. 136

همگانی و ضروری بودن اعتکاف..... 140

شروط و احکام اعتکاف.. 142

راه های گسترش اعتکاف..... 143

نتیجه..... 144

فهرست منابع و مأخذ..... 145

مسجد و گفت و گوی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با نمایندگان ادیان /محمدرضایی..... 147

مقدمه..... 147

جایگاه مسجد در سخنان خداوند و گفتار ائمه اطهار علیهم السلام... 148

علت نام گذاری مسجد... 149

ص: 7

اهمیت مسجد نزد خداوند منان... 150

1 - مذاکره با نمایندگان بنی تمیم..... 151

2 - گفت وگو با نمایندگان ثقیف.. 152

3 - گفت وگو با هیئت نمایندگان مسیحیان نجران.... 155

بررسی تاریخی و فقهی حضور زن در مسجد در صدر اسلام / علی اکبر گندمکار.. 157

حضور زنان در مسجد در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله.. 160

الف) خانه زن مسجد اوست..... 160

ب) روایات عام..... 162

ج) حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبر 9 و روایات دال بر جواز حضور.. 164

د) گواه تاریخ بر حضور زنان در مساجد در صدر اسلام برای اموری غیر از اقامه نماز..... 167

ه-) بررسی فقهی حضور زن در مسجد... 171

و) شرایط حضور زنان در مساجد..... 174

1 - استفاده نکردن از بوی خوش..... 174

2 - عدم اختلاط زن و مرد در مسجد..... 175

3 - پرهیز از سخنان بلند و بیهوده.... 175

4 - اجازه شوهر..... 176

5 - توقف بیجا نکردن در مسیر مسجد... 177

ز) آثار حضور زنان در مسجد.... 177

منابع و مأخذ..... 179

فصل دوم: کارکردهای مساجد

آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد / سید حمید حسینی..... 185

چکیده.. 185

مقدمه.. 186

ماهیت مسجد..... 188

آثار سیاسی، اجتماعی مسجد..... 190

ص: 8

- پیش گیری از جرائم..... 191
- مبارزه با ظلم..... 192
- وحدت و تعاون..... 192
- تعهد برابر سایر انسان ها (رعایت حقوق بشر)..... 195
- هم دردی و هم دلی..... 195
- دوستی های سالم..... 198
- کسب و تجارت... 200
- حفظ حدود و ثغور بلاد اسلامی.. 201
- آثار تربیتی..... 202
- ایثار و انفاق... 203
- آثار روحی و اخلاقی..... 204
- بهره و پاداش الهی..... 204
- نتیجه... 206
- پیشنهاد..... 207
- فهرست منابع و مآخذ.. 208
- نقش مسجد در سلامت روانی جامعه / کبری حیدری... 209
- پیش گفتار... 209
- اهمیت مسجد در اسلام... 210
- آرامش گمشده بشر در جهان امروز!..... 210
- عوامل نگرانی و پریشانی..... 211
- ارزش یاد خدا (ذکر)..... 214

نماز بهترین وسیله برای یاد خدا..... 216

نماز و آرامش روان.. 217

مساجد ملجأ مردم / ناصر شکریان..... 221

مقدمه..... 211

ص: 9

جایگاه مسجد... 222

کارکردهای مسجد..... 226

مسجدالحرام ملجأ مردم..... 228

مسجدالحرام مأمن مردم..... 229

مسجدالحرام خانه مردم..... 231

تذکر..... 231

ویژگی های دهگانه..... 232

1 - امنیت تکوینی..... 232

2 - امنیت تشریفی..... 233

3 - امنیت روحی و معنوی... 233

4 - امنیت از جهت جنگ و خونریزی..... 233

5 - امنیت از جهت حضور مفسد و ظالم..... 234

6 - امنیت از جهت تبعیض و نابرابری..... 234

7 - امنیت از جهت ورود مشرکین..... 235

8 - امنیت لقطه..... 235

9 - امنیت گیاهان و درختان.. 235

10 - اختیاری بودن نماز..... 236

آثار اجتماعی و تربیتی این پناهگاه امن..... 236

مساجد ملجأ مردم..... 237

مساجد و انقلاب اسلامی.... 241

فهرست منابع..... 244

پایگاه نمونه بسیج مسجد / ابوالفضل نجادی *** 245

پیش گفتار.... 245

کارکرد نظامی پایگاه مقاومت بسیج در مسجد... 246

فعالیت های نظامی پایگاه بسیج نمونه در زمان جنگ... 247

1 - سازمان دهی و اعزام نیروها به سوی جبهه های جنگ..... 247

ص: 10

3 - نگهبانی و پاس داری از کیان مسلمانان و حفظ امنیت.... 249

4 - مسجد و فعالیت های اضطراری مربوط به جنگ... 250

نقش مسجد در جبهه ها و میادین جنگ..... 251

فعالیت های نظامی پایگاه بسیج در زمان صلح.... 251

الف) حفظ و ارتقای آمادگی رزمی بسیجیان..... 252

ب) جذب نیرو و تکمیل ارتش بیست میلیونی..... 252

ج) اجرای برنامه های امنیتی..... 252

کارکرد آموزشی پایگاه بسیج..... 253

الف) تشکیل کلاس های آموزشی..... 254

ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ..... 255

ج) برگزاری مناظرات علمی در مسجد... 256

کتاب خانه پایگاه بسیج مسجد..... 257

نوارخانه بسیج.. 258

فعالیت های فرهنگی پایگاه مقاومت بسیج مسجد... 258

1 - ترویج فرهنگ جهاد و شهادت..... 259

2 - برگزاری جلسات مذهبی.. 261

3 - اجرای برنامه های اردویی..... 261

4 - برگزاری کلاس های هنری..... 262

5 - فعالیت های ورزشی.... 263

فعالیت های اجتماعی عام المنفعه پایگاه مقاومت بسیج مسجد..... 263

1 - تأسيس صندوق قرض الحسنه.... 264

2 - مشاركت در امر سازندگى و آبادانى كشور.. 264

بسيج و امر به معروف و نهى از منكر..... 265

بسيج و فعاليت هاى سياسى..... 266

رابطه پايگاه مقاومت بسيج با امام جماعت.... 267

رابطه و همكارى بسيج و هيات امنائى مسجد..... 267

ص: 11

رابطه پایگاه بسیج با اهل محل..... 269

رابطه پایگاه مقاومت بسیج با دیگر نهاد و سازمان های دولتی..... 270

آسیب شناسی پایگاه های مقاومت بسیج مساجد..... 271

1- اختلاف با دیگر مجموعه ها و ارکان مسجد..... 271

2- فاصله گرفتن از اصول و آرمان های مقدس بسیج... 272

3- بی برنامهگی و ائتلاف وقت.... 272

4- سوء مدیریت..... 272

5- انحصار پایگاه مقاومت بسیج در فعالیت های نظامی.. 273

6- استفاده نکردن از بزرگان و افراد با تجربه... 273

7- برخوردهای غیرعلمی و سلیقه ای با افراد.... 274

8- امتیازگرایی.... 274

9- نفوذ افراد فرصت طلب... 274

دیدگاه های حضرت امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در باره مقاومت بسیج..... 275

1- مساجد پایگاه های اصلی و همیشگی بسیج.. 275

2- حفظ توان نظامی و رزمی بسیج... 276

3- جهانی شدن بسیج.. 276

4- بسیجی بودن؛ افتخار همیشگی..... 277

5- نگهبانی از امنیت ملی.... 277

6- تشکیل ارتش 20 میلیونی..... 278

7- بسیج؛ رمز بقای انقلاب اسلامی... 278

8- همه جانبه بودن فعالیت های بسیج..... 279

فصل سوم: نقش مسجد در توسعه و مدیریت شهر اسلامی

نقش مسجد در توسعه فضایی و کالبدی محله ای / دکتر خسرو کی منش.... 283

چکیده.. 283

مساجد هویت مشترک شهرهای اسلامی..... 284

مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی.. 284

دیدگاه کل نگرایانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات.... 285

ص: 12

پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات... 286

مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان نشین... 287

مساجد و بهینه سازی توسعه شهری و محله ای..... 288

مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات.. 289

مساجد و آرام سازی سیمای ساختاری محلات..... 292

مساجد و ساختار منظم خانه های مستقر در محلات.... 293

آسیب شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات..... 293

منابع و مأخذ.. 295

نقش مسجد در مدیریت توسعه محله ای / دکتر سعید اسدی.... 297

چکیده.... 297

نقش مدیریت در زندگی اجتماعی..... 298

مدیریت در سطح کلان شهری... 300

دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت.... 302

مدیریت و اسلام.... 303

مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت.. 305

نقش مسجد در مدیریت اقتصادی..... 309

مسجد و مدیریت توسعه..... 310

نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله ای.... 312

نقش مسجد در سازمان و اجتماع محله ای / دکتر مسعود مظاهری..... 315

چکیده... 315

حوزه های اجتماعی شهرها... 316

محلات به عنوان حوزه های خرد اجتماعی.. 317

دین به عنوان یک نیاز اجتماعی... 319

مسجد، مهم ترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی..... 320

نقش تعاونی و اجتماعی مسجد.... 322

مسجد، کانون اجتماعات محلی.... 324

آسیب شناسی نقش اجتماعی محلات... 324

ص: 13

نقش مسجد در امنیت اجتماع محله ای / دکتر محمد عارفی..... 327

چکیده..... 327

کارکرد اجتماعی مساجد..... 328

مساجد و تعاون اجتماعی..... 330

مساجد و برقراری عدالت اجتماعی..... 330

ستادهای حفاظت اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی..... 331

نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی..... 332

نقش مساجد در کنترل کنش های نابهنجار محلات شهری... 334

مساجد و عدم تضييع حقوق شهروندان..... 336

نقش امنیتی مساجد در شناخت فقرآلود..... 337

نقش تربیتی مساجد و اصل ابشار و انذار..... 337

منابع و مأخذ.. 338

نقش مسجد در ایمنی و مسائل محیط زیست محله ای / دکتر اسدالله اسدی..... 339

چکیده.. 339

دیدگاه جزءگرایانه انسان به طبیعت... 340

دیدگاه علم گرایانه به طبیعت ... 341

تسلط و کنترل انسان بر طبیعت..... 342

تأثیر انسان محوری بر سیاست های محیطی.... 343

دین و محیط زیست.. 344

توجهات مذهبی در سیاست های محیطی..... 344

اسلام و محیط زیست..... 346

تفکر درباره طبیعت.... 346

مسئولیت انسان در برابر طبیعت..... 347

کمال بخشی به طبیعت... 348

توسعه پایدار..... 349

ارتباط با طبیعت..... 350

ص: 14

امنیت و ایمنی.. 351

اصلاح و عمران..... 351

دانش و آگاهی..... 352

همکاری و همیاری..... 352

قانون گرایی و قانون مندی..... 352

نتیجه گیری..... 353

منابع و مأخذ..... 354

نقش مسجد در اقتصاد محله / دکتر علی محمد احمدی..... 355

چکیده..... 355

دین و توسعه انسانی.. 356

رابطه دین و اقتصاد.. 357

نقش دین در توسعه و رفاه اقتصادی..... 358

معنای برکت..... 360

الف) تقوی..... 362

ب) حسن نیت.. 363

ج) راست گویی..... 364

د) سخاوت..... 364

الف) استغفار..... 365

اقامه نماز و نماز شب..... 366

ب) دعا.... 367

د) حج و عمره..... 367

الف) انفاق..... 368

ب) صله رحم... 369

ج) میانه روی.... 369

د) ازدواج..... 369

هـ) آسان گیری در معامله.... 370

ص: 15

نقش مساجد در توسعه و رفاه اقتصادی..... 371

نقش مساجد در اقتصاد محله ای... 374

منابع و مأخذ... 376

نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله ای / دکتر ابراهیم عباسی... 377

چکیده... 377

فرهنگ و ساختارهای تشکیل دهنده آن... 378

جنبه معنوی فرهنگ... 381

کارکرد فرهنگی مساجد..... 382

مساجد و شکل گیری فرهنگ و هویت اسلامی محلات شهری.. 383

ضرورت حضور پررنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلات..... 385

تأثیر مساجد بر الگوهای فرهنگی شهروندان..... 386

تعامل مساجد با فرهنگ سراها و خانه های فرهنگ... 386

توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون های فرهنگی منطقه ای..... 387

آسیب شناسی و چالش های فراروی فرهنگ دینی.. 388

منابع و مأخذ..... 389

نقش مسجد در توسعه محله ای / دکتر بابک نگهداری.. 391

چکیده... 391

رابطه دین و نهادهای اجتماعی..... 392

توسعه و رابطه آن با زندگی اجتماعی..... 394

رویکردهای توسعه... 395

مساجد و هویت توسعه شهرهای اسلامی..... 396

نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه.. 398

مساجد، محوریت ایجاد و توسعه شهری و محله ای... 403

1- فضیلت وقف و باقیات الصالحات در فرهنگ اسلامی..... 403

2- عدم پیش بینی فضای توسعه در بنای مسجد.. 404

ص: 16

3 - روحیه راحت طلبی..... 404

4 - اختلافات قومی و منطقه ای..... 404

آسیب شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات..... 404

نتیجه گیری..... 406

منابع و مأخذ..... 408

فصل چهارم: مسجد، کانون مبارزه با استکبار

نقش جهانی مساجد در ایجاد وحدت و پشتیبانی از حرکت های انقلابی جهان اسلام..... 411

پیش گفتار..... 411

افق چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه... 415

نگاهی به برخی از فرازهای سند چشم انداز و برنامه چهارم..... 416

سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه در امور فرهنگی، علمی و فن آوری..... 417

امور اجتماعی، سیاسی دفاعی و امنیتی.. 419

امنیت انسانی و عدالت اجتماعی.... 422

الف) چالش های موجود در مساجد ایران..... 424

ب) آسیب و چالش های فیزیکی و سخت افزاری.... 426

ج) آسیب و چالش های مربوط به نیروی انسانی و کارگزاران..... 426

د) آسیب و چالش های محتوایی و برنامه ای... 427

راه کارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی مساجد و جذب جوانان..... 427

راه کارهای توسعه کمی و کیفی و جذب جوانان به مسجد..... 429

الف) توسعه کمی... 430

ب) توسعه کیفی..... 433

مسجدکانون حماسه های اسلامی (از آغاز تاکنون) / غلامرضا گلی زواره... 435

چکیده..... 435

پایگاه عبادی و سیاسی.... 436

مسجد خار چشم دشمنان..... 439

ص: 17

- مسجد کوفه.... 439
- جامع دمشق... 440
- قیام های علویان.... 442
- قیام سرداران..... 443
- خشم مقدس..... 446
- قیام گوهر شاد..... 447
- فریاد اعتراض..... 449
- مسجد و انقلاب اسلامی..... 452
- اوج گیری نهضت... 455
- انتفاضه مسجدالاقصی در مقطع کنونی / موسی الرضا حیدری..... 459
- ماهیت پروتکلها... 462
- این هدف..... 463
- کانون زرسالاران یهودی.... 472
- الیگارش‌ی خاخامی..... 473
- زرسالاران یهودی و تمدن جدید غرب..... 475
- اسطوره سازی صهیونیسم... 478
- اسطوره پوگروم ها..... 478
- اسطوره هولوکاست و سیطره بر آمریکا..... 483
- پدیده ای بنام صهیونیسم مسیحی..... 489
- سرویس خارجی..... 489
- حماسه یاران قدس... 495

مقدمه فصل دوم..... 495

انتفاضه فلسطین..... 497

عوامل مؤثر در پیدایی انتفاضه..... 499

1- عوامل فلسطینی..... 499

2- عوامل منطقه ای..... 501

ص: 18

3 - سرکوب و شکنجه فلسطینیان..... 504

4 - عوامل جهانی و بین المللی..... 505

اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در انتفاضه... 507

نیروهای شرکت کننده در انتفاضه.. 509

دست آوردها و پیامدهای انتفاضه.... 511

منابع..... 521

هولوکاست افسانه یا حقیقت؟! / عصمت الله بهاروند... 523

مقدمه..... 523

نتیجه..... 531

فصل پنجم: مسجد و جهانی شدن

جایگاه «مساجد» در: عصر «جهانی شدن» / سیدمحمدرضا طالبیان... 535

مقدمه..... 535

بخش اول: جهانی شدن: مبانی، مؤلفه ها و پیامدها... 536

جهانی شدن... 536

جهانی شدن یک برنامه یا یک پدیده طبیعی؟.... 537

عناصر اساسی مدرنیسم.. 539

1 - عقل گرایی..... 539

2 - اومانیزم (انسان گروی)..... 540

3 - سکولاریسم (جدانگاری دین و دنیا).... 540

4 - آزادی..... 540

بحران های دامنگیر جوامع مدرن..... 541

بخش دوم: کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن.. 542

مسجد و تکثیر اندیشه دینی.... 542

مسجد و زدودن شبهات فکری..... 543

مسجد و بهداشت روانی.... 543

ص: 19

مسجد و اندیشه «مهدویت»... 545

مسجد و مسئله بازیابی هویت..... 545

تأملی در احیای نقش مساجد به اقتضای تحولات عصر جدید / دکتر علی معموری..... 547

1 - تنوع حاضران.. 549

2 - حضور غیرمسلمانان..... 550

3 - حضور بانوان.... 550

4 - تنوع فعالیت ها..... 551

5 - امام جماعت... 551

6 - اداره شورایی.. 552

نقش و جایگاه مساجد در فرآیند توسعه و جهانی شدن / دکتر سید حمید حسینی..... 553

چکیده... 553

توسعه... 554

«جهانی شدن»..... 556

مقدمه... 557

نظریه ی «جهانی شدن»..... 559

مساجد، توسعه و جهانی شدن..... 561

مساجد و دولت کریمه ی جهانی... 563

نتیجه..... 566

منابع و مأخذ.. 568

بدون تردید مسجد مقدس ترین مکان برای عبادت، نیایش و یاد خداوند متعال و همواره مشعل هدایت و سمبل توجه به ارزش های والای انسانی و طرد آلائی های مادی و نشانگر هویت فرهنگ و هنر اسلامی و مرکز پیش گیری و کاهش بزهکاری های اجتماعی است. بدینسان مسجد قلب تپنده ای است که در آن آسمان با زمین باهم پیوند می خورند و انسان به عنوان گل سرسبد نظام هستی در آن رشد و تکامل می یابد.

مؤسسه فرهنگی ثقلین در راستای اشاعه فرهنگ اسلام و اهل بیت پیامبر علیهم السلام و نشر حقایق ناب دینی جهت احیای کامل مساجد کشور و حل مشکلات این پایگاه های دین و اخلاق و معنویت و برترین مکان تقویت ایمان و عالی ترین مرکز کسب آگاهی و بصیرت و زیباترین جایگاه تربیت و پرورش انسان های وارسته و مهم ترین مکان گسترش فعالیت های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جلد پنجم فرغ مسجد که مجموعه سخنرانی ها و مقالات اجلاس هفته گرامی داشت مساجد در سال 1385 می باشد منتشر نماید.

امید است با احیای کامل و جامع مساجد جامعه ای مسجد محور داشته باشیم.

در پایان خداوند را می خوانیم که توفیق خدمتگذاری به ساحت مقدس قرآن، اهل بیت علیهم السلام و مساجد به ما عنایت فرماید.

مؤسسه فرهنگی ثقلین

عصر ما، عصر بازنگری و بازگشت به دین می‌باشد. دو قاعده بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری یعنی یوزیتویسم در زمینه اندیشه و علم و مارکسیسم / کمونیسم در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه‌گردانی شکست خورد، و برای بشریت رنج دیده امروز مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت معنوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است فراهم آمده است از سده‌های نخستین ظهور اسلام در عامه مجامع اسلامی مساجد به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامیت تجلی داشته و آنچه در منظر ابتدایی مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است همانا وجود مناره‌های بلند و زیبای مساجد در پیشانی شهرهای اسلامی بوده است در حقیقت آموزش عملی بنیانگذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدار پایه‌گذاری شده است در طراحی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی مسجد نخستین پروژه‌ای است که معمار نهضت اسلامی در آستانه ورود به یترب در محله قبا آن را به‌مورد اجرا گذارد. وی با ورود به یترب نام مدینه را بر آن برگزید و مسجد دیگری را در مرکز شهر بنا می‌نهد.

بدین ترتیب می‌نمایاند که برای ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن جهت برخورداری از جامعه سالم از قالب مسجد باید گذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا صبغه‌الله است برخورد گرفت و آنگاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی و مدیریتی تشکیل داد و دین و آیین سیاست و مدیریت را آموخت و یاد داد که اسلام دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه اسلامی است در مسجد شکاف طبقاتی حذف و نظام برادری بر آن حاکم است آنچه که مورد نظر است تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش‌های جامعه است کارکردهای نمونه یک امت بدون تمایز ظاهری حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد بوضوح مشهود است.

مساجد در ایران اسلامی در همه مراحل انقلاب همواره ملجأ و مأمن و مرجع مردم و مسئولان بوده است. خدمات شایان مساجد در قبل و در آستانه انقلاب که به عنوان پایگاه های عظیم انقلاب در ساماندهی و سازماندهی نیروهای انقلاب و روشنگری ائمه جماعات و اطلاع رسانی به موقع برکسی پوشیده نیست.

بعد از پیروزی انقلاب تقریباً همه کارها در مساجد انجام می گرفت و کمیته های انقلاب از دل مساجد جوشید و آرامش را به کشور باز گرداند در زمان هشت سال دفاع مقدس و سپس دوران سازندگی و زمان امداد رسانی این مساجداند که به فریاد ملت و کشور رسیدند.

سؤال این است که آیا انقلاب و مسئولان که از مساجد برخوردارند چه میزان به مساجد خدمت کرده اند آیا پس از ربع قرن پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه و پیشرفت در محورهای گوناگون کشور چنین احساس نمی شود که پایگاه اصلی انقلاب یعنی مساجد مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است مسئولان نظام چه میزان حق مساجد را اداء کرده اند.

راستی رسالت نظام مقدس جمهوری اسلامی با توجه به مکتبی بودن نظام در قبال مساجد و مسجدی ها و تعمیق باورهای دین و تربیت کارگزاران مساجد و پشتیبانی از مساجد چیست؟ برخورداری از حدود 000/60 مسجد از جمله سرمایه های ملی و اسلامی ایران است که متأسفانه استفاده مطلوب از آنها صورت نمی گیرد آیا جای تأسف نیست که ترکیه لائیک که نصف وسعت ایران وسعت و کمتر از جمعیت ایران جمعیت دارد در مسجدسازی حرف آخر را بزند و 000/90 مسجد داشته باشد. اما مساجد جمهوری اسلامی ایران هم از جهت کمی و هم کیفی پائین تر از آن کشور باشد. حال آن که ایران اسلامی به عنوان ام القرای جهان اسلام علاوه بر ساماندهی مساجد در داخل باید از وجود امکان بالقوه سازماندهی مساجد جهان اسلام به عنوان ساختار جهانی امت اسلامی استفاده کند و با بهره برداری از امکانات مادی و معنوی مساجد جهان اسلام برای ایجاد وحدت بیشتر مسلمین کوشش نماید.

مرکز رسیدگی به امور مساجد از دولت و مجلس مکتبی انتظار دارد که ضمن جبران کاستی های گذشته دین خود را به مساجد ادا نمایند.

باید توجه داشت با عنایت به این که تکریم مساجد وظیفه همه مسلمانان و حق جویان است و خوشبختانه در همین راستا سازمان کنفرانس اسلامی 21 آگوست سالروز آتش زدن مسجدالاقصی از سوی اسرائیل غاصب را روز آغازین هفته جهانی گرامی داشت مساجد برگزیده است.

مرکز رسیدگی به امور مساجد ضمن ارج نهادن به این اقدام مقدس برای چهارمین سال با همکاری نهادها و سازمان های مرتبط با تشکیل ستاد بزرگداشت هفته جهانی مساجد برگزاری هرچه با شکوه تر این هفته را با هدف بهبود وضع مساجد داخل و خارج کشور و ساماندهی و توسعه و شکوفایی روزافزون آنها در دستور کار خویش قرار داده و با فراخوان آثار و مقالات

ضمن برپایی اجلاس های گوناگون گرامی داشت. هفته جهانی مساجد با حضور مسئولین نظام عالمان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه ائمه جماعات اهل قلم و فعالان فرهنگی مساجد به این مهم اقدام نموده است ائمه جماعات هیئت امنای و فعالان فرهنگی مساجد در روز نخست با حضور در حرم مطهر امام خمینی بر لزوم تحقق منویات والا و آرمان های بلند و الهی آن قافله سالار سفر کرده بویژه در مورد احیای مساجد تأکید کردند علما و دانشمندان در اجلاس های گوناگون و کمیسیون های تخصصی با تکیه بر جایگاه بی بدیل مساجد در فرهنگ اسلامی و لزوم استفاده از توانمندی های آنها بر توسعه و گسترش هرچه بیشتر کارکردهای مساجد با توجه به شرایط زمان و نیز رفع موانع و مشکلات مساجد تأکید نمودند.

در پایان از همه کسانی که در برگزاری اجلاس های گوناگون و نیز کمیسیون ها در تهران و اجلاس ها در مراکز استان ها و سراسر کشور صادقانه همکاری نموده اند بویژه اعضای محترم ستاد عالی هفته گرامی داشت مساجد تشکر و قدردانی نموده و توجه خوانندگان گرانقدر را به گزارشی از سخنرانی ها و مقالات ارائه شد، جلب می نمایم.

دبیر کمیته علمی ستاد گرامی داشت هفته ی جهانی مساجد

علی رضایی بیرجندی

بخش اول: سخنرانی‌ها

اشاره

ص: 27

گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی پیش از خطبه های نماز جمعه تهران

به مناسبت هفته جهانی گرامی داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحيم

مساجد در طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام، پایگاه مبارزه با ستم گران و زیاده طلبان بوده است و امروزه مصداق بارز ظلم و زیاده خواهی در دنیا، رژیم غاصب اسرائیل و صهیونیست ها هستند. صهیونیست ها همواره دشمن مسجد بوده اند از جمله و در اقدامی سبعانه مسجد الاقصی را آتش

زدند. در هر جا هم قدرت یابند، این کار را تکرار خواهند کرد؛ اما فرزندان مسجد در لبنان اجازه

ندادند آنان در این کشور به هدف شوم خود دست یابند. شکی نیست که مسجد خانه خدا، محل تجمع یکتا پرستان، کانون توجه همه انسان ها و مرکز هدایت امت اسلام است که نخستین فلسفه تشریح جهاد برضد کفار، صیانت از حریم این مکان مقدس بود. در عظمت مسجد همین بس که محل استقرار نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و عروج پیامبر بزرگ به ملکوت اعلی بود و اگر محلی وجیه تر و با اهمیت تر و با عظمت تر و برتر از آن بود، پیامبر در آنجا به تربیت یاران خود

و فرماندهی جنگ ها می پرداخت. باید توجه داشت مسجد ملاک آزمایش بزرگان و معیار سنجش و میزان توان صاحبان امکان در جامعه اسلامی است. اگر امروز حزب الله با قدرت و عزت، موجب افتخار جهان اسلام و مستضعفان و مظلومان است، به علت تربیت یافتن نیروهای این حزب در مساجد است و هر جا انسانی لایق و توانمند، شایسته و والا، قدرتمند و بلندی طلب

و خداجو حضور دارد، بدون تردید فرزند مسجد است. به همین علت اجازه احداث و آبادی مساجد فقط به افرادی مؤمن و مخلص واگذار شده است، یعنی کسانی که مامور عمران و آبادانی مساجد می شوند، باید از ایمان به خدا و قیامت برخوردار باشند و به اقامه نماز پردازند و اهل پرداخت زکات باشند و از دشمنان دین خدا ترسی نداشته باشند و جز صاحبان این ویژگی ها، حق مداخله در این کار ندارند. اگر مساجد آباد باشند، همه بخش های جامعه رو به آبادانی می گذارد. زیرا مساجد اسوه طهارت و پاکی در نظام آفرینش است و اساس خانه خدا بر تقوا استوار است. مسجد کانون تربیت انسان های با تقوا، دانشمند و فرهیخته و مرکزی برای وحدت مسلمین و بسیج فکری آنهاست، رازی در آن نهفته که می تواند در جامعه تحول ایجاد کند؛ هرگز نباید این نقش ها را فراموش کرد. مسئله اعتکاف در کشور ما نهادینه شده و امسال ما در مرکز رسیدگی به امور مساجد هرچه تلاش کردیم مساجد به اندازه معتکفان آماده کنیم، نتوانستیم. این امر نشان دهنده آن است که مردم از مسجدیان سبقت گرفتند و جوانان ما در این مسئله معجزه آفریدند. باید محبت به مسجد را در ردیف محبت به قرآن، عترت، رسول الله صلی الله علیه و آله و در ردیف محبت به ذات احدیت دانست. به هر حال، در فضیلت و جایگاه و عظمت مساجد، جای هیچ تردید نیست. همه باید با احترام به این مکان مقدس و برای ارتقای روز افزون جایگاه آن تلاش کنند. ظرفیت مسجد در ابعاد گوناگون پیش از این است و از این که امروز این مکان مقدس در سراسر جهان اسلام در شأن اسلام نیست و به علت برخی کوتاهی ها از ایفای نقش و کارکرد خود ناتوان شده است، متأسفیم، در عین حال گرچه از همه ظرفیت های مسجد استفاده نمی شود، اما این مکان مقدس در قیاس به سایر اماکن از کارآمدترین جایگاه در

جامعه برخوردار است، باید تلاش کرد تا ظرفیت آن به جایی برسد که اسلام مشخص کرده است. از طرفی در مقابله با کفر، ظلم و ستم گری پایگاهی بهتر از مسجد نمی توان سراغ کرد. ما امروز شاهد آن هستیم که در همه دنیا در کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی، خیزش مسلمانان از مساجد است. امام خمینی قدس سره انقلاب اسلامی را از مساجد آغاز کرد و امروز مقاومت لبنان عزیز که مسیر نهضت آن حضرت را می پیماید، از مساجد می درخشد و مجاهدان تربیت یافته در خانه های خدا، براساس آموزه های دینی، اسرائیل را خوار و ذلیل کرده و پوزه

آمریکارا به خاک مالیده اند. همین آموزه ها و مساجد اروپای متجاوز را رسوا ساخته و آرمان های کفر را به باد داده اند. امام جعفر صادق علیه السلام در مسجد، چهار هزار اندیشمند را پرورش داد. این مکان مقدس را پایگاه فعالیت های علمی و فرهنگی و اطلاع رسانی مسلمانان معرفی کرد. باید توجه داشت امروز در بین دولتمردان نظام مقدس جمهوری اسلامی که به جامعه خدمت می کنند، انسان های لایقی هستند که به نحوی در مسجد تربیت شده اند، رئیس مجلس شورای اسلامی خود را مفتخر به مکبری در مسجد می داند رئیس جمهور خود را مفتخر به عضویت در هیئت امنای مسجد می داند، اینان نمونه هایی از فرزندان مسجد به شمار می روند. مرکز رسیدگی به امور مساجد با برنامه ریزی و تدوین و اجرای راهکارهای گوناگون تلاش می کند تا به مقصد عالی مورد نظر مساجد نایل شویم ما برای رسیدن به این هدف پنج کمیسیون با عناوین آسیب شناسی مساجد و نحوه مقابله با آنها، راهکارهای توسعه کمی و کیفی مساجد و نقش جهانی آنها در برقراری وحدت، نحوه جذب مردم و جوانان، چشم انداز بیست ساله مساجد براساس سند مذکور و معماری مساجد را فعال کرده ایم. ما یقین داریم پیروزی مسلمانان بر جبهه کفر، روزی تحقق می یابد که میان مساجد مسلمانان در سراسر دنیا ارتباط برقرار شود، و تصویب هفته جهانی گرامیداشت مساجد به همت سازمان کنفرانس اسلامی - در پاسخ به اهانت و جسارت صهیونیست ها در به آتش کشیدن مسجد الاقصی - صورت گرفت. ما باید این فرصت را مغتنم بشماریم. برنامه های هفته جهانی بزرگداشت مساجد که با کمک و همکاری نهادهای مرتبط با امور مساجد نیز برگزار شد و حدود ششصد تن از ائمه جماعت، اعضای هیئت امناء، خادمان مساجد و بسیجیان در هفته جاری قدردانی شدند.

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

گزیده ای از سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه هفته جهانی مساجد

و کنفرانس وحدت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام به آن علت که با ایده جهانی ظهور کرده و طرحی برای سعادت همه افراد بشر بنا نهاده، راهکار تعامل ملت ها را نیز فراهم کرده است، از این رو امروز باید از این موج عظیم بیداری در

شماره 1

ص: 33

جهت همگرایی بیشتر استفاده شود. پیروزی حزب الله لبنان ثابت کرد که دشمنان اسلام هر اندازه مقتدر باشند، خوابی که برای دنیای اسلام دیده اند، خوابی آشفته است، چرا که دنیای اسلام بیدار

شده است و ملت های مسلمان از این پس زیر بار سلطه جویی ها و زورگویی ها سلطه گران نخواهند رفت. مقاومت حزب الله در لبنان شوکی بسیار نیرومند به محافل غرب و همچنین کشورهای اسلامی وارد کرد و آنان همچنان در حال بحث و گفت و گو درباره این اتفاق هستند. این جریان نشان می دهد که ما باید بیشتر به مسائل و مشکلات جهان اسلام توجه کنیم. از جمله نیازهای واقعی امروز در جهان اسلام ضرورت زندگی مسالمت آمیز مسلمانان با سایر مذاهب در کشورهای اسلامی و همچنین در دیگر کشورهاست. باید راهی پیدا شود که مهاجران از هر مذهب و قومی بتوانند به صورت مسالمت آمیز به زندگی خود ادامه دهند و این امر بدون تعامل میسر نمی شود. اسلام خوشبختانه زمینه تعامل را در خود دارد و ما مشکلی به این لحاظ نداریم، زیرا اگر بخواهیم با اصول اسلامی زندگی کنیم و اهل تعامل هم باشیم. اسلام خود دینی جهانی است و برای همه بشریت طراحی شده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هسته اولیه مسلمانان به حضور نژادهای گوناگون توجه داشتند، در قرآن آزادی و لا اکره فی الدین مترقی ترین اصل در جهان بشری است، چرا که به مردم اجازه می دهد که عقیده خود را داشته باشند و بتوانند براساس آن زندگی کنند. بدیهی است خیزش ملت های مسلمان دشمنان را نگران کرده است، و روز به روز هم این نیروی جدید به طرف تجمع و سازماندهی و استفاده از ابزار و دانش جدید حرکت می کند. از طرفی مشکلات صدها میلیون مسلمان مهاجر که در کشورهای غیراسلامی به سر می برند، ایجاب می کند که تجمع اندیشمندان در این کنگره در جهت حل مشکلات مهاجران باشد. کنگره باید شرایط مذاکره علمای مسیحی، یهودی، هندو، بودایی و سایر ادیان را

فراهم کند، چرا که این ادیان وزنه ای در جهان محسوب می شوند. اگر هسته ای کوچک از صاحب نظران همه ادیان و فرق متشکل شوند و با هم تعامل سازنده داشته باشند، می توانند بسیاری از مشکلات دنیای امروز را حل کنند و صلح و امنیت را در جهان پایدار نمایند. بسیاری از عقلای غرب به دولت مردان شان پیشنهاد داده اند که در پی برخورد با جهان اسلام نباشند، ولی این که صاحبان قدرت و دولت مردان این سخنان را گوش می کنند یا خیر معلوم

نیست، گاهی به جای این که نرمش نشان دهند، برخوردهای خشن تری از خود بروز داده اند. موج عظیمی امروز در دنیا پدید آمده و خیزش امت اسلامی محسوس است، و این را نظام سلطه جهانی فهمیده است، اما هیچ مرکزیتی برای آن نمی یابد که به آن حمله کند. چون نیروی کاملاً جدیدی است که هر روز بیشتر و بهتر خود را سازماندهی می کند. نیروهای این جریان عمدتاً از افراد تحصیل کرده هستند. در این کنگره باید درصدد حل مشکلات صدها میلیون مهاجری باشیم که در کشورهای غربی زندگی می کنند شایسته است که کمیته ای از همین کنگره تشکیل شود و با علمای مسیحی و یهودی و هندو و سیک و بودایی وارد بحث شوند و با هدف تعامل - نه چالش - با یکدیگر مذاکره کنند. امروز حقوق اقلیت های مسلمان در کشورهای دیگر بسیار تضعیف می شود و در همه زمینه ها مشکل دارند، شاید بتوان گفت که با شکنجه زندگی می کنند. باید برای آنان تدبیری اندیشید. ایران در قالب کشوری اسلامی - که می خواهد براساس اسلام حکومت کند - حاضر است بانی این کار شود و اسباب و امکانات این کار را بر عهده بگیرد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: 35

گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم گرامی داشت هفته جهانی مساجد

و افتتاح کنفرانس وحدت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین جایگاه مساجد با تکیه بر متون اسلامی قرآن، متون نبوی، نقش مساجد در جهان اسلام، ایجاد معنویت و ارتباط با خدا، ارتقای کارایی مساجد، در پیشبرد اهداف اسلامی از طریق

شماره 2

ص: 37

مبادله، راهکارهای مناسب برای جذب مردم و به ویژه جوانان به مساجد، تبیین راهکارهای تعامل بین مساجد و دولت های اسلامی و غیراسلامی، ارائه الگوی مناسب از مسجد کارآمد و تأثیرگذار براساس آنچه پیامبر اکرم و آله بنیان گذاشت، بیان تجربیات و نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان اهداف مرکز رسیدگی به امور مساجد در تشکیل شورای بین المللی مساجد مطرح است. اگر شورای عالی بین المللی مساجد تشکیل شود دستاوردهای ارزنده ای از جمله وحدت هرچه بیشتر مسلمانان به دست خواهد آمد. این طرح موجب می شود تا مساجد در کشورهای اسلامی و غیراسلامی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با یکدیگر داشته باشند و طرح تشکیل شورای عالی بین المللی مساجد در جهان اسلام موجب وحدت هرچه بیشتر مسلمانان در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می شود. طرح های اجرایی این شورا به همت مرکز رسیدگی به امور مساجد آماده شده است و اگر اجلاس آن را بپذیرد ما خواهیم توانست به یاری خداوند و از طریق مساجد، کشورهای اسلامی را با هم مرتبط نماییم.

گزیده ای از سخنان آیت الله تسخیری در مراسم افتتاحیه گرامی داشت هفته جهانی مساجد و کنفرانس اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

مهم ترین هدف برگزاری این کنفرانس بررسی نقش و جایگاه مسلمانان مستقر در کشورهای غیراسلامی و رسیدگی به مشکلات آنان تحت عنوان حقوق، وظایف، مشکلات اقلیت های مسلمان در کشورهای غیراسلامی می باشد تا به حال در این همایش عظیم بیش از هزار تن از

شماره 3

ص: 39

شخصیت های اسلامی از خارج از کشور و ده ها هزار تن از برادران و خواهران مسلمان از مذاهب گوناگون از داخل کشور حضور یافته اند. انتشار ده ها مجلد کتاب از مجموعه بحث های عرضه شده در کنفرانس، صدها مقاله، مصاحبه و پژوهش های علمی و ارزنده، میراث گران بهایی است که به زبان های فارسی، عربی و انگلیسی تقدیم عالم اسلام شده است. البته نوزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی به لحاظ همزمانی با برگزاری کنفرانس عظیم فلسطین در ایام الربیع ولادت با سعادت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با چند ماه تأخیر و در این ایام خجسته برگزار می شود که همزمان است با جشن های پیروزی امت اسلام، به مناسبت پیروزی عظیم مردم مسلمان لبنان و حزب الله سرافراز بر دشمن صهیونیستی، که خود نماد پیروزی حق بر باطل، خون بر شمشیر و ایمان و عقیده بر ماشین جنگی فوق مدرن در عصر کنونی به شمار می رود.

سخنان حجت الاسلام والمسلمین محسن اژه ای وزیر اطلاعات در جمع ائمه جماعات و فعالان مساجد جنوب تهران

در هفته جهانی گرامی داشت مساجد

مسجد برای ما یک سنگر است، ولی حقیقت این است که کماکان اهمیت مساجد برای ما چندان شناخته شده نیست، مساجد در زندگی فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ما نقش مهم ایفا می کند، ولی این نقش هنوز چندان در سطح جامعه روشن نشده است. مساجد دارای ظرفیت

شماره 4

ص: 41

مهمی هستند، ولی این نقش هنوز چندان در سطح جامعه روشن نشده است. مساجد دارای ظرفیت و قدرتی بسیار عظیم است که می توان بیش از پیش از این ظرفیت برداشت و استفاده کرد، ولی متأسفانه ما آن چنان که باید به قدرت و معنویت مساجد به صورت کامل واقف نشده ایم. در حال حاضر جریانی که در طول سال های قبل در کشور جولان داشته و امروز برکنار و دستش از بسیاری از مناصب کوتاه شده، در بررسی دلایل شکست خود به دوری از مسجد اشاره می کند، آنها در درون خودشان علت شکستشان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده و اعلام کرده اند که یکی از علل ناکامی و شکست شان دوری از مسجد و برنامه های مسجد و مردمی بوده است که به مسجد می رفته اند. آنان می گویند که ما از این مقوله ها دور شدیم و به سراغ دیگران رفتیم، به سراغ آموزه هایی که مربوط به مسجد و روحانیت نیست و مسجد را کنار گذاشتیم به عبارت دیگر سراغ آموزه هایی رفتیم که در دین نبود. آنان در زمان حاضر برای رفع این نقص در حال برنامه ریزی هستند و می گویند باید برای رفع این نقص به سراغ مسجد، بسیج و مردمی که با مسجد سر و کار دارند، بروند، اگر ایشان براساس تفکر درست به این نتیجه رسیده باشند و در برابر گذشته خود احساس ندامت داشته باشند و بخواهند از خطاها برگردند، ما خدا را از این بابت شکر و برای آنان طلب توفیق می کنیم، ولی اگر نگاه آنها شیطنت آمیز باشد، به این معنا که بخواهند در مساجد و بسیج حضور پیدا و با تغییر چهره از این سنگر و محراب در جهت اهداف شیطنی خود استفاده کنند، باید به شدت مراقب بود و اجازه چنین کاری را نداد. امروز در صدر دشمنان ما شیطان بزرگ امریکا قرار دارد که در خصوص انقلاب و روحانیت دشمنی و کینه توزی دارد و در پی ایجاد بدبینی بین مردم، مسئولان و روحانیت است، و در این راه از هر ترفندی استفاده می کند. وی با بیان اینکه امریکا از ملت ما خشمناک است و در حالت غضب تصمیماتی غیر منطقی می گیرد، در مکتب اسلام به ما تأکید شده است که در حالت غضب و خشم تصمیم نگیرید. وقتی غضب بر یک فرد عاقل معمولی مستولی می شود و می خواهد در این حالت تصمیم بگیرد، ممکن است تصمیمش خارج از عقل باشد و مقداری جنون بر این تصمیم او سایه بیفکند، حال در نظر بگیرید که یک فرد ظالم و پر از خشم و کینه بخواهد در حالت غضب تصمیمی بگیرد، طبیعی است که چه تصمیم خطرناکی خواهد گرفت. امروز دشمنان ما و در رأس

آن آمریکا که شیطان بزرگ و نوچه اش اسرائیل و شیطان پیر انگلیس، براساس شکست های پی در پی ظرف 27 سال اخیر از جانب انقلاب اسلامی ناراحت و غضبناک هستند و در تصمیم گیری های ظالمانه خود انصاف را مراعات نمی کنند و تصمیم هایی متناقض و خارج از منطق می گیرند. البته آنان در تحقق وعده های شیطانی خود موفق نخواهند شد، ولی ممکن است برای ما هزینه ها و مزاحمت هایی تولید کنند. در حال حاضر پرچم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به زعامت مقام معظم رهبری در جهان اسلام و خاورمیانه برافراشته شده و دشمنان برای مقابله با این امر به توطئه هایی گرایش پیدا کرده اند. آنان ظرف چند سال تصور می کردند که ارزش ها در ایران کمرنگ شده و نسل سوم انقلاب اسلامی توجهی به این ارزش ها ندارد، فکر می کردند که در تولید یأس و ناامیدی در بین ملت ایران موفق شده اند، از طریق بلندگوهای خود و حتی تریبون های رسمی و مراکز فرهنگی نظام و حتی برخی فرهنگ سراها شبهه هایی در ارتباط با دین و نظام ایجاد می کردند و با استفاده از امکانات این مراکز سعی می کردند که تاریخ انقلاب، بخصوص دهه اول آن را تحریف کنند و زیر سؤال ببرند. افراد جامعه اعم از مسئول و غیرمسئول را به سمت دنیاطلبی و رفاه سوق داده، فساد اجتماعی، اخلاقی و سیاسی را در جامعه رشد و مقوله مواد مخدر و اعتیاد را بین مردم به ویژه جوانان گسترش دهند. آنان تصور می کردند که

ایران در مشت شان قرار گرفته و ملت ایران دیگر به ارزش های خود توجه ندارد؛ فکر می کردند که توانسته اند انقلاب را تحت تصرف خود درآورند؛ ولی شما دیدید که جوانان بخصوص جوانان دهه سوم انقلاب چگونه به صحنه آمده و از ارزش های انقلاب و اسلام دفاع کردند. آنان با حضور خود نقشه های شیطانی دشمنان را خنثی و برملا کردند و دشمنان نیز متوجه شدند که در تحقق اهداف شیطانی خود دچار شکست شده اند. ایشان متوجه شده اند که ایران در منطقه و خاورمیانه جایگاهی بسیار مهم دارد و نمی توانند به سهولت ایران را مهار کنند، به همین علت به برنامه های وسیع تری برای مهار ایران گرایش پیدا کرده اند و از تمام امکانات خود برای نابودی انقلاب استفاده می کنند. حال آن که دیدیم در کمتر از یک هفته شصت میلیون تن به پای صندوق های رأی آمدند و نشان دادند که به ارزش ها از گذشته توجه بیشتری دارند، آنان با حضور خود از روحانیت و ارزش های اسلامی انقلاب دفاع و فتنه های دشمنان را ویران

کردند. دشمنان برای جلوگیری از خیزش جهان اسلام، در عراق، ترکیه، افغانستان و ایران به توطئه‌هایی دست زدند و شما دیدید که در عراق دچار مشکلات زیادی شدند و نتوانستند به آنچه می‌خواستند برسند؛ در زمان حاضر عراق مکانی برای تقویت منویات الهی جمهوری اسلامی است و مردم آن، دشمن آمریکا هستند. آمریکا در عراق گیر افتاده است و در پی مفزعی می‌گردد که فرار کند، آنان در باره افغانستان نیز فکر می‌کردند پیروز شده‌اند، ولی در واقع در افغانستان دچار مرگ تدریجی و شکننده شده‌اند و نتوانستند در این کشور نیز به خواسته‌های خود برسند. زمانی ایران و ترکیه بهترین مکان برای اجرای منویات رژیم صهیونیستی و آمریکا بود، اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران کشورمان از دست آمریکایی‌ها خارج و خود یک کشور مستقل شد. همچنین در ترکیه در روزهای اخیر مشاهده کردید که چگونه مردم برای دفاع از حزب الله لبنان به صحنه آمدند، می‌توان گفت مردم ترکیه در قیاس با بسیاری کشورهای عربی منطقه حضوری فعال‌تر و پررنگ‌تر در دفاع از حزب الله و تظاهرات بر ضد اسرائیل داشتند. آمریکایی‌ها وقتی فهمیدند که در افغانستان و عراق نمی‌توانند به منافع‌شان برسند به سراغ حزب الله لبنان رفتند. آنان در ابتدا سعی کردند که از طریق استراتژی نرم بر ضد حزب الله فعالیت و کاری کنند که مردم، سیاسیون و دولت مردان لبنان بر ضد حزب الله بپاخیزند، ولی فهمیدند که سید حسن نصرالله و حزب الله لبنان با چه تدبیر و مدیریتی توانستند توجه بسیاری از گروه‌های سیاسی لبنان را به سوی خود جذب و اعتماد آنها را جلب کنند. حزب الله لبنان توانست کلیه جریان‌های سیاسی اعم از سنی، مسیحی و شیعی را متحد کند، در حالی که استراتژی دوم دشمنان که در رأس آنها آمریکا و صهیونیست‌ها قرار داشتند، ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی بود، امری که در زمان حاضر نیز دشمن در جهان اسلام و ایران به آن چشم دوخته و در صدد است که بین اهل سنت و شیعه تولید اختلاف کند، اما دیدیم که در لبنان این نقشه شیطانی محقق نشد و مردم لبنان متوجه شدند که حزب الله در پی حمایت از استقلال و کرامت آنان است و به همین لحاظ نه فقط اهل سنت، بلکه مسیحیان نیز از حزب الله لبنان حمایت کردند. این‌ها وقتی در فاز دوم موفق نشدند، وارد فاز سوم یعنی کار اطلاعاتی و نظامی شدند و سعی کردند کادرهای حزب الله را شناسایی و نیروها و خانه‌های آنها را بشناسند،

همچنین امکانات حزب الله را بر آورد و کلیه امکانات آنان را شناسایی کنند. ایشان با جمع آوری این اطلاعات تصور می کردند حتما می توانند حزب الله را شکست دهند و در این مسیر به برخی از کشورهای منطقه امتیازاتی دادند و نظر آنان را جلب کردند، تصور می کردند در حمله ای غافلگیرانه می توانند ظرف چند روز توان نظامی حزب الله را از کار بیندازند و آنان را شکست دهند، ولی دیدند که در این کار نیز توفیق پیدا نکردند. واقعا این معجزه بود. آنان از همه امکانات خود در این زمینه استفاده کردند و از نظر نظامی هم کم و کاستی نداشتند ولی به هدف خود نرسیدند، چرا که حزب الله لبنان، ذکاوت، تدبیر و هوشیاری به خرج داد و با اتکا به مردم در برابر صهیونیست ها ایستاد. سربازان حزب الله نمونه هایی از تربیت شدگان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و آموزه های امام قدس سره رهبر معظم انقلاب هستند. امروزه سراسر دنیا با همه پیشرفت اطلاعاتی، نظامی و تبلیغاتی خود در برابر پیروزی حزب الله لبنان متحیر شده و انگشت تعجب به دهان گرفته است. مردم لبنان در عین این که در این جنگ خانه هایشان خراب و مغازه شان ویران شده و عده ای از اهالی خانواده شان به شهادت رسیده اند می گویند «سید حسن نصرالله سلامت باد!» این روحیه نشأت گرفته از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است و این روحیه نشان دهنده ظرفیت عظیم اسلام و مساجد است. بعد از انقلاب قدم هایی بسیار بلند در ارتقای مساجد برداشته شده است و مسئولان قبلی پیش تر از آن و مسئولان فعلی نیز حمایت های شایسته ای از مساجد کردند، توفیقات بسیاری هم در این زمینه کسب شده است، ولی تا نقطه مطلوب باید باقی مانده راه را با سرعت بیشتری طی کنیم. جان راجر سالیان بسیاری در ایران حضور داشت و در راستای خدمت به کشور خود، انگلستان در ایران به جمع آوری اطلاعات و جاسوسی می پرداخت. وی در سال های پایانی زندگی خود در ایران بعد از انقلاب، مدتی در زندان بود و بعد از آزادی از زندان صحبت می کرد، وی می گفت: «من پنج سال تمام در تهران به مساجد رفت و آمد داشتم، در اوقات گوناگون به مسجد می رفتم و می خواستم فلسفه مساجد در ایران را درک کنم، به صحبت های ائمه جماعات گوش می دادم، به نماز خواندن مردم نگاه و سعی می کردم اطلاعات گوناگونی در ارتباط با مساجد کسب کنم، ولی باز هم نتوانستم به فلسفه مساجد پی ببرم. من به مسئولان آن زمان پیشنهاد کردم که جایی با امکانات بیشتر و برنامه های متنوع تر از مساجد

فراهم کنند و حتی فرح خود پی گیر این مسئله شد که چنین مکان هایی را در ایران فراهم کند، ولی باز هم من می دیدم که مردم به صورتی چشم گیر به مساجد رفت و آمد داشتند. در مساجد طیف های گوناگونی اعم از بی سواد و با سواد، پیر و جوان تحصیل کرده حضور پیدا می کردند، من می گفتم اگر اینجا یک مکان زیارتی است، چرا در دیگر مکان های زیارتی چنین استقبالی دیده نمی شود؟ جان راجر می گفت: سال 56 نیز متوجه شدم بسیاری از کسانی که به مسجد می رفتند در انقلاب نیز شرکت دارند و بعد از شرکت در نماز به راهپیمایی مشغول می شوند. وی می گفت من در آن زمان از 1700 تن نظرسنجی کردم و متوجه شدم بین کسانی که به مسجد می روند و کسانی که به مسجد نمی روند فاصله از زمین تا آسمان است. راجر در یک کلام می گفت «من در طول این چند سال فلسفه مساجد را نفهمیدم». شیاطین و دشمنان ما تا امروز فلسفه مساجد را نفهمیده اند و نمی دانند که در مساجد چه قدرت و معنویتی نهفته است و این مکان چه تأثیر معنوی در زندگی ما دارد. بدون تردید ائمه جماعات و روحانیون و فعالان مساجد در برابر توطئه های دشمنان باید بیدار باشند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ص: 46

سخنان حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم افتتاح چند مسجد در تهران

به مناسبت گرامی داشت هفته جهانی مساجد

وقتی شهرداری ها مسجدساز شوند، مردم باور می کنند که در شهرداری تحولی پدید آمده است. ساخت مسجد کار هر کسی نیست و لیاقت و شایستگی می خواهد. ذهنیت مردم از زمان های گذشته در خصوص ساخت مسجد تغییر کرده است و فکر می کنند به اندازه کافی مسجد احداث

شماره 5

ص: 47

شده است. اما ساخت مسجد به هیچ روی کافی نیست، چرا که هرچه ارتباط انسان با خدا بیشتر شود، برکات او نیز بیشتر خواهد شد و هنگامی که شهرداری در این راه پیشگام شود، مردم باور می کنند که در شهرداری تحولی پدید آمده است که منشاء بهترین کارهاست. ان شاء الله با کمک شهرداری و حمایت شهردار تهران، هرچه سریع تر مساجدی مجهزتر، وسیع تر و هماهنگ با خواسته های شهروندان ساخته شود. امروز شهرداری ها در خدمت نظام هستند و به تقویت مساجد کمک می کنند. در گذشته شهرداری ها برای مساجد ایجاد رقیب می کردند و اهدافی معارض با اهداف مساجد داشتند. برخی از شهرداری های سابق با مقاصد شومی که در سر داشتند امکانات وسیع و مجهزی را در کنار مسجد بنا می کردند و فعالیت های مسجد را دچار اختلال می کردند. امروز خوشحالیم که شهرداری موجب شده است مساجد مانند گذشته منشأ فعالیت های مثبت و خیر باشد و با احداث مسجد و تقویت مسجد محوری و آباد کردن مساجد، نظام را همراهی می کنند که این حرکت موجب گسترش و توسعه بهینه شهر و احیای محله محوری خواهد بود.

گزیده ای از سخنان حجت الاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی معاون فرهنگی مرکز رسیدگی

به امور مساجد در کمیسیون مساجد چالش ها و راهکارها ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت امام کاظم علیه السلام و تبریک به مناسبت فرارسیدن مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هفته گرامی داشت مساجد، مجموعه سخنرانی ها، کمیسیون ها و مقالات هفته جهانی سال گذشته در قالب دو جلد کتاب فروغ سه و چهار عرضه نمودیم و امسال نیز 150 اثر

شماره 6

ص: 49

به کمیته علمی رسیده که بعد از ارزش یابی، بهترین مقالات انتخاب و حدود یکصد مقاله تلخیص و به عنوان خلاصه مقالات به چهارمین اجلاس عرضه شد. عدم تطابق کارکردهای فعلی مساجد با پیشینه تاریخی و فلسفه وجودی آنها، بی توجهی به قانونمند کردن این تشکل بزرگ اجتماعی در کشورهای اسلامی و تعریف نشدن جایگاه آن در جوامع، فقدان تحقیقات و پژوهش های اساسی و بنیادین در ارتباط با نقش و جایگاه مساجد و نیز عدم شناخت مشکلات و چالش های موجود مساجد، بی التفاتی دولت ها به نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مساجد و به تصویب نرسیدن قوانین و لوایح و عدم تخصیص بودجه و اعتبار برای آنها، بی توجهی به نقش آموزشی و پرورشی مساجد و استفاده نامناسب از فضاهای موجود، بی توجهی به نقش مساجد در معرفی و شناساندن اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی - با عنایات به آن که مساجد آینه تمام نمای حقیقت اسلام هستند - ارکردهای مساجد از جمله مسائلی است که باید به آن التفات و در رفع کاستی ها اقبال و اقدام نماییم.

ص: 50

گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله خزعلی در کمیسیون مساجد، چالش ها و راهکارها

با توجه به احداث شهرک ها و افزایش جمعیت تعداد مساجد باید روند رو به رشد داشته باشد که به تناسب جمعیت این تعداد کم است. مسائل اجتماعی باید در مساجد حل شود، ولی آنچه بیش از همه مهم است ساخت مسجد و گردآوری مردم در آن است. دشمنان اسلام برای ضربه زدن به اسلام از راه های گوناگونی وارد میدان می شوند از جمله مهم ترین حربه های آنان پاشیدن

شماره 7

ص: 51

بذر اختلاف میان شیعه و سنی است. آن چه مهم است آنست که شیعه و سنی دور هم جمع و با یکدیگر متحد شوند و نگذارند دشمن میان ایشان اختلاف بیندازد. دشمن درصدد است که مردم را از دین و از مسجد جدا کند، ائمه جماعات و روحانیت باید با هوشیاری در برابر این توطئه های دشمنان بایستند و با راهنمایی و هدایت مردم، آنان را به سوی مساجد جذب نمایند. پیروزی سید حسن نصرالله و حزب الله لبنان نشأت گرفته از روش و منش امام راحل بود که اسرائیل را با آن حمایت ها و آن همه ابزار آلات مدرن جنگی به خاک ذلت نشاند و این از اثر عبادت آن رهبر بزرگ است. ما مسلمانان همه نوع توانایی داریم، اما خود از آن بی خبریم، شیعه و سنی باید دست به دست هم بدهند و با توطئه های دشمنان مقابله نمایند. آن چه ما را به پیروزی خواهد رساند در وهله اول اخلاص، ساخت مساجد و گردآوری مردم در مساجد است.

ص: 52

گزیده ای از بیانیه پایانی کنفرانس وحدت اسلامی و اجلاس گرامی داشت هفته جهانی مساجد

علما، اندیشمندان و شخصیت های علمی و فرهنگی کشورهای گوناگون جهان که در روزهای 29 تا 31 مرداد ماه برای حضور در نوزدهمین همایش بین المللی وحدت اسلامی و گرامی داشت هفته جهانی مساجد به تهران سفر کرده بودند، با صدور بیانیه ای به کار خود پایان دادند. شرکت کنندگان در این همایش که ظرف مدت سه روز در چهارده جلسه کاری حقوق، مشکلات و راه حل های اقلیت مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی را مورد بحث قرار دادند و ابعاد گوناگون آن را در کنار دو جلسه ویژه، که یکی به مسئله فلسطین، لبنان و عراق و دیگری به جلسه مشترک شورای عالی و هیئت ریاست مجمع عمومی و کمیته های وابسته بررسی کردند. در پرتو استراتژی های تصویب شده در همایش های پیشین، شرکت کنندگان در این همایش نیز اظهار داشتند: حفظ حقوق اقلیت های اسلامی نیازمند توجه به نقش کلی مساجد، خانواده و فعالیت های اجتماعی مختلف در چارچوب پای بندی به اصول اسلامی و فرهنگ آن است. این همایش هم چنین از مسلمانان ساکن در کشورهای غیراسلامی خواست تا به مأموریت بزرگ خود که احیای تمدن اسلامی بوده، توجه کنند و بر لزوم هماهنگی کامل میان بخش های گوناگون اقلیت های اسلامی ساکن در دیگر کشورها تأکید ورزند. تلاش برای تصحیح چهره اسلام و مسلمانان در برنامه های درسی کشورهای غیراسلامی توسط یک کمیته تخصص جهت شناسایی توهین ها، طرح مفاهیم نادرست و تهیه طرحی به منظور مخاطب قرار دادن طرف های

مسئول در آن کشورها جهت تصحیح چنین مفاهیمی از جمله مواردی بود که بیانیه این همایش به آن التفات کرد. از سوی دیگر شرکت کنندگان این همایش توجه جوانان مسلمان در کشورهای غیراسلامی و تهیه برنامه های درسی مطالعه شده جهت حمایت و راهنمایی آنان را خواستار شده و برخورداری زنان از حقوق طبیعی خود و تلاش برای سرپرستی و هدایت آنها را به عنوان عاملی اثرگذار در توان اقلیت ها، مورد تأکید قرار دادند. علمای اسلامی کشورهای سراسر جهان بر اهمیت مراکز صدور فتوا در کشورهای غیراسلامی همچون شورای فتوا و تحقیقات اروپا و نظر هماهنگی میان آنان در حل مشکلات فقهی و اجتماعی بامراعات دستور فقه اولویت ها و ضرورت های زمانی و مکانی تأکید ورزیدند و از کشورهای غیراسلامی خواستند که به اعتقادات و ویژگی های مسلمانان کشور خود به عنوان شهروند، همچون سایر شهروندان احترام بگذارند. در این بیانیه آمده است که به کارگیری استراتژی تقریب در زمینه اندیشه ها و مذاهب اسلامی و پشتیبانی از قطعنامه ها و فتوای گروهی از جمله درخواست های این همایش بود، چرا که مذاهب عمده اسلامی به ارکان و اصول عقیدتی اسلامی ایمان دارند و بخش های این امت با تکیه بر کتاب و سنت و پیروی از شریعت اسلامی و تلاش برای داشتن وحدت در موضع های عملی درخصوص چالش های بزرگی که با آن روبرو می شوند و در اجرای شریعت اسلامی در همه امور زندگی خود همبستگی دارند و اختلاف های اجتهادی خود را به زمینه های عملی جهت ایجاد چند دستگی در موضع گیری امت منتقل نمی نمایند و سرانجام این همایش ضمن اعلام پشتیبانی خود از مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پذیرش کامل آن را از سوی علما و اندیشمندان و مسؤولان و توده های مسلمان در همه جا آرزو دارد و خواستار نشر فرهنگ تقریبی میان ایشان است. در باره مسئله فلسطین همایش وحدت اسلامی اعلام کرد که سراسر سرزمین فلسطین سرزمین اسلامی و برای همه مسلمانان عزیز است و رژیم صهیونیستی، غاصب آن، به عنوان سرنیزه استعمار غربی محسوب می شود. نوزدهمین همایش وحدت اسلامی به قهرمانان مقاومت فلسطینی و لبنان درود می فرستد و بر این باور است که این رزمندگان در راه صیانت از شرف امت و غیرت امت در دفاع از کیان آن مبارزه می نمایند. فتنه فرقه گرایی جنایات اشغالگران امریکایی در عراق به خواست شرکت کنندگان همایش

محکوم شد و از علمای شیعه و سنی عراق خواسته شد که میان خود عهد نامه شرف را که بر اصول مشترک تأکید کرده امضا نمایند. همایش وحدت اسلامی موضع های غربی را که در برگرفته معیارهای دوگانه است محکوم کرده است، این معیارهای دوگانه از یک سو به رژیم صهیونیست اجازه توسعه زرادخانه هسته ای نظامی می دهد و از سوی دیگر تحول دانش اتمی ایران را در زمینه های صلح آمیز - که در چارچوب کنوانسیون های بین المللی و زیر نظر آژانس بین المللی انرژی هسته ای انجام می شود - ممانعت به عمل می آورد. شرکت کنندگان این همایش در بیانیه نهایی نوزدهمین همایش وحدت اسلامی از جمهوری اسلامی ایران به سبب اعلام سال جاری به عنوان سال آشنایی بیشتر مردم با سیرت حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و اله سپاسگزاری کردند و خواستار بهره گیری از این سوژه در تعیین موضوع بیستمین نشست وحدت اسلامی شدند. این بیانیه تصریح کرده است که اعضای نوزدهمین همایش وحدت اسلامی از رهبر جمهوری اسلامی به لحاظ سرپرستی وی با رهنمودهای حکیمانه ایشان برای فعالیت جدی کنفرانس جهت تثبیت نشانه های وحدت اسلامی و حمایت معظم له از مقاومت اسلامی سپاسگزار است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْمَعُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِي».

بنده هم این ایام مبارکه مبعث پیامبر عظیم الشان اسلام و همچنین ایام مبارکه ماه رجب و اعیادی که در ماه مبارک شعبان در پیش رو داریم را به همه عزیزان تبریک عرض می کنم و از همه عزیزان و برادران گرامی مخصوصاً روحانیون عزیز که در این جلسه بسیار صمیمی جمع شده اید تشکر می کنم، بنده امیدوارم خداوند توفیق خدمتگزاری را به ما و شما عنایت فرماید.

این آیه ای را که تلاوت کردم یکی از آیات بسیار جالب قرآنی است که یاد دارم مرحوم شهید صدر در بحث های قرآنی شان برای اثبات نقش خط روحانیت، علما و مرجعیت در جهان و در تاریخ به این آیه تمسک می کردند و از جمله آیاتی که ایشان سعی می کردند بحث بسیار مهم و اساسی ولایت فقیه که سنگ بنای انقلاب اسلامی ما و سنگ بنای این نظام مقدس را هم از این آیه استفاده کنند و حالا در این جمع علما و روحانیون عزیز جا دارد آیه مورد توجه قرار بگیرد ان شاء الله با کار، کنکاش و تحقیق بیشتر در پیرامون این آیه خود عزیزان به معانی و ابعاد بیشتری و فرازهای بهتر و گسترده تری هم دست پیدا کنند، آیه در رابطه با خط انبیاست

و در حقیقت نمی خواهد خط نبوت را که خط شهادت یا شهادت انبیا در تاریخ و وظیفه و نقش آنهاست، مشخص کند. می فرماید: «انا انزلنا التوریه» که بزرگترین کتاب شریعت الهی است و مسبوط ترین دستورات شرعی در کتاب تورات و الواحی که بر حضرت موسی علی نبینا و علیه الصلوه والسلام وارد شده در این کتاب بوده و هست. حتی شاید احکامی که در این کتاب آمده، از احکامی که در اسلام آمده بیشتر و مسبوط تر باشد. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ آسَأَلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ» ذکر تورات در اینجا بعنوان یکی از مهمترین و اولین شریعت مسبوط الهی است و الا تورات خصوصیتی ندارد، مخصوصا که شریعت تورات در شریعت مسیحیت و حضرت عیسی علیه السلام هم محفوظ ماند و خیلی از احکامش هم در اسلام تثبیت شده است و همه شرایع الهی این چنینی است که از طرف پروردگار عالم تنزیل شده است به جهت اینکه به آنها حکم شود تا در جامعه بشری احیا شوند «یحکم بها النبیین» به این ها حکم کنند؛ نه تنها در باب قضاوت و حکم قضایی بلکه این اطلاقی هم که دارد در همه امور باید احکام الهی در جامعه احیا شود و حاکمیت،

حاکمیت تورات، نور و هدایت الهی باشد. کسانی که اسلام بیاورند، به انبیا ایمان بیاورند و هدایت شوند. انزال شرایع الهی و کتب آسمانی به این جهت است که این ها در جامعه مدنی انسان ها حاکمیت پیدا کنند و احیاگر این نور هدایت و تعالیم آسمانی در روی زمین باشند و هم ربانیون. ربانیون هم معنای لغوی اش کسانی هستند که تربیت های ویژه شدند نصب ویژه به عنوان وصی یا ولی و بدست خود انبیا تربیت شدند و هم در روایات اهل بیت عصمت و طهارت تفسیر شده که این مقطع ربانیون در این آیه شریفه به معنای ائمه اطهار و اوصیای انبیا یعنی کسانی که بطور مستقیم به دست انبیا الهی هم تربیت شدند و تقویت یافتند و هم تربیت ویژه شدند و در روایات ما ائمه اطهار علیهم السلام این گونه بعنوان وصی یا ولی و جانشین نسبت به شریعت و پیامبر اکرم منصوب شدند. معنای آیه هم با این تناسب دارد، ربانیون آن تربیت شدگان ویژه و مخصوص می باشد.

«والاحبار»؛ دسته سوم احبار، جمع حبر. حبر به معنای عالم. عبدالله بن عباس معروف بود به حبر الامه، چون یکی از علما و دانشمندان بزرگ اسلامی در صدر اول و از شاگردان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. اینجا علما در کنار انبیا و ربانیون بعنوان مقطع سوم آمده است که پس حاکمین به شریعت الهی در این سه دسته قرار گرفته شدن اند. اول انبیا بعد ائمه و اوصیاء ویژه آنان و پس از آن علما و احبار که مرحوم شهید صدر از این ذکر «احبار» در این آیه بحث ولایت فقیه را هم استفاده می کردند که ما در قرآن به شکل صریح آیه ای دال بر ولایت فقیه نداریم. این آیه با این کلمه احبار که در اینجا آمده است. برداشتی که این شهید بزرگوار از این آیه داشتند و برداشت تازه و بسیار جالبی هم هست و این در حقیقت همان خط انبیا و حاکمیت شرایع الهی بر روی زمین را اول توسط انبیا بعد ائمه اطهار و اوصیای خاص و منصوبین خاص آنان و پس از آن علما و دانشمندان به دین «احبار»، عالمانی که بر اساس آن مکتب الهی تربیت شدند و هم وظیفه دارند و مکلف و موظفند که «یحکم بها» به تورات و شریعت الهی حکم کنند. در هر زمان آن شریعتی که آنها وظیفه دارند آن را در جامعه احیا کنند و حاکمیت آن شریعت را بدست بگیرند و ذیل آیه چنین مشخصه را بیان می کند «بما استحفظوا من کتاب اللّٰه و كانوا علیه شهداء» اینها حاکمیت شان، وظیفه در احیای شریعت اسلامی و الهی و شریعت آسمانی، نور

و هدایتی که از طرف خداوند بر بشریت نازل می شود را براساس ملاک «بما استحفظوا من کتاب الله» دارند، این ها آگاهان به کتاب خدا هستند این همان بحث اشرف و تعلم کامل و تربیت شدن در آن مکتب آسمانی است، حافظ کتاب باشند این حفظ به معنای حفظ همه جانبه در مقابل شبهات و تحریفات و دشمنی هایی است که از مکتب های الحادی و شیطانی در همه دوران علیه حکومت ارزش های الهی و انبیایی از طرف دشمنان و شیاطین آن زمان صورت می گیرد این ها حافظند و از تحریف و شبهات فتنه انگیز و ترفندهایی که موجب تزلزل مؤمنان و مسلمانان می شود دفاع کرده و کتاب خدا را همه جانبه حفظ می کنند. هم اشرف علمی و هم اشرف معنوی دارند و شریعت الهی را از همه آسیب هایی که دشمنان و شیاطین دنبال می کنند حفظ می کنند و این جنگ و جدال میان این مکتب حق و باطل از ابتدای خلقت انسان بوده و تا آخر هم هست و یک امر قهری می باشد. که این بعد علمی - فکری به اصطلاح امروز بعد ایدئولوژی مسئله هست «بما استحفظوا من کتاب الله» اینها باید واقعا حافظ باشند و با آگاه و روشن بودن به همه تعالیم کتاب و شریعت الهی آن را از مصدر ناب بگیرند و استفاده کنند. «و کانوا علیه شهدا» که این همان خط شهادت و شهادت است. «لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا» شهید در این آیات به معنای کشته شده در راه خدا نیست، اصلاً شهید در قرآن شاید به آن معنی استعمال نشده باشد. شهید به معنای شاهد و گواه، کسیکه در راه خدا کشته می شود به این مناسبت به او شهید می گویند چون، بر آن امت هم در دنیا و هم در آخرت گواه خواهد بود.

«و یکون الرسول علیکم شهیدا»، «بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهدا» این سه طایفه انبیا، ربابیون و احبار که این ها در عرصه تاریخ بر امت هایشان شاهد هستند. و «ان یکون الرسول علیکم شهیدا»، «تکون شهداء علی الناس». شاهد بودن معنای ظریف و گسترده و توسعه یافته ای دارد و آن اینکه باید هم در خودشان آن تعالیم و ارزش های الهی را پیاده کنند و هم در جامعه شاهد بر آن باشند و این ها معیار و شاهد هستند که چه چیزی حق و چه چیزی باطل است. این ها اسوه و الگو هستند، این ها قدوه مردم هستند الگوهایی که مردم به آنها اقتدا می کنند. این ها مردم را دنبال خود می کشند و مردم را به جهت برپایی آن شریعت الهی و احیای

آن ارزش ها و حاکمیت تورات و انجیل و قرآن به صحنه می کشند. شاهد در اینجا به این معناست. این دو خصلت که در ذیل این آیه ذکر شده است، خصلت سوم «فلا تخشوا الناس و اخشون» این هم یک سیاست و راهکار است در حقیقت یعنی به الگورسیدن ها و کشیدن مردم به صحنه حاکمیت الهی و هدایت های آسمانی و شرایع پیامبران. شرطش این است «لا تخشوا الناس و اخشون» این همان شجاعتی است که در رهبران و انبیاء و اولیاء یک شرط اساسی است، خوف از مردم بایستی نداشته باشی «لا تخشوا الناس» فقط از خدا بترسی «واخشون» که واقعا یک خصیصه و راهکار بسیار اساسی است شرط بسیار مهمی است و ما برکات و ثمراتش را می بینیم که چگونه وقتی که رهبران صالح و مؤمن اسلامی و الهی با شجاعت و نداشتن هیچ گونه خوفی از دشمنان اسلام جامعه ای را رهبری می کنند، برکات الهی چگونه باز می شود و واقعا امدادهای الهی و غیبی شروع می شود. ممکن است بر حسب ظاهر و حسب یک مقطع محدودی یک شکست شکلی و صوری هم شکل بگیرد ولی این شکست مقدمه یک پیروزی بسیار عظیم و یک تحول است و بر حسب ظاهر که آن حاکمیت آن شکست هم هست. در حقیقت آن شکست، شکست شکلی است نه شکست محتوایی؛ از نظر محتوا غالب شده است عین نهضت عاشورا و کربلا.

امام حسین علیه السلام در آن نهضت بر دشمن خود پیروز شد و دودمان خلافت بنی امیه و خلافت کفر را از بین برد که اگر آن قیام و آن شهادت و آن ایثار بی نظیر و جانسوز در تاریخ نبود، اسلام از بین رفته بود قطعاً، این یک تحلیل روشنی است چیزی که حافظ اسلام و انوار الهی شد و شریعت الهی را حفظ کرد و بشریت را از آن خطر و هجمه بسیار خطرناک حفظ کرد. دودمان بنی امیه به تصریح معاویه ابن ابی سفیان دنبال این بود که اسم و یاد و ذکر پیامبر و شهادتین را از دل و جان جامعه و مردم ببرد. این هجمه بسیار وحشیانه و خشن و خطرناک که قطعاً همه جنود ابلیس پشت سر این جریان قرار گرفته بود در تاریخ اسلام بوسیله این شهادت از بین رفت. بعد این شهادت یک آب زلالی شد که همواره نه فقط در زمان خودش و طاغوت زمان خودش در مقابل هر طاغوتی امت اسلامی را بیمه کرده و سر مشق داد و راه را نشان داد که چگونه در مقابل آن طاغوت ها قیام کنند و بجز از خدا نترسند و به تکلیف شرعی خودشان عمل کنند

تمام حرکت هایی که پس از قیام خونین کربلا انجام شده همه از قیام امام حسین علیه السلام سرچشمه گرفته است حتی کسانی که از نظر اعتقادی و خطی در خط اهل بیت علیهم السلام نبودند و حتی قیام های ابن زبیرها هم در تاریخ در مقابل بنی امیه از قیام کربلا نیرو گرفت و اصلاح و برگشت دادن

اسلام راستین و اسلام ناب و حاکمیت در جامعه برای برگشت دادن ارزش ها از این شعار استفاده کرد و هر انقلابی که رخ داد و هر حرکت و قیامی در جهان اسلام، شروع شد همه از این شعار استفاده کرده و از این نیرو گرفتند و حتی خارج از جهان اسلام نیز همین طور است.

شماره 9

شما در خاطرات گاندی بخوانید چقدر از قیام امام حسین علیه السلام و شخص ایشان تجلیل می کند و می گوید من مقاومت در مقابل استکبار انگلیس را از او درس گرفتم، قیام خود ما همان نهضت انقلاب اسلامی که خیلی مشخص است در نظر بگیرید، همه ادبیات و مفاهیم اش برگرفته از قیام کربلا و عاشورا و تاسوعاست. علاوه بر این که این همان خطی است که خود این قیام این خط را تأسیس کرد و در جهان اسلام تثبیت کرد و ائمه بعدی، بعد از امام حسین علیه السلام این خط را

تأسیس کردند و اصلاً این مولود آنهاست. این امتداد همان خط است به معنای اخصش است که به این عظمت شکل گرفت البته در تاریخ نورانی تشیع و بخصوص مرجعیت، مقطع های

ص: 62

زیادی بوده که این مسئله به شکل های کوچکتر و مختصرتری رخ داده البته در همان مبارزه ای که همیشه بین کفر و اسلام و بین حق و باطل وجود دارد و این سنت الهی است و حکمت الهی ارخلفت انسان بوده و خواهد بود. قیام ها و حرکت ها و هدایت ها، بر پا کردن و احیای دین به شکل های مختلفی در تاریخ تشیع بوده که من نمی خواهم وارد این فصل ها و بخش ها بشوم و تاریخ تشیع خودش یک بحث واقعا ارزنده ای است که ما لازم است حرکت شیعه در تاریخ را که حرکت ائمه اطهار علیهم السلام بعد از امام حسین علیه السلام بوده است را تحلیل کنیم و بعد حرکات علما و احبار که مراجع ما بودند، روات احادیث در زمان ائمه بودند را تحلیل کنیم. بعد علمایی که پس

از عصر غیبت صغری و غیبت کبری در تاریخ با نام مرجعیت شکل گرفت نقش این ها در همین «یحکم بها النبیون و الربانیون و الاحبار» نقش احبار چه بوده است. واقعا در تاریخ اسلام این یک بحث بسیار مهمی است جای بحث و تحقیق و کنکاش زیادی دارد ما امروز نیازمندیم این تاریخ را توضیح بدهیم و تحلیل بکنیم. یکی از مسائلی که مکتب های امروز دنیا خیلی به آن می پردازند با اینکه فرصت ها و امکاناتش را هم ندارند این است که سعی می کنند حرکات خود را به یک ریشه مهم تاریخی متصل کنند. کمونیست ها وقتی می خواستند کمونیسم خود را ترویج کنند برای آن ماتریالیسم تاریخی تدوین کرده بودند و سعی می کردند خودشان مقطعی از یک حرکت ممتد تاریخ بشری بدانند که البته نادرست بود و همانجا نقد می شد، ما این تاریخ را داریم ولی متأسفانه دنبال نکردیم مخصوصا تاریخ تشیع، تاریخ فکر تشیع و فکر شیعی و تاریخ مرجعیت و علما و همین احبار که در این آیه به آن اشاره شده است را دنبال نکردیم. و آن زنجیره ها و حلقه های وصل این تاریخ به حرکت ائمه اطهار علیهم السلام و حرکت کربلا و عاشورا و حرکت صلح امام حسن علیه السلام و حرکت حکومت چهار ساله امیرالمؤمنین علیه السلام و زمان خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اینکه چگونه این سلسله ها و قطعات این زنجیره واحد به این انقلاب با عظمت منتهی شده را بررسی نکردیم. این انقلاب هم قطعا یک مقطعی است و یک حلقه ای است برای رسیدن به یک فتح بزرگ تر و تحول بسیار عظیم و توسعه یافته در جهان که شواهدش را امروز می بینیم و حتما به روز موعود بزرگ که خط انبیاء و خط اسلام و هدایت ها و انوار الهی در جهت احیای قسط الهی در کل سرزمین ها بدست آن انسان صالحی که همه انتظار او را می کشند

منتهی خواهد شد. پس بنابراین نقش علما نقش بسیار مهمی است و این نقش هم در گرو این سه خصلت است. تعلیم و تعلم در مکتب الهی در حدی که بتوان حافظ کتاب، حافظ اسلام و حافظ آن مکتب شد. این خیلی مسئله مهمی است. حافظ بودن هم اشراف بر مبانی آن مکتب الهی و اسلام ختم نبوت ها و جامع تعالیم الهی است که در تورات و انجیل وارد شده است. بحمد الله قرآن از هر تحریفی محفوظ مانده این هم بحمد الله مقدار زیادی از سنت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام در مذاهب دیگر اسلامی حفظ شده و کاملش در مذهب ما حفظ شده که خیلی نعمت بزرگی است. اشراف، بر همه این ها و تعلم و تربیت شدن به این تعالیم بسیار ارزنده و گسترده و غنی از یک طرف برای دفع خطرات علیه این مکتب و حفظ در مقابل تهاجم ها، ترفندها، دشمنی ها، شبهه افکنی ها و در مقابل مکتب های دیگری که بوسیله شیاطین انس و جن همواره در آن جدال بین حق و باطل و کفر و اسلام همیشگی وجود دارد و دائمی است اهمیت دارد چون این دشمنی ها از بین نمی رود و روز به روز این شبهات، اشکالات و آسیب ها به شکل های گوناگون فکری، اخلاقی عملی، سیاسی و اقتصادی مطرح می شوند. لذا کسی که می خواهد حافظ کتاب باشد همان حبر، عالم و علمی که می خواهد حافظ کتاب باشد بایستی اطلاع بر آن پیدا کنند تا بتوانند دفاع کرده و شریعت را حفظ کنند: «بما استحفظوا من کتاب الله» اینجاست که واقعا توجه به فرهنگ ها و مکتب های روز در حوزه های علمیه بحمد الله تحت عنوان بحث های جنبی که خیلی جانبی هم نیست دنبال می شود، مخصوصا برای شما که در حوزه های مراکز شهرهای کلان با مسائل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی مردم و مسئولان ارتباط نزدیک دارید، اشراف بر این فرهنگ ها که امروز از این راه ها دشمنان ما و شیاطین انس و جن و شیاطین بزرگ می آیند و وارد می شوند، اهمیت دارد. این مقوله های جدیدی که در مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، مفهومی، مفاهیم و اعتقادی مطرح می شود و این واژه های جدیدی که بکار گرفته می شود و یا یک واژه می خواهند مجموعه ای را گمراه کنند اطلاع بر این رشته هایی که به گونه ای که در ارتباط با مسائل قرآنی و الهی قرار می گیرد تحت عنوان رشته های علمی یا علوم انسانی یکی از شرایط بسیار مهم امروزه ما می باشد. این ها را بایستی اول مطالعه و درک کنیم حتی اگر لازم باشد برخی از این ها در برنامه های درسی وارد و الزامی بشود که حوزه ها این ها

را تدریس کنند و نظرات برتر و عالمانه تر و عمیق تر اسلامی در مقابل هر رشته ای از این رشته ها مطرح شود در اقتصاد اسلامی، فلسفه اسلامی و در مسائل اجتماعی و جامعه شناسی و مسائل سیاسی - حقوقی به کار گرفته شود. این مسائل عریض و طویلی که امروزه تحت عنوان آزادی ها، حقوق بشر، حقوق زن، حقوق اجتماعی، حقوق شهروندی و حقوق عامه مطرح است قطعاً باید علما و فضیلاي حوزه های علمیه بر این ها اشراف پیدا کنند. اولاً باید بفهمند این ها چه می گویند و خود مفهوم را دریابند، بعد در اسلام در مقابل این ها چه چیزی مطرح هست را پیدا کند که بحمدالله مقدار زیادی از این ها در منابع ما که در رشته های حوزوی خود آنها را کنار گذاشتیم وجود دارد. این سری از روایات چون خیلی دخالت در آن فتوای مربوط به رساله های علمیه را که بیشتر، افراد و آحاد جامعه و تکالیف فردی نه تکالیف اجتماعی را در نظر دارند نداشته

است به آنها توجه نشده و آنها کنار گذاشته شده اند چون دخالتی در درس های فقهی نداشته است. امروز همه آن میراث عظیم و غنی که در روایات ما شاید از آن به «روایات اخلاقی» یا آداب تعبیر کنیم یا تعبیرات دیگری مانند سنت ها یا دیدگاه ها یا مفاهیم اجتماعی داشته باشیم با این که این ها مسائل بسیار عظیم و مهمی است امروز این ها باید در داخل کار علمی حوزه ها قرار گیرد چون امروز محل ابتلاست و با قیام این نظام مقدس و با این تحولی که در جهان اسلام و در کل جهان شده امروز کفر و اسلام در همه عرصه ها با هم صف آرایی کرده اند، نه فقط در فقه و چند تا فتوای فقهی مربوط به کارهای فردی اشخاص یا کارهای اجتماعی آنها بلکه در همه عرصه ها با هم مقابله و صف آرایی کرده اند، آنها جنود شر و باطل خودشان را بسیج کرده اند ما هم باید این طرف بسیج کنیم و خوشبختانه همه چیز هم داریم. شما مراجعه کنید و ببینید چقدر

ما روایات داریم؛ بیش از روایات موجود در رابطه با احکام قضایی فقهی، ما روایتی درباره آداب قضا، سیاست های قضایی و راه کارهای علاج مشکلات قضایی داریم که متأسفانه به آن توجه نشده است.

این روایات سیاست های کلان قضایی را مشخص می کند همچنین ما روایات زیادی در خصوص حقوق شهروندی آن هم خیلی بهتر از آنچه غرب تحت عنوان حقوق شهروندی مطرح کرده، داریم. روایات زیادی در خصوص «حق دفاع» و «حق دفاع متهم» قبل از اتهام،

حین اتهام، قبل از دستگیری، حین دستگیری، بعد از دستگیری، قبل از حکم، بعد از حکم، داریم که به این دقت و ظرافت حتی در کنوانسیون های سازمان ملل و در حقوق قضا و منشورها و خود ندارد. منشورهای حقوق بشر هم آنها را به دقت ندیده اند. این ها که من عرض کردم مواردش را پیدا کردم و آن قدر روایات عجیب و تکان دهنده پر محتوا در مورد عدالت قضایی داریم در خصوص بی طرفی قاضی که در هیچ جای آن قوانین ذکر نشده است. شما کجا دیدید و در کدام قانون قضایی دنیا و در کدام نظام قضایی و دستورات مربوط به محکمه قضایی مانند آن را دیده اید. آنچه که ما در رابطه با بی طرفی قاضی داریم در روایات بی طرفی قاضی آمده است که قاضی حق ندارد یکی از طرفین دعوی را به تنهایی حتی اگر رفیق و مرید او باشد بدون حضور دیگری تا وقتی که پرونده بررسی نشده و تمام نشده در خانه خودش مهمان کند چون این طرفداری تلقی شده و در نظر دیگری شبهه ایجاد می کند «لا یتصاف الخصم» قاضی حق ندارد یکی از دو متشاکمی را مهمان خودش قرار بدهد این روایت در این خصوص آمده است که یکی از دوستداران و اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بر ایشان وارد شد. مهمان شد، شب اول مقداری که گذشت، گفتند که من یک پرونده و یک شکوائیه علیه فلان کس دارم و آمده ام تا شما یا قاضی شما قضاوت کند. تا امام فهمید گفت: باید از منزل من بیرون بروی. گفت: چرا؟ او این روایت را گفت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا یتصاف الخصم الا و معه خصم» تو دیگر حق نداری امشب اینجا باشی و او را از خانه خودش بیرون کرد. این قدر تساوی و بی طرفی حفظ شده و قاضی حق ندارد در محکمه به یکی از دو طرف بیش از دیگری نگاه کند و مشاوره کند، در گوشی چیزی بگوید بدون اینکه دیگری چیزی بشنود این جایز نیست حالا ممکن است فقها فتوا ندهند که این جایز نیست یا قضاوت باطل است ولی این دستور در روایات ما آمده است این سیاست ذکر شده است این دقت در مساوات بین دو طرف دعوا و بی طرفی قاضی که مبنای اعتماد مردم و مبنای عدالت قضایی است به این شکل در اسلام آمده و صدها مسئله دیگر که این ها را ما بعنوان این که احکام فقهی نیستند در کتب فقهی معترض نمی شویم. امروز باید این ها را داخل بحث های طلبه گی مان بیاوریم و در بحث های سطح و خارج بنظر من باید بیاوریم آن وقت این ها را اگر وارد کنیم از درون این ها آن قدر مسائل بسیار ارزنده و ظریف بدست

می آید که اگر ما این ها را نظریه پردازی کنیم «بما استحفظوا من کتاب اللّٰه» و قانونمند کنیم و سیستم سازی کنیم، و بخش های حقوق بشر، حقوق زن، حقوق متهم، عدالت قضایی، سیاست های قضائی، نظام قضای اسلامی، بحث آزادی، حقوق عامه، حقوق مردم، حقوق شهروندی همه این ها وجود دارد. ولی نیاز به کار دارد تا با این قالب ها و واژه هایی که امروز مطرح می شود به مصاف آنها آورد، آن وقت عظمت اسلام، عمق اسلام، تطابق اسلام با فطرت انسان و با آن ارزش ها شکل می گیرد و مشخص می شود. حفاظت از اسلام در برابر تهاجم فرهنگی و تهاجم مکتب های باطل امروز دنیا از این راه شکل می گیرد. حوزه ها بایستی اولاً این مسئولیت و مفاد این آیه را خوب مقابل چشمان خود تجسم داده و ببینند که چه نقش مهم و چه وظیفه سنگینی بر عهده علما و عالمان و احبار در این آیه گذاشته شده و چه نقش تاریخی برای آنها لحاظ شده و چه راهی این آیه شریفه باز کرده و چگونه راه را مشخص کرده و راهکار هم ارائه داده است. «بما استحفظوا من کتاب اللّٰه» این کار بسیار مهمی است که بحمداللّٰه شروع شده و یکی از برکات این نظام توسعه در این بخش است. البته قبل از این هم بوده و این ها متوقف به نظام نیست و خود برپایی حکومت اسلامی یکی از وظایف انبیا و ربابیون و احبار و علما است و این خط، خط خیلی وسیعی است و وظیفه و نقش آن خیلی کلان تر از برپایی حکومت اسلامی است. در جایی که حاکم اسلامی و حکومت اسلامی هم نباشد این نقش به وسیله انبیاء و اوصیاء

و احبار و علما محفوظ است ولی وقتی که حاکمیت اسلامی برپا می شود این نقش خیلی حساس و گسترده تر می شود امکاناتش بیشتر شده، تقصیر و قصور و کاهلی و بی تفاوتی نیز گناه نابخشودنی تری خواهد شد. «بما استحفظوا من کتاب اللّٰه و کانوا علیه شهدا» الگو شدن، مستلزم احیا این امر در خود، بعد کشاندن جامعه و مردم با این الگوسازی ها است، این که امام

توانست یک ملتی و بعد یک جامعه ای را به صحنه حکومت انبیاء و صالحان و ارزش های انبیا و ارزش های الهی بکشاند، به این دلیل است که اول در خودش این ها را پیاده کرد و الگوی تمام عیار برای مردم شد و مردم وقتی دیدند این الگو را دنبال کردند و آمدند. اول خودش را فراموش کرد و در طبق اخلاص برای هدف های بزرگ و هدف های الهی ایثار کرد. مردم هم وقتی این را دیدند، همان جرأت، شجاعت، ایثارگری و از خودگذشتگی را نشان دادند، و با قطع تعلق

به مسائل دنیا و ماده و زن و بچه و مسائل دیگر در میدان آمدند و دیدید چه عظمتی شکل گرفت. امروز هم که دنیا این راه را دنبال می کند. «لا تخشوا الناس» ناس هر کجا در قرآن ذکر می شود به معنی دشمنان است. «ناس» ناسالم و فاسد است هیچ وقت خوبان در آیات به ناس تعبیر نمی شود «الذین قال لهم الناس» عبدالله بن ابی از سرکردگان منافقان مدینه بود، در این آیه هم همین جور است. «لاتخشوا الناس» یعنی از مردم بد، از طاغوت ها و ترفندهای آنها نهراسید «واخشونی» از من بترسید، و این راهکار اثرات خودش را، هم در تاریخ قدیم، هم در تاریخ معاصر ما نشان داد مخصوصا در تاریخ معاصر این شجاعت امام چقدر و عدم خوف امام از طاغوت و طاغوتیان و فقط به تکلیف عمل کردن و از خدا ترسیدن که همان معنای عمل به تکلیف است برکات خود را نشان داد که امام به آن تکیه می کرد. فقط از خدا باید ترسید و به تکلیف او عمل کرد و بس. پیروزی حزب الله لبنان هم که در حقیقت ثمره و شاخه ای از غرس مبارک امام است آن هم به همین جهت بود اگر سید حسن نصرالله و حزب الله می ترسید قطعا این پیروزی ها حاصل نمی شد، که جای ترس هم داشت و همه از اسرائیل می ترسیدند بخصوص دولت های عربی با آن همه امکانات نظامی می ترسیدند ولی این مجموعه کم اما با ایمان که واقعا الگو شدند و شاهد بر این امت های اسلامی شدند و امروز می بینیم چه عظمتی ایجاد کردند و ایجاد می کنند. و هنوز این راه هرچه بیشتر طی بشود و آنچه در درون راه انبیا و راه ائمه و اسلام ناب که اسلام ائمه اطهار علیهم السلام است. هرچه این تعالیم، این اخلاق فردی و اجتماعی، حقوق اسلامی، دیدگاه ها، سیاست ها، جهت های بلند و ارزش ها از منابع غنی اسلامی ما که بحمدالله بیشترین و غنی ترین منابع هم در اختیار ماست در اختیار مذهب اهل بیت هست بیرون کشیده شوند، برکات زیادی خواهد داشت. آنچه که مذاهب دیگر از این متون غنی اسلامی دارند و در تاریخ ثابت شده که به برکت اهل بیت عصمت و طهارت بوده که با تدریس هایی که کردند، همه ائمه مذاهب دیگر شاگردان ائمه ما بودند و این در تاریخ ثبت شده است. در مقدمه کتاب دایره المعارف اشاره شده و در تاریخ این مسئله ذکر شده است که روایات اهل سنت را ائمه ما حفظ کردند، حتی روایاتی که از غیر ناحیه ائمه صادر شده بود. اگر حرکت ائمه در حفظ روایات و سنت پیامبر نبود سنت پیامبر در دست برادران اهل سنت هم الآن نبود تنها کسی که در

مقابل حرکتی که پس از فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با اکتفای به قرآن «حسبنا کتاب الله» و حذف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد شده بود دفاع کرد، امیرالمؤمنین علیه السلام بود و شاگردان امیرالمؤمنین علیه السلام که در اوج آن دشمنی ها و حالت خفقانی که نسبت به نقل حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می گرفت. در عصر اول ایشان تدریس کرد و شاگردانی را تربیت کرد. احادیث پیامبر را دستور داد حفظ کنند، منتقل کنند، منتشر کنند، عبد الله ابن عباس ها و دیگران را تربیت کرد و سنت پیامبر را حفظ کرد و روایاتی را که حتی از غیر طریق امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه نقل شده است در مذاهب اسلامی دیگر آنها بعد از این استفاده کردند اگر نبود که این ها هم از بین می رفت و اگر از بین می رفت یعنی یک منبع دوم غنی اسلامی پس از قرآن که سنت پیامبر و احادیث معصومین است از بین می رفت. بنابراین همه ما کامل ترین این ها را در تشیع داریم و ثابت شده است. امروز بحمد الله آثار و برکات عملی آن هم در احیای اسلام ناب خودش را نشان می دهد که وقتی این تعالیم حفظ شد، چگونه این پیروزی ها و این نصرت ها در مقابل دشمنان اسلام، این تحول ها و انقلاب های عظیم، این حاکمیت ارزش های اسلامی و الهی در جامعه شکل می گیرد، وقتی درست طبق آن نسخه عمل می شود «بما استحفظوا من کتاب الله» نقش علما و مراجع بزرگ ما در تاریخ خیلی نقش عظیمی بوده «کانوا علیه شهدا» این الگو شدن، اسوه شدن، احیا کردن در خود و در جامعه و کشیدن دیگران به عرصه و میدان وقتی درست می شود که درست بدان عمل می شود که «فلا تخشوا الناس» ترس از مردم در کار نباشد و وحشت فقط از خدا باشد، نصرت الهی هم شکل می گیرد. امیدواریم که خداوند متعال به برکت این ایام مبارک و به برکت مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ان شاء الله همه ما را به آنچه که وظیفه ماست موفق کند، خوب عمل کنیم مخصوصا علما و بزرگان و حوزه های علمیه من مجددا از همه تشکر می کنم.

و السلام علیکم ورحمه الله و برکاته

گزیده ای از سخنان خانم زعفرانی معاون امور زنان مرکز رسیدگی به امور مساجد

به مناسبت هفته جهانی گرامی داشت مساجد

امروزه تجاوز به حریم ملت ها، اشغال کشورها، کشتار کودکان و زنان بی گناه و استفاده از مخرب ترین سلاح های کشتار جمعی زیر لوای دموکراسی و با ادعای ارمغان دادن آزادی به ملت ها صورت می گیرد و مقابله با تجاوزکاران و اشغالگران و دفاع از حیثیت و ملیت و مذهب،

شماره 10

ص: 71

تروریسم نامیده می شود و در همین راستا هویت زدایی از زنان، زیر پا نهادن کرامت، حرمت و عزت آنان، مبارزه با خلقت و طبیعت ایشان و خشونت در حق آنان، دفاع از حقوق زنان نامیده می شود. نهضت زنان پس از یک قرن و نیم فعالیت در کشورهای اروپایی و آمریکایی حاصلی جز تنزل زن تا حد ابزاری برای نیل به مقصود سردمداران سرمایه پرست لیبرال و به سود سرشار و تأمین لذت افسار گسیخته مردان هوسباز نداشته است. بیداری زنان جهان اسلام از آن چیزی که امروز شاهد آن هستیم باید بیشتر شود، چون ما فرهنگی غنی داریم، در عمل هم ما اسوه برای زنان عالم داریم، ما حضرت زهرا علیه السلام را داریم که به عنوان یک الگوی نمونه هم برای زنان و هم برای مردان ماست. مساجد را که کانون و مرکزیت همه فعالیت های ماست باید به عنوان پایگاهی برای بازیابی هویت زن مسلمان و آشنایی با سیره معصومین در آوریم.

سخنان دکتر علی اکبر ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در همایش هفته جهانی هفته گرامی داشت مساجد

خوشحالی ما از پیروزی لبنان نباید موجب غفلت از آینده شود، زیرا معلوم نیست آینده، پیچیده تر از گذشته نباشد، ما به عنوان هدف طرح خاورمیانه جدید باید در همه حال آمادگی مقابله به اجرای این طرح را داشته باشیم. دکتر ولایتی با تشریح سابقه تاریخی اعلام طرح خاورمیانه بزرگ یا جدید از سوی آمریکا اظهار داشت:

اگر تحلیل واقعی از این نام گذاری را نداشته باشیم، در ارزش یابی اقدامات امریکایی ها و متحدان آن در منطقه، با مشکل مواجه خواهیم شد. فاتحان جنگ در صدد برقراری شکل جدیدی از کشورها در دنیا بودند و این خاصیت قرن جدید است، زیرا در گذشته کشورها در حمله به یکدیگر خاک آن کشور را تصرف می کردند، اما در عصر جدید، صحنه بین الملل معنا پیدا کرده و از حیث حقوقی مجزا از تک تک کشورها برخوردار است. پس از جنگ سرد نیز رئیس جمهور امریکا با طرح نظم نوین جهانی مشروعیت سازمان ملل متحد را زیر سؤال برد، به طوری که نظم نوین جهانی سخنی مترادف با تشکیل سازمانی جدید بود، از همان اعتبار سازمان ملل و دبیر کل آن، روز به روز کاسته شده و مصوبات شورای امنیت نفوذ سابق را ندارد و در زمان حاضر سیستم های بین المللی جدید به عنوان جایگزین سازمان ملل جای گرفته است. کلمه خاور به افق جغرافیایی انگلیس به دیگر کشورها نام گذاری شده و معنای ژئوپولوتیک ایران

و سایر مناطق جهان براساس تصمیم گیری انگلیسی ها بوده است که از جمله آن باید از خاور دور، نزدیک و خاورمیانه که ما در آن قرار داریم یاد کرد. پس از جنگ سرد و شکست اردوگاه کمونیست، امریکایی ها فروپاشی کمونیست را در نتیجه تلاش خود دانستند، در اوایل قرن بیست بوش پدر در یکی از سخنرانی های خود از نظم نوین جهانی نام برد که امریکایی ها خود را سردمدار آن می دانستند، همان طور که پس از جنگ اول جهانی انگلیسی ها برای خاورمیانه طرحی جدید تعریف و نقشه جغرافیایی ای مطابق منافع خود ترسیم کردند و کشورهایی از جمله عثمانی و جز آن را تقسیم نمودند. امروز هم امریکایی ها می خواهند در خاورمیانه تعریفی جدید ارائه دهند که این تعریف مستلزم تغییر نقشه خاورمیانه است. آن ها قصد دارند خاورمیانه را براساس مذاهب و قومیت ها تقسیم کنند برای مثال تأسیس کردستان مستقل در شمال عراق یا جنگ مصنوعی شیعه و سنی در عراق از جمله این برنامه هاست

تا آن کشور را به سه منطقه شیعه نشین، سنی نشین و کردنشین تقسیم نمایند. آنان چنین خوابی برای ایران هم دیده اند، از جمله ناآرامی های خوزستان و تحریکات آذربایجان در راستای طرح

مورد نظر آنهاست. به جنگ لبنان به بهانه گروگان گیری دو سرباز اسرائیلی نیز از آن جمله است. آنان لبنان را به عنوان نقاط کلیدی در خاورمیانه در نظر گرفته اند و این گونه نیست که گروگان گیری دو سرباز، علت شروع مانورهای نظامی با جهت گیری لبنان در شمال فلسطین باشد. در این میان

حزب الله ابتکار عمل را در دست گرفت. حزب الله مهم ترین نقطه مقابله کشورهای است که مقابل امریکا ایستاده اند، به همین علت آنان می خواستند که این مانع را از پیش رو بردارند،

اما با شکست روبرو شدند. این امر شکستی بزرگ در طرح تشکیل خاورمیانه جدید برای آنان بود. پس از گذشت ده روز از جنگ، اسرائیلی ها به برقراری آتش بس تمایل داشتند و وزیر امور خارجه امریکا بود که با برقراری آتش بس مخالفت کرد، رایس اعلام کرد اگر جنگ تمام شود خاورمیانه به همین شکل خواهد ماند، در حالی که ما طالب خاورمیانه جدید هستیم و این

یعنی انهدام حزب الله، به عنوان مانعی که از رسیدن آنان به طرح خاورمیانه جدید جلوگیری می نمود. آنان می دانند تا زمانی که حزب الله در جنوب لبنان است، اسرائیل نمی تواند دست از پا خطا کند، بنابراین خواستند این مانع را از میان بردارند، اما شکست خوردند. آثار و تبعات جنگ اول و دوم جهانی دامن ما را هم گرفت، در جنگ سرد نیز با بیان شعار نه شرقی نه غربی همانند قبل اعلام بی طرفی کردیم. حال که جنگ سرد تمام شده در طرح خاورمیانه جدید نیز قرار است طرح امریکایی ها دامن گیر ما شود. اشغال گری های امریکا در عراق و افغانستان و مخالفت و دشمنی مردم آن کشورها با امریکا، به نتایج عکس خواسته های امریکا در این کشورها منجر شده است. بیداری اسلامی که ستون فقرات آن در سایر کشورهای اسلامی، ایران است در زمان حاضر در میان همه کشورهای مسلمان پدید آمده و این بار برخلاف جنگ های اول و دوم جهانی با توجه به بیداری اسلامی و این حالت ایستادگی، که کشورهای اسلامی در برابر زیاده خواهی امریکا دارند، راه نوید بخشی پیش روی جهان اسلام و به ویژه کشورهای مسلمان خاورمیانه قرار داده است. با بیداری اسلامی جهان اسلام و ایستادگی در برابر زیاده خواهی امریکایی ها، نباید گذاشت که این بار نیز خواب آنان تعبیر شود. خوشحالی ما از پیروزی لبنان نباید باعث غفلت ما در برابر آینده شود، زیرا معلوم نیست آینده پیچیده تر از گذشته نباشد و ما به عنوان هدف های طرح خاورمیانه جدید در همه حال باید آمادگی مقابله با این هدف را داشته باشیم و با طرح های شوم آنها مقابله نماییم.

سخنان حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در جمع ائمه جماعات شرق استان تهران

به مناسبت گرامی داشت هفته جهانی مساجد

از مسلمات سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله این است که نخستین اقدام وی ساخت مسجد بود، مسجد قبا و آنگاه مسجد النبی صلی الله علیه و آله و از این مسجد به عنوان پایگاهی برای نشر دین استفاده می فرمود، از سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله در باب مسجد استفاده می شود که یک کارکرد مسجد، اقامه نماز جماعت

شماره 12

ص: 75

است، بشارت دادند که سه وقت در بسیاری از مساجد اقامه جماعت می شود و این بشارت ارزشمندی است، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از آنکه نگاهش به مسجد فقط اقامه جماعت باشد، نگاهش به مسجد، پایگاه بود. پایگاه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و در عصر حضرت پایگاه اداره حکومت. پیامبر مسجد را پایگاه وحدت دل ها می دید، لذا مسجدی که کانون تفرقه بود «مسجد ضرار» نامیده شده است که پیامبر دستور تخریب این مسجد را صادر کرد. مسجد از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله پایگاه وحدت بود. ائمه جماعات باید بدانند که مواضع و سلیقه های گوناگون در هر جامعه آزاد گریزناپذیر است و ائمه جماعات مساجد باید به گونه ای رفتار کنند که مردم مساجد را خانه خود بدانند. باید در مساجد به سلیقه های گوناگون اهمیت داده شود؛ البته نه به قیمت تأثیرپذیری در انحراف، پیامبر صلی الله علیه و آله مساجد را پایگاه فرهنگی می دید، لذا مسجد پیامبر کانون تلاش های فرهنگی بود که گاه خود پیامبر دستور می دادند که حضرت علی علیه السلام معاذ بن جبل و دیگران کار آموزشی در مساجد انجام دهند. امام جماعت مدیریت دینی مسجد را بر عهده دارد. از این سخن سه منظر به نظر می رسد: نخست، امام جماعت عالمی است که مردم به او اقتدا می کنند و از این منظر روحانی بودن شرط نیست، بلکه عدالت شرط است. منظر دوم این که امام جماعت مدیر مسجد است، مسجد هیأت امناء، بسیج و خادم دارد، اما به طور طبیعی مدیریت مسجد باید با امام جماعت باشد، منظر سوم این است که امام جماعت یک عالم دینی است و نگاه مردم ما به امام جماعت از این منظر است و به حمدالله این در کشور ما نهادینه شده است و معنای این حرف این است که عالم مدیریت دینی مسجد را دارد و در حقیقت مدیریت مأمومین را و در این مدیریت چند مطلب باید مورد توجه قرار بگیرد؛ نخست این که مدیریت او باید جهت دار و معلوم باشد، یعنی چه می خواهد بکند، باید چشم انداز آینده داشته باشد، مثلاً برنامه ریزی کند که در چند سال آینده مسجد باید دارای حوزه علمیه باشد و در سال های بعد افرادی از همان حوزه در خدمت مسجد باشند و بدانند که برای رسیدن به چشم انداز باید چه کنند. دوم این که امام جماعت باید در مدیریت خود کادرسازی کند. در هر مسجد عده ای را می بینیم که زمینه رشد بیشتری دارند. انقلاب ما این ها را پدید آورد و اصل جرقه انقلاب ما هم از طریق کسانی بود که به وسیله علما پرورش یافته بودند، اکنون هم همین گونه است، هر صالحی که

شما می‌پرورید در هر کجا به عنوان چراغ دین به شمار می‌رود کادرسازی کردن برای دین از جمله مهم‌ترین کارهایی است که باید در مدیریت مساجد به آن توجه شود. تلاش کنیم موضع اتخاذ کنیم، اما موضع ما جدای از جریان‌های سیاسی باشد موضع ما باید موضع دین باشد، و باید هر جا احساس تکلیف کردیم، حرف مان را بزنیم، اگر موضع ما موضعی سیاسی باشد به صورت ابزاری در دست سودجویان و دشمنان قرار خواهیم گرفت. باید مطابق دستورات فلان حزب و فلان شخص حرکت نکنیم، ولی اگر موضع ما موضع دین باشد، آزادانه در راه دفاع از حقانیت دین و بدون نیاز به هیچ کس و حزب، حرف مان را خواهیم زد، چنان که دیدید در باره حضور زنان در ورزشگاه‌ها مخالفت مراجع را در پی داشت و مورد نقد قرار گرفت و این همان موضع دینی ائمه جماعت است. نکته دیگری که در این مدیریت دینی تلاش شود دین دکان نشود، (چرا که وقتی دکان شد می‌شود ضد تبلیغ). اگر دین دکان شود و جوان بفهمد که فلان روحانی و فلان امام جماعت به لحاظ پول به منبر می‌رود و برای پول به تبلیغ دین می‌پردازد، قاعدتا از او خواهند برید. شما ائمه جماعات باید به گونه‌ای رفتار کنید که آن کاسب و آن تاجر و سرمایه‌دار احساس کند که به شما نیاز دارد و هیچ چیز را نباید با عزت و عظمت خود عوض نماییم. در مدیریت دینی آنچه مهم است مسئله ارائه تصویر درست از دین است. دغدغه ما این است که تبیین دین تخصص لازم دارد. سعی کنیم که در مسئله تبلیغ دین از صاحب نظرانی که دین را می‌شناسند استفاده کنیم. افرادی که در حوزه درس خوانده‌اند و بحمد الله ما در حوزه‌های علمیه

خود طلبه‌های بسیار فاضلی داریم که معروف نیستند، ولی شما می‌توانید از آنان دعوت کنید و در صورت لازم پیورانید. باید بدانید که کسی می‌تواند دین را بیان کند که دین شناس باشد.

در زمان حاضر متأسفانه برخی افراد که مایه دینی نداشتند، سخنگوی دین شده‌اند و آنانی که مطالعه‌شان در حد دو یا سه کتاب است، چگونه می‌توانند در باره دین صحبت کنند؟ کسی که امام جمعه و امام جماعت است و مسئولیت دین در هر نهاد دارد، رفتارش مستقیماً در تبلیغ دین تأثیرگذار است، گاهی عالمی در نهایت زهد است، ولی فرزندش، همسرش، دامادش، آبروی او را می‌برند، یک عالم دینی نمی‌تواند در باره ایشان بگوید که به من ربطی ندارد دشمن در پی این است که ببیند دختر فلان روحانی بدحجاب است و همسرش خدای ناکرده با وضعی نامناسب

می‌گردد و این برای هر روحانی، محلی از اشکال است. مردم با دیدن این صحنه خواهند گفت که اگر او توانایی داشت فرزندان و خانواده خود را اصلاح می‌کرد. ضمناً مشخص بودن زمان سخنرانی، نشاط مستمعین در هنگام سخنرانی، خلاصه‌گویی و اختصار و تنوع در تبلیغ در قالب مدیریت مسجد توسط ائمه جماعات نکات حائز اهمیت است که باید مدنظر باشد. آنچه کشور ما را در مواقع اضطراری از خطر می‌رهاند همین مساجد و ائمه جماعات مساجد است که با تلاش‌ها و زحمات مرکز رسیدگی به امور مساجد به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی سامان یافته و این شبکه عظیم دین مساجد را در سراسر کشور به هم متصل می‌کند. امیدواریم که این مرکز را هر روز با نشاط‌تر ببینیم و شاهد آن باشیم که این سفیران نور یعنی ائمه جماعات هر روز بهتر از گذشته به رسالت خود عمل می‌کنند.

بخش دوم: مقالات برگزیده

اشاره

ص: 81

فصل اول: مساجد و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

ص: 83

چکیده

این نوشتار با توجه به بنیادگذاری اسلام بر توحید ناب علمی و عملی و معرفی عبودیت و عبادت به عنوان هدف آفرینش، سیر تعالی و راه دستیابی انسان به جایگاه گرانسنگ و بی بدیل مسجد و مکان عظیم آن در سیره نبوی، سه محور را در آن برجسته نموده است:

1 - مسجد نقطه آغاز و سنگ بنای کادرسازی و تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی.

2 - مسجد کانون مرکزی جامعه سازی اسلامی.

3 - مسجد پایگاه وحدت و جایگاه حل اختلاف.

نگارنده راز نام گذاری ستون های مختلف مسجد نبوی را ابعاد، جنبه و کارکردهای گوناگون مسجد دانسته، نقطه آغاز و مرکز اصلاح، تعالی و حل مشکلات کنونی امت اسلامی، همچنین مرکز هدایت و نقطه امید و هدایت بشریت معاصر را مسجد معرفی کرده است و در پایان با تأکید بر ضرورت پیروی از سیره نبوی، احیای سنت رسول اعظم در مورد مسجد را تنها راه برون رفت از مشکلات در دوران معاصر و راه چاره حل اساسی آنها شناسانده است.

واژگان کلیدی: مسجد، سیره، رسول اعظم، کادر سازی، جامعه سازی، وحدت.

الحمد لله رب العالمين والصلوه والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين سيدنا محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

در سال رسول اعظم و در آستانه سالگشت بعثت فرخنده آن حضرت و با تقارن یافتن هفته وحدت و هفته گرامی داشت مساجد، پرداختن به نقطه آغازین و سنگ بنای تحول یافتن یترب به مدینه النبی، یعنی مسجد، امری بایسته و در خور توجه و راه حل بسیاری از مشکلات امروز امت اسلامی است؛ زیرا در مکتب اسلام که به عنوان آخرین مکتب حیات بخش الهی، براساس توحید ناب نظری و عملی بنا شده (1) و همه امور معرفتی، اخلاقی و احکام عملی این دین براساس توحید سامان یافته است و هدف از آفرینش آدمی و راه رسیدن انسان به قرب و جایگاه منیع خلافت الهی، (2) عبادت، عبودیت و بندگی ذات اقدس الهی معرفی شده، (3) مسجد جایگاهی گرانسنگ و بی بدیل داشته و در سنت و سیره مبارک رسول اعظم مکاتبی عظیم یافته است.

از آنجا که نمی توان به همه ابعاد این موضوع پرداخت، تنها به سه نکته اساسی یعنی: نقطه آغاز حرکت های دینی، جامعه سازی اسلامی و وحدت آفرینی مساجد اشاره می شود:

1 - مسجد نقطه آغاز و سنگ بنای کادرسازی و تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی

اگرچه در سیره حضرت رسول، تشکیل جلسات آموزش در دوران آغازین بعثت و سال های مخفی دعوت در خانه ارقم بن ابی ارقم در کنار مسجدالحرام بر دامنه کوه صفا (4) و برگزاری نماز جماعت در سال های پس از آن در درون مسجدالحرام و در برابر کعبه (5) و نشستن در

ص: 86

- 1- «مالکم من اله غیره»، اعراف: 59، 65، 73، 85.
- 2- «انی جاعل فی الارض خلیفه» بقره: 31.
- 3- «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» ذاریات: 56.
- 4- سیره ابن هشام: ج 1، ص 263؛ سیره ابن حلبی: ج 1، ص 319.
- 5- اسدالغابه، ابن اثیر، الاصابه ابن حجر، به نقل از: فرازهایی از زندگی پیامبر اسلام: ص 97.

حجر اسماعیل و قرائت قرآن(1) نشانگر اهمیت مسجد در کادرسازی است ولی توجه به رویدادهای هجرت آن حضرت از مکه به مدینه و تلاش آن پیامبر بزرگ برای بنیان نهادن یک جامعه ایده آل نمونه و آرمانی اسلامی و تغییر جامعه جهل و ظلم و خرافه یثرب به شهر علم و نور و عدالت مدینه النبی نشان می دهد که نقطه آغاز همه تلاش ها و سنگ بنای جامعه سازی اسلامی و زیر ساخت تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی نبوی، تأسیس مسجد، است.

آری! تأسیس مسجد قبا در آن اقامت کوتاه سه روزه و انتخاب مکان برای بنیان نهادن مسجد نبوی به محض ورود به مدینه،(2) برای همه مسلمانان و بویژه برای اندیشمندانی که در سیره پیامبر اعظم تأمل می کنند، پیامی معنادار در بر دارد.(3) پیامبر در اولین گام به مسجده سازی پرداخت و با این اقدام، مرکز ثقل همه تحولات و اصلاحات لازم را بنیان نهاد و در حقیقت با ساخت مسجد، نخستین گام برای تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی را برداشت. بدینسان زیر ساخت و عامل اصیل و اصلی همه تحولات فردی و اجتماعی در سیره نبوی، مسجد بود.(4)

2 - مسجد کانون مرکزی جامعه سازی اسلامی

اساساً رسالت پیامبر این بود که جامعه بت پرست، مشرک خرافی، عقب مانده، جاهل و پر از ظلم و ستم و تباهی و اختناق آن گونه که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه توصیف می کند،(5) را به جامعه ای یکتا پرست، آزاد، عادل، انسانی و معنوی تبدیل نماید(6) تا همه بشریت از برکات آن

ص: 87

1- «كان رسول الله يقعد في الحجر و يقرأ القرآن» بحار الانوار.

2- آثار اسلامی مکه و مدینه: ص 199 .

3- (ليقوم الناس بالقسط و انزلنا معهم الكتاب و الميزان) حدید: 25 .

4- صحیح بخاری: ج 1 ، کتاب علم، ص 42 ؛ فرازهایی از زندگانی: ص 209 - 211 .

5- «و اهل الارض یومئذ ملل متفرقه و اهواء منتشره و طوائف متشتته بین مشبه لله بخلقه او ملحد فی اسمہ او مشیر الی غیره...». نهج البلاغه: خ اول . «و انتم معشر العرب علی شر دین و فی شر دار منیخون بین حجاره خشن و حیات صم تشریون الکدر و تأکلون الجشب و تسفکون دماءکم و تقطعون ارحامکم، الا صنم فیکم منصوبه و الاثم بکم معصوبه» نهج البلاغه: خ 26 .

6- «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» اعراف: 157 .

برای این جامعه سازی جدید و این تلاش بزرگ الهی که اقامه عدالت در صدر می نشیند و باید هر چیز و هر کس در جایگاه خود قرار گیرد به یک مرکزیت مطمئن و کارآمد نیاز بود؛ بدین رو پیامبر با برنامه ریزی دقیق و الهی خود، برای جامعه سازی نوین قرآنی، به تأسیس کانونی به نام مسجد دست یازید.

بدینسان در سنت و سیره نبوی مسجد تنها یک نقطه آغاز و یک مرکز عبادی فردی نبود؛ بلکه بدون مبالغه مسجد مرکز و کانون هدایت همه تحولات، اصلاحات و همه امور بود. (1)

آن حضرت در این کانون نورانی، نخست فرهنگ سازی قرآنی را در دستور کار قرار داد و این گونه بود که مسجد با نقش فرهنگ ساز خود، جامعه نمونه ای را تحقق بخشید که در آن جامعه، همه امور از معرفت علمی، تا امور سیاسی و اجرایی همه و همه از مسجد الهام می گرفت و راز تحول یثرب به مدینه آرمانی پیامبر را باید در نقش آفرینی عالی این محور مقدس، جستجو نمود.

بدون تردید علم مسجد محور، اجتماع مسجد محور، اقتصاد مسجد محور، سیاست مسجد محور، با علم و اجتماع و سیاستی که محورش مسجد نباشد، تفاوت بنیادین دارد.

شاید تقسیم نمودن فضای مسجد میان کارکردهای مختلف و اختصاص هر ستون و اطراف آن به یک امر و آغاز گسترده آموزش های علمی و عملی را بتوان در این راستا ارزیابی نمود.

برگزاری نماز جماعت، آموزش قرآن کریم و ارایه خطابه های موعظه آمیز و اصلاح گرایانه، پذیرش نمایندگان مذاهب و مکاتب و قبایل و بحث و گفت وگو با آنان، اسکان مهاجرین بر گرد مسجد و... چنان تحول فرهنگی در یثرب به وجود آورد که به تحقق جامعه آرمانی اسلامی انجامید.

تعلیم و تعلم معارف و آموزه های قرآن و سنت نبوی، مسجد را به دانشگاهی بدل نمود که در آن علم و اخلاق، آموزش و پرورش، عالم پروری و انسان سازی در کنار هم و آمیخته

با یکدیگر ارائه می شد به گفته ابن مسعود تا به آیاتی که پیامبر به ما آموخته بود، عمل نمی کردیم آن حضرت آیات جدیدی به ما ارائه نمی کرد.

حضور پیامبر در جلسه آموزشی و ترجیح آن بر حلقه ذکر و عبادت با این بیان که «کلاهما الی خیر ولكن بالتعلیم ارسلت»⁽¹⁾ و جدیت در دور باش اصحاب از گناه و فی ازاله الاثام عنهم مجتهدا⁽²⁾ نشان از آن دارد که حضرتش علم و عمل بر اساس آن را با همدیگر می خواست.

به یک نمونه از معرفت آموزی علمی آموزه های قرآن در مساجد توجه فرمایید:

مردی بادیه نشین به مسجد آمد و از حضرتش تقاضای تعلیم آورده های جدید یعنی آیات قرآن را نمود؛ آن حضرت در پاسخ این تقاضا به تلاوت سوره زلزال پرداخت: «فلما انتهی الی (فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا) قال: اکفینی»

یا محمد مرا بس است که همه پیامت را دریافتم. سپس برخاست و از مسجد آهنگ بیرون رفتن کرد.

پیامبر به اصحاب فرمود: «انصرف الرجل و هو فقیه»⁽³⁾.

این مورد تنها یک نمونه از هدایت بخشی و معرفت آموزی علمی در مساجد بود که در فرصتی اندک، بادیه نشینی را به فقیه ای بدل نمود که فقاهتش مورد تأیید پیامبر قرار گرفت و تأثیر بخشی این گونه تعلیم در شکل گیری جهان بینی جدید و دغدغه آفرینی در مورد مبدأ و معاد را به خوبی نشان داد.

از بیان نمونه های دیگر در می گذریم که مجال تفصیل و فرصت تکثیر نیست.

در حوزه معرفت آموزی عملی نیز مساجد نقش، اثرگذاری و تحول آفرینی بسیار شگفت انگیزی ایفا نمودند؛ به عنوان نمونه ای از خروار، چون حضور در مسجد، طهارت و نظافت پیشین را طلب می کرد، بویژه با استحباب مسواک و به کار بردن بوی خوش برای اقامه نماز و با اختصاص دادن ستون مخلقه به گیاه عطر آگین خلوق برای خوشبو ساختن خود،

ص: 89

1- بحار الانوار: ج 1، ص 206؛ منیه المرید، شهید ثانی: ص 106.

2- بحار الانوار: ج 9، ص 332.

3- میزان الحکمه: ج 3، ص 2455.

مسجد عملاً لزوم رعایت بهداشت و آراستگی را به مردمان مسلمان می آموخت.

برگزاری نماز جماعت در مسجد و قرار دادن افراد در یک صف و کنار هم و منظم ساختن صفوف توسط خود آن حضرت، نه تنها نظام طبقاتی اشراف و بردگان را درهم شکست و همه تفاخرات جاهلی را لگدکوب نمود و نظام نوین اجتماعی دیگری با ارزش های جدیدی به وجود آورد، بلکه رعایت نظم و ایجاد صفوفی در هم تنیده و منظم را به همگان آموخت.

تشکیل جلسات مشورتی در مسجد، نه تنها لزوم تفکر و تأمل در امور اجتماعی مسلمانان را به همه افراد یاد می داد، بلکه به مسؤولان، رهبران و حاکمان استفاده از نظرات دیگران را

آموزش داد.

پذیرفتن هیأت های نمایندگی مذهبی و قبیله ای و ارایه سخنان مستدل و متقن در برابر پرسش های آنان، عملاً مردمان پرورش یافته در دوران تعصب، جنگ و جاهلیت را به روش گفت و گوهای برهان مدار و جدال احسن و رعایت انصاف در ارزیابی سخنان ارائه شده رهنمون شد. (1) در یکی از مناظرات که فیهت القوم و تحيروا و قالوا: یا محمد اجلنا تتفکر فیما قلته لنا فقال:

انظروا فیه بقلوب معتقده للانصاف یهدیکم الله. (2) به ما مهلت بده تا در آنچه فرمودی بیندیشیم. فرمود: بیندیشید ولی با قلب هایی که انصاف می ورزد تا هدایت شوید. (3)

اسطوانه حرس آن هم در کنار اسطوانه الوفود در مسجد النبی، اگرچه یادآور استفاد از سلاح برای تأمین امنیت جان پیامبر است، (4) ولی افزون بر آن و به دلیل تشکیل شورای نظامی در مسجد، بعد نظامی مسجد در جامعه سازی آرمانی اسلام را نشان می دهد؛ دین اسلام و مسلمانان واقعی در کنار بحث و گفت و گوهای مستدل، سلاح نیز در دست دارند تا تهاجمات دشمن را با شدت تمام پاسخ گویند، چنان که دشمن بهراسد و چندان بیمناک شود که هرگز خیال حمله و غارت و استعمار و استحمار این امت را در سر نپروراند. (5)

ص: 90

-
- 1- آثار اسلامی مکه و مدینه: ص 225 .
 - 2- بحار الانوار: ج 9، ص 259 .
 - 3- تفسیر موضوعی: ج 8، ص 87 .
 - 4- ان هذا المحرس كان على ابن ابي طالب يجلس في صفحتها التي تلي القبر مما يلي باب رسول الله يحرس النبي وفاء الوفاء، ج 2، ص 448 .
 - 5- «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عوالله و عدوكم» انقال: 60 .

اشاره

از آنجا که بدون در هم آمیختن نیروها و بدون انسجام یافتن یک اجتماع نمی توان تحولی انسانی و عمیق به وجود آورد، پیامبر به امر خداوند در حرکت و تلاش نوین خود، مردمان را به وحدت فراخواند: «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاتقون» (1) دشمنی های دیرین را به دوستی های بی مانند تبدیل کرد و با عوامل اختلاف آفرین و با هرگونه اختلاف و اختلاف آفرینی خواه میان مهاجر و انصار و خواه میان عرب و عجم و... به شدت مخالفت می نمود؛ زیرا خداوند فرمان داده بود: «انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم» (2)

مرکز آموزش علمی و عملی و پایگاه اصلی وحدت و حل اختلاف مسجد بود به همین جهت وقتی مسجد ضرار این جایگاه و نقش وحدت آفرینی را از دست داد و به مرکزی برای اختلاف افکنی مبدل شد، تخریب گردید و جایگاه انبوه ساختن زباله شد. «و الذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تقریقا بین المؤمنین... لا تقم فیه ابدا...» (3)

این سنت نبوی به مسلمانان نشان داد که هر مرکز اختلاف آفرین هرکجا که باشد حتی اگر نام مسجد به خود بگیرد، باید تخریب و به مزبله تبدیل شود.

ضرورت پیروی از سیره در دوران معاصر

اندیشمندان عزیز و گرامی؛ برادران و خواهران! اکنون نباید تنها به ذکر و یادکرد سنت نبوی در مورد مساجد اکتفا نمود؛ بلکه پرسش اساسی آن است که اکنون برای اصلاح امت اسلامی و نجات بشریت از کجا و چگونه آغاز نمود و از کدامین مرکز تحول و اصلاحات امت اسلامی را پی گرفت؟ پیام کنونی سنت نبوی در مورد مساجد چیست؟

بدون تردید امروز کلید حل مشکلات بسیار امت بزرگ اسلامی در مسجد یافت می شود؛ اقدام و سنت نبوی در تأسیس مسجد، یک حرکت مقطعی یا نمادین و اتفاقی نیست بلکه حساب شده نقطه آغاز را به ما نشان داده است و بدون شک هم اکنون نیز می تواند

ص: 91

1- . مؤمنون: 52 .

2- . حجرات: آیه 10 .

3- . توبه: 107 .

و می بایست نقطه آغاز و بهترین و کوتاه ترین مسیر اصلاح امت اسلامی قلمداد شود. پس باید

به سنت نبوی بازگشت و مسجد را احیا نمود زیرا مشکل امت اسلامی نداشتن محل عبادت نیست که براساس فرموده رسولش: «جعلت لی الارض مسجدا و طهورا»⁽¹⁾ بلکه مشکل آنان مرکز هدایت و الهام امور مختلف است که سرچشمه آن در مسجد است.

بدینسان رهبران معنوی و فکری مسلمانان هم اکنون بر اساس شرح صدر «الم نشرح لک صدرک»⁽²⁾ احساس مسئولیت «عزیز علیه ما عنتم»⁽³⁾ و مصلحت سنجی امت «و لا تتبع اهلهم»⁽⁴⁾ باید دامن پر دامنه اختلافات را برچینند و وحدت و یکدلی و یگانگی را که صلاح و اصلاح امت اسلامی در آن است، مورد توجه قرار دهند و آن را در احیای نقش ها و کارکرد مساجد جستجو کنند!

آری مسجد مرکز «یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه»⁽⁵⁾ بوده و باید

باشد و رسالت پیغمبر «لیقوم الناس بالقسط»⁽⁶⁾ و «یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم»⁽⁷⁾ بوده و باید امروز رسالت دانشمندان مسلمان نیز همان باشد.

به راستی آیا «اسطوانه الوفود» هم اینک نیز برای امت اسلامی پیامی برای برگزاری گفت وگوهای برهانی وحدت آفرین در بر ندارد؟

آیا اسطوانه مخلقه مسلمانان را به طهارت و آراستگی و خوشبویی دعوت نمی کند؟

آیا اسطوانه توبه و سریر در مسجد نبوی ما را به اعتکاف و استغفار و توبه فرا نمی خواند؟

و آیا سکوت امروزین مساجد در شبکه های مختلف صدایی، تصویری، اینترنتی و اینترنتی جهان با اسطوانه حنانه سازگار است؟

به راستی آیا بعد جهاد آفرین مساجد قابل احیا نیست؟ اگر مساجد این کارکرد برگرفته

ص: 92

1- . شرح لمعه، شهید ثانی: ج 1، ص 15 .

2- . شرح: آیه 1 .

3- . توبه: 128 .

4- . مائده: 49 .

5- . جمعه: 2 .

6- . حدید: 25 .

7- . اعراف: 157 .

از سنت نبوی را ایفا می کردند حتی اگر دولت های اسلامی به هر دلیل نمی توانستند از کیان امت اسلامی دفاع کنند و اسرائیل و آمریکا از لبنان و فلسطین و عراق برانند، آیا اسرائیل و آمریکا جرأت آن را داشت که این همه جنایات فجیع در لبنان و عراق و افغانستان به وجود آورد؟

افزون بر نقش آفرینی مساجد در حل مشکلات امت اسلامی، هم اکنون گمشده بشریت را نیز فقط در مساجد می توان یافت. به گفته الکسیس کارل دانشمند زیست شناس و برنده دو جایزه نوبل: انسان همچنان که به آب و اکسیژن نیازمند است، به خدا نیز محتاج است و احساس عرفانی، احساس اخلاقی، احساس جمال و نور عقل، به شخصیت بشری، شگفتگی و انبساط پر معنا و کاملی می بخشد....

ملت هایی که نیایش از میان آنان رخت بریندد به طور قطعی سقوط می کنند. (1)

مگر نه آن است که دانشگاه های صنعتی و تجربی و نظامی بریده از اخلاق و انسانیت و تهذیب که عالمان و متخصصان بی تعهد می پروراند و منشأ ساخت تسلیحات شیمیایی، بمب ها و کاربرد آنها علیه افراد بی گناه هستند و در یک کلام، جدا ساختن علم، صنعت، تربیت و اقتصاد از دین و مسجد و معبد، این مشکلات را به بار آورده است و هم اکنون بشریت خسارت جبران ناپذیر این جداسازی را تجربه می کند؟

براستی انسان مادی امروزی که به مادون انسانیت سقوط یافته و با گرفتار آمدن به نوعی جزمیت و دگماتیسم در مورد محسوسات عقل را از کلی نگرایی حق جویانه به جزئی نگرایی منفعت گرایانه معطوف ساخته و رفاه و پیشرفت اقتصادی، او را از تعالی انسانی و اخلاقی باز اندیشمندان عزیز و گرامی؛ برادران و خواهران! اکنون نباید تنها به ذکر و یادکرد سنت نبوی در مورد مساجد اکتفا نمود؛ بلکه پرسش اساسی آن است که اکنون برای اصلاح امت اسلامی و نجات بشریت از کجا و چگونه آغاز نمود و از کدامین مرکز تحول و اصلاحات امت اسلامی را پی گرفت؟ پیام کنونی سنت نبوی در مورد مساجد چیست؟

بدون تردید امروز کلید حل مشکلات بسیار امت بزرگ اسلامی در مسجد یافت می شود؛ اقدام و سنت نبوی در تأسیس مسجد، یک حرکت مقطعی یا نمادین و اتفاقی نیست بلکه حساب شده نقطه آغاز را به ما نشان داده است و بدون شک هم اکنون نیز می تواند و می بایست نقطه آغاز و بهترین و کوتاه ترین مسیر اصلاح امت اسلامی قلمداد شود. پس باید به سنت نبوی بازگشت و مسجد را احیا نمود زیرا مشکل امت اسلامی نداشتن محل عبادت نیست که براساس فرموده رسولش: «جعلت لی الارض مسجدا و طهورا» (2) بلکه مشکل آنان مرکز هدایت و الهام امور مختلف است که سرچشمه آن در مسجد است.

بدینسان رهبران معنوی و فکری مسلمانان هم اکنون بر اساس شرح صدر «الم نشرح لک صدرک» (3) احساس مسئولیت «عزیز علیه ما عنتم» (4) و مصلحت سنجی امت «و لا تتبع اهلهم» (5) باید دامن پر دامنه اختلافات را برچینند و وحدت و یکدلی و یگانگی را که صلاح و اصلاح امت اسلامی در آن است، مورد توجه قرار دهند و آن را در احیای نقش ها و کارکرد مساجد جستجو کنند!

آری مسجد مرکز «یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه» (6) بوده و باید باشد و رسالت پیغمبر «لیقوم الناس بالقسط» (7) و «یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم» (8) بوده و باید امروز رسالت دانشمندان مسلمان نیز همان باشد.

به راستی آیا «اسطوانه الوفود» هم اینک نیز برای امت اسلامی پیامی برای برگزاری گفت و گوهای برهانی وحدت آفرین در بر ندارد؟

آیا اسطوانه مخلقه مسلمانان را به طهارت و آراستگی و خوشبویی دعوت نمی کند؟

آیا اسطوانه توبه و سریر در مسجد نبوی ما را به اعتکاف و استغفار و توبه فرا نمی خواند؟

و آیا سکوت امروزین مساجد در شبکه های مختلف صدایی، تصویری، اینترنتی و اینترنتی جهان با اسطوانه حنانه سازگار است؟

به راستی آیا بعد جهاد آفرین مساجد قابل احیا نیست؟ اگر مساجد این کارکرد برگرفته

ص: 92

1- . نیایش: ص 35 - 45 .

2- . شرح لمعه، شهید ثانی: ج 1 ، ص 15 .

3- . شرح: آیه 1 .

4- . توبه: 128 .

5- . مائده: 49 .

6- . جمعه: 2 .

7- . حدید: 25 .

8- . اعراف: 157 .

از سنت نبوی را ایفا می کردند حتی اگر دولت های اسلامی به هر دلیل نمی توانستند از کیان امت اسلامی دفاع کنند و اسرائیل و آمریکا از لبنان و فلسطین و عراق برانند، آیا اسرائیل و آمریکا جرأت آن را داشت که این همه جنایات فجیع در لبنان و عراق و افغانستان به وجود آورد؟

افزون بر نقش آفرینی مساجد در حل مشکلات امت اسلامی، هم اکنون گمشده بشریت را نیز فقط در مساجد می توان یافت. به گفته الکسیس کارل دانشمند زیست شناس و برنده دو جایزه نوبل: انسان همچنان که به آب و اکسیژن نیازمند است، به خدا نیز محتاج است و احساس عرفانی، احساس اخلاقی، احساس جمال و نور عقل، به شخصیت بشری، شگفتگی و انبساط پر معنا و کاملی می بخشد....

ملت هایی که نیایش از میان آنان رخت بر بندد به طور قطعی سقوط می کنند. (1)

مگر نه آن است که دانشگاه های صنعتی و تجربی و نظامی بریده از اخلاق و انسانیت و تهذیب که عالمان و متخصصان بی تعهد می پروراند و منشأ ساخت تسلیحات شیمیایی، بمب ها و کاربرد آنها علیه افراد بی گناه هستند و در یک کلام، جدا ساختن علم، صنعت، تربیت و اقتصاد از دین و مسجد و معبد، این مشکلات را به بار آورده است و هم اکنون بشریت خسارت جبران ناپذیر این جداسازی را تجربه می کند؟

براستی انسان مادی امروزی که به مادون انسانیت سقوط یافته و با گرفتار آمدن به نوعی جزمیت و دگماتیسم در مورد محسوسات عقل را از کلی نگری حق جو یانه به جزئی نگری منفعت گرایانه معطوف ساخته و رفاه و پیشرفت اقتصادی، او را از تعالی انسانی و اخلاقی باز داشته، از کدامین مرکز جز مسجد می تواند انتظار هدایت و یاری داشته باشد؟

پس باید با ایمانی راستین و باوری پولادین سنت نبوی در مورد مساجد را پی گرفت که:

در این بحر جز مرد داعی نرفت

گم آن شد که دنبال داعی نرفت

کسانی کزین راه برگشته اند

برفتند بسیار و سرگشته اند

خلاف پیامبر کسی ره گزید

که هرگز به منزل نخواهد رسید

مپندار سعدی که راه صفا

توان رفت جز پی مصطفی (2)

1- . نیایش: ص 45 - 35 .

2- . مقدمه کتاب بوستان، سعدی شیرازی .

پیش گفتار

«قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین».

مسجد سنگر دفاع از حریم دین مقدّس اسلام است، و در طول تاریخ، بزرگانی همچون پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اصحاب با وفایش، سربازان مدافع آن بوده اند و همواره تجلی گاه عشق و عبادت و خضوع به درگاه پروردگار عالم بوده است، دل مؤمنان صادق، بهترین سنگر در برابر شرک و بی دینی است که شبانه روز چند نوبت به سوی خدا می ایستد و با حضور در مسجد آن را جلوه و نورانیت می بخشد. تأکید فراوانی که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و آئمه اطهار بر اقامه نماز جماعت داشته اند، بر دائمی و همیشگی بودن این دفاع، دلالت دارد. برای این سنگر مهم، می توان نقش های بسیاری در سراسر تاریخ نام برد که مهم ترین نقش آن نقش عبادی و ارتباطی آن است؛ زیرا در میان اقوام و ملل گوناگون مکان هایی پیدا می شود که از تقدس و اهمیتی ویژه برخوردار است؛ و مردم با حضور در آن جا به نیایش و عبادت می پردازند. در نزد ما مسلمانان، مقدّس ترین و با اهمیتی ترین مکان مسجد است که در فرهنگ دین ما مسجد یادآور خشوع و خضوع و عبادت و بندگی به درگاه خداوند است، زیرا در مسجد، انسان ها به سجده می افتند که اوج بندگی خداوند است. چنان چه فرمودند:

«الُسُّجُودُ مِنْتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنَى آدَمَ».

یعنی سجده انتها و اوج عبادت انسان است و همچنین روح سجده، تکلم و سخن گفتن و ذکر پروردگار عالم است که بر اهمیت آن تأکید فراوانی شده است و فرمودند:

«وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا».

و جلی و زیبایی سجده و ذکر، خواندن صادقانه و از روی اخلاص است.

خاطره از نخستین منبر مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با یاران اندک به مدینه مهاجرت نمودند، در آغاز چون مسلمانان، کم بودند پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی، بر ستون مسجد (که ستونی از نخل خرما بود) تکیه می داد، و به ارشاد مردم می پرداخت، ولی وقتی جمعیت مسلمین فزونی یافت، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای نخستین بار از پله های آن منبر بالا-رفت. در این هنگام، فریاد ناله از تنه درخت خرما (که ستون مسجد و تکیه گاه قبلی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بود بلند شد، همانند ناله شتری که از بچه خود جدا شده و آه و ناله می کند که همه حاضران آن ناله را شنیدند، این ناله فراق بود، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دیگر هنگام سخن گفتن به آن تکیه نمی داد. عجیب این که: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگامی که بالای منبر رفت، سه بار گفت: «آمین» روشن است که کلمه «آمین» در پایان دعا یا نقرین، گفته می شود؛ در آن جا این سؤال در ذهن حاضران آمد که چرا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله «آمین» گفت، ولی طولی نکشید که پاسخ این سؤال روشن گردید و آن این بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وقتی بالای منبر رفت، از جبرئیل سه نقرین شنید که دیگران این صدا را نمی شنیدند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شنید که جبرئیل می گوید: «خدایا لعنت کن بر عاق والدین». فرمود: آمین، سپس شنید، جبرئیل عرض کرد: خدایا لعنت بفرست بر کسی که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او از رحمت و آمرزش الهی محروم گردد». پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود «آمین».

از آن پس شنید جبرئیل گفت: خدایا لعنت کن کسی را که نام رسول تو (= رسول خدا) را بشنود و صلوات نفرستد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله گفت «آمین».

با توجه به این که «آمین» پیامبر مورد قبول و استجاب خداست، این حدیث هشدار

خطیری است به ما که در باره بی احترامی به پدر و مادر، و محرومیت از آن همه برکات سرشار ماه رمضان، و درود نفرستادن به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگام شنیدن نام آن حضرت، بیندیشم و به این سه موضوع، توجه کامل داشته باشیم و حق آن را به شایستگی ادا کنیم.

مسجد، کانون اصلی تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

نهضت های فکری و اجتماعی در شیوه آغاز به کار و ادامه آن یکسان نیستند. برخی از نهضت ها چون تندرستی بهاری آغاز می شوند؛ دقایقی می بارند؛ امواجی توفنده برپا می کنند و پس از زمانی کوتاه می ایستند. ساعتی بعد، گویی هرگز بارانی نباریده و آبی جاری نشده است. اما نهضت جاودانه ای که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آن را بنا نهاد، چنین نبود. با نزول باران آیه های قرآن، در فرمان خواندن و اهمیّت دادن به آموزش و قلم و مبارزه با نادانی آغاز شد، که:

«اقرأ باسم ربك الذي خلق... الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم».

اسلام همچون رودی آرام ولی سنگین و پر آب در بستر جامعه آن روز که برترین ویژگیش «ندانستن» بود جاری شد. رفته رفته سنگلاخ های جهل و خرافه را درهم کوبیده و دشت خشک نادانی را به بوستان هایی پرگل از آگاهی و بینش و دانش تبدیل کرد.

پیدایش اسلام نه فقط موجی از افکار و اندیشه های الهی را در جامعه در انداخت، که شور و نشاط علمی را نیز برانگیخت. علم و دانش و آموختن و یاد دادن ارزشی دیگر یافت و شمار آنان که خواندن و نوشتن می دانستند به گونه ای چشم گیر رو به فزونی گذاشت.

به هر حال، مسلمانان می باید کتاب آسمانی خویش را بخوانند و بدانند. حتی آنان که بنای مخالفت و انکار این پیام آسمانی گذاردند، چاره ای نداشتند جز اینکه با محتوای آن آشنا شوند؛ از این رو علم و آموزش رونقی چشم گیر یافت.

اسلام، خود با آموزش آغاز می شد. آموختن و فرا گرفتن اینکه فقط خدای یگانه را باید پرستید. آموزگار مکتب، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بود و موضوع آموزش نیز در آغاز، فراگفتن معنای «ایمان» و دانستن آیه های کتاب آسمانی، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند نمی توانست آنچه بر او نازل می شود در سینه خود محبوس نماید؛ بل وظیفه داشته است که آیه های کتاب آسمانی را

برای مردم تفسیر و تبیین نماید:

«و انزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل عليهم».

او آیات کتاب الهی را بر مردم تلاوت می کرد. آنان را تزکیه می نمود و کتاب و حکمت را به آنان آموزش می داد:

«هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يزيكهم

و يعلمهم الكتاب و الحكمة...».

این رسالت سنگین، زمان و مکان نمی شناخت. پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله از هر فرصتی برای روشن فکری و آموختن اسلام به مردم بهره می جست؛ ولی مطالعه در زندگی و سیره آن حضرت نشان می دهد که «مسجد» در مجموعه دوران بیست و سه ساله رسالت، مهم ترین سنگر تبلیغ دینی پیامبر صلی الله علیه و اله محسوب شده است. گرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران در زمینه های آموزشی و فرهنگی ایفا نمود، همواره یکسان نبوده است.

بختی تاریخی، درباره مسجد

پیش از آن که اسلام با بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله تولد یابد، دو مسجد مهم و با عظمت بر روی زمین احداث شده بود، یکی مسجدالاقصی بود و دیگری مسجدالحرام. مسجدالاقصی در بیت المقدس با دست حضرت سلیمان علیه السلام بنا شده بود و دیگر پیامبران بزرگ الهی، آن را تعمیر و تجدید بنا نمودند. مسجدالحرام نیز یادگار دو پیامبر بزرگ حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بود. بر پایه برخی از روایات، حد و مرز این مسجد به همت این دو پیامبر بزرگ تعیین و ترسیم شده است.

درباره تاریخ بنای کعبه برخی بر آنند که کعبه به دست حضرت آدم علیه السلام بنا و بازسازی شده است.

نخستین مسجد در اسلام

با آن که درباره مسجد «قبا» اطلاعات کافی در کتاب ها و آثار درج شده است، ولی در منابع

تاریخی کهن، این سخن که مسجد قبا، نخستین مسجد در اسلام است، فقط گفته پاره ای از مورخان چون اب الجوزی است.

مورخان بزرگی چون طبری و پیش از او سیره نویسانی چون ابن هشام و واقدی نیز چنین ادعایی نداشته اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به عقیقه بن خالد می فرماید:

«ابدأ بقبا فصل فيه و اكثر فانه اول مسجد صلى فيه رسول الله صلى الله عليه و آله في هذه العرضه...».

«براستی سرکشی از مساجد اطراف مدینه، از مسجد قبا شروع کن؛ زیرا مسجد، نخستین مسجد در این منطقه است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن نماز گزارده است...».

ابن هشام در تشریح رخدادهای آغازین ورود پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه از محله قبا حرکت کرد و نماز جمعه را در میان قبیله بنی سالم بن عوف و در مسجدی که در دل درّه رانوان بود، به جا آورد و این نخستین نماز جمعه ای بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مدینه برپا نمود.

نقش فرهنگی مسجد در دوران پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

در سال های آغاز بعثت به علت جو اختناق و شرایط سختی که بر مکه حاکم بود، اساساً امکان تبلیغ دینی به طور عمده، خانه آن حضرت بود. با اسلام آوردن ارقم بن ابی ارقم، خانه او

به جایگاه آموزش مسلمانان تبدیل شد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این خانه که در جنب کوه صفا قرار داشت، مبانی اندیشه های اسلامی را به مسلمانان آموزش می داد. بسیاری از مردم در همین خانه و در سایه آموزش های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مسلمان شدند. در سال چهارم بعثت، یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مسلمان بودن خویش را آشکار می کردند. با این حال نمی توانستند از مسجد در قالب سنگری در تحقق تبلیغ و آموزش بهره برداری کنند. مسجد الحرام، کاملاً در چنگال مشرکان قرار داشت و مسجد دیگری که بتوان آزادانه در راستای اهداف فرهنگی از آن استفاده کرد، نیز وجود نداشت.

نقش فرهنگی مسجدالحرام پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

کعبه و مسجدالحرام از دیرباز جایگاه گردهمایی مردم بود. مشرکان قریش، بازرگانان و مسافرانی که از اطراف مکه به این شهر می آمدند، پیش از اسلام نیز بر پایه اعتقادات خاص خود برای پرستش بت ها و یا طواف خانه خدا، گرد کعبه و در مسجدالحرام حضور می یافتند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از این فرصت ها برای تبلیغ آیین توحید و یکتاپرستی سود می جستند. آن حضرت بارها در کنار حجر اسماعیل به تلاوت آیه های روحبخش قرآن برای مردم می پرداخت و آنان را به پذیرش اسلام فرا می خواند. دامنه فعالیت های تبلیغی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ایام ویژه ای که موسم طواف و حج فرا می رسید، گسترش می یافت. اسلام آوردن شمار درخور توجهی از یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مکه ثمره چنین کارهای تبلیغی بود. یکی از مسلمانانی که این گونه هدایت شد، «طفیل بن عمرو» بود. او تحت تأثیر تبلیغات دروغین مشرکان حاضر شده بود گوش های خود را انباشته از پنبه کند تا مبادا آوای قرآنی را بشنود؛ ولی سرانجام در مسجدالحرام مسلمان شد. طفیل پس از اسلام آوردن، مبلغ شایسته ای برای آیین یکتا پرستی در میان خویشان و افراد قبیله خود شده بود.

بر پایه برخی از شواهد تاریخی، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در دورانی، یاران خویش را در مسجدالحرام گرد می آورد. برای آنان قرآن می خواند و واجبات و محرمات الهی را به آنان آموزش می داد. چنین جلساتی در مسجد، گاه به مناظره و گفت و گوهای طولانی و علمی با سران قریش می انجامید و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با استناد به آیات نورانی قرآن به شبهه های گوناگونی که آنان مطرح می کردند، پاسخ می گفتند.

ابن هشام می گوید:

«هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه بود، حدود بیست مرد مسیحی از حبشه به این شهر آمدند. اینان اخباری را در بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شنیده

بودند و پرسش های خود را مطرح کردند. افرادی از قریش نیز در اطراف کعبه این جلسه را نظاره گر بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اعضای این هیئت را به توحید و یکتا پرستی دعوت

کرد و آیاتی از کتاب آسمانی را برای آنان تلاوت نمود. چشمان آنان با شنیدن آیه های قرآن پر از اشک شد.

آنان به خداوند یکتا و پیامبر او ایمان آوردند و دریافتند که آنچه در کتاب های شان درباره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمده، در آن حضرت آشکار و هویداست.»

نقش فرهنگی - آموزشی مسجد پس از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پس از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به مدینه و بنا نمودن مسجدالتبی فصلی نوین در آموزش و فعالیت های فرهنگی مسلمانان آغاز شد. تلاش های فرهنگی در مدینه، پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به آن شهر و قبل از بنای مسجد نیز سابقه داشته است. با این حال، نقش مسجد در فعالیت های فرهنگی - آموزشی، پس از ورود پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به مدینه و بنای مسجد، هرگز با قبل از آن شایان مقایسه نیست. با بنای مسجدالتبی در واقع نه فقط معبد و پرستشگاهی ساخته شده، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی ریزی شده است.

حضور منظم و پیوسته مسلمانان در این مسجد به منظور برپاداشتن نماز، بهترین فرصت را برای کارهای تبلیغی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فراهم می آورده است. آن حضرت با توجه به اوضاع و احوال و رعایت حال حاضران در مسجد از این فرصت ها به شایستگی بهره برداری می کرد و پس از برگزاری نمازها برای مردم سخن می گفت.

در آغاز که شمار مسلمانان اندک بود، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با تکیه بر یکی از ستون های مسجد که از چوب درخت خرما ساخته شده بود، برای مردم سخن می گفت.

بعدها به پیشنهاد برخی از مسلمانان، منبری که دارای سه پایه و از چوب بود، برای آن حضرت ساخته شد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر بلندای همین منبر کوتاه که به بلندای همه تاریخ بود، جان تشنگان معارف الهی را سیراب می ساخت. بسیاری از سخنان و گفته های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که اکنون در دسترس ماست، از همان خطبه هایی است که بر فراز این منبر ایراد شده است. در حقیقت، منبر محلّ نشستن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در سخنرانی های رسمی بوده است.

سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای افراد حاضر در مسجد نه فقط خسته کننده و ملال آور نبوده؛ که بسیار پر جاذبه بوده است. جلسات موعظه و سخنرانی رسمی همه روزه برگزار نمی شد، زیرا یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از این عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین برداشت می کردند که پیوستگی و مداوم بودن جلسات سخنرانی موجب خستگی و ملال نماز گزاران می شود.

«عبدالله بن مسعود» که از چهره های علمی در روزگار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به شمار می آید، می گوید:

«کان رسول الله صلی الله علیه و آله: يتخولنا بالموعظه في الايام كراهه السامه علينا».

«رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن رو که مبادا ما شنوندگان خسته و ملول شویم، برخی از روزها موعظه می کردند».

گرچه عبدالله این سخن را از زبان خود می گوید، ولی بی گمان او با استناد به سخنی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چنین برداشتی را از سیوه کار آن حضرت نموده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دیگران را نیز به آسان گرفتن در تبلیغ و موعظه سفارش می کرد. از ایشان نقل شده که در این زمینه فرموده اند:

«يسرّوا ولا تعسّروا وبسّرو ولا تنفّروا».

«آسان بگیرید، سخت گیر مباشید، بشارت دهید و مردم را گریزان مسازید».

گاهی زمان سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از پیش با اعلام خود حضرت اعلام می شد تا همگان در مسجد حضور یابند. در چنین مواردی یاران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکدیگر را به حضور در مسجد در اول وقت و ضبط سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سفارش می کردند، تا مبادا کلمه ای از سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از دست آنان بیرون رود.

در مجالس سخنرانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله زنان نیز حضور داشتند. اگر احساس می شد زنان به هر علت سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را نشنیده اند، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آنان را مجددا موعظه و نصیحت می کرد.

روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حالی که بلال نیز با او همراه بود، دانست که زنان سخنان او را نشنیده اند، دوباره آنان را موعظه کرد و ایشان را به صدقه دادن فرمان داد. گاه زنان درخواست می کردند که برای آنان مجلس سخنرانی جداگانه ای تشکیل شود؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با پیشنهاد آنان موافقت می نمود و مجلسی مخصوص به زنان برپا می شد.

محتوای سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد

خداوند متعال یکی از جنبه های مهم رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را تبیین و تفسیر آیه های قرآن قرار

داده است. بی تردید این مهم، در مرتبه اول در مسجد صورت می گرفته است. آموزش فقه و احکام دینی به مردم نیز بخش دیگری از سخنرانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را تشکیل می داد.

با این حال، سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فقط جنبه آموزشی نداشت، بل از عامل موعظه و تقویت روحیه «تقوا» و پرهیز از گناه در روح و جان شنوندگان نیز برخوردار بود. از همین رو اصحاب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از برخی جلسات سخنرانی آن حضرت به عنوان «مجلس موعظه» یاد می کردند. این امر به روشنی نشان می دهد که «آموزش» و یاد دادن در مسجد باید با وعظ و اندرز دادن که در حقیقت «پرورش» است، همراه باشد. در کتاب «معالم القریه» از بخاری نقل کرده که ابومسعود گفته است:

«مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: من به لحاظ ضعف و ناتوانی از حضور در نماز فلان کس خودداری می کنم، زیرا او نماز را طولانی برگزار می کند. ابومسعود گفته است: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بودم».

آن حضرت خطاب به حاضران فرمود:

«برخی از شما مردم را گریزان می سازند. اگر کسی امامت گروهی را برعهده دارد، باید از طولانی کردن نماز پرهیز کند چه، در نماز جماعت افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و پیشه دارند، یافت می شوند».

اصولاً عامل «موعظه» و اندرز، در تبلیغ از جایگاهی ویژه برخوردار است. قرآن کریم یکی از راه‌های فراخواندن مردم به سوی خداوند را «موعظه» دانسته است. قرآن مجید در آیاتی چند، خود را موعظه‌ای برای مردم معرفی نموده است.

راغب، موعظه را این گونه معنا کرده است:

«الوعظ زجر مقترن بالتخويف».

«موعظه بازداشتن همگان با بیم دادن است».

خلیل بن احمد، یکی از دانشمندان بنام لغت‌شناس نیز گفته است:

«الوعظ هو التذکر بالخیر فیها یرتق له القلب».

«وعظ، به یاد آوردن نیکی‌هاست، به گونه‌ای که دل‌ها نرم گردد».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر این که خود عملاً از چنین شیوه‌ای برای هدایت مردم استفاده می‌کردند؛ مسلمانان را بر برگزاری مجالس وعظ و اندرز ترغیب می‌نمودند.

در روایاتی که هم در منابع شیعه و هم در منابع سنی یافت می‌شود، از مجالسی به عنوان «مجالس ذکر» نامی به میان آمده و در خصوص برگزاری آن تشویق و تأکید شده است. یکی از آنها حدیث ذیل است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خطاب به مسلمانان فرموده اند:

«بادرو الی ریاض الجنّه، قیل یا رسول اللّٰه و ریاض الجنه؟ قال: مجالس الذّکر».

«به سوی باغ‌های بهشت بشتابید؛ گفته شد ای رسول خدا! مقصودتان از باغ‌های بهشت چیست؟ فرمود: مجالس ذکر و یاد خدا».

متأسفانه امروزه مجالس وعظ و اندرز در میان مسلمانان از جایگاه اصیل خود برخوردار نیست. برگزاری مجالس سخنرانی در مسجد به یک رسم و تشریفات تبدیل شده؛ فقط در مرگ افراد، مجالس با عنوان مجلس ترحیم تشکیل می‌شود؛ آن هم نه برای عبرت و موعظه؛ که از سر رسم و تشریفات؛ چندان که اگر کسی نمیرد، هرگز مجلسی برپا نمی‌شود، گویی همگان خود را از وعظ و اندرز دیگران بی‌نیاز می‌دانند، حال آن که سخت بدان محتاجند.

درباره مدّت زمان سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در مسجد با استناد به شواهد روشنی که در این زمینه در دست است، می توان گفت: مدت این سخنرانی ها معمولاً کوتاه بوده است. آنچه از خطبه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در دست است نشان می دهد که مدّت زمان سخنرانی های آن از چند دقیقه، تجاوز نمی کرده است. مراعات اعتدال، حتی در خطبه های نماز جمعه نیز که از سوی آن

حضرت ایراد شده مورد توجه قرار می گرفته است در سنن ترمذی آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در نماز جمعه و خطبه های آن، جانب اعتدال را مراعات می فرموده است.

در کنار این همه، گاه در سخنرانی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله مطالب مزاح آمیزی نیز بیان می شده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله بر منبر مسجد برای مردم از مردی سخن گفت که شتری را که مال خود پیامبر صلی الله علیه و اله بوده برای آن حضرت هدیه آورده است! پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله سه وقیه نقره به او پاداش داده اند، ولی او باز هم راضی نشده است!

جاذبه های معنوی در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله

تردیدی نیست که کار تبلیغی پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در مسجد، سرشار از مایه های معنوی و روحانی بوده است. این آمیزه های الهی کسانی را که اندک زمینه ای برای هدایت داشتند، شیفته و شیدای اسلام می نمود. در حقیقت دامنه فعالیت های پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در مسجد، فقط به برگزاری سخنرانی و تشکیل کلاس های آموزشی محدود نمی شد؛ بل جلوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله بیش از هر چیز، مسجد را به کانون هدایت حق جویان تبدیل ساخته بود. یعنی پرتو نور جاذبه های معنوی پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله آن چنان پر فروغ بود که گاه کسانی که به قصد کشتن آن حضرت به مسجد می آمدند، نیز خیره می ماندند و بذر مهر و محبت به اسلام در دل آنها کاشته می شد.

«عمیر بن وهب»، در پی تحریکات صفوان بن امیه برای کشتن پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله با شمشیر زهرآلود از مکه بازگشت. چنین ماجراهایی به روشنی نشان می دهد که پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در برخوردهایی کوتاه و جان تازه مسلمان را با اسلام پیوند می زد؛ به گونه ای که نخستین آرزوی آنان پس از مسلمان شدن، شهادت در راه خدا بود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خصوص بنای مسجد و تعیین امام جماعت برای قبایل گوناگون اهتمامی ویژه داشتند. آن حضرت خود در مواردی در امر ساختن مسجد برای برخی از قبایل شرکت می جستند. شخصی به نام «جابر بن اسامه» می گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه با گروهی از یارانش در بازار مشاهده کردم. از آنان پرسیدم: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به کجا می روند گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای افتتاح مسجدی به میان قبیله تو می روند. وقتی به محل خود بازگشتم، دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما مکانی را مختص مسجد، مشخص کرده و چوبی را برای تعیین سمت قبله آن نصب نموده است.

ترجیح جلسات علمی بر جلسات دعا در مسجد، در زمان رسول خدا

شهید ثانی در کتاب گرانقدر «منیه المرید» حدیث ذیل را نقل نموده است:

«روزی رسول خدا به مسجد وارد شدند. در مسجد دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر دو گروه به سوی یک هدف گام برمی دارند، دسته ای خدا را می خوانند و گروهی نیز آموزش می بینند و نادانان را تعلیم می دهند؛ ولی این گروه کار برتری انجام می دهند. من نیز به منظور آموزش به مردم مبعوث شده ام. از این رو پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خود در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست».

این گونه احادیث، به روشنی نشان می دهد که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، با گفتار و کردار خویش، مسلمانان را به اهمیت علم و دانش آگاه می کرد و تشکیل جلسات آموزشی در مسجد را مورد تشویق قرار می داد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق عملی در خصوص برگزاری جلسات درس و آموزش در مسجد در حدیثی فرموده اند:

«پاداش کسی که صبحگاهان به قصد یاددادن یا فراگرفتن چیز مطلوبیه مسجد می آید، همچون پاداش کسی است که یک عمره کامل را انجام

داده باشد و پاداش کسی که شبانگاهان به قصد یادگرفتن و یاددادن کار خیری به مسجد می آید. همچون پاداش کسی است که یک حج کامل، به جای آورده باشد».

از این حدیث استفاده می شود که لازم نیست گفت وگویی علمی در مسجد انجام گیرد و حتما دانش های دینی باشد؛ هر دانش سودمندی را می توان در مسجد مورد بحث و بررسی قرار داد.

پی گفتار

سخن پایانی نویسنده با عالمان و اندیشمندان اسلامی و همه آنانی که به مسجد عشق می ورزند و به عظمت و شکوه بیش از بیش آن می اندیشند این است که:

اگر سالیان دراز در گفتار و نوشتار خود تأکید کنیم که مسجد در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله چنین و چنان بود ولی عوامل گوناگونی را که باعث شده «مساجد» به صورت کنونی درآید، بازشناسیم و در رفع آنها نکوشیم گامی شایسته در راه خدمت به مسجد و شکوه آن برنداشته ایم.

ص: 107

- 1 - اعراف: 29 .
- 2 - بحار الانوار: ج 82، ص 164 .
- 3 - حج: 40 .
- 4 - اقتباس با توضیحی از نگارنده از کتاب منتهی الامال: ج 1، پاورقی صفحه 323 .
- 5 - علق: 1، 4 و 5 .
- 6 - تاریخ آموزش در اسلام، احمد شبلی، ترجمه محمد حسین ساکت، ص 41 .
- 7 - نحل: 44 .
- 8 - جمعه: 2 .
- 9 - مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد .
- 10 - وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج 3، ص 541، باب 55 از ابواب احکام المساجد، روایت 1 - 4 .
- 11 - همان مأخذ، ص 690 و نیز الحجّ فی الكتاب و السنّه، جعفر مرتضی عاملی، ج 1، ص 55 .
- 12 - به نقل از: الصحیح من سیده النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، جعفر مرتضی عاملی، ج 2، ص 56 و السیده الحلّیه .
- 13 - وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج 10، ص 276، باب 12، از ابواب المزاره روایت 2 .
- 14 - السیره النبویّه، ابن هشام: ج 2، ص 139 .
- 15 - السیده النبویّه، ابن هشام: ج 1، ص 270 .
- 16 - الطبقات الکبری، محمد بن سعد واقدی: ج 3، ص 242 .
- 17 - الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و اله، جعفر مرتضی عاملی: ج 1، ص 259 .
- 18 - الفوفاء باحوال المصطفی، ابن الجوزی: چاپ مصر، 1386 هـ-ق، دارالکتب الحدیثه، ج 1، ص 182، باب 14 و ص 15، 2، باب 31 .
- 19 - السیده النبویه، ابن هشام: ج 2، ص 22 .

20 - الاحتجاج، احمد بن علي بن ابيطالب طبرسي: ج 1، ص 29 .

21 - همان مأخذ، ص 29 - 38 .

22 - السيده، ابن هشام: ج 2، ص 32 .

23 - نظام الحكومه النبويه، عبدالحى الكتاني: ج 1، ص 67 .

ص: 108

- 24 - همان منبع، ج 2، ص 232 .
- 25 - همان منبع، ج 2، ص 232 .
- 26 - همان مأخذ، ج 2، ص 236 .
- 27 - صحيح بخارى: ج 1، كتاب الصّلاه، باب 75، ش 96 .
- 28 - همان منبع، باب 78، ش 99 .
- 29 - نحل: 44 .
- 30 - احياء العلوم الدّين، غزالي: ج 2، ص 398 و 399 .
- 31 - معالم القريه فى احكام الحسيه، ابن اخوه، باب 47، ص 266 .
- 32 - نحل: 125 .
- 33 - المعزرات فى غيرب القرآن، راغب اصفهاني، كتاب الواو، ص 527 .
- 34 - نقل از همان مأخذ.
- 35 - وسائل الشيعه: ج 4، ص 1239، باب 50 از ابواب الذكر، روايت 1 و 3 .
- 36 - نظام الحكومه النبويه، عبدالحى الكتّانى: ج 2، ص 236 .
- 37 - مغازى، محمد بن عمر واقدى، ترجمه محمود مهدوى دامغانى، ص 415 .
- 38 - همان منبع، ص 92 - 95 .
- 39 - تاريخ المدينه المنوره، ابن شيبّه، ج 1، ص 63 .
- 40 - منيه المديد فى آداب المفيد و المسفيد، زين الدين بن على عاملى (شهيد ثانى)، تحقيق و تصحيح: رضا مختارى، ص 106 .

بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / کریم کوخانی زاده (1)

چکیده

در جامعه اسلامی مسجد در تمام جنبه های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارد و نقش محوری ایفا می کند. پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله، در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد به تأسیس مسجد پرداخت پس از احداث مسجد از آن به عنوان پایگاه و کانون نشر افکار، عقاید و اصول اسلامی استفاده نمود. حساسیت هایی که بعضی از دولت های اروپایی در برابر ساختن مسجد یا تشکیل اجتماعات اسلامی یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می دهند یا در مردم برمی انگیزانند، ما را بر آن داشت تا در این نوشتار به بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بپردازیم. آنچه از بررسی این نقش و جایگاه از متون تاریخی بدست می آید، جامعیت مسجد در همه زمینه های عبادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، نظامی، قضایی و... می باشد؛ و محور همه آنها امامت و پیشوایی در مسجد است که به عنوان مهمترین مسئله در

ساختار و پیکره این مکان مقدس مطرح است که با توجه به اهمیت این موضوع خود پیامبر در زمان صدر اسلام عهده دار آن بودند. ایشان تأکید ویژه ای بر سادگی مسجد داشتند. پیامبر به عنوان استاد دانشگاه به تربیت دانشجویان علوم دینی، و به عنوان فرماندهی کل قوا

ص: 111

1- . عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه ایلام کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی و پایه گروه الهیات.

با مشاوره فرماندهان نظامی خود به تدبیر امور جنگ می پرداختند، و به عنوان ریاست سیاسی و فرهنگی مدینه با نمایندگان سایر ادیان به گفت و گو می پرداختند.

مقدمه

مقدمه

در جامعه اسلامی مسجد در تمام جنبه های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارد و نقش محوری ایفا می کند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مسجد رفت و آمد می کنند ضمن ادای فریضه نماز با قرار گرفتن در این اجتماع، در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه با خبر می شوند و در جریان مسائل روز قرار می گیرند. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد به تأسیس مسجد پرداخت پس از احداث مسجد از آن به عنوان یک پایگاه بزرگ تبلیغی، در پرتو تعالیم آسمانی اسلام و از راه تدریس، وعظ، ارشاد و ایراد خطبه های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها به نشر فرهنگ عظیم اسلامی پرداخت. هرچند ممکن است چنین تلقی شود که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است، ولی به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آنها در تمامی نقاط شهری و روستایی از یکسو، و از سوی دیگر حرمت و قداست خاصی که مسجد نزد مسلمانان دارد، سبب شده است تا مساجد نقش مهم و غیرقابل انکار خود را در این کارکرد ایفا کنند. از آنجا که امسال بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری به سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نامگذاری شده است در این نوشتار بر آن شدیم که به بررسی فعالیت های مساجد در سیره نبوی صلی الله علیه و آله پرداخته و به برخی از سؤالاتی که در ذیل می آید در ضمن مباحث پاسخ تفصیلی بدهیم.

1 - نقش آموزشی و تبلیغی مساجد در سیره نبوی صلی الله علیه و آله چگونه بوده است؟

2 - نقش نظامی مساجد به عنوان محلی برای برنامه ریزی و سیاست گذاری های نظامی چگونه بوده است؟

3 - آیا در مسجد با پیروان سایر ادیان یا نمایندگان آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله گفت و گویی انجام شده است؟

4 - مراسم اعتکاف در سیره نبوی چگونه برگزار می شده است؟

5 - شیوه برگزاری نماز جماعت در مساجد به وسیله پیامبر چگونه بوده است؟

و سؤالات دیگری که امید است در این نوشتار به آنها پاسخ داده شود.

1 - مسجد به عنوان دانشگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

ابعاد آموزشی مسجد پس از جنبه عبادی، بیش از هر جنبه دیگری برجسته و نمایان است. این نقش مسجد، توجه همه پژوهش گرانی را که درباره مسجد، سخن گفته، یا اثر علمی نگاشته اند، به خود جلب کرده است البته با بررسی عملکرد و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله به این نتیجه نیز می توان دست یافت که ابعاد آموزشی کاملاً مورد توجه ایشان بوده است. نقش مسجد در فعالیت های آموزشی، پس از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و بنای مسجد آغاز شد بطوری که با بنای مسجدالنبی، در واقع نه تنها پرستشگاهی برای مسلمانان ساخته شد، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی ریزی شد. حال در زیر به مهم ترین مباحثی که می تواند در قالب عنوان بالا بگنجد می پردازیم.

الف) جلسه های آموزشی پیامبر اسلام در مسجد

علاوه بر جلسات سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله که معمولاً پس از نماز جماعت برگزار می شد کلاس های آموزشی نیز در اوقات گوناگون از سوی آن حضرت در مسجد تشکیل می یافت. این کلاس ها اختصاص به جوانان و نوجوانان نداشت، بزرگسالان و پیرمردان نیز در چنین جلساتی شرکت می کردند.⁽¹⁾ در این جلسات، مسائل گوناگونی به مسلمانان آموزش داده می شد مباحث اعتقادی و آموزش مبانی ایمان به خداوند، در شمار اولین مسائل بود که به مسلمانان و بویژه آنان که تازه به آیین اسلام گرویده بودند، آموخته می شد. ابوذر می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان را قبل از آموزش قرآن به ما می آموخت.⁽²⁾ پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار آموزش مباحث دینی، مسلمانان را

ص: 113

1- . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج 2، ص 233 .

2- . همان: ج 2، ص 221 .

به مسائل تاریخی آشنا می کرد. عبدالله بن عمر گفته است: پیامبر شب ها، گاه تا دیر وقت پیرامون تاریخ بنی اسرائیل برای ما سخن می گفت. (1) استاد و مدرس کلاس هایی که در مسجد تشکیل می شد، تنها پیامبر اعظم نبود. علی علیه السلام نیز گاه به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر می رفت و در حالی که یک پله پایین تر از جای پیامبر صلی الله علیه و آله می نشست، برای مردم سخن می گفت. (2) گروه های مختلف با اساتید معین در گوشه و کنار مسجد کلاس های آموزشی برگزار می کردند و علوم و فنون مختلف آموزش داده می شد. عبدالله بن رواحه در مسجد جلسات مربوط به توحید و معاد (مسائل اعتقادی) را اداره می کرد، او در غیاب پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مسائل فقهی و اعتقادی را به مسلمانان آموزش می داد. گاه اتفاق می افتاد که پیامبر صلی الله علیه و آله خود در چنین جلساتی شرکت می کردند.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در حلقه درسی که عبد الله بن رواحه در آن تدریس می کرد، حضور یافتند. با ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و آله چنین انتظار می رفت که ایشان سخنران مجلس باشند، ولی پیامبر فرمودند: بدانچه مشغول بودید ادامه دهید، من نیز برای آموزش و تعلیم مبعوث شده ام نظیر همین ماجرا در مورد معاذ بن جبل نیز نقل شده است. (3)

یکی دیگر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بنام عباد بن صامت، مأمور آموزش قرآن و نوشتن به اصحاب صفت بود. (4) اینان که بیشتر در مسجد به سر می بردند، بسیاری از اوقات خود را به آموزش و کارهای علمی اختصاص می دادند. آنان در شب ها نیز به آموزش قرآن می پرداختند. شواهد موجود نشان می دهد برگزاری جلسات فقهی و آموزشی احکام در مسجد، گرمی و رونق ویژه ای داشته است. ابوسعید خدری گفته است: اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله چون گرد می آمدند به سخن گفتن می پرداختند و گفتار آنان بیشتر پیرامون دانش فقه بود. گاهی هم پس از مباحث فقهی به کسی می گفتند تا سوره ای از قرآن را در میان جمع تلاوت کند. (5) این کلاس های

ص: 114

1- . مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار: ج 4، ص 45 .

2- . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه الترتیب الاداریه: ج 2، ص 218 .

3- . همان: ج 2، ص 221 .

4- . همان: ج 1، ص 48 .

5- . همان: ج 2، ص 477 و 233 .

آموزشی، با مایه های اخلاقی و پرورشی نیز همراه بوده است.

انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیثی این چنین نقل کرده است:

«نزد من، نشستن با گروهی که از آغاز صبح تا طلوع آفتاب خدای را به یاد می آورند، دوست داشتنی تر از آزاد کردن چهار بنده است».(1)

بنابراین با توجه به بیانات گذشته و شواهد که در کتب مختلف نقل شده می توان گفت شور و نشاط علمی خاصی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله خصوصا در سیره نبوی صلی الله علیه و آله دیده می شود بطوری که از شواهد بدست می آید گاهی جلسات علمی از آغاز شب تا صبح به طول می انجامیده است و مشتاقان معارف اسلامی درباره علوم گوناگون به آموختن و فراگرفتن مشغول می شدند.

(ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد

با بررسی مستندات تاریخی که وجود دارد می توان گفت جلساتی که مسلمانان بتوانند پرسش های علمی خود را با پیامبر در میان بگذارند نیز در مسجد تشکیل شده است. از ابن عباس نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از به جای آوردن نماز صبح، تا طلوع آفتاب در جایگاه نماز خویش می نشستند.(2) گر چه از برخی روایات چنین برمی آید که آن حضرت در این اوقات به ذکر دعا می پرداختند.(3) ولی شواهدی نشان می دهد که بخشی از این فاصله زمانی به برگزاری جلسه های پرسش و پاسخ اختصاص می یافته است. در طبقات ابن سعد آمده است که پیامبر پس از به جای آوردن نماز صبح در کنار ستون توبه می نشست. پیش از نشستن آن حضرت، ضعیفان، بینوایان، تنگدستان، و میهمانان پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا جلسه ای بر پا می کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله در جلسه آنان حضور می یافت، آیاتی را که شبانگاه بر وی نازل شده بود، بر آنها تلاوت می نمود و تا طلوع آفتاب با آنان به بحث و گفت و گو می پرداخت.(4) ابوموسی نیز گفته است: چون پیامبر صلی الله علیه و آله نماز صبح را به جای می آورد، گرد او جمع می شدیم، برخی درباره تفسیر

ص: 115

1- . غزالی، محمد، احیاء علوم الدین: ج 1 ، ص 44 .

2- . ابن شبه، عمر، تاریخ المدینه المنوره: ج 2 ، ص 567 .

3- . غزالی، محمد، احیاء العلوم الدین، ج 1 ص 395.

4- . ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری: ج 2 ، ص 445 .

آیه های قرآن از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال می کردند، گروهی پرسش هایی را پیرامون احکام و واجبات دینی در میان می گذاشتند و عده ای نیز تعبیر خواب را از آن حضرت می پرسیدند. (1) پیامبر با کسانی که به منظور پرسش و یاد گرفتن به حضورشان می آمدند، با گشاده رویی کامل برخورد می کرد و همراه با بیان پاداش و فضیلت دانش آموختن، آنان را تشویق می نمودند. سفیان بن غسان گفته است: روزی در مسجد به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله مشرف شدیم. گفتم ای رسول خدا من به قصد فراگرفتن دانش به حضور شما آمده ام. پیامبر صلی الله علیه و آله در جوابم فرمودند:

«آفرین بر جوینده دانش، فرشتگان الهی از آن رو که دانش را دوست می دارند، با بال های خود دانش پژوهان را در بر می گیرند، و شمار زیادی از آنها گرداگرد جویندگان علم حلقه می زنند، آن گونه که در اثر کثرت جمعیت به آسمان می رسند.» (2)

ج) انجام فعالیت های فرهنگی در مساجد و آغاز آن از مسجد الحرام

اهمیت و نقش حساس مساجد دوره پیامبر خصوصا مسجدالحرام، هرگز از نگاه پیامبر پوشیده نبود. وقتی آن حضرت مساجد کوچک در نقاط دور دست را مورد توجه قرار می داد و به بنای مساجد برای قبایل مختلف فرمان می داد و کسانی را به امام جماعت آنان می گمارد، مسجدالحرام با آن همه اهمیت چگونه می توانست از نگاه پیامبر دور باشد؟ در حقیقت، چیرگی مشرکان قریش بر کعبه و مسجدالحرام، اجازه نمی داد آن حضرت در پی ریزی فعالیت های فرهنگی در مسجدالحرام، دست به اقدامی اساسی بزند. ولی پس از فتح مکه و آنگاه که اداره سیاسی شهر مکه و کعبه و مسجدالحرام در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت، آن حضرت بی درنگ در مورد شروع فعالیت های فرهنگی در این مرکز مقدس اقدام نمود. عتاب بن اسید به استناداری منصوب شد و معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری هم مأموریت یافتند تا به مردم مکه، قرآن، فقه و مسائل دینی را آموزش دهند. پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام نصب عتاب به سمت استناداری

ص: 116

1- . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج 2، ص 278 .

2- . شهید ثانی، منیه المرید: ص 106 .

مکه و امام جماعت مسجد الحرام، بر ضرورت کارهای فرهنگی و آموزشی تأکید فرمود، آن حضرت عتاب را فرمان داد تا چهار نوع معامله ناروا را که در جامعه آن روز رایج بود به مردم بیاموزد و مردم را از انجام چنین معاملاتی بازدارد. (1) این امر به روشنی گویای این مطلب است که پیامبر تا چه میزان نسبت به کارهای فرهنگی در جامعه و مسجد اهتمام داشته اند شواهدی نشان می دهد، حتی آنان که برای جمع آوری زکات به مناطق گوناگون اعزام می شدند نیز، به پاداشتن نماز و آموزش قرآن و مسائل دینی به مردم را وظیفه خویش می دانستند. پیامبر به پیشنهاد بنی مصطلق، عباد بن بشر را برای جمع آوری زکات بسوی این قبیله فرستاد. آنان درباره کارهایی که عباد انجام داد گفته اند! او برای ما قرآن می خواند و شرایع اسلام را به ما می آموخت. ما او را در میان خانه های خود فرود آوردیم، نه حقی از کسی ضایع کرد و نه از حق، فراتر رفت. چون پیامبر به او دستور فرموده بود، ده روز پیش ما ماند و سپس خوشحال و راضی به حضور رسول خدا برگشت. (2) مسجد نباید فقط نمازخانه باشد اگر دانشجویان احساس کنند که در امور دینی، اخلاقی و مالی مسجد به آنان کمک می کند، یا اصناف بدانند مسجد علاوه بر راهنمایی های فقهی و اخلاقی، در بحران های کسبی و مشکلات اقتصادی از آنان حمایت می کند، سوق المسلمین که یکی از آثار اخوت اسلامی است به وجود می آید. مسجد جهت تحقق آرمان های فرهنگی خود باید بخش هایی همچون: مدرسه، درمان، صندوق قرض الحسنه داشته باشد، تا بتواند به مردم کمک کند و گرفتاری هایشان را برطرف کند. امام مسجد هم باید همچون پدری دلسوز در میان جامعه، معروف و زبانزد باشد. مسجد پیامبر این گونه بود. آن حضرت توانستند اختلافات مردم را برطرف سازند، بین قبایل وحدت ایجاد کنند، مهاجر و انصار، اوس و خزرج را به هم نزدیک گردانند، درگیری های یکصد ساله آنان را به دوستی تبدیل کنند، ارتباطات خانوادگی و دوستی را به شکل بسیار پسندیده ای برقرار نمایند، زمینه های کینه و عداوت را بخشکانند، روح تعاون و همکاری را براساس علقه و ارتباط دینی بین مسلمانان بوجود آورند، روشن است که همراهی، تبلیغ و ترویج مبانی دینی با کارهایی که به گونه ای اداره امور حکومت اسلامی بشمار می رود، می تواند سازندگی و تأثیری به سزا را در پی داشته باشد.

ص: 117

1- . واقدی محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص 680 و 729 .

2- . همان: ص 747 .

پیامبر اکرم برای آموزش و تعلیم مسلمانان اهمیت بسیار زیادی قائل بودند و از هرگونه امکاناتی برای با سواد کردن ایشان استفاده می فرمودند. رسول خدا نخستین کسی بود که مسلمانان را به فراگیری دانش و کسب آگاهی فرا خواند و در پرتو تعالیم وحی شخصا به تعلیم و تربیت ایشان پرداخت. در سایه تلاش و کوشش پیگیری که آن حضرت در نشر و گسترش علوم و معارف اسلامی مصروف داشت، دانش آموختگان برجسته ای در مکتب تربیتی وی پرورش یافتند که از پایه گذاران دانش های اسلامی در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به کار تدریس و بحث و بررسی درباره مسائل دینی پرداختند. از این میان گروهی در مدینه عهده دار این وظیفه شدند و گروهی دیگر به تبلیغ و بیان احکام اسلامی در دیگر بلاد اسلامی پرداختند. همانطوری که گفته شد پیامبر اکرم برای آموزش مسلمانان اهمیت بسیار قائل بودند و از هرگونه امکاناتی برای با سواد کردن ایشان استفاده می فرمودند. برای مثال: به زید بن ثابت که پس از جنگ بدر، به وسیله یکی از اسیران خواندن و نوشتن آموخته بود، دستور دادند که خط عبری را نیز بیاموزد. (1) بدین شیوه، شمار یاران با سواد پیامبر رو به فزونی گذاشت، به حدی که تعداد کاتبان و نویسندگان حضرت را تا 42 نفر نوشته اند. (2) نهضت سوادآموزی در مدینه به قدری گسترش یافت که محلی به نام «دارالقرءاء» را بدین امر اختصاص دادند. آورده اند که عبدالله بن مکتوم پس از بازگشت از جنگ بدر به مدینه به همراهی مصعب عمیر در دارالقرءاء منزل کرد. (3) بعد از این همه تأکید و اهمیت پیامبر اکرم به سوادآموزی و تعلیم اساتید و گسترش دامنه حکومت اسلامی پیامبر شروع به اعزام اساتیدی به مناطق مختلف نمودند. چنانکه آن حضرت پیش از هجرت به مدینه مصعب بن عمیر و عبد الله بن مکتوم را به منظور تعلیم قرآن و مسائل دینی به نومسلمانان این شهر بسوی مدینه فرستاد. پس از هجرت نبوی، با گسترش قلمرو دولت اسلامی و راه یافتن اسلام در بیشتر نقاط جزیره العرب، نیاز مردم مسلمان آن نقاط به معلمان قرآن و دانشمندان علوم دینی افزایش یافت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای هریک از این بلاد، فردی از صحابه یا گروهی از ایشان را جهت آموزش آداب و شرایعه اسلامی منصوب کرد. این افراد گاه به عنوان معلمان مسائل دینی

ص: 118

- 1- . آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرگی: ص 259 .
- 2- . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج 1، ص 40 - 48 .
- 3- . همان: ج 1، ص 56 .

به آن دیار اعزام می شدند و تنها همین وظیفه را برعهده داشتند چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه، معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری را به عنوان معلمان قرآن و احکام اسلامی در این شهر منصوب کرد و گاه به عنوان عاملان پیامبر در اداره امور سیاسی و اجتماعی این بلاد، رسالت آموزش و وظیفه آموزش نامسلمانان را نیز برعهده می گرفتند چنان که عتاب بن اسید که از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله حاکم مکه بود این وظیفه را نیز برعهده داشت. (1) رسول اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر آن که عملاً مسجد را جایگاه آموزش معارف اسلامی و پایگاه امور فرهنگی قرار داده بودند، در سخنان فراوانی نیز براین نقش مسجد، تأکید نموده اند، بطوری که در سفارش های خود به ابوذر می فرمایند:

«... ای ابوذر، هرگونه توقیفی در مسجد، لغو و بیهوده است مگر برای سه دسته: کسی که پس از نماز به تلاوت قرآن می پردازد، آنکه سرگرم ذکر و یاد خداست و کسی که به مباحث علمی اشتغال داشته است.» (2)

از اطلاق جمله «مباحث علمی» چنین برمی آید که لازم نیست علومی که در مسجد مورد بحث و گفت و گو قرار می گیرد، حتماً دانش های دینی باشد، بلکه هر دانش سودمندی چنان که یاد دادن و آموختن آن، از نظر شرعی با اشکالی روبرو نباشد، می تواند در مسجد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. شهید ثانی در کتاب گرانقدر منیه المرید حدیث ذیل را نقل نموده است:

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شدند. در مجلس، دو مجلس جداگانه برپا بود، گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی، گام برمی دارند. دسته ای، خدا را می خوانند و گروهی نیز آموزش می بینند و نادانان را تعلیم می دهند، ولی این گروه کار برتری را انجام می دهند. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده ام. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله خود در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.» (3)

ص: 119

1- . حکیمی، محمد رضا، الحیاه: ج 2، ص 419 .

2- . حر عاملی، وسایل الشیعه: ج 3، ص 86 .

3- . شهید ثانی، منیه المرید: ص 106 .

پیامبر اسلام در طول حکومت یازده ساله خویش درگیر جنگ های بسیاری شدند. این جنگ ها با حمله دشمنان اسلام و به قصد براندازی این دین و رسول آن پیش می آمد. شمار جنگ هایی که خود پیامبر در آن شرکت کردند، 26 یا 27 غزوه و تعداد دفعاتی که حضرت برای جلوگیری از هجوم دشمنان اسلام سپاهی گسیل فرمودند از 36 تا 66 سریه گزارش کرده اند. (1) این حمله ها به نقلی چند ماه پس از هجرت پیامبر به مدینه و به نقلی از سال دوم هجرت آغاز شد. اگر فرض کنیم تعداد این جنگ ها 26 غزوه و 36 سریه باشد - یعنی کمترین مواردی که تاریخ نویسان گزارش کرده اند - مجموع آنها 62 نبرد می شود. بنابراین رسول اکرم و مسلمانان به طور متوسط، هر دو ماه یک بار، به یک جنگ یا هر سال به شش جنگ کشانده می شدند؛ جنگ هایی که در بسیاری از آنها موجودیت و سرنوشت دین اسلام و پیامبر آن در معرض خطر قرار می گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه این غزوه ها و سریه ها را که بعد از هجرت اتفاق افتاد، در مسجد هدایت کردند. تشکیلات نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد مستقر بود. بدیهی است، اداره امور جنگ به برنامه ریزی و تشکیلات ویژه ای نیاز داشت که به گواه تاریخ، فقط در مسجد انجام می شد؛ بنابراین ستاد ارتش اسلام و مرکز فرماندهی کل قوا در مسجد حضور داشتند. همان طوری که از متون تاریخی به دست می آید از سال دوم هجرت اولین سریه ها و غزوه های پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت. (2) لذا پیامبر جهت حفظ دین اسلام و آحاد ملت مسلمان اقدام به تشکیل شورای نظامی در مسجد نمودند و قبل از هر جنگی در مسجد با مشاوران نظامی خود مشورت می نمودند و چگونگی رویارویی با دشمن را مورد بررسی قرار می دادند. که می توان مهمترین نمونه آن را مشورت پیامبر قبل از جنگ احد با مشاوران نظامی خود و قبل از جنگ خندق نام برد، که در اولی تصمیم بر جنگ در خارج از شهر شد و در دومی تصمیم به جنگ در داخل شهر و کندن خندق در اطراف مدینه النبیه بود. (3) علاوه بر این که برنامه ریزی و سیاست گذاری

ص: 120

1- . آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرگی: ص 219 - 227 .

2- . زرگری نژاد، غلام الحسین، تاریخ تحلیلی اسلام: ص 49 .

3- . شیرازی، مکارم، پیام قرآن: ج 10 ، ص 121 ؛ ر.ک: عبد الملک، بن هشام، السیره النبویه، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید: ج 3، ص 66 و واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص 334 - 337 .

نظامی بوسیله فرمانده کل قوا در مسجد انجام می شد پیامبر صلی الله علیه و آله تمام غنائمی که در جنگ های مختلف به مدینه سرازیر می شدند را جمع کرده و در طول روز در بین جنگجویان و مستحقین آن تقسیم می کردند. با توجه به منابع تاریخی تشکیلات بیت المال، یعنی تشکیلات مالی بخش عمومی، متمرکز در مسجدالنبی بود. (1) هرگاه پیامبر در یکی از غزوه ها یا سریره ها بر یکی از مناطق جزیره العرب سیطره پیدا می کرد مأمورانی را بعنوان نماینده حکومتی، قضایی، ارشادی و فرهنگی در آن مناطق تعیین می نمودند که این افراد از حکومت مرکزی فرمان می بردند و رسالتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله برعهده آنها نهاده بود انجام می دادند. (2) (یعنی علاوه بر حکومت و فیصله دادن دعاوی حقوقی و کیفری و امور فرهنگی و ارشادی، جمع آوری زکات و خمس و خراج را نیز برعهده داشتند که بعد از جمع آوری آن را به بیت المال واقع در مسجدالنبی می فرستادند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در بین مستحقین تقسیم می کردند).

3 - مسجد، و گفت و گوی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با نمایندگان سایر ادیان

در کتاب های حدیثی در باب جهاد، بابی بعنوان «دعاء العدو» آمده و ضمن آن در این باره مطالبی از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است. (3) که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

«لا تقاتلوهم حتی تحتجوا علیهم بان تدعوهم الی شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و الا قرار با جاء من عند الله». (4)

یعنی پیش از آنکه به فکر جنگ با آنان باشید، از در گفت و گوی برهانی، نسبت به معتقدات دینی، با آنان درآیید. پیامبر صلی الله علیه و آله و نمایندگان ایشان بنابه توصیه مؤکد ایشان هرگز،

پیش از برخوردهایی با اقوام و مایوس شدن از نتیجه مثبت آن، با گروهی به جنگ نمی پرداختند. و زمانی که گروهی اسیر به نزد آن بزرگوار آوردند، ایشان، از مسلمانان سؤال فرمود: آیا اسلام را

ص: 121

-
- 1- . قاسم بن سلام، ابو عبید، کتاب الاموال، تحقیق محمد خلیل هراس: ص 373 - 376 .
 - 2- . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الداریه: ج 1 ، ص 114 ؛ ر.ک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم یابنده: ج 4 ، ص 303 و بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش: ص 382 - 385 .
 - 3- . کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی: ج 1 ، ص 337 ؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل: ج 11 ، ص 31 .
 - 4- . النعمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام: ج 1 ، ص 270 - 269 .

قبلاً به آنان معرفی و عرضه کرده بودید؟ گفتند: نه. حضرت فرمود: پس آنان را به همان محل امتشان بفرستید. و آن گاه این آیه را تلاوت فرمود:

«ای پیامبر! ما تو را فرستادیم تا شاهد و مژده دهنده و بیم دهنده باشی و مردم را به دستور خداوند به سوی او بخوانی و چراغی تابناک باشی» (1).

گفت وگوی علمی و فرهنگی زیادی میان آن حضرت با هیئت های اعزامی، که از سوی قبایل گوناگون به مدینه می آمدند صورت می گرفت.

جایگاه این گفت وگوها جایی جز مسجد نبود. گرچه برای سکونت و استراحت این هیئت ها، خانه ای نیز در نظر گرفته شده بود. (2) پاره ای از آنها نیز با توجه به صلاحدید پیامبرصلی الله علیه و اله در خانه های انصار جا داده می شدند. (3) برای برخی از آنها - همچون هیئت نمایندگی ثقیف - به دلیل طولانی بودن اقامت آنان در مدینه، خیمه ای در مسجد برپا می شد. (4) پیامبرصلی الله علیه و اله در کنار یکی از ستونهای مسجد که امروز نیز بنام «اسطوانه الوفود» (ستون هیئت ها) شناخته می شود، این گونه هیئت ها را به حضور می پذیرفتند و با آنان به مذاکرات دینی و اجتماعی می پرداختند. گرچه این از جنبه های سیاسی نیز برخوردار بود، ولی از آن رو که این هیئت ها معمولاً به منظور گرویدن به اسلام به مدینه می آمدند بحث و گفت وگو پیرامون معارف اسلامی، بخش های مهمی از این مذاکرات را به خود اختصاص می داد. برخی از این هیئت ها در حضور پیامبرصلی الله علیه و اله و در خانه به فخر و شرف و خودستایی می پرداختند، گفت وگوهای طولانی و سخنان برخلاف ادب به زبان می آوردند و گاه درخواست اجرای مسابقات هنری و ادبی با پیامبرصلی الله علیه و اله و یاران آن حضرت می کردند. پیامبر با حوصله و بردباری کامل به سخنان آنان گوش فرا می دادند. ذکر آنچه که در کتاب های سیره پیرامون مذاکرات هیئت نمایندگی (بنی تمیم) بیان شده می تواند فضای حاکم یکی از این گفت وگوها را ترسیم نماید.

واقعی در مغازی در این باره آورده است که: ده نفر از رواساء و برگزیدگان بنی تمیم

ص: 122

- 1- . الکاندهلوی، شیخ محمد یوسف، حیاة الصحابه: ج 1 ، ص 166 .
- 2- . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج 1 ، ص 445 ؛ ابن شبه، عمر، تاریخ المدینه المنوره: ج 2 ، ص 235 .
- 3- . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه، ج 2 ص 449.
- 4- . همان: ص 447 .

به مدینه آمدند آنها در صحن مسجد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و عطار بن حاجب تمیمی را پیش آوردند که خطابه بخواند. او خطبه ای ایراد کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله به ثابت بن قیس فرمود: برخیز و خطبه ایشان را پاسخ گوید. ثابت برخاست و با عدم آمادگی قبلی خطبه ای خواند، چون ثابت بن قیس نشست، آنها گفتند: ای رسول خدا اجازه فرمای تا شاعرمان شعری بخواند. چون اجازه فرمود، زبرقان بن بدر را بلند کردند و او ابیاتی را سرود. پیامبر به حسان بن ثابت فرمود: پاسخ شان بده و او برخاست و اشعاری سرود. پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان از خطبه ثابت و شعر حسان در آن روز خوشحال بودند. نمایندگانی که آمده بودند، با یکدیگر خلوت کردند. یکی از ایشان گفت به خدا قسم، بدانید که این مرد از طرف خدا تأیید می شود و کارهایشان رو به راه می گردد؛ خطیب او از خطیب ما فصیح تر و شاعرش از شاعر ما بهتر و خودشان به مراتب از ما خردمندترند. (1) پس از او هیئت بنی تمیم مسلمان شدند و از دیگر هیئت هایی که مذاکرات علمی و فرهنگی مفصلی میان آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت. هیئت نمایندگی ثقیف بوده است. (2) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث مفصلی که آمده است با راهبی بنام (شمعون بن لاوی بن یهودا) به بحث و گفت و گو پرداخته است. (3) روایتی است از امام صادق علیه السلام (4) به نقل از پدرش، امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: نمایندگان پنج دین در مجلسی گرد آمدند و با پیامبر صلی الله علیه و آله و الهبه مباحثه و گفت و گوی دینی پرداختند: یهودی، نصاری، دهریه، ثنویه و مشرکان عرب. در این جلسه براساس تفاهم پیشین همگی توافق کردند که حقیقت را پس از اثبات بوسیله برهان و دلیل بپذیرند. ابن اسحاق از مناظره جماعتی از

یهود مدینه (خیبر) به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می دهد. همچنین از گفت و گو با نصاری نجران که در نهایت به مباحثه منجر شد و نصاری از آن واهمه کردند و مطیع گردیدند. (5) با توجه به این متون و متون تاریخی دیگر می توان نتیجه گرفت که همه یا اکثر این گفت و گوها در مسجد پیامبر صورت گرفته است. بطوری که مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند: ای رسول خدا، آیا ایشان که مشرکند،

ص: 123

1- . ر. ک: واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص 742 - 746 .

2- . همان: ص 733 - 736 .

3- . الحرائی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی عطایی: ص 17 .

4- . طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج: ج 1، ص 27 - 44 .

5- . همدانی، رفیع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله: ج 1، ص 509 .

می توانند وارد مسجد شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و اله می گفتند: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی کند. (1)

4 - اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و اله در مسجد

پیامبر صلی الله علیه و اله الگوی مسلمانان می باشد و کردار و گفتار ایشان، برای پیروانش حجت است. راز و نیاز با پروردگار و چگونگی این ارتباط می تواند سهم بسزای در راهبرد امت به جهت مطلوب باشد. حال باید دید این بزرگوار با مسئله اعتکاف و خلوت با خداوند متعال چگونه برخورد کرده است؛ به تعبیر دیگر جایگاه اعتکاف در سیره ایشان چگونه بوده است؟

آن حضرت حتی قبل از رسالت هم مدتی را در غار حرا که در جبل النور - یکی از کوه های مکه - واقع بود، به عبادت به سر می برد. علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«ولقد کان یجاور فی کل سنه بحراء (حراء) فأراه و لایراه غیری».

«پیامبر صلی الله علیه و اله در هر سال مدتی را در غار حرا می گذراند. پس تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید» (2).

بعد از رسالت هم آن حضرت به اعتکاف اهمیت می دادند. در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«رسول خدا در ده روز آخر ماه رمضان در مسجد معتکف می شدند و برای آن حضرت خیمه ای معین برپا می کردند و ایشان در این ده روز بستر خویش را برمی چیدند و به اعتکاف مشغول بودند» (3).

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«جنگ بدر در ماه مبارک رمضان اتفاق افتاد و آن حضرت فرصت اعتکاف پیدا نکردند؛ از این رو سال بعد بیست روز معتکف شدند، ده روز برای همان سال و ده روز برای سال قبل که اعتکاف ایشان فوت شده بود» (4).

ص: 124

1- ر.ک: واقدی محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص 733 - 736.

2- نهج البلاغه: خطبه 192.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی: ج 4، ص 175.

4- همان.

حتی در تاریخ نقل شده است که آن حضرت محل اعتکافش نزدیک یکی از ستون ها به نام «اسطوانه السریر» (ستون تخت) بوده است که هنوز هم معین است. در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبر صلی الله علیه و اله قرار می دادند. (1) اعتکاف تأثیر بسزایی در ریشه کن کردن گناهان دارد بطوری که پیامبر در آثار اعتکاف می فرمایند:

«هرکس برای خدا و با ایمان کامل معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می شود». (2)

و در جایی دیگر می فرماید:

«کسی که روزی را برای رضایت خداوند متعال معتکف شود، ذات حق بین او و امتش سه خندق ایجاد می کند». (3)

پس می توان از سیره و گفتار پیامبر صلی الله علیه و اله به اهمیت اعتکاف پی برد و آن را عملی برای تربیت نفس و پرورش روح دانست.

5 - ویژگی های مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله و شیوه برگزاری نماز جماعت در سیره نبوی صلی الله علیه و اله

با ورود پیامبر صلی الله علیه و اله به شهر مدینه و استقبال جانانه مردم تازه مسلمان شده از ایشان، شور و هیجان شهر را فراگرفت، جانی تازه در کالبد مردم دمیده شد و زندگی مسلمانان حیاتی دیگر پیدا کرد. شادی و شوق بسیاری، در چشم ها دیده می شد. خانه هایی که ماه ها با ذکر اوصاف عالی پیامبر صلی الله علیه و اله روشن شده بود، اینک حضور آن بزرگوار آن را کمال می بخشید. مردم مدینه که از نزدیک سیمای ملکوتی و دوست داشتنی رسول الله صلی الله علیه و اله را می دیدند، گویا حقیقت اسلام و ایمان را مشاهده می کردند و از زیارت آن حضرت توشه برمی گرفتند. حلاوت کلام، زیبایی سیما و دلنشینی اخلاق و سیره نبوی، همه را شیفته کرده بود. یاران پیامبر صلی الله علیه و اله هر روز افزون تر می شدند. محلی که در آن نماز می خواندند، آکنده از جمعیت می شد. آنجا، انباری

ص: 125

1- . سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار المصطفی: ج 2، ص 452 .

2- . سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر: ج 2، ص 575 .

3- . المتقی الهندی، کنز العمال: ج 8، ص 531 .

متعلق به دو یتیم، سهل و سهیل، از طایفه خزرج بود، که تحت تربیت اسعد بن زراره بودند. پیامبر صلی الله علیه و اله به اسعد فرمودند: که این محل را برای مسجد خریداری کند. دو یتیم محل را به پیامبر صلی الله علیه و اله هدیه کردند، ولی ایشان نپذیرفتند و فرمودند: که باید پول آن را بگیرند.

سرانجام به ده دینار خریده شد.⁽¹⁾ مسلمانان مشغول خشت زدن شدند تا مصالح بنای مسجد فراهم شود. به دستور پیامبر، ابتدا زمین مسجد را کنند و از کوه سنگ آوردند. پیامبر در محل سنگ ها خود به مسلمانان کمک می کرد. وقتی اسید بن حضیر دید که حضرت خود سنگ ها را برای مسجد از کوه می آوردند، پیش رفت و عرض کرد: یا رسول الله! اجازه دهید من عوض شما آنها را ببرم. حضرت فرمودند: خیر، تو خود برو و سنگ دیگری را حمل کن. مردم با علاقه زیاد، سنگ ها را بردند تا حفره انباشته و زمین مسطح شد. آنگاه دیوار مسجد را ساختند. در آغاز که جمعیت مسلمانان کم بود، مسجدالنبی با دیواری به قطر یک خشت - و به تعبیر امروزی «یک آجر» - ساخته شده بود. بعدها که مسلمانان بیشتر شدند، دیوارهای جدید در محیطی وسیع تر با یک آجر و نیم ساخته شد. پس از آن دیوار مسجد که قهرا مساحت بیشتری را در بر می گرفت، «دو آجره» شد. بلندی دیوارها به قد و قامت انسان بود، و انتهای مسجد به اندازه صد ذراع بود.⁽²⁾ مسجد پیامبر پس از دیوارکشی اولیه، پر رفت و آمدترین مرکز شهر شد. کثرت رفت و آمد و حضور مردم در آن، نیازهای جدیدی را در پی داشت. گرمای هوا در مدینه و شدت آن، باعث شد که اصحاب از حضرت صلی الله علیه و اله درخواست کردند که اگر اجازه دهند، سایبانی در مسجد بزنند. پس از کسب اجازه، ستون های چوبی را در جلوی مسجد و سپس تا نزدیکی صحن برافراشتند. آنگاه، با شاخه درخت خرما سایبان زدند تا در پناه آن، از شدت گرما برهند و در آنجا به نماز و شنیدن سخنان رسول خدا صلی الله علیه و اله پردازند. پس از مدتی که بر این منوال گذشت گاه باران از سایبان به زیر می آمد و موجب اشکالاتی می شد، دوباره پیشنهاد شد که سایبان تبدیل به سقف شود. پاسخ پیامبر صلی الله علیه و اله برخلاف سابق بود. آن حضرت صلی الله علیه و اله با این پیشنهاد موافقت نکردند. توجه به این نکته، درس آموز است که ارتباط امام و مأموم چگونه باید باشد، مساجد تا چه اندازه از نظر ساختمان و رفاه نمازگزاران باید مورد توجه قرار گیرد،

ص: 126

1- . همدانی رفیع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله: ج 1، ص 475 - 474 .

2- . مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار: ج 19، ص 111 .

و امام در چه مواردی باید نظر مردم را بپذیرد؟ آیا باید امام بطور مطلق تسلیم حرف مردم باشد، یا لازم است مصالح و مفاسد را در نظر گیرد؟ احترام به آرای مردم، یک رکن روابط اسلامی است، ولی این احترام نباید اصول دیگر را مورد سؤال قرار دهد، زیرا ممکن است همه خواہش های مردم، مطابق با مصالح واقعی آنان نباشند. تشخیص این مصلحت، با شخص رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ است. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمودند:

«عریش کعریش موسی الامر عجل من ذلک».

«سقفی مانند سقف خانه موسی علیه السلام (دیگر به سقف نمی رسد) زمان کوتاه تر از آنست».⁽¹⁾

بنابراین پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ بر سادگی و پویایی مسجد، اصرار می ورزیدند، بطوری که حاضر نبودند که سایه بان مسجد به سقف تبدیل شود. در خصوص برگزاری نماز جماعت در سیره نبوی باید گفته شود که مسجد پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ در مدینه نخستین کانونی بود که از بدو تأسیس به منزله مرکز اصلی تمام فعالیت های عبادی مسلمانان، مورد استفاده قرار گرفت. یکی از این فعالیت ها برپایی آیین های جماعت در این مسجد بود. مسلمانان به سبب تعالیم قرآن مجید و رهنمودهای پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ نسبت به حضور در مسجد و شرکت جستن در نماز جماعت اشتیاق خاصی از خود نشان می دادند. آنان در هر شبانه روز، پنج بار از دور و نزدیک بدین مسجد می شتافتند و با تشکیل صفوفی منظم به ادای فرایض دینی به امامت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ می پرداختند. از آنجا که این آیین دسته جمعی در تحکیم روابط، میان مسلمانان و تحقق وحدت در جامعه اسلامی نقش بسزایی داشت، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ به هیچ یک از مسلمانان اجازه نمی داد بدون عذری از حضور در این فریضه الهی سرباز زنند، چنانکه در روایت اسلامی آمده است چون حضرت کسانی را که از شرکت امتناع می کردند به شدت تهدید کرد و خطاب به ایشان فرمود:

«لتحضرن المسجد او لا حرقن علیکم منازلکم».

«باید در مسجد حضور یابید و گرنه خانه های تان را با شما به آتش می کشم».

ص: 127

1- . دین پرور، سید جمال الدین، مسجد پایگاه اسلام، ماهنامه مسجد: ش 59، ص 48.

چون این خبر در مدینه انتشار یافت مرد نابینایی به نزد پیامبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله من مرد نابینایی هستم، و چه بسا صدای اذان را می شنوم، اما کسی را نمی یابم که مرا برای نماز خواندن با شما به مسجد بیاورد پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

«طنابی از منزلت به مسجد بپند و بدین وسیله در جماعت مسلمانان شرکت کن».(1)

از این روایت چنین برمی آید که در عصر رسول الله تمامی مسلمانان حتی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می کردند، و به این ترتیب مساجد آن روزگار بویژه مسجد پیامبر از جهت برگزاری آیین های جماعت بسیار فعال بوده است. با توجه به روایاتی که از پیامبر نقل شده است پیامبر صلی الله علیه و اله سعی می کرده است که نماز جماعت ایشان طول نکشد که باعث ملال و خستگی افراد نمازگزار شود و حتی از امامان جماعتی که این کار را کرده اند هم به شدت اعتراض کرده است. در کتاب معالم القریه از نجاری نقل شده که ابومسعود گفته است: مردی به رسول خدا صلی الله علیه و اله گفت:

من به خاطر ضعف و ناتوانی، از حضور در نماز فلان کس خودداری می کنم، زیرا او نماز را طولانی برگزار می کند. پیامبر صلی الله علیه و اله در این باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر صلی الله علیه و اله را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بودم. آن حضرت خطاب به حاضران فرمود:

«برخی از شما، مردم را گریزان می سازید، کسی که امامت گروهی را برعهده دارد، بایستی از طولانی کردن نماز پرهیز کند. چه، در نماز جماعت افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و مشغله دارند، یافت می شوند».(2)

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که در بالا آمد می توان به این نتیجه رسید که مسجد در عصر پیامبر و در سیره نبوی بعنوان یک نهاد چند نقشی - علاوه بر اینکه مرکز عبادت و اعتکاف بود -

مرکز جهاد علمی و دانشگاهی بشمار می رفت زیرا که بسیاری از دانشجویان این دوره در مسجد

ص: 128

1- . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه: ج 5، ص 377 .

2- . ابن اخوه، معالم القریه: ص 266 .

پیامبر و در محضر ایشان درس می گرفتند و فارغ التحصیل می شدند و پیامبر آنها را بعنوان معلمان دینی در مناطق تصرف شده یا تازه به اسلام گرویده اعزام می کردند، و نیز مقرر فرمادگی کل قوا بود چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله تمام 62 غزوه و سریه خود را با مشاورت فرماندهان نظامی خود از اینجا آغاز می کردند و تمام برنامه ها و نقشه های نظامی در مسجد ریخته می شد و مسلمانان را پیامبر برای جهاد با کفار از این محل مقدس بسیج می کردند. پیامبر صلی الله علیه و اله در مسجد بود که ادیان مختلف را به صورت فردی یا گروهی (وفود) به حضور می پذیرفتند و با دلیل و برهان دین خود را به آنها عرضه می داشت. همانطوری که از متن برمی آید و نتیجه می گیریم نماز جماعت در سیره نبوی بسیار به آن اهمیت داده شده است و سعی پیامبر بر برگزاری آن باید طوری عمل شود که باعث ملال و خستگی مؤمنین نشود. البته می توان بطور کلی در نتیجه گیری این مقاله عرضه داشت که مسجد در عصر پیامبر صلی الله علیه و اله مرکز عبادت و جایگاه دانش، مرکز جهاد تبلیغاتی و نهضت، مقرر دادرسی و قضاوت، قرارگاه سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی دولت و کانون تعاون اجتماعی بشمار می آمده است.

مسجد در عصر مدرنیته

بررسی تاریخ اسلام نشان می دهد که مسجد به عنوان مرکزی برای انجام فعالیت های مختلف اعم از عبادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره دارای نقش کاملاً مؤثری در پیشبرد اهداف دین مبین اسلام بوده است. به عبارت دیگر اگر چه در فرهنگ دینی، نام «مسجد» یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال بوده و در لغت به معنای جایگاه سجده تعریف گردیده است و براین اساس در قرآن کریم بر جنبه های عبادی مسجد بیش از هر بعد دیگری تکیه شده است. اما پس از هجرت پیامبر عظیم الشان اسلام به مدینه، مسجد به عنوان فعال ترین پایگاهی که قادر تأثیرگذاری ژرف بر فضای جامعه در ابعاد مختلف بود، انتخاب و عمده فعالیت ها در حول محور آن شکل گرفت. برای تأیید این موضوع در زمان حاضر نیز می توان به بررسی شکل گیری انقلاب اسلامی و نقش مساجد در این تحول عمیق پرداخت، علاوه بر آن که در طی سال های دفاع مقدس نیز مساجد دارای نقش ویژه ای در جذب و اعزام رزمندگان، پشتیبانی

جبهه ها، پخش اخبار درست در محله، کانون کمک به خانواده هایی که به دلایل ناشی از وجود جنگ نیاز به پشتیبانی داشتند، بالا بردن روحیه افراد جامعه و موارد متعدد دیگر بوده اند لذا مسجد در تمام طول تاریخ اسلام کانونی جهت بسط ارزش های اسلامی و مقابله با ضد ارزش ها بوده است.

در بیانی دیگر اگرچه مسجد در نقش اول خود مکانی برای پرستش معبود یگانه و برپایی نماز جماعت به عنوان اولی ترین نوع عبادت در نظر گرفته می شود، ولی این نقش در واقع چون

تنه ای است که با رویش خود منجر به جوانه زدن شاخه های متعددی شده که از هر کدام میوه های مختلفی برای جامعه اسلامی به ارمغان آورده خواهد شد. در جامعه فعلی ایران به دلایل مختلف، جامعه اسلامی از بسیاری از این ثمرات محروم است. این خسران با توجه به انقلابی که بر پایه مبانی دینی شکل گرفت. دفاع حقیقتاً مقدسی که با بهره گیری از اعتقادات مذهبی پیروزی های شگفت آوری به همراه داشت و حکومتی که بر مبنای ولایت فقیه که ناب ترین شکل حکومت دینی است در جامعه حاکم است، جای شگفتی دارد. اگرچه بسیاری این موضع را عادی قلمداد کرده و امری طبیعی دانسته و علت آن را گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن می دانند. به عبارت دیگر آنان معتقدند که در جامعه مدرن باید برای مسجد کارکردهای جدیدی تعریف نمود. در حالی که به اعتقاد مؤلف مطلقاً این گونه نیست، بلکه دقیقاً بر عکس این اعتقاد نه تنها کارکردهای مسجد در جامعه مدرن شده عوض نخواهد شد، بلکه بالعکس کارکردها دارای عمل و گستره بیشتری خواهند شد. برای آوردن دلایل جهت تأیید این نکته خوب است شروع بحث از بیان یک سؤال آغاز گردد.

با توجه به تأیید این موضوع توسط متخصصین جامعه شناسی که جامعه ما در حال گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن است. سؤالی آن است که در این دوران گذر و نیز در دوره تثبیت مدرنیته، کارکردهای مساجد چه خواهند بود؟

بدون شک اگرچه پاسخ گویی به این سؤال بسیار مشکل است و این خطر نیز وجود دارد که در صورت عدم صحت پاسخ، از کارکرد مطلوب مساجد کاسته شود؛ اما باید توجه داشت عدم پاسخ گویی، خطری بزرگ تر در پی خواهد داشت چرا که در طی گذر زمان می تواند جامعه

اسلامی را از کانونی که در تمام طول تاریخ اسلام به صورت دژ مستحکم از کیان دین اسلام و جامعه شکل گرفته بر مبنای آن حفاظت نموده است، محروم نماید.

ساده ترین راهی که برای جواب قابل استفاده بوده و محققین زیادی نیز به آن توجه داشته اند، آن است که جوامع مدرن شده در عصر حاضر را مورد بررسی قرار داده، زیرا پرستش معبود در انسان ها امری فطری است و در تمام جوامع معبودی برای پرستش وجود دارند. هرچند معمولاً به دلیل وجود انسان های منفعت طلب در بیشتر موارد معبودانی دروغین که قادر به سرازیر کردن سرمایه های به سمت این گونه انسان ها بوده اند، جایگزین خدای متعال شده اند، ولی این موضوع هیچ گاه منجر به خاموشی امر فطری عبادت معبود نگردیده است. بدین لحاظ می توان با بررسی گذشته و حال یک جامعه مدرن شده به تغییرات به وجود آمده در عبادتگاه های موجود پی برد. از این منظر بررسی جوامع اروپایی که دارای خصوصیات عمومی یک جامعه مدرنیته بوده و در عین حال با داشتن دینی برگرفته از پیامبری اولوالعزم در گذشته و حال و نیز داشتن عبادتگاه های مختلف قادر به پاسخ گویی صریح به این موضوع هستند، انتخابی صحیح به نظر می رسد.

در جوامع اروپایی قبل از دوران رنسانس که جامعه موجود دارای کارکردهای مختلفی بودند. ورای یک مکان عبادی، کلیسا مقری برای قضاوت، مشروعیت بخشیدن به حاکمان سیاسی، آموختن دانش، رسیدگی به امور جوامع از نظر شرعی، اعزام سپاهیان به جنگ های مختلف و عملکردهای مختلف دیگر بوده است. به عبارت دیگر کشیشان، اسقف ها و در رأس آنها شخص پاپ به عنوان بالاترین حامی کلیساها، قادر به تصمیم گیری، اعلام نظر و در نهایت فرمان در تمام ابعاد فعالیت اجتماعی بودند. این دخالت می توانست حتی در مراتب عالی منجر به تعویض شخص حاکم یک جامعه نیز شود.

بدون بررسی علل به وجود آمدن رنسانس که خود مقوله ای دیگر است، از جهت آن که پس از آن جوامع اروپایی به سمت مدرن شدن پیش رفتند، می توان با پیگیری تاریخی موضوع پس از رنسانس تا عصر حاضر که جوامع فعلی اروپایی جزو مدرن ترین جوامع جهانی هستند به نقش کلیساها به عنوان عبادتگاه های غالب در فعالیت های این گونه جوامع پرداخت.

پس از رنسانس از گستره اظهار نظر و دخالت کلیساها در امور اجتماعی کاسته شده و در حال حاضر نیز کلیساها به صورت تقریباً مطلقاً از دخالت در امور غیر دینی منع شده اند، علاوه بر آن که خود امور دینی نیز تا حد زیادی محدود گردیده اند. به عبارت دیگر حاکمان این گونه جوامع اگر

چه تا حد امکان سعی بر آن دارند که دین را از جامعه بزایند، اما به دلیل آنکه به خوبی ثابت شده است که امر فطری پرستش معبود قابل حذف نیست، سعی نموده اند با نگاه داشتن عبادتگاه ها این نیاز بشری را پاسخ گو باشند، اما برای کنترل آن، کارکرد آن را کاملاً محدود شده و تنها در انجام بعضی مناسک مذهبی تعریف نموده اند. تاریخ شاهدان متعددی برای گواهی دادن به عدم امکان حذف پرستش معبود از ذهن جوامع دارد. یکی از بهترین آنها در آخرین تقاضایی یکی از مستبدترین و کوشاترین افراد در جهت حذف دین از جامعه یعنی استالین به خوبی مشهود است که در اواخر عمر فرمان داد که کلیساها و مساجد باز شوند تا مؤمنین در آنجا حضور یافته و برای شفای او دعا نمایند. با توجه به این موضوع، هر چند حاکمان این جوامع در آرزوی

زدودن دین از جامعه هستند، اما به دلیل عدم امکان اجرای این خواسته با باز نگاه داشتن عبادتگاه هایی چند، تلاش خود را صرف آن می کنند تا ضمن کنترل امر فطری پرستش معبود در جوامع خود، از جهت یافتن آن به سمت دین های اصیل جلوگیری نمایند.

اگر مطلب بالا مورد قبول واقع شود، براساس این بررسی باید برای مساجد نیز در جامعه مدرن شده اسلامی، کارکردی تک بعدی و تنها مکانی برای پرستش معبود قایل بود. این نسخه ای است که در طی چند سال اخیر بارها توسط بعضی از افراد اعلام شده است. در این دیدگاه دیگر نباید نگران تعداد افراد جذب شده به مساجد بود یا از کاهش یافتن کارکردهای مثبت آن نگران بود. همچنین همچون جوامع اروپایی که عمده کلیساها تغییر کاربری یافته و تنها تعداد معدودی باقی مانده اند، بخش اعظم مساجد باید تغییر کاربری یافته و تنها تعدادی مساجد که دارای معماری برتری هستند باقی بمانند. ولی واقعیت آن است که آنانی که

جوامع اسلامی مدرن شده را در قالب جوامع مدرن شده امروزی می بینند، از نکته ای مهم غافل هستند و این آن است که در جامعه مدرن شده اسلامی، دین هرگز به حاشیه رانده نمی شود، بلکه به دلیل افزایش آگاهی و عقلانیت قشرهای مختلف جامعه، مسجد به عنوان مرکز فعالیت های اجتماعی دارای کارکردهای عمیق تری خواهد شد. این نقطه افتراق با روشنفکرانی

هست که تصور می نمایند برای رسیدن به جامعه ای مدرن لازم است دقیقاً از همان راهی عبور نمود که سایر جوامع عبور نموده اند، در حالی که عقل سلیم حکم می نماید برای عبور از این راه لازم است ابتدا به نتایج ناشی از عبور از این مسیر که در جوامع عبور نموده قابل بررسی است، پی برد و سپس با دریافت آنها، مسیری صحیح تر را انتخاب نمود. برای واگذاری و درک نتایج حاصل از کنار گذاشتن دین در این جوامع نیاز، به بررسی چندان عمیقی نیست، زیرا تحقیقات انجام شده توسط محققین همین جوامع به صراحت برآشوبه بودن به حاشیه راندن دین دلالت می نماید. افزون شدن تعداد خودکشی ها، افزایش معتاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی که می تواند در تسکین موقت خلأهای معنوی مؤثر باشد، از هم پاشیدگی خانواده به عنوان مهم ترین رکن هر جامعه و نتایج فوق العاده منفی دیگر همگی سر منشأ در سیاستی اشتباه تحت عنوان حذف یا به حاشیه رانده دین در این جوامع دارد. امروزه حتی شاخه ای از علم روان شناسی تحت عنوان دین درمانی با وجود مخالفت علنی و پیگیرانه سیاستمداران منفعت طلبی که سود خود را در کنار گذاردن دین می دانند، در حال شکل گیری و رواج است. در این نوع درمان، پزشک با احیای امر فطری پرستش و ایجاد ایمان به عالم غیب و خالق متعال سعی در معنا بخشیدن به زندگی بیمار می نماید. بدین لحاظ نباید انتظار داشت که هیچ انسان عاقلی تأیید نماید که برای مدرن شدن لازم است که دین به حاشیه رانده شود.

در تفکر دینی، مدرنیته نوعی تحول است که در طی آن انسان با استفاده از ابزارهای مدرنی که قادر به گشودن راه های جدید برای شناخت خود هستند، به تفکر خود عمقی ژرف تر داده و با بهره گیری از آگاهی های افزوده شده، نه تنها از ایمان او کاسته نمی شود، بلکه بر اعتقاد او به وجود خالق هستی افزوده می شود. به عبارت دیگر اگر در گذشته تنها تعدادی از دانشمندان و محققین به دلیل برخورداری از دانش و آگاهی های بیشتر، دارای اعتقادات و ایمانی عمیق تر بوده اند، در عصر مدرنیته این برخورداری از دانش و آگاهی ها به دلیل عمومی شدن در کل جامعه رسوخ یافته و پیامد آن ایمانی قوی تر خواهد بود. براین اساس در عصر مدرنیته نه تنها از کارکردهای مسجد نباید کاسته شود، بلکه برای آن باید بر مؤثرتر شدن آن کارکردهای تأکیدی همه جانبه داشت.

اگر مطالب مذکور صحیح در نظر گرفته شوند، این موضوع با آن چه در مساجد در جامعه فعلی ما می گذرد، دارای تناقض است. به عبارت دیگر بر اساس آن چه در بالا آورده شده، در جامعه در حال گذر ایران لازم است مساجد دارای کارکردهای متعدد بوده و نیز دارای تأثیری فوق العاده بیشتری باشند؛ اما واقعیت خلاف این حقیقت است. این موضوع نه تنها سؤال برانگیز بوده، بلکه بسیار دغدغه انگیز نیز است. زیرا وضعیت مساجد در حال حاضر در واقع تأییدکننده نظر آنانی است که مُصر به صحت این موضوع هستند که در جوامع مدرن، مساجد تنها کانونی برای عبادات محدود پرستش کنندگان هستند. محدود شدن مراجعه کنندگان به مسجد و در واقع به حاشیه رانده شدن دین که با مقیاس دقیق تعداد پرستش کنندگان خالق متعال قابل اندازه گیری است، برای جامعه اسلامی بسیار خطرناک است، زیرا به واسطه وجود پایگاهی به نام مسجد بوده است که با وجود همه هجوم های متعدد در طول تاریخ هیچ گاه کیان جامعه اسلامی از بین نرفته و هر بار نیز توانسته است که اقوام مهاجم را در درون خود هضم کرده و ارزش های اسلامی را

حفظ نماید.

پس چرا این گونه است؟ جواب اگر چه سخت و دردناک است، اما پاسخ گویی واجب است. جواب را به صورت ساده می توان این گونه بیان نمود: در جامعه فعلی ما سرعت حرکت به سمت مدرنیته بسیار سریع تر از حاکم شدن آموزه های دینی است. این موضوع به ویژه در مراکز آموزشی که پرورش دهنده نسل های بعدی است دارای تفاوت فاحش تری است، لذا به جای حاکم شدن آموزه های دینی و در نتیجه رواج ارزش های کاملاً منطبق بر جامعه مدرنیته غربی در حال حاکم شدن است. به عبارت دیگر با کمال تأسف باید اعلام نمود که این تصور غلط در حال جا افتادن در جامعه است که برای رسیدن به عصر مدرنیته باید از دینداری کاست و آن را محدود به زمان هایی خاص برای پرستش نمود. این تصور بسیار غلط نیز به این دلیل شکل گرفته و چون سرطانی کشنده در حال گسترش است که مساجد غیرفعال شده و هستند.

ص: 134

اشاره

اعتکاف چیست؟ معتکف کیست؟

اعتکاف از نظر لغوی، به معنای اقامت کردن و ماندن در جایی و یا ملازم بودن با چیزی است و در شرع مقدّس اسلام، یعنی: توقّف و اقامت در مسجد. معنای اصطلاحی «اعتکاف» توقّف در مسجد به قصد عبادت و تقربّ جستن به خداوند متعال است. (1)

مطالعه در سیره انبیاء، ما را رهنمون می سازد به اینکه آنان اوقاتی را برای گسستن از خلق و ایجاد ارتباط خاص با خدای متعال صرف می کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نه تنها خود را بی نیاز از این سنت الهی نمی دانست، بلکه اهتمام ویژه ای برای آن قایل بود. در روایات آمده است:

«کان رسول الله اذا کان العشر الاواخر اعتکاف فی المسجد و ضربت له قُبَّةٌ مِنْ شَعْرِ و شمّر المنزر و طوی فراشه». (2)

در روایات دیگری سخن از قضای اعتکاف به میان آمده است:

«کانت بدر فی شهر رمضان ولم یعتکف رسول الله صلی الله علیه و اله فلما آن کان من قابلٍ اعتکف عشرين عشرا لعمامه و عشرا قضاءً لمافاته». (3)

ص: 135

1- . تحریر الوسیله: ج 1 ، ص 304 ، «خاتمه فی اعتکاف».

2- . اصول کافی: ج 1 ، ص 304 ، ب «اعتکاف».

3- . همان، حدیث دوم.

چون حضرت در جنگ بدر، که در ماه رمضان واقع شده بود، موفق به اعتکاف نشد، در ماه رمضان سال بعد، 20 روز معتکف شد؛ یک دهه برای سال قبل و یک دهه برای همان

سال. از اینجا معلوم می شود اعتکاف چقدر نزد حضرت مهم بوده که حتی در صورت عدم امکان و موفق نشدن به اعتکاف، قضای آن را انجام می داده است.

در روایاتی آمده است که یک دهه اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است. (1)

«معتکف» کسی است که اعتکاف نموده است. این فرد باید در این مدت، روزها را روزه بگیرد و در تمام مدت، بدون عذر، مسجد را ترک نکند او باید هنگام اعتکاف، از کارهایی همچون امور جنسی، خرید و فروش، بوییدن گیاهان معطر، مجادله و خودنمایی پرهیز کند. انسان در حال اعتکاف می تواند اوقات خود را به ذکر و یاد خداوند و نماز و تلاوت قرآن و یا کارهای مباح سپری کند.

پیشینه تاریخی اعتکاف

با مطالعه کتاب های گوناگون می توان گفت: اعتکاف از عبادت های مخصوص دین اسلام نیست و در ادیان گذشته نیز وجود داشته است. گرچه اطلاعات قابل توجهی را نمی توان در این زمینه یافت، اما علامه مجلسی در بحارالانوار از تفسیر تبیان نقل می کند که گفته شده است: حضرت سلیمان علیه السلام در مسجد بیت المقدس به مدت یک سال و دو سال، یک ماه و دو ماه و کمتر و بیشتر اعتکاف می کرده است. آب و خوراک برای آن حضرت فراهم می شد و او در همان جا به عبادت می پرداخت. (2)

بعضی از آیات قرآن از ریشه دار بودن اعتکاف در ادیان گذشته خبر می دهند:

«وَعَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ». (3)

ص: 136

1- من لايحضره الفقيه: ج 2، ص 188، ب «اعتکاف»، ح 2101.

2- بحارالانوار: ج 14، ص 141.

3- بقره: 125.

و به ابراهیم و اسماعیل توصیه نمودیم تا خانه ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران تطهیر کنند. اگر «عاکفین» را به معتکفین تفسیر کنیم، می توانیم بگوییم: در زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نیز عبادتی به نام «اعتکاف» وجود داشته و پیروان دین حنیف گرداگرد کعبه معتکف می شده اند. به هر روی، برخی از مفسران برآنند که از آیه 125 سوره بقره می شود برداشت کرد: اعتکاف به عنوان یک عبادت، در دیگر ادیان الهی نیز وجود داشته است. (1)

از قرآن استفاده می شود که حضرت مریم علیها السلام آن گاه که با فرشته الهی ملاقات کرد، از مردم به دور بود و در خلوت به سر می برد (2) علامه طباطبائی در المیزان همین دوری حضرت را روی آوردن به اعتکاف و عبادت تفسیر می کند. (3)

اعتکاف حتی در دوران جاهلیت نیز در میان مردم رایج بوده است. (4) علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء به مشروعیت اعتکاف در ادیان پیشین تصریح نموده است. (5) با توجه به بررسی های موجود و با عنایت به اسناد و شواهد می توان گفت پیش از اسلام، اعتکاف وجود داشته است و در قرآن به وجود اعتکاف تصریح شده است و همان گونه که گفته شد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله عنایت ویژه ای به این امر داشت و این جزو سنت پیامبر شناخته می شود، گرچه ممکن است در اسلام، برخی از احکام و شرایط آن تغییر یافته باشد. تأکید و اهتمام حضرت به این امر را می توان با مطالعه درباره چگونگی برخورد پیامبر با این سنت اسلامی فهمید؛ زیرا هرگاه پیامبر و اولیای دین، که رسالت اصلی آنان تربیت و سازندگی انسان هاست، به برنامه ای اهمیت فراوان می دهند نشانگر آثار مثبت و سازنده آن است. میزان اهتمام و توجه رسول اکرم صلی الله علیه و اله به اعتکاف با توجه به مسئولیت بزرگ هدایت اجتماعی، که بر دوش آن حضرت بود، بیانگر اهمیت این مسئله است.

ص: 137

-
- 1- . اعتکاف سنتی محمدی: ص 23 .
 - 2- . «و اذکرهم فی الکتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکانا شرقیا فاتخذت من دونهم حجابا فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرا سويا» مریم: 16 و 17 .
 - 3- . المیزان فی تفسیر قرآن: ج 14 ، ص 34 - 35 .
 - 4- . صحیح مسلم: ج 11 .
 - 5- . تذکره الفقهاء: ج 6 ، ص 239 .

همان گونه که گفته شد، آن حضرت در دهه آخر ماه رمضان، خیمه ای موین در مسجد به پا می کرد و در آن جا معتکف می شد و با جدّیت کامل، به عبادت می پرداخت(1) و هرگز پرداختن به این کار، برایش موردی و اتفاقی نبود، بلکه مکرراً آن را انجام می داد(2) و مردم و مسلمانان نیز به همراه ایشان در این امر شرکت می کردند تا آنکه این عمل بین مسلمانان رواج پیدا کرد و حتی حضرت به قضای اعتکاف نیز توجه داشت. یکی از ستون های مسجد پیامبر به نام «اسطوانه السیر» (ستون تخت)، که تا به امروز نیز معلوم و معین است، محل اعتکاف پیامبر بود.

در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبر صلی الله علیه و اله قرار داده بودند.(3) در برخی نقل ها، ستون «توبه» نیز، که یکی از ستون های شناخته شده مسجد النبی است، به عنوان محل قرار گرفتن

تخت پیامبر ذکر شده.(4)

علاوه بر پیامبر صلی الله علیه و اله پیشوایان دین و امامان معصوم علیهم السلام نیز به شیوه های گوناگون بر اهمیت اعتکاف تأکید کرده و مسلمانان را تشویق نموده اند تا در این سنت اسلامی از پیامبر خویش پیروی کنند برای مثال، امامان معصوم علیهم السلام در تفهیم اهمیت اعتکاف به مسلمانان، به مقایسه فضیلت اعتکاف با برخی اعمال دیگر پرداخته اند امام صادق علیه السلام می فرماید: ثواب زیارت امام حسین علیه السلام برابر است با ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام.(5) این سخن و سفارش حضرت دلیل بر فضیلت اعتکاف است که با زیارت امام حسین علیه السلام برابری می کند.

متأسفانه این سنت نبوی در یک مقطع زمانی خاص، به ویژه در زمان بنی امیه رو به تعطیلی کامل نهاد و به دست فراموشی سپرده شد. اما بحمدالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عنایت ویژه مسئولان، بخصوص مقام معظم رهبری، و با توجه به پیگیری های فراوان و البته اطلاع رسانی جامع به مردم، در حال حاضر، مراسم اعتکاف با شور و شوق وصف ناپذیری

ص: 138

- 1- . الکافی: ج 4، ص 175 .
- 2- . صحیح مسلم: ج 8، ص 66 - 68 .
- 3- . اعتکاف سنتی محمدی: ص 43 .
- 4- . وفاء الوفا باخبار المصطفی: ج 2، ص 452 .
- 5- . بحار الانوار: ج 101، ص 71 .

در دو دهه اخیر انجام می شود. شور و اشتیاق نوجوانان و جوانان تحسین برانگیز است.

آنان برای تزکیه نفس، احیای سنت رسول اکرم صلی الله علیه و اله، یاد خدا و تقرب به او و پاکی از

گناهان رنج اعتکاف و اجتناب از برخی امور حلال را بر خود هموار می کنند.

انسان موجودی است که به فراخور طبع خویش و یا سراجبار، به اجتماعی زیستن تن داده است و این امر سبب می شود تا او همواره درگیر مدار مسائل و مشکلات سنگین زندگی امروزی باشد.

این امر موجب می شود آفت «خدا فراموشی» و «خودفراموشی» در انسان رشد کند. بدین روی، انسان از نظر روحی و روانی نیازمند است که زمانی را به خلوت با خدا و خود اختصاص دهد و به پالایش درون و زدودن زنگارهای غفلت از دل بپردازد، غفلتی که لازمه طبیعی اجتماعی بودن انسان است. ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آنکه انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت های اجتماعی فرا می خوانند، فرصت هایی را نیز برای خلوت نمودن با خدا پیش بینی کرده اند، و اعتکاف در مسجد یکی از این فرصت هاست.

پیامبر خدا در مراحل زندگی در قبل و بعد از مبعوث شدن به پیامبری، اوقاتی را به گسستن از مردم و ایجاد ارتباط ویژه با حق تعالی اختصاص می داد. ایشان با وجود عظمت روحی و رسیدن به کمالات عالی انسانی، خود را از اعتکاف و خلوت بینی آزاد نمی دانست و نسبت به آن اهتمام خاص داشت و حتی علاوه بر توجه خاص به بیان فضایل و پاداش بزرگ آن برای مؤمنان و تشویق آنان، به این عمل پرداخت و می فرمود: اعتکاف عشرنی شهر رمضان تعدل حجّین و عمّرتین (1) یک دهه اعتکاف در ماه رمضان، همچون دو حج و عمره است.

با توجه به زندگی ماشینی و زرق و برق بسیار و سرگرمی های فراوان عصر حاضر و روابط اجتماعی گسترده انسان ها، تأکید و اهتمام بر نقش سازنده اعتکاف ضرورتی دو چندان دارد زیرا اعتکاف خلوت مشروع و پسندیده ای است که زمینه را برای گسستن فرد از سرگرمی های پوچ فراهم می آورد و انسان را با خدا پیوند می دهد و از آفت خود بیگانگی می رها کند.

ص: 139

اعتکاف عبادتی همگانی است و حتی شامل زنان و کودکان ممیز نیز می شود و آنها هم می توانند از این چشمه جوشان فیض الهی و این فرصت استثنایی بهره مند شوند. شاید کسی بگوید: برخی از فقها «خانه» را مسجد زن می دانند، (1) پس اعتکاف او نیز باید در خانه باشد. اما اولاً، نباید رابطه اعتکاف را با مسجد رابطه ای جداگانه دانست. این رابطه ای قوی و جدایی ناپذیر است؛ زیرا از نظر مکان اعتکاف، محدودیت هایی وجود دارد که نظریه معروف آن است که این عملی مستحب باید در یکی از مساجد چهارگانه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، مسجد بصره) انجام گیرد و گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه، به ویژه به قصد قربت و به امید اینکه ان شاء الله مطلوب درگاه الهی قرار گیرد، جایز دانسته اند و حتی برخی برآنند که اعتکاف در سایر مساجد نیز به قصد رجاء اشکالی ندارد. (2) پس اعتکاف زنان نیز باید در مسجد باشد.

ثانیاً، این برداشت که اعتکاف زن در خانه باشد، مبتنی بر قیاس است که در فقه شیعه جایگاهی ندارد. از این رو، هیچ یک از فقهای شیعه اعتکاف زن را در خانه جایز نمی دانند. (3) در صحیح حلی به نقل از امام صادق علیه السلام، پس از ذکر برخی احکام اعتکاف آمده: اعتکاف المراه مثل ذلک (4) اعتکاف زن مثل اعتکاف مرد است. ظاهر این روایت تشبیه دو اعتکاف در تمام مراحل احکام است پس همان گونه که برای مردان مستحب است، برای زنان نیز مستحب است. در واقع، حضور زن در مسجد نباید همراه با عوارض منفی باشد. حتی گاهی زنان پیامبرهم با آن حضرت در مسجد اعتکاف می کردند. (5)

در سنن بیهقی آمده است: پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز بعضی از زنان او به اعتکاف اهتمام داشتند. (6) بدین روی، بهتر است امکان حضور زنان در مساجد برای اعتکاف فراهم

ص: 140

- 1- . همان: ج 3، ص 509.
- 2- . استفتای تلفنی نگارنده از دفتر مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی.
- 3- . جواهرالکلام: ج 17، ص 175.
- 4- . وسائل الشیعه: ج 7، ص 408.
- 5- . سنن ابی داود: ج 2، ص 334.
- 6- . سنن بیهقی: ج 4، ص 315.

شود، بخصوص در شهرهایی که چند مسجد جامع دارد تا آنان بتوانند با آرامش کامل، در آن جا به عبادت بپردازند. در مورد کودکان و نوجوانان نیز با توجه به اینکه بیشتر فقها عبادت های آنان را صحیح می دانند، جا دارد زمینه شرکت آنان در این مراسم پرفیض فراهم آید. بی گمان، حضور نوجوانان در این مراسم، باعث تربیت و انس و رشد و ترقی و بالندگی آنان خواهد بود؛ زیرا مراسم اعتکاف در دوران پیامبر، در دهه آخر رمضان صورت می گرفت که اگر در کشور عزیزمان نیز این گونه می بود، حضور جوانان در این مراسم، آن هم در ماه رحمت و فیض و برکت سبزتر بود، اگر چه آن گونه که اکنون نیز در روزهای 13 و 4 و 15 ماه رجب این سنت الهی برگزار می شود، باز هم شاهد برکات و نتایج ارزشمند آن هستیم.

اما به اعتقاد برخی از نویسندگان، برگزاری اعتکاف در ماه رجب یک نقیصه به شمار می آید؛ چنان که در برخی کشورهای اسلامی نیز این مراسم در ماه نزول قرآن برپا می شود که مبتنی بر پایه سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله است، و بهار اعتکاف را ماه رمضان می دانند؛ زیرا در این

ماه، دل ها آماده تر است و برخی افراد از کارهای روزانه خود نیز می کاهند و به عبادت مشغول می شوند. در این ماه، حتی آمار خلاف و سرقت و کارهای خلاف عفت عمومی نیز به حداقل می رسد. برخی روایات فضیلت اعتکاف در ماه رمضان را بی ارتباط با شب قدر نمی دانند. (1) امید است مراسم اعتکاف در ماه رمضان نیز همچون ماه رجب به گونه ای پرشور برگزار شود.

در خصوص بحث اعتکاف می توان گفت: انسان کامل از دیدگاه اسلام، باید دارای ویژگی های معینی در ابعاد فردی و اجتماعی باشد و عمل به وظایف اجتماعی با همه ارزش و اهمیتی که دارد، به تنهایی انسان را به کمال مطلوب نمی رساند، بلکه ورود به عرصه جامعه و فعالیت های اجتماعی هرگاه پشتوانه ای از ایمان و برخی ویژگی های خاص به همراه نداشته باشد، مایه سقوط انسان به ورطه تباهی و نابودی خواهد بود. اما پرداختن به مسئولیت های اجتماعی چنانچه دارای پشتوانه ای معنوی و برخاسته از پیوندی استوار با مبدأ هستی باشد، به خودی خود، ترقی و رشد انسان را به دنبال دارد، علاوه بر آنکه رنگ و بوی خدایی می گیرد و پرثمر و با برکت خواهد بود. از این رو، ادیان الهی پیوند و تقویت با خدا را از نظر دور نداشته اند.

ص: 141

حضرت موسی علیه السلام با آنکه هدایت جامعه را بردوش داشت، اما برای خلوت به کوه طور می رفت و با خداوند نجوا می کرد. او در پاسخ به خدا، که چرا قومت را رها کردی و به سوی من شتافتی، عرض کرد: پروردگارا! به سوی تو آمدم تا از من راضی شوی. (1)

اعتکاف در مسجد برای مسلمان فرصتی است تا به فراخور توان و مشاغل اجتماعی اش، هر از گاهی برای مدتی از جامعه و مردم جدا شود و به درون روی آورد. معتکف در فضای روحانی مسجد و دوران اعتکاف، فرصت می یابد با معبود خویش هرچه بیشتر انس بگیرد و پیوندش را با مبدأ هستی استوار سازد. اعتکاف زمینه مناسبی است تا انسان به کاوش درباره انگیزه ها و روحیات خویش پردازد در جهت رفع نقصان و تکامل آن بکوشد.

شروط و احکام اعتکاف

مراجع عظام شروطی برای اعتکاف مطرح می کنند:

معتکف باید عاقل باشد. پس دیوانه نمی تواند اعتکاف کند و اعتکافش مقبول نیست.

اعتکاف حتما باید به قصد قربت و با اخلاص در مسجد صورت بگیرد.

معتکف باید روزها را روزه بگیرد و اگر نتواند یا نخواهد روزه بگیرد اعتکافش صحیح نیست. اقامت معتکف در مسجد نباید از سه روز کمتر باشد، اما زیادت از سه روز مانعی ندارد و می تواند بیش از سه روز هم بماند.

اعتکاف در چهار مسجد معروف (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) یا در مسجد جامع شهر ممکن است.

الزاما در هر شهر، یک مسجد جامع وجود ندارد. ممکن است شهر دارای چند مسجد جامع باشد. در این صورت، اعتکاف در هر کدام از آن ها صحیح است.

اعتکاف از آغاز تا پایان، در یک مسجد صورت گیرد.

معتکف باید از کسی که اجازه گرفتن از او لازم است اجازه بگیرد.

معتکف باید در مسجد بماند تا ایام اعتکاف سپری شود. (2)

ص: 142

1- . طه: 83 - 84 .

2- . آموزش فقه: ص 243 .

اگر بخواهیم یک کار دینی در جامعه اسلامی گسترش پیدا کند باید اسباب و عوامل آن را فراهم کنیم و با مطالعه دقیق، در رفع مشکلات آن کار بکوشیم. در این زمینه توجه به چند نکته ضروری است:

1 - نباید گرایش های جامعه روبه افراط و تفریط رود. در واقع، باید طرح همزمانی ابعاد فردی و اجتماعی دین در جامعه مطرح و بدان توجه شود. این مسئولیت خطیر به دوش مبلغان دینی است؛ زیرا هرگاه مردم تنها به جنبه اجتماعی یا فردی دین رو آورند، بهره مثبتی از دین نمی گیرند.

2 - این مسئله باید برای مردم تبیین گردد و به آنها اطلاع داده شود که اعتکاف کار سهلی است. بی اطلاعی از احکام و شرایط اعتکاف موجب می شود برخی آن را دشوار و دست نیافتنی تصور کنند و حال آنکه گرچه اعتکاف با سختی ها و محدودیت هایی همراه است، اما کار دشواری نیست. نفس اطلاع پیدا کردن از هرکاری انسان را در مقابل آن کار آرام و متین می کند.

3 - باید ابهامات موجود را زدود تا اعتکاف مساوی با رهبانیت و نیز مقایر با مسئولیت اجتماعی تلقی نشود.

به نظر می رسد اگر قرار است اعتکاف جایگاه خود را پیدا کند باید تمام نهادها دست به دست هم دهند و مشکلات موجود در این زمینه بخصوص کمبود جا برای معتکفان حل شود.

4 - همیاری و همکاری دستگاه های دولتی برای شرکت نیروهای شان در این عمل عبادی ضروری می نماید؛ چرا که با شرکت آنان در این مهم، علاوه بر این که خود در کوی دوست سکونت می گزینند، روح جامعه را سبز می کنند، با بندگان صالح همنشین می شوند و با دل به خدا دادند و در میان مردمند مجالست می کنند، در ضمن عمل آنان در اجتماع و در برخورد با همنوع و ارباب رجوع تأثیری شگرف دارد و بر حسن عمل آنان و افزایش وجدان کاری شان می افزاید.

انسان موجودی است آمیخته از روح و جسم و هر یک از دو بعد انسان برای خود، نیاز به پرورش دارد. برای بعد روحی انسان، که به اعتقاد برخی از تحلیلی‌گران جزو مهم‌ترین بعد انسانی است. عبادت، توجه و سکوت تشریح شده است. تنوع در عبادات به دلیل نیازهای گوناگونی است که این بعد دارد و اصولاً هر بخش نیازی را برطرف می‌کند؛ مثلاً، خمس و صدقه روح ایثار در انسان می‌دمد و از وابستگی او به مال و منال دنیا می‌کاهد. اعتکاف نیز که آمیخته با چند عبادت است، هم توجه دارد، هم سکوت، هم روزه... .

اعتکاف بی‌شبهت با جهاد نیست. شرکت در اعتکاف همچون شرکت در جهاد است؛ چرا که همراه با مراعات آداب و شرایطی است که در حقیقت، برای ورود به عرصه جهاد اکبر و مبارزه با نفس لازم است؛ همان که از جهاد با دشمن خارج به مراتب سخت‌تر است. این عبادت از برخی جنبه‌های اجتماعی نیز برخوردار است. روشن است که یکی از راه‌هایی که به حرکت «اعتکاف» رشد و غنا می‌بخشد تدوین نوشته‌های سودمند و سخنرانی‌ها و موعظه‌ها و جلسات اطلاع‌رسانی به نسل جوان در این مدت است.

1. قرآن کریم.
2. اعتکاف سنتی محمدی، رحیم نوبهار، قم، عمران مساجد.
3. آموزش فقه، محمد حسین فلاح زاده، قم، الهادی.
4. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، چ دوم 1366، تهران، اسلامیه.
5. تحریر الوسیله، امام خمینی، قم، اسماعیلیان.
6. تذکره الفقهاء، یوسف بن مطهر حلّی، قم، آل البيت، 1415 ق.
7. جواهر الکلام، محمد نجفی، قم، دارالکتب اسلامیه، 1367.
8. سنن ابی داود، ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی، بیروت، داراحیاء النبویه.
9. سنن بیهقی، احمد بیهقی، بیروت، دارالمعرفه.
10. سیمای مسجد، رحیم نوبهار، چ دوم، قم، نهضت، 1376.
11. صحیح مسلم، مسلم بن حجّاج نيسابوری، بیروت، دارالفکر، 1403 ق.
12. العروه الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی قدس سره، وجدانی.
13. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالاضواء.
14. مجله مسجد، سال دوازدهم، ش 75 اسفند 82.
15. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، نشر اسلامی.
16. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، چ دوم 1390، بیروت، موسسه اعلمی.
17. وسائل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، چ ششم، تهران، اسلامیه.
18. وفاء الوفاء باخبار المصطفی، علی بن احمد سمهودی، چ چهارم، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1404 ق.

اشاره

مقدمه

خلق و خوی پیامبر رحمت، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و اله، بر هیچ حقیقت پویی پوشیده نیست. اوزحمات و مشقات طاقت فرسایی را متحمل شد تا اسلام به طور بایسته و شایسته و آن گونه که خواست خداست، به مردم معرفی شود.

اکنون که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب، خلف صالح معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای - مدظله العالی - با نام گذاری سال 1385 شمسی به نام پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در داخل و خارج کشور، داغی بر دل سنگ دلان و کوته فکران و کج اندیشان و دشمنان اسلام ناب محمدی، که قصد تخریب چهره محبوب پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و اسلام را داشتند، نهادند و نیرنگ های احمقانه آنها را برملا ساختند، بجاست به خاطر این نام گذاری مبارک مقالی هرچند کوتاه تحت عنوان «مسجد و گفت و گوی پیامبر اعظم با نمایندگان ادیان» در پاسخ به ندای معظم له ارائه نماییم.

خداوند منان می فرماید مسجد خانه خداست. (1) و در روایات است که «المساجد مجالس الانبياء» (2) و «المساجد بيوت المتقين» (3) و هم چنین خداوند تبارک و تعالی کسانی را که مؤمنان را از ذکر یاد خدا در مساجد باز دارند جزء ستمکاران قلمداد می کند و می فرماید: «و من اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها...» و در ادامه، کیفر این ستم کاران را خواری در دنیا و عذاب الهی در آخرت معرفی می نماید: «لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم». (4)

از سوی دیگر ساختن و آباد نگاه داشتن مسجد تنها در صلاحیت مؤمنان خدا قرار دارد: «انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر» (5) و در روایت، مسجد به عنوان محل دعا و بازگشت به سوی خداوند در طوفان حوادث و غم های طاقت فرسا معرفی شده است. (6) مسجد برترین و گرامی ترین مکان زمین است و دوست داران و اهالی مسجد نزد خداوند گرامی اند. (7) مسجد حتی مؤمنان نمازگزار و دوست داران خود را می شناسد و در فراقشان، از عمق دل، ناله می کند. (8) مسجد نه تنها محل عبادت و ذکر خداوند است، بلکه مکان نشر معارف بلند آسمانی است. (9) خداجویان و حق طلبان، گوهر گران بهای آشنایی با دین و فهم آن را در این مرکز مقدس می آورند. و دین را به - معنای واقعی - از زبان روحانیان دین باور فرا می گیرند. زمزمه آیات جانفزای قرآن، آگاهی بر گوشه ای از رازهای پنهان کلام الهی، و تفسیر و تبیین معارف و احکام آسمانی در این جایگاه والا صورت می پذیرد. مسلمانان علوم گوناگون اسلامی از قبیل فقه، حدیث، تفسیر، عرفان و حتی تاریخ، سیاست و مسائل اجتماعی و فرهنگی

ص: 148

- 1- . نور: 36 .
- 2- . مستدرک الوسائل: ج 3، ص 363، ب 3، از ابواب احکام المساجد.
- 3- . همان، ص 362
- 4- . بقره: 114 .
- 5- . توبه: 18 .
- 6- . وسائل الشیعه: ج 5، ص 263 .
- 7- . همان: ص 344 .
- 8- . داستان ستون حنانه و ناله وی در فراق پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله / صحیح بخاری: ج 4، ص 137 .
- 9- . وسائل الشیعه: ج 3، ص 480 .

را در این مکان مقدس می آموزند. (1) بنابراین، واضح و مبرهن است که مسجد در اسلام، محور تمام کارهای مهم، اعم از عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.

بنیان گذار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره می فرماید:

«این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و اله مرکز جنگ ها سیاست ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این طور نبوده که در مسجد پیغمبر همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی اش بیشتر

بوده است. اسلام می خواهد مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و مصالح مسلمین در آنجا (مساجد) فعالیت کنند». (2)

با توجه به محوریت مسجد در تمام امور، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی نهاد مستقلی را برای رسیدگی به امور مساجد تحت عنوان همین نام تأسیس کرده اند.

علت نام گذاری مسجد

علت نام گذاری «مسجد» به این نام، آن است که جایگاه سجده و تواضع در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی است. سجده نماد بندگی و کرنش در برابر حق تعالی است و در میان تمام عبادت ها و حتی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه ای برخوردار است. (3) گاه از مسجد به عنوان بیت الله هم یاد می شود. (4) بدین روی مؤمنان در این مکان مقدس به ذات حق تعالی تقرب می جویند و با عبادت های خالصانه خود، به سوی او رهسپار می شوند. در حقیقت، مسجد خانه هدا، خانه مردم و جایگاه گرد آمدن آنان برای بندگی معبود است. از این رو، قرآن کریم کعبه را خانه ای برای مردم می داند و می فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذی ببکه» (5)؛ قطعا اولین خانه ای که برای مردم بنا شده، مکه است.

ص: 149

1- . سیمای مسجد: ج 2، ص 21 - 22 .

2- . صحیفه نور: ج 18، ص 67 .

3- . سیمای مسجد: ج 2، ص 30 .

4- . نور: 36؛ وسائل الشیعه: ج 1، ص 268 .

5- . آل عمران: 96 .

وجود مسجد در روی زمین، به ظهور اسلام منحصر نمی شود، بلکه این مکان مقدس پیش از تولد اسلام هم بر روی زمین وجود داشته و خدای تعالی زمین را از خانه خود خالی نگذاشته است: «مسجد الاقصی» در بیت المقدس به دست حضرت سلیمان علیه السلام بنا نهاده شد و دیگر پیامبران الهی آن را تعمیر و تجدید بنا نمودند،⁽¹⁾ و «مسجد الحرام» توسط دو پیامبر بزرگ الهی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام که براساس روایات حدود این مسجد توسط این دو پیامبر تعیین گشته است.⁽²⁾

کارهای تبلیغاتی پیامبر صلی الله علیه و اله در مسجد، سرشار از مایه های معنوی و روحانی بوده. ایشان ابتدا شخصی که قصد هدایتش را داشت، روابط دوستانه برقرار می کرد و با عمل خود روح تواضع در برابر دیگران و خدمت به خلق را به او می فهماند و بعد با توجه به ویژگی های روحی و روانی او، با سخنانی کوتاه زمینه گرایش وی را به اسلام فراهم می نمود.⁽³⁾

مسجد به عنوان مقر اصلی پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله برای آموزش به تازه مسلمانان بود. علاوه بر اینکه ایشان تازه مسلمانان را به صورت انفرادی در مسجد آموزش می داد، گفت و گوهای علمی و فرهنگی نیز با نمایندگانی که از سوی قبایل و ادیان اعزام می شدن، انجام می داد. کانون اصلی این گفت و گوها و مذاکرات مسجد بود، هر چند برای سکونت و استراحت این نمایندگان مکانی در نظر گرفته شده بود⁽⁴⁾ و عده ای هم بنا به صلاحدید پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در منازل انصار اسکان داده می شدند.⁽⁵⁾ اما برای بعضی از نمایندگان مانند نمایندگان «ثقیف» به دلیل اقامت طولانی در درون مسجد، محل استراحت برپا نموده بودند.⁽⁶⁾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در کنار یکی از ستون های مسجد، که به «اسطوانه الوفود» (ستون هیأت ها) معروف است، این نمایندگان را به حضور می پذیرفت و با آنان به مذاکرات

ص: 150

- 1- . مقدمه ابن خلدون: ج 2، ص 698 - 704 .
- 2- . وسائل الشیعه: ج 3، ص 541 .
- 3- . سیمای مسجد: ج 2، ص 115 .
- 4- . نظام الحکومه النبویه: ج 1، ص 445؛ تاریخ المدینه المنوره: ج 1، ص 235 .
- 5- . نظام الحکومه النبویه: ج 2، ص 449 .
- 6- . همان: ص 447 .

دینی و اجتماعی می پرداخت. البته این گفت وگوها جنبه سیاسی هم داشت، ولی معارف اسلامی محور گفت وگوها بود. بدین روی این نمایندگان معمولاً به خاطر گرایش به اسلام، به مدینه می آمدند. اگرچه بعضی از این هیأت ها در حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و در کنار خانه خدا به فخرفروشی می پرداختند و گفت وگوهایی برخلاف ادب و نزاکت بر زبان جاری می کردند و حتی گاهی درخواست مسابقات هنری - ادبی از پیامبر رحمت می کردند اما ایشان خلق و خوی عظیم خود، با حوصله و بردباری کامل، به سخنان آنان گوش فرا می داد. (1)

1 - مذاکره با نمایندگان بنی تمیم

گروهی از رؤسا و برگزیدگان «بنی تمیم» که ده نفر بودند، پیش از ظهر وارد مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله شدند. به محض ورود، سراغ اسیران خود را گرفتند. (2) مکان اسیران را به آنها نشان دادند و نمایندگان به حضور آنها رفتند و به مسجد برگشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در آن روز، در منزل عایشه بود و بلال اذان اول را گفته بود. مردم منتظر بیرون آمدن پیامبر صلی الله علیه و اله بودند. به محض ورود ایشان به مسجد، آن گروه خود را به پیامبر صلی الله علیه و اله رساندند و شروع به صحبت کردند. پیامبر پس از اقامه بلال، مدت کوتاهی ایستاد. آنها می گفتند: ما شاعر و خطیب خود را آورده ایم. پس سخن ما را گوش بده. پیامبر صلی الله علیه و اله لبخندی زد و نماز ظهر را خواند و به منزل بازگشت. دو رکعت نماز خواند و بیرون آمد و در صحن مسجد نشست. آن هیأت به محضر پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله رسید، عطارد بن حاجب تمیمی را جلو آوردند. خطبه ای خواند. پیامبر صلی الله علیه و اله به ثابت بن قیس فرمود: برخیز و جواب خطبه ایشان را بده ثابت برخاست با توجه به اینکه آمادگی قبلی نداشت، خطبه ای ایراد نمودند. وقتی ثابت نشست، آنها گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله اجازه بده تا شاعرمان شعری بخواند. حضرت اجازه داد. زبیرقان بن بدر بلند شد و ابیاتی سرود. پیامبر صلی الله علیه و اله

ص: 151

1- . سیمای مسجد: ج 2، ص 116 .

2- . المغازی: ص 740 - 742 . قبیله «بنی تمیم» پیش از ورود به مدینه، با مأمور جمع آوری زکات، که از طرف پیامبر صلی الله علیه و اله به آن نقطه اعزام شده بود. با خشونت رفتار کرده و حتی قصد کشتن او را نموده بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله سپاهی را به آن منطقه اعزام کرد و در این عملیات، تعدادی از افراد این قبیله به اسارت درآمدند که در مدینه نگه داری می شدند.

به حسان بن ثابت فرمود: پاسخ شان را بده. او برخاست و اشعاری سرود. (1) پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: خداوند حسان را تا زمانی که از رسول خدا دفاع می کند، با روح القدس تأیید می کند. (2) پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و مسلمانان از خطبه ثابت و شعر حسان خوشحال بودند. نمایندگان با هم خلوت و مشورت کردند. یکی از آنها گفت: به خدا قسم! بدانید این مرد پیامبر است و از سوی خدا تأیید می شود و کارهایش رو به راه می گردد. خطیب او از خطیب ما فصیح تر و شاعر او از شاعر ما بهتر است. (3) پس از آن نمایندگان «بنی تمیم» مسلمان شدند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله جوایزی نیک به آن اعطا نمود. (4) پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به نمایندگانی که می آمدند جوایزی هدیه می داد.

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله جوایز را اعطا نمود پرسید: آیا کسی باقی مانده است گفتند: بچه ای است که مواظب بارها است. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: بنویسید تا جایزه اش را بدهم. آنها گفتند: پسرکی بی ارزش است. اما ایشان فرمود: بر فرض اینکه باشد، ولی به نمایندگی آمده است و حقی دارد. (5)

2 - گفت وگو با نمایندگان ثقیف

از دیگر هیأت های اعزامی که مذاکرات علمی و فرهنگی با پیامبر نمود، نمایندگان بنی ثقیف بودند. واقعی در توضیح این مذاکره می نویسد: هنگامی که آنان وارد مسجد شدند، مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! آیا این ها که مشرکند می توانند وارد مسجد شوند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله دستور داد: سه سایبان در مسجد برای آنها ساخته شود. آنها در آن سایبان ها، شب ها تلاوت قرآن اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله را می شنیدند و شاهد عبادت های شبانه آنان بودند و هنگام نماز، شاهد صفوف نماز مسلمانان، و به خطبه های پیامبر صلی الله علیه و اله گوش می دادند. اما نشنیدند که حضرت در ضمن خطبه، به رسالت

ص: 152

1- اشعار در السیره النبویه: ج 4، ص 210 - 211؛ المغازی: ج 2، ص 977 - 978.

2- همان: ص 979.

3- المغازی: ص 742 - 746.

4- السیره النبویه: ج 4، ص 212.

5- مغازی، واقعی، ترجمه دامغانی: ص 745 - 746.

خویش گواهی دهد. گفتند: محمد به ما دستور می دهد که به رسالت او گواهی دهیم، اما خودش در خطبه هایش، چنین نمی کند. وقتی این سخنان به گوش پیامبر صلی الله علیه و اله رسید، فرمود: من اولین کسی هستم که در مورد رسالت خود گواهی داده ام. پس برخاست و خطبه ای ایراد نمود و به رسالت خویش گواهی داد. نمایندگان «ثقیف» چند روزی ماندند و نزد پیامبر صلی الله علیه و اله رفت و آمد می کردند و حضرت آنها را به اسلام دعوت می کرد.

عبد یالیل، که بزرگ و سخنگوی آنها بود، گفت: آیا حاضرید پیمانی با ما ببندید که با پیمان نامه نزد قوم خود برگردیم؟ پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: اگر به اسلام اقرار کنید بله، پیمان نامه هم می نویسیم، و گرنه پیمانی نمی نویسیم و صلحی هم بین من و شما نخواهد بود. عبد یالیل سئوالاتی پرسید.

الف) عقیده شما درباره «زنا» چیست؟ ما مردمی دور افتاده ایم و از آن چاره ای نداریم و کسی از ما نمی تواند در عزویت به سر ببرد.

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: زنا از چیزهایی است که خداوند آن را بر مسلمانان حرام کرده و فرموده است: گرد زنا مگردید که کاری زشت و بد است. (1)

ب) عقیده ات درباره «ریا» چیست؟ فرمود: ریا حرام است. عبد یالیل گفت: همه اموال ما ریا است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: سرمایه اصلی از آن شماست. خداوند می فرماید: ای مؤمنان! از خدا بترسید و آنچه از ربا باقی مانده است، رها کنید، اگر مؤمنید. (2)

ج) عقیده شما درباره «شراب» چیست؟ می دانی که آن چکیده انگور است و ما را از آن چاره ای نیست.

فرمود: خداوند متعال آن را قاطعانه حرام نموده است. «همانا می و قمار و تیرهای قرعه کشی پلید و از عمل شیطان است. پس از آنها بپرهیزید». (3)

ص: 153

1- . اسراء: 32 .

2- . بقره: 278 .

3- . مائده: 90 .

پس از این گفت وگو برخاستند و با هم مشورت کردند. عبد یالیل گفت: وای بر شما! چگونه پیش قوم خودمان برگردیم و حرمت این سه موضوع را بیان کنیم؟ به خدا قسم! «ثقیف» هرگز نمی تواند از می گساری و زنا دست بردارد. سفیان بن عبدالله به او گفت: ای مرد! اگر خداوند برای آنها اراده خیر فرموده باشد، از آنها خودداری می کنند. کسانی که اکنون با پیامبر صلی الله علیه و اله هستند قبلاً همین گونه بودند. اما صبر کردند و عادت های خود را ترک کردند.

از پیامبر صلی الله علیه و اله درباره بت «لات» سؤال کردند: نظر شما درباره الهه «لات» چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: باید ویران گردد. گفتند: هیئات! اگر آن الهه بداند ما چنین تصمیمی درباره اش گرفته ایم تمام خانواده ما را خواهد کشت. عمر بن خطاب گفت: وای بر تو، ای عبد یالیل! آن الهه سنگی است که نمی تواند بفهمد چه کسی او را می پرستد. عبد یالیل گفت: ای عمر! ما پیش تو نیامده ایم. در نتیجه، آنها مسلمان شدند و صلح کامل شد و خالد بن سعید صلح نامه را نوشت.

آنها از پیامبر خواستند که آنان را از نماز خواندن معاف گرداند. اما پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: دینی که در آن نماز نباشد خیری در آن نیست. گفتند: ای محمد! نماز می خوانیم و روزه هم می گیریم. سپس احکام و شرایع اسلام را آموختند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله دستور داد بقیه ماه رمضان را روزه بگیرند.⁽¹⁾ بی شک، اسلام آوردن نمایندگان، که به دنبال آنان، دیگر افراد قبیله هم مسلمان می شدند، کار ساده ای نبود و به سادگی به دست نمی آمد مگر با همت بلند و تلاش های سخت و پیگیرانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله که تا نتیجه مطلوب به دست نمی آمد. دست از کار و کوشش و تلاش بر نمی داشت.

از ابن سعد نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله هر شب پس از نماز عشا، به دیدار نمایندگان قبیله «ثقیف»، که در مسجد سکونت داشتند، می آمد و با حالت ایستاده، آن قدر برای آنان صحبت می کرد که از شدت خستگی، پاهای مبارکش به درد می آمد.

ص: 154

از دیگر هیأت های نمایندگی، که در مدینه به مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آمدند و با آن حضرت مذاکره علمی نمودند، هیأت نمایندگی مسیحیان نجران بود. هنگامی که آنان وارد مسجدالنبی شدند، پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله نماز عصر را خوانده بود. هنگام فرا رسیدن وقت نماز مسیحیان، آنان در مسجد پیامبر نماز خواندند، در حالی که قبله آنها به سوی مشرق بود. عده ای از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله گفتند: ای رسول خدا! این مسجد شماس است. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله از کار آنها جلوگیری نکرد.

پس از نماز خواندن، گفت وگو شروع شد. آنها برای بیان «تثلیث» و سه گانگی خداوند، دلیل هایی بیان کردند. بیش از هشتاد آیه از اوایل سوره آل عمران، که در اطراف این اعتقاد آنان سخن می گوید، در این استدلال ها بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و اله این آیات را قرائت نمود و پس از آن از آنان خواست مسلمان شوند. دو نفر از بزرگان آنها گفتند: ما پیش از این، اسلام آورده ایم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: شما مسلمان نیستید. اما آنها دوباره سخنان خود را تکرار کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: شما دروغ می گوید. این باور که خداوند فرزندی داشته باشد و هم چنین پرستیدن صلیب و خوردن گوشت خوک با دین مبین اسلام سازگاری ندارد. آن دو نفر مجددا پرسیدند: ای محمد پس پدر عیسی کیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله پس از آن همه تلاوت قرآن کریم به آنها پاسخ نداد و پیامبر به فرمان خداوند تبارک و تعالی از آنان درخواست مباحله کرد. آنها گفتند: باید در این باره اندیشه کنیم.

عبدالمسیح، که رهبر و بزرگ آنان بود. گفت: به خدا قسم که محمد فرستاده خداست. شما دیدید که اخبار پیامبر شما را چگونه و به روشنی بیان کرد. آیا می دانید که هیچ گروهی با پیامبری مباحله نکرده اند، جز اینکه نسل شان از روی زمین برچیده شده است. اگر از اسلام آوردن خودداری می کنید، دست کم مباحله هم نکنید و بر دین خود باقی بمانید و با محمد خداحافظی کنید و به سرزمین خود برگردید.

به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله رسیدند و گفتند: ای ابوالقاسم، صلاح دیدیم که با تو مباحله نکنیم. تو بر دین خود باش و ما هم بر دین خود. اما از میان یاران خود شخصی را که مورد قبول

شما باشد همراه ما بفرست تا در اختلاف های مالی بین ما حکم کند. ما از تو خوشنود و راضی هستیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: شب بیایید تا مردی قوی و امین همراه شما اعزام کنم.

عمر بن خطاب می گوید: من هیچ گاه مانند آن لحظه، ریاست را دوست نمی داشتم و امیدوار بودم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله مرا برای این کار انتخاب کند. ادای نماز ظهر در مسجد حاضر شدم. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نماز ظهر را تمام کرد. به اطراف نگریست. من خود را در معرض چشمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قرار می دادم تا شاید مرا ببیند، اما پیامبر همچنان در حال جست و جو بود تا اینکه ابو عبیده جراح را مشاهده نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله ایشان را فرا خواند و فرمود: تو با آنان برو و در اختلاف هایی که بین آنها رخ می دهد به حق حکم کن. (1)

ص: 156

در معیارهای ارزشی بین زن و مرد نوعی برابری در قرآن و روایات حاکم است و در مقامات معنوی تفاوتی بین شان نیست و در انسانیت و ارزش ها از شرایط یکسانی برخوردارند. تنها ملاک

برتری انسان ها بر همدیگر، به تقوا در معنای حقیقی و گسترده آن است⁽¹⁾ که امری اکتسابی بوده و ربطی به جنسیت ندارد.

چنان که ربطی به نژاد، جغرافیا، سن، ثروت و زیبایی نیز ندارد. اسماء بنت عمیس، که از نخستین زنان مهاجر در اسلام است وقتی از «حبشه» بازگشت، به دیدار همسران پیامبر صلی الله علیه و اله آمد. نخستین چیزی که پرسید، این بود: «آیا آیه ای درباره زنان نازل شده است؟» آنان پاسخ دادند: «خیر» اسماء خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله رسیده، عرض کرد: «ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است». رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «چرا؟». گفت: «چون در قرآن فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است». در این هنگام آیه 35 سوره احزاب نازل شد که ده ارزش معنوی یکسان بین زن و مرد را مطرح نموده است.⁽²⁾ در سوره های دیگر نیز از ارزش های برابر بین زنان و مردان سخن به میان آمده است.⁽³⁾

ص: 157

1- . حجات: 13 .

2- . ر.ک: تفسیر نمونه: ج 17 ، ص 308 .

3- . تحریم: 5 ؛ نساء: 35 .

بنابراین، زن در کمالات و درک مدارج عالی اخلاقی، هیچ تفاوتی با مرد ندارد. بلکه اسلام، زن را مانند مرد از روح کامل انسانی واراده و اختیار برخوردار می‌داند. لذا هر دورا در یک صف واحد قرار داده و در یک مسیر هدایت کرده است. قرآن کریم، گاه با خطاب های «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» (بدون در نظر داشتن جنسیت) هر دورا مخاطب قرار داده و برنامه های تربیتی و اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است و گاه او را به صراحت در کنار مردان قرار داده است:

«... وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَاولئک

یدخلون الجنة...» (1)

هر کس که ایمان داشته باشد و عمل صالحی انجام دهد، مرد باشد یا زن، داخل بهشت می‌شود. در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه، تردیدی نیست بانوان نقش تعیین کننده و بی بدیل دارند و زنان زیر بنای فضیلت های انسانی اند. در سخن کوتاه اما پر بار و آسمانی امام صادق علیه السلام آمده است: اکثر الخیر فی النساء (2) بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است. جلوه ای از این کلام آسمانی در سخنان امام قدس سره این گونه آمده است: زن مری جامعه است... سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد. (3) عنصر تابناکی که زیر بنای فضیلت های انسانی و ارزشهای والای خلیفه الله در جهان است. (4) اکنون اگر بپذیریم قشر عظیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می دهند، این سؤال مطرح می شود که آیا از نظر اسلام فضایل و آثاری که برای رفت و آمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده، تنها مختص به مردان است یا اینکه زنان نیز می توانند از آثار و برکات خانه خداوند بهره مند باشند. به عبارت دیگر آیا در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و صدر اسلام، زنان در مساجد حضور می یافتند یا نه؟ و اگر رفت و آمد و حضور در مسجد داشته اند، شیوه برخورد پیامبر صلی الله علیه و اله با این رفتار و حرکت اجتماعی زنان چگونه بوده است؟ در پاسخ اجمالی به این سؤال باید گفت:

ص: 158

1- . غافر: 40 ؛ به همین مضمون: نساء: 124 ؛ آل عمران: 195 و 190 ؛ نحل: 97 .

2- . وسائل الشیعه: ج 14 ، ص 11 ، ح 11 ، باب 3 من ابواب مقدمات النکاح و آدابہ.

3- . صحیفه نور: ج 6 ، ص 185 - 125 .

4- . صحیفه نور: ج 6 ، ص 185 - 125 .

اسلام، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند، بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می کند؛ مانند شرکت در مراسم حج واجب، که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق جلوگیری از همسر خود را ندارد. (1) از دیگر مواردی که اسلام، بر هر مسلمانی واجب دانسته و تفاوتی قایل نشده، تحصیل است. لذا می توان استفاده کرد، تحصیل برای زن، به همان اندازه مرد واجب است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در روایتی فرمودند:

«طلب العلم فریضه علی کلّ مسلم و مسلمة» (2).

«طلب علم بر هر مسلمانی، اعم از مرد و زن واجب است».

در جهاد ابتدایی، شرکت زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان در جنگ لازم نیست. ولی در جهاد دفاعی اگر افراد به قدر کفایت به جبهه نروند، دفاع از هیچ کس ساقط نمی شود، و بر زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان نیز واجب است. (3)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله با قید قرعه، زنانشان را با خود به سفرهای جهادی می بردند. بعضی از اصحاب نیز چنین می کردند. (4) شرکت بانوان در نماز جمعه واجب نیست. (5) اما بعد از حضور، واجب است آن را ادامه دهند و ترک آن جایز نیست. هم چنین زنان از تشییع جنازه منع نشده اند. در اخبار آمده است که وقتی زینب دختر بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و اله وفات کرد، خواهرشان زهرا مرثیه علیها السلام و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند. (6) شیخ حرّ عاملی، در کتاب وسائل الشیعه، روایات گوناگون را در این زمینه جمع آوری کرده است که شرایط و چگونگی شرکت زنان را در مسائل اجتماعی بیان می کند. وی از مجموع این روایات، به این نتیجه می رسد:

«برای زنان رواست که در مجالس عزا، ادای حقوق مردم، یا تشییع جنازه

ص: 159

1- . الخلاف: ج 2، ص 431؛ کتاب الحج، آداب الاحرام

2- . بحار الانوار: ج 67، ح 14 و ج 2، ص 32، ح 20؛ مستدرک سفینه البحار: ج 10، ص 115.

3- . تحریر الوسیله: ج 1، ص 417 و 485.

4- . صحیح بخاری: ج 3، ص 165 - 164.

5- . وسائل الشیعه: ج 7، ص 337، باب 18.

6- . همان: ج 2، ص 818 - 817، ح 1.

بیرون بروند و در این کارها شرکت کنند، همچنان که حضرت فاطمه علیها السلام و زنان ائمه اطهار علیهم السلام در آنها شرکت می کرده اند»⁽¹⁾.

حضور زنان در مسجد در روزگار پیامبر صلی الله علیه و اله

اشاره

مطالعه روایات موجود در کتب حدیثی شیعه و عامه و نیز دقت در شواهد تاریخی گویای این حقیقت است که حضور بانوان در مسجد برای انجام دادن نماز جماعت در عصر رسول خدا صلی الله علیه و اله از مسلمات تاریخ است زیرا اسلام، نه مردان و زنان را خانه نشین کرده، و نه همه ی قیدوبندها را از پای شان گسسته است، در مقاله حاضر برآنیم برای روشن شدن ابعاد مختلف این بحث، به تفصیل در این باره سخن بگوئیم:

الف) روایاتی که خانه را مسجد زن بیان کرده است.

ب) احادیثی که مسجد را متعلق به همه مردم، اعم از زن و مرد دانسته است.

ج) احادیثی که بیانگر حضور زنان در نماز جماعات پیامبر صلی الله علیه و اله بوده است.

د) شواهد تاریخی بر حضور زنان در مساجد برای اموری غیر از اقامه نماز.

هـ) بررسی نظریات فقهی فقهای اسلام در این باره.

و) شرایط حضور زنان در مساجد.

ز) آثار حضور زنان در مساجد.

الف) خانه زن مسجد اوست

دسته ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی اش دانسته اند. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

«صلاة المرأة وحدها في بيتها كفضل صلاتها في الجمع خمسا وعشرين درجة»⁽²⁾.

ص: 160

1- همان: ج 1، ص 376، ح 9، باب 16.

2- وسائل الشیعه: ج 5، ص 237، ح 6436؛ مکارم الاخلاق: ص 233، باب نوادر نکاح، فصل 10.

نماز فرادای زن در خانه اش، همچون نماز جماعت 25 درجه فضیلت دارد. نیز فرمودند:

«إِنَّ مَسَاجِدَ النِّسَاءِ الْبُيُوتِ، وَصَلَاةَ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَفَّتِهَا وَصَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا وَصَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا» (1).

«بهترین مسجد زنان خانه است و نماز در خانه، برتر از نماز او در ایوان است. نماز او در ایوان، برتر از نمازش در پشت بام خانه است. همانند این روایات در منابع عامه نیز از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل شده اند» (2).

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

«خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتِ» (3).

«بهترین مساجد برای زنان خانه است».

نیز فرمودند:

«صَلَاةَ الْمَرْأَةِ فِي مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَصَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ» (4).

نماز خواندن زن در خانه، بلکه در اتاق عقب و اندرونی بهتر است. ام سلمه از قول رسول خدا صلی الله علیه و اله می گوید:

«خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ قَعْرُ بَيْوتِهِنَّ» (5).

«بهترین مساجد برای زنان، اتاق های عقب خانه است».

بنابر روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و اله به امام علی علیه السلام فرمودند:

«يَا عَلِيُّ! لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جَمْعُهُ وَ لَا جَمَاعَهُ وَ لَا اِذَانٌ وَ لَا اِقَامَةٌ» (6).

ص: 161

1- من لا يحضره الفقيه: ج 1، ص 374، ح 1088.

2- السنن الكبرى: ج 2، ص 132 و ج 3، ص 131؛ سنن ابی داود: ج 1، ص 137، ح 570.

3- من لا يحضره الفقيه: ج 1، ص 347، ح 1088؛ تهذيب الاحكام: ج 3، ص 224، ح 694.

4- من لا يحضره الفقيه: ج 1، ص 361، ح 11788؛ وسائل الشيعه: ج 5، ص 6431، 236.

5- المستدرک للنيسابوري: ج 1، ص 209.

6- الخصال: ص 511، ح 2؛ بحار الانوار: ج 85، ص 126، ح 3.

«ای علی! برای زنان الزامی جهت شرکت در نماز جمعه و جماعت و گفتن اذان و اقامه نیست».

از مجموعه این روایات با قطع نظر از روایاتی که بعداً به آنها می پردازیم می توان این گونه استفاده کرد که خواندن نماز در خانه نسبت به مسجد، برای زنان بهتر است. اما با تأمل و تحلیل این گونه روایات چند نکته بدست می آید:

1 - در روایات فوق معمولاً تلاش شده است تا به نحوی به مسئله عفاف بانوان اهمیت بدهند و در واقع در پی بیان این مطلب است که زن نباید در تیررس دید نامحرم نماز گذارد. پس اگر در مسجد، پرده و حائلی او را از دید نامحرم حفظ کند ملاک حکم رعایت شده و بنابراین نماز زن با حفظ حریم و حدود الهی، در مسجد افضل است، چنانچه نماز مرد چنین است.

2 - راوی اولین حدیث از امام صادق علیه السلام «یونس بن ظبیان» است که نجاشی و شیخ طوسی قدس سره، صاحب کتب رجالی، او را ضعیف شمرده اند. (1)

3 - دسته دوم و سوم از روایات که بیان خواهد شد، و شواهد تاریخی و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و حتی فتاوی بسیاری از فقهای اسلام، بیانگر جواز حضور زن در مسجد است.

(ب) روایات عام

در روایات زیادی در باب مسجد، واژه هایی وجود دارد که مستفاد از آن ها این است که مسجد، متعلق به همه مردم اعم از زن و مرد است و اختصاص به گروهی ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود:

«المسجد بیت کل مؤمن» (2).

مسجد خانه هر مؤمنی است آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه همه متقیان و پرهیزکاران دانسته اند.

ص: 162

1- . رجال نجاشی: ص 448 ؛ اختیار معرفه الرجال: ص 209

2- . کنز العمال: ج 7 ، ص 650 ، ح 20736 .

«ان المساجد بيوت المتقين» (1).

حضرت علی علیه السلام در مورد همسایه مسجد فرمود:

«لاصلاه لجار المسجد إلا أن يكون له عذر أو به عله، فقیل: و من جار المسجد یا امیرالمؤمنین علیه السلام قال من سمع النداء» (2).

نماز همسایه مسجد در خانه، نماز کامل و تمام نیست جز این که عذری داشته باشد. از امام علیه السلام سؤال شد که همسایه مسجد چه کسی است؟ فرمودند: کسی که صدای اذان را بشنود. و نیز روایات متعددی که در آن ها واژه «مَنْ مَشَى» و «مَنْ أَسْرَج» آمده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمود:

«من مشى إلى مسجد من مساجد الله فله بكل خطوه خطاها...» (3).

«کسی که به مسجدی از مساجد خدا برود برای هرگامی که برمی دارد تا به منزل برگردد ده حسنه برایش نوشته می شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می یابد».

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

«من مشى الى المسجد لم يضع رجله على رطب ولا يابس الا سبحت له الارض إلى الأرضين السابعة» (4).

کسی که به سوی مسجد گام برمی دارد بر هیچ تر و خشکی قدم نمی گذارد مگر اینکه زمین تا طبقات هفتگانه اش برای او تسبیح می گویند. و در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

«بشر المشائين في ظلم الليل إلى المساجد بالنور التام يوم القيامة» (5).

«بشارت باد کسانی را که در تاریکی شب به مساجد می روند، در روز قیامت، از نوری فروزان و درخشنده در پیشاپیش خود برخوردارند».

ص: 163

- 1- . همان: ج 7، ص 659، ح 20785؛ نهج الفصاحه: ص 596، ح 3083.
- 2- . دعائم الاسلام: ج 1، ص 148؛ بحار الانوار: ج 80، ص 381 و 379.
- 3- . وسائل الشیعه: ج 5، ص 201، ح 6328؛ ثواب الاعمال: ص 291.
- 4- . من لا یحضره الفقیه: ج 1، ص 233، ح 701.
- 5- . همان: ج 1، ص 239، ح 720؛ سنن ابن ماجه: ج 1، ص 257، ح 781.

و دیگر روایاتی که به طور عام (اعم از زن و مرد)، تأکید و تشویق بسیاری به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن و روشنائی بخشیدن به مساجد شده است. (1)

ج) حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبر صلی الله علیه و اله و روایات دال بر جواز حضور

حضور بانوان در مسجد برای شرکت در نماز جماعت، بخصوص نماز جماعت صبح و عشاءین، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و اله از مسلمات تاریخ است. کعبه اولین خانه ای است که برای عبادت مردم (اعم از زن و مرد) بنا شد و عبادت کنندگان را به سوی خود جذب کرد:

«انّ اول بیت وُضع للناس للذی بیکه مبارکاً». (2)

مکه و مسجد الحرام، کامل ترین مصداق مسجد است تا آنجا که نماز فردی در آن از نماز جماعت در خانه بهتر است و همین مسجد است که اولین نماز جماعت به امامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله با حضور مردی چون علی بن ابی طالب علیه السلام و بانویی چون حضرت خدیجه علیها السلام در آن جا برگزار شد. (3) در ذیل آیه 59 سوره احزاب که خداوند دستور می دهد:

«ای پیامبر صلی الله علیه و اله به همسران و دختران و زنان با ایمان بگو: جلبابهای (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است».

از معصوم علیه السلام نقل شده است:

«سبب نزول آیه چنین بود که چون زنان برای شرکت در نماز جماعت مغرب و عشاء به مسجد می رفتند، جوانان بر سر راه آنان می نشستند و آنان را آزار می دادند و متعرض ایشان می شدند. از این رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می شدند». (4)

آیه و شأن نزول آن بیانگر نکته ای ظریف و حکیمانه است، و آن اینکه اسلام در رابطه

ص: 164

1- من لایحضره الفقه: ج 1، ص 238، ح 716؛ شیخ طوسی، الامالی: ص 139.

2- آل عمران: 96.

3- حج، محسن قرآنی: ص 79 - 80.

4- ر. ک: تفسیر قمی: ج 2، ص 196؛ تفسیر نورالثقلین: ج 4، ص 307.

با حضور زنان در مجامع فرهنگی علمی، اقتصادی، سیاسی و پذیرش مسئولیت های اجتماعی از طرف آنان، حتی زمانی که مورد چشم چرانی و مزاحمت جوانان قرار می گیرند، با حکم خانه نشینی و ایجاد محدودیت با قضیه برخورد نمی کند، بلکه با ارائه طرح های مصونیت آفرین، راه را بر حضور هر چه بیشتر آنان می گستراند. علاوه بر سخن فوق، شواهد تاریخی حاکی از حضور زنان در نماز جماعت رسول اعظم صلی الله علیه و اله می باشد. امام علی علیه السلامی فرمایند:

«کن النساء یصلین مع النبیلی الله علیه و اله فکن یؤمنن أن لایرفعن رؤسهن قبل الرجال لضیق الأزر»⁽¹⁾.

«زنان عقب مردان، نماز جماعت را با پیامبر صلی الله علیه و اله به جا می آوردند و چون لباس مردان کوتاه بود به زنان دستور داده شده بود که پیش از مردان سر از سجده برندارند».

در برخی از روایات در منابع شیعه و سنی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و اله در حال نماز چون صدای گریه طفل را در صف زنان شنیدند، نماز را کوتاه خواندند تا مادرش سراغ فرزند رود [تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود].⁽²⁾ نیز نقل کرده اند: رسول خدا صلی الله علیه و اله نماز صبح را در تاریکی می خواندند و زنان مؤمن پس از نماز در همان تاریکی بر می گشتند و به خاطر تاریکی، دیگران آنها را، و حتی خودشان همدیگر را نمی شناختند.⁽³⁾ در روایتی می خوانیم:

«زن قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجد النبی حاضر می شد، عمر از او خواستگاری کرد، او به این شرط که او را از نماز جماعت منع نکند، پذیرفت با عمر ازدواج کند، عمر هم با نارضایتی پذیرفت، بعد از مرگ عمر، وقتی زبیر از او خواستگاری کرد باز این شرط را مطرح نمود،

زبیر هم به ناچار پذیرفت، و او به نماز جماعت می رفت...»⁽⁴⁾.

در زمان عمر، زنان به امامت سلیمان بن ابی خثیمه انصاری در رحبه مسجد، نماز جماعت

ص: 165

1- من لایحضره الفقیه: ج 1، ص 396، ح 1176؛ صحیح مسلم: ج 4، ص 161.

2- وسائل الشیعه: ج 5، ص 470، ح 7؛ مجمع الزوائد: ج 2، ص 74.

3- صحیح بخاری: ج 1، ص 211.

4- اسدالغابه: ج 5، ص 185؛ مسند احمد: ج 1، ص 40.

می خواندند چنان که مردان به امامت ابی بن کعب نماز جماعت برگزار می کردند، عثمان مردان و زنان را یک جا جمع کرد، ولی امیر المؤمنین علیه السلام در زمان خلافتش دوباره زنان و مردان را از هم جدا کرد و شخصی به نام عرفجه با زنان نماز می خواند. (1) در برخی روایات از طریق شیعه و سنی آمده است که وقتی زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

«لا تمنعوا النساء حظوظهن من المسجد إذا استأذنوكم». (2)

هرگاه زنان شما اجازه رفتن به مساجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید. هم چنین آمده است که پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

«لا تمنعوا إماء الله مساجد الله». (3)

«کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید».

و نیز فرمود:

«إذا استأذنت احدكم امرأته إلى المسجد فلا يمنعها». (4)

هرگاه همسر یکی از شما اجازه رفتن به مسجد خواست نباید مانع وی شوید. عده ای چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز مجاز به رفتن به مساجد هستند و در نمازهای مغرب و عشاء که با تاریکی شب همراه است، زنان نباید برای نماز به سوی مساجد خارج شوند لذا جهت مبارزه با این پنداشت غلط در بعضی روایات آمده است که هرگاه بانوان اذن حضور در مسجد را در شب هنگام خواستند، اجازه بدهید. پیامبر صلی الله علیه و اله در دو بیان جداگانه می فرماید:

«لا تمنعوا نساءكم من الخروج إلى المساجد بالليل».

«إذا استأذنت نساءكم بالليل إلى المسجد فأذنوا لهنّ». (5)

زنان خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید و چون اذن خواستند اجازه دهید.

ص: 166

1- . الطبقات الكبرى: ج 5، ص 27 - 26 .

2- . صحيح مسلم: ج 2، ص 33 - 32؛ صحيح بخاری: ج 1، ص 211؛ المستدرک: ج 1، ص 209 .

3- . سنن ابی داود: ج 1، ص 137، ح 566 و 565؛ مستدرک سفینه البحار: ج 1، ص 48 .

4- . مستدرک الوسائل: ج 3، ص 446، ح 959؛ صحيح مسلم: ج 2، ص 32 .

5- . كنز العمال: ج 7، ص 677، ح 20872؛ صحيح مسلم، ج 2، ص 33 .

در شب که خوف بیشتر برای زنان است می فرماید: اجازه بدهید، پس در روز اولی است که مسجد بروند. مفاد این روایات آن است که زنان از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم نشوند و چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و عفاف را رعایت کنند، فضیلت نماز خواندن در مسجد برای زنان، همچون مردان است.

(د) گواه تاریخ بر حضور زنان در مساجد در صدر اسلام برای اموری غیر از اقامه نماز

1 - پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و اله هنگامی که ابوبکر غاصبانه بر تخت حکومت نشست، حضرت زهرا علیها السلام به مسجد رفتند و خطبه فدکیه را بیان فرمودند. (1)

2 - ابوجهل، عده ای از افراد بت پرست را جمع کرده بود که وقتی پیامبر صلی الله علیه و اله

در مسجد الحرام در نماز به سجده می رود شکمبه گوسفندی را بر سر آن حضرت بیفکنند. این عمل ناجوانمردانه انجام شد. خبر به گوش حضرت فاطمه علیها السلام خردسال رسید با شتاب به مسجد الحرام رفت و آن را برداشت... (2)

3 - سخنرانی حضرت زینب علیها السلام در مسجد اموی شام بوده است و امام زین العابدین علیه السلام و مردم اعتراض بر حضور ایشان و سایر زنان در مسجد، نمودند.

4 - عن ابی عبد الله علیه السلام قال:

«وقال علیاً صلوات الله علیه کان یقول: لا یری الاعتکاف الا فی المسجد الحرام او مسجد الرسول او مسجد جامع ولا ینبغی للمعتکف ان یرجع من المسجد الا لحاجه لا بد منها ثم لا یجلس حتی یرجع، و المراه مثل ذلک» (3)

اعتکاف، یا در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله یا مسجد جامع هر شهری منعقد می شود و سزاوار نیست معتکف از مسجد خارج شود مگر این که ضرورت باشد و وقتی کارش را انجام داد، بدون این که بنشیند برگردد. در ادامه حدیث می فرماید: و زنان مثل مردان هستند.

ص: 167

1- . ریاحین الشریعه: ج 1، ص 319؛ صحیح مسلم: ج 4، ص 162 .

2- . صحیح بخاری: ج 5، ص 8 .

3- . الکافی: ج 4، ص 176، ح 2 و ص 177، ح 1 .

پس معلوم می شود زنان هم می توانند به مسجد بیایند و معتکف شوند در روایتی آمده است: زنان پیامبر صلی الله علیه و الهگه با آن حضرت در مسجد معتکف می شدند (1) قرآن کریم هم می فرماید:

«ولا تبشروهنّ و انتم عاكفون في المساجد» (2).

با زنان هنگام اعتکاف در مساجد، مباشرت نکنید. اگر زنان بیرون از مسجد باشند که این سخن معنا نمی دهد. بنابراین یا معتکفین با زنانشان معتکف بودند، یا زنان در مسجد به دیدار مردان می آمدند. در روایتی آمده است که:

«عن ابی عبد الله علیه السلام قال: وایّ امراه کانت معتکفه، ثم حرمت علیها الصلاه فخرجت من المسجد فطهرت فلیس ینبغی لزوجها أن یجامعها حتّی تعود الی المسجد و تقضی اعتکافها».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر زنی که در حال اعتکاف است، [بواسطه حیض] از نماز باز ماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا این که زن به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند» (3).

5 - تاریخ از وجود زن مسلمان سیاهپوستی به نام محجنه (ام محجن) در عصر رسول خدا صلی الله علیه و اله خبر می دهد که، خادمه و نظافتچی مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله بوده است. ابوسعید می گوید: زنی سیاه چرده که مسجد را جارو می کرد، شبی وفات نمود. چون صبح شد، رسول خدا صلی الله علیه و اله را از مرگش با خبر ساختند، فرمود: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن گاه پیامبر صلی الله علیه و اله با اصحابش بر قبر او حاضر شدند و آن حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر گفت و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند بر او نماز گزارد و برای او دعا کرد (4) طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می بینم (5).

ص: 168

1- سنن ابی داود: ج 1، ص 523، ح 2476.

2- بقره: 187.

3- تهذیب الاحکام: ج 1، ص 398، ح 1240؛ وسائل الشیعه: ج 2، ص 368، ح 2388.

4- صحیح بخاری: ج 1، ص 119 و 116، ج 2، ص 92.

5- اسد الغابه: ج 5، ص 617.

6 - حضرت رسول صلی الله علیه و اله وارد محراب امام جماعتی شد و چون محراب به آب دهان آلوده شده بود، با امام جماعت برخورد کرد. همسر امام جماعت از علت برخورد با شوهرش با خبر شد، از این روی آب دهان را از محراب پاک کرد. حضرت فرمود: شوهر را به خاطر خانمش بخشیدم. (1) لابد این خانم در مسجد بوده که مطلع شده، یا بعد از اطلاع، به مسجد آمده و در محراب حاضر شده و مورد اعتراض پیامبر صلی الله علیه و اله واقع نشده است.

7 - قال ابو جعفر علیه السلام:

«اذا كان الرجل نائما في المسجد الحرام او المسجد الرسول صلی الله علیه و اله فاحتلم فاصابته جنابته فليتمم و لا يمر في المسجد الا متيمما حتى يخرج منه ثم يغتسل

و كذلك الحائض اذا اصابها الحيض تفعل كذلك و لا بأس ان يمر في سائر المساجد و لا يجلسان فيها».

امام باقر علیه السلام فرمود:

«اگر مردی در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد گذر کند و خارج گردد، سپس غسل نماید.

همین طور زن چنانچه در این دو مسجد حیض شود، این گونه عمل کند. اما در غیر از این دو مسجد بدون تیمم هم، می تواند خارج گردد». (2)

8 - اگر زن نباید مسجد برود، فاطمه بنت اسد با مسجد چه کار داشت و از آن مهم تر، دیوار خانه خدا هم شکافته شد.

9 - از «مالک بن ضمیره العنبری» روایت شده که می گوید: امیرالمؤمنین علی علیه السلام به من فرمود: آیا به مسجدی که در کنار خانه ات قرار گرفته است می روی؟ عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، آن مسجدی است که زنان در آن نماز می گذارند. فرمود:

«ای مالک! آن مسجدی است که هرگز اندوهناکی در آن نماز و دعا نکرده است مگر این که خداوند، او را از آن اندوه رهایی بخشیده و حاجتش را برآورده نموده است...». (3)

ص: 169

1- . مستدرک الوسائل: ج 3، ص 376، ح 3821 .

2- . الکافی: ج 3، ص 73، ح 14؛ تهذیب الاحکام: ج 1، ص 407، ح 1280 .

3- . مستدرک الوسائل: ج 3، ص 445، ح 3956 .

با این وصف در می یابیم که برای حضور زنان در مساجد، در عصر بنیانگذار نهضت اسلامی، گذشته از این که هیچ گونه منعی مشاهده نمی شود بلکه بدان نیز، همچون مردان مورد

تأکید و ترغیب قرار می گیرند و تا آنجا پیش می روند که علاوه بر شرکت در مساجد عمومی، مساجد اختصاصی و مبارکی هم برای عبادت و تعلیم و تعلم ویژه خود بر می گزینند.

10 - یکی از زنان مسجدی عصر پیامبر صلی الله علیه و اله، «نوله بنت اسلم» است که در روز تغییر قبله در نماز جماعت مسجد بنی حارثه، شرکت داشته و ماجرای آن روز را چنین تعریف می کند:

«دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی حارثه رو به قبله بیت المقدس خوانده بودیم که شخصی خبر آورد که رسول الله صلی الله علیه و اله به طرف بیت الحرام روی کرد، بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان

تغییر محل داده و چرخیدند و دو رکعت دیگر را رو به بیت الحرام گزاردیم».(1)

11 - روایت وارد شده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله در بیرون مسجد بودند، دیدند که مردان و زنان باهم از مسجد بیرون می آیند، رو به زنان کردند و فرمودند:

«بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما».(2)

12 - یکی از درهای مسجد النبی صلی الله علیه و اله به نام «باب النساء» است. اگر بنا بود زنان به مسجد نیایند، باب النساء مفهومی نداشت. در روایت آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و اله به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: «لو ترکنا هذا الباب

للساء» خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم».(3)

13 - شواهد نشان می دهد که تعلّم در مساجد، خاص مردان نبود. زنان مسلمان نیز مجاز بودند به مساجد بروند و به سخنان پیامبر صلی الله علیه و اله گوش دهند و گاهی از آن حضرت سوال کنند. اگر احساس می شد زنان به هر دلیل، سخنان پیامبر را نشنیده اند پیامبر صلی

الله علیه و اله آنان را مجددا موعظه و نصیحت می کرد».(4)

ص: 170

1- . اسدالغابه: ج 5، ص 557 .

2- . سنن ابی داود: ج 2، ص 533، ح 5272 .

3- . سنن ابی داود: ج 1، ص 137، ح 517 .

4- . تاریخ کتابخانه اهل مساجد: ص 47 .

14 - در تواریخ نقل شده که در مسجد پیامبرصلی الله علیه و اله جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می کردند و اقدی می نویسند:

«در ماجرای جنگ احد، مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم بندی می کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبرصلی الله علیه و اله ایشان را در خیمه «کعبه»، دختر سعد بن عتبه در مسجد پیامبر جای داد. این زن، زخمی ها را معالجه می کرده و از اشیاء گمشده و پراکنده، نگهداری می کرد»⁽¹⁾.

15 - نقل شده در یکی از روزها که امام علی علیه السلام وارد منزل می شود و همسرش فاطمه علیها السلام را نمی یابد، از منزل خارج، و به سوی مسجد روانه می گردد، در مسجد نماز می خواند و سپس مقداری شن در مسجد جمع نموده و به آن تکیه می دهد. پیامبرصلی الله علیه و اله و فاطمه علیها السلام در حالی که حسنین؟ را به آغوش و دست ام کلثوم را در دست گرفته به مسجد می آیند، در مسجد، می بینند که امام علی علیه السلام همان گونه که بر شن ها تکیه داده بوده خوابش برده است. در این هنگام پیامبرصلی الله علیه و اله پای مبارکش را روی پای مبارک امام علی علیه السلام گذارده و مقداری فشار می دهد و قال:

«قم یا اباتراب [بلند شو ای ابوتراب]. در این حدیث مشاهده می شود که فاطمه زهرا علیها السلام به مسجد تشریف بردند در حالی که ضروری هم نبوده است.⁽²⁾»

ه- (بررسی فقهی حضور زن در مسجد

فقهای اسلام به خصوص شیعه با توجه به سه دسته از روایات که بیان شد و نیز آیاتی از قرآن کریم، نسبت به حضور بانوان در مسجد، اختلاف نظر و فتوا دارند. عده ای هم چون علامه حلی قدس سره، آمدن زنان به مساجد را مکروه دانسته و می فرماید:

«یکره للنساء الاتیان الی المساجد لمافیة من التبرج المنهی عنه، قال الصادق علیه السلام: خیر مساجد نسائکم البیوت»⁽³⁾.

ص: 171

1- . الآداب الطیبه فی الاسلام: ص 69 ؛ مغازی: ج 1 ، ص 386 و 180 .

2- . تهذیب الاحکام: ج 1 ، ص 398 ، ح 1240 ؛ وسائل الشیعه: ج 2 ، ص 368 ، ح 2388 .

3- . تذکره الفقهاء: ج 1 ، ص 90 .

و در کتاب نه‌ایه الاحکام می‌گوید:

«و هذا الحكم (رفتن به مسجد) مختص بالرجال دون النساء لانهن امرن بالاستتار...» (1).

عده کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت حضور زن در مسجد نداده‌اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زنان، برتر شمرده‌اند. (2) شهید اول می‌فرماید:

«و يستحب للنساء الاختلاف اليها كالرجال و ان كان البيت افضل و خصوصا لذوات الهيئات» (3).

هم‌چنین صاحب غنائم الايام می‌گوید:

«و اما المرأة فصلايتها في البيت افضل...» (4).

این دو گروه از فقها، دلیل خود را، توجه نمودن به آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام (5) مبنی بر ممنوع بودن تبرج (آشکار شدن در برابر دیدگان مردم) برای زنان و دستور شرع مقدس بر اهمیت حفظ عفاف و رعایت حجاب و عدم اختلاط زنان و مردان، و نیز جلوگیری از وقوع در فتنه و مفسد اجتماعی و اخلاقی ذکر کرده‌اند. (6) برخی دیگر از فقهای شیعه نه تنها جواز را، بلکه استحباب را در حضور و نماز خواندن زن در مسجد دانسته‌اند.

مرحوم محقق اردبیلی می‌گوید:

«گرچه بنا بر برخی روایات، فضیلت حضور در مسجد، مختص مردان است، لکن با توجه به دیگر روایات، و ضعفی که در سند روایت یونس بن ظبیان وجود دارد، می‌توان گفت که ومع ذلك لا یبعد الاستحباب اذا کن لایراهن احد و لا یرونه مع عدم مفسده اخرى» (7).

ص: 172

-
- 1- . نه‌ایه الاحکام: ج 1 ، ص 353 .
 - 2- . جواهرالکلام: ج 14 ، ص 150 - 149 ؛ الدروس: ج 1 ، ص 155 ؛ الشیخ لطف الله الصافی، هدایه العباد: ج 1 ، ص 120 ، مسئله 712 ؛ السید الگپایگانی قدس سره، هدایه العباد: ج 1 ، ص 139 ، مسئله 712 .
 - 3- . الدروس: ج 1 ، ص 155 .
 - 4- . غنائم الايام: ج 2 ، ص 210 - 212 .
 - 5- . تهذیب الاحکام: ج 3 ، ص 244 ، ح 694 ؛ احزاب: 39 و 59 ؛ نور: 31 .
 - 6- . تذکره الفقها: ج 1 ، ص 90 ؛ نه‌ایه الاحکام: ج 1 ، ص 353 ؛ جواهرالکلام: ج 14 ، ص 150 - 149 ؛ غنائم الايام: ج 2 ، ص 210 - 212 .
 - 7- . مجمع الفائده: ج 2 ، ص 159 ؛ الدروس: ج 1 ، ص 155 .

«برای زن ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است، ولی اگر بتواند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند»⁽¹⁾.

حتی برخی از فقهای معاصر می فرمایند:

«برای زن ها در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند»⁽²⁾.

نیز بنابر کتب فقهی یکی از مسائل شرعی بانوان آن است که زن در حال عادت ماهیانه نمی تواند مسجد برود. پیامبر هم فرمود:

«انَّ الْمَسْجِدَ لَا يَحِلُّ لِحَيْضٍ وَلَا حَائِضٍ»⁽³⁾.

اگر بنا بود زنان اصلاً مسجد نروند چرا فرموده اند، در ایام عادت نروند. بنابراین مفهوم حدیث و مفهوم فتوای مراجع عظام تقلید این است که وقتی عذر شرعی ندارند، می توانند به مسجد بروند⁽⁴⁾. در باب احکام محرمات جنب و حائض آمده است که برای این دو، حرام است رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و اله اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، و نیز توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد⁽⁵⁾. دلایل قائلان به جواز و استحباب حضور بانوان در مسجد، همان شواهد تاریخی بر حضور این قشر از جامعه در نمازهای جماعت پیامبر صلی الله علیه و اله و نیز عمومات و اطلاعات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفتن و آمدن به مسجد

ص: 173

- 1- . امام خمینی قدس سره، توضیح المسائل: م 894 .
- 2- . ناصر مکام شیرازی، رساله توضیح المسائل: م 817 .
- 3- . کنز العمال: ج 7، ص 668 .
- 4- . امام خمینی قدس سره، توضیح المسائل: م 450 .
- 5- . همان، مسئله 355 .

و بهره مندی از فضایل مسجد برای انسان، قطع نظر از جنسیت آن است. (1) علاوه بر این که، فقهای متقدم و متأخر و نیز معاصر، حضور زنان را هم چون مردان، در مسجد الحرام و مراسم عبادی، اجتماعی و اخلاقی سیاسی نماز جمعه، (2) اعتکاف و حج جایز شمرده اند. (3)

و) شرایط حضور زنان در مساجد

اشاره

فقهای اسلام، اتفاق نظر دارند که حضور زنان در مساجد، جایز است. [جواز بالمعنی الأعم] اینک، باید دید آیا این حضور شرایطی هم دارد یا نه؟ در پاسخ باید گفت: شرع مقدس آداب و دستوراتی بیان کرده که اهم آن ها عبارتند از:

1 - استفاده نکردن از بوی خوش

یکی از آداب مسجد، زینت کردن به هنگام مسجد رفتن است. قرآن کریم می فرماید:

«یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد». (4)

«ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد زینت خود را بگیرید».

آنچه از کتب روایی و تفسیری در تفسیر کلمه «زینت» استفاده می شود این است که «زینت» در آیه شریفه، هم شامل آراستگی ظاهری می شود و هم شامل آراستگی باطنی و درونی و ذکر مصادیق در روایات از قبیل: پوشیدن لباس نیکو یا شانه کردن، و استعمال عطر و بوی خوش در نماز و مسجد، جنبه تعیینی ندارد و این ها از مصادیق زینت هستند. (5) در کتب فقهی هم آمده است:

«یستحب التطیب و لبس الثیاب الفاخر عند التوجه الی المسجد». (6)

ص: 174

-
- 1- . مجمع الفائدة: ج 2، ص 159؛ كشف الغطاء: ج 1، ص 214 .
 - 2- . جواهر الکلام: ج 11، ص 270 - 268؛ كشف اللثام: ج 4، ص 280 - 279 .
 - 3- . مستند الشیعه: ج 10، ص 546؛ جواهر الکلام: ج 17، ص 228 و 212 - 184؛ المغنی: ج 3، ص 127 و 126 .
 - 4- . اعراف: 31 .
 - 5- . ر. ک: تفسیر المیزان: ج 8، ص 79؛ تفسیر عیاشی: ج 2، ص 14 - 13؛ اصول کافی: ج 6، ص 517، ح 7 و ص 510، ح 7 .
 - 6- . عروه الوثقی: ج 1، ص 600 .

«مستحب است به هنگام رفتن به مسجد، از بوی خوش و لباس های نیکو استفاده شود».

اما همین امر مستحب که بر آن، این قدر تأکید شده است، در مورد بانوان نباید به گونه ای باشد که تحریک کننده و باشئون آنان مخالف باشد. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«اذا شهدت احدكم المسجد فلاتمس طيباً [فلاتطيب تلک الليله]» (1).

هنگامی که یکی از شما زنان قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده کند. نیز صلی الله علیه و اله فرمودند: هرگاه زنی خود را خوش بو کند، سپس به سوی مسجد برود نمازش قبول نمی شود تا آنکه آن بوی خوش را برطرف کند. (2)

2 - عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

حضور زنان در مسجد آثار و ثواب بسیار دارد، ولی نباید زمینه ای برای اختلاط فراهم آید. در روایت آمده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله در بیرون مسجد بودند، دیدند که مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می آیند. رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما. (3) هم چنین روزی حضرت به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم. (4) و بدین ترتیب در آمد و شد زنان به مسجد را از مردان جدا ساختند.

3 - پرهیز از سخنان بلند و بیهوده

یکی از نکاتی که افراد، چه زن و چه مرد، شایسته است در مسجد و حتی خارج آن رعایت کنند، پرهیز از سخنان بیهوده و با صدای بلند است. خداوند خطاب به زنان رسول الله صلی الله علیه و اله می فرماید:

ص: 175

- 1- صحیح مسلم: ج 7، ص 33.
- 2- سنن ابن ماجه: ج 2، ص 1326، ح 4002.
- 3- سنن ابی داود: ج 2، ص 533، ح 5272.
- 4- همان: ج 1، ص 137، ح 517.

«فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض وقلن قولا معروفا».(1)

ای همسران پیامبر! به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند. خداوند در واقع در این آیه، دستور به وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن را برای زنان بیان می کند. رسول خدا بلند کردن صدا در مسجد را از نشانه های نزول بلا برامت می شمارند و می فرماید: هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود، بلا بر آنان نازل خواهد شد، از جمله آن ها این است که «اذا ارتفعت الاصوات في المساجد» صداها را در مسجد بلند کنند.(2) نیز ابوذر غفاری از پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله پرسید: ای رسول خدا، مساجد را چگونه باید آباد کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

«لا ترفع الاصوات فيها و...».(3)

«آباد کردن مسجد به این است که صدا در آن بلند نشود».

بنابراین بر همه، به ویژه زنان است که از صحبت کردن درباره امور دنیوی و بلند کردن صدا پرهیز نمایند.

4 - اجازه شوهر

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

«هنگامی که زنان، از شما اجازه رفتن به مسجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیب شان از مساجد محروم نکنید و اجازه شان دهید».(4)

به طور کلی خروج زن از منزل گرچه برای رفتن به مسجد باشد، نباید منافاتی با حقوق شوهران آن ها داشته باشد. در غیر این صورت نباید به مسجد یا خارج از خانه بروند.(5)

ص: 176

1- . احزاب: 32 .

2- . الخصال: ج 2 ، ص 502 - 501 .

3- . مجموعه ورام: ج 2 ، ص 61 .

4- . سنن ابن ماجه: ج 2 ، ص 1326 ، ح 4002 .

5- . توضیح المسائل، امام خمینی قدس سره، م 2412 .

5 - توقف بیجا نکردن در مسیر مسجد

زنان مسلمان باید بدانند که توقف های بیجا در کوچه ها و خیابان ها و مسیر مسجد، شایسته نیست، چنانچه حتی توقف بیهوده در مسجد نیز مذموم شمرده شده است، رسول اعظم صلی الله علیه و اله خطاب به ابوذر می فرمایند:

«یا اباذر کلُّ جلوسٍ فی المسجد لغوًّا ثلاثه: قرآنه مُصلِّ او ذکر الله تعالی او مسائل من علم»⁽¹⁾.

«ای ابوذر! هر نشستنی در مسجد، لغو و بیهوده است مگر توقف سه دسته:

آنان که پس از بجا آوردن نماز مشغول قرائت قرآن، یا سرگرم یاد خدا و یا در حال تحصیل علم و دانش و مباحثه علمی باشند».

در حدیثی که از صحیح بخاری نقل شده، آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و اله نماز صبح را در تاریکی می خواندند و زنان مؤمن پس از نماز جماعت، در همان تاریکی بر می گشتند و به خاطر تاریکی دیگران آن ها را، و حتی خودشان همدیگر را نمی شناختند.⁽²⁾

ز) آثار حضور زنان در مسجد

در متون روایی شیعه و سنی، برای رفت و آمد به مساجد، فواید و آثار فراوان دنیوی و اخروی بیان شده است. از این رو بانوان نیز با رعایت شرایطی که در بخش قبلی گفته شد، می توانند از همه این نتایج و آثار برخوردار باشند.

آثار سازنده و پاداش هایی که برای آمد و شد به مسجد، در روایات آمده، به قدری فراوان است که در روایتی از امام علی علیه السلام هشت مورد آن ذکر شده است.

1 - پیدا کردن دوستی که در مسیر اطاعت خداوند از وی بهره گیرد.

2 - فراگیری علم و دانش جدید و سودمند.

3 - شنیدن سخنی که او را به سوی نیکی رهنمون گردد.

ص: 177

1- وسائل الشیعه: ج 3، ص 86، ح 8.

2- صحیح بخاری: ج 1، ص 211.

4 - عقاید خود را با دلیل و برهان، محکم و استوار سازد.

5 - رحمتی از خداوند که منتظرش باشد.

6 - سخنی که او را از بدی باز دارد.

7 - گناهی را از روی شرم و حیا ترک نماید.

8 - گناهی که در اثر خوف و خشیت آن را ترک کند. (1)

آثار دیگری هم چون ورود به بهشت، (2) هم ردیف بودن با مقام و منزلت صدیقان و شهدا و حضور در محفل پیامبر الهی، (3) شفاعت کننده هشتاد هزار نفر، (4) طلب آمرزش و دیدار و انس فرشتگان با او در قبر، (5) نجات از آتش سوزان، (6) ایمنی از بلا (7) و صدها اثر کار آمد دنیوی و اخروی که برای حضور در مسجد نقل شده است.

با توجه به مجموعه روایات و آیات شریفه درباره مسجد، می توان گفت که اگر بانوان با رعایت شرایط در این مکان های الهی وارد شوند، می توانند از آثار عبادی معنوی، علمی، سیاسی اجتماعی و به ویژه اثرات اخلاقی، روانی و تربیتی مسجد بهره مند گردند.

ص: 178

-
- 1- . من لایحضره الفقیه: ج 1، ص 237، ح 713؛ مستدرک الوسائل: ج 3، ص 357، ح 3772.
 - 2- . دعوات راوندی: ص 104؛ مستدرک الوسائل: ج 3، ص 364، ح 3791.
 - 3- . مستدرک الوسائل: ج 3، ص 365، ح 3793؛ جامع الاخبار: ص 79.
 - 4- . مستدرک الوسائل: ج 6، ص 449، ح 7203.
 - 5- . وسائل الشیعه: ج 8، ص 287، ح 10681.
 - 6- . علل الشرایع: ج 2، ص 466.
 - 7- . من لایحضره الفقیه: ج 1، ص 239، ح 723.

1. قرآن کریم.
2. اختیار معرفه الرجال، الشیخ الطوسی، آل البیت، قم، 1404 هـ-.
3. الآداب الطیبه فی الاسلام، جعفر مرتضیٰ عاملی، قم، جامعه المدرسین، 1362.
4. أسد الغابه، ابن اثیر، انتشارات اسماعیلیان، تهران.
5. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران دارالکتب الاسلامیه، 1365.
6. الأمالی، شیخ طوسی، قم، دارالثقافه، 1414 ق.
7. بحار الانوار، علامه مجلسی قدس سره، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 هـ- ق.
8. تاریخ کتابخانه های مساجد، محمد مکی السباعی، محمد عباسپور - محمد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، 1373 ش.
9. تحریر الوسیله، الامام الخمینی قدس سره، قم، اسماعیلیان.
10. تذکره الفقهاء، علامه الحلی قدس سره، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1414 هـ- ق.
11. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران، علمیه، 1380 ق.
12. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی، قم، مؤسسه دارالکتاب، چ سوم، 1404 هـ- ق.
13. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از دانشمندان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ 41، 1380 ش.
14. تفسیر نورالثقلین، الشیخ عبد علی بن جمعه العروس الحویزی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم، 1412 هـ-.
15. التهذیب، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365 هـ- ش.
16. ثواب الاعمال، الشیخ الصدوق، رضی، قم، چ دوم 1368 ش.
17. جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، قم، رضی، 1363.
18. جواهر الکلام، الشیخ محمد حسن النجفی، قم، دارالکتب الاسلامیه، چ اول، 1412 هـ-.
19. حج، محسن قرائتی، نشر مشعر، 1373.

20 . الخصال، الشيخ الصدوق، تحقيق: على أكبر غفاري، قم، جامعه المدرسين فى الحوزه العلميه.

21 . الخلاف، محمد بن الحسن الطوسى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، چ اول، 1417 هـ- .

22 . الدروس الشرعيه، الشهيد الأول، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، چ اول، 1412 هـ- .

23 . دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تميمى مغربى، مصر، دارالمعارف، 1385 هـ- ق .

ص: 179

- 24 . الدعوات، قطب الدين راوندى، قم، مدرسه الامام المهدي (عج)، چ اول، 1407 هـ- ق .
- 25 . رجال النجاشى، الشيخ ابى العباس احمد بن على النجاشى الاسدى الكوفى، مؤسسه النشرالسلامى التابعه لجماعه المدرسين، قم چ پنجم، 1416 هـ- .
- 26 . رساله توضيح المسائل، امام خمينى قدس سره.
- 27 . رساله توضيح المسائل، آيه الله العظمى مكارم شيرازى، مدرسه الامام على بن ابيطالب عليه السلام، چ دوازدهم، 1383 .
- 28 . سنن ابن ماجه، محمد بن الحسين بن على البيهقى، دارالفكر، بيروت.
- 29 . سنن ابى داود، سليمان بن الأشعث السجستاني، دارالفكر، بيروت، 1420 ق .
- 30 . السنن الكبرى، احمد بن الحسين بن على البيهقى، دارالكفر، بيروت.
- 31 . سيمای مسجد، رحيم نوبهار، قم، اعتماد، 1373 .
- 32 . صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، بيروت، دارالفكر.
- 33 . صحيح المسلم، محمد بن مسلم النيشابورى، بيروت، دارالفكر.
- 34 . صحيفه نور، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره.
- 35 . الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت، دارصادر.
- 36 . العروه الوثقى، السيد اليزدى، بيروت، مؤسسه الأعلمى، 1409 هـ- .
- 37 . علل الشرايع، الشيخ الصدوق قدس سره، نجف، المكتبه الحيدريه، 1386 هـ-، 1966 م .
- 38 . غنائم الايام فى مسائل الحلال والحرام، الميرزا ابوالقاسم القمى، مكتب الاعلام الاسلامى، چ اول، 1417 هـ- ق .
- 39 . الكافى، شيخ كلينى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1365 هـ- ش .
- 40 . كشف الغطاء، الشيخ جعفر الغطاء قدس سره، اصفهان.
- 41 . كشف اللثام، الفاضل الهندى، قم، مكتبه السيد المرعشى، 1405 .
- 42 . كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال، المتقى الهندى، بيروت، مؤسسه الرساله، 1409 هـ-، 1989 م .
- 43 . مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدين الهيتمى، دارالكتب العلميه، بيروت، 1408 هـ- .

- 44 . مجمع الفائده و البرهان، المحقق الأردبیلی، قم، جامعه المدرسين، 1409 هـ- ق .
- 45 . مجموعه وژام، وژام بن ابی فراس، قم، مکتبه الفقيه .
- 46 . المستدرک الحاکم، محمد بن محمد الحاکم النيسابوری، دارالمعرفه، بیروت، 1406 هـ- ق .
- 47 . مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم ، مؤسسه آل البيت، 1408 هـ- ق .
- 48 . مستدرک سفینه البحار، شیخ علی النمازی الشاهرودی، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسين بقم المشرفه، 1419 .
- 49 . مستند الشيعه، المحقق النراقی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1415 هـ- .
- 50 . مسند احمد، الأمام احمد حنبل، بیروت، دارالفکر .

51 . المغازی، محمد بن عمر الواقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، دانشگاه تهران، چ اول، 1361 ش .

52 . المکارم الاخلاق، ابی نصر الحسن بن الفضل الطبرسی، دارالکتب الاسلامیه، 1376 .

53 . من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، 1413 هـ- ق .

54 . المیزان فی تفسیر القرآن، العلامه السید محمد حسین الطباطبائی، قم مؤسسه النشر الاسلامی التابعه

لجماعه المدرسین.

55 . نماز بانوان، عباس عزیزی، صلاه، چ دوم، 1381 ش .

56 . نهایه الاحکام فی معرفه الاحکام، العلامه الحلی، قم، اسماعیلیان، چ دوم، 1410 هـ- .

57 . نهج الفصاحه، (مجموعه کلمات قصار حضرت رسولصلی الله علیه و اله) ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان.

58 . هدایه العباد، السید گلپایگانی قدس سره، دارالقرآن الکریم، چ اول، 1413 .

59 . هدایه العباد، الشیخ لطف الله الصافی، دارالقرآن الکریم، چ اول، 1416 .

60 . وسائل الشیعہ، الحر العاملی، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، مهر قم، چ دوم، 1414 هـ- ق .

ص: 181

اشاره

امام خمینی قدس سره

«شما ملت برای اسلام قیام کردید و برای اسام این همه زحمت کشیدید و دارید می کشید. مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است... فقه اسلام است و آن مساجد است، این ها را خالی نگذارید این یک توطئه است که می خواهند مسجدها را کم کم خالی کنند. مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد...» (1)

چکیده

آثار حضور در مسجد چنان متنوع است که به سختی می توان پیرامون تمامی ابعاد آن سخن گفت، نگرش اسلام به مسجد صرفاً نگرش به جایگاهی برای اقامه نماز نیست، بلکه اساساً مسجد، در اسلام، از زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله همواره به عنوان یک پایگاه دینی و اثرگذار به نقش آفرینی پرداخته است. پیامبر صلی الله علیه و اله از مسجد، به عنوان کانون برای هدایت امور اسلام بهره می بردند و مسجد، مرکز حکومت و نیز مرجع فکری و محل بحث و تبادل اندیشه ها بوده است. در زمانی نه چندان دور (قبل از فرارسیدن عصر ارتباطات)، همه نیازهای فکری و اجتماعی مردم، در مسجد مرتفع می شد.

ص: 185

قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مساجد به عنوان پایگاه دینی، نقش هدایتگری مردم را به عهده داشته است.

همانطور که مسجد در صدر اسلام محل پذیرش افراد مختلف و محل اجتماعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بود، امروز نیز پذیرای مریبان و متریبان جهت تعلیم و تربیت و مکان اوج سالکان راستین است.

مسجد سرچشمه تمدن اسلامی است. اگر به هر یک از شهرهای اسلامی بنگریم مسجد و مجموعه های آن را اساس شهرسازی می یابیم و در می یابیم که در بافت شهرهای اسلامی مساجد محور هستند. مسجد محل تقویت و اشاعه فرهنگ زیبای اسلامی احترام به علماء، بزرگترها و محبت به کوچکترها و رعایت ادب در برابر سایر مؤمنین است.

علاوه بر آن حضور در مسجد، نقش بازدارنده ای قوی در ارتکاب جرایم و پیش گیری از گناهان دارد. در کنار این آثار با برکت حضور در مسجد، در روایات نیز از ثواب ها و اجرهای متعدد برای حاضران در مساجد، یاد شده است. بعنوان نمونه پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

«گروهی از مردم در مسجدی از مساجد خداوند نشینند (برای عبادت و تلاوت قرآن) مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود».

مقدمه

مسجد در اسلام قلب تپنده حیات اسلام و کانون و محور فعالیت های جامعه اسلامی است. مسجد خانه خدا در زمین، (1) منبع فیوضات معنوی و برکات گوناگون برای نمازگزاران و جامعه اسلامی است. بی گمان مکانی که چنین جایگاهی نزد خداوند دارد، حضور در آن، آثار فراوانی را خواهد داشت و بدون تردید شامل حال مکلفان و حاضران در مسجد اعم از زن و مرد نیز خواهد بود.

حضور به موقع و منظم نمازگزاران در مساجد اثرات تربیتی مطلوبی در روح و روان

ص: 186

1- . مستدرک الوسائل: ج 3، ص 213 و 359؛ کنز العمال: ج 7، ص 448.

و رفتار آنها دارد. انجام اعمال عبادی نماز جماعت به صورت یک دست و منظم، بیانگر این حقیقت است که اگر افراد مسلمان اراده بکنند می توانند در تمام امور زندگی نظم و انضباط داشته و با بهره گرفتن از قابلیت های نهان و آشکار خود، حلال مشکلات خود و دیگران باشند.

به عبارت دیگر هم اکنون که جماعت مؤمن نمازگزار اراده کرده و به دلخواه و به صورت اختیاری همه با هم، در کنار هم در مساجد برای احیاء شعائر اسلامی قدم پیش گذاشته و مصمم به انجام آن هستند، به همان نسبت خواهند توانست در سایر امور دینی پیش گام بوده و با بهره گیری از نیروی ایمان و استعداد های موجود، قله های کمال را تسخیر کنند و هرگاه این رفتارها به صورت مدام و مستمر صورت بگیرد (حضور در جماعت) از خلاقیت ها و صفات خدایسندانه افراد صالح بهره برده و متأثر شده، در نتیجه به اصلاح و خودسازی پرداخته و این شکوفایی را به جامعه نیز سرایت خواهند داد.

مساجد علاوه بر محل نیایش بودن، منابع اشاعه فرهنگ اسلامی و محل به نمایش گذاشتن قدرت و اقتدار امت اسلامی نیز می باشد و روزانه سه یا پنج بار افراد مؤمن در همین مکان ها در پیشگاه خالق خود بوده و برای جان نثاری و اطاعت از سایر اوامر مولا اعلان آمادگی می کند و نفس این عمل هشدار است برای دشمنان اسلام، و گام نخستین برای حرکت احیاء عدالت اجتماعی و ظلم ستیزی.

آثار، نتایج و برکات حضور در مسجد بسیار متنوع است، بعنوان نمونه امام علی علیه السلام در یکی از بیانات خود، برای حضور در مسجد هشت اثر را برمی شمرد:

«من اختلف الى المسجد أصاب احدی الثمان؛ اخا استفادا فی الله، او علما مستطرفا او آیه محکمه او یسمع کلمه تدل علی هدی، او رحمه منتظره، او کلمه ترده عن ردی، او یترک ذنبا خشیه او حیاء»⁽¹⁾.

«کسی که به مسجد رفت و آمد می کند، یکی از منافع هشتگانه نصیب او می شود: برادری مفید و باارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم (برای تثبیت عقاید)، یا کلماتی که موجب هدایت شود

ص: 187

(می شنود)، یا رحمت مورد انتظاری (شامل حال او می شود)، یا مواعظی که او را از فساد و گناه باز دارد، (می شنود)، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می کند».

و یا آن که از حاضر شونده در مسجد بعنوان زائر پروردگار سخن به میان آمده است:

«فی التوراه مکتوبا أن بیوتی فی الأرض المساجد فطوبی لعبد تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی ألا ان علی المزور کرامه الزائر ألا بشر المشاء فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیامه».(1)

چنان که بیان شد ثمرات و برکات حضور در مسجد بسیار است لکن در نوشتار پیش رو سعی بر آن است که به اجمال آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مورد بررسی قرار گیرد. امید که برای نگارنده و خواننده گرامی مفید باشد.

ماهیت مسجد

چنان که گفته شد از مساجد به عنوان خانه های خدا در زمین یاد شده است و سر تعظیم و گرامی داشت مساجد همان بیت الله بودن، خانه متقیان و خانه مؤمنین بودن آنهاست.

«محمد بن علی بن الحسین فی العلل عن علی بن أحمد عن محمد بن أبی عبداللّه الکوفی عن موسی بن عمران عن عمه الحسین بن یزید النوفلی عن علی بن أبی حمزه عن أبی بصیر قال سألت أباعبداللّه علیه السلام عن العله فی

تعظیم المساجد فقال انما أمر بتعظیم المساجد لأنها بیوت الله فی الارض».(2)

ابوبصیر می گوید از امام صادق علیه السلام درباره علت لزوم تعظیم مساجد پرسیدم امام علیه السلام فرمودند: به تعظیم مساجد فرمان داده شده برای آنکه مساجد خانه های خدا در زمین است.

این عنوان به خوبی ماهیت عبادی مسجد را نشان می دهد؛ اینکه مسجدها، اولاً و اساساً

ص: 188

1- من لایحضره الفقیه: ج 1، ص 239، باب فضل المساجد و حرمتها و ثواب.

2- وسائل الشیعه: ج 5، ص 297، باب وجوب تعظیم المساجد؛ مستدرک الوسائل: ج 3، ص 4 - 313 و نیز خانه های متقیان، همان: ص 359؛ مؤمنان کنز العمال: ج 7، ص 650.

برای ایجاد ارتباط بین بنده و معبود او و اعلام بندگی و عبودیت برای آفریدگار بنا می شوند. براین اساس نیز اصلی ترین اثر حضور در آن در بعد عبادی خواهد بود:

«و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین کما بدأکم تعودون» (1).

«(هنگام عبادت) در هر مسجدی به سوی او توجه کنید و او را بخوانید و دین (خود) را برای او خالص کنید. همچنان که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز باز می گردید».

ماهیت حضور در مسجد نیز در بیان نبوی آمده است. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«کل جلوس فی المسجد لغو الا ثلاثه: قرائه مصل او ذکر الله او سائل عن علم» (2).

«هر نشستی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد؛ خواندن قرآن، ذکر خدا، پرسش از علم».

بنابراین هدف و حکمت حضور و جلوس در بیوت الرحمن (مساجد) ذکر الله است که بالاتر از هر هدف دیگری در زندگی ماست:

«و لذكر الله اکبر» (3).

و به فرموده امام علی علیه السلام در مان قطعی تمامی دردهای نفسانی ما:

«ذكر الله دواء اعلال النفوس» (4).

«یاد خدا دواي بیماری های نفوس است».

ص: 189

1- . اعراف: 29.

2- . بحار الانوار: ج 77، ص 86؛ وسایل الشیعه: ج 3، ص 86.

3- . عنکبوت: 45.

4- . غرر الحکم، ج 1، ص 363، ح 11.

مسجد به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمین دارد. از این جهت به طور طبیعی مسجد می‌تواند کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند. در این مکان‌ها مؤمنان فرصت می‌یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان هم‌رنگ هستند و توان ایجاد گروه‌های اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین آنان می‌توانند از بین اهل مسجد برادران یا خواهران مناسبی، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا یرجع صاحب المسجد من احدی ثلاث خصال: و اما اخ یستفیده فی اللّٰه»⁽¹⁾.

«اهل مسجد به کمتر از یکی از سه چیز از مسجد بر نمی‌گردد (که یکی از آنها) دوستی است که از او در مسیر خدا استفاده می‌کند».

زنان و مردان با حضور در مساجد، می‌توانند از یک اجتماع سالم دینی بهره‌مند شوند. طبق روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شد، تأثیرات رفتاری که روابط دوستانه و برادرانه در مسجد بر جای می‌گذارد، می‌تواند جامعه دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمین را به سمت یک جامعه سالم هدایت کند:

«أو کلمه ترده عن ردی او یترک ذنبا خشیه او حیاء».

«یا کلماتی می‌شنود که او را از فساد و گناه باز می‌دارد و یا به خاطر ترس (از خدا) یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می‌کند»⁽²⁾.

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی، عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر و چه در زمان خلفاء و امام علی علیه السلام

ص: 190

1- . وسایل الشیعه: ج 3، ص 477 .

2- . الفقیه: ج 1، ص 237 .

و دیگران قابل پیگیری است و نمونه های فراوانی درباره آن می توان ذکر کرد.

در این دوران نه تنها آثار سیاسی حضور مردان در مسجد بلکه آثار سیاسی حضور زنان در مسجد نیز مشهود است که حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جو یا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند.

حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد و دفاع وی از حق ولایت علی علیه السلام، یکی از آنهاست. همچنین سخنرانی حضرت زینب علیها السلام در مسجد که از مسلمات تاریخی است.⁽¹⁾ تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند. از این رو حضور زنان

در کنار مردان در مسجد ضروری می باشد، چرا که زنان از حضور در این مکان محروم شوند، در واقع تربیت بطور ناقص انجام خواهد شد. در حالی که بانوان به دلیل تأثیر عمیق تر بر فرزندان و نقش تربیتی خود، در صورت برخورداری از تربیت سیاسی مسجد، بلوغ سیاسی را بطور

شگفت انگیزی افزایش خواهند داد.

پیش گیری از جرائم

امروزه که در تمام جوامع بشری مسئله بازدارندگی از وقوع جرم از اساسی ترین مسائل به حساب می آید، نقش مراکز هدایت دینی بخصوص مساجد بسیار مهم و در خور تحقیق است. این موضوع که درصدد ارتکاب جرم و جنایت در میان مسجدی ها نسبت به غیر آنها چه میزان کمتر است نیازمند تحقیق جداگانه ای است، لکن این موضوع به تأیید تجربه رسیده و در بین مردم نیز شایع و مشتهر است که بین اهل مسجد و ارتکاب جرم و جنایت ارتباطی نیست و یا لافل

بسیار ضعیف است.

ص: 191

1- . برای مطالعه بیشتر پیرامون حضور سیاسی زنان در مساجد رجوع کنید به بلاغات النساء، بانوانی مثل سوده همدان و... .

مشاهده روزانه (محراب عبادت) در مسجد با توجه به فلسفه وجودی محراب مساجد، توجه افراد نمازگزار را از دشمن درون به دشمن بیرونی معطوف خواهد کرد.

اگر چه شیطان درونی به چشم مشاهده نمی شود، لکن شیاطین بیرونی که همانا دشمنان دین اسلام هستند، مظهر شیطانند و اولین گام، مبارزه با شیطان و ظلم ستیزی در نماز جماعت برداشته می شود.

هرگاه احساس و درک مشترکی در جمع نمازگزاران به وجود بیاید، همگان نسبت به دشمن بیرونی خویش اظهار تنفر نموده و در یک جبهه قرار می گیرند. علی علیه السلام:

«ذکر الله دواء اعلال النفوس»⁽¹⁾.

«یاد خدا دواي بیماریهای نفوس است».

امامان جمعه یا جماعت، (غالباً در مساجد) طی خطابه ای مردم را نسبت به دشمنان دین آگاه کرده و یا در آنها انگیزه های نفرت را بیدار می کنند و لذا دیده می شود غالب تظاهرات و اظهار تنفر، نسبت به دشمنان و توطئه گران بعد از نمازهای جماعت و جمعه صورت می گیرد.

روانشناسان براین باورند که هرگاه افرادی عصبانی باشند و در عین عصبانیت اگر با اسباب و ابزاری که از عوامل تحریک کننده است روبرو شوند عصبانیت آنها شدت خواهد یافت. پس بنابراین نظریه حضور نمازگزاران متنفر از شیطان و مظاهر شیطانی در کنار محراب عبادت، انگیزه ظلم ستیزی را تقویت می کند و فرهنگ ظلم ستیزی به دست فراموشی سپرده نمی شود. و بلکه همواره افراد مسلمان در حال آماده باش روحی و فیزیکی قرار می گیرند و از دشمن خود

غافل نمی باشند. چنانچه در شکل گیری و تداوم انقلاب اسلامی ما این تفکر و احساس نقش کلیدی به همراه داشت.

وحدت و تعاون

از آثار و برکات حضور در مساجد همکاری و تعاون است که از عوامل وحدت آفرین

ص: 192

1- . غرر الحکم: ج 1 ، ص 363 ، ح 11 .

و استحکام بخش جامعه به شمار می رود. غالباً در نماز جماعت بیش از سایر اجتماعات به چشم می خورد. مراعات حقوق دیگران و یاری آنها، رسیدگی به مشکلات برادران دینی در نماز جماعت مطرح شده و به همت مردم کارهای مفید و مهم صورت می گیرد. به عنوان مثال در اجتماع جمعه و جماعت از مردم خواسته می شود که برای رفع خشک سالی در نماز استسقاء حاضر بشوند. و مردم با انگیزه «تعاونوا علی البر»، سه روز به خاطر هموعان خود روزه گرفته و نماز می خوانند. این گونه اعمال نه تنها مشکلات مؤمنین را از سر راه برمی دارد، بلکه از عوامل پیوند اجتماع و مردم نیز هست، افراد نمازگزار با حضور خود در صفوف نماز به «اعتصموا بحبل الله» جامه عمل می پوشانند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«به هم بیبندید و با هم نیکی کنید و به هم مهربانی کنید و برادران خوشرفتاری باشید، چنانکه خدای عزوجل به شما فرموده»⁽¹⁾.

از فرمایشات امام استفاده می شود که تعاون و نیکی مهربانی به همراه داشته و موجب جلب سایر مؤمنین به جمع نمازگزاران می گردد.

امروز در جوامع غیرمسلمان عامل اصلی از هم گسیختگی ملت ها و دولت ها عدم وجود عاطفه و تعاون و دلسوزیست.

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و اله می فرمایند:

«من اصبح لا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»⁽²⁾.

«هرکس صبح کند و اهتمامی به کار مسلمانان نداشته باشد،

پس مسلمان نیست».

هرگاه مؤمنین در سه (یا پنج) وعده حضور به امور برادران خود همت بگمارند تنش روانی در جامعه بسیار کم خواهد شد و چنان که می دانیم خداوند سبحان دعایی را قرین اجابت کرده که در جمع مسلمین دعا شده باشد که نوعی تعاون به شمار می رود.

ص: 193

1- . اصول کافی: ج 3، ص 269.

2- . همان: ص 251.

مسجد کانون اتحاد و همبستگی و انس و الفت مسلمانان است که مردم هر منطقه و محله را روزی چند نوبت در کنار هم در نمازهای جماعت جمع و با هم مأنوس می سازد و مسجد جامع و جمعه هفته ای یک بار همه اجتماعات مساجد را یکجا در نماز جمعه گرد می آورد و مسجد الحرام و مسجد النبی مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی را یک جا جمع و متحد می سازد.

مارسل بوازار اسلام شناس سوییسی راجع به نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می نویسد:

«مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی توان نادیده گرفت، مخصوصاً در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگر بار از خود نشان می دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه جویان درآمده است و به تدریج مساجد موقعیت سال های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده اند»⁽¹⁾.

انجام اعمال عبادی نماز جماعت به صورت یک دست و منظم، بیانگر این حقیقت است که اگر افراد مسلمان اراده بکنند می توانند در تمام امور زندگی نظم و انضباط داشته و با بهره گرفتن از قابلیت های نهان و آشکار خود، حلال مشکلات خود و دیگران باشند.

به عبارت دیگر هم اکنون که جماعت مؤمن نمازگزار در مساجد اراده کرده و به صورت اختیاری همه با هم، در کنار هم برای احیاء شعائر اسلامی قدم پیش گذاشته و مصمم به انجام آن هستند، به همان نسبت می توانند در سایر امور دینی پیش گام بوده و با بهره گیری از نیروی ایمان و استعداد های موجود، قله های کمال را تسخیر کنند.

و هرگاه این رفتارها به صورت مدام و مستمر صورت بگیرد از خلاقیت ها و صفات خداپسندانه افراد صالح بهره برده و متأثر شده، در نتیجه به اصلاح و خودسازی پرداخته و این شکوفایی را به جامعه نیز سرایت خواهند داد.

ص: 194

1- . اسلام در جهان امروز، مارسل بوازار: ص 101 و 102 .

تعهد برابر سایر انسان ها (رعایت حقوق بشر)

در میان ادیان و مکاتب، اسلام بیشترین توجه را برای مراعات و حقوق انسان ها نموده است و به عنوان حق الناس در جایگاه عدالت اجتماعی آن را مطرح کرده است. در مساجد به هنگام برپایی نماز جماعت مؤمنین ملزم به مراعات آداب و احکامی هستند که از آثار و نتایج ذکر الله در بیت الله است. به فرموده امام علی علیه السلام:

«ذکر الله ینیر البصائر و یونس الضمائر» (1).

«یاد خدا روشنی بینش ها و مونس باطن هاست».

در مسجد نمازگزاران ملزم به رعایت شرایطی هستند، از جمله غصبی نبودن مکان نماز، به این معنا که هرگاه مؤمن سجاده خود را قبل از سایرین در مسجد گسترده باشد دیگران حق ندارند آن را برداشته و خود در آن محل به نماز بايستند. همین تعهد در وجود جمع نمازگزار ملکه شده و در سایر امور آنها نیز سرایت داده می شود و ناخودآگاه تبدیل به یک رفتار اجتماعی می گردد.

تشکیل جماعت در مسجد نیز خود تمرینی است برای سایر تعهدات ملی و مذهبی، به برکت این اخلاق پسندیده محیط کاری و زندگی از یک امنیت و آرامش مطلوب برخوردار می شود و از سوی دیگر به تنش زدایی کمک چشم گیری می کند. احساس مسئولیت قطعا انسان را به تعهد وادار می کند و سبب حل بسیاری از مشکلات اجتماعی می گردد. به عنوان مثال در محیط کاری پاسخ به موقع به نیاز ارباب رجوع، احساس عاطفی و صمیمی آنها را به دنبال خواهد داشت، که هرگاه این نوع برخورد در همه محیط های کاری و زندگی اجرا شود، جامعه از یک امنیت نسبی برخوردار خواهد شد و اعتماد همگان را جلب خواهد کرد و مشارکت و همکاری را نیز به دنبال خواهد داشت.

هم دردی و هم دلی

با تجدید حضور در مساجد برای نماز جماعت، عزاداری یا سایر امور، پیوند عاطفی و معنوی نیز تجدید و تقویت می گردد.

ص: 195

1- . غرر الحکم: ج 1 ، ص 363 ، ح 9 .

حضور فیزیکی و معنوی در مسجد که عامل گسترش مشترکات معنوی می باشد، جمع نمازگزار را به هم سویی و هم فکری فرا می خواند و این احساس و درک را در آنها تقویت می کند که - بنی آدم اعضای یکدیگرند - و نباید از درد و رنج هموطنان خود غافل شوند و این احساس بیش از پیش از قوه به فعل تبدیل شده و افراد مؤمن را به یاری دردمندان برمی انگیزد و با این انگیزش حضور فیزیکی و یاری مادی و معنوی رنج دیدگان، باعث تسکین آلام آنها می گردند.

در جبهه عمل نیز این رفتار به سایر مؤمنین انتقال داده می شود و عزم همگان برای رفع گرفتاری ها و احیاء آرامش روانی در جامعه فراهم می گردد. هم دردی و هم دلی با مؤمنین در مکتب انسان ساز اسلام سرآغاز خردمندی است، بعد از ایمان به خدا، و در منابع روایی بدان توصیه شده است.

چنان که می دانیم شاد کردن دل مؤمن عبادتی بزرگ بشمار می آید. امام باقر علیه السلام فرمودند:

«تبسم الرجل فی وجه أخیه حسنه و صرف القذی عنه حسنه و ما عبد الله بشیء أحب الی الله من ادخال السرور علی المؤمن».(1)

و امام حسین علیه السلام می فرمایند:

«صح عندی قول النبی أفضل الأعمال بعد الصلاه ادخال السرور المؤمن بما لا اثم فیهِ».(2)

«یکی از علل شاد کردن قلب مؤمن که در روایات به آن توجه شده است این است که فرد مسلمان با انگیزه شاد کردن دل مسلمانی، بار سنگین درد و رنج را از دوش برادر خود برگرفته و خود را با او شریک بداند و عامل امیدواری برای آنها باشد».

بی شک شکوه و عظمت هم دردی در نمازهای جماعت مساجد بیش از سایر اجتماعات است و به علت حضور مستمر مردم در مساجد، پایه های بهداشت روانی در جامعه متزلزل

ص: 196

1- . الکافی: ج 2، ص 188، باب ادخال السرور علی المؤمنین....

2- . المناقب: ج 4، ص 75، فصل فی معالی أمورهم....

نخواهد شد و جامعه از ابتلا به بیماری دردناک (بی تفاوتی) نجات پیدا خواهد کرد.

به قول روانشناسان در اثر ممارست فکری و عمل مردم در سه (یا پنج) وعده نماز جماعت به درونی شدن این افکار و رفتار منجر خواهد شد. بنابراین زندگی ایده آل الهی - انسانی را برای نسل امروز و آینده تدارک خواهد دید.

احساس هم دردی و هم فکری زمانی پدیدار می گردد که برادری از درد و رنج برادرش مطلع شود و آن را درک کند. این احساس در اجتماع جماعت نمازگزار در مسجد به راحتی قابل رؤیت و لمس می باشد. که مؤمنان در کنار هم قرار گرفته ضمن عبادت از حال یکدیگر نیز باخبر می شوند و با هم تشریک مساعی می نمایند و در صورت عدم حضور، کسی از نمازگزاران، سراغ او را گرفته و چه بسا در پی او به تکلف نیز می افتند. اسلام هم دردی با سایر بندگان را امری ضروری تلقی می کند و آن را عامل ثبات و آرامش جامعه می داند.

زمانی که سپاه معاویه به یکی از شهرهای بلاد اسلامی حمله می کردند و خلخال از پای زن یهودی درآوردند، مولای متقیان علی علیه السلام فرمودند:

«اگر مسلمانی از این غصه بمیرد جای سرزنش نیست»:

«بلغنی ان الرجل منهم کان یدخل علی المراه المسلمه و الاخری المعاهده فینتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعانها، ما تمتع منه الا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا وافرین، ما نال رجلاً منهم کلم و لا اریق له دم، فلو ان امراء مسلما مات من بعد هذا اسفا ما کان به ملوما، بل کان به جدیرا»⁽¹⁾.

در موردی دیگر امام علیه السلام چنین می فرماید:

«مؤمن برادر مؤمن است چون یک تنند و اگر یکی را دردی رسد، در دیگر پاره های تن دریافت می شود، و روحشان از یک روح است و براستی روح مؤمن به روح خدا پیوسته تر است از پیوستن پرتو آفتاب بدان».

ص: 197

با توجه به توصیه های امام بر همه مؤمنان لازم است که در هر حال از احوال یکدیگر باخبر بشوند و تا عضوی از اعضاء پیکر اسلامی آرام نگیرد آنها نیز آرامش نداشته باشند.

دوستی های سالم

قرآن کریم می فرماید یکی از عوامل دخول به جهنم انسان ها که سبب پشیمانی آنها در آخرت می گردد، داشتن دوستان ناسالم است. بنا بر نقل قرآن کریم ناله دوزخیان این است: وای بر من ای کاش با فلان شخص دوستی نمی کردم.

« وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا حَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا. » (1)

«به خاطر بیاور روزی که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می گزد و می گوید: ای کاش من با رسول حق راه دوستی و اطاعت پیش می گرفتم. ای وای بر من کاش فلان را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه آگاهی به سراغ من آمده بود

و شیطان همیشه مخدول کننده انسان بوده است».

از آنجا که انسان موجود اجتماعی است در روابط اجتماعی ناگزیر از انتخاب دوست می باشد. می توان گفت یکی از ارکان (وحدت) معاشرت ها و دوستی های صحیح و سالم در مکان های نماز جمعه و جماعت (یعنی غالباً مساجد) است که در اثر آشنایی و دیدارهای روزانه به شکل احسن انتخاب دوست میسر می باشد و حتی ادامه دوستی این گونه افراد می تواند در روز قیامت هم به صورت شفاعت چهره بنمایاند.

«این گروه می توانند در چارچوب اذن الهی درباره افراد خاصی که روابط معنوی آنان با خدا برقرار بوده و پیوند روحی آنها با شفیعان الهی نگسسته باشد، درخواست آمرزش گناه و طلب مغفرت الهی بنمایند. لازم به ذکر است

ص: 198

شفاعت مخصوص افرادی است که خداپسندانه وارد صحنه قیامت گردند و از گناهانی که سلب شایستگی شفاعت را می کنند بر حذر باشند»⁽¹⁾.

علامه طباطبائی قدس سره می فرماید:

«گاهی دوستی ها بر سر حق است و گاهی بر سر باطل و همین قسم دوستی است که منشا فسادهایی از قبیل جزافه گویی و زورگویی ها در بین انسان هاست»⁽²⁾.

تبدیل شدن این گونه دوستی ها به عداوت در آن روز طبیعی است، چرا که هر کدام از آنها دیگری را عامل بدبختی و بیچارگی خود می شمرد: تو بودی که این راه را به من نشان دادی و مرا به سوی آن دعوت کردی، تو بودی که دنیا را در نظر من زینت دادی و مرا به آن تشویق نمودی، آری تو بودی که مرا غرق غفلت و غرور ساختی و از سرنوشتم بیخبر کردی، هر یک از آنها به دیگری این گونه مطالب را می گوید.⁽³⁾

دوستی هایی که در مسجد آغاز می شود براساس تولی و تبری است و از جرم و جنایت و... سر در نمی آورد، دوستانی که با معیارهای دینی برگزیده شده اند همواره موجب زینت و سرافرازی انسان بوده اند. نمونه های بارز این گونه دوستی ها را در دفاع مقدس به وضوح مشاهده کرده ایم و نکته مقابل این نوع دوستی، دوستی افراد غیر صالح و غیر متقی است که غالباً به هنگام گرفتاری نه تنها از دوست خود حمایت نمی کنند، بلکه او را لو می دهند و یا تنها رها می کنند.

در منابع روایی آمده است که انسان با هر چیزی که مونس شده و آن را دوست داشته باشد روز قیامت با همان محشور می شود.

ص: 199

1- . تفسیر نمونه، ذیل آیه شفاعت.

2- . المیزان: ج 5، ص 144 .

3- . تفسیر نمونه: ج 21، ص 110 .

بعضی از مساجد جمعه و جامع در کنار بازار و یا به بازار راه دارد و بازارهای اسلامی که همچون مسجد طاق وار ساخته شده جزء مجموعه های مسجد جامع است و برای ورود به آنها از حیاط مسجد می گذرند باشد که بازاریان با یاد خدا وارد بازار و کسب و کار شوند. به تعبیر معماران و مهندسان شهرسازی که در بناهای اسلامی کاوش می کنند بازار اسلامی به منزله ستون فقرات یک شهر است و این همان تعبیری است که خداوند در قرآن برای مال کرده است:

«التي جعل الله لكم قياما» (1)

«اموالی که خداوند مایه قوام شما قرار داده است».

هدف قرآن از پیوند میان مسجد و بازار اینست که مردانی تربیت کند که:

«لا تلهيهم تجاره ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوه» (2)

«هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و اقامه نماز باز ندارد».

در تمامی شهرهای اسلامی از جمله مهمترین بناهای شهر مساجد، خصوصا مساجد جامع است. نتیجه پیوند میان بازار و مسجد این بود که قوانین اقتصاد اسلامی اغلب خود به خود به اجرا در می آمد و بازاریان روزی چند نوبت در مساجد از نیروی ایمان و تقوی شارژ می شدند و چون به سر کار باز می گشتند، کمتر دروغ می گفتند و کمتر به احتکار و کم فروشی می پرداختند.

و از این رو معاملات با اعتماد فراوان در بازارهای اسلامی صورت می گرفت و مسلمانان کار و تجارت شان را چیزی جدای از عبادت نمی دانستند. روزه گارودی فیلسوف مسلمان فرانسوی در کتاب خود مسجد آئینه اسلام می نویسد:

«در دوران عظمت اسلام تمام زندگی شهر در مسجد جریان داشت، در آنجاست که قراردادهای تجاری بسته می شود، زیرا اسلام تمایزی میان مقدس و نامقدس نمی شناسد، اجرای شریعت بیش از هر چیز به این معنی بوده است که انسان 24 ساعت شبانه روز در محضر خداوند بسر می برد

ص: 200

1- . نساء: 5 .

2- . نور: 37 .

و هر عملی در زیر نگاه او انجام می شود، بنابراین هر عملی که توأم با تقوی باشد یک بعد قدسی دارد و نماز درنگی است در سلسله لحظات گوناگون، درنگی که به سایر لحظات معنی می دهد. بنابراین نماز از بقیه اعمال جدا نیست»⁽¹⁾.

حفظ حدود و ثغور بلاد اسلامی

بر کسی نقش مساجد در دفاع از مرزهای بلاد اسلامی در طول تاریخ پوشیده نیست. برای ما هم در این زمان که دوره هشت ساله دفاع مقدس را تجربه کرده ایم، درک نقش مساجد در اداره امور جبهه و جنگ کار سختی نیست و اگر بگوییم این مساجد بود که در طول دفاع مقدس جبهه ها را تدارک و اداره می کرد، سخن حقی گفته ایم.

در صدر اسلام و دوره های بعد از آن اهل مسجد بودند که برای مرابطه (برقرار ارتباط میان مرزها و مرکز اسلامی) و مراقبت از حرکات دشمن و تهاجم رزمی و فرهنگی به مرزهای سرزمین های اسلامی کوچ می کردند و با نذر، وقف و وصیت، رباط هایی به شکل مسجد می ساختند، این رباط ها، در واقع مسجدی بود که مناره های کوتاه و بلند آن به صورت برج دیده بانی تبدیل و طاق های آن به صورت اطاق ها و استراحتگاه بسیجیان و مسافران و شبستان آن

به هنگام نماز محل اقامه نماز جماعت و بعد از نماز محل درس و بحث طلاب بسیجی درمی آمد. بسیاری از طلاب علوم دینی و اساتید حوزه با نذر و غیره به آن مراکز می رفتند و ضمن آموزش های رزمی از اساتید مرابطون دوره های دروس علوم دینی و لغت و عرفان را فرا می گرفتند تا خود را هم در برابر تهاجم رزمی و هم تهاجم فرهنگی دشمن آماده سازند.

این پایگاه ها نقش مهمی در مرزهای کشورهای اسلامی بخصوص مغرب و طرابلس و اسپانیا و تونس ایفا کرده و همواره پاسخ گو و مدافع در بابر حملات رزمی و فرهنگی دشمنان اسلام بوده است تا جایی که بعضی از آنان انقلاب نموده و دولت هایی به نام دولت مرابطین تأسیس کرده اند.⁽²⁾

ص: 201

1- . مسجد، آئینه اسلام، تألیف רוژه گارودی، از انتشارات ژگوار.

2- . الرباط فی سبیل اللّٰه، محی الدین قلبی تونسی، مجله رساله الاسلام قاهره، سال 4، ش 3، ص 309.

همانطور که می دانیم تربیت، ارکان حیات اجتماعی انسان است، و لذا توجه به ابعاد مختلف تربیتی، توجه به شخصیت والای انسان است. در اصول تربیتی، محیط زیست یکی از عوامل تأثیرگذار بوده و می تواند کفه ترازوی تربیت را به نفع خود سنگین نماید. بنابراین مساجد و مکان های برگزاری نماز جماعت به عنوان یکی از محورهای تربیتی قابل توجه می باشد.

نکته تربیتی مهم این است که جمع نمازگزاران در مسجد، طبق یک تربیت اسلامی که ریشه آن در خانواده ها بنا نهاده شده احترام به امام جماعت، افراد مسن و سایر افراد مؤمن را

به فراخور حال و موقعیت معنوی و... رعایت می کنند. امور تربیتی غالباً با روان سر و کار دارند تا با جسم و آنچه از تربیت در رابطه با جسم بکار گرفته می شود اکتسابی است از این رو حضور در جمع تربیت شده می تواند راه سهل و آسان کسب آداب و اخلاق مقبول جامعه اسلامی را در اختیار جمع نمازگزار قرار می دهد.

علمای تربیتی نیز به این مطلب اذعان دارند که اجرای مناسک دینی به منزله یادآوری و بازخوانی عقاید دینی است «و تقید و التزام به قواعد و قوانین اخلاقی، نوعی در قید شدن است و انسان های خویشتن دار بهتر می توانند این قید را بر خویشتن تحمیل کنند. مناسک دین نوعی تمرین برای خویشتن داری و تحمل قیود است و می تواند مقاومت در برابر جاذبه های نفسانی را افزایش دهد و موانع زیست اخلاقی را کم کند»⁽¹⁾.

از دیگر نکات تربیتی حضور در مسجد می توان به وقت شناسی اشاره کرد. حاضر شدن منظم و مستمر در مسجد برای نماز جماعت نوعی نظم در زندگی و سایر امور دینی آنها به وجود می آورد.

خلاصه اینکه مسجد مکان مقدسی است برای عروج به درجات عالی انسانی و رشته ای است برای پیوند دل ها و تفکرها در جهت استحکام اتحاد و همبستگی و منبعی است برای تقسیم مهربانی ها و صفا و صمیمیت ها.

ص: 202

از دیگر آثار و برکات حضور در مسجد تقویت و اشاعه فرهنگ ایثار و انفاق است، که گاهی در حد اعلا و ممتاز در بین اهل مسجد مشاهده می شود.

جمع نمازگزارانی که در مسجد در حال نماز از خدای مهربان هدایت و نعمت را مسئلت می نماید «صراط الذین انعمت علیهم...» به تبع این درخواست خود نیز گامی در جهت نعمت بودن برای سایر برادران خود برمی دارد. اعلام نیاز بعد از نماز و به دنبال آن اقدام عملی افراد، از شاخصه ها فرهنگ جمع نمازگزار مسجدی است، زمانی که آیات «اهدنا الصراط» خوانده می شود همگان هدایت را برای همنوعان خود می خواهند، در واقع با دعای خود به دیگران احسان می کنند. در برخی از آیات نماز و انفاق قرین هم آمده است:

«و الذین صبروا ابتغاء وجه ربهم و أقاموا الصلاه و أنفقوا مما رزقناهم».(1)

«و کسانی که در طلب رضای خدا راه صبر پیش می گیرند و نماز پیا می دارند و از آنچه نصیب شان کردیم پنهان و آشکار انفاق می کنند».

«الذین یقیمون الصلاه و مما رزقناهم ینفقون، اولئک هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم و مغفره و رزق کریم».(2)

«و نماز را با حضور قلب پیا می دارند و از آن چه روزی آنها کردیم (علم و جاه و مال) انفاق می کنند. آنها به راستی و حقیقت اهل ایمانند و نزد خدا مراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو مخصوص آنهاست».

بطور طبیعی اطلاع رسانی در مورد نیاز و مشکلات مردم محروم در حالت عادی به سادگی امکان پذیر نیست و در صورت اقدام به اطلاع رسانی تنها بخش کوچکی از جامعه مطلع می شوند. اما حضور در جماعت مساجد این کار را سهل و ساده و به صورت مطلوب امکان پذیر می نماید.

ص: 203

1- رعد: 22 .

2- انفال: 3 و 4 .

آثار روحی و اخلاقی

فضای مسجد، الهی و نورانی است، ذکر، دعا، صلوات، عزاداری ها و تلاوت آیات کریمه قرآن زمینه بسیار مناسبی را برای پرورش فضائل روحی و اخلاقی فراهم می آورد. اینها در پرتو رحمتی است که از ناحیه پروردگار شامل اهل مسجد می شود. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز در حدیثی به آن اشاره فرموده است:

«ما جلس قوم فی مسجد من مساجد الله تعالی یتلون کتاب الله (و) یتدارسونه بینهم الا تنزلت علیهم سکینه و غشیتهم الرحمه و ذکرهم الله فیمن عنده».(1)

«قومی (با یکدیگر) در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن نشینند؛ مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود و خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می کند».

در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم که فرمود:

«من كانت المساجد بیته ضمن الله له بالروح و الراحة و الجواز علی الصراط».(2)

«هرکس که مسجدها خانه اش باشد، خداوند آسایش و آرامش و عبور از صراط را برای او ضمانت می کند».

از طرفی اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد، توانایی انجام صحیح وظایف و تکالیف شرعی و اخلاقی دیگر را نیز به دست خواهد داد.

بهره و پاداش الهی

در روایات از ثواب ها و اجرهای متعدد برای حاضران در مساجد، فراوان یاد شده است از جمله:

ص: 204

1- . مستدرک الوسائل: ج 3، ص 482 .

2- . همان: ج 3، ص 361؛ بحارالانوار: ج 81، ص 4؛ امالی طوسی: ص 139 .

1 - «ان فى التوراه مكتوبا: ان بيوتى فى الأرض المساجد فطوبى لمن تطهر فى بيته ثم زارنى فى بيتى و حق على المزور ان يكرم الزائر».(1)

«در تورات نوشته شده است که (خداوند می فرماید): مسجدها خانه های من در زمین هستند. خوشا به حال کسی که خود را در خانه اش تمیز کند و در خانه من به زیارتم بیاید و حق زائر این است که میزبان او را محترم شمارد».

2 - «قال رسول الله صلى الله عليه و اله: المساجد سوق من اسواق الاخره قراها المغفره و تحفتها الجنة».(2)

«مساجد بازاری از بازارهای آخرتند. آمرزش (و بخشش) از وسایل پذیرایی آنها است و هدیه آنها بهشت است».

3 - قال رسول الله صلى الله عليه و اله سبعة يظلهم الله فى ظله يوم لا ظل الا ظله... رجل قلبه متعلق بالمسجد اذا خرج منه حتى يعود اليه».(3)

«هفت گروه در قیامت مورد توجه خدا قرار می گیرند. (که از جمله آنهاست)، شخصی که وقتی از مسجد خارج می شود تا زمان برگشت، توجه اش به مسجد باشد».

4 - «قال الصادق عليه السلام: لا يرجع صاحب المسجد باقل من احدى ثلاث خصال: اما دعاء يدعو به يدخله الله به الجنة و اما دعاء يدعوا به فيصرف الله عنه به بلاء الدنيا...».

«اهل مسجد به کمتر از یکی از سه ویژگی باز نمی گردد: یا دعایی می کند که خداوند به برکت آن، او را به بهشت می برد یا دعایی می کند که به سبب آن بلای دنیا را از او دور می کند و یا...».(4)

ص: 205

1- . وسایل الشیعه: ج 3 ، ص 482 .

2- . مستدرک: ج 3 ، ص 361 ؛ بحار الانوار: ج 81 ، ص 4 ؛ امالی طوسی: ص 139 .

3- . وسایل الشیعه: ج 3 ، ص 481 .

4- . همان: ج 5 ، ص 193 .

این همه نشان می دهد، حضور در مسجد، علاوه بر آثار دنیوی، از جنبه اخروی و کمالات معنوی نیز - به عنوان عاملی تأثیرگذار - مورد توجه است.

نقل است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای سعید ابوالخیر نوشت: چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند؛ با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک تر است. هر جا که باشی اگر رابطه ات با خدا برقرار باشد، نتیجه خواهی گرفت. وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، آن اتاق در تاریکی فرو خواهد رفت. انسانها نیز این گونه اند؛ تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند.

بعضی گناهکارند، اگر تنها باشند، شاید موفق به کسب فیوضات الهی نشوند، ولی اگر در جمع باشند، شاید خداوند به برکت افراد دیگر، آنها را هم مشمول برکات خود سازد. (1)

نتیجه

حضور در مساجد آثار و برکات و عملکردهای فردی و جمعی بسیاری دارد. مسجد علاوه بر محل نیایش بودن، منابع اشاعه فرهنگ اسلامی و به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل گیری اجتماعات مسلمین دارد.

از جمله آثار و برکات حضور در مساجد همکاری و تعاون است که از عوامل وحدت آفرین و استحکام بخش جامعه به شمار می رود.

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی، عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. زنان و مردان با حضور در مساجد، می توانند از روابط سالم اجتماع سالم دینی بهره مند شوند. مسجد کانون اتحاد و همبستگی و انس و الفت مسلمانان است که مردم هر منطقه و محله را روزی چند نوبت در کنار هم در نمازهای جماعت جمع و با هم مأنوس می سازد. با تحقیق می توان دریافت که نقش مراکز هدایت دینی بخصوص مساجد در پیش گیری

ص: 206

و باز دارندگی از وقوع جرم و گناه بسیار مهم و در خور تأمل است.

با تجدید حضور در نماز جماعت در مساجد پیوند عاطفی و معنوی نمازگزاران نیز تجدید و تقویت می گردد و از طرفی دوستیهایی که در مسجد آغاز می شود، دوستی واقعی است و از جرم و جنایت و... سر در نمی آورد، دوستانی که با معیارهای دینی و آن هم در مسجد برگزیده شده اند همواره موجب زینت و سرافرازی انسان بوده و غالباً تا اواخر عمر ادامه می یابد.

اشاعه فرهنگ زیبای اسلامی احترام به علماء، افراد مسن و بزرگترها و محبت به کوچکترها و رعایت ادب در برابر سایر مؤمنین از دیگر ثمرات بیوت الرحمن یعنی مساجد است.

پیشنهاد

برای تبیین اثبات و علمی مسئله آثار و برکات و عملکردهای فردی و جمعی حضور در مسجد، از دیدگاه جامعه شناسی و مردم شناسی و نیز ادیان و روان شناسی هر یک از موضوعات مطرح شده توسط سایر محققان بصورت میدانی مورد تحقیق قرار گرفته تا نتایج عینی آن نیز اثبات شود.

ص: 207

- 1- قرآن کریم.
- 2- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1366.
- 3- عاجی نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم، 1366.
- 4- حر عاملی، حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، بی تا.
- 5- متقی هندی، کنز العمال، دارالتراث العربی، بی تا.
- 6- صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، انتشارات دار الهجره، قم، بی تا.
- 7- صدوق، علی ابن بابویه، الامالی، انتشارات دارالثقافه، قم 1414 هـ-ق.
- 8- صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم 1413.
- 9- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1367.
- 10- مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، 1379.
- 11- قلبی، محی الدین تونسلی، الرباط فی سبیل اللّٰه، مجله رساله الاسلام قاهره، سال 4، ش 3، ص 309.
- 12- کلینی، ابوجعفر، محمد بن اسحاق، اصول کافی، دارکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1365.
- 13- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1404 هـ-ق.
- 14- معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ناشر کتابخانه آیة اللّٰه مرعشی نجفی، قم، 1404.
- 15- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1366.

اشاره

پیش‌گفتار

یکی از موضوعاتی که بشر را رنج داده و می‌دهد و زندگی انسان را به تلخی می‌کشاند، اضطراب و افسردگی در مسیر زندگی است. انسان دوست دارد سطح بهداشت روانی خویش را بالا برده و ارتقا بخشد و در این راستا تلاش می‌کند از ابزار مناسب بهره‌مند شود.

پرسش مهم این است که آیا مسجد در کاهش اضطراب و نگرانی بشر تأثیر دارد؟

آیا می‌تواند افسردگی او را از بین برده، موجب ارتقای بهداشت روحی و روانی او گردد؟

در پاسخ باید گفت: آری، مسجد نقش مهم و کارساز در زمینه آرامش و برطرف ساختن نگرانی بشر دارد.

زیرا که جایگاه ارتباط با خدا و ذکر و نماز است و نماز یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند و با یاد او دل انسان آرامش می‌یابد، این حقیقتی است که قرآن آن را در یک جمله کوتاه «ألا بذكر الله تطمئن القلوب» بیان نموده است.

در این مقاله موضوع فوق را به صورت کوتاه مورد توجه قرار داده، به آن پرداخته ایم.

مسجد در اسلام از همان آغاز تأسیس برای برگزاری عبادت و یاد خدا بوده است، و ارتباط تنگاتنگ مسجد با بهترین جلوه عبادت - یعنی نماز - بر کسی پوشیده نیست.

در فرهنگ اسلام پیرامون اهتمام به مسجد و توجه به آن تأکید زیادی شده است،

خواندن نماز در مسجد بویژه به صورت جماعت ثواب و اجر فراوانی دارد و خداوند بهترین مکان روی زمین را به عنوان خانه خود و مسجد الحرام یاد نموده و نماز در آن جا را مورد تأکید قرار داده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله نیز اول کاری که انجام داد در محله «قبا» در آستانه ورود به مدینه، ساختن مسجد بود و سپس در مدینه نیز، مسجد النبی را بنا نمود.

از سوی دیگر سفارش به نماز در منابع اسلامی و آیات و احادیث به طور آشکار به چشم می خورد، به یک نمونه از آن در قرآن کریم اشاره می کنیم:

«واقم الصلوه طرفی النهار و زلفا من اللیل ان الحسنه یذهبن السيئات ذلک ذکرى للذکرین» (1).

(و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب پیادار، (زیرا) بدرستی که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی ها را محو می کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر).

بنابراین رابطه انسان با نماز باید یک رابطه جدی و پایدار و شبانه روزی و همیشگی باشد! اکنون نقش مسجد را - با توجه به این که جایگاه ارتباط با خدا است - در کاهش اضطراب و افسردگی و ارتقای سطح بهداشت روانی بشر، مورد بحث قرار می دهیم.

آرامش گمشده بشر در جهان امروز!

همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بزرگترین بلاهای زندگی انسان ها بوده و هست، و مشکلات

ص: 210

ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی به طور کامل محسوس است.

همیشه آرامش یکی از گم شده های مهم بشر بوده و به هر دری می زند تا آن را پیدا کند، به طوری که اگر تلاش و کوشش انسان ها را در طول تاریخ برای پیدا کردن آرامش جمع آوری کنیم، خود کتاب بسیار بزرگی خواهد شد.

بعضی از دانشمندان می گویند: به هنگام بروز بعضی از بیماری های واگیردار مانند «وبا» از هر ده نفر که در ظاهر به سبب وبا می میرند بیشتر آنان به دلیل نگرانی و ترس است، و تنها گروه اندکی از آنان در حقیقت به جهت مبتلا شدن به آن بیماری از بین می روند.

به طور کلی «آرامش» و «دلهره» نقش بسیار مهمی در «سلامت» و «بیماری» فرد و جامعه و سعادت و بدبختی بشر دارد، و چیزی نیست که بتوان از آن به آسانی گذشت، و به همین دلیل تاکنون کتاب های زیادی نوشته شده که موضوع آنها فقط نگرانی و راه مبارزه با آن، و طرز بدست

آوردن آرامش است.

تاریخ بشر پر از صحنه های غم انگیزی است که انسان برای تحصیل آرامش به هر چیز دست انداخته و در هر وادی گام نهاده، و تن به انواع اعتیادها داده است.

عوامل نگرانی و پریشانی

1 - گاهی اضطراب و نگرانی به خاطر آینده تاریک و مبهمی است که در برابر فکر انسان خودنمایی می کند، احتمال زوال نعمت ها، گرفتاری در چنگال دشمن، ضعف و بیماری و ناتوانی و درماندگی و احتیاج، همه این ها آدمی را رنج می دهد، اما ایمان به خداوند قادر متعال، خداوند رحیم و مهربان، خدایی که همواره کفالت بندگان خویش را بر عهده دارد می تواند این گونه نگرانی ها را از میان ببرد و به او آرامش دهد که تو در برابر حوادث آینده در مانده نیستی، خدایی داری توانا، قادر و مهربان.

2 - گاه گذشته تاریک زندگی فکر انسان را به خود مشغول می دارد و همواره او را نگران می سازد، نگرانی از گناهانی که انجام داده، از کوتاهی ها و لغزش ها، اما توجه به اینکه خداوند، غفار، توبه پذیر و رحیم و غفور است، به او آرامش می دهد، به او می گوید: عذر تقصیر

به پیشگاهش بر، از گذشته عذرخواهی کن و در مقام جبران برآی، که او بخشنده است و جبران کردن ممکن.

3 - ضعف و ناتوانی انسان در برابر عوامل طبیعی و گاه در مقابل انبوه دشمنان داخلی و خارجی، او را نگران می سازد که من در برابر این همه دشمن نیرومند در میدان جهاد چه کنم؟ و یا در مبارزات دیگر چه می توانم انجام دهم؟

اما هنگامی که به یاد خدا می افتد و به قدرت و رحمت او تکیه می زند، قدرتی که برترین قدرت ها است و هیچ چیز در برابر آن یارای مقاومت ندارد، قلبش آرام می گیرد، با خود می گوید: آری من تنها نیستم؛ من در سایه خدا، بی نهایت قدرت دارم!

قهرمانی های مجاهدان راه خدا در جنگ ها، چه در گذشته، چه در حال، و سلحشوری های اعجاب انگیز و خیره کننده آنان، حتی در آنجایی که تک و تنها بوده اند، بیان گر آرامشی است که در سایه ایمان پیدا می شود.

هنگامی که با چشم خود می بینیم و با گوش می شنویم که افسر رشیدی پس از یک نبرد خیره کننده، بینائی خود را به کلی از دست داده و با تی مجروح به روی تخت بیمارستان افتاده، اما با چنان آرامش خاطر و اطمینان سخن می گوید که گویی خراشی بر بدن او هم وارد نشد است، به اعجاز آرامش در سایه ذکر خدا پی می بریم.

4 - گاهی نیز ریشه نگرانی های آزار دهنده انسان، احساس پوچی زندگی و بی هدف بودن آن است ولی آن کسی که به خدا ایمان دارد، و مسیر تکاملی زندگی را به عنوان یک هدف بزرگ پذیرفته است، و تمام برنامه ها و حوادث زندگی را در همین خط می بیند، نه از زندگی احساس پوچی می کند، نه همچون افراد بی هدف و مردد، سرگردان و مضطرب است.

5 - عامل دیگر نگرانی آن است که انسان گاهی برای رسیدن به یک هدف زحمت زیادی را متحمل می شود، اما کسی را نمی بیند که برای زحمت او ارج نهد و قدردانی و تشکر کند، این ناسپاسی او را شدیداً رنج می دهد و در یک حالت اضطراب و نگرانی فرو می برد، اما هنگامی که احساس کند کسی از تمام تلاش ها و کوشش هایش آگاه است، و به همه آنها ارج می نهد و برای همه پاداش می دهد دیگر چه جای نگرانی و ناآرامی است؟

6 - سوء ظن ها و توهم ها و خیالات پوچ یکی دیگر از عوامل نگرانی است که بسیاری از مردم در زندگی خود از آن رنج می برند، ولی چگونه می توان انکار کرد که توجه به خدا و لطف بی پایان او و دستور به حسن ظن که وظیفه هر فرد با ایمانی است این حالت رنج آور را از بین می برد و آرامش و اطمینان جای آن را می گیرد.

7 - دنیاپرستی و دلباختگی در برابر زرق و برق زندگی مادی یکی از بزرگترین عوامل اضطراب و نگرانی انسان ها بوده و هست، تا آنجا که گاهی عدم دستیابی به رنگ خاصی از لباس یا کفش و کلاه و یا یکی دیگر از هزاران وسائل زندگی ساعت ها و یا روزها و هفته ها فکر دنیاپرستان را ناآرام و مشوش می دارد اما ایمان به خدا و توجه به آزادگی مؤمن که همیشه با «زهد و پارسائی سازنده» همراه است به همه این اضطراب ها پایان می دهد، هنگامی که روح انسان «علی وار» آن گونه وسعت یابد که بگوید:

«دنیاکم هذه اهون عندی من ورقه فی قم جراده تقضهما».

«دنیای شما در نظر من بی ارزش تر از برگ درختی است که در دهان ملخی باشد که آن را می جود»⁽¹⁾.

نرسیدن به یک وسیله مادی یا از دست دادن آن چگونه امکان دارد آرامش روح آدمی را برهم زند و طوفانی از نگرانی در قلب و فکر او ایجاد کند.

8 - یک عامل مهم دیگر برای نگرانی، ترس و وحشت از مرگ است که همیشه روح انسان ها را آزار می داده است و زآنجا که امکان مرگ تنها در سنین بالا نیست، بلکه در سنین دیگر مخصوصاً به هنگام بیماری ها، جنگ ها، ناامنی ها وجود دارد، این نگرانی می تواند عمومی باشد.

ولی اگر ما از نظر جهان بینی مرگ را به معنی فنا و نیستی و پایان همه چیز بدانیم (همان گونه که مادیون جهان می پندارند) این اضطراب و نگرانی کاملاً بیجا است، و باید از چنین مرگی که نقطه پایان همه آرزوها و موفقیت ها و خواسته های انسان است ترسید، اما هرگاه در سایه ایمان به خدا مرگ را دریچه ای به یک زندگی وسیع تر و والاتر بدانیم، و گذشتن از گذرگاه مرگ

ص: 213

را همچون عبور از دالان زندان و رسیدن به یک فضای آزاد بشمریم دیگر این نگرانی بی معنی است، بلکه چنین مرگی - هرگاه در مسیر انجام وظیفه بوده باشد - دوست داشتی و خواستنی است.

البته عوامل نگرانی منحصر به این ها نیست بلکه می توان عوامل فراوان دیگری برای آن نیز شمرد، ولی باید قبول کرد که بیشتر نگرانی ها به یکی از عوامل فوق باز می گردد.

و هنگامی که دیدیم این عوامل در برابر ایمان به خدا ذوب و بی رنگ و نابود می گردد تصدیق خواهیم کرد که یاد خدا مایه آرامش دل ها است «الا بذکر الله تطمئن القلوب».

ارزش یاد خدا (ذکر)

در زمینه ارزش ذکر و یاد خدا سخنی از حضرت علی علیه السلام - بزرگ مرد عبادت و نیایش - می آوریم، آن جاکه فرموده است:

«همانا خدای سبحان و بزرگ یاد خود را روشنی بخش دل ها قرار داد، تا گوش پس از ناشنوایی بشنود، و چشم پس از کم نوری بنگرد، و انسان پس از دشمنی رام گردد. خداوند که نعمت های او گرانقدر است در دوره های مختلف روزگار و در دوران جدایی از رسالت «تا آمدن پیامبری پس از پیامبر

دیگر» بندگانی داشته، که با آنان در گوش جان شان زمزمه می کرد و در درون عقل شان با آنان سخن می گفت.

آنان چراغ هدایت را با نور بیداری در گوش ها و دیده ها و دل ها بر می افروختند، روزهای خدایی را به یاد می آوردند و مردم را از جلوه و بزرگی خدا می ترساندند.

آنان نشانه های روشن خدا در بیابان هابند. آن را که راه میانه در پیش گرفت می ستودند و به رستگاری بشارت می دادند و روش آن را که به جانب چپ یا راست کشانده می شد زشت می شمردند و از نابودی هشدار می دادند، همچنان چراغ تاریکی ها و راهنمای پرتگاه ها بودند.

همانا مردمی هستند که ذکر خدا را به جای دنیا برگزیدند که هیچ تجارتی یا خرید و فروشی آنها را از یاد خدا باز نمی دارد. با یاد خدا روزگاری می گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود، از کیفرهای الهی می ترسانند، به عدالت فرمان می دهند و خود عدالت گسترند، از بدی ها نهی می کنند و خود از آنها پرهیز دارند.

با این که در دنیا زندگی می کنند گویا آن را رها کرده به آخرت پیوسته اند. سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامت شان آگاهی دارند و گویا قیامت وعده های خود را برای آنان تحقق

بخشیده است. آنان پرده ها (پرده های آن جهان) را برای مردم دنیا برداشته اند، می بینند آنچه را که مردم نمی نگرند و می شنوند، آنچه را مردم نمی شنوند... .

آنان نشانه های هدایت، چراغ های روشنگر تاریکی ها می باشند. فرشتگان آنان را در میان گرفته، و آرامش بر آنها می بارند، درهای آسمان به روی شان گشوده و مقام ارزشمندی برای آنان آماده کرده اند. مقامی که خداوند با نظر رحمت به آن می نگرد و از تلاش آنها خوشنود و منزلت آنها را می ستاید، دست به دعا برداشته و آمرزش الهی می طلبند، در گرو نیازمندی فضل خدا و اسیران بزرگی او هستند. غم و اندوه طولانی دل هایشان را مجروح و گریه های پیاپی چشم هایشان را آزرده است. دست آنان به طرف تمام درهای امیدواری خدا دراز است، از کسی درخواست می کنند

که بخشش او را کاستی و درخواست کنندگان او را نومیدی نیست. پس اکنون به خاطر خودت، حساب خویش را بررسی کن، زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند»⁽¹⁾.

ص: 215

در برخی از آیات قرآن به یکی از فلسفه های مهم نماز اشاره شده است، و آن اینکه انسان در زندگی این جهان با توجه به «عوامل غافل کننده» نیاز به تذکر و یادآوری دارد، با وسیله ای که در فاصله های مختلف زمانی، خدا و رستاخیز و دعوت پیامبران و هدف آفرینش را به یاد او آورد و از غرق شدن در گرداب غفلت و بی خبری حفظ کند، نماز این وظیفه مهم را بر عهده دارد.

انسان صبحگاهان از خواب برمی خیزد، خوابی که او را از همه چیز این جهان بیگانه کرده، می خواهد برنامه زندگی را شروع کند، قبل از هر چیز به سراغ نماز می رود، قلب و جان خود را با یاد خدا صفا می دهد، از او نیرو و مدد می گیرد، و آماده سعی و تلاش توأم با پاکی و صداقت می گردد.

باز هنگامی که غرق کارهای روزانه شد و چند ساعتی گذشت و چه بسا میان او و یاد خدا جدایی افتاد، ناگاه ظهر می شود و صدای مؤذن را می شنود:

«اللّٰه اکبر!... حی علی الصلوه...».

«خدا از همه چیز برتر است، برتر از آنست که توصیف شود...»

بشتاب بسوی نماز.»

به سراغ نماز می رود در برابر معبود خود به راز و نیاز می ایستد، و اگر گرد و غبار غفلتی بر قلب او نشسته، آن را شستشو می دهد اینجا است که خدا در نخستین دستورات در آغاز وحی به موسی می گوید نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی.

جالب این که این آیه می گوید: نماز را برپا دار تا به یاد من باشی، اما در آیه 28 سوره رعد می گوید: ذکر خدا مایه اطمینان و آرامش دل ها است «الا بذكر الله تطمئن القلوب» و در آیه 27 تا 30 سوره فجر می فرماید:

«يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضيه مرضيه فادخلي في عبادي و ادخلي جنتي».

«ای نفس مطمئنه بسوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تواز او خشنودی و هم او از تو خشنود، در زمره بندگانم در آی، و در بهشتم گام بگذار.»

از قرار دادن این سه آیه در کنار هم به خوبی می فهمیم نماز انسان را به یاد خدا و می دارد، یاد خدا نفس مطمئنه به و می دهد، و نفس مطمئنه او را به مقام بندگان خاص و بهشت جاویدان می رساند.

بنابراین بهترین وسیله برای یاد خدا ارتباط با او به صورت نیایش است، زیباترین جلوه نیایش نماز است.

نماز و آرامش روان

نماز یکی از فرایض مهم اسلامی و مشتمل بر دو جنبه عقلانی و فوق عقل است. قسمت عقلانی نماز مقررات حساب شده و قابل سنجش است: غسل کردن، وضو گرفتن، مسواک دندان ها و مضمضمه و استنشاق از نظر پاکیزگی و نظافت، مباح بودن آب وضو و لباس نمازگزار و محل نماز از نظر نظم مالی در اجتماع، ترتیب اجزاء نماز انضباط در عمل، تشکیل جماعت از نظر تحکیم روابط دوستانه اجتماع، قیام و قعود و رکوع و سجود از نظر حرکات موزون بدنی، خواندن حمد و سوره و سایر اذکار از نظر تلقین های روانی و مطالبی نظیر این ها هر یک از نظر عقلی قابل محاسبه و اندازه گیری است.

ولی روح نماز و حقیقت آن، با محاسبه عقلی و عملی، قابل اندازه گیری نیست، روح نماز قرب به خداوند و ربط روحانی با پروردگار است، نماز معراج مؤمن و مایه صفای باطن و عامل اطمینان و آرامش روان است. نماز برای نمازگزاران خاضع و خاشع، بزرگترین پناهگاه معنوی است، حالت وجدانی و متعالی روانی نمازگزاران نه به زبان عقل قابل بیان است و نه با محاسبه علمی قابل اندازه گیری است.

حقیقت غیرقابل سنجش نماز است که ضمیر باطن را از ناپاکی و پلیدی تطهیر می کند و نمازگزار را از گناه باز می دارد. «ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر».

نیروی ناسنجیدنی ایمان و قدرت غیرقابل توصیفی که در باطن نمازگزاران با ایمان به وجود می آید به قدری شدید است که می تواند تمام غرائز سرکش را مهار کند و از تندروی

تمایلات جلوگیری نماید و آدمی را انسانی پاک و شایسته بسازد. قدرت غیرقابل سنجش ایمان است که مردم معتقد و مؤمن را در خلوت و جلوت از انحراف و ناپاکی باز می‌دارد.

حالات روحانی مردان پاکدل و هیجان‌های درونی صاحب‌دلان در مناجات‌های نیمه شب در پیشگاه خداوند، ناسنجیدنی و غیرقابل توصیف است، ولی منشأ بزرگترین تحول روحی و تعالی روانی است، شجاعت، مالکیت نفس، صفای دل، خیرخواهی. فداکاری، و خلاصه تمام سجایای اخلاقی و انسانی در سایه ایمان و در پرتو نورانیت روان به دست می‌آید.

به یک حدیث توجه می‌کنیم:

«عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه عن جدّه، قال: قال رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و اله: اعظم العبادات أجرا أخفاها».

امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و اله روایت کرده است که فرمود:

«بزرگترین پاداش برای عبادتی است که پنهانی و در خفا انجام شود».

نیمه شب وقتی که مردم در بستر خواب آرمیده اند، تاریکی سراسر جهان را فراگرفته و سکوت همه جا حکم فرماست، خداپرستان، مردان با ایمان؛ به منظور دعا و تضرع در پیشگاه خداوند بزرگ بستر را ترک می‌گویند.

عشق سوزان خداپرستی و شعله فروزان ایمان از اعماق جان آنان زبانه می‌کشد با شور و شوق وصف ناپذیری و پو می‌سازند، با خضوع و خشوع به حضور خداوند می‌روند، حرف می‌زنند، دعا می‌کنند، اشک می‌ریزند، بر خود می‌لرزند، از خود بی‌خود می‌شوند. لغزش‌های خویش را از خاطر می‌گذرانند، عذر می‌خواهند، استغفار می‌کنند، با خدا پیمان درستی و درست کاری می‌بندند، از او استمداد می‌طلبند، و از قدرت زوال ناپذیر او کسب قدرت و نیرو می‌نمایند.

آن حالت روانی، آن هیجان درونی که در نیمه شب به مرد الهی دست می‌دهد فوق علم است، فوق عقل است. واقعیتی است ناسنجیدنی، حقیقتی است غیرقابل توصیف، ولی اثر خیره‌کننده اش در تمام ذرات وجود آن مرد الهی آشکار است، در جسم و جان او طوفانی

بر پا می کند. روی تمام نیروهایش اثر می گذارد، دلش را آرامش می بخشد، به او شهادت و شجاعت می دهد. غرائزش را مهار می کند، از گناهِش باز می دارد، دلش را خیرخواه و مهربان می نماید، به او روح از خود گذشتگی و فداکاری می بخشد. و خلاصه او را انسان کاملی می سازد و تمام سجایای انسانی را در روی بیدار می کند و به فعالیت وا می دارد.

آن حالت پاک و نورانی، آن معنویت درخشان آسمانی، حقیقت تقوای کامل و هدف مکتب اسلام است.

چه خوش است یک شب بکشی هوا را

به حضور خواهی ز خدا خدا را

به خلوص خوانی ورقی زقرآن

فکنی در آتش کتب ریا را

شود آن که گاهی بدهند راهی

به حضور شاهی چو من گدا را

نیاز به خدا با نیایش آشکار می شود نیایش درخواست کمک و یک سرود عشق است. گویا خداوند به سخن آدمی گوش داده و پاسخ مستقیم می دهد و تعادل روحی برقرار می شود.

دنیا چهره خشن و ستمگر خود را از دست می دهد و مهربان می شود، نیروی عجیبی از درون ما سر بالا می آورد، نیایش به انسان نیروی تحمل غم ها و گرفتاری ها را می بخشد و او را امیدوار می کند و به او قدرت استقامت و ایستادگی می دهد.

انس با خدا بشر را به ساحل امن و آرامش می کشاند، آری، کتاب آسمانی ما، قرآن با یک جمله کوتاه و پر مغز بهترین و نزدیکترین راه را نشان داده، و ما را برای حرکت در آن فرا خوانده و می گوید:

«بدانید که یاد خدا آرام بخش دل ها است».

ای انسان!

خداوند به تو کرامت بخشید و بر بسیاری از مخلوقات برتری داد!

آنچه در آسمان ها و زمین است برای بهره مندی تو آفرید.

منزلت تو نزد وی این گونه است که از میان موجودات جهان، تو را برای خود برگزید و بهشت ویژه اش را برایت آماده کرد!

اکنون که آهنگ جهان، آهنگ حرکت بسوی اوست.

و کاروان هستی رو بسوی او دارد.

تصمیم تو چیست؟

آیا در این راه قدم گذاشته ای؟!؟

در پایان امیدواریم جامعه اسلامی، در پرتو حضور در مساجد که سنگرهای مهم دین است، هر چه بیشتر از آرامش دل بهره مند شود.

ص: 220

اشاره

مقدمه

همه ادیان و اقوام و ملل مسجد و عبادتگاهی دارند که از قداست و احترامی خاص برخوردار است. این معابد در ادیان توحیدی به عنوان صوامع و بیع و صلوات و مساجد از آنها یاد شده است.

«و لولا دفع الله الناس بعضهم لبعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد» (1).

«اگر خداوند ظلم و تجاوز بعضی از مردم را بوسیله بعض دیگر دفع نکند، صومعه ها و کنیسه ها و کلیساها و مساجد ویران می گردد».

در فرهنگ اسلامی برترین و مقدس ترین محفل مساجد معرفی شده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در این باره فرمود:

«افضل البقاع المساجد» (2).

«برترین و با ارزش ترین بقعه ها مساجد است».

ص: 221

1- حج: 40 .

2- کنز العمال: ج 7، ص 52 .

با نگاهی گذرا به تاریخ مساجد در می یابیم که مساجد علاوه بر نقش محوری خود که عبادت باشد، کارکردهای گوناگونی دیگری هم دارد. بدیهی است که تبیین جایگاه مساجد، موجب افزایش کارآیی آن خواهد شد مساجد در صدر اسلام مرکز سازماندهی، برنامه ریزی و محل فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و آموزشی محسوب می شد. در حقیقت مساجد بزرگترین سازمان مدنی جهان اسلام به شمار می رود.

دکتر گوستاوبون فرانسوی در این باره می گوید:

«مهم ترین مرکز زندگی برای عرب ها مسجد است، زیرا عرب ها مسجد را مرکز اجتماع عبادت، تعلیم و تربیت و گاهی مسکن خویش قرار می دهند، و مساجد مانند کلیسا نیست که فقط مرکز عبادت و در طول هفته فقط یک بار باز شود»⁽¹⁾.

در میان هزاران کتاب، مقاله و تحقیق که در محورهای گوناگون مسجد به رشته تحریر در آمده آن چنان که شایسته مکان و منزلت و جایگاه آن باشد، کار جامع و بایسته ای صورت پذیرفته است. از دست اندرکاران امور مساجد که فرصتی دیگر برای سخن گفتن و قلم زدن درباره مسجد این خانه آشنا و غریب فراهم آوردند قدردانی می گردد.

امید است که این اقدام خداپسندانه پیامدهای سازنده ای در راستای آبادانی و عمران هرچه بیشتر مساجد در ابعاد گوناگون معنوی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و آموزشی و اقتصادی را در پی داشته باشد.

جایگاه مسجد

«انَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مَبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»⁽²⁾.

«نخستین خانه ای که در روی زمین برای مردم ساخته شد همان خانه خداست که پربرکت و موجب هدایت جهانیان است».

ص: «222»

1- . تمدن اسلام و عرب: ص 531 .

2- . آل عمران: 96 .

ظاهر معنای آیه این است که خانه خدا نخستین معبد جهانی و پرستشگاه عمومی از زمان آدم تا کنون بوده و مایه برکت و هدایت برای همگان قرار داده شده است.

نخستین عمل نبی مکرم اسلام بعد از هجرت به مدینه نیز ساخت مسجد بوده و این نخستین دلیل بر آن است که در فرهنگ دینی و حکومت اسلامی مسجد جنبه محوری دارد و سایر مسائل باید در حول مسجد شکل بگیرد.

خداوند متعال همه مساجد را به عنوان خانه های خود در روی زمین معرفی فرموده است:

«ان بیوتی فی الارض المساجد» (1).

«خانه های من در روی زمین مساجد هستند».

«وان المساجد لله» (2).

«مساجد از آن خداست».

همچنین ذات باری مساجد را محل ملاقات خود قرار داده است.

«الا طوبی لعبد توضع فی بیته ثم زارنی فی بیته» (3).

«خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو بگیرد و مرا در مسجد زیارت کند».

از این رو امام حسین علیه السلام فرمود:

«اهل المسجد زوار الله» (4).

«اهل مسجد زائران خدا هستند».

از آنجاکه طرح و بانی مساجد خود خداوند است، لذا، تطهیر و تعمیر و خادمی آن را بر عهده انبیا و اولیای خود قرار داده است.

«وعهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیته للطائفین و العاکفین و الركع السجود» (5).

ص: 223

1- وسائل الشیعه: ج 1، ص 268.

2- جن: 18.

3- وسائل الشیعه: ج 1، ص 268.

4- آئین مسجد: ج 1، ص 165.

5- بقره: 125.

چون خانه خداست لذا خادمان نیز باید از اولیای خدا باشند، به همین لحاظ بود که یکی از پیامبران اولوالعزم شیخ الانبیاء ابراهیم خلیل الرحمان به همراه فرزندش اسماعیل مأمور این کار مقدس شدند. هدف این مأموریت این بود که خانه خدا برای مهمانان و حضور بندگان از هر جهت آماده شود و خدمت به خانه خدا و مسجد کاری ابراهیمی و مأموریت الهی به شمار آید.

در طول تاریخ، زمانی ابراهیم و اسماعیل و زکریا و دیگران خادم مساجد بودند و مادر حضرت مریم نیز قبل از تولد فرزندش، نذر می کند که فرزندش خادم مسجد گردد.

«اذ قالت امرأه عمران رب انی نذرت لک مافی بطنی محرر اقتبل منی» (1).

«همسر عمران گفت: پروردگارا، آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که برای خدمت به خانه تو آزاد باشد، پس از من قبول فرما».

لذا خدمت به خانه خدا آن قدر ارزش دارد که اولیای خدا، عزیزان خود را قبل از تولد برای آن کار نذر کنند و از خداوند هم بخواهند تا آن را قبول فرماید.

در همین راستا خداوند متعال خاتم النبیین حضرت محمدصلی الله علیه و اله را مأمور خدمتگزاری به مسجد خود قرار داد.

قال الباقر علیه السلام:

«او حی الله الی نبیه ان طهر مسجدک» (2).

«خداوند پیامبرش را وحی کرد تا مسجد النبی را تطهیر کند».

و در مرحله بعد خدمتگزاری مساجد را به مؤمنان و بندگان صالح سپرد.

«انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوه و اتی الزکوه ولم یخس الا الله» (3).

«مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا می دارند و زکات می پردازند و جز از خدا نمی ترسند».

ص: 224

1- آل عمران: 35 .

2- وسائل الشیعه: ج 1 ، ص 484 .

3- توبه: 18 .

مساجد پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان و خانه خداست، لذا متولیان آن باید صالح و پاک باشند هم درد دین داشته باشند و هم درد محرومان «اتی الزکوه» و هم شجاع باشند «لم یخش الا الله» و از آنجا که خدمت به مسجد کار ابراهیمی و محمدیصلی الله علیه و اله و بندگان صالح خداست، لذا فرمود مشرکان حق خدمتگزاری به آستان مقدس مساجد را ندارند.

«ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله». (1)

با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام در می یابیم که علی رغم گذشت چندین قرن از ساخت نخستین مسجد، همچنان شأن و تقدس معنوی مساجد حفظ شده است و در طول تاریخ جایگاه خود را از دست نداده و مقدس ترین و مهم ترین و عظیم ترین پایگاه دینی و مهم ترین سنگر اسلام محسوب می شود و بزرگترین نقش را در تقویت و تثبیت و توسعه زیر ساخت های فرهنگ اسلامی دارد و همواره دژ پولادین و استوار در مقابل هجمه های فرهنگی دشمنان اسلامی بوده است.

اگر تاکنون از اسلام، اسم و رسمی باقی مانده و اگر از مسلمانی نشانی دیده می شود، همه و همه از برکات این مراکز نور نشأت گرفته است.

مساجد به لحاظ ارزش های والایی که داشته و دارد توجه بسیاری از دانشمندان غربی و بیگانه را نیز به خود جلب کرده است.

«هگل» فیلسوف شهیر آلمانی می نویسد:

«در اسلامبول روزی به مسجد رفتم از سادگی و صلابت مسجد شگفت زده شدم و حال خوش و جذبه ای شورانگیز در خود احساس کردم». (2)

«ژزف ارنست رنان» نویسنده و فیلسوف فرانسوی می نویسد:

«برخلاف سخنان ناروایی که درباره اسلام و عرب شنیده بودم هرگاه وارد یکی از مساجد های مسلمانان می شدم صحنه های دلپذیر و جذابی را می دیدم

ص: 225

1- . توبه: 17 .

2- . هزار و یک نکته درباره نماز: ص 97 .

که به خود می لرزیدم و افسوس می خوردم که چرا مسلمان نیستم». (1)

«ویل دورانت» مؤرخ مشهور می نویسد:

«چه خوش آهنگ است صدای مؤذن در گوش مسلمانان و غیر مسلمانان که این جان های محبوس در پیکر خاکی را از فراز هزاران مساجد دعوت می کند به سوی بخشنده زندگی و عقل، توجه کنند و به جان با او پیوند گیرند». (2)

کارکردهای مسجد

بدون شک اقامه نماز و سایر عبادت منحصر به مکان خاصی نیست، بل می توان در هر مکانی انجام داد. آنچه باعث شد که برگزاری نماز به صورت جمعی و جماعت در مساجد مورد تأکید فراوان قرار گیرد، اهداف بهتر و والاتری است که دین مبین اسلام آن را تعقیب می کند.

مساجد در طول تاریخ اسلام نه فقط محل عبادت و مناجات، بل پایگاه تصمیم گیری مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و مرکز نشر معارف دینی و کانون تربیت انسان های متعهد و جایگاه حل معضلات امت اسلامی و محور وحدت مسلمانان و پشتوانه محکمی برای حکومت اسلامی بوده است. به عبارت دیگر مساجد در قالب کانون فعالیت های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی، قضایی و آموزشی محسوب می شده است.

از آغاز اسلام تا چند قرن بعد، از مساجد به صورت مدرسه آموزشی استفاده می کردند و با پدیده ای به نام مدرسه روبرو نبودند، مشهور این است که از سال 459 هجری قمری نخستین مدرسه به همت نظام الملک توسی وزیر آلب ارسلان سلجوقی در بغداد بنا شده است. به هر حال تاریخ تأسیس مدرسه هر وقت باشد، محققان و مورخان پذیرفته اند که پیش از پیدایش مدرسه، مسجد یگانه مرکز مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است و در حقیقت مدرسه فرزند مسجد به شمار می آید و در روزگاری در میان فقها مطرح بود که آیا تأسیس مدرسه جایز است یا خیر.

ص: 226

1- . همان: ص 97 و 262 .

2- . همان: ص 33 .

به هر صورت پیش از پیدایش مدرسه، مسجد یگانه مرکز مهم آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و قضایی در کشور اسلامی بوده و بعضی از نویسندگان مسجد را مجلس شورای مسلمانان نام نهاده اند.⁽¹⁾

پس در حقیقت بنای مسجد النبی که مسجد نمونه اسلام است، فقط تأسیس یک عبادتگاه نبود، بل به شهادت مورخان و محققان و حتی خاورشناسان پی ریزی یک مدرسه بزرگ اسلامی بود.

«جرجی زیدان» نویسنده مسیحی عرب می نویسد:

«همان طوری که مسجدهای مسلمان، مرکز اجتماع و پناهگاه غریبان و بیماران است، این مراکز مهد تعلیم و تربیت نیز بوده است در کوچکترین مسجد، کودکان را آموزش می دهند و مسجدهای بزرگ گاهی به اندازه دانشگاه های اروپا دارای ارزش و اهمیت است».⁽²⁾

مقام معظم رهبری فرمودند:

«نظام مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی، بل در نقاط گوناگون عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت های بزرگ و حرکات اسلامی شده است».⁽³⁾

هر مسجد می تواند کارکردهایی نظیر کارکردهای عبادی، آموزشی، فرهنگی تبلیغی، علمی، سیاسی، اجتماعی، قضایی، نظامی و رسانه ای، هنری ورزشی و جز آن داشته باشد. هر قدر این فعالیت ها و کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار گردد، مسلماً از زمینه جذابیت و اقبال بیشتری از سوی طبقات گوناگونی جامعه خصوصاً جوانان مواجه و نتیجه آن افزایش دین باوری در سطح جامعه خواهد شد، تقسیم بندی کارکردها به اصلی و فرعی و توضیح هر یک نیاز به یک مقاله دیگر دارد، به هر حال جایگاه و نقش برجسته مساجد در صدر اسلام و در طول تاریخ بر کسی پوشیده نیست.

ص: 227

1- . تاریخ آموزش در اسلام احمد شبلی: ص 217 و 100 .

2- . هزار و یک نکته درباره نماز: ص 97 .

3- . 16 دی 1375 .

«و اذ جعلنا البيت مثابه للناس و امنا» (1).

«هنگامی که خانه کعبه و مسجد الحرام را ملجأ و مرجع و مأمن مردم قرار دادیم».

خداوند متعال در قرآن ویژگی های مسجد الحرام را نمونه و فرد شاخص ذکر کرده است، در این آیه شریفه نخستین ویژگی آن را ملجأ و مأوا و مرجع مردم بودن معرفی می کند. از آنجا که در روایات متعدد مساجد به عنوان خانه های خدا بر روی زمین معرفی شده اند.

«ان بیوتی فی الارض المساجد» (2).

«خانه های من در روی زمین مساجد هستند».

لذا هر مسجدی با قوت و ضعف می تواند ملجأ و مرجع منطقه ای یا شهری یا محلی قلمداد گردد.

با توجه به این که این آیات در مقام یادآوری بخشی از نعمت ها به پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله یا مردم است (3) و با ضمیر متکلم مع الغیر آن را به خود نسبت داده (جعلنا) و از سوی دیگر لفظ مثابه هم بدون هیچ قید و به صورت مطلق و با تاء مبالغه ذکر شده است.

و از ناحیه دیگر مثابه لفظی است که معنای وسیعی به همراه دارد، به طوری که بعضی از مفسران تا دوازده معنی برای آن ذکر کرده اند (4) که توجه به همه این نکات و لفظ الناس «مثابه للناس» سبب دقت و توجه بیشتر به مثابه بودن خانه خدا برای مردم می شود. خانه ای که ملجأ و مرجع و پناهگاه همه مردم قرار داده شد، مکان مقدسی که نفع مادی و معنوی به همراه دارد، خانه ای که محل بازگشت و توبه از گناهان فردی و اجتماعی و موجب تبه و بیداری از

هرگونه غفلت و لغزش و سبب سیراب شدن از آب حیات زندگی خواهد شد.

تردیدی نیست که جامعه بشری به هنگام بروز اختلافات و تعدیات، نیاز به یک چنین

ص: 228

1- . بقره: 125 .

2- . وسائل الشیعه: ج 1 ، ص 268 .

3- . «اذکر یا ایها الرسول او اذکر یا ایها الناس» .

4- . المقام - المرجع - المجتمع - الملجأ - المتاب - محل الثواب - مجتمع الماء... - تفسیر فرقان: ج 12 ، ص 137 .

ملجأ و مرجعی دارد که متعلق به گروه و طایفه و دولت خاص نباشد و از سوی دیگر مورد احترام همگانی باشد و چنین پناهگاهی در هیچ نقطه جهان برای هیچ ملت و قبیله ای با چنین اوصاف دیده نشده است، لذا نعمتی بزرگ برای مسلمین ذکر نمود.

مسجد الحرام مأمن مردم

دومین ویژگی که صاحب خانه برای خانه خود ذکر فرمود، «امنا» یعنی مأمن و محل امن بودن است. پس مسجد الحرام ملجأ و پناهگاهی است که امنیت را در حد اعلی به همراه خود دارد.

بر هیچ فرد عاقلی پوشیده نیست که بزرگترین نعمت برای هر انسان و جوامع انسانی وجود پناهگاه امن و مطمئن است که افراد آن جامعه با کمال صفا و صمیمیت به دور از هر نوع

نفرت و تمایزات و تجاوزات در کنار هم به سر ببرند که تحقق چنین جامعه و مرکزی از آرزوهای دیرینه دانشمندان از زمان افلاطون تا عصر تمدن بوده و هست و سازمان ها و جوامع بین المللی با تمام وسعت و خرج سنگین درصدد تحقق چنین آرمانی هستند، اما تاکنون ره به جایی نبرده اند و از سوی دیگر ضرورت چنین منطقه و مکانی با توجه به دنیای پر هیجان و آشوب که شعله جنگ و نزاع و تفرقه سراسر عالم را فرا گرفته بر هیچ شخصی پوشیده نیست، اما خداوند متعال طبق حکمت متعالیه اش، منطقه ای را در یک نقطه زمین برای چنین اهداف مقدسی احداث نموده است که در هیچ جای دنیا چنین امنیتی حکم فرما نبوده و نیست، به طوری که شکار حیوانات، بل نشان دادن آن با گوشه چشم ممنوع باشد، امنیتی که باعث سکون قلب و آرامش خاطر گردد. (1) خصوصاً با عنایت به این که جهت مبالغه از مصدر استفاده (2) و وصف برای بیت قرار داده تا دلالت بر امنیت خالص و واقعی بکند. به علاوه توجه به اطلاق «امنا» در آیه ما را به مطلب دیگری رهنمون می سازد که مراد، امن از دنیا و آخرت است چنان که امام صادق علیه السلام در توضیح امنیت فرمود:

«من ام هذا البيت وهو يعلم انه البيت الذي امره الله عزوجل به و عرفنا

ص: 229

1- الامن، طمأنیه النفس و زوال الخوف. مفردات راغب.

2- وصف به للمبالغه، روح المعانی: ج 1، ص 378.

«کسی که قصد خانه خدا بکند و از ما اهل بیت شناخت کافی داشته باشد، در دنیا و آخرت در امان خواهد بود».

خداوند متعال هم در اهمیت و ارزش امنیت این منطقه فرمود:

«اولم یروا انا جعلنا حرما امنا و یتخطف الناس من حولهم اقبالباطل یؤمنون و بنعمه الله یکفرون». (2)

«آیا کافران ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم. در صورتی که در اطرافش مردم را می ربایند. آیا باز به باطل می گروند و به نعمت حق کافر می شوند؟».

خداوند منان در یک سرزمین بحرانی که در همه جا کشتار و غارت بود منطقه ای را در امنیت قرار داد حال آن که در بیرون این منطقه، انسان ها ربوده می شدند و از آن جاکه این نعمت بزرگ نیاز به شکرگزاری عملی و اعتقادی داشت، فرمود آیا به جای شکر نعمت و ایمان آوردن به خدا، سراغ باطل می روید و به نعمت خدا کفران می ورزید آن هم در خانه خدا در کانون توحید به سراغ بت و صنم می روید؟

«بدلو نعمت الله کفرا... و جعلوا لله اندادا». (3) لذا کعبه و مسجد الحرام که پناهگاه امن برای مسلمین قرار داده شده، یکی از نعمت های بزرگ الهی در قرآن معرفی شده است.

نعمتی که شرط اساسی و عامل اولیه ای برای شکل گیری و قوام هر جامعه است و مظلومان تاریخ از سراسر عالم می توانند در این نقطه جمع شوند و بدور از هر گونه وحشت، فریاد خود را به گوش جهانیان برسانند تا چاره اندیشی شود و وجود چنین پناهگاه و امانخانه ای تأثیر بسیار در جلوگیری از ظلم و تجاوز دارد، که جهان بدانند یک چنین جایی تعبیه شده

ص: 230

1- . صافی: ج 1 ، ص 360 ؛ نورالثقلین: ج 1 ، ص 369 .

2- . عنکبوت: 67 .

3- . ابراهیم: 28 - 30 .

که به داد مظلوم و بی پناه رسیدگی خواهد کرد و از سوی دیگر چنین مرکزی سبب فتح باب مذاکرات در رفع مخاصمات بین دول و ملل اسلامی خواهد شد. و هیچ فرد و گروهی حق ناامن کردن این پناهگاه و امانخانه عمومی را ندارد.

مسجد الحرام خانه مردم

ویژگی دیگر کعبه و مسجد الحرام و سایر مساجد این است که خانه مردم قرار داده شده و در تعدادی از آیات قرآن، خانه خدا و مسجد الحرام برای مردم «و للناس» معرفی شده است.

«و اذ جعلنا البیت مثابه للناس» (1).

«ما خانه را ملجأ و مرجع برای مردم قرار دادیم».

«و ان اول البیت وضع للناس» (2).

«نخستین خانه ای که در روی زمین بنا شد برای مردم قرار داده شد».

«جعل الله الكعبه البیت الحرام قیاما للناس» (3).

«خداوند کعبه و بیت الله را مایه قوام جوامع بشری معرفی کرده است».

پس کعبه و مسجد الحرام و سایر مساجد در عین این که متعلق به خدا هستند، «المساجد لله...» (4) «بیتی» (5) ملجأ و پناهگاه امن برای مردم نیز قرار داده شده است و اختصاص به شخص یا گروه و نژاد خاصی ندارد، هم بنای آن برای مردم است. هم ملجأ و مرجع و مأمن برای مردم و هم مایه قوام جوامع بشری معرفی شده است.

تذکر

جمع بین این که کعبه هم خانه خداست و هم خانه مردم، روشن است؛ چه این که کعبه و مساجد

ص: 231

1- . بقره: 125 .

2- . آل عمران: 96 .

3- . مائده: 97 .

4- . جن: 18 .

5- . بقره: 125 .

در عین این که خانه خدا هستند، برای مردم بنا شده و برای آنان مأمن و مرجع قرار داده شده است؛ یعنی آن چه به نام خدا و برای خداست باید در خدمت مردم و بندگان او قرار گیرد.

حضرت آیت الله جوادی آملی به نکته ظریف ادبی و معنوی در این باره اشاره کرده است:

«اما از جهت ادبی: خانه خدا بدون لام به خداوند نسبت داده شد، اما در جملات «وضع للناس - مثابه للناس - قیاما للناس» باللام به مردم اسناد داده شده است یعنی کعبه و مساجد بیت الله است و بیت الناس نیست، بل برای مردم قرار داده شده از این رو وضع است (ان اول بیت وضع) نه بنی، یعنی تشریفا معبد قرار داده شد.

اما از جهت معنوی، بیت در اثر اضافه به «الله» شرافت پیدا کرد. اما مردم بر اثر اضافه کعبه به آنها شریف می شوند. پس شرف کعبه به سبب اضافه به خدا و شرف مردم بر اثر ارتباط با کعبه و مساجد است»⁽¹⁾.

ویژگی های دهگانه

1 - امنیت تکوینی

مسجدالحرام پناهگاه و امان خانه ای است که از امنیت تکوینی برخوردار است. چنان که خداوند متعال فرمود:

«ءامنهم من خوف»⁽²⁾.

«کسی بخواهد کعبه را تخریب کند به او امان داده نمی شود».

مثل جریان حمله ابرهه به کعبه که با آن همه لشکر و قدرت آمده بودند که خانه خدا را ویران سازند، اما خداوند با لشکری به ظاهر بسیار کوچک و ناچیز آنها را درهم کوبید و مردم مکه را از ناامنی رهایی بخشید.

ص: 232

1- . میقات حج: شماره 4، تابستان 1372 .

2- . قریش: 4 .

2 - امنیت تشریفی

این پناهگاه علاوه بر امنیت تکوینی از امنیت تشریفی هم برخوردار است.

«و من دخله كان امنا».(1)

هر فرد مسلمان تا هنگامی که به این منطقه پناه آورد در امان خواهد بود، هیچ کس حق تعرض به او ندارد. حتی حیوانات هم در این منطقه در امان هستند. به طوری که نه فقط حیوانات بل نشان دادن آن با گوشه چشم جهت شکار ممنوع اعلان شده است.

اگر انسان بدهکار هم به این منطقه پناه آورد در امان خواهد بود و طلبکار، حق طلب خود را از او ندارد. چنان که سماعه از امام صادق علیه السلام روایت نمود که کسی خدمت آن حضرت رسید عرضه داشت از کسی طلبی داشتم مدتی او را نیافتم تا این که در مسجدالحرام او را دیدم آیا حق خود را طلب کنم، فرمود نه، او را آزاد بگذار تا این که از این امانخانه و پناهگاه بیرون رود.(2)

3 - امنیت روحی و معنوی

مسجدالحرام علاوه بر تأمین امنیت ظاهری، امنیت معنوی و روحی افرادی که به آنجا پناهنده شده اند، نیز تضمین نموده است، چنان که «معاویه بن عمار» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که کسی داخل مسجدالحرام شود از عذاب در امان خواهد بود.(3)

4 - امنیت از جهت جنگ و خونریزی

مسجدالحرام آن چنان پناهگاه امنی است که هرگونه جنگ و خونریزی در آن منطقه ممنوع اعلان شده است.

«لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام».(4)

«حق جنگ و خونریزی در مسجدالحرام را ندارید».

ص: 233

1- . آل عمران: 97 .

2- . نور الثقلین: ج 1 ، ص 369 .

3- . نورالثقلین: ج 1 ، ص 369 .

4- . بقره: 191 .

بل تردد مسلحانه که نوعی موجب ناامنی می شود، در محدوده این پناهگاه و امانخانه ممنوع اعلام شده است، چنان که امام خمینی قدس سره حمل سلاح در این منطقه را حرام دانسته است. (1)

همچنان که حضرت امیر علیه السلام در حدیث اربعامه فرمود:

«لا تخرجوا بالسیوف الی الحرم». (2)

«در منطقه حرم با شمشیر و اسلحه ظاهر نشوید».

5 - امنیت از جهت حضور مفسد و ظالم

در محدوده این پناهگاه سکونت افرادی که عامل فساد و ظلم هستند و موجب خدشه دار نمودن امنیت این پناهگاه می شوند، ممنوع و با آنان با خشونت رفتار می گردد.

«و من یرد فیه بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم». (3)

«هرکس بخواهد در این سرزمین از حق منحرف و دست به ستم بزند، از عذاب دردناک به او می چشانیم».

حذف مفعول در این آیه شریفه دلالت بر حرمت هر نوع ظلم و فساد در این منطقه دارد.

6 - امنیت از جهت تبعیض و نابرابری

مسجدالحرام امانخانه ای عمومی است که همه افراد در این منطقه در برابر آن یکسان و برابرند:

«و المسجد الحرام الذی جعلناه للناس سواء العاکف فیه و الباد». (4)

تبعیض که موجب نوعی فقدان امنیت روانی در جامعه می شود در این منطقه ممنوع است همه افراد برابرند و هیچ کس حق امتیازطلبی و اظهار برتری بر دیگری ندارد.

ص: 234

1- . تحریرالوسیله: ج 1 ، ص 429 .

2- . وسائل الشیعه: ج 13 ، ص 257 .

3- . حج: 25 .

4- . توبه: 28 .

با توجه به اطلاق کلمه «سواء» و حذف متعلق که دلالت بر عموم دارد، استشهاد می شود که هیچ کس حق ندارد به هر عنوانی، کمترین مزاحمت روحی و روانی برای افراد تولید نماید.

7 - امنیت از جهت ورود مشرکین

«یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام» (1).

«ای مؤمنین، مشرکین نجس هستند و حق نزدیک شدن به مسجد الحرام ندارند».

منطقه باید از جهت حضور و رفت و آمد مشرکان و کفار در امنیت باشد، لذا نه فقط حق سکونت آنها در این منطقه ممنوع، بل حق عبور و مرور در این محدوده را هم ندارند.

8 - امنیت لقطه

در این پناهگاه و امانخانه حتی لقطه هم در امان است و کسی حق مالک شدن بل دست زدن آنها را ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا تمس ابدا حتی یجیبی صاحبها» (2).

همه چیز حتی لقطه هم در این منطقه در امان می باشد و کسی حق تعرض بر آن را ندارد.

9 - امنیت گیاهان و درختان

در این پناهگاه و امانخانه حتی گیاهان و درختان هم در امان هستند و کندن شکستن آنها حرام و ممنوع و برای متخلفان مجازات مالی منظور شده است (3).

ص: 235

1- . حج: 25 .

2- . وسائل الشیعه: ج 13 ، ص 260 .

3- . تحریر الوسیله: ج 1 ، ص 428 .

از آنجا که مسجدالحرام برای مردم بنا شده و ملجأ و مأمن مردم قرار داده شده است، لذا به منزله خانه و شهر افراد محسوب شده و می توانند نماز را تمام بخوانند.

آثار اجتماعی و تربیتی این پناهگاه امن

وجود چنین پناهگاه و امانخانه با این ویژگی ها قطعاً آثار و فواید فراوان اجتماعی، تربیتی، روانی به همراه خواهد داشت و لذا در قرآن کریم یکی از نعمت های برجسته الهی معرفی و مقررات شدیدی برای اجتناب از هرگونه نزاع و کشمکش و برخورد در این سرزمین مقدس وضع شده است؛ به طوری که نه فقط افراد از هر گروه و قبیله و در هرگونه شرایط در آنجا باید در امنیت به سر ببرند، بل حیوانات و پرندگان نیز در آنجا باید در امن و امان باشند.

در دنیایی که همیشه نزاع و کشمکش وجود داشته و خواهد داشت، وجود چنین مرکزی اثری عمیق و خاص برای حل مشکلات دنیوی و تربیتی مردم دارد، چون که امنیت این مناطق سبب می شود که مردم با تمام اختلافاتی که دارند در پناه آن در کنار هم بنشینند و مشکلات و مخاصمات خود را حل کنند، زیرا بسیاری از طرفین نزاع مایلند رفع خصومت کرده و محلی که برای هر دو طرف مقدس و محترم در مرکز امن و امان شناخته شود، پیدا نمی کنند، ولی در اسلام

این مکان پیش بینی شده است. لذا تمام مسلمانان می توانند با استفاده از تقدس و امنیت این مناطق در کنار هم بنشینند و از طریق مذاکرات صریح و دوستانه در این مکان مقدس نزاع را برطرف کنند. لذا، ابراهیم خلیل الرحمن یکی از خواسته های خود را در کنار خانه خدا همین قرار داد و عرضه داشت.

«رب اجعل هذا بلداً آمناً» (1)

ابراهیم بعد از بنای کعبه، امنیت شهر مکه را از خداوند درخواست کرد و عرضه داشت: خداوند این سرزمین را امن و امان قرار ده و خداوند هم دعای ابراهیم را اجابت کرد و آن را یک مرکز امن قرار داد.

ص: 236

امانخانه ای که از هر جهت باید احترام آن نگه داشته شود و هر کس در صدد ویران کردن این خانه برآید در ردیف قتل پیامبر صلی الله علیه و اله و امام معصوم علیه السلام قرار گرفته و کسی که عمداً به این امانخانه هتک حرمت نماید، محکوم به اعدام خواهد شد. آن قدر این خانه محترم است که از دورترین نقاط جهان نمی شود به هنگام تخلیه به طرف او استقبال و استدبار داشته باشد، امانخانه ای و پناهگاهی که مسلمین در آن می توانند همه کارهای اجتماعی، مادی و معنوی متعلق به جامعه خود را سامان بخشند.

«جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس» (1).

خداوند کعبه را وسیله سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«جعل الله قياماً لدينهم و معاشهم» (2).

خداوند خانه خود را وسیله سامان بخشیدن به امور دین و دنیای مردم قرار داده است. حضور حداقل یک بار در طول عمر در این امانخانه و تشکیل کنگره حج در هر سال یک نوعی آموزش تعلیم عمومی امنیت به مسلمین جهان است، تا برای همه ایام سال در طول زندگی الگوی عملی به شمار آید.

مساجد ملجأ مردم

نخستین عمل پیامبر اعظم بعد از هجرت از مکه به مدینه، ساخت مسجد بوده است. این اندیشه و سیره پیامبر دلیل بر آن است که در فرهنگ دینی و حکومت نبوی، مسجد جنبه محوری دارد و سایر مسائل باید در حول مسجد شکل بگیرد. با تأسیس مسجد پیامبر در مدینه استفاده از مساجد در قالب مأمّن و ملجأ و مرجع معمول شد.

با نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام درمی یابیم که مسجد النبوی علاوه بر این که مرکز سازماندهی و برنامه ریزی و کانون فعالیت های عبادی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی - سیاسی

ص: 237

1- . مائده: 97 .

2- . بحار الانوار: ج 96، ص 65 .

و اقتصادی محسوب می شد، ملجأ و مأمن مردم هم به شمار می رفت. از هنگامی که پیامبر اسلام مسجد النبی را بنا نهاد، همواره آنان که مورد تعدی و ستم قرار می گرفتند به مسجد پناه می آوردند، داد مظلومان در مسجد ستانده می شد، خصومت ها در مسجد حل و فصل می شد و مردم غالباً در هنگام مصائب نظامی و بلاهای طبیعی به مسجد پناه می بردند. در خشکسالی، بلا، طاعون، برای دعا و طلب کمک از خدا به مساجد پناه می آوردند و زنان نازا در طلب معجزه

به بعضی از مساجد رو می آوردند. مراسم تشییع و نماز میت و مراسم بزرگداشت ها در مساجد برگزار می کردند بدین سان مسجد را ملجأ و مأوی و مأمن خود می دانستند.

کارکرد خدماتی و امدادی مساجد و رسیدگی مادی و معنوی به افراد بی بضاعت و فقرا به شکل فعال از دیگر مصادیق ملجأ بودن مساجد است.

مسجد از صدر اسلام تاکنون محل رفع مشکلات فردی و اجتماعی مردم بوده و از زمان های گذشته افراد بی پناه و کسانی که به نوعی مشکلات شخصی و اجتماعی داشتند، به این مکان مقدس مراجعه می کردند. در سیره حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و اله می خوانیم که مؤمنان برای رفع نیازشان در مسجد النبی صلی الله علیه و اله به حضرت روی می آوردند.

گروهی از مستمندان مسلمان در مسجد زندگی می کردند و از کمک های مالی پیامبر و دیگر مسلمانان بهره مند می شدند. این گروه قریب به چهل تن را تشکیل می دادند و به دستور

آن حضرت در بخشی از مسجد که مسقف بود، سکنا گزیده بودند.

در طبقات ابن سعد آمده که شبها رسول خدا «اصحاب صفه» را فرا می خواند و هرچند تن از ایشان را برای صرف شام به منزل یکی از انصار می فرستاد و گروهی را نیز به منزل خود می برد و از آنان پذیرایی می نمود. (1)

لذا مساجد جایگاه و پناهگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در راستای رفع نارسایی های اجتماعی محسوب می شد.

امام رضا علیه السلام در بیانی نورانی از جمله فواید سازنده نماز جماعت را در مسجد، همکاری

ص: 238

1- . الطبقات الكبرى: ج 1 ، ص 225 به نقل از آیین مسجد: ج 2 ، ص 104.

و تعاون مسلمانان برشمرده است. (1)

مساجد عموماً محلی جهت جمع آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدام برای تسهیل در امر ازدواج، برنامه ریزی برای عیادت و سرکشی از بیماران بوده است.

از طرف دیگر مسجد پناهگاه و جایگاه غریبان و بی پناهان و دورافتادگان از وطن است، هرکس در دیار غربت، مسجد برایش محلی آشناست و خود را در آنجا سربار فردی نمی داند، در حقیقت مسجد پناهگاهی برای مستمندان و غریبان بود. در همان صدر اسلام، مسلمانانی که به مدینه می آمدند، جا و مکانی برای مستمندان و غریبان اختصاص می دادند که «صفه» نامیدند، بعداً این فرهنگ در میان مسلمانان در همه سرزمین ها گسترش یافت که غریبان حق دارند که در مساجد سکنا گزینند و مسافران به محض ورود به شهری، به سوی مساجد جامع آن شهر می رفتند و بی محابا وارد آن می شدند و در آنجا مانند منزل خود آسوده بودند.

«جرجی زیدان» نویسنده مسیحی عرب می گوید:

«مساجد مسلمانان، مرکز اجتماع و پناهگاه غریبان و بیماران است». (2)

از طرف دیگر مسجد پناهگاه و ملجأ برای رفع اضطراب و نگرانی افراد است. عمده بیماری و نگرانی های جامعه را بیماری های روانی و عوارض ناشی از آن تشکیل می دهد.

سلامت روح و روان از اهمیت بیشتری در قیاس با جسم برخوردار است و مسجد محلی برای رفع این گونه نگرانی ها و مداوای امراض روحی و روانی به شمار می رود. این آرامش روحی متأثر از محیط معنوی مسجد است.

امام صادق علیه السلام به مسلمانان سفارش کرده است که به هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه های دنیوی به نماز و مسجد پناه ببرند. (3)

«شیخ الرئیس ابوعلی سینا» می گوید:

ص: 239

1- . وسائل الشیعه: ج 5، ص 372 .

2- . هزار و یک نکته درباره نماز: ص 97 .

3- . وسائل الشیعه.

«هر زمان برایم مشکل علمی پیش می آمد و از حل آن عاجز می شدم به مسجد شهر پناه می بردم و مشکلم را حل می کردم».(1)

بلایای طبیعی یا حوادث غیرمترقب از جمله پدیده هایی است که هر چند گاهی بروز و ظهور پیدا می کند. بروز چنین حوادثی رعب و وحشتی در اجتماع پدید می آورد. وضعیتی فقط ایمان به خدا و یادآوری نام خدا قلب های مضطرب و پریشان را آرامش و اطمینان می بخشد و انسان ها را به آینده امیدوار می سازد.

مسجد که همواره نام و یاد خدا در آن ساری و جاری است، برای مسلمانان در هنگام وقوع این گونه حوادث داروی آرام بخشی خواهد بود، و از سوی ائمه معصومین علیهم السلام پناه بردن به مسجد در این مواقع سفارش شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان الزلزال و الريح الهائله من علامات الساعه فاذا ارایتم شیئا من ذلك فتذكروا قیام القیامه و افزعوا الی مساجدکم».(2)

زمین لرزه ها و گرفتن ماه و خورشید و بادهای سخت از نشانه های قیامت است، هنگامی که چیزی از آنها را مشاهده کردید به یاد قیامت بیفتید و به مسجد های خود پناه ببرید. امام صادق علیه السلام در بیان نورانی دیگر فرمود:

«در خانه خود محلی به عنوان مسجد قرار دهید و هرگاه از چیزی ترس و خطری احساس کردید دو رکعت نماز بخوانید... و به آن پناه ببرید».

مردم غالباً در هنگام مصایب و بلاهای طبیعی به مسجد پناه می برند، در گذشته هم معمولاً خطرهای قریب الوقوع، ابتدا در مسجد اصلی شهر اعلام می شد.

امام باقر علیه السلام نیز مسجد را در قالب پناهگاهی برای هنگام بروز حوادث و وقایع هولناک طبیعی ذکر کرد و فرمود: هنگامی که خسوف و کسوف رخ می دهد به سوی مساجد خویش

ص: 240

1- هزار و یک نکته درباره نماز.

2- امالی صدوق: ص 465.

بشتابید(1) و سرانجام پیامبر اعظم در بیانی به ملجأ و مأمن بودن مساجد اشاره و فرمود:

«إذا انزلت العاهات والافات عوفى اهل مسجد».

«به هنگام نزول بلاها و آفات اهل مسجد در امانند».

پس مساجد در کارکردهای گوناگون عبادی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، خدماتی، امدادی، روانی، درمانی و غیره ملجأ و مأمن و مرجع مردم بوده و خواهد بود.

مساجد و انقلاب اسلامی

مساجد در ایران اسلامی در همه مراحل انقلاب همواره ملجأ و مأمن و مرجع مردم و مسئولان بوده است.

خدمات شایان توجه مساجد چه در آستانه انقلاب که به عنوان پایگاه های عظیم انقلاب در ساماندهی راه پیمایی و تظاهرات و سازماندهی نیروهای انقلاب و روشن گری ائمه جماعات و اطلاع رسانی به موقع بر کسی پوشیده نیست که نمونه بارز آن تحصن علما و روحانیت مبارز از جمله شهید مطهری و دیگران در مسجد دانشگاه بوده است.

بعد از پیروزی انقلاب هم با توجه به فروپاشی نظام شاهنشاهی، تقریباً همه کار در مساجد انجام می گرفت و کمیته های انقلاب از دل مساجد جوشید و خدمات شایانی را به انقلاب نمود. در زمان هشت سال دفاع مقدس، هم در قسمت اعزام نیرو، و هم پشتیبانی، و هم برگزاری مجالس دعا و بزرگداشت شهدا خدمات چشم گیری عرضه شده است. در زمان سازندگی و امداد رسانی به مردم آسیب دیده، نظیر زلزله و سیل و بازسازی مناطق جنگی و برگزاری انتخابات هم مساجد نقش اصلی داشته اند و در یک کلمه مساجد پایگاه اصلی انقلاب و مرجع و ملجأ مردم و مسئولان بوده است.

سؤال اساسی این است که آیا انقلاب و انقلابیون و مسئولان که از مساجد برخوردار بوده و از صندوق مساجد رأی گرفته اند، چه میزان به مساجد خدمت کرده اند؟

ص: 241

آیا پس از ربع قرن پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه و پیشرفت در محورهای گوناگون کشور چنین احساس نمی شود که پایگاه اصلی انقلاب، یعنی مساجد، مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است؟ نظام اسلامی و قوای سه گانه و کارگزاران نظام چه میزان حق مساجد را ادا کرده اند؟ با آن که مساجد برخلاف کلیسا همزاد با حکومت است و خدمات فراوانی به حکومت اسلامی نموده است، باید اعتراف کرد که علی رغم پیشرفت های مهم در بخش های دیگر نظام، در بخش فرهنگ بی مهری شده است.

برای تأمین آب و برق 90 درصد روستاها برنامه ریزی شده، اما برای 90 درصد روستاهای فاقد امام جماعت فکری نشده است.

برای بهداشت روستاها با احداث خانه بهداشت چاره اندیشی گردیده اما برای بهداشت روح و روان کاری انجام نگرفته است.

برای نظارت بر هتل ها و اماکن عمومی برنامه ریزی شده اما برای هشتاد هزار مسجد و حسینیه هیچ گونه تدبیری به عمل نیامده است.

برای ساخت و ساز بیمارستان ها، سینماها، دانشگاه ها، پارک ها و دیگر مراکز عمومی سیاست گذاری و درصد سرانه پیش بینی گردیده اما برای ساخت و ساز مساجد و اماکن مذهبی به ویژه در شهرک های تازه تأسیس تدبیری اتخاذ نگردیده است.

برای تأمین تخصص های مورد نیاز جامعه که مربوط به جنبه های مادی انسان است، چندین نوع دانشگاه و دانشکده تأسیس و صدها رشته در زمینه آب و خاک و هوا و راه و معدن و ماهی و دام و دانه، ده ها مرکز تربیت مدرس و تکنسین و حقوقدان، ماما و پرستار، نقاش و گرافیک و نظایر آن احداث شده اما برای تربیت امام جماعت و مبلغ دینی و خدام و هیئت امنای مساجد برنامه ریزی نشده است.

دولت برای نظارت بر چند هزار هتل و اماکن عمومی برنامه ریزی و بودجه گذاشته اما هشتاد هزار مسجد و حسینیه را به حال خود رها نموده است.

راستی رسالت نظام مقدس جمهوری اسلامی با توجه به مکتبی بودن نظام در قبال مساجد و مسجدیون و تعمیق باورهای دینی و تربیت ائمه جماعات و پشتیبانی از مساجد و نظارت بر آنها چیست؟

از جمله نقاط قوت ایران اسلامی، برخورداری از 57،000 مسجد است که اگر متراژ آنها به طور متوسط پانصد متر مربع باشد، قریب به سی میلیون متر مربع فضای مناسب در کشور می شود که متأسفانه به علت نبود برنامه ریزی جامع و فقدان توجه مناسب، بهره بسیار کمی از این اماکن برده می شود تعدادی از مساجد تعطیل یا نیمه فعال است و از ظرفیت موجود مساجد استفاده بهینه نمی شود.

آیا واقعا جای تأسف نیست که ترکیه لائیک که نصف وسعت ایران و کمتر از جمعیت ایران است، در مسجد سازی حرف آخر را بزند و 90،000 مسجد داشته باشد، اما مساجد جمهوری اسلامی نظام جمهوری اسلامی، هم از جهت کمی و هم کیفی پایین تر از آن کشور باشد؟ حال آن که ایران اسلامی به عنوان ام القرای جهان اسلام علاوه بر ساماندهی مساجد در

داخل باید از وجود امکان بالقوه ساماندهی مساجد به عنوان ساختار جهانی امت اسلامی استفاده کند و با بهره برداری از امکانات مادی و معنوی مساجد جهان اسلام برای ایجاد وحدت بیشتر مسلمین بسیج نماید.

نمازگزاران و خدمت گزاران مساجد از دولت و مجلس اصول گرا انتظار دارند که ضمن جبران کاستی های گذشته دین خود را به مسجد و مسجدیون ادا نمایند.

- 1- قرآن کریم.
- 2- فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، مؤسسه الاعلمی - بیروت.
- 3- جویزی، عروسی، تفسیر نورالثقلین، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
- 4- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- 5- آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، داراحیا التراث العربی، بیروت.
- 6- صادقی، محمد، تفسیر فرقان، انتشارات فرهنگ اسلامی، تهران 1410 هـ-ق.
- 7- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، داراحیا التراث العربی، بیروت 1403 .
- 8- حرعاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم 1409 هـ-ق.
- 9- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1408 هـ-ق.
- 10 - خمینی قدس سره، روح الله، تحریر الوسيله.
- 11 - راغب اصفهانی، المفردات، دارالمعرفه، بیروت.
- 12 - موظف رستمی، محمدعلی، آئین مسجد، انتشارات گویا، تهران، 1382 .
- 13 - دیلمی، حسین، هزار و یک نکته درباره نماز، نمایندگی ولی فقیه در بسیج ادارات، تهران، 1376 .
- 14 - میقات حج، معاونت بعثه مقام معظم رهبری در حج و زیارت.

اشاره

پیش‌گفتار

مساجد در طول تاریخ، به عنوان مهم‌ترین کانون و مرکز فعالیت‌های مسلمانان، علاوه بر جنبه عبادی‌اش، در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و نظامی حضوری پررنگ و مؤثر داشته است. دشمنان اسلام نیز با شناختی که از جایگاه مسجد و تأثیر آن در بین مسلمانان داشته‌اند، همواره سعی کرده‌اند مساجد را به تعطیلی بکشانند و از حضور پرشور و تأثیر آنها در بین مسلمانان بکاهند. بدین روی امروزه بسیاری از مساجد، که باید مهم‌ترین نقش را در تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی داشته باشند، و مرکزی برای جذب جوانان و نوجوان باشند، متأسفانه عملاً آن گونه که باید فعالیت ندارند.

پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد می‌توانند در موقعیت کنونی، نقش کلیدی و مهمی در احیای مساجد داشته باشند. فعالیت این نهاد مقدس نباید مغایر با شأن مسجد دانست؛ زیرا فعالیت‌های نظامی و فرهنگی پایگاه‌های بسیج در مساجد ریشه در صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله دارد. این نهاد مقدس در تاریخ 5/9/1358 به فرمان امام خمینی قدس سره مبنی بر تشکیل ارتش 20 میلیونی در کشور تأسیس شد.

بسیج نهادی است که متناسب با شرایط زمانی و مکانی خاص، بستری برای خدمت‌رسانی داوطلبانه به جامعه فراهم می‌سازد. از این رو، بسیجی با دید بالا و روشن خود، در شرایط زمانی خاص، نیازها و کمبودهایی را که در جامعه هست، شناسایی کرده، برای تأمین آنها

به صورت خودجوش و با خلوص نیت اقدام می‌کند. با این وصف، می‌توان بسیج را دارای دو ویژگی مهم دانست:

اول. انگیزه اعتقادی قوی برای خدمت به جامعه همراه با خلوص نیت و بدون چشم داشت مادی؛

دوم. بصیرت و نگاه عمیق به مسائل جامعه برای شناسایی کمبودها و نیازهای آن.

به دلیل آنکه پایگاه مقاومت بسیج مسجد می‌تواند بیشترین ارتباط را با جوانان و نوجوانان داشته باشد، می‌تواند با برنامه ریزی دقیق و انجام فعالیت‌های متنوع، نقش بسزایی

در جذب این سرمایه‌های کشور داشته باشد و با تربیت جوانانی متعهد و وفادار به اسلام و انقلاب، به عنوان یک مرکز فرهنگی موفق در مقابله با تهاجم دشمن عمل کند.

در این مقاله، سعی شده است مهم‌ترین فعالیت‌های پایگاه مقاومت بسیج در زمینه‌های نظامی، آموزشی و فرهنگی معرفی و مورد بررسی قرار گیرد و در حد امکان، با استفاده از سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله مطالب مفیدی ارائه گردد.

کارکرد نظامی پایگاه مقاومت بسیج در مسجد

اشاره

طی جنگ‌های زیادی که در طول تاریخ از صدر اسلام تا به امروز برای مسلمانان به وجود آمده، مساجد به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه اسلامی در این مبارزات ایفای نقش و کارکردهای گوناگونی داشته‌اند.

پیدرس، شرق‌شناس اروپایی، در این زمینه می‌نویسد:

«مسجد در زمان جنگ و صلح، در خدمت جامعه بوده است.

ارتباط مسجد با امور نظامی تا اندازه‌ای متنوع بوده است که - مثلاً - در جنگ احد، وقتی که جنگ پایان یافت، فرماندهان لشکر پیامبر صلی الله علیه و اله شب را در مدینه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله به صبح رساندند. بعد از جنگ جمل، علی بن ابی طالب علیه السلام، پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و اله، غنایم جنگی را به بصره فرستاد

تا در آنجا حفظ و نگه‌داری شود» (1).

ص: 246

«نتیجه جنگ‌ها معمولاً در مساجد اعلام می‌شد، مشورت‌های نظامی در مسجد صورت می‌گرفت، دستورات و فرمان‌های جنگ از طرف فرمانده نظامی یا حاکم در مسجد اعلام می‌شد».⁽¹⁾

بهترین نمونه تاریخی برای فعالیت‌های نظامی در مسجد، وقایع و جنگ‌های صدر اسلام و نقش‌های کلیدی گوناگون مسجد در این زمینه است. در این دوران، مسجد پیامبر به عنوان کانونی گرم و فعال در زمینه مسائل جنگی نقش‌های مهم و کلیدی ایفا می‌کرد و به صورت‌های گوناگون، از سربازان و رزمندگان اسلام حمایت می‌کرد.

در عصر حاضر نیز مسجد می‌تواند در جوامع اسلامی همچون گذشته، چنین نقشی را ایفا کند. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی، شاهد فعالیت‌های پرشور حمایت مسجد و مسجدیان از رزمندگان اسلام بودیم. این حمایت‌ها در قالب‌های و صورت‌های گوناگونی همچون جذب و اعزام نیرو و به سوی جبهه‌ها و حمایت مادی و معنوی از رزمندگان اسلام صورت می‌گرفت و بیشتر این فعالیت‌ها توسط پایگاه‌های بسیج مساجد انجام می‌شد. این نشانگر نقش فعال مساجد در زمینه‌های گوناگون مانند مسائل نظامی است، و این نقش منحصر به زمان پیامبر صلی الله علیه و الهو مسجد ایشان نمی‌گردد، بلکه در هر جامعه‌ای که فرهنگ دینی حکم فرما باشد، مسجد می‌تواند چنین نقش مهمی ایفا کند.

در اینجا لازم است به معرفی کارکردهای نظامی مسجد در زمان جنگ و صلح پردازیم که در قالب پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد صورت می‌گیرد، سعی شده است این مطالب با تکیه بر سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله عنوان شود: فعالیت‌های نظامی پایگاه بسیج نمونه در زمان جنگ

1- سازمان دهی و اعزام نیروها به سوی جبهه‌های جنگ

طی جنگ‌هایی که در زمان حیات پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و اله صورت می‌گرفت، از مسجد به عنوان پایگاه و کانون اصلی مسلمانان برای منسجم کردن و اعزام سپاه اسلام به سوی جبهه‌ها استفاده

می شد. با این کار و با بهره گیری از قداست و معنویت خانه خدا و دیگر ویژگی هایی که در مسجد نهفته است، آن حضرت سعی می کرد لشکریان اسلام با انگیزه و روحیه بالا، همراه با توکل به خداوند برای جهاد و دفاع از کیان اسلام رهسپار جبهه های جنگ شوند و این کار زمینه ساز موفقیت و پیروزی در جنگ ها می شد. به دلیل آنکه بیشترین اعزام ها پس از اقامه نماز جماعت صورت می گرفت، موجب می شد از میان جمعیتی که برای اقامه نماز به مسجد آمده اند، نیروهای بسیاری جذب سپاه اسلام شوند و دیگر مسلمانان در پشت جبهه و با دید روشن تر و بازتری به جنگ و مسائل پیرامون آن بنگرند و همچنین لشکریان اسلام را با حمایت های مادی و معنوی خود از پشت جبهه یاری کنند.

در طول دوران جنگ تحمیلی نیز در کشور ما، پایگاه های بسیج مساجد به عنوان بهترین مکان برای جذب و اعزام نیرو به سوی جبهه ها، در منسجم کردن و جلب حمایت های مادی و معنوی مردم در پشت جبهه ها، نقش بسزایی ایفا می کردند.

2 - آموزش نظامی

از مهم ترین نیازهای هر جامعه آمادگی افراد آن جامعه برای محافظت و دفاع از آرمان های آن جامعه برای پایداری در مقابل تهاجمات دشمنان است. جامعه اسلامی نیز برای آنکه از مکتب و آیین ظلم ستیزی برخوردار است، دشمنان فراوانی داشته و هر از گاهی مورد تعرض آنها قرار گرفته است و چون این تعرضات ادامه داشته باشند. از این رو، لازم است تک تک افراد جامعه اسلامی توانایی دفع این تهاجمات را داشته باشند.

ایران اسلامی پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلامی، همواره از سوی دشمنان شرق و غرب تهدید شد. به همین دلیل، امام خمینی قدس سره در این باره فرمودند:

«مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد، و تعلیمات نظامی داشته باشند. باید این طور باشد که یک مملکتی که 20 میلیون جوان دارد، 20 میلیون تفنگدار داشته باشد و 20 میلیون ارتشی داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست»⁽¹⁾.

ص: 248

براساس همین تفکر و بنابر فرمان امام خمینی قدس سره، «بسیج مستضعفان» در سال 1358 تأسیس شد و برای جذب و تکمیل ارتش 20 میلیونی و آموزش نظامی پا به میدان گذاشت که تاکنون نیز فعالیت هایش ادامه دارد. بنابراین، ضروری است تمامی جوانان این مملکت با حضور در پایگاه های بسیج، فنون و اصول نظامی را یاد بگیرند تا در مواقع خطر، بتوانند از اسلام، انقلاب و ملت و کشور خود دفاع کنند.

3 - نگهداری و پاس داری از کیان مسلمانان و حفظ امنیت

یکی از مهم ترین فعالیت های نظامی پایگاه های بسیج مساجد، حفظ امنیت در سطح شهر و یا محله است. این کار با اجرای برنامه های همچون ایست بازرسی و گشت سیار در سطح محل و یا سطح شهر انجام می گیرد.

در زمان حیات پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در مواقعی که مسلمانان از تعرض دشمنان به شهر و کیان خود احساس خطر می کردند، مسجد به عنوان مرکز تجمع و حضور مسلمانان برای محافظت از جان پیامبر صلی الله علیه و اله و حراست و پاسداری از شهر مورد استفاده قرار می گرفت. مسلمانان مسجد را مرکز سامان دهی به این گونه امور قرار می دادند. در جنگ «احد»، وقتی سپاه قریش در اطراف مدینه مستقر شده بود، مسلمانان برای جلوگیری از حمله شبانه دشمن به شهر و حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و اله از تعرض جاسوسان به ایشان، شب را تا صبح به نگهداری و پاسپانی از شهر پرداختند و مرکز و پایگاه خود را مسجد قرار دادند. در این کار، حتی بزرگان مدینه مانند سعد بن عباد،

سعد بن معاذ و سید بن حضیر همراه و دوشادوش دیگر مسلمانان در این امر شرکت داشتند. (1) دیگر نمونه های تاریخی این پاسداری و نگهداری در مسجد را می توان در غزوه «حمرء الأسد» (2) و بسیاری دیگر از جنگ های زمان پیامبر صلی الله علیه و اله شاهد بود.

در اوایل انقلاب، بخصوص از زمان جنگ تحمیلی تا به امروز، مساجد و پایگاه های بسیج مساجد با اجرای برنامه هایی همچون گشت شبانه و ایست بازرسی، در کنار دیگر مراکز

ص: 249

1- . المغازی: ص 152 .

2- . همان: ص 245 - 246 .

امنیتی، به پاس داری و حراست از جان و مال و ناموس مردم پرداخته اند و تا به حال، شاهد اثرات و برکات فراوانی همچون دستگیری مجرمان و منافقان و کشف و ضبط اموال مسروقه، مواد مخدر و مشروبات الکلی و موارد فراوان دیگر بوده ایم که توسط عزیزان مخلص بسیجی انجام شده است.

البته باید در اجرای این برنامه ها، تمامی اصول و قوانین و حریم خصوصی خانواده ها حفظ شود، تا جایی که به امنیت جامعه آسیبی نرسد.

4 - مسجد و فعالیت های اضطراری مربوط به جنگ

پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در بعضی از جنگ ها در خصوص نحوه برخورد و رویارویی با دشمن و برنامه ریزی های مربوط به جنگ، با حفظ و رعایت اصول امنیتی و اطلاعاتی ایشان، در مسجد با اصحاب و یاران خود به بحث و مشورت می پرداختند. برای مثال، در جنگ «احد» و «خندق»، ایشان پس از اطلاع از حمله و حرکت سپاه دشمن، در جمع مردم در باره چگونگی رویارویی با دشمن از آنان نظرخواهی کردند. (1)

همچنین در برخی از جنگ های صدر اسلام، مجروحان را در مسجد مداوا می کردند؛ چنان که تاریخ نویسان در باره جنگ «احد» گفته اند: مردم در مسجد، چراغ و آتش افروخته بودند مجروحان را زخم بندی و مداوا می کردند (2) و یا در مواردی، اسیران جنگی را در مسجد نگه می داشتند. (3)

این نوع فعالیت های نظامی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در مسجد انجام می شد، اما باید متذکر شد که انجام این کارها در آن زمان به خاطر ضرورت بود، و گرنه در مواقع عادی، چنین فعالیت هایی در مسجد جایز نیست؛ زیرا این نوع کارها که مستلزم ریختن خون در

مسجد و یا ورود کفار به مسجد است با شأن و جایگاه مسجد سازگاری ندارد.

ص: 250

1- . همان: ص 180 .

2- . همان: ص 180 .

3- . المبسوط: ج 2، ص 46 و 47 .

از این رخ دادها در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز نمونه هایی را در مسجد جامع شهر خرمشهر می توان ذکر کرد که مسجد به مرکزی برای مبارزان و رزمندگان تبدیل شده بود. و برنامه ریزی برای مقابله با حملات دشمن و پشتیبانی و سازماندهی رزمندگان، مداوای مجروحان و دیگر فعالیت های مربوط به جنگ در آن انجام می شد.

نقش مسجد در جبهه ها و میادین جنگ

اهتمام و وابستگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و یارانش به مسجد تا بدان حد بود که در تمامی جنگ هایی که صورت می گرفت، در اردوگاه های نظامی یا میادین نبرد، برای خود مساجدی بنا می کردند. این مساجد برای راز و نیاز و انجام عبادات مسلمانان با خداوند متعال و در نتیجه، تقویت بنیه

معنوی مبارزان مسلمان بنا می شد. برای نمونه، می توان به مساجد هفت گانه در شمال غربی مدینه - که تاکنون نیز به جای مانده است - اشاره کرده که در جریان جنگ «خندق» برای نماز و نیایش مسلمانان بنا نهاده شد.⁽¹⁾

در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ملت ایران نیز رزمندگان اسلام برای راز و نیاز و عبادات خود، مساجد و مصلاهای متعددی در نقاط گوناگون بنا کردند و در آنجا به تقویت بنیه

معنوی خود می پرداختند، به گونه ای که آنان را به زاهدان شب و شیران بیشه روز تبدیل کرده بود.

متأسفانه بسیاری از این مساجد ناشناخته مانده است. حفظ و نگه داری این مساجد، هم می تواند از لحاظ معنوی برای بازدیدکنندگان مناطق عملیاتی تأثیرگذار باشد و هم سند تاریخی گویای باشد براین واقعیت که ملت مسلمان ایران در اوج جنگ و در بحبوحه دفاع از کشور، هیچ گاه عبادت خداوند و نماز و مسجد را به فراموشی نسپرد و همیشه و در همه حال، با آن مأنوس بود.

فعالیت های نظامی پایگاه بسیج در زمان صلح

اشاره

فعالیت های نظامی پایگاه بسیج را نباید منحصر به زمان جنگ کرد، بلکه در زمان صلح نیز باید

ص: 251

1- . سیمای مسجد: ج 2، ص 207 .

به برخی از فعالیت های خود ادامه دهد. در اینجا، به بیان برخی از فعالیت های نظامی بسیج در زمان صلح می پردازیم.

الف) حفظ و ارتقای آمادگی رزمی بسیجیان

پایگاه های مقاومت بسیج باید همیشه و در همه حال، توان رزمی بسیجیان خود را حفظ کند و در جهت ارتقای آن به طور مداوم، تلاش نماید تا ارتش 20 میلیونی، که پشتوانه انقلاب و کشور در مقابل تهدیدها و تعرض های دشمنان و استکبار جهانی است، همیشه و در همه حال، آماده مقابله و رویارویی با آنان باشد.

بنابراین، پایگاه های مقاومت بسیج باید در طول سال، با برپایی اردوهای رزمی و انجام رزمایش های متعدد، توان رزمی بسیجیان را حفظ کند و با آشنایی آنان با روش ها و ابزار و ادوات جنگی جدید، توان رزمی آنها را ارتقا دهد.

ب) جذب نیرو و تکمیل ارتش بیست میلیونی

از مهم ترین وظایف بسیج در زمان صلح، جذب نیرو از بین اقشار گوناگون جامعه، بخصوص جوانان و نوجوانان است. برای این منظور، پایگاه های مقاومت بسیج باید با ایجاد تنوع و بالا بردن کیفیت فعالیت های آموزشی، فرهنگی، ورزشی و هنری خود، زمینه جذب جوانان و نوجوانان را فراهم کنند و علاوه بر تشکیل ارتش 20 میلیونی در بعد نظامی بتوانند در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن بایستند و در جلوگیری از انحراف جوانان و نوجوانان فعالیت های قابل توجهی از خود به نمایش بگذارند.

ج) اجرای برنامه های امنیتی

یکی از فعالیت های عمده پایگاه های مقاومت بسیج مساجد برقراری امنیت در سطح محل و شهر است. بسیج می تواند با اجرای برنامه هایی همچون گشت در سطح محل و ایست بازرسی، نقش عمده ای در برقراری امنیت داشته باشد.

مساجد در طول تاریخ، مرکزی برای آموزش های فرهنگی، علمی، نظامی بوده است، به گونه ای که نقش آموزشی مسجد پس از جنبه عبادی آن، بیش از هر جنبه دیگری برجسته و نمایان است. محققان در پی پژوهش های علمی و تاریخی به عمل آمده، به این نتیجه رسیده اند که مسجد در اعصار گذشته، مهم ترین مرکز آموزشی در جامعه بوده است.

با دقت در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله می بینیم که ایشان به ابعاد آموزشی مسجد اهتمام و توجه ویژه ای داشتند. رسول اکرم صلی الله علیه و اله علاوه بر اینکه عملاً مسجد را پایگاه آموزشی و فرهنگی خود قرار داده بودند، در روایات فراوانی بر این نقش و عملکرد مسجد نیز تأکید کرده اند. برخی از این روایات عبارت است از:

- نشستن در مسجد برای کسب علم، بیهوده و لغو نیست:

«یا اباذر، کُلْ جُلُوسَ فِی الْمَسْجِدِ لَعُوَ الْاَثَلَاثَ: قَرَأَته مِصْلًا، او ذِکْرَ اللّٰهِ تَعَالٰی، او سَأَلَ عَنِ الْعِلْمِ» (1).

«ای ابوذر! هر نشستن و اقامتی در مسجد بیهوده است، مگر سه نوع اقامت:

اشتغال به خواندن نماز، اشتغال به ذکر خداوند، یا به دنبال کسب علم بودن» - کسب علم در مسجد برتر از عبادت خداوند است:

«خَرَجَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلی اللّٰهِ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاَسْرَاطِهِ سَلامًا فِی الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ: مَجْلِسٌ یَتَفَقَّهُونَ وِ مَجْلِسٌ یَدْعُونَ اللّٰهَ تَعَالٰی وِ یَسْأَلُوْنَه. فَقَالَ: کَلَّا الْمَجْلِسِیْنَ اِلَی الْخَیْرِ؛ اَمَّا هٰؤُلَاءِ فِیْدَعُونَ

اللّٰهَ وَاَمَّا هٰؤُلَاءِ فِیْتَعْلَمُوْنَ وِ یَتَفَقَّهُونَ الْجَاهِلِ هٰؤُلَاءِ اَفْضَلُ؛ بِالْتَعْلِیْمِ اَرْسَلْتُ، ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ» (2).

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وارد مسجد شدند. در مسجد دو گروه نشسته بودند: گروهی مشغول کسب علم و گروهی مشغول دعا و ذکر خداوند. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: هر دو مجلس در راه خیرند. آن گروه خداوند را می خوانند و او را ذکر می کنند و آن گروه علم می آموزند و جاهلان را

ص: 253

1- وسائل الشیعه: ج 3، ص 86.

2- منیه المرید: ص 106.

آگاه می‌کنند. این گروه (جویندگان علم) بر دیگری برتر است؛ من برای تعلیم به مردم فرستاده شده‌ام. سپس در گروه علمی آنان شرکت کرد.

امروزه نیز با وجود گسترش مراکز آموزشی و فرهنگی، باید همچنان بر شکوفا کردن ابعاد آموزشی مسجد، پافشاری و اهتمام بورزیم و از آنجا که بسیاری از مردم بیشتر معلومات دینی خود را در مساجد یاد می‌گیرند، می‌توانیم با احیای کارکرد آموزشی مساجد، تأثیر فراوانی در بالا بردن سطح معلومات دینی مردم، بخصوص جوانان داشته باشیم.

به دلیل آنکه پایگاه‌های بسیج مساجد ارتباط ویژه‌ای با مسجدیان و بخصوص جوانان دارند، می‌توانند از مهم‌ترین مراکز باشند که کارکرد آموزشی مساجد را احیا می‌کنند و به بهترین شکل ممکن از آن استفاده می‌نمایند.

در این بخش، ابعاد گوناگون کارکرد آموزشی مسجد و نقش پایگاه‌های مقاومت بسیج را در پر رونق کردن مساجد و احیای این سنت نبوی با تکیه بر سیره آن حضرت مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) تشکیل کلاس‌های آموزشی

با مطالعه سیره نبوی، در می‌یابیم که ایشان در اوقات گوناگون، کلاس‌های آموزشی در جهت ارتقای سطح علمی و دینی برای مسلمانان در مسجد برگزار می‌کردند و مسائل گوناگونی را در زمینه مباحث فقهی، اعتقادی، آموزش قرآن و مسائل تاریخی در این کلاس‌ها به مسلمانان آموزش می‌دادند. در موارد زیادی، اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز کلاس‌های آموزشی را در مساجد برقرار می‌کردند. برای نمونه، می‌توان به حضرت علی علیه السلام، عبدالله بن رواحه، ابو عبید، معاذ بن جبل، ابان بن سعید و جابر بن عبدالله اشاره کرد.⁽¹⁾

این فعالیت‌ها منحصر در مسجد پیامبر نبود، بلکه در دیگر مساجد نیز تحت نظر ایشان و افرادی که از سوی آن حضرت مأمور این کار بودند، انجام می‌شد. در این زمینه - به عنوان مثال - مسجد «قبا» مورد توجه خاص پیامبر صلی الله علیه و اله بود و همچنین می‌توان به مساجد قبایل و سرزمین‌های

ص: 254

1- . سیمای مسجد: ص 105 و 106 به نقل از: نظام الحکومه النبویه، عبدالحی الکتانی.

دیگر مانند مسجد «معاذ بن جبل» در یمن (1) اشاره کرد.

امروزه نیز پایگاه های مقاومت بسیج می توانند با تشکیل کلاس های آموزشی در بالا بردن سطح علمی بسیجیان مفید باشند. این کلاس ها در دو زمینه می توانند دایر شوند:

1 - کلاس های آموزشی در زمینه معارف دینی و تربیتی؛

2 - کلاس های کمک آموزشی در زمینه امور تحصیلی بسیجیان.

برگزاری کلاس های معارف دینی و تربیتی برای بسیجیان و دیگر مسجدیان، با استفاده از معلومات علمی امام جماعت یا افراد آگاه دیگر، می تواند نقش عمده ای در بالا بردن سطح معلومات دینی بسیجیان و جوانان با توجه به نیاز و خلاء علمی آنان داشته باشد. تشکیل چنین کلاس هایی موجب می شود نیروهای بسیجی، نیروهای مکتبی و متعهد به مبانی دین مبین اسلام تربیت شوند و از هیچ گونه خدمتی در این راه مضایقه نمایند.

در حال حاضر، تعداد زیادی از بسیجیان کشور را دانش آموزان تشکیل می دهند. پایگاه های مقاومت بسیج می تواند در جهت جذب دایم دانش آموزان به مسجد و بسیج، کلاس های کمک آموزشی را در زمینه امور تحصیلی و ارتقای سطح علمی آنان تشکیل دهد. با توجه به چنین ضرورتی تاکنون پایگاه های فراوانی در سراسر کشور برای این منظور تشکیل شده است. طبق آمار منتشر شده و با توجه به فعالیت هایی که در این زمینه صورت گرفته است شصت درصد از برندگان المپیاد های علمی را دانش آموزان بسیجی تشکیل می دهند. (2) تشکیل چنین کلاس هایی علاوه بر جذب جوانان و نوجوانان به مسجد و بسیج، موجب می شود دانش آموزان و جوانان بسیجی افراد فرهیخته و ممتاز جامعه را تشکیل دهند و در آینده، بتوانند با تخصص و تعهدی که دارند، نقش مهمی در پیشرفت و آبادانی کشور ایفا کنند.

(ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ

در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله، جلساتی در مسجد برگزار می شد تا مسلمانان بتوانند پرسش های

ص: 255

1- مقاله: کارکرد آموزشی مسجد در زمان پیامبر صلی الله علیه و اله .

2- مجله جوان، شماره 24، شهریور 1383 .

علمی، سؤالات و شبهات ذهنی خود را از پیامبر صلی الله علیه و اله پرسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله نیز با گشاده رویی و بیان فضایل و پاداش فراگیری علم، آنان را به این امر تشویق می نمودند.

در متون روایی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و اله پس از بجا آوردن نماز صبح، در کنار ستون «توبه» می نشستند و در حضور نمازگزاران تا طلوع صبح به بحث و گفت و گو می پرداختند.

پایگاه های مقاومت بسیج نیز می توانند با برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد و با دعوت از صاحب نظران و علما و هر کسی که توان علمی پاسخ گویی به سؤالات ذهنی اهل مسجد را داشته باشند، هم در جهت بالا بردن سطح علمی بسیجیان و هم حلّ شبهاتی که از سوی دشمنان و بعضی روشن فکران منحرف مطرح شده و سؤالات مختلفی را در اذهان جوانان به وجود آورده است، گام مهمی بردارند.

نکته ای که در برگزاری این جلسات باید رعایت کرد این است که این جلسات لازم است به صورت تخصصی برگزار شود و می توان با برنامه ریزی و انجام تبلیغات و دعوت از مدارس و دانشگاه ها، جلسات با شکوهی را در مساجد برگزار کرد که این حرکت در جذب جوانان به مساجد نیز بسیار مؤثر خواهد بود.

(ج) برگزاری مناظرات علمی در مسجد

با مطالعه تاریخ صدر اسلام، می بینیم که یکی از مهم ترین و پرشورترین برنامه هایی که در مسجد برگزار می شد مناظرات علمی و ادبی پیامبر صلی الله علیه و اله با سایر مکاتب و دیگر گروه ها بود. دلیل آنکه این جلسات به صورت عمومی و در مسجد برگزار می شد، علاوه بر جنبه سیاسی آن، آشنایی مسلمانان با مکاتب و افکار دیگر گروه ها بود. تا نسبت به باطل بودن آنها یقین پیدا کنند و نیز طریقه پاسخ گویی به این شبهات و عقاید را یاد بگیرند و با این کار، مسلمانان و غیر مسلمانان شاهد برتری مکتب اسلام بر دیگر مکاتب و گروه ها باشند. از جمله گفت و گوها و مناظرات می توان به مناظرات ذیل اشاره کرد:

1 - هیأت نمایندگان ثقیف؛ (1)

ص: 256

1- . المغازی: ص 742 - 746 .

2 - نمایندگان مسیحیان نجران؛(1)

3. هیأت نمایندگان بنی تمیم.(2)

در شرایط کنونی، برگزاری مناظرات علمی در مساجد بین تفکرات مختلف و مکاتب گوناگون فکری، علاوه بر راهگشا بودن برای جوانان در انتخاب مسیر درست موجب رونق و احیای مساجد نیز می شود و پایگاه های مقاومت بسیج این توان را دارند که چنین جلساتی را با نظم و کنترل صحیح در مساجد برگزار کنند.

یکی از مهم ترین بخش های تشکیلات بسیج که می تواند تا حد زیادی در این زمینه مفید باشد، بخش بسیج دانشجویی است که می تواند جلسات مناظره ای را (حتی الامکان در مسجد دانشگاه یا مساجد شهر) با دعوت از متفکران و استادان خبره و متعهد و توانا، که قدرت مناظره

با دیگر تفکرات و جواب گویی به شبهات آنها را داشته باشند، برگزار کند. این نوع مراسم با رعایت نظم و احترام به طرف مقابل، می تواند برای نسل جوان فواید بسیاری در پی داشته باشد.

کتاب خانه پایگاه بسیج مسجد

تشکیل کتاب خانه در مسجد یکی از فعالیت های جانبی مسجد است که از زمان های خیلی دور، در مساجد کشورهای اسلامی مرسوم بوده است و تاکنون نیز ادامه دارد. این کار تأثیر فراوانی در بالا بردن سطح علمی نمازگزاران و مسلمانان داشته است.

پایگاه مقاومت بسیج در مسجد، به علت اینکه تشکّل از بافت جوان است، می تواند با تشکیل کتاب خانه در مسجد و انجام کارهای مربوط به آن تأثیر فراوانی در ترویج فرهنگ کتاب خوانی در بین جوانان و نوجوانان داشته باشد و سطح معلومات آنها را بالا ببرد.

برای محلّ کتاب خانه و سالن مطالعه، نباید از فضای اصلی مسجد استفاده کرد؛ چون از لحاظ شرعی مشکل دارد.(3) بنابراین، ضروری است که در کنار مسجد، محلی برای کتاب خانه و سالن مطالعه در نظر گرفته شود.

ص: 257

1- . السیره النبویه: ج 2، ص 222 - 223 .

2- . المغازی: ص 771 .

3- . استفتائات: ج 2، ص 257، س 55 و 57 .

یکی از فعالیت های پایگاه مقاومت بسیج در جهت پر کردن اوقات فراغت بسیجیان و همچنین در جهت رشد علمی و فرهنگی بسیجیان، تأسیس نوارخانه است. نوارخانه بسیج می تواند نوارهای ویدئویی و صوتی در زمینه های علمی، آموزشی، موسیقی، مداحی و سخنرانی را در اختیار بسیجیان قرار دهد. به دلیل آنکه بسیاری از جوانان و نوجوانان بسیجی به کتاب و کتاب خوانی علاقه فراوانی ندارد، از این رو، می توان از طریق نوارخانه، اطلاعات خوبی در اختیار آنان قرار داد و بنیه علمی - آموزشی آنان را تقویت کرد.

فعالیت های فرهنگی پایگاه مقاومت بسیج مسجد

اشاره

امروزه که دشمنان اسلام در تلاشند با هر وسیله ای نوجوانان و جوانان مسلمان را از مسیر دین داری و از دین اسلام دور کنند و در این راه، بودجه های کلانی را اختصاص داده و از تمامی وسایل و ابزار تبلیغی با روش های جدید و کارآمد استفاده می کنند تا جوانان و نوجوانان را دچار بی هویتی کرده، آنها را ناسازگار با دین و دین داری تربیت کنند، مساجد که اولین و مهم ترین مرکز فرهنگی و ترویج اندیشه های اسلام بوده است می توانند نقش مهمی در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن ایفا کنند.

مساجد باید علاوه بر حفظ شیوه های قدیمی و سنتی تبلیغ همچون برگزاری مجالس وعظ و خطابه، از روش ها و مسایل تبلیغی جدید و نوین نیز استفاده کنند تا زمینه جذب بیشتر جوانان و نوجوانان را به مسجد فراهم آورند.

با توجه به اینکه پایگاه های مقاومت بسیج مساجد دارای مخاطبان زیادی از قشر جوان و نوجوان است، می توانند با اجرای برنامه های فرهنگی، ورزشی، هنری نقش عمده ای را در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن ایفا کنند.

غالباً جوانان از محیط های خشک و رسمی راضی نیستند و از آن استقبال نمی کنند و بیشتر به دنبال محیط ها و مکان هایی هستند که آزاد بوده و از نشاط کافی برخوردار باشند.

بنابراین، پایگاه های مقاومت بسیج باید در برنامه های خود، از تنوع و نشاط کافی برخوردار

باشند تا با جذب جوانان و نوجوانان فعال و پرشور بتوانند هرچه بیشتر در اهداف خود موفق و پیروز باشند.

یکی از مهم ترین کارهایی که پایگاه مقاومت بسیج مسجد می تواند در زمینه کارهای فرهنگی و آموزشی انجام دهد تا بتوانند به وسیله آن، در کارهایش موفق تر عمل کند،

تأسیس کانون بسیج است تا اعضا بتوانند فعالیت هایی را در زمینه های آموزشی، فرهنگی، ورزشی و هنری انجام دهند.

نکته مهمی که در این زمینه باید رعایت شود ساخت مکانی مستقل در کنار مسجد برای چنین فعالیت هایی است؛ زیرا به دلیل گستردگی و تنوع فعالیت های فرهنگی و آموزشی، شبستان مسجد، که محل عبادت نمازگزاران است، نمی تواند جواب گوی این گونه فعالیت ها باشد. بنابراین، باید مکانی جدا، در کنار مسجد با دارا بودن کلاس ها و فضاهای مفید برای این منظور ساخته شود.

1 - ترویج فرهنگ جهاد و شهادت

جامعه اسلامی اگر بخواهد که تمام احکام و دستورات دینی خود عمل کند و شاهد توسعه دین داری در بین مردم باشد، در مواقع خاصی بدون نیاز به دو اصل «جهاد» و «شهادت» نمی تواند موفق باشد، زیرا عمل به اسلام و توسعه دین داری در بین مردم، همیشه موافق جبهه کفر و شرک نیست و در مواردی حتی با مخالفت آنها روبه رو می شود. در اینجا است که با تمسک به دو اصل مزبور، می توان پیروزی را برای اسلام به ارمغان آورد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در دوران رسالت خویش، با شیوه های گوناگونی به تقویت و بیان ارزش و جایگاه جهاد و شهادت می پرداختند. ایشان از پایگاه مسجد برای این منظور به خوبی استفاده می کردند و به شیوه های گوناگون مانند سخنرانی در باره جایگاه والای شهیدان در بهشت و جهان آخرت، فرهنگ سرخ شهادت را ترویج می نمودند. برای مثال، در جنگ «موتّه» پس از شهادت سرداران اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بر منبر رفتند و به زیبایی جایگاه شهیدان جنگ «موتّه» را برای

مردم بیان کردند،⁽¹⁾ به گونه ای همه مسلمانان پس از شناخت شأن و جایگاه شهید نزد خداوند متعال، مشتاق این فیض عظیم و والای الهی می شدند و آرزوی شهادت می کردند.

از دیگر فعالیت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در راستای ارج نهادن به مقام شهید و دیدار ایشان و اهل مسجد با خانواده های شهدا بود. ایشان گاهی همراه با دیگر مؤمنان از مسجد به دیدار خانواده های شهدا می رفتند و از آنان تققد به عمل می آوردند و در جهت حل مشکلات شان تلاش می کردند؛ همانند سرکشی و دیدار پیامبر صلی الله علیه و اله و گروهی از اصحاب ایشان از خانواده سعد بن ربیع که در جنگ «احد» به شهادت رسیده بود. پیامبر صلی الله علیه و اله پس از اقامه نماز صبح، به همراه بعضی از اصحاب؛ از مسجد به سوی خانه سعد رفتند و در آنجا به ذکر فضایل سعد و نحوه شهادت او پرداختند و بعد از دل جوایی از خانواده او، مشکلات خانواده سعد را حل نمودند.

این سیره نبوی حاکی از ارزشمندی و بزرگی جایگاه جهاد و شهادت است؛ چنان که آن گونه در بین مسلمانان نفوذ کرده بود که، اگر کسی از جنگ و جهاد رویگردان می شد و یا عقب نشینی می کرد به سختی مورد عتاب مردم و خانواده اش قرار می گرفت. در تاریخ صدر اسلام می بینیم که مردم در مقابل افرادی که از جنگ «موتة» عقب نشینی کرده بودند و یا گروهی که از جنگ «احد» سرباز زده بودند، واکنش هایی تحقیر آمیز انجام دادند و این بیانگر عشق مردم به فرهنگ سرخ «جهاد و شهادت» در راه خداست.

پایگاه مقاومت بسیج مسجد باید در زمینه ترویج و بیان جایگاه فرهنگ سرخ جهاد و شهادت در راه خدا و ترویج فرهنگ و ارزش های دفاع مقدس که همان فرهنگ ایثار و فداکاری در راه دفاع از اسلام و مسلمانان و حفظ تمامیت ارضی و نگرهبانی از کیان مسلمانان است، تمام تلاش خود را به کار گیرد و با دعوت از علما و خطبا برای سخنرانی و بیان فضیلت دنیوی و اخروی جهاد و شهادت برای جوانان و بسیجیان، ادامه دهنده این سیره نبوی باشد.

همچنین می تواند با همراهی امام جماعت و هیأت امنای مسجد، هر هفته یا ماهیانه به سرکشی و دیدار از خانواده های شهدای پایگاه و محل پردازند و نگذارند این سیره پر ارزش

ص: 260

نبوی به فراموشی سپرده شود یا در انجام آن کاهلی و سستی به عمل آید و برای حل مشکلات و گرفتاری های آنان، از هیچ تلاشی دریغ ننمایند.

از دیگر فعالیت هایی که پایگاه مقاومت بسیج در این زمینه می تواند انجام دهد، عبارت است از:

- بر پا کردن نمایشگاه های آثار دفاع مقدس و وسایل به جا مانده از شهدا؛

- بر پایی شب شعر، خاطره گویی، روایت گری؛

- برگزاری مسابقات مقاله و کتاب نویسی، شعر و داستان نویسی، عکاسی و نقاشی؛

- برگزاری اردوهای راهیان نور در سفر به مناطق گوناگون و مقدس و متبرک عملیاتی.

2 - برگزاری جلسات مذهبی

مهم ترین نیاز پایگاه های مقاومت بسیج و به طور کلی؛ مجموعه تشکیلات بسیج، حفظ و ارتقای عضویت در بین بسیجیان است؛ یعنی مهم ترین عاملی که باعث به وجود آمدن انگیزه و هدف در بین بسیجیان می شود و با اتکا به آن در هر موقعیتی که نیاز باشد، با تمام وجود به صحنه می آیند

و در خدمت انقلاب و مردم قرار می گیرند روحیه خدا محوری اخلاص و معنویت است.

بنابراین، پایگاه های مقاومت بسیج باید با اجرای برنامه هایی که باعث ایجاد و ارتقای معنویت در بین بسیجیان می شود، در راستای این مهم قدم بردارند.

برخی از مهم ترین برنامه هایی که می توان در این زمینه اجرا کرد عبارت است از:

برگزاری مراسم ادعیه (کمیل، توسل ندبه و زیارت عاشورا)؛ برگزاری مراسم سوگواری و مولودی اهل بیت علیهم السلام.

برگزاری مراسم یاد بود شهدا.

3 - اجرای برنامه های اردویی

جوانان و نوجوانان تمایل فراوانی به محیط های شاد و با نشاط دارند. از این رو، مراکز فرهنگی برای جذب هر چه بیشتر جوانان و نوجوانان باید از برنامه های جذاب و با نشاط استفاده کنند.

یکی از این برنامه ها، تشکیل اردوهای تفریحی و فرهنگی است. در حال حاضر، بسیج دارای اردوگاه های دائمی و موقت فراوانی در نقاط گوناگون کشور است. این اردوگاه ها پذیرایی جوانان و نوجوانان بسیجی در قالب اردوهای یک یا چند روزه است.

در طول مدت اردو با تشکیل کلاس های شاد و مفرح ورزشی، هنری و فرهنگی، در مکانی جذاب، می توان خاطره ای به یاد ماندنی در اذهان بسیجیان به جای گذارد. برنامه های متنوعی را می توان در این اردوها در نظر گرفت. در این میان می توان به برنامه های ذیل اشاره کرد:

- بازدید از اماکن مذهبی، زیارتی و تاریخی؛

- بازدید از مراکز صنعتی و علمی؛

- برگزاری کلاس های فرهنگی و معارف دینی؛

- برگزاری مسابقات ورزشی و علمی.

با تشکیل این اردوها و اجرای برنامه های تفریحی و فرهنگی و ورزشی در آنها، می توان شاهد ثمرات فراوانی بود که در این میان می توان این فواید اشاره نمود:

- آشنایی با مفاهیم و معارف دینی؛

- آشنایی با اخلاق و آداب اسلامی؛

- آشنایی با فعالیت های گروهی و تقویت روحیه نظم پذیری و احترام به قانون؛

- تقویت روحیه زندگی جمعی و همکاری و تعاون؛

- تقویت نیروی ایمان و اراده و ایجاد روحیه اتکاب به نفس و بروز خلاقیت ها؛

- ترغیب جوانان و نوجوانان بسیجی به ورزش و زندگی سالم. (1)

4 - برگزاری کلاس های هنری

انسان دانا به زیبایی و هنر علاقه مند است و سعی می کند در جهت این تمایل ذاتی، در حد توان،

ص: 262

به یادگیری برخی از رشته های هنری براساس ذوق و علاقه خود اهتمام ورزد. پایگاه های مقاومت بسیج به عنوان مراکز فرهنگی، می توانند از این قابلیت ها استفاده کرده، با تشکیل کلاس های متنوع هنری، همچون آموزش خوش نویسی، نمایش، سرود، عکاسی، نقاشی و نویسندگی، برای جذب جوانان و نوجوان اقدام نمایند.

نکته ای که در تشکیل این کلاس ها باید مورد توجه قرار گیرد استفاده از استادان مجرب و متعهدی است که علاوه بر آشنایی هنرجویان با رشته های هنری، با تعهدی که نسبت به آموزه های دینی دارند، هنری با رنگ و بوی مفاهیم دینی ترویج کنند و هنر را در جهت تربیت روحیه های جوان بسیجی به کار گیرند.

5 - فعالیت های ورزشی

به دلیل آنکه فعالیت های ورزشی موجب سلامت روح و جسم بوده و از تحرک و نشاط بالایی نیز برخوردار است، مورد علاقه جوانان و نوجوانان است و از مهم ترین عوامل جذب آنان به مراکز فرهنگی نیز به شمار می آید.

پایگاه های مقاومت بسیج برای اینکه بتوانند جوانان و نوجوانان بسیجی را جذب و آنها را نیز حفظ کنند، باید حتماً اجرای فعالیت های ورزشی همچون برگزاری مسابقات ورزشی و تشکیل کلاس های آموزشی در رشته های متنوع ورزشی را در برنامه های خود بگنجانند.

فعالیت های اجتماعی عام المنفعه پایگاه مقاومت بسیج مسجد

اشاره

با توجه به مفهوم «بسیج» هدف از تأسیس این نهاد مقدس، که همان خدمت رسانی به جامعه در مواقع ضروری و مورد نیاز است، پایگاه های مقاومت بسیج می توانند با تشخیص ضرورت ها و نیازهای جامعه نقش مهمی در تأمین این نیازها و ضرورت ها ایفا کنند، این ضرورت ها و نیازها در بسترهای زمانی متفاوت به وجود می آید و محدود در یک زمان خاص نیست. اینجاست که بسیج و بسیجی باید همیشه و در همه حال، در صحنه باشند و برای خدمت رسانی و کمک به جامعه، از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

برخی از این فعالیت های اجتماعی و عام المنفعه عبارت است از:

1 - تأسیس صندوق قرض الحسنه

به دلیل آنکه پایگاه مقاومت بسیج نهادی است که جهت خدمت رسانی به جامعه تأسیس شده؛ در همین زمینه، با تکیه بر سرمایه های اندک مردم می تواند در فعالیت های عام المنفعه، سهم عمده ای داشته باشد.

یکی از این فعالیت ها تأسیس «صندوق قرض الحسنه بسیج» در مسجد است. تأسیس این صندوق می تواند در حل مشکلات اهل محل و جوانان، با در اختیار گذاشتن وام های قرض الحسنه، وام های ازدواج و تهیه جهیزیه، کمک شایانی به مردم عزیز بنماید.

این عمل علاوه بر بعد تعاون و کمک رسانی به اهل محل باعث ترغیب مردم و جوانان به مسجد و در نتیجه، احیای مسجد می شود. البته انجام این گونه فعالیت ها، باید با همکاری و هماهنگی تنگاتنگ امام جماعت و هیأت امنای مسجد صورت گیرد، تا هم از بعد فکری هم از بعد اقتصادی بتوانند پشتوانه مناسبی برای صندوق به حساب آیند.

از دیگر ثمرات این گونه فعالیت ها، ایجاد اشتغال در بین جوانان است.

2 - مشارکت در امر سازندگی و آبادانی کشور

از دیگر فعالیت های عام المنفعه و اجتماعی پایگاه مقاومت بسیج، مشارکت با دولت و مردم در امر سازندگی است. با توجه به نیروی جوان بسیج و اینکه افراد متفاوتی از حیث تحصیلات و تخصص های فنی، جزو اعضای بسیج هستند. دولت می تواند با در اختیار گذاشتن امکانات مناسب و کافی، از این نیروی فعال و کارآمد در پیشبرد اهداف سازندگی، به ویژه در مناطق محروم کشور، استفاده کند.

هم اکنون برای این منظور، سازمانی در بسیج به نام «سازمان بسیج سازندگی» تشکیل شد. که با همراهی جوانان و نوجوانان بسیجی با کارشناسان کارآمد، توانسته است به یاری دیگر سازمان های دولتی همچون سازمان محیط زیست، شهرداری و وزارت خانه های آموزش

و پرورش، جهاد کشاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بشتابد و طرح های متنوعی را اجرا کند و در امور عمرانی و سازندگی کشور کمک های شایانی را به دولت ارائه دهد. از آن جمله، می توان این مورد را نام برد:

- بهسازی و ساخت مدارس روستایی در مناطق محروم؛

- اجرای طرح های درخت کاری در سرحد های جنگلی و زمین های موات؛

- حفظ مراتع و جنگل ها؛

- اجرای طرح مبارزه با بیماری سالک و طرح های بزرگ واکسیناسیون فلج اطفال و سرخک و سرخجه؛

- طرح ساخت پل و راه سازی و آب رسانی به مناطق محروم و هزاران کار دیگر که از فعالیت های سازندگی و عمرانی بسیج است.

پایگاه مقاومت بسیج مسجد می تواند با شرکت دادن بسیجیان در این گونه طرح ها، نقش مهمی در سازندگی و آبادانی کشور داشته باشد. شرکت جوانان و نوجوانان بسیجی در طرح های سازندگی می تواند ثمرات فراوانی به دنبال داشته باشد؛ از جمله:

1 - آشنایی جوانان - به عنوان پشتوانه های فردای کشور - با فعالیت های عمرانی؛

2 - آشنایی جوانان و نوجوانان با مشکلات مناطق دیگر و تلاش کشور در جهت برطرف کردن آنها؛

3 - برخورداری هرچه سریع تر مناطق محروم از امکاناتی که حق طبیعی آنهاست و از آن محروم هستند؛

4 - ایجاد روحیه تعاون و همکاری در بین جوانان و امیدهای آینده کشور؛

5 - کمک به دولت مردان کشور و برداشتن باری از دوش آنان.

بسیج و امر به معروف و نهی از منکر

یکی از وظایفی که پایگاه های مقاومت بسیج در زمینه حفظ امنیت اخلاقی و روانی سطح محل و منطقه برعهده دارند، «امر به معروف و نهی از منکر» است. در صورت اجرای صحیح این

برنامه، که وظیفه دینی همه مسلمانان است، امنیت اخلاقی بر جامعه حکم فرما می شود و کم توجهی به این فرضیه دینی، باعث فساد و از بین رفتن ترویجی ارزش های دینی و اجتماعی می شود و آثار مخرب بسیاری در پی دارد.

بنابراین، پایگاه های مقاومت بسیج، که در کنار دیگر نهادها همچون نیروهای انتظامی عهده دار حفظ امنیت منطقه و محله خود هستند؛ باید به این اصل مهم توجه ویژه ای داشته باشند.

نکته ای که باید همواره به خاطر داشته باشیم این است که امر به معروف و نهی از منکر باید طبق اصول شرعی و علمی خود اجرا شود تا مؤثر واقع شود و تأثیر آن همیشگی و فراگیر باشد. در غیر این صورت، اگر سلیقه ای و بدون در نظر گرفتن روش های علمی اجرا شود، نه تنها مؤثر نیست، بلکه ممکن است مفسده هایی زیادی نیز بر آن ترتب گردد.

بسیج و فعالیت های سیاسی

پایگاه های مقاومت بسیج از آنجا که پشتوانه انقلاب و حافظ منافع ملت و کشور هستند، باید در کنار دیگر فعالیت ها و ابعاد آموزشی، فرهنگی و نظامی خود، در بعد سیاسی نیز فعالیت گسترده و روشنی داشته باشند تا بتوانند بسیجیان را با مسائل سیاسی داخلی و بین المللی آشنا سازند و بینش سیاسی آنان را بالا ببرند.

برخی از فعالیت هایی که پایگاه بسیج نمونه می تواند در این زمینه انجام دهد عبارت است از:

الف. در موقعیت ها و مناسبت های گوناگون؛ با دعوت از رجال سیاسی و صاحب نظران و برگزاری جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ نقش مهمی را در آگاه سازی جوانان بسیجی و اهل محل و مسجد در مسائل سیاسی داشته باشد.

ب. در مناسبت ها و مراسم ویژه مانند انتخابات و راه پیمایی های روز قدس و 22 بهمن، می تواند با شرکت کلیه بسیجیان به صورت گروهی و نیز دعوت از اهل محل برای شرکت در چنین مراسمی، حضور فعال و چشم گیری را از خود به نمایش بگذارد.

امام جماعت دارای موقعیت محوری در تمامی فعالیت های عبادی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد است و از مهم ترین جایگاه در مسجد برخوردار می باشد. به همین دلیل، شایسته است که در تمامی امور مسجد، هماهنگی و مشورت لازم با امام جماعت به عمل آید.

پایگاه مقاومت بسیج در مسجد نیز از این قاعده مستثنا نیست و لازم است در امور فرهنگی و آموزشی خود، با امام جماعت و روحانیت مسجد ارتباط تنگاتنگی داشته باشند و از

نظرات و پیشنهادات ایشان بهره ببرد. در اینجا به چند مورد از این رابطه ها اشاره می کنیم:

الف. اعضای پایگاه های مقاومت بسیج در مساجد باید همیشه و در همه حال، احترام لازم را به مقام علمی و جایگاه روحانیت، که ادامه دهنده راه اولیا و پیامبران الهی هستند بگذارند.

ب. پایگاه های مقاومت بسیج در برگزاری برنامه ای آموزشی و فرهنگی مربوط به مسائل دینی و مذهبی، مانند کلاس های دینی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و جلسات علمی و برگزاری مراسم مذهبی، با امام جماعت و روحانیت مسجد همکاری و هماهنگی و مشورت لازم را انجام دهند و در صورت امکان، از ایشان در اجرای چنین برنامه هایی استفاده کنند.

ج. یکی از مهم ترین کارهایی که موجب ارتباط بیشتر پایگاه بسیج و امام جماعت می شود عضویت ایشان در پایگاه مقاومت بسیج مسجد است. این کار علاوه بر دل گرمی اعضای بسیج، ثمرات فراوانی از جمله پیوند نسل جوان با روحانیت به همراه دارد.

د. یکی از مهم ترین کارهایی که پایگاه مقاومت بسیج باید حتماً انجام دهد مشورت با امام جماعت در زمینه فعالیت های گوناگون بسیج است تا کاری که با شأن و جایگاه مسجد سازگاری ندارد و هتک حرمت مسجد می شود، صورت نگیرد.

رابطه و همکاری بسیج و هیأت امنای مسجد

یکی از مهم ترین ارکان در مجموعه مسجد، هیأت امنای مسجد است که در امور مربوط

به مسجد بسیار تأثیر گزارند. پایگاه مقاومت بسیج برای اینکه بتواند در فعالیت های خود موفق و تأثیرگذار باشد، باید ارتباط مثبت و خوبی با هیأت امنای مسجد داشته باشد. این ارتباط مثبت تنها در سایه احترام متقابل و رعایت اصول اخلاقی و ترجیح دادن مصالح عمومی و مصالح مسجد بر منافع و مصالح شخصی میسر است.

هیأت امنای مسجد می تواند با پایگاه بسیج مسجد در این امور همکاری خوبی داشته باشد.

الف. در انجام فعالیت های نظامی که لازم است در مسجد انجام شود، پایگاه مقاومت بسیج می تواند با احترام گزاردن به جایگاه هیأت امنای مشورت و هماهنگی با برخی از آنها امکانات و شرایط لازم را برای انجام فعالیت های خود آنها فراهم کند.

ب. یکی از مهم ترین کارهایی که موجب ارتباط تنگاتنگ بین هیأت امنای مسجد و پایگاه مقاومت بسیج مسجد می شود، عضویت و شرکت هیأت امنای مسجد است. این عمل علاوه بر دل گرمی و ایجاد انگیزه در جوانان بسیجی، باعث می شود آنان بتوانند در موقعیت های گوناگون از تجربه و جایگاه اجتماعی هیأت امنای مسجد و محل استفاده کنند

و همین موجب پیشبرد اهداف بسیج و کارآمد کردن آن در مسجد و محل شود.

ج. از دیگر مواردی که پایگاه بسیج باید ارتباط خوب و تنگاتنگی با هیأت امنای مسجد داشته باشد، همکاری در امور آموزشی، فرهنگی و اقتصادی بسیج است؛ یعنی هیأت امنای بسیج می تواند برای پیشبرد ابعاد آموزشی بسیج، مکان مناسبی را در مسجد برای این امر مهیا کند، تا پایگاه بسیج بهتر و کارآمدتر، در این زمینه فعالیت کند. در امور فرهنگی نیز هیأت امنای مسجد می تواند برای مراسم فرهنگی، مانند برگزاری جلسات دعا و سخنرانی و برگزاری جشن های تولد و عزاداری در مسجد، امکانات لازم را در اختیار پایگاه مقاومت بسیج قرار دهد. در امور اقتصادی نیز پایگاه بسیج می تواند از همکاری مالی و جایگاه اجتماعی هیأت امنای مسجد برای

جمع آوری نقد ینگی (سرمایه مالی) «صندوق قرض الحسنه بسیج» برای تأمین مشکلات جوانان و اهل مسجد و محل استفاده کند.

د. هیأت امنای مسجد می تواند برای تأسیس کانون فرهنگی، ورزشی بسیج در مسجد، تکیه گاه

و پشتوانه خوبی برای پایگاه بسیج به حساب آید و در تهیه فضای مناسب برای تأسیس و فعالیت کانون در مسجد، بهترین همکاری را با پایگاه مقاومت بسیج داشته باشد.

ه- یکی از فعالیت‌هایی که بسیج و هیأت امنای مسجد می‌توانند با هم داشته باشند، استفاده از نیروی قوی و جوان مسجد در پیشبرد اهداف عمرانی مسجد است که هیأت امنای می‌توانند در این زمینه، از نیروهای فکری و انسانی بسیج بهترین استفاده را ببرند.

رابطه پایگاه بسیج با اهل محل

پایگاه مقاومت بسیج نهادی مردمی است و از مهم‌ترین اهداف تأسیس آن تأمین امنیت در سطح محل و سطح شهرهاست. بنابراین، در حین فعالیت‌های خود، همیشه با اهل محل مسجد در ارتباط است و بدون همکاری آنان، نمی‌تواند موفقیت‌چندانی را در تحقق اهدافش داشته باشد. بنابراین، پایگاه مقاومت بسیج برای اینکه بتواند از همکاری اهل محل برخوردار باشد، باید کاری کند که مردم همواره نسبت به پایگاه بسیج دید مثبتی داشته باشد و آن را یک نهاد مردمی که در خدمت مردم است به حساب آورند.

برای اینکه پایگاه بسیج بتواند از لحاظ معنوی و عاطفی در بین اهل محل جایگاه مناسب و مثبتی داشته باشد، باید نکات ذیل را همیشه مورد توجه قرار دهد:

الف. باید بتواند در کنار دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط، خلأهای امنیتی را در محل شناسایی و برای رفع آنها اقدام کند و با افرادی که به هر شکل می‌خواهند با هنجارشکنی و رفتارهای نامناسب خود، امنیت اخلاقی، روانی و اجتماعی محل را برهم بزنند برخورد مناسب و قانونی را انجام دهد تا بدین صورت، موجب دل‌گرمی اهل محل شود، تکیه‌گاه مطمئنی برای آنها به شمار آید.

ب. اعضای پایگاه مقاومت بسیج باید در همه جا، اصول اخلاقی و احترام متقابل به دیگران را رعایت کنند، تا آنجا که بتوانند از لحاظ اخلاقی به عنوان الگویی برای دیگر

همسالان خود به شمار آیند.

ج. باید در برگزاری مراسم و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خود، سعی کنند به هیچ وجه

برای نمازگزاران (در صورتی که محل فعالیت و برنامه داخل مسجد باشد) و اهل محل (در صورتی که اجرای برنامه سطح شهر باشد) ایجاد مزاحمت نکنند.

د. باید همیشه به این اصل یعنی حفظ حریم خصوصی افراد و خانواده‌ها احترام بگذارد. البته تا زمانی که به امنیت مردم و محل آسیبی نرسد.

و. برخوردهای شخصی و غرض ورزانه و سلیقه‌ای باید به طور کلی از عملکرد و روابط بسیجی با مردم حذف شود و با کسانی که به نام و عنوان «بسیج» چنین اقداماتی را انجام می‌دهند به شدت برخورد شود.

رابطه پایگاه مقاومت بسیج با دیگر نهاد و سازمان‌های دولتی به دلیل آنکه پایگاه مقاومت بسیج نمونه دارای فعالیت‌های فراوانی و زمینه‌های گوناگون فرهنگی، نظامی، آموزشی، ورزشی و هنری است، در همین زمینه‌ها ناگزیر است با نهادها و سازمان‌های دولتی مرتبط با این فعالیت‌ها، ارتباطات خوب و مثبتی داشته باشد. در اینجا به ذکر بعضی فعالیت‌ها و برخی نهادهای دولتی مرتبط با آن اشاره می‌کنیم:

الف. پایگاه بسیج نمونه در فعالیت‌های نظامی خود باید با این نهادها در ارتباط باشد:

- وزارت اطلاعات (ارایه گزارش و مسائل امنیتی)؛

- سپاه پاسداران (برای برنامه‌های آموزشی و نظامی و حفظ و ارتقای بنیه نظامی بسیجیان)؛

- دادگستری (گرفتن مجوز برای برخورد با گروه‌ها و عوامل محل امنیت اخلاقی و روانی جامعه)؛

- نیروی انتظامی (برقراری امنیت در سطح محله و شهر).

ب. در امور فرهنگی، باید با این ادارات و سازمان‌ها در تماس باشد:

- اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی (تجهیز و کمک به کانون بسیج)؛

- سازمان تبلیغات (همکاری در زمینه‌های فرهنگی)؛

ج. در امور آموزشی نیز با این گونه ادارات همکاری داشته باشد:

- اداره آموزش و پرورش (برگزاری کلاس های کمک آموزشی در امور تحصیلی بسیجیان).

ه- در اجرای برنامه های ورزشی باید، با این گونه سازمان ها مرادده داشته باشد:

- سازمان تربیت بدنی (برگزاری مسابقات و کلاس های ورزشی).

و. در امور هنری، باید با این گونه سازمان ها هماهنگی داشته باشد:

- سازمان تبلیغات و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی (استفاده از امکانات آن سازمان در برنامه های هنری).

پایگاه مقاومت بسیج باید با سازمان ها، ادارات و نهادهای مزبور ارتباط تنگاتنگ و مثبتی داشته باشد تا بتواند در اجرای فعالیت های خود، موفق تر عمل کنند.

اسیب شناسی پایگاه های مقاومت بسیج مساجد

اشاره

با توجه به مطالبی که گفته شد، می توان پی برد که مسجد یکی از مهم ترین مراکزی است که می تواند در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن بایستد و جوانان و نوجوانان، که سرمایه های

گران بهای کشورند، با مفاهیم اسلام ناب آشنا کند و آنها را در ابعاد نظامی، علمی، اجتماعی و فرهنگی رشد دهد. البته زمانی می توان شاهد این نتایج و ثمرات مفید بود که آسیب های وارده بر این نهاد را شناسایی کنیم و در جهت رفع آنها تلاش کنیم.

بعضی از این آسیب ها را که باعث ضعف پایگاه بسیج مسجد می شود، به صورت مختصر بیان می کنیم:

1 - اختلاف با دیگر مجموعه ها و ارکان مسجد

اگر هرگونه اختلافی بین پایگاه مقاومت بسیج با دیگر ارکان و مجموعه های مسجد بوجود بیاید، نتیجه ای جز محروم شدن از همکاری و همفکری آنها ندارد. این اختلافات موجب کم شدن بازدهی و ضعف عملکرد بسیج در ابعاد گوناگون خواهد شد؛ مانند اختلاف آنها با امام جماعت و هیأت امنای مسجد.

بنابراین، باید همیشه و در همه حال، بین پایگاه بسیج و دیگر ارکان و مجموعه ای مسجد همکاری و همفکری فراوان بر پایه دو اصل احترام و گذشت وجود داشته باشد.

2 - فاصله گرفتن از اصول و آرمان های مقدس بسیج

مهم ترین ضعف و آسیبی که ممکن است متوجه پایگاه های مقاومت بسیج و یا به طور کلی، تشکیلات بسیج شود، دور شدن و فاصله گرفتن از اهداف و آرمان های مقدسی است که بسیج بر پایه آن شکل گرفته است. از مهم ترین این اصول می توان به دو اصل ذیل اشاره کرد:

الف. حاکم بودن اصل معنویت و اصل «خدا محوری» در تمام فعالیت های بسیج؛

ب. خدمت رسانی مخلصانه و داوطلبانه به مردم و انقلاب در تمام عرصه ها.

هرگاه بسیج خدامحوری و اخلاص و معنویت را در فعالیت های خود کم رنگ کند و یا وظیفه اصلی خود، که خدمت رسانی مخلصانه به انقلاب و ملت است، به فراموشی بسپارد و دچار بی مسئولیتی و سستی نسبت به مسائل پیرامون خود گردد، بزرگ ترین صدمات بر پیکره بسیج وارد خواهد شد و باید شاهد فاصله گرفتن از اهداف و آرمان های مقدس خود و از بین رفتن تدریجی بسیج بود.

3 - بی برنامه گی و ائتلاف وقت

یکی از آسیب ها و آفت هایی که متوجه برخی از پایگاه های مقاومت بسیج است، بی برنامه بودن یا برنامه ریزی ضعیف در عملکردهای آنهاست که این آفت نتیجه ای جز ائتلاف وقت و دل سردی و بی انگیزه شدن تدریجی اعضای پایگاه های مقاومت بسیج ندارد. پایگاه مقاومت بسیج مسجد باید با برنامه ریزی دقیق و منسجم و شرکت دادن اعضای پایگاه در این برنامه ها از بوجود آمدن سستی و بی انگیزگی در میان بسیجیان جلوگیری کند.

4 - سوء مدیریت

سوء مدیریت یکی از مهم ترین آفات تشکل ها و سازمان هاست و مانعی برای رسیدن به اهداف

و به ثمر رسیدن تلاش ها و کوشش اعضای آن تشکیلات؛ همچنین موجب هدر رفتن وقت و سرمایه و نیروی کار می شود. استفاده از مدیران ضعیف در پایگاه های بسیج مساجد، که دارای نقاط ضعفی همچون کم تجربگی، بی انگیزگی، ضعف در تصمیم گیری و سوء استفاده از موقعیت هستند علاوه بر به وجود آوردن مشکلات فراوان در مسجد و پایگاه، موجب دور شدن و زدگی جوانان و نوجوانان از مسجد و بسیج نیز خواهد شد.

مسئولان ذی ربط لازم است در انتصاب مدیران، همیشه بر مبنای اصل شایسته سالاری عمل کنند و با انجام بازرسی های مداوم و دقیق و نظرخواهی از اعضای پایگاه ها و کسانی که با مجموعه آنها در ارتباطند، عملکرد مدیران خود را زیر نظر داشته باشند.

5 - انحصار پایگاه مقاومت بسیج در فعالیت های نظامی

تعداد زیادی از پایگاه های مقاومت بسیج مساجد فعالیت های خود را منحصر در کارهای نظامی کرده اند. فعالیت های نظامی یکی از مهم ترین و اساسی ترین اهداف پایگاه های مقاومت مساجد است، ولی منحصر کردن فعالیت های پایگاه بسیج در امور نظامی از نقاط ضعف این پایگاه ها به حساب می آید.

به دلیل اینکه 75 واحد از اعضای پایگاه های بسیج قشر جوان و نوجوان هستند و برای اینکه بتوان این قشر عظیم را به طور مداوم جذب پایگاه های بسیج کرد، باید در کنار فعالیت های نظامی، فعالیت های متنوع فرهنگی، ورزشی دیگری را برای آنها در نظر بگیریم.

6 - استفاده نکردن از بزرگان و افراد با تجربه

جوان گرایی در کارهای گروهی، تأثیر فراوانی در پیشرفت دارد، البته به شرط اینکه در کنار نیروی جوان، از افراد با تجربه و بزرگ سال نیز استفاده شود؛ زیرا در بسیاری از مسائل و موقعیت های گوناگون با استفاده از تجربیات آنها، می توان مشکلات را بهتر حل کرده و سریع تر به نتیجه و هدف دلخواه رسید. بنابراین، در پایگاه های مقاومت بسیج، باید با احترام گذاشتن به بزرگ سالان و افراد با تجربه در موقعیت های گوناگون و مشورت با آنها از تجربیات ارزنده این عزیزان به خوبی استفاده کرد.

7 - برخورد های غیر علمی و سلیقه ای با افراد

پایگاه های مقاومت بسیج مساجد، به خاطر وظیفه حفظ امنیت و آرامش منطقه و محل خود، باید فعالیت هایی همچون ایست بازرسی، گشت های شبانه، امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. اما این گونه فعالیت ها، علاوه بر ثمرات و فواید فراوانی که دارد، اگر به صورت کارشناسی

صورت نگیرد، ممکن است مفسده هایی را نیز در پی داشته باشد. برخوردهایی که در این زمینه با افراد متخلف صورت می گیرد باید به صورت علمی و کارشناسی باشد و از هرگونه برخورد سلیقه ای و احساسی پرهیز شود.

از جمله دلایلی که بسیاری از جوانان بخصوص جوانان غیر مذهبی، ذهنیتی منفی نسبت به بسیج دارند، وجود چنین برخوردهای نامناسب و غیر علمی است که از طرف برخی افراد بسیجی با آنها یا افراد دیگر شده است. در نتیجه لازم است بسیجیانی که برای این فعالیت ها انتخاب می شوند. کاملاً توجه شده و از تجربه و درایت کافی نیز برخوردار باشند.

8 - امتیازگرایی

یکی از مهم ترین آفاتی که صدمات فراوانی را متوجه بسیج می کند، روحیه «امتیازگرایی» در بین اعضای بسیج است. همان گونه که اشاره شد، بسیج نهادی است که برای انجام خدمات مخلصانه بدون هیچ گونه چشم داشت تشکیل شده و تنها انگیزه خدایی و انسان دوستانه افراد است که آنها

را به انجام کارهایی که برای مردم و جامعه سودمند است، وا می دارد.

از مهم ترین راه های مؤثر برای مقابله با چنین روحیه و انگیزه ای، ترویج سیره شهادت است؛ آنان که بدون هیچ گونه انتظار مادی حاضر شدند در راه آرمان های مقدس دین اسلام و انگیزه ای والا و خدایی شان در دفاع از دین و ملت و کشور، زحمات فراوانی متحمل شوند و در نهایت، جان پاک خویش را در این مسیر خدا کنند.

9 - نفوذ افراد فرصت طلب

یکی از مهم ترین خطراتی که متوجه بسیج است، خطر نفوذ افراد فرصت طلب و ناسالم به قصد

اخلال و کارشکنی در این نهاد مقدس می باشد. امام خمینی قدس سره نیز خطر نفوذ افراد منحرف و نوکران استکبار را در تشکیلات بسیج برای ضربه زدن به آنان گوشزد کرده و سفارش نموده اند که باید در مقابل تحرکات آنها بایستید. (1)

از این رو، ضروری است مسئولان ذی ربط و همچنین تمامی بسیجیان با هوشیاری تمام مراقب چنین افرادی باشند و آنها را شناسایی کنند تا برخورد لازم با آنها به عمل آید.

دیدگاه های حضرت امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در باره پایگاه های مقاومت بسیج

اشاره

شجره طیبه بسیج، این یادگار گرانقدر امام راحل قدس سره، که از مهم ترین ثمرات این انقلاب به شمار می آید، به دستور امام خمینی قدس سره در سال 1358 تشکیل شد. در اینجا برخی از دیدگاه ها و نظرات مقام ولایت در باره این نهاد مقدس ذکر می کنیم:

1 - مساجد پایگاه های اصلی و همیشگی بسیج

مساجد در طول تاریخ، پایگاه و کانون اصلی مسلمانان در فعالیت های مختلف بوده است و مسلمانان با تاسی از روحانیت و علما، همیشه و در همه حال، مدافع اسلام و مقدّسات دینی بوده اند. در بیشتر تحرکات ضد استکباری، که در طول تاریخ صورت گرفته است، همانند انقلاب اسلامی ایران، ریشه و کانون اصلی مبارزان در مسجد بوده است.

امام خمینی قدس سره که از بینش و دید سیاسی بالایی برخوردار بودند، از این مهم غافل نبودند و بر آن تأکید داشتند و مساجد را به عنوان پایگاه اصلی بسیج برای جذب بسیجیان معرفی کردند.

مقام معظم رهبری مدظله العالی نیز بر این موضوع تأکید نموده اند:

«مساجد باید همچنان به صورت پایگاه بسیج باقی بماند و بسیج باید مطیع مسجد، حامی مسجد، عامل به قرآن و حافظ قرآن باشد». (2)

ص: 275

1- . صحیفه نور: ج 13 ، ص 244 ، سخنرانی مورخ 11 دی 1359 .

2- . روزنامه اطلاعات، 7 آذر 1383 .

2 - حفظ توان نظامی و رزمی بسیج

امام خمینی قدس سره تأکید فراوانی بر حفظ قوای رزمی بسیج، که پشتوانه انقلاب در مقابل تعرضات دشمنان است؛ داشتند و در این زمینه فرموده اند:

«مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد. باید این طور باشد که یک مملکتی که 20 میلیون جوان دارد، 20 میلیون تفنگدار داشته باشد و 20 میلیون ارتشی داشته باشد، و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست»⁽¹⁾.

مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر این موضوع فرموده اند:

«آمادگی رزمی و سازمان دهی همه نیروهای رزمنده ضامن صلح پایدار است»⁽²⁾.

3 - جهانی شدن بسیج

امام خمینی قدس سره با شناختی که از بسیج و قدرت سرشار آن در مقابله با ستم و بیداد داشتند، بر این عقیده بودند که بسیج و تفکر بسیجی باید تبدیل به یک تفکر جهانی شود که تمامی مستضعفان جهان بتوانند در مقابل ستم ستمگران بایستند و با همین قدرت، تمامی مشکلات خود را حل کنند. ایشان در این زمینه می فرماید:

«من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم (قمری) قرن شکستن بت های بزرگ و جای گزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه، و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسان های متعهد به جای آدم خواران بی فرهنگ باشد»⁽³⁾.

ص: 276

1- همان.

2- همان.

3- صحیفه نور: ج 11، ص 275، پیام امام خمینی در رابطه هفته بسیج مستضعفین، مورخ 21 اسفند 1358.

4 - بسیجی بودن؛ افتخار همیشگی

امام خمینی قدس سره در جاهای گوناگون و با بیانات خود، بر تبیین جایگاه و مقام رفیع بسیج و بسیجی، اهتمام می ورزیدند و آن را افتخار و ارزشی دنیوی و اخروی می دانستند. ایشان در این زمینه فرموده اند:

«بسیج لشکر مخلص خداست».

«من همیشه به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم که من را با بسیجیانم محشور فرماید».

مقام معظم رهبری نیز در این باره می فرماید:

«بسیجی بودن یک ارزش است و این مسئله باید به عنوان فرهنگ و اصل در نظر گرفته شود و این ارزش همچنان باقی بماند».

5 - نگهبانی از امنیت ملی

نگهبانی از امنیت ملی موضوع مهمی است که همواره مورد توجه حضرت امام خمینی قدس سره و امروزه مقام معظم رهبری قرار دارد.

حضرت امام قدس سره در این باره می فرماید:

«بسیج ملی باید همیشه مراقب باشند؛ رفت و آمدهای مشکوک را در نظر داشته باشند».⁽¹⁾

همچنین فرمودند:

«دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که در موقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروه ها واجب است».⁽²⁾

مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای دام ظلّه العالی نیز در این زمینه می فرماید:

«اگر بسیج و نیروهای مردمی نبود و امام بزرگوار از نیروی ایمان و عشق

ص: 277

1- . بیانات امام، ج 13 ، ص 39 .

2- . بیانات امام، ج 11 ، ص 275 ، 21 اسفند 1358 «هفته بسیج مستضعفین».

مردم در سازماندهی این عناصر مؤمن و نورانی در سراسر کشور، اقوام مختلف، مرزداران و عشایر، جوانان و دانشگاہیان، روحانیون و دانش آموزان و پیرمردان و زنان و دختران جوان و سایر اقشار ملت، استفاده نمی کرد و این انبوه عظیم نیروی فعال را به وجود نمی آورد، بدون شک، جمهوری اسلامی نمی توانست در مقابل این همه توطئه، خباثت، دشمنی و سنگ اندازی مقاومت کند»⁽¹⁾.

6 - تشکیل ارتش 20 میلیونی

حضرت امام قدس سره بر تشکیل ارتش 20 میلیونی تأکید فراوان داشتند و در این زمینه می فرمودند: «بار دیگر تأکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش 20 میلیونی سقوط در دام

دو ابر قدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت. من از تمام بسیجیان، خصوصاً فرماندهان عزیز آن تشکر می کنم و از دعای خیر برای این فرزندان با وفای اسلام غفلت نخواهم نمود».

7 - بسیج؛ رمز بقای انقلاب اسلامی

امام خمینی قدس سره توصیه های فراوانی بر تقویت و حمایت مسئولان از بسیج داشتند و با بیانات گوناگون، اهمیت و جایگاه آن را در جامعه روشن می ساختند؛ از جمله اینکه می فرمودند:

«اگر در کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان خواران از آن دور خواهد شد، و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند»⁽²⁾.

در جای دیگر فرموده اند:

«من دست یکایک شما بسیجیان، پیشگامان رهایی، را می بوسم و می دانم

ص: 278

1- . مجله آزاد، 2 آذر 1378 .

2- . روزنامه اطلاعات، آذر 1383 .

که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت»⁽¹⁾.

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می فرماید:

«مسئله بسیج مسئله بسیار مهمی است، البته این مسئله در نظام جمهوری اسلامی همیشه جدی گرفته شده است. شخص حضرت امام خمینی قدس سره و بقیه مسئولان و مردم بسیج را جدی گرفته و از این پس هم باید کوشش کنیم که مسئله بسیج همچنان جدی گرفته شود و یک حالت روانی اهتمام به بسیج در سطوح مختلف مسئولان و در گستره زندگی مردم باقی بماند»⁽²⁾.

8 - همه جانبه بودن فعالیت های بسیج

از مهم ترین دیدگاه های امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری در مورد بسیج، پرهیز از یک جانبه نگری نسبت به آن است. ایشان معتقد بوده اند که فعالیت های بسیج را علاوه بر مسائل نظامی، باید در امور دیگر نظیر فرهنگی آموزش و علمی گسترش داد.

امام خمینی قدس سره در این باره فرمودند:

«امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی، با تأیید خداوند موفق باشند»⁽³⁾.

مقام معظم رهبری مدظله العالی با تأکید بر این دیدگاه فرموده اند:

«بسیج را نباید صرفاً یک نهاد نظامی دانست، بلکه اگر بسیج وارد عرصه های علمی و سیاسی نیز بشود، موفق و سربلند بیرون می آید»⁽⁴⁾.

ص: 279

1- . صحیفه نور: ج 21 ، ص 194 - 195 .

2- . مجله آزاد: 2 آذر 1378 .

3- . صحیفه نور: ج 11 ، ص 275 ، سخنرانی 21 اسفند 1358 .

4- . روزنامه قدس: 3 آذر 1377 ، سخنرانی هفته بسیج .

1. استفتائات، امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
2. السیره النبویه، ابن هشام، بیروت، دارالقلم.
3. المبسوط فی فقه الامامیه، شیخ طوسی، المکتبه المرتضویه، 1357 .
4. المغازی، محمد بن عمر واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج دوم، مرکز نشر دانشگاهی، 1369 .
5. روزنامه اطلاعات، 7 آذر 1383، «بسیجی بودن یک ارزش محوری و پایدار است».
6. روزنامه جمهوری اسلامی، 7 تیر 1377، «اردوهای بسیج محفل خودسازی جوانان و نوجوانان».
7. روزنامه قدس، 3 آذر 1377، «سخنرانی مقام معظم رهبری در هفته بسیج».
8. سیمای مسجد، رحیم نوبهار، قم، اعتماد، 1373 .
9. صحیفه نور، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
10. مجله آزاد، 2 آذر 1378 «بسیج فرهنگ بارز انقلاب اسلامی».
11. مجله جوان، 24 شهریور 1383، «بسیج در نگاه آماری»، کیوان محمدی.
12. منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، زین الدین بن علی عاملی (شهیدثانی)، ج دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1414 ق.
13. وسائل الشیعہ، شیخ حر عاملی، چ ششم، اسلامیه، 1413 ق .

چکیده

مسئله نوشتار حاضر، تحلیل جایگاه و نقش مسجد به عنوان عامل مؤثر در تشکیل، تغییر شکل و رشد و توسعه شهرهای مسلمان نشین، از حد محلات تا کل شهر و اثبات پیوند ساختاری مسجد با ساختار کلی شهر و محله ضمن دارا بودن ابعاد معنوی - مادی است. در این راستا، با در نظر گرفتن دیدگاه کل نگرانه ای نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات، طراحی و معماری شهرها و محلات، همچون یک عنصر منفرد معماری نگریسته نمی شود، بلکه با توجه به نقش اعتقادی و تاریخی مسجد و تغییرات جامعه سنتی به جامعه امروزی در عین حال، در قالب راه حل های شهرسازانه، در کلیت به توسعه فضایی - کالبدی محلات است چرا که مسجد همواره جزء لاینفک شهر مسلمان نشین و بیش از آن، عنصر تشکیل دهنده و هدایت کننده تغییرات و توسعه شهری بوده و حتی مبنای تمایز شهر از روستا به شمار می رفته است.

این مقاله، با در نظر گرفتن مسجد به عنوان هویت مشترک شهرهای اسلامی با ساختار و الگویی یگانه، به تأثیر مسجد بر رشد و توسعه بعد معنوی و فکری شهرها و محلات پیروی ساختار شهری از نظم خاص در احداث خانه های موجود در محلات به واسطه از میان رفتن تضاد میان فضای درونی و بیرونی و به طور کلی نقش مسجد در ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی و آرام سازی سیمای ساختاری محلات و بهینه سازی توسعه شهری در راستای ایجاد

مناطق و محلات پویا و زنده شهری و ساماندهی ساختار فضایی - کالبدی محله ای می پردازد. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: ساختار محله ای - توسعه فضایی و کالبدی - ساخت اکولوژیک شهری.

مساجد هویت مشترک شهرهای اسلامی

در تمدن اسلامی، مساجد علاوه بر این که عامل اصلی تشکیل شهرها بوده اند، تعیین کننده الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی به شمار می رفتند.

شهرهایی که به دست مسلمانان تغییر شکل یافتند یا احداث شدند، حیطة وسیعی از اقیانوس اطلس تا شبه قاره هند را در بر گرفته اند و علی رغم تنوع اقلیم و فرهنگ های بومی،

با ساختار و الگویی یگانه ظهور نموده اند که مساجد در این فرآیند نقش کلیدی را برعهده داشته اند. از آن لحظه که شهرها و محلات و مساجد یگانه می شوند، دین و دنیا دیگر دو مقوله مجزا از یکدیگر نیستند. مساجد، شهرها و محلات، در راستای مشترک جهت دارند به نحوی که شهرها و محلات از آن جایی آغاز می گردند که مسجد پایان یافته است. برخلاف دیگر اماکن مذهبی نظیر کلیساها، در مساجد که حاصل کار معماران آگاه و عارف می باشند، تضاد میان فضای درونی و برونی اماکن از میان رفته است. به عبارت دیگر، میان مسجد و جامعه اسلامی پیوندی پیوسته وجود دارد، چنان که صحن مساجد معمولاً دارای درها و دروازه هایی است که از دو یا سه طرف، ارتباط مردم محلات را با مراکز شهر و بازار تسهیل می نماید. (1)

مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه ای از جهان که باشد، مسجد از مفهوم خاصی برخوردار است. هر فرد حداقل طی پنج نوبت در طول شبانه روز از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه خدا ساخته و در صورت عدم حضور در مسجد جهت ادای فریضه نماز هم راستا

ص: 284

با موقعیت جغرافیایی مسجد که در مسیر قبله تأسیس یافته است، قرار می‌گیرد. این فضای والا و متعالی، معرف نظامی از اصول، ارزش‌ها و معیارهای مقدس امام مشخص و دقیق است؛ ارزش‌های اصیلی که بر جامعه‌ای اسلامی حاکم بوده، فراتر از زمان و مکان جغرافیایی بوده و امت واحده را در اذهان تداعی می‌نماید. در صورت تقویت این مشترکات، همان بنیان مرصوص که قرآن بر آن تأکید می‌نماید به وجود می‌آید. وحدت استواری که بر معماری شهرها و محلات اسلامی اثر گذارده و مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم را پدید می‌آورد. در این جاست که نقش کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت مساجد بر واحدهای مسکونی محلات تأثیر گذارده و کیفیت زندگی سالم را ارتقاء می‌بخشد. شهرهای اسلامی سنتی، براساس احساس دینی از زندگی، استقلال هر مؤمن، حرمت حریم خانواده‌ها و اهمیت خلوت‌گزینی شکل گرفته است. این طرز تلقی از زندگی کاملاً در ساخت اکولوژیک شهرهای اسلامی مؤثر بوده است که مرزهای پردوام محلات و خانه‌ها، بن بست بودن کوچه‌ها و محلات، انتخاب نوعی استقلال در واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همه مردم محله، نمونه روشن آن است. چیزی که اخیراً در باغ شهرهای اروپای شمالی متداول گردیده است. شهر اسلامی پیش از آن که منزلگاهی برای قافله‌های عازم نواحی دوردست یا دژی برای حمایت از مؤمنان در برابر هجوم دشمنان باشد، مأمّن شیوه‌ای از زندگی بود که در آن همگان در تصمیم‌گیری و اجرای امور به ویژه در سطح محله‌ای، مشارکت داشته و مساجد به عنوان میعادگاه چنین مشارکتهای و تجمعاتی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بودند.

دیدگاه کل‌نگرایانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات

اصول معماری اسلامی ایران را که رأس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد را می‌توان به پنج اصل به شرح ذیل تقسیم نمود:

1 - مردم‌داری، به معنای داشتن مقیاس انسانی است، که می‌توان آن را در عناصر مختلف معماری اسلامی ایران مشاهده نمود.

به طور مثال، اگر سه دری را که همان اتاق خواب است در نظر بگیریم، اندازه آن

برحسب نیازهای مختلف یک زن، مرد و کودک یا کودکان آنان در نظر گرفته شده است.

2 - نیارش که به مجموعه چیزهایی که بنا را نگاه می‌دارد، اطلاق می‌گردد. نیارش شامل استاتیک بنا، علم ساختمان یا فن ساختمان و مصالح‌شناسی در آن است.

3 - خود بسندگی بدین معناست که سازندگان بنا سعی می‌کنند تا مصالح مورد نیاز را از نزدیک‌ترین مکان‌ها و با ارزان‌ترین بها بدست آورند.

4 - دون‌گرایی، در ساخت یک بنا و نحوه ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می‌گردد. بدین معنا که بنا به گونه‌ای ساخته می‌شود که همه فضای درونی آن با هم ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. به دلیل موقعیت و وضعیت خاص بسیاری از مناطق ایران یعنی خشکی، بادهای مختلف، شن‌های روان و... بناهای درون‌گرا رایج شده است. (1)

در یک نگاه به معماری ایران، می‌توان گفت که ایران در هنر، معماری و ادبیات خود، مجذوب‌پرهیز و پروا از سنگینی است و همین امر، بهتر از هر چیز دیگری معرف ویژگی آن است. در این جاست که معمار ایرانی با پیروی از اصول معماری اسلامی و به ویژه معماری مساجد، در جستجوی زیبایی‌فکر و بیان و بیش از آن، احساس راحتی و سبکی در احداث خانه‌ها در ساختارهای محله‌ای است. (2)

پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات

در شهرهای اسلامی، معماری مساجد، معماری مرکزی شهرها و محلات است. هنگامی که معماری کوفه به علی‌علیه السلام سپرده شد حضرت ابتدا مسجد کوفه را بنا ساختند. براساس سنت اسلامی پس از مسجد، مدرسه و سپس بازار را احداث می‌کردند.

در تمدن‌های اسلامی، براساس سنن اسلامی سعی شده است تا هنگامی که تقسیم وظایف و گستردگی امور سبب شده تا ساختمان‌های مجزایی به وجود بیایند، حداقل با فضاسازی مشابه معماری مسجد، فضای معنوی مسجد به آن مراکز انتقال داده شود.

ص: 286

1- . پیرنیا، معماری اسلامی ایران: ص 91 .

2- . آثار ایران: ج 3 - ص 37 - 36 .

در تمامی شهرهای سنتی چه در ایران و چه در کشورهای عربستان، مصر، سوریه و حتی شمال آفریقا و هند شاهد آن هستیم که در شهر و محله ای با هویت اسلامی، پس از مساجد که نماد مرکزی هر شهر یا محله ای هستند، خانه ها با همان قوس ها و مقرنس های معماری مساجد به وجود آمده و همان فضای مساجد را تداعی می کنند. در بنای بسیاری از مساجد، هنرهای گوناگونی با هم در آمیخته و زیربنایی خاص به معماری آنها داده است. معماری در توازن اجزاء کوشیده، نقاشی به الوان کاشی ها و نقوش توجه کرده، و خوشنویسی الواح و کتیبه ها را جلوه و جلا بخشیده است. علاوه بر شعر، موعظه ها و موسیقی نیز برای آنکه از دیگر هنرها باز نماند، در صدای مؤذن، بانگ قاری و واعظ مجال جلوه گری یافته است. حتی صنایع دستی نیز برای تکمیل و تزئین این مجموعه الهی به میدان آمده اند؛ از این رو اثرگذاری معماری مساجد بر معماری محلات و خانه های موجود در آن، از منظر زیبایی شناسانه مسئله قابل توجهی است؛ چرا که زیبایی محیط بر روان انسان تأثیر مطلوب گذارده، تجربه فضایی محله را تسهیل نموده و در تقویت روابط عاطفی متقابل مؤثر است. وجود تنوع و یا تسهیل ارتباطات اجتماعی میان شخص و گروه در یک محله نیز در زمره ارزش های زیبایی شناختی هستند. از این رو، یکی از اهداف کلان طراحی و برنامه ریزی شهری است. می بایست حفظ و کثرت زیبایی محیط شهری باشد، ایجاد فضای دلپذیر و آرامش بخش در شهر وابسته به عناصر گوناگونی است. رنگ و نور از جمله مهم ترین عناصری هستند که الگوی معماری و طبیعت ساختاری مساجد در بسیاری از موارد، بهترین الگو برای ترکیب رنگهاست؛ اما در شهرهای مدرن و امروزی عناصر طبیعی حضور کمتری داشته و بناهای محلات پیوسته به خاکستری و سیاه نزدیک تر می شوند.

مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان نشین

عده ای از محققین بر این باورند که دین اسلام به واسطه نظام ارزشی خود، الگوهای رفتاری، نقش سازمان های اجتماعی و مردمی نظیر مساجد در محل سکونت مسلمانان و مورفولوژی سکونت گاه های انسانی را تعیین نموده است. برای این عده، شهرهای اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها با درک اصول و قوانین اسلامی است که می توان با اکولوژی شهرهای

اسلامی آشنا شد. در عوض، برخی محققین نیز به جای استفاده از عنوان شهرهای اسلامی، به مفاهیم حاصل از اسلام در شهرها معتقد می‌باشند. از اوایل دهه 1960، اعتراض به بازنگری نسبت به تکنولوژی مهار نشده و اثرات آن در محیط زیست، به ویژه انطباق نوع تکنولوژی بر محیط زیست و بازنگری به تکنولوژی پیشرفته و نتایج حاصل از تخریب محیط زیست، کاملاً با اصول و معتقدات اسلامی پیوند می‌خورد. جهان و تعادل‌های فوق‌العاده حساس محیط

زیست که آفریدگار جهان آن را سامان داده است، امروزه در غرب به عنوان نظام اکولوژیک، بحث‌هایی را موجب گردیده است. انسان با نظام اکولوژیک نمی‌تواند معامله کند. نمی‌تواند در آن مداخله نماید، آن را تضعیف نموده و در نهایت به تعادل‌های اکولوژیک آسیب رساند. این طرز تفکر اکولوژیک، کاملاً با نظام جهان و تعادل‌های حساس محیطی منطبق است. بی‌جهت نیست که در اعتقادات اسلامی بر تکنولوژی میانی و شایسته محیط زیست تأکید شده و سعادت انسان را در آن می‌یابد که در یک محیط هماهنگ با محیط طبیعی و یکدلی با آفریدگار این نظام اکولوژیک زندگی کند. چنین است که در اعتقادات اسلامی، انسان مسئول حفظ و نگهداری تعادل‌های محیطی است. در گذشته که اصول و اعتقادات اسلامی، محیط زیست شهری و معماری شهرها و محلات را تعادل و توازن می‌بخشید، ناشی از این طرز تفکر اسلامی بود. ناحیه‌گرایی در شهرهای اسلامی، ساخت اکولوژیک شهرها و محلات و محیط زیست شهری را آسیب‌پذیر ساخته و وصله‌های ناجوری به عنوان شهرک‌های جدید با محلات جدید را پدید آورده است که تعادل‌های محیطی را بر هم زده‌اند. معماری اسلامی که نماد اصلی آن بنای مساجد است، با خلق یک اثر به صورت میدان، محله، ساختمان، آن را به عنوان یک تولید فیزیکی که می‌تواند خادم نسل‌های بسیاری باشد به وجود آورده و در ساخت آن روح و فرهنگ مردم و شیوه زندگی آنان را دخالت می‌دهد.

مساجد و بهینه‌سازی توسعه شهری و محله‌ای

نقش مساجد در بهبود و بهینه‌سازی توسعه شهری و محله‌ای در راستای ایجاد منطقه یا محله فعال و زنده شهری از لحاظ کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت تأمین مطلوب نیازها

و خواسته های شهروندان به ویژه حفظ هویت و احیای فضاها و ابنیه قدیمی و تاریخی ارزشمند از یک سو و ارتقای توان تولیدی شهر یا محله و استفاده بهینه و به هنگام از زمین و تولید اراضی شهری مناسب جهت توسعه شهری و محله ای سازمان یافته و اصولی با تعیین کاربری ها و عملکردهای مطلوب از سوی دیگر، یا به عبارت کلی تر سازمان دهی ساختار فضایی - کالبدی محله ای و استفاده بهینه و به هنگام از پتانسیل ها و قابلیت های بالقوه محله ای و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید شهری از اهمیت به سزایی برخوردار است.

مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات

در نگاهی کلی، اماکن مقدس و مذهبی به منزله تکرار کار نمونه خدایان در ادیان و آیین های مختلف است. به معنای دیگر هر مکان یا شیء که مورد تقدیس قرار می گیرد، سمبل و نماد تجلی نیروهای غیبی و الهی یا اولیاء الهی می گردد. همانندی معابد و اماکن مذهبی به کوه های کیهانی از این اعتقاد نشأت می گیرد که کوه مرکز جهان است. آنجا که کوه، زمین و آسمان را به هم پیوند می زند، به یک معنا آسمان را لمس می کند، فرازترین نقطه جهان را مشخص می سازد. کوه می تواند نمادی برای اتصال به مبدأ و جهان ماوراء الطبیعه باشد. در شکل ظاهری بسیاری از معابد و اماکن مذهبی معمولاً به عنوان نماد پیوند میان آسمان و زمین مورد توجه بوده است. در تمدن های بزرگ شرقی - از بین النهرین و مصر تا چین و هند و در تمدن های اسلامی، معابد و اماکن مذهبی، ارزش مهمی داشته اند. معابد و اماکن مذهبی منحصرأ تصور جهان نبوده، بلکه به نمایش دوباره دنیای نمونه خارج از جهان مادی نیز تعبیه شده اند.

میرچا الیاده براین باور است که جهان به عنوان کیهان به همان اندازه که خود را به عنوان یک جهان مقدس آشکار می سازد، درک پذیر می شود. (1)

از این رو انسان معتقد به مذهب و دین، هرگونه تصمیمی که برای استقرار در مکانی می گیرد، این تصمیم گویای این باور مذهبی است که کیهان کوچکی همانند ساختن آن با جهان برین که متعلق به ارواح قدسی و فرشتگان است، تقدیس نموده و غم غربت خود را کاهش

ص: 289

1- . الیاده، میرچا - مقدس و نامقدس (نصرالله زنگویی: ص 47) .

می دهد. آرزوی او این است که با قدسیان و خدای خود پیوند داشته باشد. از این رو معابد و مراکز مذهبی را تجلی این پیوند می داند. و شهرها و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به آن همراه دیگر مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می آورند. در شهرهای اسلامی، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرار گرفته اند. در واقع مسجد همچون چشمه ای با صفا جویبارهای معنوی خود را به سوی محلات و اماکن جاری ساخته و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می نماید. (1)

فضاهای شهری، خانه ها، محلات و معابد از ارزش هایی تأثیر پذیرفته اند که در مسجد بر آن ها تأکید شده است. خانه شخصی، فضای داخلی بسته ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می آید. پنجره ها کمتر به خانه های مجاور و کوچه ها اشراف دارند. البته پنجره ها چنان مشبک تهیه گردیده اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله ای را نظاره گر باشند بدون این که خودشان دیده شوند. کوچه ادامه خانه است و به عنوان دالان تلقی می گردد، تا آن که معبری برای داد و ستد، گردش و وقت گذرانی باشد. شهرهای اسلامی کهن، هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه

را مشخص نمی نماید؛ چرا که پیوستگی و تداخل پیچیده ای میان مسکن فقرا و اغنیا وجود دارد. آن چه که محلات زیبا را از خانه های ساده تر تفکیک می کند، وجود مجموعه های ساده، متوالی و متحدالشکل است در صورتی که در نوگرایی جدید، منطقه بندی و تقسیم بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می نماید. در شهر اسلامی هر چند از اماکن مذهبی نظیر مساجد، فاصله گرفته می شود، دایره گسترده تر شده و از فشردگی آن کاسته می شود.

وجود مساجد در محلات و شهرهای اسلامی در مجموع، ناپایداری و فناپذیری و موقت بودن امور مادی را ترویج نموده و بر ارزش های معنوی تأکید دارد. (2)

ص: 290

1- . بمات، شهر اسلامی: ص 11 .

2- . بمات، شهر اسلامی: ص 116 .

مساجد در شهرها و محلات اسلامی، به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده اند که بیش از هر چیز، تلفیق حجم هماهنگی محیط و تداوم فضایی را برای شهروندان جلوه گر می سازد. مساجد هیچ گاه از یک ورودی برخوردار نیستند، در حالی که غالباً می توان ورودی اصلی آن ها را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یادآور شد که راه یابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن از شاخه های گوناگون فضای مسکونی مسجد، مطلبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند زده است. (1)

در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارت گاه ها و تکایا، چنان در چشم اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می شوند که در غالب آنها تنها ساختمان های مرتفع شهری، این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری و محله ای، نقش مسجد آن قدر تعیین کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می دارد، به پاره ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی دهد و در عین حال برخی حرفه ها را به شدت جذب می کند. (2)

شهر یا محله ای که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پی گیر تحقق معماری مذهبی بوده اند، جامعه ای را به یاد می آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشد. در این صورت تمامی ساختار شهر یا محله، یک خانه را تشکیل می دهد. از این جهت برای نشان دادن جامعه شهری (بیت الاسلام) مطرح گردیده و در حقیقت بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی و کالبدی تفوق می یابد. (3)

در محلات سنتی، در پرتو مشترکات درونی و هماهنگی افراد در برگزاری آیین های مذهبی و فرهنگی که غالباً در مساجد محل برپا می گردد، افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر

در خود احساس می کنند. بزرگ و ریش سفید محل که معمولاً انسان متدین، سالخورده و دارای شهرت اجتماعی بالا و منزلت والاست، در جهت اتحاد و ایجاد تفاهم میان اهل محل می کوشد و از نزاع ها و کدورت ها تا حد امکان جلوگیری می کند. ساکنین محل به احترام وی، رفتار خویش

را اصلاح و کنترل می نمایند و می کوشند تا هنجارهای مذهبی و سنتی را حفظ کنند.

ص: 291

1- . فلا مکی، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی: ص 58 .

2- . شکویی، جغرافیای شهری: ج 2، ص 405 .

3- . بمات، شهر اسلامی: ص 88 .

همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می یابد، مرزبندی های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل برده و گروه های غنی در کنار افشار کم درآمد، در نهایت صلح و صفا زندگی می کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت نموده اند، زیرا کوشیده اند در ساختن خانه، همسایه های خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نساخته و زمینه های نگاه توأم با گناه را در ساخت و سازها فراهم نمایند. ورودی خانه ها و پوشش روی پلکانی که به بام منتهی می گردد، از محراب مساجد و آجرکاری ایوان های اماکن مذهبی الهام گرفته اند. کمتر خانه ای را می توان مشاهده کرد که از خانه های مجاور ارتقاع بگیرد. در این چنین محله هایی، میزان جرایم، بزه کاری و کج روی های اجتماعی ناچیز و قابل اغماض است. احساس تعلق مردم به فضاهای با ارزش مذهبی، از مشکلات و تنش های روانی آنان می کاهد و روح امید و آرامش را در ساکنین آنها تقویت می نماید. (1)

در سیمای شهرها و محلات جدید، اعم از ایران و دیگر کشورهای اسلامی معماران و برنامه ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت ساز و تعیین کننده زلال فرهنگ قرآنی و سنت های دینی و بومی مساجد بیگانه گشته اند و بیش از آن که مبلغ مفاخر و سبک های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه های غربی و مادی گرایی و گرایش های اقتصادی را در ساخت شهرها و محلات مدنظر قرار داده اند که ارمغان آن، پیدایش ناهنجاری های اجتماعی - فرهنگی، فساد و ابتذال، نابسامانی های خانوادگی و جلوگیری از روند آرام سازی سیمای ساختاری محلات می باشد.

مساجد و آرام سازی سیمای ساختاری محلات

قرار گرفتن عمده مساجد محلی در مسیرهای دسترسی و برخورداری این مراکز از خدمات جانبی نظیر پارکینگ اتومبیل و خیابان های عریض جهت فراهم آوردن امکان تخلیه ترافیک در معابر جانبی و برخورداری این مراکز از اماکن سرویس دهی هم زمان به کلیه مراجعه کنندگان،

ص: 292

علاوه بر اینکه برای ساکنین محلات مشکلاتی را ایجاد نمی نماید بلکه چنین طراحی شهری از مساجد، به تناسب توسعه فضایی با کارکردهای محله ای و آرام سازی سیمای ساختاری محلات منتهی می گردد.

مساجد و ساختار منظم خانه های مستقر در محلات

در بررسی های به عمل آمده از قدیمی ترین مساجد ایران، این گونه به نظر می رسد که مرکزیت و محوریت مناطق مسکونی با مساجد بوده و در مکان یابی مساجد سعی گردیده که این اماکن جهت کلی شهر و ساختمان های مسکونی را مشخص نمایند.

در بررسی بافت قدیمی اکثر شهرهای ایران، جهت جغرافیایی تمامی ساختمان ها خصوصاً ساختمان های مسکونی هم جهت با مسجد و هم مسیر قبله بوده و عموماً مساجد دارای درب های مختلف در سه امتداد غیر قبله می باشند؛ به صورتی که دسترسی به این مراکز در هر مسیری امکان پذیر باشد. مهمترین نقش مساجد در توسعه فضایی و ساختاری محلات شهری در این است که چون مساجد اغلب به عنوان مراکز عمومی فرهنگی - مذهبی به شکل یک مجتمع برخوردار از کلیه امکانات فرهنگی اعم از سالن مطالعه، کتابخانه، سالن اجتماعات و صحن و رواق طراحی گردیده اند، از این رو، امکان انجام هرگونه فعالیتی در این مراکز در

جهت اشاعه فرهنگ دینی و رفاه حال افراد ساکن در محلات شهری فراهم می باشد که این خود به طراحی محیط سازمان دهی شده با کارکردهای متعدد در نظام محله ای منتهی می گردد.

آسیب شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات

در حال حاضر از نظر جغرافیایی و فیزیکی، ساخت مساجد، در کوچه و پس کوچه ها و مناطق کاملاً دور افتاده واقع شده و در مسیر زندگی عادی افراد ساکن در محلات قرار نمی گیرد. از نظر محتوایی نیز مسجد باید محور بسیاری از فعالیت ها قرار گیرد. در گذشته به این صورت بوده و مداس علمی و حوزه های علمیه در کنار مساجد و در صحن و حیاط مساجد ساخته می شدند. بسیاری از مراکز درمانی و آموزشی با مساجد در کنار مساجد بودند؛ به نحوی که اگر

به عقب بازگشته و معماری اصیل برگرفته از آموزه های دینی خود را بررسی نماییم، خواهیم دید که مساجد به واقع محور اصلی معماری شهری و محله ای بوده و در حقیقت معماری ما، معماری مسجد محور بوده است. کلیدی ترین ساختمان ها پیرامون مساجد ساخته شده و محل ساخت مساجد در یکی از بهترین نقاط آبادی، شهر و محلات تعیین می گردید. به طور کلی می توان گفت که در گذشته محوریت به تمام معنای معماری ما با مساجد بوده است و این در حالیست که در حال حاضر فهم این مطلب کمی دشوار شده و عادت کرده ایم که مساجد را مستقل و جدا از بافت شهری و بدون در نظر گرفتن تأثیرگذاری معماری آن بر بافت شهری و محله ای تعریف نماییم.

- 1 - عرفان، محمد هادی، معماری مسجد، ص 5.
- 2 - پیرنیا، معماری اسلامی ایران، ص 91.
- 3 - آثار ایران، ج 3، ص 36 - 37.
- 4 - الیاده، میرچا - مقدس و نامقدس (نصرا... زنگویی، ص 47).
- 5 - بemat، شهر اسلامی، ص 11، 116، 88.
- 6 - فلامکی، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص 58.
- 7 - شکویی، جغرافیای شهری، ج 2، ص 405.
- 8 - کوثری، مشارکت فرهنگی، ص 194.

ص: 295

اشاره

چکیده

در مطالعه حاضر، مسئله اصلی، تحلیل نقش مسجد به عنوان گسترده ترین شبکه فراگیر اجتماعی و نقش آفرینی آن در مدیریت ارتباطات اجتماعی و تأثیر آن در توسعه شهری به ویژه محله ای با ظرفیت و پتانسیل بالا است.

جایگاه مسجد در ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن و حل مشکلات موجود شهری و محله ای - منتج از شهرنشینی و نوگرایی، در جهت برخورداری از جوامع سالم به ویژه در سطح محله ای، مسئولیت این نهاد در اجرای عدالت اجتماعی به واسطه مدیریت در توزیع متناسب بیت المال و از میان بردن فقر و تبعیض میان افراد سطوح مختلف جامعه، نقش مسجد در انعکاس نقطه نظرات و پیشنهادات مردم شهرها و محلات به مسئولین و تأثیرگذاری بر روند تصمیم گیری و مدیریت خرد کشور متناسب با نظرات و خواسته های مردم و مطرح بودن جایگاه آن به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت امت اسلامی و تأثیر آن در غنای مدیریت و استاندارد سازی زندگی انسان در جنبه های فردی و اجتماعی است. در مقایسه با سایر شاخص های مدیریتی که عمدتاً از زاویه و چشم انداز خاص مدیریت فرهنگی، آموزشی و... را مدنظر قرار می دهند، امروزه نقش مدیریتی مساجد که با تمامی قلمروهای پیچیده انسانی اعم از آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سر و کار دارند از اهمیت به سزایی

برخوردار گردیده و بر اهمیت نقش بارز مدیریتی مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی و مراکز دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه اداره حکومت همان گونه که پیامبر اکرم بدان تأکید داشت، بیش از پیش افزوده است. هدف مقاله حاضر، معطوف داشتن توجه به نقش مسجد در افزایش فشرده‌گی کالبدی در توسعه شهری از نظام مدیریت شهر محور به مدیریت محله محور و ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره‌گیری از وجود مساجد و اماکن مذهبی در مراکز محله است. مقاله حاضر به سامان دادن مدل‌های ذهنی و ساختار ذهنیت مدیران شهری از طریق برقراری ارتباط با نهادها و تشکل‌های مردمی نظیر مسجد و کانون‌های فرهنگی مستقر در آن و گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا و فراهم آوردن رفتار توسعه یافته در تمامی دست‌اندرکاران اداره شهر و محلات تهران، می‌پردازد. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: توسعه شهری - مدیریت خرد - مدیریت محله‌ای - تشکل‌های مردمی - تفکر نظام‌گرا.

نقش مدیریت در زندگی اجتماعی

صاحب‌نظران علم سازمان و مدیریت بر این اعتقادند که جوامع امروزه بشری، همراه با گسترش روابط اجتماعی، توسعه صنایع و دگرگونی ارتباطات، اختراع وسایل جدید زندگی و تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی بشر به همراه شاخص‌های دیگر که برای تأمین نیازمندی‌های روزافزون اجتماع پا به عرصه وجود نهاده‌اند، مسایل مدیریتی و تئوری‌های جدیدی را مطرح نموده است که حل و فصل آنها نیاز به دید علمی و جامع مدیریتی دارد.

با توجه به کمبود منابع مادی و انسانی و توسعه روزافزون سازمانی در جهت تولید و توزیع کالا و خدمات به اقتضای پیشرفت‌های تکنولوژیک و تکامل و تحول ارزش‌های فرهنگی و مذهبی ضرورت رفتار عقلایی و خردگرایی سازمانی را مشهود می‌سازد.

ماکس و بر خردگرایی را متضمن طرح ریزی و ایجاد یک سیستم اداری از طریق تقسیم

کار و هماهنگ کردن فعالیت ها براساس بررسی منظم روابط یک فرد با افراد دیگر به منظور بدست آوردن بهره وری بیشتر می داند. (1)

با مشاهده سیر تکاملی جوامع بشری پی می بریم که ادامه زندگی انسان بدون وجود سازمان و تشکیلات اجتماعی امکان پذیر نمی باشد، زیرا در آن روزی که انسان پا به عرصه

وجود نهاد و زندگی خویش را آغاز کرد، بطور فطری نخستین واحد سازمانی را به نام (خانواده) تشکیل داد. (2)

از دیگر نهادها و سازمان های اجتماعی که عمری بس طولانی داشته و احتمالاً از نظر قدمت چندان فاصله ای با سازمان خانواده نداشته باشد (سازمان حکومت) یا (سازمان مدیریت) است چرا که بشر در آغاز احساس کرد که نیاز به تشکیلاتی دارد که در قالب آن وظایف و مسئولیت ها را مشخص نماید. امروزه که زندگی و آگاهی های علمی بشر توسعه یافته و نیازهای گوناگون انسانی، سازمان های متنوعی را می طلبد به اهمیت سازمان افزوده شده است تا جایی که دنیای پیشرفته، انواع و اقسام سازمان ها را برای اداره امور زندگی خود به وجود آورده است.

سازمان های تربیتی و پرورشی، سازمان های اخلاقی و انسانی و... که هر یک از آنها با طبایع مخصوص به خود انجام وظیفه می نمایند. با توجه به اهمیت، تعاریف و شاخص های سازمان از نظر صاحب نظران علم مدیریت و با نگاهی به فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم است با سازماندهی و سازمان با دیدی عمیق نگریده می شود.

تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، دامنه اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، همه از جمله مسایلی هستند که جهت نیل به سعادت و سیادت و توسعه در نظام اسلامی از ضروریات زندگی اجتماعی به شمار می روند. امروزه آمار و سنجش های آماری، نقش مهمی در برنامه ریزی ها و مدیریت عرصه های مختلف بازی می کنند. چگونگی و ساختار برنامه ها را آمار مشخص می کند از این رو به دلیل گره خوردن این دو مقوله و ارتباط مستقیمی که با هم دارند آنها را در کنار هم در نظر گرفته اند. در مباحث جامعه شناسی گفته می شود

ص: 299

1- . اقتداری، سازمان و مدیریت: ص 2 .

2- . بروس کوئن، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، 740، ص 127 .

که هرچه آمار دقیق تر و مشخص تر باشد، از عملکرد دقیق تر و مشخص تری در برنامه ها به ویژه برنامه های مدیریتی برخوردار خواهیم بود. بررسی نسبت جمعیت منطقه یا محله و خدمات رفاهی و اجتماعی آن، داشتن درک درست از سرانه مصرفی مردم هر محله و تدوین آمار کسبه و سکنه هر محل و یا آمار مساجد و کانون های فرهنگی محله ای و نسبت آن با جمعیت و سکنه هر محله دقیقاً همان نقشی را در برنامه ریزی و مدیریت شهری و به ویژه محله ای ایفا می نماید که عقربه های ساعت در مشخص کردن زمان.

به طور کلی می توان گفت که مبنای برنامه ریزی و مدیریت در امور محله ای و منطقه ای باید در قالب برنامه ریزی بر مبنای آمار صورت گیرد. با درک هرچه بیشتر تبعات آمار محلی به عنوان مثال دانستن آمار درستی از میزان مصرف افراد در هر محله، بی شک امر برنامه ریزی و مدیریت برای جهت دهی به مصرف و عرضه خدمات نیز روشن تر می گردد. به عنوان مثال با در دست داشتن آمار نمازگزاران هر مسجد در محله های مختلف، با توجه به نسبت جمعیت ساکن در هر محله، می توان درک درستی از شرایط مذهبی و فرهنگی آن محل و میزان موفقیت مساجد در مدیریت محله ای به دست آورد.

مدیریت در سطح کلان شهری

در جهان امروز، شهرها ابعاد پیچیده ای یافته و گویی که هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. شهرها همچون یک نظام، با موجودیت خود به عنوان تنظیم کننده گان روابط عینی اجتماعی شهروندان و اثرگذار بر زمینه های باورها، اندیشه و رفتار آنان عهده دار نقش متفاوتی نسبت به گذشته هستند. طی دهه های اخیر حساسیت این موضوع بسیار فراتر از گذشته به چشم می خورد. چه اینکه شهرها تجسم عینی ایده آل ها، آرزوها، نگرش ها و مناسبات اجرایی یک جامعه شده و چه بسا مؤثرتر از نظام های آموزشی و اطلاعاتی کل کشور، به صورتی عمیق و نامحسوس، تار و پود وجودی شهروندان را می سازند. اتکای مردم به نظام مدیریت شهری ابعاد فزاینده ای یافته است، به گونه ای که ابتدیی ترین نیازهای آنان بدون پشتیبانی مدیریت شهری برآورده نمی گردد.

از این روست که در دنیای امروز، شهرداران در ردیف مدیران اصلی اداره کننده حکومت ما محسوب می گردند. کلان شهر تهران در کشور ما ابعاد بسیار پیچیده و مسایل بسیار گسترده ای را یافته است. این شهر مرکز و کانون فعالیت های گوناگون در جامعه ایران گردیده است. تهران به عنوان مرکز حکومت، اقتضای ساماندهی سیاسی و مدیریتی جامعه را در وسیع ترین شکل ممکن یافته است، به گونه ای که بخش عظیمی از دستگاه های اندیشه ساز، پردازش گر اطلاعات و تصمیم ساز و کلیه نهادهای تصمیم گیر در این شهر استقرار یافته اند.

تصمیم سازی و تصمیم گیری در گرو فضای متعادل و آرامی است که اجازه شکوفایی فهم و تعقل را بدهد. بیش از پیش به نظر می رسد که تهران از آرامش برخوردار نبوده و مرکز اصلی اداره کننده کشور از توازن و بالنده سازی کارشناسان و مدیران جامعه دور می شود. کلان شهر تهران در درون خود بسیاری از چیزها را جا داده است که در یک کلام نظام تکاملی (ناهنجار) به نظر می آیند. حل مسایل این شهر صرفاً به اتکای داده ها، اطلاعات و دانش کلاسیک امکان پذیر نبوده و ضرورت ساماندهی فهم و تعقل صاحب نظران و نخبگان فکری جامعه و شهروندان این شهر را طلب می کند. کلان شهر تهران را به عنوان یک (شهر پایدار) می باید نگریست. شهر پایدار در نظام جمهوری اسلامی ابعاد متعادل و ظریف تری می یابد و نظام مدیریت شهری عهده دار فراهم آوردن شرایطی می گردد که در چارچوب آن شهروندان از آرامش روحی برای توسعه نیایش و آسایش ذهنی جهت گسترش اندیشه و سلامت جسمی برای تلاش و فعالیت اجتماعی جهت نیل به توسعه شهری - محله ای برخوردار گردند. بدین ترتیب نقطه آغازین مدیریت شهری در تهران، به اجرای طرح جامع 25 ساله و ارایه خدمات شهری محدود نگردیده بلکه نیازمند فلسفه مدیریتی است که در جهت اعتلای اهداف برشمرده، در تعامل گسترده با شهروندان به نتیجه برسد چرا که بر این اعتقاد راسخ هستیم که اکثریت شهرها، تولید و مصرف را متمرکز ساخته و الگوهای ناسازگار با طبیعت را اشاعه داده اند، اما همین شهرها در محیط تمدن ساز خود، بزرگترین نوآوری و فرصت های تحول را با جمع آوری و تضارب افکار، منابع و دانش بشری فراهم آورده اند. سامان یافتن مدیریت کلان

شهر تهران در گرو اقدامات گسترده، پیوسته و همه جانبه ای است که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1 - افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری به جهت معطوف داشتن توجه بر توسعه محله ای.

2 - حفاظت و احیای مراکز باستانی و مساجد مستقر در محلات مختلف شهری.

3 - اصلاح نظام اداری شهری و تغییر نظام شهر محور به نظام محله محور.

4 - سامان دادن مدل های ذهنی یا ساختار ذهنیت مدیران از طریق برقراری ارتباط با نهاد های مدنی و تشکل های مردمی نظیر مساجد در راستای نهادینه سازی تحول و بالندگی در اداره شهر تهران.

5 - گسترش کمی و کیفی تفکر نظام گرا و منظومه ای و فراهم آمدن رفتار توسعه یافته در تمامی دست اندر کاران اداره شهر تهران.

6 - ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره گیری از وجود مساجد، فرهنگسراها، خانه های فرهنگ، مدارس، دانشگاه ها و... به عنوان کانون های توسعه تفاهم اجتماعی و و برقراری امکان تبادل نظر میان این کانون ها و دستگاه های دست اندر کار برای یادگیری جمعی.

دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت

کمتر عاملی به اندازه دین و ایمان در ایجاد تحولات تاریخی و دوران ساز از جمله تشکیل سلسله ها و خاندان های حکومت گر دخالت داشته است.

در کمتر درباری از دربارهای قدیم است که دین داران نقش و نفوذ نداشته باشند. در بسیاری از ادوار تاریخی، بسیاری از شاهان و فرمانروایان برای حکومت خود به حق یا ناحق، الهام یا منشاء الوهی قایل شده اند. کلیسا از بدو تأسیس تا عصر جدید غالباً دولتی در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است. اگر پیوند دین و مدیریت (حکومت) کارنامه ای درخشان نداشته است، از این رو است که غالباً مدیران (حکمرانان) از نقش و نفوذ دین سوء استفاده می کرده اند و گرنه از آنجا که دین غالباً هم عنان با اخلاق است، پیوندش با مدیریت (حکومت) می تواند بارور و به نفع حکومت شوندگان و جامعه بشری باشد. به طور کلی می توان گفت که دین و ایمان از جمله مهم ترین نهادهای اجتماعی - فرهنگی بشر بوده اند. شاید عصر ما عصر بازنگری

و بازگشت به دین باشد. دو قائمه بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری، یعنی پوزیتیویسم (در زمینه اندیشه و علم) و مارکسیسم/کمونیسم (در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه‌گردانی) شکست خورده و برای بشریت رنج دیده امروز، مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های معنوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است، فراهم آمده است. از سده‌های نخستین ظهور اسلام در عامه مجامع اسلامی (مساجد) به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامیت تجلی داشته و آنچه در منظر ابتدایی مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است همانا وجود مناره‌های بلند

و زیبایی مساجد در پیشانی شهرها و محلات مسلمان بوده است. در حقیقت آموزش عملی بنیانگذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدار پایه‌گذاری شده است. در طراحی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی (مسجد) نخستین پروژه‌ای است که معمار نهضت اسلامی در آستانه ورود به یشرب در محله قبا آن را به‌مورد اجرا می‌گذارد. وی با ورود به یشرب نام مدینه را بر آن برگزیده و مسجد دیگری در مرکز شهر بنا می‌نهد. بدین ترتیب می‌نمایاند که برای ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن جهت برخورداری از جامعه سالم از قالب مسجد باید گذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا صبغه الله است بر خود گرفت و آنگاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی (مدیریتی) تشکیل داد و دین و آیین سیاست (مدیریت) را آموخت و دانست که اسلام دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه شهری و محله‌ای است. در مسجد شکاف طبقاتی حذف و نظام برابری و برادری بر آن حاکم است. آنچه که در آن موردنظر است تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش‌های جامعه است. کارکردهای نمونه یک امت بدون تمایز ظاهری حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد به وضوح مشهود است.

مدیریت و اسلام

ابعاد گوناگون زندگی انسانی دو موضوع را به ما ثابت می‌کند که نیاز به مدیریت از لوازم ضروری زندگی و وسیله‌ای برای سعادت او می‌باشد و این ضرورت آنگاه آشکار می‌شود که انسان در ابعاد مختلف فکری و جسمی، اجتماعی و روانی شناخته شود.

دین مبین اسلام، ضرورت مدیریت را تا آن حدی می داند که می گوید قبل از اینکه به کاری اقدام کنید برای خود مدیریت را برگزیند تا در پناه نظم و هماهنگی سریع تر به هدف برسید. (1)

مطالعه تاریخ گذشتگان، ما را به نقش و تأثیر مدیریت در ارتقاء و یا انحطاط ملت ها واقف می گرداند. چه بسیارند ملت هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه های مساعد فکری و مایه های غنی فرهنگی هیچ کمبودی نداشتند، اما به خاطر نداشتن مدیریت مدیرانه و رهبری آگاهانه در راستای برنامه ریزی صحیح و سازماندهی اصولی و استفاده از نیروهای موجود در جهت نیل به هدف، در سراشیبی سقوط و شکست قرار گرفته اند. در مقابل ملت هایی بوده اند که با سازماندهی و بسیج نیروها، و مدیریت منسجم از کمترین امکانات بزرگترین افتخارات را کسب نموده اند. زندگی انسان از آن جهت که یک زندگی اجتماعی است از واحدهای مختلفی تشکیل شده که ما هر یک از آنها را ارگان های نظام اجتماعی می نامیم. با پیشرفت زندگی اجتماعی به تدریج سازمان های جدیدی نیز شکل گرفته است. به دیگر سخن در هر جامعه ای برای انجام وظایف خاصی و رسیدن به اهداف معین یک سازمان بوجود می آید. این سازمان برای انجام مسئولیت خویش، دارای سیستم و کارکرد مخصوص به خود می باشد. در جامعه اسلامی هر مسجد یک سازمان منسجم معنوی است و دارای اهداف، کارکرد و سیستمی مخصوص به خود می باشد و باید به شکل صحیح مدیریت شود تا خود بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی و یا تجاری نیست بلکه سازمانی الهی مردمی است که با مدیریت معنوی و نفوذ کلمه امام جماعت و با حضور توده

مردم سازماندهی می شود. (2)

جام ام گانوس می گوید:

«سازمان عبارت است از تنظیم افراد جهت تسهیل در به ثمر رساندن مقاصد همگانی از راه تجنيس کارکرد و وظایف». (3)

ص: 304

1- . تقوی دامغانی، سید رضا، مدیریت اسلامی: ص 53 .

2- . محمدی آشنانی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد: ص 19 .

3- . پرهیزکار، کمال، تئوری های مدیریت: ص 18 .

در تعریف مدیریت اسلامی آمده است:

«فعالیتی که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر و امامان معصوم و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام یا سازمان در ابعاد مختلف همانند

یک محور و مدار و قطب عمل کند مدیریت اسلامی است»⁽¹⁾.

پیامبر اکرم با ارائه تعریف جدید از دین و دین داری، جامعه نوینی را بر اساس شریعت اسلام پایه گذاری کردند و محور این حرکت را مساجد قرار دادند و همراهی دین و سیاست، دنیا و آخرت، مردم مداری و خداپاوری را در نهاد جمعی، اجرایی و مدیریتی به نام مسجد سازمان بخشیدند و مساجد را به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت در میان امت مسلمان مطرح ساختند.

مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت

از آنجا که در حکومت اسلامی میان مقامات مسئول و توده های مردمی جدایی نیست، و مسلمین می توانند بر مسیر و جهت گیری های حکومت بر روند امور جامعه نظارت کنند، و موضع خود در خصوص مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به طور آشکار اعلام نمایند و با ارائه برنامه ها، طرح ها و پیشنهادات سازنده، حکومت را یاری دهند، براین اساس، پیامبر اکرم پس از بنیان گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه به منظور دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه حکومت (مدیریت) و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمین برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت (مدیریت) و نهاد سیاسی - حکومتی (مدیریتی) اسلام برگزید و از آن پس تجسم عینی همبستگی دین با حکومت (مدیریت) در اسلام به بهترین وجه در مسجد متجلی گردید. پیامبر اکرم در مسجد، اصول سیاسی - حکومتی (مدیریتی) اسلام را با مردمان در میان گذارده و در حل و فصل مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جامعه اسلامی با ایشان مشورت می کرد. پیامبر اکرم

ص: 305

1- . مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت: ص 12 .

همچنین مقدمات فکری - اجتماعی و مدیریت بیشتر غزوات را در مسجد فراهم می نمود. آن حضرت با ایراد خطبه های پر شور، مسلمانان را برای نبرد با دشمنای اسلام بسیج و از همان جا مدیریت می نمود. مساجد در دوران پیامبر اکرم از نظر عملکردهای سیاسی و اجتماعی بسیار فعال بودند و در این زمینه نقش بارزی ایفا می نمودند. در وهله اول از مساجد به عنوان مراکز اصلی حکومت یاد می گردید. باید دانست که دفتر کار خلفای مسلمین نیز در مساجد بود و در آنجا به رتق و فتق امور کشوری پرداخته می شد. هرگاه افرادی برای انجام پاره ای مذاکرات به مدینه می آمدند، در مسجد با خلیفه ملاقات می نمودند. در تاریخ المدینه المنوره آمده است که گروه هایی از فارس به مدینه آمدند و جویای محل جلوس خلیفه دوم شدند. وی را در منزلش نیافته، گفتند: خلیفه در مسجد است. پس بدانجا رفته و او را در مسجد در حالی که هیچ کسی با او نبود، یافتند.

ایشان گفتند: سلطنت واقعی همانا چنین سلطنتی است نه سلطنت کسری. (1)

علاوه بر این مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی به عموم معرفی شده بود. خلفا، انجمن های مشورتی را در مساجد تشکیل داده و در آنجا با مردم یا خبرگان محلی به مشورت و مذاکره در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جامعه اسلامی می پرداختند. به عنوان مثال هنگامی که علی علیه السلام می خواست برای نبرد با سپاه معاویه به شام برود، با مهاجرین و انصار در مسجد پیامبر در مدینه به مشورت پرداخت. ابن ابی الحدید می نویسد: چون فرستاده علی علیه السلام از نزد معاویه بازگشت، امام در مسجد برای مردم خطبه سر داده و گفت: معاویه با سپاه شام برای نبرد و لشکرکشی به سوی عراق خود را مهیا ساخته است. رأی شما در این باره چیست؟ به این ترتیب مساجد در آن روزگار به عنوان مجالس شورای اسلامی نقش بارزی را در مدیریت ایفا می نمودند.

واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن مشارکت و حضور مردم در صحنه های گوناگون اجتماعی از جمله تأمین نیازهای فراوان اجتماعی از ویژگی های جامعه مدنی شناخته می شود. یکی از مفاهیم جامعه مدنی این است که تا حد امکان فعالیت های اجتماعی به خود مردم واگذار

ص: 306

گردیده و از تصدی دولت کاسته شود. حتی المقدور مردم خود داوطلبانه در انجام فعالیت های اجتماعی حضور داشته و در حد ضرورت دخالت کنند. (1)

بنابراین مهم ترین وظیفه مساجد این است که در اعتلای فرهنگ انسان کوشیده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده و از هر فرد جامعه موجودی مهذب بسازد.

در این صورت علاوه بر این که جنبه مشارکت مردم در امور تقویت می گردد، ساختار مدیریتی مساجد منسجم تر شده و توسعه فرهنگ دینی و اعتلای نهادها و فعالیت های دینی در سطح جامعه به ویژه سطح محله ای فراهم می آید. میزان اهمیت عنصر مدیریت در هر نهادی با توجه به نقش ها و کارکردهای آن نهاد روشن و آشکار می گردد. نگاهی گذرا به نقش های گوناگون و مهمی که مساجد باید در عرصه های اجتماعی، عبادی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... ایفا کنند. اهمیت نقش مدیریتی مساجد را روشن می سازد. از یک سو خداوند متعال کافران و مشرکان را از دخالت در اداره امور مدیریتی مساجد بازداشته «ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالكفر» و از سوی دیگر، مؤمنان را که شرایط خاصی دارند برای اداره امور مدیریتی مساجد شایسته دانسته است «انما یعمرو مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر».

مسجد پایگاه مدیریت کشور پیامبر بود. بعدها، علی علیه السلام نیز از مسجد به عنوان پایگاه رسیدگی به امور مملکتی استفاده کرد. نقش مدیریتی مساجد عبارت است از:

اداره روابط اجتماعی از طریق هماهنگ سازی منابع (انسانی، مالی و مادی)، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی و توسعه بشر.

این وظیفه خطیر مستلزم آن است که مساجد با محور قرار دادن بعد عبادی مسجد، هر فعالیتی که تحقق ارزش های الهی و دینی را تسهیل می سازد به انجام رسانند.

این فعالیت ها و کارکردها دارای ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... می باشند که تمامی آنها در جهت توسعه حیات بشر و قربه الی الله صورت می پذیرد. نکته شایان ذکر آن است که با چنین برداشتی، نقش مدیریتی مساجد تبدیل

ص: 307

به حوزه ای پیچیده و ظریف می گردد چه آنکه در این مؤسسه، هم اداره کننده، هم اداره شونده و هم محصول انسان ها هستند. به عبارت روشن تر نقش مدیریتی مساجد با قلمروهای پیچیده فعالیت های انسانی سر و کار دارد که اداره امور آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف می باشد. به عبارت دیگر در مقایسه با سایر شاخه های مدیریتی که عمدتاً از زاویه و چشم انداز خاصی، مدیریت را مدنظر قرار می دهند، نظیر مدیریت امور آموزشی، مدیریت فرهنگی، مدیریت اجتماعی و... نقش مدیریتی مساجد با تمامی این قلمروها سر و کار دارد. به این دلیل می توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری ترین کارکرد مسجد به شمار می آید، نقش مدیریتی مساجد باید به قلمروهای مختلف مدیریت که در چارچوب عملکردها و فعالیت های مسجد قرار می گیرد، آگاهی و اشراف داشته باشد. با عنایت به این ویژگی است که می توان گفت، مدیریت مساجد دارای ماهیت منحصر به فرد و پیچیده ای است که اعمال کارآمد و اثربخشی آن مستلزم خبرگی و مهارت های متعدد است.⁽¹⁾

مساجد خود را موظف می دانند که در مواقع نیاز روح جدید و تازه را در همه ارکان حاکمیت دمیده و آنها را فعال تر سازند. یکی از کارهای مهم مساجد انتقال نقطه نظرات و خواسته های مردم محلات و شهرها به سمع مسئولین کشور است که این امر یکی از امور مهم در اندیشه سیاسی اسلام است تا تصمیم گیری و مدیریت کلان کشور متناسب با نظرات و خواسته های مردم در سطح خرد باشد. مساجد پشتیبان دولت و نظام اسلامی هستند. مساجد برای ادای وظیفه ظریف، دقیق و پیچیده خود در حوزه مدیریت به آگاهی های بسیاری نیازمندند از این رو می باید کاملاً در جریان امور مملکت قرار گرفته و این امر جز با هماهنگی تنگاتنگ دولت و مسجد میسر نیست. در این صورت است که مساجد می توانند با توجه به تناسبات زمانی و نیاز اجتماعی به نقش آفرینی مؤثر خود در حوزه مدیریت ادامه دهند. مساجد باید به منظور ایفای نقش خود از ساختارهای مختلف جامعه استفاده کنند. به کارگیری تکنولوژی پیشرفته اطلاعاتی در دنیای جدید مجازی با محتوای متناسب با مساجد محلی از امور مهم است که می تواند با استفاده از آن آرایه خدمات خود را گسترش دهد. نقش مهم دیگر مساجد، تربیت دینی انسان های مؤمن است

ص: 308

1- . ابوالقاسمی، محمد جواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی: ص 11 .

که بتوانند در عرصه های مختلف با استفاده از تجربیات علمی بشری جامعه را اداره کنند. بازیابی نقش گم گشته مدیریتی مساجد همچون صدر اسلام در سیره نبوی، ایجاد دولت در دولت نیست، بلکه ورود دولت به مسجد محلی است. مسجد تنها یک مکان نیست بلکه سازمانی بس مهم برای اجتماع مسلمانان و برقراری اتحاد، یکپارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی است. از این رو هنگامی که مسجد ضرار برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان احداث شد، خداوند رسولش را فرمود تا آن را ویران کند. مسجد، میراث بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. مسلمانان در هر شهری که توسط سپاهیان اسلام فتح می گردید، مسجدی بنا می نمودند. هدف از انجام این کار این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدن و تکوین و مدیریت افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکانی جدید مهاجرت می نمودند، مسجدی احداث می کردند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد. خطبه جمعه نقش اساسی و فعالی در توجیه افکار عمومی اسلامی دارد. این در صورتی است که خطیب جمعه، نمازگزاران را نصیحت، ارشاد و توجیه کنند. بدین ترتیب افکار عمومی اسلامی در زیر سقف مساجد و براساس شورا شکل گرفته و جنبش های آزادی بخش اسلامی از مساجد محلی شهرهای سوریه، الجزایر، ایران، مصر و... آغاز شد. مساجد، تشکیلاتی مدیریتی مبتنی بر نظام اسلامی می باشند. رسول خدا امت خود را فرمان می دهد: «هرگاه سه نفر بودید، یکی را از میان خود امیر کنید». نظام اسلامی بر تمامی اوضاع خانواده، معاملات، بازارها و مظاهر زندگی اسلامی از کوچک تا بزرگ، حاکم بوده و مدیریت می نماید. اهل مسجد یک تشکیلات شرعی مخصوص به اداره مسجد به شمار می روند. اداره مساجد جامع بر عهده هیأت های امناست که از میان نمازگزاران مساجد انتخاب می شوند که در میان مردم به حسن رفتار و صداقت معروف هستند. مردم محلات در کارهایشان به این افراد مراجعه نموده و بدون مشورت با آنان هیچ اقدامی را انجام نمی دهند.

نقش مسجد در مدیریت اقتصادی

یکی از چالش هایی که همواره کشورهای در حال توسعه و عقب مانده در اجرای برنامه های

توسعه خود با آن مواجه هستند، مسئله فقر و محرومیت اقشار قابل توجهی از افراد جامعه است. از یک سورهایی از مشکل توسعه نیافتگی، نیازمند سرمایه گذاری کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی است و از دیگر سو، فقر موجود در جامعه امکان چنین اقدامی را نمی دهد. ضمن آنکه دستیابی به نرخ رشد بالای اقتصادی به گونه ای می تواند شکاف طبقاتی در جامعه را دامن زده و موجبات فشار بیشتر بر روی قشر آسیب پذیر را فراهم آورد. اگر از منظر جامعه شناسی، نظری به جوامع گوناگون بیاندازیم چه در کشورهایی به اصطلاح سرمایه داری و چه در کشورهای کمونیستی و یا نظام های مختلف، نوعی تبعیض بین افراد جامعه مشهود است و همین تبعیض باعث ایجاد فقر و توسعه نیافتگی در جامعه می گردد. از این منظر، بحث (عدالت اجتماعی) و نوع رویکردی که برنامه های توسعه می توانند به این موضوع داشته باشند همواره یکی از مباحث اصلی در تدوین و اجرای هر برنامه توسعه به ویژه توسعه شهری بوده است. در صدر اسلام مسجد، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود که این خود نشانگر ارتباط محکم میان دین اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن زمان از مساجد به عنوان مراکز امنی جهت نگهداری ثروت ملی استفاده می شد. در حال حاضر نیز با معطوف داشتن توجه به مساجد به ویژه مساجد محله ای می توان با توزیع متناسب بیت المال و اجرای صحیح عدالت اجتماعی از فقر و توسعه نیافتگی جلوگیری نموده و گام در جهت توسعه پایدار به ویژه توسعه شهری و محله ای برداشت. مساجد بهترین پایگاه های آگاهی بخشی و عدالت خواهی می باشند. ما خوف از آن داریم که اگر چنانچه خارج از مساجد، سخنی از عدالت به میان آوریم، مفهوم عدالت منحرف و تعریف گردد و این در حالی است که می توان عدالت اجتماعی را در مسجد به عنوان پایگاه عدالت معرفی نموده. در این صورت عدالت نیز ظرف خوبی پیدا می کند و انحرافات به کمترین حد خود می رسند.

مسجد و مدیریت توسعه

از آنجایی که مساجد از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع رسانی را در سنت خود که نماد آن اذان است، داشته اند، از این رو می توان از این مراکز با عنوان مراکز مدیریت اطلاع رسانی در سطوح شهری

و محله ای یاد نمود. مساجد به جهت برخورداری از مبناهای دقیق برای اطلاع رسانی، تأثیر بیشتری در امر اطلاع رسانی به ویژه در سطح محله ای خواهند داشت. مسجد به عنوان یک واحد اجتماعی از کارکردهای متعددی برخوردار بوده و میعادگاه مؤمنین است، از این طریق به زندگی اجتماعی وصل شده و می تواند در ارتباطات اجتماعی نقش آفرینی کرده و منبع و مرجع مهمی برای انتشار اخبار به ویژه در سطح محله ای باشد. با وجود 57 هزار و 635 مسجد در سراسر کشور (با متراژ 36 میلیون متر مکعب) به جرأت می توان گسترده ترین شبکه فراگیر اجتماعی در کشور را مساجد دانست.

از این رو، نقش مدیریتی این شبکه گسترده در توسعه شهری و به ویژه محله ای (هر چند که واحدهای کوچکی را در خود جای داده اما با پیوند یکدیگر مجموعه بزرگی را می سازد که از ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار است) حایز اهمیت است. مزایای ایفای نقش مساجد در مدیریت توسعه محله ای مهم ترین فواید دخالت مساجد در حوزه مدیریت توسعه محلات شهری چون کلان شهر تهران می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1 - کاهش بار مالی نظام اسلامی.

هنگامی که گروهی از افراد بومی محله به عنوان افراد خدمت گذار در مساجد به فعالیت و انجام وظیفه در راستای انجام اقدامات مدیریتی جهت نیل به توسعه محلی به عنوان عبادت مبادرت می نمایند چرا باید وظیفه مدیریت توسعه محلات شهری بر دوش مأموران رسمی نظام قرار گیرد و گروهی را از کار خیر باز دارد و بار مالی قابل توجهی را به نظام اسلامی تحمیل نماید؟

2 - تشکیل نهادها و استخدام کارکنان رسمی در راستای مدیریت توسعه محله ای.

3 - انتخاب مدیران شایسته در لوای هیأت امنای مساجد از میان مردم محلات.

4 - معمولاً، مردم یک منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع و احوال منطقه و افراد شایسته ساکن در منطقه خود دارند، بهتر می توانند با مشارکت مساجد به انتخاب مدیران محله ای

در قالب هیأت امنای مساجد مبادرت نمایند.

5 - از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرگاه کار به مردم و نهادهای مردمی نظیر مساجد واگذار شده است، آنان وظیفه خود را به خوبی انجام داده اند و این در حالی است

که هر زمان مردم یا نهادهای مردمی حضور نداشته اند یا حضورشان کم رنگ بوده، یا کاری انجام نگرفته و یا به کندی صورت پذیرفته است.

6 - برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنین محله.

در جامعه ایران نیز همچون هر جامعه دیگر، جریان های گوناگون فکری وجود دارند و مردم هر منطقه و محل برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی، در مسجد نزدیک به محل کار و زندگی خود حضور می یابند.

از این رو، وجود مدیران محله ای در بافت مساجد، خود به خود باعث هماهنگی میان مدیران و ساکنین محلات در راستای بررسی و مطرح ساختن مشکلات یا مسایل پیش روی محلات می گردد. حال آنکه انتخاب مدیران محله ای از سوی مرکز یا نهادی رسمی، چه بسا به نوعی به بی تناسبی میان مشکلات و مسایل موجود در سر راه توسعه محله و اقدامات مدیران انتخابی بینجامد و در نتیجه در عوض توسعه محله ای رکود و بی رونقی در محلات را در پی داشته باشد.

نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله ای

برخی از رون های بارز زندگی اجتماعی در کلان شهری چون تهران در اکثریت شهرهای بزرگ جهان در فرآیند شهرنشینی و نوگرایی حضور دارند.

نوشته های جامعه شناسان معتبری چون امیل دورکیم، کثورت زیمل و لویی ورت در اشاره به مشکلات جامعه شهری ابتدای قرن بیستم آغازگر این مباحث بوده اند.

به عنوان مثال، زیمل معتقد بود که ساکنان شهرهای بزرگ به طور مداوم در معرض «تحریک عصبی» قرار دارند که لاجرم فرد را به بی تفاوتی و جدایی از افراد دیگر سوق می دهد. لویی ورت نیز بر این باور بود که تضعیف پیوندهای سنتی در شهر در اثر تخصص های گوناگون از وابستگی متقابل افراد و ارتباطات نزدیک آنان می کاهد. در تحلیل نهایی، آنها زندگی شهری را به تنهایی، انزوا و احساس عدم امنیت معادل می گرفتند.

در نقطه مقابل، پایه و اساس دین اسلام بر اصل اجتماعی بودن قرار گرفته است تا انسان را

از زندگی فردی و خزیدن در کنج غربت به تنهایی برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد. از این رو، اسلام همواره مؤمنین را به شرکت در اجتماعات برای عبادت خداوند ترغیب می کند زیرا تنها از طریق اجتماع است که مسلمانان می توانند به صورت ید واحدی در مقابل مصایب و مشکلات ایستادگی کنند. «ید الله مع الجماعه».

در این جاست که مساجد به عنوان جایگاه های سنتی نهادهایی در راستای رفع مشکلات مادی و معنوی رخ می نمایند. با مرکزیت یافتن مساجد به عنوان نهادهای مدیریتی در سطح محله ای نهاد خانواده نیز قوت می گیرد. شواهد بسیاری در دست است که نهاد خانواده در ایران

در اثر عواملی مجزا از جمله ادامه عمومی مدرنیزاسیون و شهرنشینی و افزایش ولع ارتقای اجتماعی در تلاش برای ورود به دانشگاه و مدارس خصوصی و گسترش در کنار عدم درخواست و توانایی دولت جهت تقویت نهاد خانواده، همه و همه فرآیند تضعیف این نهاد مهم اجتماعی را فراهم آورده است. علاوه بر این با مرکزیت مساجد، محلات نیز قوت می گیرند. از حیث تاریخی محله کارکردهای متعدد اجتماعی دانسته است که به ویژه در مراکز تجمع گروهی همچون مساجد، هیأت ها، قهوه خانه ها و... تبلور می یابد. این فعالیت های جمعی و هنجار و ارزش های نسبتا بیشتر در آن طبعا اثری تنظیم کننده بر رفتارهای جمعی دارد. فرد عضوی از محله محسوب شده و نوعی همبستگی جمعی میان او و دیگران شکل می گیرد. در چنین حالتی فرد در ارتباط های مدنی و ضابطه مند قرار گرفته، خود را به گفت و گو و همبستگی های سنتی پایبند نموده و از هویت جمعی جدیدی برخوردار می گردد. در این جاست که با گسترش چنین وضعیتی، ارتباطات مدنی و ضابطه مند گسترش یافته و محله به عنوان بخش خردی از ساختار کلان شهری چون تهران مطرح شده و رابطه ملموس توسعه و پیشرفت آن در رابطه با مساجد و ارتباطات افراد محله مشهود و هویدا می گردد.

اشاره

چکیده

تا سه دهه پیش، در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی در برقراری ارتباطات اجتماعی برخوردار بودند و این در حالی است که طی سه دهه اخیر، محلات شهری به صورت جزیره ای در دریای فرهنگ ملی جامع و خرد فرهنگ های شهری درآمده اند.

تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک، از اعتبار محلات به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی فرد کاسته است. جوامع غربی و صنعتی از اماکن مذهبی نظیر کلیسا صرفاً جهت کسب خشنودی خدا استفاده می کنند و تنها بر جنبه فردی مذهب و دین باور دارند، با اجرای قوانینی که تمامی ساخت های شخصیت انسانی را مدنظر قرار نداده و مطابق با نیازها و استعداد های انسان تدوین نگردیده است، با وجود چاره اندیشی، به واسطه عدم برخورداری قوانین از ضمانت اجرایی، با موانع بسیاری روبرو می باشند.

بدین سان تفرقه، نفاق و انزوای فرد و عدم حضور وی در اجتماعات به ویژه اجتماعات محله ای، زندگی بشر غربی و صنعتی را فرا گرفته است. در مقابل، در جوامع اسلامی، تأسیس مسجد در محله ها و شهرهای اسلامی به تشکیل و انسجام اجتماعات محله ای و شهری منجر گردیده است، زیرا مسجد صرفاً مکانی برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی نبوده و به عنوان کانون اجتماعات محله ای و شهری همواره نقش به سزایی در غنای هرچه بیشتر این گونه اجتماعات ایفا نموده است.

این مقاله، با بررسی عملکرد اجتماعی مسجد به عنوان مهم ترین کارکرد آن با وجود گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و هرچه صنعتی تر شدن مراکز و محلات شهری و کم رنگ تر شدن ارتباطات اجتماعی به ویژه در سطح محله ای به بررسی نقش مسجد در انگیزه سازی در مردم و رشد روحیه خودیاری و تعاون و انجام امور داوطلبانه جمعی در سطح محله ای در راستای توسعه اجتماعات محله ای می پردازد. مطالعه حاضر پژوهش توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: خرده فرهنگ ها - اجتماع محله ای - هدف گذاری جمعی - خودیاری و تعاون.

حوزه های اجتماعی شهرها

حوزه های اجتماعی در شهرها سابقاً به عنوان حوزه های طبیعی خوانده می شد و از آن تعریفی بدین سان ارائه می گردید: حوزه طبیعی در شهرها، یک حوزه جغرافیایی است که به وسیله مشخصات طبیعی محل و خصیصه های فرهنگی مردم، از سایر بخش های شهری کاملاً تمیز داده می شود. (1)

مطابق این تعریف، حوزه های طبیعی عبارت است از یک مکان جغرافیایی در داخل شهرها که ساکنین آن از خصالت های فرهنگی و روابط اجتماعی خاصی تبعیت نمایند.

به دیگر سخن، از نظر اکولوژیکی، یک حوزه طبیعی، بوم طبیعی گروه کاملاً مشخص اجتماعی است. در حقیقت هدف از طرح حوزه های اجتماعی در شهرها، شناخت محلات و مناطق شهری با شاخص های انتخابی است تا بتوان به هنگام برنامه ریزی شهری از واقعیت های اجتماعی در این حوزه ها کاملاً مشخص بهره مند گردید. پیشگامان مکتب اکولوژی شهری که حوزه های طبیعی را در داخل شهرها مطرح می نمودند، براین باور بودند که در دنیای طبیعت، جنگل ها، صحراها، دشت ها و کوه ها با بوم طبیعی، گونه های مختلف گیاهی و حیوانی عرضه

ص: 316

1- . لنکستر، جونز - ابعاد ساختار اجتماعی شهری، دانشگاه تورنتو.

می دارند. جامعه بشری نیز بدین سان عمل می کند و در این جامعه، در نتیجه عامل رقابت گروه های مختلف اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده و ناگزیر به یک جدایی گزینی اکولوژیکی تن در داده اند. بنابراین چه گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که حوزه های اجتماعی در داخل

شهرها از عده ای از خانواده های شهری تشکیل می گردد که در یک حوزه جغرافیایی محله یا در یک منطقه کاملاً معین با مرزهای مشخص زندگی می کنند. این عده از پایگاه اجتماعی - اقتصادی مشترکی بهره مند می باشند.

محلات به عنوان حوزه های خرد اجتماعی

در ساده ترین تعریف، محله از خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می شود. خانواده ها نسبت به محله خود همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبرو می بینند.

محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط مستحکم همسایگی و اتحاد مشارکت غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می آید. برای تشکیل یک محله شهری شرایط چندی به شرح ذیل لازم است:

1 - دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد.

2 - پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر.

3 - وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم. (1)

در محلات به افرادی که بر پایه خانه مجاور هم زندگی می کنند، همسایه گفته می شود. ارتباط همسایگان در محلات شهری، به هنگام نیاز و بحران بیشتر شده و تعاون و همیاری آنان افزایش می یابد. مراسم تدفین، جمع آوری اعانه، آتش سوزی و عدم امنیت از آن جمله است. میزان وابستگی و ارتباط همسایگان در روستاها بیش از شهرهاست و با توجه به کیفیت کار در روستاها همیاری همسایگان بیشتر شدت می یابد تا آنجا که نگهداری کودکان بی سرپرست و بی مادر را اغلب همسایگان برعهده می گیرند. در محلات قدیمی به ویژه محلات طبقه

ص: 317

1- . تامپلسون، والف، ساختار شهری: ص 181 .

کم درآمد، ارتباط همسایگان نه مانند روستاها اما با تعاون و همیاری بیشتری همراه است. ارتباط همسایگان در محلات از طریق مراکز مذهبی و عبادت گاه ها نظیر مساجد، تکایا، باشگاه های ورزشی، قهوه خانه ها و کوچه ها و... صورت می گیرد. معمولاً در محلات شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی (محله) منطبق بر رفتار اجتماعی است. از این رو هر محله ای، از مشخصاتی متمایز با سایر محلات برخوردار است. از طرفی، هر یک از محلات دارای منطقه ای نفوذی است که در آن مغازه ها، مدارس، مراکز مذهبی و مساجد و... قرار دارند که مردم محله می توانند به آسانی در همه روزها از آن ها بهره مند گردند.

حضور در مؤسسات محله نظیر مراکز مذهبی و مساجد، مدارس و... به مردم محله امکان می دهد تا خود را در یک محدوده کاملاً مقید احساس نموده و تعلق بیشتری به محله مسکونی خود بیابند. بنابراین چه گفته شد می توان گفت که محله هم یک واحد فیزیکی و هم یک واحد اجتماعی است. در میزان احساس محله ای، عامل وسعت نقش اساسی ایفا می نماید، به نحوی که هر اندازه سهولت دسترسی به مؤسسات عمومی و تجهیزات محله ای نظیر مساجد، مدارس، فرهنگ سراها و... بیشتر باشد احساس تعلق فرد یا افراد به محل و اجتماع محله ای هرچه بیشتر تقویت شده و افزایش می یابد. در مقابل، هر اندازه که دسترسی به نیازهای روزانه و تجهیزات شهری با اتومبیل صورت گرفته و فاصله حرکت بیشتر باشد به همان اندازه احساس محله ای کاهش می یابد. (1)

شرایط فیزیکی و اجتماعی محله و منطقه مسکونی هر یک به نحوی در میزان رضایت از روابط همسایگی مؤثر می افتد. در یک بررسی انجام گرفته در خصوص محلات برخوردار از تعداد محدود مراکز مذهبی و مساجد، مشخص گردید که در محلاتی که از تعداد محدودی مساجد و مراکز مذهبی برخوردارند به ویژه محلات طبقه مرفه جامعه - هر یک از افراد در گذر از محله خود تنها موفق به ملاقات تعداد محدودی از دوستان شان می گردند و این در حالی است که در محلات برخوردار از تعداد بیشتر مساجد و اماکن مذهبی، میزان ملاقات ها از افزایش چشم گیری برخوردار می باشد. محله به صورت یک واحد فیزیکی با هویت کاملاً مشخص

ص: 318

اجتماعی، الگوهای مشترک زندگی، استفاده برابر از امکانات و مؤسسات عمومی، به عنوان ابزار کار برنامه ریزان شهری شناخته می شود. به نظر عده ای، در برنامه ریزی های جدید لازم است که روی پیوند طبقات شهری و گروه های قومی و مذهبی تأکید بسیار صورت گیرد تا بیگانگی و اضطراب دائمی زندگی شهری در مردم شهرها کاهش یابد. این عده معتقدند که ترکیب طبقات مختلف در محلات سبب تقویت روابط اجتماعی - انسانی و کاهش محدودیت هایی میان افراد ساکن شهرهاست. حتی این طرز تلقی در خصوص گروه های قومی و مذهبی گوناگون در یک محله، فکر اعمال تبعیضات نژادی و مذهبی هم چنین پیش داوری نسبت به این گروه ها را تضعیف می نماید.

از طرفی، محلات متشکل از گروه های قومی و مذهبی با طبقات مختلف نه تنها از نظر اجتماعی بلکه از جهت فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی نیز مهم می نماید. به عبارتی احتمالاً پدیده اجتماع محله ای و ترکیب اجتماعی موجود در آن که پاره ای از برنامه ریزان شهری بدان معتقدند، از زندگی روستایی متأثر شده است که غنی و فقیر می توانند در نهایت آرامش در مجاورت یکدیگر به زندگی پراحساس ادامه دهند.

دین به عنوان یک نیاز اجتماعی

ارزش (Value) از بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و هم چنین شکل گیری حیات اجتماعی است. (1)

ارزش های اجتماعی از اساسی ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می توان جامعه را به زوال یا تعالی کشاند. (2)

ارزش های مذهبی نیز یکی از انواع ارزش ها در هر جامعه ای است و باید گفت تجلی آن در کلیه جوامع به یک شکل خاص نیست. همان گونه که جلوه آن در افراد مختلف و با توجه به شرایط زمانی می تواند متفاوت باشد. به نظر می رسد توجه به یک امر مقدس در همه زمان ها

ص: 319

1- . ساروخانی، 1376 ، 909 .

2- . رفیع پور، 1378 : 267 .

وجود داشته است. دین مفهومی است که می توان برای آن ابعاد مختلفی قایل شد. برخی دانشمندان علوم اجتماعی دینداری یا وابستگی به مذهب را دارای حداقل دو بعد (اجرای قوانین مذهبی) و (اعتقادات مذهبی) دانسته اند. اجرای فرایضی نظیر نماز، روزه، انجام مناسک گوناگون مذهبی در مساجد از طریق مشاهدات علمی آشکار می گردد. اعتقادات مذهبی نیز از طریق پاسخ گویی به سؤالات عقیدتی مکشوف خواهد شد. (1)

مناسک مذهبی و دینی، ناظر بر نیازهای اجتماعی ریشه دار انسانی است و دین واقعیتی اجتماعی است. وقتی شخصی به دین عمل می کند یا در اماکن مذهبی چون مسجد حضور می یابد، در واقع حس همبستگی و خوداتکایی به گروه و حس بودن در جامعه را نشان می دهد. دین، زبان مشترک اخلاقی جامعه و امری است که در تثبیت اوضاع نقشی به سزا دارد. دورکیم معتقد است که در جامعه برای بقاء باید عاملی در درون فرد آحاد جامعه حضور داشته باشد و این عامل مذهب و دین است که در درون افراد احساس اخلاقی نسبت به مصالح اجتماعی را پدید می آورد، بنابراین مکانیسمی است که سازمان اجتماعی را حفظ نموده و یک نیاز اجتماعی محسوب می گردد. (2)

مسجد، مهم ترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی

با وجودی که خانواده، مؤثرترین عامل حفظ هویت دینی و ایمان فردی است و در میان اعضای خانواده، مادر (البته با حمایت پدر خانواده) بیش از هر فرد دیگری مستقیماً در هویت دینی فرزندان نقش و مسئولیت دارد. اما با این حال نقش مسجد در این جهت به عنوان مددکار خانواده از اهمیت به سزایی برخوردار است.

به عبارت دیگر با وجودی که مهم ترین اجتماع در ساختار زندگی اجتماعی، خانواده است، با این حال مساجد چه به عنوان مراکز تأمین کننده آموزش های دینی و چه به عنوان محل تجمع و همبستگی افراد به ویژه در سطح محله ای به ایفای نقش در این زمینه می پردازند.

ص: 320

1- . طالبیان، نمایه پژوهشی: ص 122 .

2- . فراست خواه، 1377 : 14 .

به عبارت دیگر، مسجد به افراد جامعه به ویژه افراد ساکن در محلات یادآوری می کند که مسلمان اند و باید هویت و وحدت اسلامی را حفظ کنند.

مساجد از اهمیت بسیاری در دین اسلام و نزد مسلمانان برخوردارند و این نه تنها برای آن است که مساجد، محلی برای ادای فریضه نماز، استماع خطبه های دینی و تشکیل کلاس های آموزش دینی است، بلکه به عنوان مکانی برای تجمعات اجتماعی و همیاری مسلمانان در مناطق، محلات، شهرها به ویژه برپایی مراسم اعیاد مذهبی و جشن هایی به این مناسبت و گرد هم آوری مسلمانان گرد کانون اجتماعی واحد، مطرح است. از این رو، مساجد با برگزاری جشن های ویژه و اعیاد مذهبی، فرصت های مناسب و مقتضی برای برادران و خواهران دینی جهت آشنایی و تبادل نظر با یکدیگر را فراهم می آورند که در نتیجه این چنین برخوردهایی، احساس مذهبی و مسلمانی افراد تقویت شده و به غنای هرچه بیشتر گرد هم آبی مسلمانان در قالب اجتماعات محلی و محله ای منجر می گردد. در طول تاریخ تمدن اسلامی، مسجد و شهر همواره در یک رابطه کل نگرانه، متضمن حیات یکدیگر بوده اند. رابطه متقابل، زنده و پویای میان مسجد و شهر در تاریخ تمدن اسلامی برقرار است. مسجد همواره جزء لاینفک شهرها و محلات مسلمان نشین و پیش از آن، عنصر تشکیل دهنده و هدایت کننده تغییرات و توسعه شهری و مبانی تمایز شهر از روستا به شمار می رفته است. دین اسلام با سرعتی سرسام آور، جغرافیای سیاسی دنیای باستان را متحول ساخته و شهرنشین و بیابان گرد را در قالب امت واحد گرد می آورد که با پیوندی معنوی و فرهنگی، تمدنی بس گسترده را بر پا داشته است؛ تمدنی که به سرعت بر آثار باقی مانده شهرهای باستانی رشد نموده و شهرهای با هویت و ویژگی های خاص خود را پدید می آورد. به طور کلی می توان گفت که نقش مساجد در این هویت بخشی، نقش محوری بوده است. استعاره (بیت الاسلام) برای شهر، اشاره ای نمادین به تقدس و حرمت شهر از دیدگاه اسلامی دارد، هم چنان که مکه (دارالامان) است. باوری دیرین در تمامی بینش های توحیدی به ویژه در دین مبین اسلام، شهر را به گونه ای نمادین محل و عامل ارتباط بشر با جهان هستی و کیهان می داند؛ جایی که انسان تعادل خویش را میان جسم، روح، زمین و آسمان در آن کسب می کند. از این رو، شهرهای باستانی با الگوهای نمادین برگرفته از هندسه مقدس بیانگر نظم جهان هستی، پی افکنده می شوند. در حقیقت می توان گفت

که هر شهری محوری است از تجمع ارزش هایی که تمدنی را می سازند و در نتیجه تصویر جهان را (براساس یک جهان بینی) به وجود می آورند. تصویر جهان در شهرهای اسلامی براساس پیوند زندگی مادی و معنوی، به رابطه جدا نشدنی اقتصاد، سیاست و مذهب اشاره دارد و براین اساس هویت ویژه و متماز خود را می سازد. (1)

نقش تعاونی و اجتماعی مسجد

وحدت اجتماعی، عنصری اساسی برای سلامت و بنای اساسی هر جامعه ای است. مساجد در تحکیم این عنصر اساسی، نقش بس خطیر ایفا می نمایند. در چنین کانونی، زن و مرد، بزرگ و کوچک با افکار و سلیق مختلف همه در یکجا گرد آمده و همراه و همسو دوش به دوش یکدیگر می ایستند. حضوری این چنین، وحدت و همدلی را در جامعه استوار می سازد. بر پایه چنین ترسیمی از مسجد است که خداوند متعال، پیامبر خویش را از اقامه نماز و حتی حضور در مسجدی که وحدت جامعه اسلامی را دچار آسیب می نماید، برحذر می دارد. یکی از مهم ترین علل تأکیدات پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه معصومین مبنی بر حضور مسلمین در نماز جماعت در قالب صفوف فشرده و نزدیک، ایجاد روحیه تعاون در میان نمازگزاران و افزایش بعد اجتماعی در کنار انجام اعمال عبادی است. از آغاز اسلام، از مسجد علاوه بر پرداختن به وظایف دینی و الهی، استفاده های دیگری نیز شده است. این کار حتی پیش از هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه نیز صورت می گرفت. مردم برای بحث در خصوص مسایل روزانه و انجام دیگر فعالیت های خود، گرد کعبه گرد آمده و به بحث و گفت وگو با پیامبر می پرداختند. با احداث مسجد پیامبر اکرم در شهر مدینه، استفاده از این مؤسسه جدید (مسجد) به عنوان مرکز اجتماع مردم، آغاز شد.

در حال حاضر، مساجد به عنوان مراکز اجتماعی از سه طریق اجتماعی، سیاسی و آموزشی به مراجعان خود خدمت می رسانند. مساجد به واسطه در دسترس بودن و توزیع کلیه محلات شهری، محل مناسبی برای برگزاری مراسم گوناگون عبادت و مذهبی و اجتماعات

ص: 322

محلی به شمار می آیند. مساجد، نقش مهمی را در تشکل مسلمانان ایفا می نمایند. مساجد همواره و در هر عصر و زمانی می توانند چنین نقشی را ایفا نموده و محور و مرکز مناسبی برای تشکل و هماهنگی مسلمانان باشند. مؤمنان حق جو، همه روزه برای تحکیم میثاق بندگی و پرستش در مساجد حضور می یابند.

از این رو مسجد به طور طبیعی و بی آن که به امکانات ویژه ای نیاز داشته باشد زمینه پی ریزی و ایجاد تشکیلات طبیعی و سالم را فراهم می آورد. تشکلی که در پرتو مسجد پدید می آید از بسیاری از آفت ها و مخاطرات که اغلب گریبان گیر احزاب و گروه های سیاسی می گردد، دور می ماند. چنین تشکلی در دیدگاه همگان قرار داشته و برای عضویت در آن، محدودیت هایی که معمولاً از باورهای خود مدارانه ریشه می گیرد، وجود ندارد چرا که هر مسلمان مؤمنی می تواند در این تشکل شرکت جوید. حضور افراد گوناگون از اقشار مختلف جامعه در مساجد به ویژه مساجد محله ای سبب می گردد تا این تشکل ریشه دار بوده و با بخش های مختلف جامعه و طبقات گوناگون اجتماعی پیوند داشته باشد. نقش تعاونی و اجتماعی مساجد در ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار فعال بوده است. فعالیت صندوق های قرض الحسنه، جمعیت های خدمت و رسیدگی به مستمندان و بیماران، جمعیت های حمایت از معلولین، گروه های تهیه و تدارک جهیزیه، صندوق های کمک به امر ازدواج و درمانگاه های ویژه بیماران سرپایی در مساجد، همه و همه نشان از اعتبار و میزان اهمیت کارکرد اجتماعی مساجد به ویژه در سطح محله ای دارد. مساجد همچنین در رشد و توسعه زندگی مردم حتی در وضعیت کمبود منابع نقشی داشته و همواره به عنوان ناظر بر روند انجام امور مطلوب اجتماعی و مردمی فعالیت داشته اند. در این راستا، مساجد با انگیزه سازی در مردم به رشد روحیه خودیاری و انجام امور داوطلبانه در سطح محله ای کمک به سزایی نموده اند. امروزه با وجود گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و هرچه صنعتی تر شدن مراکز و محلات شهری و کم رنگ تر شدن ارتباطات اجتماعی به ویژه در سطح محله ای، نفوذ اجتماعی مساجد به عنوان مهم ترین کارکرد مسجد از اهمیت به سزایی برخوردار گردیده است. مساجد به واسطه برخورداری از چنین کارکردی با دیگر عبادتگاه های مذهب رسمی قابل قیاس نیستند. از این رو، امروزه کلیسا از حق دخالت در امور اجتماعی جوامع حتی در سطح

محلّه ای و منطقه ای برخوردار نیست. از این رو، مسیحیان در هفته یک روز به کلیسا رفته و به عبادت خدا می پردازند اما با خروج از آن مکان، رابطه مسیحیت و کلیسا با دنیای اجتماعی و افراد پیرامون آن قطع می شود. این در حالی است که در دین اسلام، نخستین سنگ بنای جامعه اسلامی با احداث مسجد بنیان نهاده شد و با توجه به مسایل اجتماعی مسلمانان قرین شد.

مسجد، کانون اجتماعات محلی

مسجد تنها محل برگزاری مجالس ترحیم و عزاداری نیست، بلکه پذیرای مسایل و مراسم ازدواج، تعلیم و تربیت، مذاکرات و تصمیم گیری های اقتصادی و تجاری و امور مربوط به خانواده می باشد. در این جاست که زمینه ایجاد اخوت اسلامی فراهم می گردد. فلسفه اساسی تأسیس مسجد در محلّه ها و شهرها، تحقق همین امر است.

به عبارت دیگر، مسجد صرفاً مکانی برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی نبوده و به عنوان کانون اجتماعات ایفا نموده است. در حال حاضر، اجتماعات محلّه ای در بدو امر در قالب حضور افراد محلّه در مساجد محلی و دیگر فعالیت های جمعی مشابه رشد یافته و به مرور زمان به بلوغ می رسد. برقراری روابط میان فردی با هدف گذاری های جمعی در سایه مساجد به عنوان نهادهای اجتماعی مستقل و فعال از جمله مهم ترین روش های ایجاد سازگاری اجتماعی افراد و درک مسایل اجتماعی و فرهنگی جامعه به ویژه اجتماعات محلّه ای محسوب می گردد.

آسیب شناسی نقش اجتماعی محلات

تا سه دهه پیش، در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی برخوردار بودند و این در حالی است که طی سه دهه اخیر، محلات شهری به صورت جزیره ای در دریای فرهنگ ملی جوامع و خرده فرهنگ های شهری درآمده اند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک از اعتبار محلّه ای به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی فردی کاسته است. در گذشته محلات جدید شهری از نسلی تشکیل می شد که یا به ندرت از حوزه های روستایی آمده و یا از شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای پرجمعیت مهاجرت کرده بودند. این عده معمولاً در محلات معینی جای

می گرفتند. توسعه شبکه های تلویزیونی، افزایش میزان سواد، حمل و نقل شهری و جابجایی افراد در فضای شهری را سرعت بخشیده و سابقه ده ها سال اقامت خانواده ها در محلات معین متزلزل ساخت. از سویی، زمانی که اتومبیل وارد خانواده های شهری شد، محلات نوساز و جدیدی به روی صاحبان اتومبیل گشوده شد. معیارهای محله نشینی که قبلاً بر پایه مذهبی، قومی - قبیله ای و شغلی استوار بود، شکسته شد. در گذشته، همسایگان را سوپر مارکت های کوچک و بزرگ با انواع تولیدات و مواد غذایی در اغلب ساعات شبانه روز انجام می دهند. سابقاً که همسایگان با برقراری تماس های دوستانه نزدیک از اخبار مهم محله، شهری و جهانی با خبر می شدند، امروزه این مهم را رادیو و تلویزیون ها، روزنامه ها و رسانه های خارجی به میان خانواده ها می برند.

گسترش تماس با تلفن شهری با دیگر شهرها و روستاها و افراد خانواده، مشکلات فاصله را از میان برده و افراد و خانواده ها را به گوشه های مختلف شهری کشانیده است. پر واضح است که تمامی این عوامل در کاهش ارزش های محله ای بسیار مؤثر افتاده است. (1)

ص: 325

1- . پورتیوس، داگلاس، محیط و رفتار: ص 85 .

اشاره

چکیده

بی تردید، یافتن راه حل برای مشکلات اجتماعی، صرفاً از توان دولت‌ها خارج بوده و برنمی‌آید. نگرش سیاسی و امنیتی به مسایل اجتماعی نیز روش لاپوشانی را تجویز نموده و به تخریب بیشتر جامعه می‌انجامد. در این میان مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی مردمی به ویژه مساجد در جامعه اسلامی هستند که در کنار مردم و دولت‌ها یا حتی پیشاپیش آنان به چاره‌جویی برمی‌خیزند. مسجد، پایگاه تبلیغ دین اسلام بوده و بسیاری از آثار اجتماعی نظیر اخلاص و درستکاری، ساماندهی زندگی و نظم و تقوی برآن مترتب است. افرادی که بیشتر به مسجد مراجعه دارند، کمتر حقوق دیگران را ضایع نموده، زندگی خود را با نظم بیشتری توأمان ساخته و آثار و رفتار دینی در زندگی اجتماعی آنان نیز به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر، نقصان ارزش‌های دینی سبب بروز بی‌نظمی‌ها و آشوب‌های اجتماعی می‌گردد. مشکلاتی که بدین وسیله به فرد منتقل می‌شود، به خانواده وی منتقل شده، سپس این درگیری و تشنج به محل کار نیز تسری می‌یابد. این سیکل باطل مرتباً تکرار شده در نهایت نابسامانی فرد و خانواده را در پی داشته و عدم امنیت در ساختار کلی جامعه به ویژه در سطح محله‌ای را افزایش می‌دهد. هدف از انجام این تحقیق، بیان اهمیت تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مساجد به ویژه مساجد محله‌ای و اداره آن در قالب تشکل‌های مردمی در جهت

پیشگیری از بروز و گسترش جرایم و آسیب های اجتماعی و به طور کلی نقش دین در کاهش آسیب پذیری اجتماعی و ارتقای سطح ارزش های اخلاقی و انسانی و بالا-رفتن ضریب امنیت و مشارکت های مردمی و مسئولیت های اجتماعی در جهت کاهش مفاسد اجتماعی و اخلاقی در

سطوح محله ای و شهری و توجه به نقش امنیتی مسجد در شناخت مناطق و محلات فقرآلود و برقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه در راستای افزایش هرچه بیشتر امنیت اجتماعی محله های شهری است.

این مقاله، با اشاره به اصل ابشار و انذار (تأیید اعمال منطقی مطابق با دستورات الهی و رد و انکار اعمال غیر منطقی)، به نقش تربیتی و امنیتی مساجد محله ای به عنوان خرده نظام های ارگانستی و اجتماعی در از میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی افراد و کنترل کنش های ناپهنجار در محلات شهری می پردازند.

مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی - آسیب اجتماعی - خرده نظام ارگانستی - سرخوردگی اجتماعی - عدالت اجتماعی - مفاسد اجتماعی.

کارکرد اجتماعی مساجد

مسجد به عنوان یک مکان، از دو جلوه متفاوت برخوردار است. به عبارت دیگر، دوگونه رفتاری در این مکان ویژه متجلی می گردد که در امر تعلیم و تربیت و جهت دهی رفتارهای فردی و جمعی افراد بسیار مؤثر است. دو جلوه ظاهری مساجد، رفتارها و اعمال و روابط پسندیده دینی و مذهبی و مقبول شرع و دین رخ می نماید و این در حالیست که در جلوه پنهانی مساجد، رفتارهای شخصی، غیر جمعی و کنترلی رخ می دهد. هنگامی که انسان ها به صورت جمع در حال برگزاری مناسک و انجام فرایض دینی هستند، رفتارهای جمعی مقبول و عمومی ظاهر می گردد. هنگامی که افراد به صورت غیر جمعی و به صورت فردی در مسجد ظاهر می شوند خود به خود به محاسبه، کنترل و بررسی رفتارهای شخصی و فردی خود می پردازند. ویژگی مساجد به عنوان مکان های مقدس در مقابل سایر اماکن در این است که مسجد ماهیتا علاوه بر این که محلی برای

تجمع و همبستگی جمعی است و انسان‌ها با حضور گروهی خود در آن به همبستگی رفتارهای جمعی می‌اندیشند، بلکه به طور مکانی و موقعیتی و با عنایت به نگاه خاص فردی که در آن مکان حضور می‌یابد، خود به خود فرد را به درون خود ارجاع داده و آن چه را که در جمع از طرح آن پرهیز می‌نمود، در حالت انفرادی به طرح آن می‌پردازد. گفتنی است که طرح موضوعات و مسایل رفتاری و فکری بیشتر حالت اصلاح‌کنندگی، ترمیمی و کنترلی دارد. براین اساس می‌توان پذیرفت که هم حضور جمعی و هم حضور فردی در مساجد می‌تواند رفتارهای مطلوب فردی و جمعی را در فرد برانگیزاند و این در حالی است که سایر اماکن ممکن است تنها یکی از این حالات تأثیری را بر جای گذارند.

به عنوان مثال حضور در مدرسه، ماهیتاً و به لحاظ موقعیتی که دارد، حضوری جمعی است و اثرات احتمالی آن تنها با حضور جمع معنادار می‌گردد. به عبارت کلی، مدرسه جایی نیست که افراد بخواهند به طور انفرادی در آن جا حاضر شده و به فعالیت بپردازند. بدین ترتیب برای مساجد نیز می‌توان نقشی دوگانه قایل شد. نقش نخست، کمک به اصلاح و انجام رفتارهای جمعی افراد است؛ چرا که افرادی که در مساجد گرد هم می‌آیند، از طریق دین و آیین‌ها و مناسک جمعی به یکدیگر متصل می‌گردند و این از آن روی است که عقاید مذهبی درونی بوده و نیاز به آیین‌ها و شرکت در مناسک را در پی دارد. افراد با حضور در این مراسم و انجام فعالیت‌های عبادی، هویت جمعی خود را سامان می‌بخشند. اگر چنانچه به رابطه میان دین و مذهب و ماهیت روابط و نهادهای اجتماعی توجه کنیم، در این صورت کارکرد اصلی دین (تنظیم نیازها و کنش‌های انسانی از طریق جلب اعتماد به امور مقدس و اتصال افراد از طریق آیین‌ها و مناسک جمعی به گروه) خواهد بود. به هر حال مساجد می‌توانند به ایجاد و تقویت رفتارهای مقبول کمک کنند. رفتارهایی که ممکن است انجام آن در جامعه معمول باشد، ممکن است در مسجد پسندیده و مقبول نباشد. از این رو، کارکرد مهم مساجد، ایجاد تمایز میان رفتارهای بطن جامعه با رفتارهای داخل مسجد است.

به عبارت دیگر، برای ظهور و تجلی برخی رفتارها، لاجرم به موقعیتی مکانی به نام مسجد نیاز است. (1)

ص: 229

مساجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور اقشار مختلف اجتماع به شمار می آیند. از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در برطرف نمودن نارسایی ها و آسیب های اجتماعی است. مسجد در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش گذاری است؛ به عبارتی ارزش های فراموش شده مجددا در مساجد مطرح می گردد. از دیگر نقش های اجتماعی مساجد می توان به کارکرد مسجد در پرورش نیروهای متعهد اشاره

نمود که حکومت اسلامی به آن ها نیاز دارد، زیرا مسجد بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت و آمد افراد به مساجد، اخلاق، آداب و خط مشی آنان تا حدود زیادی هویدا می گردد که این خود در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. حاکمیت اسلامی نیز می تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد مورد نیاز خود را جهت تحقق فریضه امر به معروف و نهی از منکر شناسایی کند. در این راستا، در سایه تجمع و انسجامی که مؤمنان در مساجد می یابند می توان بهترین شکل مردمی را جهت مبارزه با منکرات و مفاسد و آسیب های اجتماعی پی ریزی نمود.

مساجد و برقراری عدالت اجتماعی

برقراری امنیت و رفاه اجتماعی در جامعه، دامنه وسیعی از فعالیت ها و برنامه های پیش گیرانه، حمایتی و امنیتی و خدمات اجتماعی خاص را شامل می گردد که تحت نظارت و کمک دولت ها و نهادها و گروه های مردمی نظیر مساجد، کانون های اجتماعی - فرهنگی، به منظور حفظ سلامت تمامی افراد جامعه، صورت گرفته و از دو رویکرد در جهت گیری عام و خاص برخوردار می باشد. در رویکرد عام، برای برقراری امنیت اجتماعی با محوریت قرار دادن سلامت و با تأکید بر اصول پیش گیری از ارتکاب جرم برای ارتقای کیفیت زندگی آحاد مردم و مشارکت همه جانبه آنان، برنامه های ارتقایی پی ریزی و به مورد اجرا گذارده می شود. در رویکرد خاص، ارایه خدمات اجتماعی به افراد به خصوص افرادی که در معرض خطر بیشتری نسبت به آحاد جامعه هستند، به ویژه در سطح خرد (محل ای) مد نظر قرار می گیرد. در این راستا،

اصول راهنمایی جهت تحقق امنیت اجتماعی به شرح ذیل مد نظر می باشند:

1- تأکید بر سلامت و سلامت محوری جامعه و ارتقای مستمر کیفیت زندگی آحاد جامعه.

2- تأکید بر ارائه خدمات امنیتی علاوه بر ارائه خدمات حمایتی.

3- محور قرار دادن آسیب های اجتماعی و جرایم در مقابل افراد آسیب دیده و پیش گیری از بروز آنها.

4- بهبود و شناخت علمی و سیستماتیک آسیب اجتماعی و انجام برنامه های اجرایی پیش گیرانه در این خصوص.

5- تأکید بر تسهیل شرایط مشارکت و رقابت مردم با نهادهای مرکزی نظیر مساجد و تکایا در برنامه های امنیتی به ویژه امنیت محله ای.

ستادهای حفاظت اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی همان گونه که مساجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مردمی ترین پایگاه اعتقادی و اجتماعی و مرکز نشر فرهنگ اسلام مطرح بوده اند، امروز نیز در مبارزه با تهاجم فرهنگی و تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر پیش قدمی می باشند. با تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مساجد به ویژه مساجد محله ای و اداره آنها در قالب تشکل های مردمی و سازمان یافته، کارکرد امنیتی و پیش گیرانه مساجد از بروز و گسترش جرایم و آسیب های اجتماعی پررنگ تر شده و به همان نسبت امنیت اجتماعی افراد جامعه به ویژه در سطح محله ای افزایش می یابد. با تشکیل هسته های ستاد حفاظت اجتماعی به عنوان نهاد حفاظت اجتماعی صددرصد مردمی در بیش از یکصد هزار محله کشور، برقراری امنیت اجتماعی در سطوح شهری و محله ای هرچه بیشتر تضمین می گردد.

در حقیقت، ستاد حفاظت اجتماعی عهده دار نقش کشف و پیش گیری از وقوع جرم و در نهایت حفاظت از امنیت و نیازهای اجتماعی جامعه توسط خود شهروندان است. به عبارت دیگر این ستادها به عنوان سیستم دفاعی هر محله در برابر بزهکاران و مجرمین فعالیت

می نمایند. با راه اندازی چنین هسته های اجتماعی در محلات و اماکن عمومی، آسیب های اجتماعی هر محله شناسایی و تحرکات مجرمین و بزهکاران اجتماعی محلات زیر ذره بین اعضای مردمی ستاد قرار می گیرد. در اغلب کشورهای پیشرفته، امور امنیتی و حفاظت اجتماعی، به شکل های مردمی و یا بخش های خصوصی نظیر کارآگاهان غیررسمی واگذار می گردد. به عبارتی، این چنین تفکری از سال ها پیش در جوامع توسعه یافته در حال اجراست. امروزه حفاظت از محیط زیست با تخریب کنندگان طبیعت و محیط زیست به مقابله می پردازد، حفاظت اجتماعی نیز نقش مبارزه با بزهکاران و خاطیان اجتماعی را برعهده داشته و از آلوده شدن جامعه به جرم و بزه و ناامنی جلوگیری می کند. در کشورهای اسلامی من جمله ایران، هسته های ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد و یا کتابخانه های محله ای تشکیل می یابد. با تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد محلات، حقوق و آزادی های شهروندان تضمین شده و با جلوگیری از تعرض های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان، امنیت گروه های سنی

و جنسی مختلف تأمین می گردد.

نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی

عنصر عظیم اجتماعی دین، کارکردهای ارزشمندی در تحرک و شادابی اجتماعی در عرصه های مختلف داشته، و عامل مهمی در سلامت جامعه و کاهش آسیب پذیری اجتماعی محسوب می گردد. از این رو بدیهی است که تقویت آن در جامعه به ویژه در سطح محلی و محله ای، به ارتقای سطح ارزش های اخلاقی و انسانی و سلوک اجتماعی و بالا رفتن ضریب امنیت و مشارکت های مردمی و مسؤولیت های اجتماعی منجر گشته و کاهش مفسد اجتماعی و اخلاقی و بسیاری از جرایم را نیز در پی دارد. این کارکرد ارزشمند و منحصر به فرد عنصر دین، آن را در میان سرمایه های اجتماعی متفوق ساخته و براین اساس باید در صدر کالاهای عمومی در نظام برنامه ریزی کشور قرار گیرد. با نگاهی اجمالی به برخی کشورها از جمله جمهوری ترکیه می توان مشاهده کرد که آن ها نیز علی رغم تمایلات شان در پرداخت به مباحث دینی، به لحاظ کارکردها و تأثیرات عمیق دین بر بهبود و سلامت زندگی فردی و اجتماعی و برقراری امنیت

اجتماعی، به انجام سرمایه گذاری های کلانی در این بخش مبادرت نموده اند. مسجد محلی است که مشکلات اجتماعی با امید و وحدت در آن مطرح شده و ارضای نیازهای جسمی و روحی در سطوح تصمیم گیری با نیت خیر در آن منعقد می گردد. در مساجد می توان شاهد بازگشت تمامی طبقات و اقشار مختلف جامعه بود. کدورت طبیعی افراد جامعه در آب زلال مساجد شستشو شده و حب و بغض های بیهوده و مظاهر دنیوی به فراموشی سپرده می شوند، اگر مسجد نقش آفرینی خود در تهذیب روح اجتماع را به درستی انجام ندهد، شدت مشکلات و اضطراب های تمدن به ظاهر ماشینی، جامعه را در هم ریخته و انحرافات و آسیب های بسیار اجتماعی در جامعه بروز می نماید؛ از این رو، مساجد با برخورداری از کارکرد امنیتی خود، نقش به سزایی در مهار و از میان بردن آسیب های اجتماعی به ویژه در سطح محله ای ایفا نموده و بدین ترتیب موجبات برقراری امنیت در محله ها و شهرها را فراهم می آورند. با حضور در مساجد به عنوان مراکز عبادی اسلام، در اصل ظهور یک واکنش و رفتار و نه لزوماً در کیفیت آن است. نقش امنیتی مساجد، نقش تکمیلی و تربیتی در جهت ایجاد و تقویت رفتارهای مطلوب و نه صرفاً نقش تثبیت رفتارهایی است که در مساجد رخ می دهند. (1) مساجد، حافظ و پاسدار جهان اسلام اند. در جهان اسلام بسیار اندک اند شهرهایی که از دیوارهایی بلند و مستحکم همچون سایر شهرهای جهان برخوردار باشند. در جهان دژهای استواری برپاست که ضخامت و درازای برخی از آن ها به دیوار معروف چین می رسد، و برج هایی بلند و مستحکم همچون برج های مستقر در شهرهای اروپایی وجود دارند. این در حالی است که در جهان اسلام، تعداد دژها و دیوارها بسیار اندک است، زیرا در تمامی شهرها و محلات اسلامی، مساجد به عنوان دژهای اسلام و مراکز مدافع امنیت اجتماعی و ایمان قدرت برتر آن به شمار می آید. در گذشته امت های مسلمان تنها به فضل دین اسلام و وجود مساجد متعدد از فتنه های کوبنده و ویرانگر و آسیب های اجتماعی در امان مانده اند. به جرأت می توان اذعان داشت، همان گونه که آیین مسیحیت به همت پیروان خود زنده ماند، جهان اسلام و امت مسلمان نیز به فضل وجود مساجد پایدار و زنده ماندند.

ص: 333

به راستی آیا هنجارها در حال دگرگونی است؟

آیا بی هنجاری در حال گسترش است؟

آیا به سوی فروپاشی اجتماعی پیش می رویم؟

بی تردید، یافتن راه حل برای مشکلات اجتماعی، صرفاً از توان دولت ها خارج بوده و برنمی آید. سیاسی و امنیتی دیدن مسایل اجتماعی نیز که روشی لاپوشانی را تجویز می کند، به تخریب بیشتر می انجامد. در این میان مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی و به ویژه مساجد در جامعه اسلامی و رسانه های همگانی هستند که در کنار مردم و دولت ها یا حتی پیشاپیش آنان به چاره جویی برمی خیزند. بی هنجاری یا نابهنجاری (Anomy) متضمن فقدان، گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. این اصطلاح از منظر دورکیم، مبین حالتی نابهنجار است که در نتیجه گذار جامعه از انسجام مکانیکی به ارگانیک رخ می دهد. به عبارت دیگر، بسط تقسیم کار، اگر چه زمینه ساز نیل جامعه به انسجام ارگانیک می گردد، لیکن سبقت گرفتن رشد اقتصادی بر اصول و تنظیمات اخلاقی در فرآیند تفکیک پذیری ساخت های اجتماعی و تخصصی شدن وظایف کارکردی، موجبات بروز آسیب های نابهنجار را فراهم می آورد در چنین شرایطی، احساس سرخوردگی اجتماعی و همچنین نبود پیوندهای جمعی فرد را وا می دارد تا کنش های نابهنجاری را از خود بروز داده و با درگذشتن از نظم

اجتماعی، درصدد ارضای تمایلات خویش برآید. البته انجام این اعمال نیز چیزی از بی معنایی و احساس آشفتگی درونی فرد نابهنجار نمی کاهد؛ اما با این حال نظم عمومی را مخدوش می نماید. این مفهوم، اما از نظر مرتن، نارسایی فشارهای ساختی جامعه در هم نوایی با ارزش های فرهنگی و دینی بازگشته و بروز انحراف را ناگزیر می سازد. به عبارت دیگر، اگر افراد برای نیل به اهداف مطلوب فرهنگی و دینی، نتوانند از ابزار مناسب اجتماعی بهره گیرند، ناچار به تأکید یک سویه به اهداف ساختی یا ارزش های فرهنگی و دینی بسنده کرده و یا به جای چنین تأکیدی، راه انزوا و طغیان در پیش گرفته، و در نهایت سر از انحرافات اجتماعی در می آورند. از آنجا که بحران ها و انحرافات اجتماعی محصول عدم تراز مبادلات داده - ستانده خرده نظام های

اجتماعی بوده و تنش های اجتماعی، از ناتوانی خرده نظام های اجتماعی در ایفای کارکردهای ساختی آنها حکایت دارد، از این رو اگر چنانچه خرده نظام های اقتصادی و سیاسی جامعه ای نتوانند پول، قدرت، نفوذ و تعهد ایجاد کرده و یا خرده نظام های ارگانیستی شخصیتی، اجتماعی و رفتاری، از تولید نقش به تعلق، هنجار و ارزش باز مانند، بر این سیاق، بروز بحران ها و تنش های اجتماعی حتمی است. در اینجا است که نقش تربیتی و امنیتی کانون های عبادتی اسلام (مساجد) محله ای به عنوان خرده نظام های ارگانیستی و اجتماعی در از میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی و برقراری ارتباطات گروهی، فرد یا افراد جامعه (به ویژه در سطح محله ای) را و می دارد تا به کنترل کنش های نابهنجار خود پرداخته و با رعایت نظم اجتماعی، از ارضای تمایلات خویش که برخلاف مصالح اجتماعی آنان است، پرهیز نمایند. نقش امنیتی مساجد با نقش تربیتی این مراکز در ارتباط متقابل اند. منظور از نقش تربیتی مساجد، نقشی است که این نهادهای مقدس در زمینه های روحی ایفا می نمایند. آن گاه که مؤمن به مسجد وارد می شود، در فضای آکنده از قداست و طهارت، کانونی ساده و عاری از پیرایه های مادی اما انباشته از جلوه های معنوی و الهی، قرار می گیرد. با آن که گناه در همه جا نكوهیده و زشت است، اما در مسجد قباحتی دو چندان دارد؛ از این رو، مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری در جهت آلوده نشدن به گناه، به زبان نیاوردن سخنان ظالمانه، تجاوز نکردن به حقوق دیگران، عدم ارتکاب به جرایم و آسیب های اجتماعی در چنین اماکن مقدسی انجام دهد. در حقیقت مراقبت بر به کار بستن چنین اموری، خود نوعی تمرین انجام کارهای خیر و دوری از بدی ها و برقراری امنیت در اجتماع است. از این رو، حضور در مسجد، تمرین توجه به خداست. آزمون مبارزه با نفس و ترک گناهان و فعالیت های خلاف (جرائم) است. به واسطه برخورداری مساجد از روحیه گروهی، آثار سازنده و تربیتی حضور در مساجد، به تدریج به دیگر اعمال فرد و عملکرد سایر افراد نیز سرایت می کند. در مکتب تربیتی اسلام، انزواطلبی و جمع گریزی به عنوان یک بیماری روحی شناخته شده و در مقابل اجتماعی بودن و جمع گرایی - در حد معقول آن - نشانه سلامت روح و روان آدمی و تعادل فکری وی به شمار می آید. افزون بر آن چه گذشت، مساجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و نارسایی های اجتماعی می باشند. به طور طبیعی حضور در چنین اماکنی، روح تعهد و دردمندی را در فرد و افراد می دمد.

پرورش این خوی پسندیده در اشخاص خود نوعی مبارزه با روحیه بی تعهدی و بی تفاوتی است؛ یعنی روحیه ای که هرگاه در افراد جامعه به ویژه نسل جوان پیدا شود، آسیب های اساسی بر پیکره آن جامعه وارد می گردد.

مساجد و عدم تضييع حقوق شهروندان

از آنجایی که دین مبین اسلام برای تمام شئون زندگی انسان برنامه و هدف دارد، مساجد نیز به عنوان سامان دهندگان رفتار دینی مردم و در قالب نظم رفتاری در حیات اجتماعی مطرح می گردند. مساجد، پایگاه تبلیغ دین اسلام بوده و بسیاری از آثار اجتماعی نظیر اخلاص و درستکاری، ساماندهی زندگی و نظم و تقوی بر آنها مترتب است. افرادی که بیشتر به مساجد آمد و شد دارند، رفتارشان در تمامی مراحل زندگی به شکل مثبت مشهود است، کمتر حقوق دیگران را ضایع می کنند، زندگی شان با نظم و توجه بیشتری توأمان است و آثار رفتار دینی آنان در زندگی اجتماعی آنان نیز به چشم می خورد. از دیگر سو، نقصان ارزش های دینی، سبب بروز بی نظمی ها و آشوب های اجتماعی و نهایتاً عدم برخورداری شهروندان از امنیت اجتماعی می گردد. مشکلاتی که بدین وسیله به فرد منتقل می شود، به خانواده ی وی منتقل شده و سپس

این درگیری و تشنج به محل کار فرد نیز تسری می یابد. این سیکل باطل مرتباً تکرار شده و در نهایت نابسامانی فرد و خانواده ی وی را در پی داشته و عدم امنیت در کل جامعه را گسترش می دهد. (1)

اشخاصی که پیوسته به مساجد آمد و شد دارند، با اهل ایمان و نمازگزاران و افراد منظم و متعبد در معاشرت و رفت و آمد هستند. ایمان و تعهد عملی آنان در معرض دید همگان قرار گرفته، به یک معیار شخصیتی و اعتبار اجتماعی نیز دست یافته و قهراً این جمعیت در روند داد و ستدهای اقتصادی، خانوادگی و روابط اجتماعی و رفتاری آنان ملاک اعتبار و اطمینان قرار می گیرد.

ص: 236

1- . نقیب السادات، مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم: ص 7 .

افزایش بحران در جهان سوم، اکولوژیست ها را در تحقیق بر روی موضوعاتی چون فقر، جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر و ناآرامی های اجتماعی مصمم تر ساخته است. در مطالعه آسیب شناسی اجتماعی، اغلب بر این مطلب که عامل فقر بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسایل و آسیب های اجتماعی شهرها و محلات شهری مؤثر افتاده است. تأکید می گردد. از این رو، نقش امنیتی مساجد شهری در زمینه شناخت مناطق فقرآلود محله ای و شهری، میزان درآمد خانواده و برقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف مردم رخ می نماید.

نقش تربیتی مساجد و اصل ابشار و انذار

وجه تمایز انسان با دیگر موجودات خلقت در این است که انسان موجودی متفکر و دارای قوه اندیشه و تعقل است. هر شخص در اجتماع و طول زندگی روزمره به افعال و اعمالی مبادر می نماید که ناشی از تراوشات فکری و ذهنی وی می باشد. حال ممکن است هر فعلی که انجام می گیرد، در راستای دستورات و فرامین دینی و اعتقادی نباشد. بعضا ممکن است برخی از این اعمال در تناقض با دین باشند؛ در این جاست که مساجد به عنوان کانون های محوری دین اسلام، در تأیید اعمال منطبق با دستورات الهی و رد و انکار اعمال غیر منطبق ایفای نقش می نمایند. از آن جا که اسلام دین جامعی است، حامل پیام و دستور برای تمام شئون و مسایل زندگی انسان می باشد. بالطبع بهترین مکان برای دریافت و پذیرش این دستورات، کانون های عبادی دین اسلام (مساجد) می باشد؛ هم چنان که یکی از خصوصیات بارز دین اسلام که توسط پیامبر ابلاغ گردیده، اصل بشارت و انذار است. بشارت در واقع تأیید و تشویق اعمال است که فرد یا افراد جامعه در راستای دین اسلام و دستورات الهی مطابق با قوانین زندگی اجتماعی به انجام آن مبادرت می نمایند. در مقابل، انذار (ترسانیدن و هشدار دادن) به انکار و نهي فرد یا افراد جامعه از انجام اعمال خلاف و معصیت زا و جرایم اطلاق می گیرد.

1 - سجادی، سید مهدی، مسجد و تعلیم و تربیت، ص 31 و 247.

2 - نقیب السادات، مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم، ص 7.

3 - الیاده، میرچا، دین پژوهی، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی.

4 - جعفری، محمد تقی، فلسفه دین.

5 - هیگ، جان، نقش اجتماعی دین، ترجمه بهزاد سالکی.

ص: 338

اشاره

چکیده

مسئله محیط زیست در دهه های اخیر معضلی برای همه جهانیان و بحث روز بسیاری از جوامع بوده است. در همین راستاست که مباحثی از قبیل توسعه پایدار با طرح ملاحظات زیست محیطی سعی در حفاظت از محیط زیست، قابلیت استفاده از منابع برای نسل های آتی، بهبود و تطبیق با شرایط محیطی و سالم سازی محیط زندگی را داشته اند؛ اگرچه در تقلیل بحران های زیست محیطی چنین نظراتی جایگاه خاص خود را دارند و در ارتقای کیفی محیط زندگی لازمند، اما کافی نیستند؛ زیرا در حقیقت اغلب به تبع جهان بینی های غالب بر جهان معاصر، به ابعاد بحران و از میان رفتن امنیت داشته اند، چندان مورد توجه قرار نمی دهند. امروزه تغییر نگرش جامعه نسبت به طبیعت و مفهوم مادی گرایانه علوم نیوتنی از آن، تسلط بر طبیعت و تخریب آن را توأماً در برداشته و بدین سبب توجه به مفاهیم معنوی اسلام و مسجد به عنوان کانون چنین مفاهیمی، روز به روز اهمیت خود را بیشتر می نمایاند. آنچه باعث می شود فن آوری های محض اجرا شده و کاربرد علوم و پیشرفت های تکنولوژی شگفت انگیز اخیر قادر به حل بحران های زیست محیطی و بهبود کیفی محیط زیست نباشد، تسلط دیدگاه جزء گرایانه و مادی نسبت به امور است.

این مقاله با بررسی دیدگاه انسان در سیاست های محیطی، به لزوم شناخت هرچه بیشتر

فرهنگ دینی مسجد و کاربرد آن در سیاست گذاری های محیطی به ویژه در سطح محله ای تأکید داشته و به اهمیت و نقش آن در کنترل و حل بحران ها و آسیب های زیست محیطی از طریق تبیین رابطه انسان و محیط زیست در جهت باز آفرینی نقش شهروندان در حفاظت از محیط زیست می پردازد.

همچنین به توسعه پایدار در فرهنگ اسلامی و تفسیر آن اشاره ای خواهد داشت. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی - استنباطی (Descriptive - Referential) است که در آن از مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار - انسان مدرن - انسان محوری - حفاظت محیطی - محیط زیست محله ای.

دیدگاه جزءگرایانه انسان به طبیعت

بحران های زیست محیطی کل نظام طبیعت را تهدید می نماید. انقراض گونه ها، نابودی جنگل ها و تخریب محیط زیست به واسطه افزایش مصرف انرژی در جهان در حالی صورت می پذیرد که بحث کنونی بسیاری از کنوانسیون ها، مجامع و آژانس های بین المللی و ملی در سراسر دنیا در زمینه پایداری توسعه بوده و موافقت نامه های جهانی و تعهدات دولتی به ارایه استراتژی ها و راه کارهایی در جهت حل مسایل محیطی می پردازند.

سؤال این جاست که چگونه به رغم توصیه الگوهای مناسب تر پایداری در زمینه های مربوط به محیط زیست، تغییرات قابل توجهی در ارتباط با شیوه های مصرف تمایل به جایگزینی انرژی های تجزیه پذیر به جای انرژی های فسیلی و صرفه جویی در استفاده از منابع به وجود نیامده است. در حالی که پاسخ به این سؤال ممکن است جواب های ظاهری بسیاری را در پی داشته باشد اما در بطن آنها حقیقتی نهفته است که ریشه بسیاری از مسایل محیطی به شمار می آید و آن عدم توجه به ابعاد معنوی ارتباط میان انسان و محیط زیست است. بحران زیست محیطی، تبلور خارجی بیماری و رنج داخلی است.

این بیماری دیر زمانی است انسانی که برای بدست آوردن زمین از آسمان روی گردانده و به جای آسمان به زمین اصالت داد و اکنون زمین را نیز به دلیل نداشتن آسمان از دست می دهد را به ستوه آورده است. انسان معاصر انسانی است که قانون گذاری می کند، ارزش تعیین می کند، به هیچ قدرتی خارج از خود اتکاء ندارد و به عبارتی کلی تر مرکز هستی است. پایه های اصلی چنین دیدگاهی در افکار بسیاری از صاحب نظران در طول تاریخ مشاهده شده است. به عنوان مثال فیثاغورث در این باره می گوید: «انسان میزان تمامی چیزهاست». با این حال انسان محوری با تأکید بر ابعاد مادی آن در دوره نوزایی (رنسانس) نضج گرفت. در اوج این دیدگاه عوامل مهمی دخیل بوده اند که در ذیل به مهم ترین آنها اشاره ای خواهیم داشت.

دیدگاه علم گرایانه به طبیعت

برای انسان سنتی چه غربی و چه شرقی با هر دین و آیینی، طبیعت از جنبه ای از تقدس برخوردار بوده است. آب، درخت، کوه و بسیاری از مظاهر طبیعت دارای ارزش والایی بوده و حتی دخالت در آن ها از دیدگاه شرقیان گناه شمرده شده است.

جنبه های لایتناهی طبیعت در ساخت معابد و باغ آرای های آنان کاملاً مشهود است. اما با گذشت زمان تأکید بر پرستش طبیعت آن چنان که هست به تدریج اهمیت خود را از دست داده و همچنان که تمدن و مظاهر مربوط به آن طی قرون سیزده و چهارده میلادی تحول خود را

آغاز می کند، توجه به طبیعت که بخشی از محیط زیست بوده و با رستگاری انسان مرتبط بوده کنار گذاشته می شود. افرادی چون دکارت نیز مانند افلاطون معتقد بود که هرچه از نظر علمی قابل اعتبار نباشد وجود ندارد و طبیعت تنها از جنبه کیفیت های ملموس مانند انرژی و وزن تشکیل شده و ارزش های ذاتی و غیرقابل اندازه گیری مانند زیبایی اهمیت چندانی ندارد.

با انقلاب دکارتی، نه تنها فلسفه از مذهب جدا شد بلکه مبتنی بر عقل گردید. با چنین پیش در آمدی، علم جدید توسط اشخاصی چون گالیله، کپلر و نیوتن از طرق گوناگون و با تأکید بر علوم تجربی و دیدگاه جزء گرایانه یا اتمیسم علمی بنیان گذارده می شود. مطابق چنین دیدگاهی، طبیعت موجودی قابل احترام و تقدس نبوده و تنها به آزمایشگاهی برای اثبات

نظریات گوناگون علمی متکی بر حس و تجربه و از زمان فرانسیس بیکن مساوی قدرت و توانایی مبدل می گردد. تحولات علمی قرون اخیر به پیروزی چنین دیدگاهی در تمامی زمینه ها منجر گردیده است. بلند پروازی های علمی سبب می گردد که انسان به تدریج چنین ذهنیتی پیدا کند که علم را جایگزین همه چیز کرده و آن را داروی درد جامعه بشری سازد. حتی برتراند راسل، مدینه فاضله ای با نام علمی را بر این پایه بنا نهاده است.

تسلط و کنترل انسان بر طبیعت

فیثاغورث و افلاطون بحثی در ارتباط با جدایی انسان از طبیعت از طریق دو تفکر سیستمی متفاوت به وجود آوردند؛ اما هر دو به دنبال اعتقاد به جدایی نفس (روح غیر مادی از بدن) و (کالبد مادی) بوده و دنیای فیزیکی را دامی برای نفس می دانستند.

دوگانگی میان انسان و هر آنچه غیرانسانی بود و تفاوت این دو براساس خردورزی منحصر به فرد انسان، عامل دیگری در ایجاد دیدگاه انسان محوری به شمار می رفت. این توصیه توسط افرادی چون ارسطو، پاسکال و کانت به این نظر ختم می شود که تنها انسانها خردورز هستند و چون دارای قدرت و برتری نسبت به سایر موجودات می باشند، می توانند بر آنها تسلط یابند. پیام اصلی خردورزی، کاربرد واژه «ماشین» برای طبیعت بود که توسط کپلر و دکارت بسط یافت. آنان دنیای مادی را به مثابه ماشینی تصور می نمودند که بر طبق یک سری قوانین ثابت و غیرقابل تغییر که از ابتدا وجود داشته بدون هر گونه خلاقیت در خود کار می کند. علاوه بر آن، بی حرکتی ماده، فقدان علم و ارزش های ذاتی در غیرانسان، او را از صدماتی که به اکوسیستم های طبیعی می زد، تبرئه می نمود.

فرانسیس بیکن نیز با تأکید خود بر این که علم قدرت است و دانش علمی یک قدرت تکنیکی بر طبیعت دارد مانند کانت از تسلط بر طبیعت و یا قابلیت تغییر و انطباق طبیعت به وسیله نیازها و خواسته هایی که انسان تعیین می کند، نام می برد. به واسطه این چنین تفکری، ارزش گذاری بر طبیعت مطرح می گردد. این که طبیعت فاقد ارزش است و تنها از مواد خام برای مصرف در ارتباط با ایده های انسانی تشکیل شده است، پایه برخی تئوری های اجتماعی

می‌گردد. لوک - بنیان‌گذار لیبرالیسم مدرن - طبیعت را فاقد ارزش می‌داند و هیچ ارزشی برای زمین نمی‌گذارد، مگر آن که توسط انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد و حتی پس از توسعه، هم چنان کارگر را به عنوان ارزش اصلی معرفی می‌نماید.

مارکس نیز که هستی را چیزی جز ماده بی‌شعور نمی‌داند به ابزار تولیدی بها می‌دهد و از این روی طبیعت را فاقد ارزش ذاتی می‌داند.

تأثیر انسان محوری بر سیاست‌های محیطی

مقولات مورد بحثی چون علم‌گرایی و دیدگاه جزء‌گرایانه جدایی و تسلط انسان بر طبیعت و نحوه ارزش‌گذاری طبیعت سبب شد تا در نگرش انسان محوری، انسان اصالت را به ماده داده و هر آن چه را که در قلمرو زندگی مادی قرار گیرد دارای ارزش شود. به عبارت دیگر، رفاه و امرار معاش به عنوان ارزش شناخته و معرفی شد. در نهایت این نوع تفکر سبب شد سیاست‌های محیطی بر سیاست‌های انسان‌گرا با تکیه بر محوریت انسان مشتمل گردد. تفکر مرکزیت انسان به عنوان تنها موجود خلاق، هوشیار و تولیدکننده نظام طبیعت، حقی را در وی ایجاد نموده است که منحصر به خود بیانید.

در کنفرانس‌های متعدد در ارتباط با پایداری و محیط زیست هنگامی که منظور از پایداری، حفاظت از محیط حال و آینده برای نسل‌های آتی تلقی می‌گردد این موضوع به وضوح نمایان می‌شود. به عنوان مثال توسعه پایدار در استراتژی‌های حفاظتی دهه 1980 توسعه‌ای است که کاربرد منافع انسانی مالی، طبیعی و... را برای رفع نیازهای انسانی و بهبود کیفیت زندگی وی در بر داشته باشد. در این استراتژی حفاظت از طبیعت در معنای مدرن آن عبارت از مدیریت و بهره‌برداری انسان از سرزمینی است که بتواند در عین ایجاد پایداری برای نسل حاضر، نیازهای نسل آتی را برآورده سازد.

کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه در سال 1987 نیز توسعه پایدار و فرآیندی قلمداد می‌نماید که در آن امکان برآورده سازی نیازهای امروز انسان بدون کاهش توانایی‌های آیندگان در تأمین نیازهای انسانی مهیا گردد. در کنفرانس ریو (طی سال 1992) تعریف سازمان

ملل متحد از توسعه پایدار نیز تأکید بر سیاستی بود که در نتیجه اعمال آن منافع مثبت حاصل از مصرف منابع طبیعی بتواند برای زمان های قابل پیش بینی در آینده تداوم داشته باشد. همچنین در مورد محیط و توسعه، اقدامات لازم برای هماهنگی میان تعداد جمعیت جهان و نیازهای آنان با منابع محدود زمین تا اواسط قرن بیست و یکم تعیین شد تا به عنوان دستور کار سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی و ملی به مورد اجرا گذارده شود این چنین دیدگاه هایی سبب شد تا در گزارش صلح و غذا طی سال 1994، از بشر به عنوان خلاق ترین، تولید کننده ترین و گران بهاترین منبع نام برده شود. در چنین وضعیتی که انسان در مرکز سیاست های محیطی قرار گرفته و انسان مداری پایه استراتژی های حفاظت محیطی می گردد. در این میان به خصوص اقتصاددانان تنها به نقش محیط و اکولوژی در مدیریت سیستم های اقتصادی پرداخته و هرگونه تراحم وارد آمده بر اکوسیستم را از آن جهت نامطلوب می دانند که در آینده بر سیستم های حمایتی ضامن پایداری اقتصادی خدشه وارد می سازد. انسان گرایی، بشر را به موجودی کاملاً مادی و زمینی مبدل می سازد. از این رو هیچ مسئولیتی در قبال طبیعت ندارد و محیط زیست ابزاری بیش نبوده و ارزش آن نیز بر این اساس استوار می گردد. توجیهاتی که برای این امر ارائه می گردد متفاوت است که از آن جمله می توان به تأکید بر حقوق نسل های آتی، مباحث مربوط به تهدید سلامتی ساکنین کره زمین، بهره گیری از منطقی اقتصادی در جهت حفاظت محیط و بهره گیری از توجیهات مذهبی که در این جا به لحاظ موضوع مقاله تنها به آن پرداخته خواهد شد، اشاره نمود.

دین و محیط زیست

توجیهات مذهبی در سیاست های محیطی

مذهب و جنبه های معنوی آن از سه طریق بر سیاست ها و قوانین اثر می گذارند. در طریقه نخست استفاده از برخی از اصول مذهبی در قطع نامه ها و توصیه نامه های بین المللی به عنوان مثال اصول مندرج در بند چهارم کنفرانس جهانی با پارک های ملی (طی سال 1962) مدنظر قرار گرفته است؛ مبنی بر این که حفظ زیبایی و ویژگی چشم اندازهای طبیعی برای زندگی انسان ضروری؛

زیرا نفوذ دوباره معنویت و نیروی فیزیکی و ذهنی قوی ای را ایجاد می نماید. همچنین در بیانیه سال 1983 کنفرانس پارک ها و نیز در اجلاس زمین (طی سال 1992)، به این نقش اشاره شده است. انجمن جهانی مدیریت و حفاظت و توسعه پایدار مناطق جنگلی، حفاظت و توسعه پایدار جنگل ها را حفاظت اکولوژیکی تمامی جنگل های ملی که ارزش های منحصر به فردی به عنوان مظاهر معنویت و مذهب دارند، قلمداد می کند. در بخشی از دستورالعمل نیز همین موضوع به طریق دیگری عنوان گردیده است؛ یعنی تعهد برای «حفاظت از کثرت بیولوژیکی» نیاز به شناخت مفاهیم مذهبی مشترک در کشورهای مختلف برای نیل به نقطه نظرات قابل استفاده دارد. در دومین موردی که مذهب، سیاست های محیطی را تحت تأثیر قرار می دهد موضوع به گونه ای غیر مستقیم است. به عنوان مثال به طور دوره ای، از اطلاعات مربوط به مذاهب مختلف جهان بهره مند می شود. در سال 1990 نیز در کنفرانس بین المللی مسکو در ارتباط با محیط زیست بیان شده است که نیاز به یک پایه جدید معنوی و اخلاقی که همانا مراکز مذهبی من جمله مساجد است وجود دارد. سومین مورد نیاز به طور غیرمستقیم از طریق حفظ فرهنگ بومی و آزادی های مذهبی به حفاظت از مراکز مذهبی و در رأس آن مساجد اشاره دارد تا به دلیل تأکید مذاهب بر دنیای طبیعی امکان حفاظت از محیط نیز ایجاد گردد. به طور کلی مفاهیم و معانی ماوراءالطبیعه نسبت به طبیعت مورد توجه بوده است.

در حقیقت نقش مذهب و کانون های مذهبی به ویژه مساجد در بلاد مسلمین، در حفاظت از محیط، ریشه تاریخی داشته و در بسیاری از ادیان به ویژه دین مبین اسلام، شناخت طبیعت وسیله ای برای شناخت خداوند بوده است. بدین لحاظ برخی از جنبش های محیطی کنونی ادغامی از مسایل مذهبی را در بحث های محیطی ضروری قلمداد نموده و براین باورند که بحران های زیست محیطی بدون برخورداری از پایه ای دینی و بدون توجه به کارکرد راهبردی مراکز مذهبی من جمله مساجد قابل حل نمی باشند. در عین حال برخی دیگر من جمله لین وایت براین باورند که بحران های اکولوژیک ریشه مذهبی داشته و عمده ادیان به ویژه یهودیت، مسیحیت و اسلام نه تنها بر دوگانگی انسان و طبیعت توسط انسان تأکید دارند. به منظور روشن تر شدن ارتباط انسان و طبیعت در اسلام در ادامه این نوشتار نگرش اسلام نسبت به محیط زیست مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بحث در خصوص نگرش اسلام به محیط زیست بسیار گسترده است. در اینجا تنها اشاره ای به اهم موضوعات مورد بحث بالاخص مسئولیت انسان در برابر زمین و نگرش اسلام به توسعه پایدار خواهد شد. مروری بر تعالیم اسلامی بیانگر این حقیقت است که اسلام اصولی را برای زندگی و تداوم حیات بشر مطرح نموده است.

در مباحث محیط زیست، اصول اسلامی در نحوه استفاده از منابع موجود، نحوه ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم تر شیوه نگرش انسان به خویشتن و به عالم وجود و ارتباط میان این ها مصداق می یابد. این اصول کلی (به عنوان جهان بینی) که راهنمای جامعه ای اسلامی در تدوین سیاستهای کلی حاکم بر محیط و جامعه خویش می باشد، در مساجد تبیین می گردد.

تفکر درباره طبیعت

شناخت طبیعت و اجزاء و عناصر آن و قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی از جمله مقولات بسیار مهمی است که در متون اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، مؤکدا انسان را به آن ترغیب و توصیه می کند و قرآن تمام عالم طبیعت را یک سره آیه و نشانه ای برای شناخت ماوراءالطبیعت می خواند. (1)

در تشریح نظریات ابن سینا نیز آمده است که تحقیق در جهان طبیعت تنها حقیقت پدیده ها و یافتن سلسله روابط میان آنها نیست، بلکه تحقیق در پدیده و ظاهر در پرتو رابطه ای که با درون و باطن دارد و تحقیق در جزئی است با نظریه رابطه ای که میان آن و کل موجود است؛ از این رو، علوم طبیعی در اسلام نیز مانند الهیات همواره با یک جنبه سری و درونی توأم بوده و کشف یک نکته علمی منجر به کشف دیگر اسرار می گردد. بسیاری از دانشمندان و طبیعی دانان بزرگ جهان مسلمان بوده اند اما به دلیل آن که پدیده های طبیعی آیات الهی محسوب می گردند، علم عرضی (سکولار) محض در میان مسلمانان به وجود نمی آید. با تغییر و تحولات فیزیکی جدید و راهی که اینک فراروی عالمان سایر علوم به ویژه مساجد در جامعه مسلمانان در حال

ص: 346

یافتن جایگاه اصلی خویشتن در جهان مدرن امری هستند به عنوان مثال علوم نیوتنی و نگرش جزء گرایانه که سالیان درازی بر تفکرات و فلسفه سایر شقوق علوم انسانی حکم فرمایی می نمود، در حال سپردن جایگاه و مقام خویشتن به تفکر کل نگرایانه است. این پدیده در نهایت

اثر مطلوبی بر نحوه نگرش تنظیم روابط و فعالیت های انسانی خواهد داشت.

مسئولیت انسان در برابر طبیعت

دین مبین اسلام اساسا انسان را خلیفه الله می داند؛ اما این مخلوق آزاد از هر مسئولیت نیست بلکه باید سایر افعال خویش را به بهره گیری از اصول و قوانینی که خالق هستی برای تنظیم امور کائنات مقرر فرموده به انجام رساند. به عبارت دیگر انسان به عنوان عالم صغیر جسم و روحا

پاره ای از عالم کبیر است و در نتیجه می باید از قوانین عالم هستی (طبیعت) پیروی کند. از این روی، نقش مراکز مذهبی و مساجد به عنوان مراکز هماهنگی فعالیت های انسانی با نظام حاکم بر طبیعت و پدیده های آن که عامل اساسی برای بهتر زیستن است و او را از تخریب و فساد طبیعت باز خواهد داشت، بیش از پیش نمایان می گردد. از جمله مهم ترین وظایفی که در خلال دستورات و بایدها و نبایدهای شرع برای مسلمین مشخص شده، اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. آیات متعددی از قرآن کریم، انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح بر آن که همانا عمل صالح است امر می فرماید. بنا بر تعالیم قرآنی می توان گفت که عامل رستگاری انسان اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. عمران و آبادانی زمین

یکی از وجوه اصلاح زمین است چرا که یکی از اهداف مترتب بر فعالیت های انسان در زمین، عمران و آبادانی آن می باشد؛ چنانچه خداوند می فرماید:

«او شما را از خاک آفرید و شما را به ساختن و آبادانی زمین گمارد».

اجتناب از اسراف و تبذیر نیز عامل مهم دیگری است. دین مبین اسلام انسان را به شدت به اجتناب از اسراف و تبذیر فرمان داده و به میانه روی و اعتدال دعوت می نماید.

به مصداق «و کذلک جعلناکم امه وسطا» و «الیمین و الشمال مضله و طریق الوسطی هی الجاده» برنامه های مراکز اسلامی و در رأس آن ها مساجد، برنامه هایی میانه است که پرهیز از

بیهودگی را سرلوحه خود قرار داده و به شدت از اسراف و تبذیر تنها به استفاده بیش از حد نیاز و تباه کردن محیط زیست منحصر نمی گردد؛ بلکه عدم استفاده صحیح و بهینه از منابع و مواد اولیه نیز می تواند نوعی اسراف تلقی گردد و حتی بالاتر از آن در صورت نبود روند تکاملی در مصرف مواد می توان صحبت از اسراف را به میان آورد.

کمال بخشی به طبیعت

تعالیم و کانون های اسلامی و مساجد به عنوان کانون چنین تعالیمی نباید به سمت تباهی و فساد سوق داده شود، بلکه کلیه امور و تمامی اشیاء می باید به نحو مطلوب به سمت کمال هدایت گردند. به عبارت دیگر مراجعه به متون اسلامی نشان دهنده آن است که تفکر اسلامی منادی «تداوم کمال» اشیاء است. در مسیر کمال قرار دادن تمامی عناصر و اشیاء، تبعیت از اصول حاکم بر عالم وجود است که در آن عقربه شدن ها همواره رو به سوی کمال دارد. (1)

کمال جویی و کمال طلبی در تمامی ابعاد زندگی مسلمین نفوذ داشته و یکی از ملاک های اصلی تعیین مسیر فعالیت های فردی و جمعی مسلمین بوده است. در تفکر اسلامی برای اشیاء و معانی، حالت ایستایی و سکون و بر یک حالت ماندن توجیه نمی شود بلکه بایستی در کلیه فرایندها و فعالیت ها بارقه ای از حالت کمال جویی و کمال طلبی مستتر باشد تا بتوان از «انالله و انا الیه راجعون» سخن گفت. در این جاست که مراکز مذهبی و مساجد با تأکید بر این تفکر که محیط و عناصر مربوط به آن نه تنها بایستی از میان بروند و نه تنها حفظ آنها هدف غایی نیست بلکه بایستی به طور مداوم به حالتی از کمال (متعالی تر از وضعیت قبل و حال) در آینده ایفای نقش نمایند. تعالیم تبیین یافته در مساجد تا بدانجا پیش می رود که در ورای هر عملی (حتی بر ساده ترین اعمال مادی) تفکر کمال جویی و وجود هدفی والا و معنوی حاکم است و بر یک مکان و موقعیت ماندن خسران تلقی می گردد. به بیان دیگر لزوم رفتن به سوی کمال و طلب آن ضرورت حیات انسانی است.

علی هذا اگر این رویه را در مورد توسعه پایدار تعمیم دهیم خواهیم دید که حفاظت از

ص: 348

منابع و محیط زیست (آن گونه که طبق تعاریف توسعه پایدار توصیه می گردد) کافی نیست و همان رویه کمال جویی یا تداوم کمال، ملاک عمل و معیار ارایه توسعه پایدار در فرهنگ اسلامی خواهد بود.

توسعه پایدار

اندکی تأمل در مفهوم توسعه پایدار در تفکر اسلامی نشان می دهد که این مفهوم رعایت عدالت و حرکت به سوی کمال است. به طور اجمال می توان گفت آنچه که امروزه به عنوان «توسعه پایدار» مطرح است عمدتاً به جنبه های مادی و فیزیکی (کمی) محیط زیست می پردازد. به عبارت دیگر حفاظت از منابع محیطی و توسعه پایدار اقتصادی به عنوان هدف اصلی مطرح است. البته این خصیصه غالب و مسلط بر ایده ها و تفکرات سده های اخیر جوامع صنعتی است که تمرکز اصلی را بر امور مادی و حداکثر جنبه نفسانی و نه بعد معنوی و روحانی حیات متوجه می نمایند. در مقابل، تأکید بر اصل کمال خواهی و کمال جویی در تعالیم اسلامی و مراکز ارایه کننده چنین تعالیمی (مساجد) سبب می گردد تا نحوه انجام کلیه فعالیت های شهروندان نه تنها سبب کمال و رشد معنوی آنان گردد بلکه باعث کمال بخشیدن به جامعه و به ویژه محله سکونت آنان گردد. این ایده بسیار پیشرفته تر از پایداری تعریف شده برای توسعه است. از این رو، مساجد را به عنوان مراکز تبیین کننده تعالیم اسلامی، می توان از پایه گذاران نظریه ای پیشرفته تر

از توسعه پایدار دانست که مبتنی بر اصل کمال جویی و کمال گرایی جهان هستی بوده و شهروندان نیز به شناسایی اصول حاکم بر آن و همچنین تبعیت از آن توصیه شده اند. مطابق چنین تعالیمی، جامعه ای در مسیر توسعه پایدار گام برمی دارد که منابع قابل دسترسی آن مورد اسراف و تباهی

قرار نگیرد و بیش از حد نیاز منطقی و معقول جامعه مصرف ننماید. با محوریت مساجد به عنوان مراکز توسعه پایدار محله ای، مصرف منابع و دگرگونی در آنها در جهت بهبود کیفی و در نهایت کمال شهروندان بوده و تغییرات و مصرف بدوی مدنظر نمی باشد؛ لذا می بایست تا حد امکان نسبت به حفاظت از منابع تجدیدنپذیر اقدام و بهره گیری از منابع تجزیه ناپذیر مورد توجه شهروندان به ویژه ساکنین محلات قرار گیرد. شهرها و در وهله دوم محلات به عنوان مکان های

زندگی و فعالیت شهروندان ضمن آن که وسیع ترین تأثیر و تغییرات بر محیط را به نمایش می گذارند، مهم ترین مصرف کننده منابع طبیعی بوده و بیشترین فضولات و آلودگی را تولید می کنند. همچنین بزرگترین قربانیان توسعه لجام گسیخته صنعت بر حیات شهروندان و طبیعت و محیط زیست می باشند. شهرها و محلات شهری مهم ترین مکان هایی هستند که بایستی به انحاء مختلف به موضوع حرکت به سوی توسعه پایدار بها دهند. یکی از مهم ترین قلمروهایی که در صورت توجه به آن، نقشی بسیار ارزنده در دگرگونی شرایط حیات شهرها و محلات به سمت حل مشکلات محیطی موجود و ارتقای کیفی محیط دارد قلمرو مدیریت شهری و محله ای است. این قلمرو با عناصر مهمی چون شهروندان، طبیعت، منابع طبیعی، روشهای بهره برداری از منابع و اثرات منفی ناشی از این عوامل بر زندگی شهری و محله ای نیاز به اصلاح تلقی جامعه و مدیران شهری نسبت به عناصر و اعضای متشکله محیط شهری و معرفی و بسط آرای مربوط به توسعه پایدار به عنوان مبانی نظری و پایه های اصول شکل دهنده مدیریت دارد. در این جا تنها به برخی موضوعات که می تواند مورد توجه مدیریت شهری و محله ای به منظور حرکت به سوی توسعه پایدار قرار گیرد، اشاره می گردد:

ارتباط با طبیعت

حفظ و ارتقای ارتباط میان شهروندان علاوه بر آن که به جهت تأکید توسعه پایدار بر حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به دلیل توجه تعالیم اسلامی و کانون بسط و نشر چنین تعالیمی (مساجد) به انتخاب روش های مناسب بهره گیری از منابع طبیعی و تأکید این تعالیم بر تمامی شهروندان با طبیعت دارای اهمیت است. علاوه بر جنبه های ظاهری از قبیل زیبا سازی محیط و ارتقای کاربردی طبیعت، تأکید عمده بر معنای نمادین طبیعت و عناصر طبیعی و نقشی که در تذکردهی انسان و ارتقای کیفی محیط ایفا می نماید، می باشد. ارزش دادن به طبیعت و مسئولیت شهروندان برای حفظ و ارتقای محیط طبیعی نیز از جمله دیگر راه کارهای ویژه ای است که مساجد به ویژه در سطح محله ای بر آن صحه می گذارند.

اصل دیگری که امکان دستیابی به توسعه پایدار را تقویت می کند می تواند امنیت و ایمنی در فضاهای شهری به ویژه محلات را در پی داشته باشد؛ این امنیت علاوه بر جنبه های متعارف نظیر امنیت در مقابل آسیب سایرین و یا ایمنی در مقابل بلایای طبیعی و مصنوعی به مقولات دیگری نیز توجه دارد که در قلمرو غیرفیزیکی حیات نیز به طوری جدی قابل بحث می باشد. به عنوان مثال می توان از امنیت در مقابل نفوذ ارزش های فرهنگ بیگانه، امنیت در برابر پدیده های متمرکز بر جنبه های مادی حیات همچون مصرف گرایی و خودنمایی نام برد که با معطوف نمودن توجه به نقش با اهمیت مساجد در این راستا می توان بدان دست یافت. توجه به چنین کانون هایی به عنوان مراکز امنیتی به ویژه در سطح محله ای، تأثیر بنیادینی بر برنامه ها و طرح های شهری در زمینه سیمای عمارات و فضاها و شکل و سیمای بافت شهری و جملگی مقولات مرتبط با مختصات معنوی و فیزیکی عناصر کالبدی شهرها و محلات دارند.

اصلاح و عمران

توجه به عمران و اصلاح زمین، اصل مهم منبعث از تعالیم اسلامی است که می تواند توسط مساجد به عنوان اصل بنیادین فعالیت های شهروندان در محلات معرفی گردد. این توجه در واقع احتراز از فساد در اجتماع است که تعالیم اسلامی و در رأس آن مساجد به شدت آن را نفی و نهی می نمایند. این مسئله، مدیران شهری را به ارزیابی جدی طرح ها و برنامه های شهری فراخوانده و آنها را به سوی کنترل مداوم طرح ها هدایت می نماید تا فعالیت ها از مسیر اصلاح و عمران اجتماعات شهری و محله ای منحرف نگردد. لازم به ذکر است یکی از مهم ترین وسایل این ارزیابی می باشد که نه تنها در ارزیابی نتایج حاصله از اجرای برنامه ها کاربرد دارد بلکه در تهیه طرح ها و برنامه ها و مقایسه آراء و نظرات مختلف با یکدیگر نیز کاربرد مؤثری

خواهد داشت. در تهیه این معیارها نیز توجه به فرهنگ و ارزش های شهری و محله ای که از جهان بینی اسلامی منبعث شده باشد ضرورت دارد. تهیه چنین معیارهایی با محوریت مساجد، شهرها و محلات را از آسیب هایی که در اثر به کار بردن معیارهای بیگانه وارد می گردد مصون خواهد داشت.

بهره‌گیری از حمایت‌های بالقوه و بالفعل آحاد جامعه از عوامل مهم در ایجاد پایداری است. در این راه یکی از مهم‌ترین ابزارها آموزش است. به خاطر نقش مهمی که مردم و مشارکت عمومی در هر امری ایفا می‌نماید، آموزش جامعه و شهروندان آن از اهمیت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر از آنجا که جامعه مجری طرح‌ها و برنامه‌ها بوده و نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها نیز متوجه آنهاست؛ از این رو حفظ و ارتقای مداوم آگاهی آحاد جامعه نسبت به عوامل و زمینه‌های مختلف حیات و زندگی، اصل بسیار مهمی است که در محلات و شهرهای اسلامی این مهم بر عهده مساجد و مراکز اسلامی می‌باشد.

همکاری و همیاری

به تبعیت از فرمان الهی «و تعاونوا علی البر و التقوی»، یکی از عواملی که به وحدت و یکپارچگی جامعه منجر شده و در نتیجه آن را از بسیاری مشکلات و بحران‌های محیطی در امان خواهد داشت، همکاری و معاضدت اعضای جامعه به ویژه در سطوح محله‌ای با یکدیگر است. برای ایجاد زمینه این همکاری مهم‌ترین وسیله موجود، مراکز مذهبی و مساجدی است که رویه‌ها و قوانین همکاری و همیاری مردم را تعریف نموده و آن را به سمت اهداف تعیین شده (حفظ و پایداری محیط و جامعه) هدایت می‌نماید.

قانون‌گرایی و قانون‌مندی

به پیروی از نظم حاکم بر عالم خلقت و همچنین با عنایت به فرامین و تعالیم اسلامی، توصیه‌ها و رفتار معصومین و بازگویی آن در مساجد، وجود مجموعه قوانینی که جملگی وظایف و فعالیت‌های فردی و جمعی را تعریف نموده و ضمن مشخص کردن حدود فعالیت‌ها، نتایج مترتب بر تخلف از آنها را روشن نماید ضرورت دارد. وجود قوانین و ضوابط کامل و الزام‌اجرای چنین قوانینی می‌تواند جامعه را استوار، متقن، عدالت‌پیشه و بدون تبعیض به سمت توسعه‌ای پایدار رهنمون گردد. از آنجایی که از مساجد به عنوان مهم‌ترین مراکز قانون‌گذاری

دین اسلامی یاد شده و می‌گردد از این رو می‌توان به نقش مهم این مراکز در قانون‌گرایی شهروندان در حفاظت از محیط شهری و محله ای تأکید و توجه نمود.

نتیجه‌گیری

وقتی انسان مداری، علم‌گرایی محض، سلطه‌گری بر طبیعت بدون احساس مسئولیت نسبت به آن، ارزش‌گذاری ابزاری بر طبیعت و عناصر متشکله و تفکیک جنبه‌های مختلف حیات و نیازمندی‌های انسان به معنویت و مادیت و عدم توجه به نقش کلیدی مراکز مذهبی و به ویژه مساجد حاکم باشد، وضعیت حاضر در جوامع شهری و محلات پدید می‌آید. به رغم تلاش‌های فراوانی که در زمینه محیط زیست صورت می‌پذیرد، می‌توان اذعان نمود که انسان هم‌چنان راه را به طور کامل نشناخته و به بی‌راهه رفته است. شناخت روشنی از راه بدون دانستن پایه معنوی مستحکم و محوریت مراکز مذهبی در سطوح خرد جامعه من جمله محلات که حیات مجدد به ارتباط میان شهروندان و طبیعت را منجر گردد، امکان‌پذیر نیست. در چنین حالتی به راحتی نمی‌توان محیط زیست را از شهروندان، مادیت را از معنویت و ظاهر را از باطن تفکیک نمود. با شناخت مساجد به عنوان مراکز در جهت شناخت ماوراء الطبیعه و اصلاح و آبادانی آگاهانه محیط‌های شهری و محلات و شفاف‌بودن نقش و وظیفه خطیر شهروندان در جهت ارتقاء و کمال بخشی به محیط زیست می‌توان به نسخه‌ای پایدار از توسعه محیط زیست شهری و محله‌ای دست یافت.

1. امام علی علیه السلام، ترجمه فیض الاسلام، سید علی نقی، نهج البلاغه، کلاله خاور، تهران.
2. تقی زاده، بهناز و محمد، 1378، ریشه های توسعه پایدار در جهان بینی اسلامی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره 146 - 145.
3. جعفری قدس سره، علامه محمد تقی، 1360، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی معنوی، ج 2.
4. مطهری، مرتضی، 1367، مسئله شناخت، صدرا، تهران.
5. بصیر، سید حسین، 1378، دین و بحران زیست محیطی، ترجمه محسن مدیر شانچی.
6. تقی زاده، محمد، 1378، مبانی نظری مدیریت شهری در فرهنگ اسلامی.

اشاره

چکیده

میان جامعه مدنی و سرمایه‌سالاری رابطه و مناسباتی متقابل و درونی وجود دارد. اگر قرار است جامعه مدنی منطقی و معنی‌دار باشد باید در راستای پیشبرد انگاره فرد به عنوان یک بازیگر اجتماعی خودگردان و به عنوان تمامیتی اخلاقی و نژادی گام بردارد. جامعه‌ای که با این چنین ارزیابی از فرد بیگانه باشد، بی‌گمان در راه رسیدن به ارتقای بهره‌وری و توسعه اقتصادی نیز توفیقی نخواهد داشت. دین اسلام و مسجد به عنوان تجلی‌گاه و کانون فرهنگی، عبادی، اقتصادی آن، با برخورداری از نظام مدیریت مشارکتی (واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن امکان مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی و...) و تمامی ویژگی‌های جامعه مدنی منطقی و معنی‌دار، با محوریت فرد یا افراد در آن در روند ارتقای بهره‌وری و توسعه اقتصادی به ویژه در سطح محله‌ای، با توفیق چشمگیری روبرو می‌باشند. هدف مقاله حاضر، بیان نقش اسلام و مساجد در فرآیند توسعه و رفاه اقتصادی و معرفی مسجد به عنوان کانون فرهنگ‌سازی و انسان‌سازی در جهت ارتقای بهره‌وری اقتصادی و برخورداری از اقتصادی سالم و پویا از طریق مبارزه با پیامدهای منفی اخلاقی در امور اقتصادی نظیر ربا و... به واسطه دریافت خمس و زکات و برگزاری جلسات وعظ و خطابه در خصوص رعایت اخلاق اسلامی در معاملات اقتصادی و تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و... در جهت توسعه اقتصادی

و پرداخت نمودن احتیاجات مالی و اقتصادی مردم شهرها و محلات و انگیزه سازی و رشد و روحیه خودیاری در مردم در انجام امور داوطلبانه اقتصادی در سطح محله ای با توجه به کارکردهای چندگانه مساجد در اقتصاد محله است. براساس نتایج حاصله از مقاله حاضر می توان اذعان نمود که با مدیریت خلاق و کارآمد، برخورداری از اطلاعات دقیق و صحیح، جلب مشارکت های مردمی و مادی و معنوی (فرهنگ سازی دینی متناسب با فرهنگ اسلامی، رفع تبعیض و جلوگیری از فساد اقتصادی، توجه ویژه به منابع ملی و نه گروهی و پرهیز از انحصارطلبی و... می توان زمینه توسعه پایدار اقتصادی در سطوح شهری و محله ای و ارتقای بهره وری در تمامی زمینه ها را فراهم ساخت. مطالعه حاضر پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه سالاری - جامعه مدنی - بهره وری و توسعه اقتصادی - مدیریت مشارکتی.

دین و توسعه انسانی

یکی از مهم ترین اهداف علی علیه السلام در حکومتش، ساختن جامعه ای با اقتصادی سالم، درآمد بالا، دارای عمران و آبادانی بود چرا که مردم با برخورداری از رفاه نسبی به معنویات، رشد کمالات و بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی می پردازند. در برنامه ها و شاخص های اقتصادی علی علیه السلام، انسان (فرد) بارزترین و مهمترین جایگاه را از آن خود ساخته است به نحوی که تمام برنامه ها در جهت رشد، توسعه و کمال جامعه، حول محور انسان و سعادت وی می چرخد. علی علیه السلام نمی پذیرفت که از نظر آماری، درآمد سرانه کشور بالا باشد اما گروهی از مردم در فقر زندگی کرده یا از امکانات تربیتی، آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و... محروم باشند. به اعتقاد وی شکی نیست که یک جامعه فقیر جامعه ای است که هیچ گونه تحرک و نشاطی در جهت رشد، توسعه، کمال و شکوفایی اندیشه ها ندارد. چنین جامعه ای فاقد شروط لازم برای نیل به رشد،

توسعه و کمال است چرا که بخش مهمی از برنامه توسعه علی علیه السلام را توسعه انسانی تشکیل می داد.

از این رو، از دیدگاه علی علیه السلام مساجد به عنوان کانون های عبادی و انسان ساز و یا به قولی کارخانه های انسان سازی در توسعه انسانی و بالا بردن شأن و مرتبه انسان، از اهمیت به سزایی برخوردار می باشند.

رابطه دین و اقتصاد

دین اسلام از پیوندی دوگانه مستقیم و غیرمستقیم با اقتصاد برخوردار است. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی در خصوص مالکیت ها مبادلات، مالیات ها، ارث، صدقات، وقف، مجازات های مالی دارد.

پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است. در این جهت، برخی مذاهب دیگر نیز کم و بیش چنین می باشند. دین اسلام، مردم را به امانت، عفت و عدالت، احسان، ایثار، دوری از دزدی، خیانت، رشوه توصیه می کند. از این رو از طریق تبلیغ در مساجد و تأثیرگذاری اخلاقی در ذهنیت فرد به تربیت فرد از نقطه نظر اقتصادی پرداخته و از این رو جامعه را از اقتصادی اسلامی برخوردار می نمایند. مساجد می توانند در رشد و توسعه زندگی مردم حتی با وجود کمبود صنایع، نقش مهمی ایفا کنند. مساجد می توانند به بسیج مردم جهت اقدام جمعی برای انجام لازم امور مطلوب اجتماعی کمک کنند. در این راستا، مساجد قادرند با انگیزه دادن به مردم، به رشد روحیه خودیاری و انجام امور داوطلبانه در سطح محله ای کمک به سزایی نمایند. در این جاست که باید متذکر شد، تا زمانی که مساجد نقش مبتکرانه خود در مسایل اجتماعی را ایفا نکنند، به هیچ وجه قادر نخواهند بود تا به توان اجتماعی در جوامع انسانی دست یابند.

به منظور رشد و توسعه ارزش های اجتماعی اسلامی، سازماندهی اجتماعی و نیز به منظور افزایش قدرت مانور و تحرک جمعی مسلمانان به ویژه در سطوح محله ای، لازم است فعالیت هایی در سطح محدود محلی و محله ای صورت گیرد تا نهایتاً از آن طریق بتوان تخصیص، توزیع و بهره وری از منابع اقتصادی و ملی را تحت نظارت درآورد.

مسجد به طور مستقیم دارای کارکرد اقتصادی نمی باشد. در روایات و احادیث نیز انجام

معاملات اقتصادی در مساجد باطل و بی اثر خوانده شده و انجام معاملات اقتصادی اعم از خرید و فروش کالا و... مکروه قلمداد شده است. کارکرد اقتصادی مساجد به صورت غیر مستقیم بوده و عمدتاً از طریق موعظه و نصیحت و نیز بیان احکام خرید و فروش و انجام فعالیت های اقتصادی صورت می گیرد. نقش اساسی مساجد در حوزه اقتصاد، تأکید فراوان بر رعایت انصاف و عدالت در انجام معاملات و فعالیت های اقتصادی تنها با هدف رضایت خداوند و رفع حوائج و نیاز مسلمانان و نه در نظر گرفتن انگیزه های مادی و سودجویانه است که چنین نقشی خود زمینه هایی جهت ایجاد رقابت سالم و تأثیر مثبت در روند معاملات و فعالیت های اقتصادی را به همراه دارد.

نقش دین در توسعه و رفاه اقتصادی

در خصوص توسعه اقتصادی، تعاریف گوناگون و راهکارهای مختلفی ارائه شده است. برخی از روش های رسیدن به توسعه یافتگی عبارت اند از: صنعتی شدن صادرات کشاورزی، جایگزینی واردات سرمایه گذاری خارجی و صادرات کالاها داخلی اما وجه مشترک همه این روش ها، رساندن جامعه به رفاه اقتصادی است. (1)

در جامعه توسعه یافته، مردم راحت تر، متنوع تر و بیشتر مصرف می کنند و سرانه فضاهای تفریحی، بهداشتی، آموزشی و... بیشتر از جوامع عقب افتاده است. کمتر کسی است که با وجود این اوصاف، توسعه یافتگی را مردود شمرده و بخواهد به شکل جوامع عقب افتاده زندگی کند. هر قوم و مذهبی، با اندک تفاوتی و محدودیت هایی که در روند توسعه یافتگی می بینند، هدف خود را نیل به توسعه یافتگی قرار داده اند. برنامه ریزی و تدوین برنامه های چند ساله خود مبین این حقیقت است. با وجود آنکه عمر فرآیند توسعه در مفهوم جدید آن (Development) به کمتر از دو قرن می رسد، واژه (Utopia) در میان متفکرین یونان باستان نیز از همین معنی برخوردار بوده است. آنها در ورای این مفهوم، آرزوی رسیدن به جایی را داشته اند که علاوه بر امنیت و عدالت، از زندگی مرفهی نیز برخوردار باشند. واژه (Utopia) در بسیاری از رشته های علوم انسانی مطرح بوده و برای آن معنای لطیف و زیبایی من جمله (کمال مطلوب،

ص: 358

مدینه فاضله، بهشت خوشبختی، جامعه آرمانی، شهر لامکان، ایمن سرا، خرم سرا، خوش آباد، آرمان شهر و... آورده اند. (1)

تنوع معانی در رشته های مختلف نشان می دهد که مدینه فاضله ای به نام توسعه، دغدغه بسیاری از متفکران بوده است. دین اسلام نیز به عنوان آخرین دین الهی، دارنده آخرین کتاب به واسطه خاتم الانبیا، بعید است که در این زمینه سکوت کرده و سخنی برای گفتن نداشته باشد. در کتاب و سنت به صراحت به معنای امروزی توسعه اشاره ای نشده است اما در چند مورد از این ریشه استفاده شده است که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

«وسع الله عليهم فی الرزق». (2)

«وسع الله معيشتهم». (3)

«وسع الله علی رزقی». (4)

هدف این نوشتار، بررسی عوامل معنوی و به طور کلی نقش دین اسلام و مساجد در فرآیند توسعه و رفاه اقتصادی است. در ادبیات رایج اقتصاد، عمدتاً بر عوامل مادی تأکید می گردد؛ البته در نظرات برخی از دانشمندان، از واژه توسعه، به عوامل غیر مادی نیز قلمداد گردیده است؛ به عنوان مثال پیتر بائر می نویسد:

ترقی و پیشرفت مادی بیش از آنکه به منابع فیزیکی مربوط باشد به ویژگی های فردی، نهادها و رسوم اجتماعی وابسته است. (5)

آلفرد مارشال یکی از اقتصاد دانان به نام در این خصوص چنین اظهار می دارد:

طی سال های 1934 - 1933 بر آن شدم تا زندگی حرفه ای خود را به ارائه پاسخ، به دو سؤال ذیل محدود کنم:

1 - چگونه از نظریه اقتصادی جهت روشن ساختن تاریخ اقتصاد می توان بهره جست؟

ص: 359

1- . بریجانیان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی: ص 941 .

2- . اصول کافی: ج 2، ص 119 .

3- . وسایل الشیعه: ج 10، ص 359.

4- . اصول کافی: ج 1، ص 555.

5- . پیشگامان توسعه: ص 74 .

2 - چگونه عوامل اقتصادی با نیروهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی درهم آمیخته می‌گردد؟

از این نوع اظهار نظرات در متون اقتصادی به وفور یافت می‌شود و این در حالی است که در خصوص نقش مذهب و خدا در توسعه بحثی به میان نیامده است. به طور کل می‌توان این گونه قضاوت نمود که در غرب، نقش کارکردی برای دین و مذهب، در راستای نیل به رفاه مادی مطرح نمی‌باشد و این در حالی است که در اقتصاد اسلامی این مبحث به کرات مطرح شده است. از جمله یکی از واژه‌هایی که می‌توان با کمک آنها، نقش کارکردی و اساسی عوامل معنوی و دینی را در رفاه مادی توضیح داد، واژه برکت در اقتصاد اسلام است.

معنای برکت

اشاره

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«برکت معنایی مقابل از میان رفتن داشته و به معنای افزایش یافتن و زیاد شدن است»⁽¹⁾.

واژه نگاران نیز از همین معنا در اشاره به برکت بهره برده‌اند. در مجمع البحرین آمده است که این واژه به معنای (زیاد شدن) است و علت آنکه قرآن، مبارک نامیده شده نیز بدان علت است که نسبت به سایر کتب آسمانی از بیانات اضافه‌ای برخوردار است.⁽²⁾

علامه طباطبائی نیز در خصوص برکت، در ذیل آیه 64 سوره اعراف، مفصل بحث نموده که به طور خلاصه به شرح ذیل است:

الف) برکت به معنی ثبوت خیر الهی در اشیاء است.

ب) از آنجایی که خیر الهی از جایی و به گونه‌ای صادر می‌شود که نه محسوس کسی و نه شمردنی و نه محدود شدنی است، از این رو، هر آن چه را که در آن زیادی غیر محسوس دیده می‌شود مبارک خوانده و با عنوان با برکت یاد می‌کنند.

ص: 360

1- . المیزان: ج 7، ص 290؛ ترجمه المیزان: ج 15، ص 26.

2- . مجمع البحرین: ج 1، ص 74.

ج) برکت در امور ظاهری به معنی خیر معنوی است. به عنوان مثال برکت در اطعام ممکن است به معنای عدم ضرر رسانی به بدن یا ایجاد نوری در باطن باشد.

د) برکت الهی منافاتی با عوامل طبیعی و مادی ندارد، بلکه اراده الهی در طول اسباب مادی جای دارد. به عنوان مثال هنگامی که خداوند بر غذایی برکتی وارد کند یا به عبارت دیگر در ترکیب میان اسباب مادی کاری کند که به خوردنده طعام آسیبی ندیده و این طعام فاسد نگردد، بر آن معنی نیست که خداوند سبب های دیگر را باطل کند.

ه) - برکت علاوه بر کتاب و سنت، در انجیل و تورات نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

و) ادعای افرادی که منکر برکت می باشند، باطل است، چرا که برخلاف نظر آنان، برکت در عرض عوامل مادی نبوده بلکه در طول اسباب مادی می باشد. (1)

در ذیل به اسبابی که برکت آفرین اند اشاره ای شده است:

1. «ولو ان اهل القرى آمنوا و التقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض». (2)

«اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم».

2. در دعاهایی که از رسول خدا و اهل بیت به ما رسیده است نیز، به نزول برکات الهی اشاره شده است:

«یا قاضی الحاجات، یا راحم العبرات، یا منزل البرکات». (3)

«یا منشی البرکات من مواضعها و مرسل الرحمه من معاونها». (4)

«اللهم منزل الرحمات من معاونها و مجری البرکات علی اهلها منک الغیث المغیث». (5)

ص: 361

1- . المیزان: ج 7 ، ص 290 ؛ ترجمه المیزان: ج 15 ، ص 26 .

2- . اعراف: 96 .

3- . بحار الانوار: ج 95 ، ص 281 .

4- . بحار الانوار: ج 86 ، ص 225 .

5- . فقیه: ج 1 ، ص 537 .

علاوه بر ادعیه وارده، آنچه موجب نزول برکت است در فرمایشات پیامبر و ائمه اطهار آمده است تا دعا از حالت غیر واقعی خارج شده و زمینه نزول تبرکات الهی فراهم آید. لازم به ذکر است آنچه موجب نزول برکت است، انس و دوستی با قرآن (کتاب آسمانی) است. قرآن، کتابی با برکت است که ارتباط و انس با آن موجب هدایت و شفاست. نیازهای بشر همواره مادی نیست. امروزه توسعه مراکز بهداشتی تنها در جهت درمان بیماری های جسمانی عملی است. قرآن می تواند طبیب دردهای روحی انسان باشد. در خصوص برخی از سوره ها و آیات قرآن، روایات معتبری وارد شده است که قرائت آنها آثار ویژه ای در نزول برکات دارد، اگرچه تمامی قرآن برکت و موجب شفاست. از جمله این سوره ها و آیات می توان به سوره های بقره، حمد و توحید و آیات ذیل اشاره نمود:

«ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن

نازل می کنیم» (1).

«ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست، و رهنمود و رحمتی برای گروندگان به خدا آمده است» (2).

در اینجا لازم است تا اشاره ای به آن دسته از اعمال و کردارهای اخلاقی داشته باشیم که موجب نزول برکات الهی می گردند:

الف) تقوی

تقوی، سکون و بی حرکتی نیست، تقوی نگهدارنده و بازدارنده است. تا حرکت نباشد نگه داشتن معنایی ندارد. اگر مردم تقوی به معنای واقعی کلمه را پیشه خود سازند، بنا به گفته آیات قرآنی، روزی فراوان به آنها می رسد. علاوه بر آن، در موارد تردید، خداوند راه را بر بنده خود می نمایاند.

ص: 362

«من یتق الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب».

«هر کسی از خدا پروا کند برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کنند به او روزی می رساند».

هر کسی از خدا پروا کند برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند به او روزی می رساند. به عبارت دیگر این آیه بر این نکته اشاره دارد که وقتی انسان متقی بوده و به وظایف خویش به خوبی عمل کند، دیگر نیازی در خصوص اندیشیدن به روزی خود ندارد چرا که خداوند روزی او را تأمین می کند. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام که عدل در زمین گسترده و تقوی پیشگی مرام مردم می گردد، از آسمان و زمین برکت الهی است که باریدن می گیرد. امام حسین علیه السلام در این خصوص و در تفسیر آیه «لفتحنا علیهم برکات من السماء...» فرمودند:

«در آن زمان برکت فراوان شده و شاخه های درختان به سبب افزایش بار خرم می شوند. مردم میوه تابستان را در زمستان و میوه زمستان را در تابستان تناول می کنند» (3).

بسیاری از برخوردهای اجتماعی از بدبینی و سوء نیت داشتن به یکدیگر ناشی می شود. نیک اندیشی و اعتقاد به اینکه همه مردم خوب هستند، مادامی که خلاف آن ثابت نشود، زندگی را شیرین تر و روابط اجتماعی را استحکام می بخشد. پدیده های منفی اقتصادی چون احتکار، گران فروشی و فریب مشتری، همگی ناشی از سوء نیت است اگر مؤمنین به یکدیگر اعتماد داشته و بدانند که در وقت کم شدن کالا هیچ کس به انبار کردن نمی پردازد و اگر به سود عادلانه بیانداشند، هیچگاه محتاج نمی شود. اگر اعتماد وجود داشته باشد، هیچ کس دیگری را فریب نمی دهد. نتیجه این خوش بینی این می شود که هرکسی باید قناعت پیشه نموده و برکت و زیادی از خدا طلب کرده و در عین حال به معنویات نیز بیانداشند.

ص: 363

1- . اسراء: 82 .

2- . یونس: 57 .

3- . مختصر بصائر الدرجات: ص 51 .

امروزه در اقتصاد رایج، تبلیغات سهم به سزایی در قیمت کالاها و جلب مشتری دارد، به نحوی که معروف است، مصرف کنندگان حدود یک سوم قیمت هر کالایی را بابت بسته بندی آن پرداخت می کنند و معمولاً بسته بندی تبلیغاتی دارد. همچنین اظهار می گردد که تبلیغات، کالاها را بی کشش می کند، به عبارت دیگر هنگامی که در خصوص کالایی تبلیغات گسترده صورت می گیرد، به قدری روی تقاضای آن مؤثر است که حتی اگر تولید کننده قیمت کالا را نیز بالا ببرد، تأثیر چندانی بر کاهش تقاضا نداشته و نهایتاً این تولید کننده است که سود می برد. با فرض اینکه فضای صداقت و صمیمیت میان مشتری و فروشنده وجود داشت، آیا نیاز به این همه تبلیغات بود؟

امروزه بخشی از صنعت کالا- از راه تبلیغات جبران می گردد و این در حالی است که بهتر بود که در عوض پرداخت و تقبل هزینه های تبلیغاتی، صداقت و راستگویی حاکم بوده، اشتهای کاذب برای مصرف به وجود نیامده و هزینه تبلیغات در موارد مهمتری مورد استفاده قرار می گرفت تا خداوند نیز به معاملات برکت می بخشید. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید:

«اگر خریدار و فروشنده صداقت داشته باشند، خداوند معامله آنان را برکت می دهد».(1)

د) سخاوت

بحث پیرامون انفاق های واجب و مستحب و آثار و سود اجتماعی آنها از جمله ممیزهای اقتصاد اسلامی و وجه افتراق آن با اقتصاد غرب است که شرایط و آثار آن در فقه اسلامی لحاظ گردیده است. در قرآن، آیات فراوانی مبنی بر تأکید بر این سنت اسلامی وجود دارد؛ حکایت کسانی که

اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دامنه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه نهفته باشد و خداوند براهی هر کسی که بخواهد آن را چند برابر می کند و همانا

ص: 364

خداوند گشایش گر داناست. (1)

در آیه ای دیگر، خداوند در خصوص انفاق، آشکار و پنهان می فرماید:

«ای پیامبر به آن بندگانم که ایمان آورده اند بگو: نماز را برپا داشته و از آنچه برایشان روزی داده ایم پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی باشد». (2)

چنین تأکیدی که از جانب خداوند در خصوص انفاق شده است قطعاً بدون اجر و مزد نیست، و در نهایت به نفع انفاق کنندگان خواهد بود. گویی انسان مسئولیت دارد تا آنچه را که خدا به او می رساند به دیگران انفاق کند. بدین ترتیب با بذل انفاق، ثمره های شیرین عدالت و توسعه اقتصادی حاصل شده و زندگی همراه با رفاه و آسایش که (میوه طیبه) نام دارد در جامعه اسلامی محقق می گردد. پیامبر فرمود:

«خداوند روزی مردم را به اندازه انفاق آنان قرار داده است، هر کس زیاد انفاق کند، روزی او زیاد و هر کس کم انفاق کند روزی او نیز کم است». (3)

در این جا به دلیل اهمیت موضوع اشاره ای بر آن دسته از عباداتی که موجب نزول برکت الهی می گردند، شده است:

اقامه نماز و نماز شب

اشاره

در خصوص نماز، نوشته ها و اظهارات فراوانی درج و نقل گردیده است؛ اما این ویژگی نماز که سبب برکت می شود کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پیامبر آثار دوستی با فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی را برای نماز اظهار داشتند. (4)

آنچه در خصوص آثار نماز نقل گردیده، با تأکید بیشتر در خصوص نماز شب بیان شده

ص: 366

1- . بقره: 261 .

2- . ابراهیم: 31 .

3- . اصول کافی: ج 10 ، ص 305 .

4- . حضان: ص 522 .

است. تجارب تاریخی و حمایتی که از شب زنده داران به ما رسیده همه گویای آثار و برکات این عطیه الهی است. از مرحوم نایینی نقل شده است که گرچه نماز شب شرط اجتهاد نیست، اما تاکنون کسی بدون اقامه نماز شب به اجتهاد نرسیده است. در اقتصاد مدرن امروزی به ویژه در کشورهای اسلامی، جایز است تا بخشی از بودجه تحقیقات میدانی به این مسئله اختصاص یافته، با شب زنده داران مصاحبه به عمل آمده و نتیجه امر به اطلاع عموم رسانده شود، تا این چنین آثار و برکات از حد یک آرمان خارج شده و به صورت عینی در جامعه منتقل گردد.

الف) استغفار

در فرهنگ دینی اسلام، معمولاً استغفار را مقدمه ای برای آمرزش گناهان دانسته و با آن، آثار گناهان را محو می کنند. اما استغفار می تواند از جنبه های اقتصادی نیز مورد توجه قرار گیرد و در دایره علت و معلول، سبب فزونی رزق و روزی و توسعه اقتصادی گردد. آیات قرآنی ذیل خود اثبات کننده این مدعی هستند:

«از پروردگارتان آمرزش بخواهید پس به درگاه او توبه کنید تا شما را

ص: 365

با بهره‌مندی نیکویی بهره‌مند ساخته و به هر صاحب فضیلتی، نعمتی از کرم خود عطا کند» (1).

«یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدرارا».

«ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید پس به درگاه او توبه کنید تا از آسمان برای شما رحمت فراوان فرستد» (2).

علاوه بر آیات فوق، روایات صریحی در این خصوص نقل گردیده که برخلاف تئوری‌ها و قوانین فعلی، دایره علت را به امور معنوی توسعه داده و از مجرای این چنین اسباب

معنوی، توسعه و رفاه مادی را نوید داده است.

پیامبر فرمود:

«استغفار را زیاد کنید و بدین وسیله روزی را به سوی خود بکشانید» (3).

امام کاظم علیه السلام در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می‌فرماید:

«هرکس استغفار کند خداوند برای او گشایش حاصل نموده، غم را برطرف و روزی بی حساب به او ارزانی می‌دارد» (4).

ب) دعا

دعا موجب نزول برکت در زندگی می‌شود. برای طلب برکت، دعا‌های فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و اله

و امامان منقول است. هنگامی که حواریون عیسی علیه السلام از او طلب سفره‌ای آسمانی نمودند، حضرت دعا کرده و گفتند بارالها، پروردگارا، از آسمان خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما و نشانه‌ای از جانب تو باشد (5).

از موارد دیگری که موجب توسعه و گشایش اقتصادی در اسلام می‌گردد دعا کردن برای دیگران است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«دعاء المرء لأخیه بظهر الغیب یدر الرزق و یرفع المکره».

«دعای انسان برای برادر دینی، روزی را افزایش داده و بلا را دور می‌گرداند» (6).

د) حج و عمره

اشاره

زیارت خانه خدا و انجام مناسک مربوطه، علاوه بر در پی داشتن آثار و برکات روحی اثرات مادی فراوانی نیز دارد. پیامبر صلی الله علیه و

اله فرمود:

- 1- . هود: 3 .
- 2- . هود: 52 .
- 3- . خصال: ج 10 ، ص 615 .
- 4- . جعفریات: ص 228 .
- 5- . مائده: 111 .
- 6- . اصول کافی: ج 2 ، ص 5-7 .

«به حج بروید تا بی نیاز شوید».(1)

در بیان دیگری فرمودند:

«حج و عمره را به توالی به جای آورید، به درستی که فقر و گناهان را از میان می برد».(2)

ممکن است افرادی بر این باور باشند که چون حج علاوه بر خورداری از جنبه مسافرتی، جنبه تجاری نیز دارد، از این رو با پرداختن به امور تجاری، وضعیت اقتصادی بهبود

می یابد. این چنین برداشتی از موضوع ناصحیح است چرا که تجارت اختصاصی به سفر حج نداشته و حتی در زمان صدور روایت، راه های دیگری برای تجارت وجود داشته است. از این رو این قبیل روایات در زمره سلسله علت های غیر مادی توسعه قرار گرفته و به رساندن مقصود کمک می کند.

نهایتاً به اعمالی پرداخته می شود که انجام آنها موجب نزول برکت و توسعه اقتصادی در ممالک اسلامی می گردند:

الف) انفاق

علی علیه السلام به کمیل فرمود:

«ای کمیل برکت در مال کسی است که زکات آن را پرداخته باشد».(3)

آثار معنوی با چشم ظاهری قابل رؤیت نیست و همان گونه که در ابتدا اشاره شد، برکت در زمره علت های معنوی است که بسیاری اوقات فهم ما از درک آن ناتوان است. در روایت از انفاق به چیدن شاخه های اضافه درختان تشبیه شده است که باعث افزایش محصول می گردد. عملکرد انفاق نیز همانند همان پیرایش است. این نمونه از باب تشبیه معقول به محسوس است. به عبارت دیگر چون فهم انسان از درک آن عاجز بوده، برای آن مثال زده

ص: 368

1- . فقیه: ج 2، ص 265 .

2- . اصول کافی: ج 4، ص 255 .

3- . تحف العقول: ص 172 .

و کار معنوی را با امور ظاهری تشریح کرده اند. امام علی علیه السلام فرمود:

«الزکاه نفص فی الصوره و زیاره فی المعنی».

«زکات در ظاهر، کم شدن و در باطن معنی زیاد شدن است».⁽¹⁾

ب) صله رحم

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

«صله رحم روزی را زیاد کرده و اقتصاد مسلمین را رونق می بخشد».⁽²⁾

ج) میانه روی

دنیای کنونی مواجه با منابع محدود و تقاضاهای نامحدود است، یعنی به عبارت اقتصادی به افت کیمیایی (Scarcity) مبتلاست. برطرف نمودن مشکل بستگی به استفاده بهینه از امکانات و توزیع صحیح آنها دارد. استفاده کردن از کالاهای مختلف، بدون توجه به نیاز واقعی آنها اسراف و استفاده کردن از یک کالای لوکس و گران قیمت تبذیر است. مطابق تعالیم اسلامی، هم در سطح اقتصاد خرد و هم در سطح کلان، می توان با استفاده از منابع میانه روی نمود و مشمول رحمت و برکات الهی واقع شد. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

«هر کسی میانه روی کند خداوند او را روزی می بخشد».⁽³⁾

د) ازدواج

مادامی که فرد مسلمان تنها زندگی می کند، به اندازه یک نفر تلاش و کوشش نموده و خود را در مقابل کسی مسئول نمی پندارد. چنین فردی هزینه ها را نیز واقعی ندیده و بعضاً بیش از هزینه می کند. زندگی مشترک علاوه بر آنکه در پیدا کردن نقاط همیشه به وی کمک می کند تلاش

ص: 369

1- . شرح نهج البلاغه: ج 20 ، ص 299 .

2- . دعائم الاسلام: ج 2 ، ص 331 .

3- . اصول کافی: ج 2 ، ص 122 .

و کوشش فرد را مضاعف ساخته و بدین ترتیب به طور غیرمستقیم، نقش به سزایی در توسعه اقتصادی ایفا می نماید. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

«اتخذوا الاهدال البیت ارزق لکم».(1)

ه- آسان گیری در معامله

پرداختن به بحث های اضافی و بی مورد در معامله، تعریف و تمجیدات فریب دهنده ممکن است انسان را به گناه انداخته و روابط صحیح ایمانی را تحت الشعاع قرار دهند.

اگر شرایط جامعه به گونه ای باشد که اطمینان بر بازار حاکم گردیده و به وسیله کنترل، قیمت و کیفیت بازار از ثبات برخوردار گردد یا رقابتی نوسانی در بازار وجود داشته باشد، زمینه برای انجام معاملات سالم و با برکت به وجود می آید، نتیجه آنچه گذشت این شد که اقتصاد غرب با طرح اقتصاد توسعه و توسعه اقتصادی، فصل جدیدی در تاریخ خود گشوده که هدف اصلی آن فراهم آوردن رفاه بشری در پرتو دستیابی به توسعه است. اما توسعه ای که غریبان مبدع

آن بودند، به صورت فرآیندی، جامعه را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب سوق می دهد و توجهی به فردیت و پرداختن به مسئله توسعه در شکل خرد آن نمی کند. تاریخ نشان داده است که برای رسیدن به موفقیت در توسعه اقتصادی، تکیه صرف بر علوم غریب راهگشا نمی باشد. با وجود آنکه هشتاد درصد برندگان جایزه نوبل از دو کشور آمریکا و انگلستان بوده و کشورهای چین ژاپن و کشورهای آسیای جنوب شرقی از اقتصاد دانان نامداری برخوردار نیستند، اما از رشد بالای اقتصادی برخوردارند. علت عمده این امر آن است که دانش اقتصاد امروزی تبدیل به عملی شده که با واقعیات تطبیق نمی کند. در دین اسلام، با معطوف داشتن توجه به مساجد به عنوان کانون های برنامه ریزی اقتصادی، عمده تکیه بر مسایل بومی - محله ای و فرهنگ غنی آن متمرکز شده است. همچنان که از قرن نهم تا چهاردهم که عصر عظمت تمدن اسلامی محسوب می گردد، دانشمندان چون ابونصر فارابی، بوعلی سینا و امام محمد غزالی مطرح گردیده و در رشد و توسعه و غنای همه جانبه بلاد مسلمین ایفای نقش نمودند.

ص: 370

امروزه نیز با استفاده از مساجد، لازم است تا انقلابی در اندیشه اقتصادی دین اسلام صورت گیرد تا با تکیه بر معرفت دینی با یکدیگر طرحی نو در انداخت یعنی همان جنبشی که شهید صدر به آغاز آن مبادرت نمود (نه اقتصاد یک سونگر غرب را پذیرفت و نه در اردوگاه سوسیالیسم خیمه زد، بلکه می خواست پایه گذار اقتصادی باشد که به برکت آن انسان کرامت خویش را در (احسن تقویم) به یاد آورده و هدفش (اعلی علیین) باشد.

سخن آخر اینکه اقتصاد اسلامی و وضعیت اقتصادی مسلمانان در سایه استواری کانون های تقوی (مساجد)، حسن نیت، انس با قرآن، نماز و دعا، توسعه یافته و رنگ برکت الهی زینت بخش آن است. در دین مبین اسلام، پیوند میان نماز و بازار همواره در جریان بوده و تجار مسلمان روزی چند نوبت به مساجد آمد و رفت نموده و از نیروی ایمان تقویت شده و به محل کار خود باز می گردند. عبور از مساجد آنان را به یاد خدا می اندازد، از این رو، کمتر دروغ گفته، کمتر احتکار کرده و کمتر گران فروشی می کنند.

در حقیقت بازار و اقتصاد اسلامی از ارتباط تنگاتنگی با مساجد برخوردار است. منظور این است که اسلام بین اقتصاد، مسجد و نماز پیوند ناگسستی را برقرار نموده است. حال در این راه چنانچه مسلمانان این پیوند را عملاً حفظ کرده و به آن عمل کنند، با این پیوند است که اقتصادشان بسیار فعال می گردد چرا که در چنین حالتی بازرگانان و تجار محلات مختلف به مجرد شنیدن صدای اذان، فوراً دست از تجارت برمی دارند که این امر خود نوعی اعتماد را

به وجود می آورد. به طور کل می توان گفت که در گسترش اسلام به ویژه از جنبه اقتصادی آن، به واسطه عملکرد تجار و بازرگانی بوده است که تربیت شده مکتب مساجد بوده اند.

نقش مساجد در توسعه و رفاه اقتصادی

در صدر اسلام، اکثریت تجار و بازرگانان به محض ورود به شهرها و محلات به مساجد مراجعه می نمودند؛ از این رو حضور آنان در مساجد نشان از ورود کالاهای جدیدی داشت که به محض اتمام نماز، خریداران کالا وارد بحث و مذاکره برای خرید و فروش یا مبادله می شدند.

در آن زمان اگر چه خرید و فروش و فعالیت های اقتصادی مستقیماً در داخل مساجد صورت

نمی‌گرفت و هنگام حضور در مساجد اصل همه کارها بر محور عبادت و نیایش استوار بود و دید و بازدید و گفت‌وگو برای تبادل و خرید بعد از انجام عبادی صورت می‌گرفت، اما محوریت اقتصادی مساجد در رونق اقتصاد محلات و شهرها همواره از اهمیت خاصی برخوردار بود. از جمله دیگر کارکردهای اقتصادی مساجد که با مشارکت و همیاری مردم و در جهت کمک اقتصادی به مردم صورت می‌گیرد، می‌توان به تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، حفظ سپرده‌های مردمی و واگذاری وام بدون بهره اشاره نمود که از طریق شورای صندوق قرض‌الحسنه مساجد صورت می‌گیرد. این سنت حسنه قرون متمادی است که در میان مؤمنین نمازگزار مساجد انجام می‌شود. با توجه به تأکیدات فراوان آیات و روایات در خصوص منع انجام معاملات ربا، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه از جمله بهترین روش‌های اقتصادی برای رفع احتیاجات مالی و اقتصادی مردم به شمار می‌آید که خاستگاه اولیه تشکیل آنها، مساجد بوده‌اند. علاوه بر آن می‌توان از تشکیل فروشگاه‌ها و تعاونی‌های مصرف محله نام برد که توسط هیأت امنای مساجد جهت رفع نیازهای ضروری خانوارهای محلی، ساکن در حوالی مساجد صورت می‌گیرد. از انواع دیگر فعالیت‌های اقتصادی که عمدتاً مساجد در شکل‌گیری آنها نقش اصلی را ایفا می‌کند می‌توان به جمع‌آوری پول برای مستمندان و نیازمندان، خرید تجهیزات برای خانواده‌های کم‌درآمد، شغل‌یابی و فراهم ساختن فرصت‌های شغلی مناسب و پویا برای افراد بیکار و جمع‌آوری کمک و اعانه برای ساخت کارگاه‌های تولیدی و مرکز کوچک اقتصادی محله‌ای اشاره نمود. از جمله دیگر نقش‌های غیرمستقیم مساجد در امر اقتصاد، جلسات وعظ و خطابه و سخنرانی‌های جماعات و سخنرانان در مساجد در خصوص رعایت اخلاق اسلامی در معاملات اقتصادی می‌باشد. با توجه به اینکه مساجد در اکثر جوامع اسلامی دارای محوریت اصلی بوده و از نقش فعالی در مراکز بازار و مراکز اقتصادی شهرها و محلات برخوردار می‌باشند. از این رو به هنگام نماز، مساجد محل مراجعه بازاریان، کسبه و اصناف بازار و مراکز اقتصادی محله می‌باشند. امام جماعت نیز در هر جلسه نماز، ضمن دعوت نمازگزاران که عمدتاً در فعالیت‌های اقتصادی فعال می‌باشند، آنان را به رعایت اخلاق اسلامی و اقتصادی و رعایت انصاف و عدل در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی دعوت می‌کند. این قبیل موعظت‌ها و سخنرانی‌های ائمه جماعات در مساجد تأثیری عمیق در نمازگزاران ایجاد

کرده و به تبع، آنان از نظر اخلاقی و برای رعایت مسائل شرعی ملزم و مقید به فعالیت سالم اقتصادی می شوند. به طور کل می توان گفت که مساجد و بازرگانان، خدمات متقابل و نهایتاً دستاوردهای متناهی برای یکدیگر دارند. به عبارت دیگر همچنان که مساجد در امور اقتصادی به کمک تجار و بازرگانان می شتابند، بازرگانان نیز با احداث مساجد نقش مهمی در گسترش و توسعه اسلام و شکوفایی اقتصادی دیگر محلات داشته اند. با وجودی که هیچ یک از ادیان بزرگ من جمله دین مبین اسلام، از رهیافت ضد سرمایه داری برخوردار نمی باشند و سرمایه داری از نظر علمی درست و از نظر عملی ناگزیر و بی جانشین است. اما گویی بار اخلاقی منفی دارد. در این راستا، ادیان بزرگ و به ویژه دین اسلام به این پیامدهای منفی اخلاقی منتج از سرمایه داری و زراندوزی توجه داشته و چاره هایی من جمله دریافت خیرات و مبرات واجب، صدقات مستحق، وقف و انجام امور خیریه تأکید داشته اند. در اسلام که مساجد به کانون محوریت انجام امور عبادی، فرهنگی، اقتصادی و... معرفی و در نظر گرفته شده اند عهده دار مبارزه با چنین پیامدهای منفی اخلاقی در امور اقتصادی از طریق دریافت خمس و زکات از تجار و بازرگانان و صرف آن جهت تأمین افراد نیازمند و نهایتاً تأثیرگذاری در شکوفایی و رونق اقتصادی جامعه به ویژه اقتصاد خرد (اقتصاد محله ای) می باشند. بهره وری مفهومی بسیار گسترده داشته و در برگیرنده بهینه سازی تمامی عوامل مؤثر در فعالیت سازمان ها و نهادهای دولتی، مردمی، تعاونی و... می باشد. تلاش برای بهبود بهره وری در کلیه عرصه ها به منظور استفاده عقلایی و بهینه از توانمندی ها و استعدادها بالقوه و بالفعل با هدف ارتقای جایگاه نهادها نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای صنعتی نیز همچنان ادامه داشت و موضوع مربوط به گذشته نیست، بلکه همواره در حال و آینده مدنظر مدیران، سیاستگذاران و برنامه ریزان می باشد.

متأسفانه در اغلب کشورهای در حال توسعه با وجود ثروت های طبیعی فراوان، نیروی انسانی و... مسیر توسعه اقتصادی همواره با موانعی روبروست که بخش اعظم آن ناشی از فقدان توان مدیریتی کارآمد در بهره گیری از استعدادها و توانمندی های بالقوه و بالفعل می باشد. در اینجا است که نظام مدیریت اسلامی با عنوان نظام مدیریت مشارکتی با تأکید بر رشد و توسعه بهره وری در هر مجموعه اقتصادی - اجتماعی با یاری گرفتن از مشارکت مردم به ویژه در سطح

محله ای، در شناسایی تنگناها و یافتن راه های مناسب برای غلبه بر آنها، به سرعت اقدام نموده و توفیق می یابد. در این حالت با واگذاری امور به مردم و فراهم آمدن امکان مشارکت و حضور آنان در صحنه های گوناگون اجتماعی و سپارش فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... و مدیریت آن به خود مردم، از تصدی دولت کاسته شده و مردم خود داوطلبانه به مشارکت در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مشتاق و علاقه مند می گردند. از جمله دیگر اقداماتی که می توان به واسطه مساجد با مشارکت مردم در راستای تسهیل روند ارتقای بهره وری و توسعه اقتصادی به ویژه در سطح محله ای می توان از موارد ذیل نام برد:

1 - ایجاد پایگاه های تحقیق و توسعه در کلیه زمینه ها و امور، در مساجد به ویژه مساجد منطقه ای و محله ای.

2 - برنامه ریزی دقیق با توجه ویژه به بافت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه و محله.

3 - فراهم سازی امکان برخورداری همگان از فرصت مشارکت در امور و تقویت زمینه های مشارکت در راستای حذف تبعیض ها و فرصت های رانت جویی و فساد اداری و اقتصادی.

4 - تربیت نسل پرتلاش، خلاق، مدیر و مدبر در تمامی زمینه ها و تخصص های مورد نیاز جامعه امروز جهت هموارسازی مسیر ارتقای بهره وری.

نقش مساجد در اقتصاد محله ای

از جمله مهمترین کارکردهای مساجد در اقتصاد محله ای می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1 - شناسایی افراد مستمند و مسکین نمازگزار محل.

2 - جمع آوری هدایا و کمک های اهالی برای نیازمندان محل.

3 - کمک در جمع آوری کمک های مردمی برای حوادث غیر مترقبه نظیر سیل، زلزله، جنگ و... .

4 - برگزاری جلسات مشاوره برای خانواده ها و امر ازدواج.

5- تشکیل فروشگاه تعاونی مصرف مسجد.

6- خیریه، اعانات، خیرات و صدقات به واسطه نصب صندوق های خیریه در مساجد.

7- راه اندازی صندوق قرض الحسنه.

8- راه اندازی درمانگاه و داروخانه.

9- دعوت از مستمندان در ایام اطعام عمومی.

10- برگزاری مراسم جشن های مردمی و ازدواج با کمترین هزینه.

ص: 375

- 1 - پیشگامان توسعه، ص 57 و ص 74 .
- 2 - بریجانیان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ص 941 .
- 3 - امیری تهرانی زاده، سید محمدرضا، بیش درآمدی بر مفهوم اقتصاد اسلامی، کیهان فرهنگی سال 1372 .
- 4 - اصول کافی، ج 2، ص 119 .
- 5 - وسائل الشیعه، ج 10، ص 359 .
- 6 - المیزان، ج 7، ص 290 .
- 7 - ترجمه المیزان، ج 15، ص 26 .
- 8 - مجمع البحرین، ج 1، ص 74 .
- 9 - بحار الانوار، ج 95، ص 281 .
- 10 - فقیه، ج 1، ص 537 .
- 11 - مختصر بصائر الدرجات، ص 51 .
- 12 - اصول کافی، ج 5، ص 174؛ ج 10، ص 305 .
- 13 - حضال، ج 10، ص 615 .
- 14 - جعفریات، ص 228 .

اشاره

چکیده

در گذشته، فرهنگ صرفاً به مجموعه ای از فعالیت های فکری و هنری محدود می گردید، اما پس از مدتی، تعریف نسبتاً دقیقی از آن با تأکید بر جنبه های معنوی آن ارایه شد. فرهنگ هر اجتماع دارای خصوصیات و ویژگی های خاص آن سرزمین است که تحت عناصر مذهبی، تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی شکل می گیرد. حال از آنجا که مسجد به عنوان نماد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در زمینه مذهبی مطرح می باشد، از این رو به صورت غیرمستقیم در شکل گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش به سزایی ایفا می نماید. مسجد به عنوان مرکز فرهنگ سازی دینی با برخورداری پتانسیل برقراری ارتباط هرچه نزدیک تر با توده مردم به ویژه جوانان در ابعاد خردتر جامعه مانند محلات، پاسخ گوی نیازهای مردم بوده است، از این رو، نقش آن در شکل گیری، انسجام تقویت فرهنگ و هویت اسلامی محله های شهری حایز اهمیت بسیار است. ضرورت حضور پررنگ تر مساجد - و رای کارکرد مذهبی آنها - با بروز تغییرات فرهنگی در کلان شهری چون تهران، به یکی از پدیده های ضروری برای رویارویی با پدیده تأخر فرهنگی حداقل در سطح محله ای مبدل گردیده است. در این برهه از زمان، با توجه به مقابله با این پدیده نه چندان نوظهور، تعامل مسجد با فرهنگ سراها و خانه های فرهنگ محلات الزامی است چرا که بنا به نیازهای

جامعه امروز، کارکردهای گسترده مسجد، فراتر از بناهای کنونی آن مطرح است.

هدف مقاله حاضر، تأکید بر بعد فرهنگی و فرهنگ سازی دینی مسجد در فرآیند برنامه های توسعه ای به دنبال شکست های متعدد برنامه ها و سیاست های پیشین، تأثیر و نقش مسجد در بازیابی فرهنگ و هویت اسلامی محلات، توجه به رویکرد اخلاقی مسجد در شکل گیری محلات و شهرهایی با هویت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه، نقش مسجد در غنای فرهنگ و هویت محله ای به واسطه اطلاع رسانی صحیح و به موقع فرهنگی و آسیب شناسی و چالش های فراروی نقش آفرینی مساجد در غنای هویت و فرهنگ محله ای است. این مقاله، براین باور است که هویت و فرهنگ هر اجتماعی در ارتباط و تماس با سنت ها، باورها و ارزش های آرمانی و عقیدتی نو و غنی شده، و تعالی و شکوفایی فرد در وهله اول و شکوفایی و توسعه اجتماعی در وهله بعد را به دنبال دارد. از این رو توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون های فرهنگی منطقه ای و محله ای ضرورتی تام دارد چرا که چنین کانون هایی مطمئن ترین ضامن حفظ و توسعه فرهنگ و هویت منطقه ای و محله ای و تقویت هویت و فرهنگ شهری می باشند.

مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ سازی دینی - تأخر فرهنگی - بازیابی فرهنگ - فرهنگ محله ای.

فرهنگ و ساختارهای تشکیل دهنده آن

فرهنگ مفهوم پیچیده ای است که تعاریف متعدد و متنوعی از آن ارایه گردیده است.

به تعبیر عام، مجموعه ای به هم پیوسته از دانش ها، آگاهی ها، باورها، ارزش ها، هنجارها و مهارت های لازم و ضروری برای زندگی اعضای جامعه است.

(فرهنگ ابتدایی)، فرهنگ را مجموعه پیچیده ای تعریف می کند که متضمن دانش، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و کلیه توانایی ها و قابلیت ها و عادات مکتسبه

است که انسان به عنوان عضوی از جامعه تحصیل می نماید. مدت زمان زیادی، فرهنگ

به مجموعه ای از فعالیت های فکری و هنری محدود می شد، اما پس از مدت ها، تعریف نسبتاً دقیق از آن با تأکید بر جنبه های معنوی آن ارایه شد. بنابه چنین تعریفی، فرهنگ مجموعه ای کامل از مشخصه های ممیزه روحی مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می کند که نه تنها شامل هنرها بلکه شامل اشکال زندگی، نظام های ارزشی، سنت ها و اعتقادات و حقوق اساسی انسانی نیز می گردد. به عبارت دیگر فرهنگ را باید در مفهوم گسترده و به منزله بافتی پیچیده و با روابط متقابل در نظر گرفت که بر مجموعه ای از سنت ها، باورها، دانش ها و نیز اشکال متفاوت بیان و تحقق فرد در بطن جامعه استوار است. با ویژگی هایی که تعریف دقیق فوق برای فرهنگ جامعه یا گروه اجتماعی تعیین می کند دیگر نمی توان فرهنگ را تنها بعد فرعی یا نیز سنتی توسعه تلقی نمود، بلکه فرهنگ عنصر ضروری جامعه یا اجتماع به شمار آمده و در رابطه کلی با توسعه، نیروی درون جامعه یا اجتماع محسوب می گردد. فرهنگ هر اجتماعی، دارای خصوصیات و ویژگی های خاص آن سرزمین است که تحت عناصر مذهبی، تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی شکل می یابد. حال از آن جایی که مساجد به عنوان مراکز تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در زمینه مذهبی مطرح می باشد، از این رو به صورت غیرمستقیم در شکل گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش به سزایی ایفا می نمایند.

افراد جامعه به وسیله روابط اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده و در کنش متقابل اند. روابط اجتماعی، برخلاف روابط زیستی و طبیعی، به دلیل برخورداری انسان از اراده و اختیار، اموری جزئی و تکوینی نیستند. هماهنگی و سازگاری روابط اجتماعی بر پایه الگوهای رفتاری مقبول جامعه صورت می گیرد. شکل و محتوای روابط اجتماعی توسط الگوهای رفتاری توصیف می گردد که افراد جامعه در رفتار با یکدیگر خود را با آن تطبیق می دهند. با توجه به نامتعیین بودن روابط اجتماعی از یک سو و اراده و اختیار انسان از سوی دیگر، افراد جامعه از امکان انتخاب الگوهای رفتاری برخوردارند. آنچه امروزه به عنوان مراجعه به آرای عمومی مطرح می باشد، در واقع انتخاب و تعیین روابط اجتماعی است. آنگاه که مسئله انتخاب پیش می آید، ناگزیر از ملاک و معیار انتخاب، سخن به میان می آید؛ یعنی سبک و سنگین کردن، سنجیدن و ارزیابی کردن گزینه های ممکن و متفاوت روابط اجتماعی.

ملاک و معیار انتخاب در واقع نظام ترجیحی افراد جامعه است که متأثر از ارزش ها و باورهای آن جامعه است و از این رو ارزشی است. نخستین عنوانی که در ارتباط با مقوله ارزش به میان می آید فرهنگ است. ارزش ها و باورها هسته اصلی فرهنگ را تشکیل می دهند. از این رو، با توجه به اینکه روابط اجتماعی یک جامعه براساس الگوهای رفتاری و منطبق و سازگار با ارزش ها و باورهای آن صورت می پذیرد، الگوهای رفتاری بخشی از فرهنگ جامعه به شمار می روند. فرهنگ در حقیقت مشتمل بر اصول عامی برای گزینش و مرتب نمودن الگوهای رفتاری در زمینه های مذهبی، علمی، اقتصادی و... است.

با توجه به اهمیت به سزای عناصر مذهبی در ساختار فرهنگی یک اجتماع می توان اذعان داشت که توجه به مساجد به عنوان مراکز برخوردار از عناصر مذهبی و عقیدتی، همراه با شناخت فرهنگ غنی اسلام، در کنار دیگر الزامات نه تنها مایه تداوم تماس و تفاهم اجتماعی و تأمین و تحکیم هویت و فرهنگ اجتماع می شود، بلکه درخت تناور فرهنگ و تمدن ایران را نیز پربارتر از همیشه خواهد کرد. ساختار تشکیل دهنده هر فرهنگی متأثر از عوامل زیادی است که از مهم ترین آن ها می توان به سه عامل دین، جامعه و طبیعت (جغرافیا) اشاره نمود.

این عوامل در عرض یکدیگر نیستند، بلکه به ترتیب خاص در ساختار شکل گیری و تحول فرهنگی تأثیر می گذارند. از میان عوامل فوق، طبیعت عامل ثابت و نسبتاً پایدار است

که روش بهره برداری از آن متفاوت و متغیر است. عامل جامعه نیز تحت تأثیر خلاقیت و بستر فرهنگی از سویی و جغرافیا از سوی دیگر قرار گرفته و متحول می شود، اما بنیاد دین همواره ثابت است و چون بر فطرت انسان منطبق است وجه تازگی و شادابی آن همواره محفوظ بوده و در هر شرایطی قادر به ایفای نقش کلیدی خود می باشد، این چنین فیزیکی سبب می شود تا فرهنگ منتخب از دین، رابطه دایمی و حیاتی، چه به صورت آشکار و پنهان داشته باشد. این رابطه هنگامی که دین به عنوان عنصر شاخص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... ایفای نقش می نماید، آشکار بوده و به وضوح قوانین و اصول مذهبی و حد و حدود تعاملات فرهنگی را نشان می دهد.

عملکرد مهم مساجد در به سازی محیط اجتماعی و نیاز معنوی میان انسان و معبود یکتا از دیرباز، بیانگر نقش به سزایی است که عبادت گاه ها در شکل گیری شهرها داشته اند که این خود نشانه ای از احتیاج روحی انسان به مسایل عبادی است. لذا این ارتباط که خود بازگو کننده استضعاف آدمی است، همواره و همه جا تحت لوای مکانی امن درآمده و مدنظر قرار می گیرد. طرح مسایل فرهنگی از طریق مساجد، از جمله روش هایی است که برای نخستین بار پیامبر وحی از طریق احداث مساجد به آن پرداخت. چنانکه مسایل فرهنگی و عبادی در کنار یکدیگر مورد توجه قرار گیرند، مسجد نقش تأثیرگذار خود بر جامعه را نمایان می سازد.

افزایش بهای زمین (نه تنها مادی بلکه معنوی) و جذب افراد سرشناس و متعهد شهرها و محلات در پیرامون مساجد نشان دهنده میزان تأثیرگذاری مهم مساجد بر هویت و فرهنگ شهری و محله ای است. نقش تأثیرگذار مساجد بر هویت و فرهنگ اسلامی تا بدان جاست که

با دور شدن و فاصله گرفتن از مساجد نتیجه ای جز تخریب ظاهری و باطنی و سقوط مبانی فرهنگ در وهله نخست و از میان رفتن وحدت اسلامی در وهله دوم در پی نخواهد داشت چرا که نخستین عنوانی که در ارتباط با مقوله ارزش به میان می آید، فرهنگ است. ارزش ها و ایده های سنتی، هسته ضروری فرهنگ را تشکیل می دهند. (Simsler. 528) همان گونه که ملاحظه می شود، مقوله ارزش از سویی هسته و گوهر فرهنگ به شمار رفته و از سوی دیگر نقشی بس تعیین کننده در چگونگی شکل یابی و تعیین روابط و ساختار اجتماعی دارد. از این رو، ساختار اجتماعی و فرهنگ سخت به یکدیگر در آمیخته اند به نحوی که روابط اجتماعی در چارچوب رفتار فرهنگی شکل می گیرند. رابطه متقابل میان ارزش ها و باورهای سنتی و مذهبی، فرهنگ و روابط اجتماعی نشان می دهد که مساجد به عنوان کانون های ارزش و فرهنگی دین مبین اسلام نقش تأثیرگذاری در شکل گیری روابط اجتماعی مسلمانان داشته اند که این خود نشان دهنده نقش تأثیرگذار این مراکز اسلامی بر فرهنگ و هویت شهرهای اسلامی و به ویژه محلات می باشد.

پس از نقش‌های عبادی و آموزشی، نقش فرهنگی در میان دیگر نقش‌ها و کارکردهای مسجد دارای بیشترین اهمیت می‌باشد. در زمان حضرت رسول اکرم و ائمه اطهار، مسجد کانون بسط و توسعه فرهنگ غنی اسلام بوده و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی مسلمین در مسجد انجام می‌گرفت. به طور کلی می‌توان گفت که پایگاه فرهنگی اسلام از مساجد شکل گرفته و هسته اولیه

فعالیت‌های فرهنگی اسلام در مساجد تشکیل شده است. اصلی‌ترین اشاعه دهندگان فعالیت‌های فرهنگی چه در دوران حضرت رسول اکرم و چه در دوران ائمه اطهار مساجد بوده‌اند. امروزه پس از گذشت 1400 سال، همواره مساجد کارکرد فرهنگی خود را از دست نداده‌اند؛ بلکه بر وسعت دامنه آن‌ها نیز افزوده شده است. پیامبر اکرم محیط مساجد را کاملاً یک محیط فرهنگی می‌دانستند تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان، مسابقات شعر و سخنرانی در مساجد برگزار می‌گردید و پیامبر ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل با چنین مسائلی برخورد می‌کردند. در مقابل در دنیای امروز نیز جهانی شدن و تکنولوژی اطلاعات که چشم‌گیرترین نمود آن اینترنت است، قلمرو را به گستره جهانی و سرعت عمل را به حد غیرقابل‌تصور افزایش داده است. گستردگی میزان عمل و افزایش سرعت انتقال اطلاعات، جهان را به عرصه هم‌آوردی سخت و جانکاه مبدل کرده است، که درنگ و کوتاهی در اقدام شایسته و بایسته، زیان‌ها و آسیب‌ها راه‌چاره ناپذیری را موجب می‌گردد. در عصر اینترنت و جهانی شدن، اقدام نکردن و در دست‌نداشتن ابتکار عمل بدین معنا نیست که ضمن حفظ مصونیت خود، تنها امکان تأثیرگذاری بر دیگران از دست رفته باشد، بلکه اقدام نکردن به معنای در معرض تأثیر و آسیب قرار دادن از سوی اقدامات دیگران است. دامنه این آسیب‌پذیری به ویژه در حوزه فرهنگ که میدان عمل مساجد است، با توجه به امکانات دیداری و شنیداری اینترنت بسیار گسترده است، از این رو مساجد در برابر این تحدی بزرگ، از امکانات و قابلیت‌های حاصل‌آمده توسط اینترنت در جهت گسترش دامنه فرهنگ‌سازی دینی به ویژه در سطح محله کمال بهره‌برداری را نمایند.

بدین ترتیب مساجد محلی با استفاده از ارتباطات شبکه‌ای از برنامه‌های مذهبی،

امکانات تربیتی و تجارب تبلیغی یکدیگر اطلاع یافته و با تبادل این اطلاعات و همکاری و همیاری در اجرای برنامه های فرهنگی، ارشادی و تبلیغی، بر دامنه ژرفای تأثیرگذاری خود می افزایند. مساجد همچنین با طراحی سامانه ها (سایتهای ویژه) و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی مخاطبین خود، ارتباطات فردی و تأمین نیازهای روحی - معنوی و فرهنگی آنان را فراهم می آورند. به طور کل می توان گفت که با وجود شبکه جهانی اینترنت، این فرصت برای مساجد محلی به عنوان مراکز ارشادی، فرهنگی و تبلیغی فراهم آمده است تا ضمن هم فکری و همکاری با یکدیگر، به تبیین مبانی، اصول و ارزشهای دینی و فرهنگ سازی دینی بپردازند. در حال حاضر تأکید بر بعد فرهنگ و فرهنگ سازی دینی مساجد در فرآیند برنامه های توسعه ای به دنبال شکست های متعدد برنامه ها و سیاست های قبلی از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است؛ چرا که کارکرد فرهنگی مساجد بر شناخت جهان بینی اقشار مختلف جوامع محلی و شهری به ویژه جوانان تأکید دارد. از این رو، در عملکرد مساجد در راستای انجام فعالیت های فرهنگی، شناخت مؤلفه های فرهنگی - اجتماعی تعیین کننده ساختارهای جامعه از ضرورتی خاص برخوردار است.

مساجد و شکل گیری فرهنگ و هویت اسلامی محلات شهری

هنگامی که اسلام، جهان متمدن قرن هفتم میلادی را فراگرفت، چهره بسیاری از کشورها دگرگون شد و با مسلمان شدن تدریجی این کشورها، نژادهای گوناگون در ساختن هویت جدیدی به نام اسلام، نزدیک شدند. (1)

نژادهای آریایی، هندی، سامی، قبطی، بربری و سایر نژادها در بارور ساختن فرهنگ و هویت اسلامی با هم همکاری کرده اند. (2)

پیداست که در این میان، سهم همه ملت ها یکسان نبوده، و آنها که با میراث های غنی پیش می آمدند، در ساختن بنای فرهنگی جدید اثر بخش تر بوده اند، آن چه در این کشورها باعث

ص: 383

1- . آذرتاش، هنرها: ص 150 .

2- . شهیدی، رستاخیز: 632، 16 .

گسترش سریع فرهنگ و هویت اسلامی می شد، بی تردید عامل دین و از همه مهم تر وجود مراکز مذهبی مشترک با عنوان مساجد بود. مساجد مستقر در مناطق و محلات شهری در حقیقت به عنوان مراکز فرهنگ سازی دینی فعالیت می نمایند.

این مراکز به عنوان پایگاه های مردمی نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در روشننگری اذهان عمومی و تبیین و ترویج شعائر و مبانی و فرهنگ دینی دارند. پر واضح است که مساجد به عنوان مراکز فرهنگ سازی دینی با دارا بودن پتانسیل برقراری ارتباط نزدیک تر با توده مردم به ویژه جوانان در ابعاد خردتر مانند محلات، پاسخ گوی نیازهای مردم و به ویژه جوانان بوده اند. از این رو نقش مساجد در شکل گیری، انسجام و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی در محله های شهری حایز اهمیت بسیار است. ضرورت حضور پررنگ تر مساجد، به یکی از پدیده های ضروری ظهور برای رویارویی با بروز تأخر فرهنگی حداقل در سطح محله ای مبدل گردیده است. در این برهه از زمان با توجه به مقابله با این پدیده نه چندان نوظهور، تعامل مساجد با فرهنگ سراها و خانه های فرهنگی محلات الزامی و ضروری است چرا که بنا به نیازهای امروز جامعه، کارکردهای گسترده مساجد، فراتر از نیازهای کنونی مساجد است. مسجد به عنوان محل تجمع مسلمانان، مرکزی برای اطلاع رسانی است که مهم ترین تأثیرات را در فرهنگ و هویت بشر از زمان های گذشته تاکنون بر جای گذارده است که مصداق بارز آن در جریان انقلاب اسلامی ایران دیده شد. دین مقدس اسلام از این جهت که به مناسبت های مختلف مردم را فرا می خواند، در میان ادیان دیگر از برجستگی خاصی برخوردار است.

اهمیت مساجد به ویژه در زمان صدر اسلام که از جهت اطلاع رسانی فاقد رسانه های گروهی بود، اهمیت بسیاری داشت، زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی، فرصت را مغتنم شمرده و با راهنمایی های لازم نقش اساسی در شکل گیری فرهنگ و هویت اسلامی را ایفا می نمودند. برای ارتقای فرهنگ و هویت دینی در پیکره هویت و فرهنگ اجتماع به ویژه اجتماعات محله ای، مساجد از نقش به سزایی برخوردار می باشند چرا که از مشارکت گسترده مردم در حفظ ارزش ها و تبلیغ آن ها و انتقال فرهنگ و مفاهیم ارزشی سود می جویند در غیر این صورت چنانچه دولت به تنهایی عهده دار این مسئولیت گردد، کوچک ترین تخلف از سوی آن

به حساب دین و فرهنگ دینی گذارده شده و این خود نقص دین تلقی می‌گردد. از این روست که دولت باید با تدارک زیرساخت‌ها و آماده سازی نیروهای انسانی کارآمد از یک سو و بهره‌گیری از متفکرین، روحانیون، هنرمندان، فرهنگیان و فرهیختگان جامعه و استقرار آنها در مساجد به عنوان قائم مقام خود، به توسعه فرهنگ و هویت اسلامی و ارتقای چنین فرهنگی در پیکره فرهنگ و هویت اجتماعی به ویژه محله ای پردازد. با وجود مسئولیت خطیر مساجد در ایجاد هویت و فرهنگ اسلامی در جامعه، توجه بر رویکرد اخلاقی این پایگاه مقدس که به شکل دهی جامعه ای با هویت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه می‌انجامد، الزامی است. این سیکل که نهایتاً بنیه فرهنگ داخلی را تقویت می‌نماید، بخشی از نقش است که مساجد به عنوان جایگاه‌های خاص توسعه فرهنگ و هویت اسلامی در قالب برنامه‌های دراز مدت در تقویت و استحکام هویت و فرهنگ محله ای ایفا می‌نمایند.

ضرورت حضور پررنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلات

در فرهنگ غنی و ریشه دار اسلام، مسجد از مرکزیت برخوردار است. در جغرافیای فرهنگی اسلام و در سپهر فرهنگ دینی، مسجد اصلی ترین پایه و رکن است. در اسلام، مساجد محور فعالیت‌های فرهنگی هستند، از این رو اگر چنانچه خواهان تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویت ساختار شهری یا محله ای هستیم می‌باید مساجد را توسعه داد. فرهنگ دینی اسلام مسجدمدار است و هر چیزی که رنگ و بوی این فرهنگ دینی را داشته باشد قطعاً این محوریت را در خود نشان می‌دهد، به طور کل می‌توان اذعان داشت که مسجد محور اصلی جامعه فرهنگ و هویت اسلامی است. مسجد پایگاهی است فرهنگی که شهروند موحد و مسلمان در آن جا در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی، و در خصوص مسایل اجتماعی، اعتقادی، علمی، اقتصادی، سیاسی بشری و... آموزش می‌بینند، آن هم آموزش‌های اولیه و پایه ای که بر آن اساس پرورده شده، می‌بالد و مجال ورود به عرصه پر جنجال زندگی را پیدا می‌کند.

اگرچه در عصر حاضر به ویژه دهه های اخیر، ابزارهای تبلیغاتی و پیام رسان تأثیرگذاری همچون فیلم، سینما، تلویزیون، تئاتر، رادیو، پوستر و عکس، نوار، ویدئو، روزنامه، مجله، نشریات دوره ای و... رو به تزاید گذارده است و به ظاهر درخشش و جذابیت بیشتری دارد، لیکن مسجد به لحاظ اصالت دینی و داشتن ریشه های عمیق تاریخی و به دلیل اهتمام فراوان رهبران مذهبی به این پایگاه عمومی، تأثیر بسیار حساس و تعیین کننده ای بر ارتقای فرهنگ و هویت افراد دارد. مهم تر از همه آن که صحنه گردان مسجد، خود مردم اند و تا زمانی که مذهب و انگیزه های دینی در مردم رسوخ دارد، مسجد نیز به عنوان یک پایگاه دینی از توان تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویت آنان برخوردار است، به نحوی که در جای خود به اثبات رسیده است که اعتقادات دینی و انگیزه های ماورایی که مساجد مبلغ آن اند، محکم ترین و راسخ ترین انگیزه ها و محرک های فردی و اجتماعی به شمار می آیند، تا آنجا که فرد در راه حفظ آرمان های خود از جان و مال و فرزنداناش می گذرد. مسجد نیز به طور ملموسی با چنین تمایلات و کشش های قدرتمندی سر و کار دارد، زیرا خود در متن دین حنیف بوده و جایگاه تسکین و تسلی خاطر مؤمنان است. بدین لحاظ می توان بیشترین بهره برداری ها را خصوصاً در بعد فرهنگ و هویت سازی از مسجد نمود.

تعامل مساجد با فرهنگ سراها و خانه های فرهنگ

دوران حاضر را می توان دوران حیات مساجد قلمداد نمود، چرا که با فعالیت کانون های فرهنگی و هنری مساجد در پرورش و فرهنگ سازی دینی افراد، فرهنگ در کنار دین ارایه و عرضه می گردد. از این رو، نقش مساجد به عنوان مقدمه فرهنگ و هنر به ویژه در سطح محله ای از اهمیت به سزایی برخوردار می گردد. در مقام تشبیه می توان از مساجد به عنوان کنفرانس های عبادی - فرهنگی یاد نمود که از شعباتی تا اعماق روستاها و اجتماعات محله ای برخوردارند. تفاوتی که مساجد به عنوان کانون های فرهنگی و دینی با فرهنگ سراها دارند در این است که مساجد از توان بالقوه اطلاع رسانی و فرهنگ سازی دینی به طور مستقیم برخوردار می باشند

و این در حالی است که فرهنگ سراها و دیگر مراکز فرهنگی به انجام فعالیت های زودگذر و موقتی با کارکردی یک جانبه و یک سویه مبادرت می نمایند. در نقطه مقابل، مساجد علاوه بر جنبه عبادتی - عقیدتی از جنبه های کارکردی همه جانبه نظیر کارکردهای فرهنگی، فرهنگ سازی، اجتماعی، سیاسی و... برخوردارند.

توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون های فرهنگی منطقه ای جامعه انسانی نیازمند حکومت و قانون است. قانون هنگامی معقول و مطلوب است که برخاسته از فرهنگ صحیح باشد. این فرهنگ صحیح تنها با وضع قانون ایجاد نمی شود بلکه ضروری است نهادهای فرهنگی جامعه مقدم بر وضع قانون آن را محقق سازند و الا جامعه دچار فقدان و خلاء فرهنگی خواهد شد. مساجد، راه حلی هستند که دین مبین اسلام برای حل این معضل فرهنگی برگزیده است. مسجد، مرکزی فرهنگی است که مردم را در طول شبانه روز پنج نوبت به سوی خود فرا می خواند و فرهنگی ارایه می دهد که به عوض تکیه بر امتیازها و اختلاف ها به جهات مشترک بشری تکیه داشته و ارزش های اجتماعی مشترک افرادش را در قالب تعالیم فطری و الهی - که منبع حق و حقیقت است - حیات می بخشد:

«الحق من ربك فلا تكونن من الممترین».

هویت و فرهنگ هر اجتماعی در ارتباط و تماس با سنت ها، باورها و ارزش های آرمانی و عقیدتی نو و غنی شده و امکان تعالی و شکوفایی فرد در وهله نخست و تعالی و شکوفایی و توسعه اجتماعی در وهله بعد را به دنبال دارد. از این رو، توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون های فرهنگی منطقه ای و محلی ضرورت تام دارد؛ چرا که چنین کانون هایی مطمئن ترین ضامن حفظ و توسعه فرهنگ و هویت منطقه ای و محله ای و تقویت هویت فرهنگ شهری است. به طور کل می توان از مسجد به عنوان طلیعه دار فرهنگ های محلی و منطقه ای نام برد، چرا که مساجد افراد را به یکدیگر نزدیک تر کرده و شرایط داد و ستد و ارتباطات اجتماعی و شکل گیری مناسبات فرهنگی و هویت محله ای را فراهم می آورند.

از جمله عمده‌ترین آسیب‌های فراروی فرهنگ و هویت دینی ساختارهای اجتماعی به ویژه در سطح محله‌ای می‌توان از موارد ذیل نام برد:

1 - روز آمد نبودن نهادها، مراکز دینی و مساجد و عدم معرفی مناسب و کارآمد دین و فرهنگ با استفاده از روش‌های سنتی.

2 - عدم برخورداری نیروهای انسانی نهادهای دینی و مساجد به ویژه مساجد محله‌ای از کارآیی و دانش لازم.

3 - خلاء وجود فرهنگ دانشگاهی به عنوان اتاق فکری مختص فرهنگ دینی.

4 - وجود نهادهای متعدد دینی و عدم مرکزیت مساجد به عنوان اصلی‌ترین نهادها و کانون‌های بسط و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی.

5 - عدم برخورداری مساجد به ویژه مساجد محله‌ای از مدیریت سازمانی منسجم.

چالش عمده پیش روی فرهنگ و هویت دینی در ابزارهای فعالیت فرهنگی یا تبلیغی نیست، بلکه چالش اساسی، زاییده آن است که نیروی انسانی ماهر، مدیر و خلاق وارد عرصه نشده و مجموعه امور فرهنگ دینی در اختیار نهادها و افرادی است که معدل تحصیلات آنان حتی از دیپلم متوسطه نیز پایین‌تر است. همین مسئله موجب به وجود آمدن معضل مدیریت شده است. به دلیل همین مسئله ناچاراً نهادهای دینی متعددی ایجاد شده و از آنجا که اتاق‌های فکری نیز به وجود نیامده است، لذا افراد غیرمتخصص با سطح تحصیلات پایین، اقدام به ایجاد نهادهای متعدد دینی با نیت تقویت و توسعه فرهنگ و هویت اسلامی نموده و در عوض به دنبال اعتبار و بودجه و مسایل جاری رفتند؛ از این رو ناچاراً می‌بایست در حوزه‌های فرهنگ دینی از حوزه‌های دانشگاهی بهره بیشتری برده و با همکاری روحانیون آگاه مستقر در مساجد محل و دانشگاهیان مطلع از تکنولوژی مدرن و صنعت ارتباطات و تحولات جهانی شدن در راستای طراحی و ترسیم سیاست و استراتژی اساسی برای تقویت و توسعه فرهنگ و هویت اسلامی در جوامع شهری که نهایتاً به توسعه فرهنگ محله‌ای و شهری منتهی می‌گردد، تلاش نمود.

- 1 - آذرتاش، هنرها، ص 150 .
- 2 - شهیدی، رستاخیز، 632، 16 .
- 3 - رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر.
- 4 - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان.
- 5 - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه.
- 6 - ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مساجد در تربیت، معرفت، سال نهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت 1379 .
- 7 - رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و فرهنگ اسلامی.
- 8 - لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب.
- 9 - سباعی، محمد مکی، نقش مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی.

اشاره

چکیده

یکی از مهم ترین رویکردهای توسعه، توجه به سرمایه های اجتماعی و تقویت شاخص های کمی و کیفی و به کارگیری آن در توسعه کشور است. این رویکرد نه تنها از قابلیت زمینه سازی جهت رشد و گسترش سرمایه های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه های اجتماعی، نقش مهم و حیاتی در ابعاد مختلف توسعه جامعه داشته و نگاه تقلیل گرایانه و صرف را به معیارها و جنبه هایی از رشد، کاهش خواهد داد و همچنین زمینه ساز توسعه ای فراگیر، متوازن و پایدار خواهد شد. چنین رویکردی ضمن توجه به محیط پر شتاب و متلاطم اطراف به بازشناسی زیرساختها و زیربنایهای فکری و فرهنگی خود پرداخته و اساس توسعه را بر پایه بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی ریزی می نماید و ضمن استفاده از تجارب سایر جوامع از نگاه کلیشه ای، اقتباسی و تقلیل گرایانه اجتناب می کند.

عنصر دین، به ویژه دین اسلام و تجلیگاه آنکه همانا مسجد می باشد از جمله مهم ترین سرمایه های اجتماعی محسوب می گردد که همواره از نقش تعیین کننده در توسعه جوامع به ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده است. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیت های فرهنگی، مذهبی، اعتقادی و تاریخی خود دچار فراموشی شده اند، برای مشارکت در توسعه، دست خود را تهی می بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می کنند، در صورتی که اگر آنها

به ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه و متنوع تاریخی، مذهبی و فرهنگی خود پی‌برند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه به ویژه در سطح توسعه محله‌ای، از چنین سرمایه‌های مهمی برای عرضه برخوردارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. هدف مقاله حاضر، استفاده از الگوی توسعه درون‌زای برونگر به عنوان مبنای برنامه‌ریزی توسعه شهری به ویژه توسعه محله‌ای از طریق پژوهش در گذشته تاریخی - مذهبی و بومی نمودن ویژگی‌های ساختاری محلی با توجه به چنین پژوهش‌هایی، بررسی نقش مساجد به عنوان محور فعالیت‌های تبلیغی و مهمترین وسیله ارتباط جمعی (که در نتیجه سیر تحول و تطور و توسعه مطلوب اجتماعی از سطح محله‌ای تا ملی را فراروی مسلمین می‌گشاید)، بررسی نقش مساجد محلات در استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه محله‌ای، و آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات و بروز توسعه نیافتگی شهری و محله‌ای است.

براساس نتایج حاصله از پژوهش فوق، می‌توان اذعان داشت که شناخت تنوع فرهنگی، در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیت‌های متفاوت مناطق در محلات شهری است که ما از آن به عنوان مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، عقیدتی و تاریخی یاد می‌کنیم که از سرمایه‌های جاودانه بشری محسوب می‌گردند و چنانچه به خوبی شناسایی شده و به کار گرفته شوند، رشد و توسعه جوامع از جوامع محله‌ای تا جوامع شهری را در پی خواهد داشت. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌های اجتماعی - توسعه فراگیر - توسعه محلی - توسعه درون‌زای برونگر - توسعه نیافتگی - تنوع فرهنگی.

رابطه دین و نهادهای اجتماعی

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در قرون گذشته، از انسان به عنوان هوموارکتوس (انسان مستوی القامه) و هوموفابریگوس (انسان ابزارساز) و هوموپولیتیکوس (انسان سیاست‌ورز) سخن می‌گفتند. این در حالی است که امروزه از انسان با عنوان هومورلیجیوسوس (انسان

دین ورز) نیز سخن به میان می آید، چرا که بر طبق جدیدترین پژوهش های جامعه شناختی، چه در آفریقای جنوبی و مکزیک (که به نسبت توسعه نیافته اند) و چه در آمریکا که پیشرفته ترین جامعه بشری (از نظر فرهنگ مادی) است، بیش از نودوپنج درصد انسان ها به وجود خداوند ایمان دارند و همین واقعیت، نظر و نظریه ای را که مدعی بود با پیشرفت و توسعه اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط یافته و در واقع این دو در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند، ابطال می کند. دین، کهن ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است.

شاید تنها نماد علم، تحول آفرین تر و فرهنگ و تمدن سازتر از دین باشد. علاوه بر این می توان اذعان داشت که دین به علم و توسعه بشر از علم و توسعه به دین مدد رسانده است. به عبارت کلی تر می توان گفت که هرگاه بشر اندیشه ورز با انگیزه های صلاح یا از سر تحیر به تأمل در محیط اجتماعی خویش پرداخته است، ناخواسته خود را با شاخص ترین پدیده اجتماعی تأثیرگذار در حیات انسان ها یعنی دین مواجه دیده است، لذا سابقه اندیشه های اجتماعی در خصوص دین به قدمت اندیشه ورزی های اجتماعی بشر است که از گذشته های دور توسط فلاسفه و متکلمین هر عصر صورت گرفته است. هنگامی که افلاطون طرح اتوپای خویش از یک جامعه ایده آل را ارایه می داد یا ارسطو از سهم ارزش های اخلاقی در حیات اجتماعی سخن می گفت، یا هنگامی که آگوستین در کتاب شهر خدا، تصویری آرمانی از نظام دنیوی همسان با نظم ازلی عرضه می نمود و فارابی انواع مدینه فاضله و رذیله را براساس میزان پابندی مردمانش به تعالیم الهی معرفی می نمود و ابن خلدون نقش دین و عصیبت قبیلگی را در فراز و فرود حکومت ها تحلیل می نمود و جان کانون تلاش می نمود تا الگویی از جامعه مسیحی مورد نظر خود در ژنو بیان کند و به طور کلی هر زمان که فیلسوف یا متکلمی درباره اجتماع یا آرمان اجتماعی خویش سخن می رانده، بی آن که تصریح یا تفکیک نماید، به واقع درباره نقش و حضور اجتماعی دین سخن می گفته است. از آنجایی که دین به عنوان امر الهی برای سعادت انسان آمده است، آنگاه بر هر دو افق فردی و اجتماعی سایه می افکند، گو اینکه دین برای امور اجتماعی بیشتر از امور فردی اهمیت قایل است چرا که در تفکر اسلامی، حیثیت اجتماعی نسبت به حیثیت فردی اقوی است. حتی در استنباط احکام اسلامی، وقتی چیزی به مصلحت عام باشد، بر اموری که جنبه فردی داشته باشد، ترجیح پیدا می کند.

همان گونه که در دو اثر گران بهای مرحوم علامه طباطبائی یعنی (جامعه و تاریخ) و (المیزان)

نیز لحاظ گردیده است، در تفکر اسلامی نگاه به جامعه بر مصالح فردی اولویت دارد. اهمیت موضوع دین در جامعه، نه فی نفسه، بلکه به تبع تأثیراتی است که بر حیات اجتماعی گذارده یا از آن پذیرفته است. هنجارها و رفتارهای دینی افراد در سطح خرد، حیات اجتماعی جامعه در سطح کلان را متأثر می سازد. ادیان، علاوه بر تأثیرات مع الواسطه از طریق پیروی های فردی، دارای آثار و تبعات مستقیم بر محیط اجتماعی خویش اند چرا که خود را صاحب نقش و رسالت اجتماعی می شناساند.

توسعه و رابطه آن با زندگی اجتماعی

سابقه مبحث توسعه به عنوان موضوعی مشخص، به پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد. در این دوره، عمدتاً دوگونه نظریه های مربوط به توسعه، تحت عنوان توسعه اقتصادی و نوسازی ظاهر می شود. طرفداران نظریه نخست عمدتاً از مفاهیم علم اقتصاد و طرفداران نظریه نوسازی عمدتاً از مفاهیم جامعه شناسی سود می جویند. بعدها، توجه به چارچوب های نمادی و ساختاری لازم برای توسعه اقتصادی به مفهومی بیشتر کیفی و جامعه شناختی تغییر یافت. با گسترش فضای مفهومی توسعه از واقعیتی اقتصادی به واقعیتی با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سبب گردید تا توسعه، موضوع تحلیل جامعه شناختی آن هم جامعه شناسی کلان (مدعی شناخت واقعیت های اجتماعی در قالب یک نظام و به عنوان یک کل) قرار گیرد.

با این تلقی از توسعه بود که مکتب نوسازی شکل گرفت. توسعه با استفاده از مفاهیم جامعه شناسی و کار پیشگامان جامعه شناسی مانند دورکیم، وبر، مارکس، تونیس که وارث سنت بررسی جوامع کلان بودند و مکاتب شکل گرفته براساس کارهای آنان از جمله مکتب کارکردی - ساختی معنی شده و مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که رشد مستمر درآمدرانه، که توسعه جوامع با آن سنجیده می شد، متکی بر ساختار ویژه اقتصادی و در نتیجه ساختار ویژه

جامعه بود، توسعه بیشتر در رابطه تنگاتنگ با نوع خاصی از سازمان جامعه و تغییرات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج، شاخص های غیراقتصادی توسعه تدوین گردید. در ابتدا

محققین براین باور بودند که توسعه، تنها در گستره واحد اجتماعی کلانی به نام دولت - ملت یا جامعه محقق است اما با گذشت زمان این مسئله آشکار گردید که توسعه نوعی تغییر تاریخی است که در محدوده کلیه واحدهای اجتماعی اعم از دولت، ملت، جامعه، شهر و محله رخ می دهد. مفهوم توسعه با ارجاع به زندگی اجتماعی در مجموعه ای از جوامع، تعریف می گردد.

توسعه (نوسازی) به عنوان یک روند شناخته می شود. روندی تجمعی که نتیجه تعامل مجموعه ای از عوامل می باشد. این روند (توسعه) با شکل گیری ساختار مشخص و باز تولید آن ملازمه دارد. از این رو، مستلزم نوعی تغییر اجتماعی - تغییری در ساختار جامعه و به تعبیر تاریخی - است. علی رغم تنوع ساخت هایی که این تغییر در آنها رخ می دهد، ساختاری که توسعه با آن ملازمت دارد، ساختاری واحد است، از این رو، در این چارچوب های مفهومی، معمولاً از دوتایی هایی نظیر سنتی و مدرن، ماقبل سرمایه داری و سرمایه داری، توسعه نیافته و توسعه یافته و خرد و کلان برای طبقه بندی ساخت ها استفاده می گردد، که یک طرف آن با سلب سوی دیگر تعریف می شود.

رویکردهای توسعه

مهم ترین رویکرد توسعه، توجه به سرمایه های اجتماعی و تقویت شاخص های کمی و کیفی و به کارگیری آن در توسعه کشور است.

این رویکرد نه تنها از قابلیت زمینه سازی جهت رشد و گسترش سرمایه های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه های اجتماعی برخوردار است. گرایانه و صرفاً به معیارها و جنبه هایی از رشد، کاهش خواهد داد. همچنین زمینه سازی توسعه ای فراگیری، متوان و پایدار خواهد شد. این رویکرد ضمن توجه به محیط پرشتاب و متلاطم اطراف به بازشناسی زیرساخت ها و زیربنای فکری و فرهنگی خود پرداخته و اساس توسعه را بر پایه بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی ریزی می نماید و ضمن استفاده از تجارب سایرین از نگاه کلیشه ای، اقتباسی و تقلیل گرایانه اجتناب می نماید. عنصر دین به ویژه

دین اسلام و تجلی گاه آن که همانا مساجد می باشند، از جمله مهم ترین سرمایه های اجتماعی محسوب می گردند که همواره از نقش تعیین کننده در توسعه و تحولات در صحنه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده اند.

مساجد و هویت توسعه شهرهای اسلامی

مسجد در اسلام، تنها معبد نیست، زیرا اساساً، عبادت در اسلام، منحصر به دعا و نیایش و انجام امور ویژه دینی محدود نمی گردد. عبادت هر عمل و حقی است که آدمی نه برای نفع فردی خود، که برای خلق انجام می دهد و همین برای خلق که در اسلام از آن با عنوان «برای خدا» تلقی می گردد، نمونه ای از ظهور توسعه در جوامع اسلامی است. به بیانی دیگر مسجد در اسلام کانون عبادت است، اما عبادتی که دامنه تعریف و توسعه آن، چگونگی و چیستی کلیه امور مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان اسلام را در بر گرفته و گزاره های دینی را مفهوم و عینیت می بخشد.

براساس همین گستردگی مفهوم عبادت در اسلام است که مسجد پیامبر برای کارکردی چندگانه اختصاص یافته و سنت بهره برداری چند منظوره را بنیان می گذارد.

نکته ظریف و پر معنایی که تنها در شناسنامه مسجد نهفته است و دیگر معابد، فاقد آن شاخصه مهم اند، پیوند دیانت و سیاست در تاروپود و در ساختار پیکره مسجد است، زیرا که تولد مسجد با ظهور و طلوع خورشید حکومت اسلامی آمیخته و همراه بوده و نظام مهندسی آن نشأت گرفته از تعالیم عالیه و مفاهیم هدفدار و بلند آسمانی و فرهنگ و ادبیات و حیانی است. از آنجایی که بقاء و دوام فرهنگ دینی جوامع، علاوه بر بستگی آن به وجود قوانین متقن و و حیانی همواره مستلزم وجود کانون فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بوده است، اسلام بیشتر در راستای شکل بندی چنین ستادی که مبتنی بر مرام نامه الهی و توحیدی می باشد، مسجد را پایه گذاری می نماید؛ به طوری که در طول تاریخ اسلام، شاهد فعالیت ها و تأثیرگذاری آن در حرکت های اسلامی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و خواهیم بود. هویت شهرهای اسلامی به واسطه بنای مساجدی که بلندای گنبدها و مناره ها و آوای دلنشین

اذانش، آن را از دیگر شهرهای غیراسلامی متمایز می‌گرداند؛ و اساساً اطلاق شهر اسلامی به شهرهای فاقد مسجد وجه تسمیه ای در اسلام به خود اختصاص نمی‌دهد. مساجد در اسلام که هم زاد با هجرت، فرصت تاریخی می‌یابد، نخستین طرح و بنایی هستند که با مشارکت مردم، در جامعه مدینه النبی به مورد اجرا گذارده شد. مسجد در کلام دل نواز پیشوایان مکتب اسلام تحت عناوین مرغوب ترین قطعه زمینی، محبوب ترین نقاط شهری، خانه مؤمنان و پرهیزکاران، باغی از باغ های بهشت و بازاری از بازارهای آخرت تعریف شده و مسلمانان نسبت به ساخت آن در هر شهر و دیاری تشویق گردیده اند؛ به نحوی که پیامبر اکرم می فرماید:

«من بنی مسجد الله بنی لله له قصر فی الجنة».

«هرکسی به خاطر خدا مسجدی بنا کند، خداوند برای او قصری در بهشت می سازد».

پیوند و تعلق مسلمانان به مسجد که در سایه تبلیغ و توجه به اسلام به این مراکز توحیدی اجتماعی به وجود آمده بود، علاقه و نشاط زایدالوصفی را نسبت به بنای آن در جوامع اسلامی آشکار ساخته بود. به نحوی که محوریت ایجاد و توسعه شهری را همواره مساجد رقم می زدند. تاریخ نشان می دهد که عملیات ساختمانی شهرهای نوساز، ابتدا با ساختمان مساجد آغاز می گردید و شهرهایی که به دست سپاه اسلام گشوده می شد و مسلمانان در آن مستقر می گردیدند، اولین اقدام شان بنای مسجد و آموزشگاه بود و اغلب از بنایی قدیمی مرکز شهر برای ایجاد مساجد استفاده می نمودند. به طور کلی شهرهای اسلامی از نظر حقوقی در آغاز از یک ویژگی برخوردار بودند و آن اینکه از مسجد جامع و منبر به عنوان وجه تمایز آن ها از روستاها برخوردار بودند. طی قرون اولیه در هر شهری تنها یک مسجد جامع وجود داشت که نماز جمعه در آن به جا آورده می شد، اما به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ دارای چند مسجد جامع شده و حتی برخی از روستاهای پرجمعیت از مسجد جامع و منبر برخوردار گردیدند.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و موقعیت و جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می رفت.

اولین نقطه ای که طراحی می شد، مسجد جامع شهرها بود و براساس آن محله های شهری را طراحی می کردند و آن گاه به خیابان ها و گذرگاه ها و کوچه ها می پرداختند.

مدینه الرسول نخستین الگوی این طراحی بود، زیرا مسجدالنبی اولین بنایی بود که در وسط شهر طراحی شد و بعد محله های مهاجران (که غالباً قطاع ها و فضاها با محله های انصار بودند که به مهاجران هدیه می شد و یا این که زمین های خشک و بدون مالک بودن که رسول خدا

آن ها را میان مهاجرین تقسیم می نمود) طراحی می شد. باقی شهرهای نو بنیاد اسلامی که بعد از شهر مدینه ساخته شدند به تمامی از این قاعده پیروی می کردند و به عنوان مثال می توان به شهرهای کوفه، بصره، فسطاط و قیروان اشاره نمود. از آن پس پیروی از این شیوه در طراحی شهری به صورت سنتی متداول و معمول درآمده و شهرهایی چون واسط، بغداد، فاس و... به همین ترتیب طراحی و ساخته شدند. بعد از آن که رسول اکرم خانه خود را در مجاورت مسجد بنا نمود، این کار وی بعدها به هنگام تأسیس شهرها و محلات جدید به صورت سنتی درآمد که از آن پیروی می شد.

نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه

پیش از پیشرفت های صنعتی و عصر الکترونیک، از جمله مهم ترین وسایل تفاهم و ایجاد ارتباط میان مردم گفتار بود. به سخنانی که دارای اصول و قواعد ویژه ای بود در تنظیم آنها ذوق و سلیقه ای به کار می رفت و در مجالس عمومی برای ایجاد انگیزه ای نسبت به یک عمل ایراد می شد تحت عنوان «خطابه» اطلاق می گردید و چون عامه مردم بیشتر از طریق گفتار و نه نوشتار اقناع می شدند، به مجامع عمومی چون مراکز مذهبی و مساجد و میادین محلات شهر آمده و به سخنان خطیبان گوش فرا می دادند. در جوامع کنونی نیز کرسی سخنرانی و منابر هم چنان از اهمیت به سزایی برخوردار است. پیشوایان دینی و واعظان مساجد و مراکز مذهبی هستند که به تبیین مصالح کشور و اصلاح امور دینی و دنیوی مردم می پردازند. سخنوران توانا و چیره دست با سخنان مهیج خود، گاهی گروهی از مردم را به انجام کارهایی سخت نظیر گذشتن از جان و مال و فرزند فرا می خوانند، زیرا هنر سخنور در این گونه امور آنست که در روح و قلب

مردم نفوذ کرده و آنان را با طیب خاطر به مقصود خود رهنمون سازد. (1)

در شالوده نظام اسلامی، مسجد که بنیانی اعتقادی و عبادی و محل آمدوشد مداوم مسلمانان در اوقات پنجگانه است، محور فعالیت های تبلیغی و مهم ترین وسیله ارتباط جمعی آنان قرار می گیرد؛ در نتیجه مسیر تحول و تطور و توسعه مطلوب اجتماعی از سطح محله ای تا ملی را فراروی مسلمین می گشاید.

در جوامع اسلامی، مساجد در تمامی جنبه های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال داشته و نقش محوری ایفا می نمایند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مساجد رفت و آمد می کنند، ضمن ادای فریضه نماز با قرار گرفتن در این اجتماع در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه نیز با خبر شده و در جریان مسایل روز قرار می گیرند. همچنین وجود منبر در مسجد که از آن به عنوان یک رسانه عمومی در اسلام نام برده می شود نیز نقش مهمی در نشر افکار ایفا می نماید، به نحوی که سخنران با استفاده از آن به نشر عقاید اسلامی و انتقال مسایل مهم جامعه به مردم می پردازد. هر چند ممکن است چنین تلقی گردد که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است، اما به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آن ها در تمامی نقاط شهری و محلات از یک سو و حرمت و قداست و معنویت خاص آن در نزد مسلمانان از سوی دیگر، سبب شده است تا این مراکز نقش مهم و غیرقابل انکاری در کارکرد رسانه ای و توسعه ارتباطات ایفا نمایند.

در ایران منبر و خطابه همواره از برترین وسایل ارتباط جمعی محسوب شده و می شوند. خطیبان مذهبی و سیاسی در مساجد و مجالس و عظم، زمام افکار مردم را در دست گرفته و بر روی منابر سرنوشت مردم را رقم می زدند. امروزه نیز وضع بدین منوال است. در چنین جوامعی هنوز رادیو، تلویزیون و صدها وسیله ارتباط جمعی نتوانسته اند جای منابر را پر کنند و گاهی خود این ابزار نیز در اختیار خطیبان درآمده و به نفوذ و کارآیی خطابه آنان هرچه بیشتر افزوده می شود.

ص: 399

1- . مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام: مسجد 6، ص 28 .

با این حال، اخیراً مقوله شکاف دیجیتالی موجود میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و عقب مانده، بسیار مورد توجه محافل گوناگون فکری - سازمانی قرار گرفته است. واقعیت امر این است که کشورهای توسعه یافته با دسترسی به سرمایه کافی، فناوری های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، منابع انسانی غنی و مدیریت پیشرفته و متخصص، سهم قابل توجهی از بازار فناوری ها را به خود اختصاص داده اند و این در حالی است که کشورهای عقب مانده، همچنان گرفتار بحث های اولیه، نگاه غیر سیستمیک به موضوع و در برخی مواقع فقر مادی هستند. موضوع مقاله حاضر پیرامون این مسئله است که با چه برنامه ریزی ها و سیاست گذاری هایی در زمینه آموزش کاربردی فردی - اجتماعی در به کارگیری فناوری های نوین ارتباطی - اطلاعاتی و گسترش استفاده از این امکان در عرصه های مختلف جامعه به ویژه جوامع محله ای می توان این شکاف دیجیتالی را کاهش داده و در جهت دستیابی به توسعه همه جانبه، گام های اساسی برداشت. در ابتدا پرداخت به این موضوع ضروری است که فناوری های اطلاعات و ارتباطات تنها شامل اینترنت نیست بلکه بخش مستقیم برنامه های تلویزیونی - ماهواره ای و دیگر امکانات دیجیتالی را نیز در بر می گیرد. در خصوص توسعه آموزش در جامعه و در دسترس قرار دادن فناوری های نوین ارتباطی - اطلاعاتی باید اذعان داشت که این مشکل تنها مشکل کشور ایران و کلان شهری چون تهران نبوده و حتی در کشورهای بسیار پیشرفته نیز مشهود است. اصولاً انسان ها از یک سنی تمایل چندانی به یادگیری مطالب و عناوین جدید ندارند. به ویژه اگر به آن زمینه خاص، نیاز نداشته و یا حداقل احساس نیاز نکنند. از این رو، فاصله و شکافی میان نسل ها ایجاد می گردد، یعنی نسلی که با کامپیوتر به میزان زیاد فعالیت نموده و نسل دیگری که حتی ممکن است با وجود برخورداری از سواد بالا کاملاً از این قبیل امکانات دور بوده و به اندازه نسل قبل توانایی استفاده از این ابزار را ندارد. این در حقیقت، همان بحثی است که تحت عنوان سواد رومی در دنیا مطرح شده است؛ یعنی اگر در گذشته، درصد بی سواد و تحولاتش را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می دادیم، آن زمان مبحث جدید بی سوادان رومی و معرفی این افراد به عنوان افراد بیگانه با ابزار دیجیتال مطرح نبوده است. در حال حاضر، این موضوع، نه تنها در ایران که در تمامی نقاط جهان مطرح است.

در حال حاضر، در کشورهایی چون نروژ و ژاپن، دولت ها با تخصیص بودجه هایی مشخص، برنامه ریزی هایی در راستای کاهش شکاف سواد رقومی در جامعه آغاز کرده اند. به عنوان مثال، در بلژیک، در ساندویچ فروشی ها، دستگاه های اینترنت در اختیار مشتریان قرار می گیرد تا از این طریق هنگام صرف غذا بتوانند در آخرین لحظات جعبه پست الکترونیک خود را نیز بازبینی نمایند. طبیعی است در چنین وضعیتی، افراد سالخورده ای که در چنین محیطی به صرف غذا مبادرت می نمایند، زمانی که می بینند مردم از اینترنت استفاده می نمایند، احساس می کنند که چیزی هست که آن ها نمی دانند و اگر در چنین جایی نمی بودند، شاید چنین احساسی نیز نداشتند. چرا که در اصل حرفه اصلی این افراد به این موضوع ارتباطی نداشت.

به طور کلی می توان گفت که برای دست یافتن به توسعه، برخورداری صرف از سخت افزارهایی نظیر اینترنت کافی نیست. این قبیل ابزارها زمانی می توانند مؤثر باشند که در یک جامعه عقلانیت توسعه یافته باشد. در حال حاضر، خودباوری یکی از ابزارهای کلیدی توسعه به ویژه در کشورهای در حال توسعه محسوب می گردد. به عبارت دیگر هر جامعه ای که عزت نفس خود را از دست دهد، اگر چنان چه از تمامی امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد، به توسعه دست نمی یابد، در مقابل، هرگاه بتوان این امکانات را در راستای خود باوری، عقلانیت و تبدیل خلاقیت و نوآوری به ارزش به کار گرفت، این اتفاق می افتد. از این رو، در کشورهای اسلامی من جمله کشور ایران، مساجد می توانند در ساعت غیر عبادی و پرداختن به فریضه نماز عملاً برای به کارگیری چنین امکاناتی قابل استفاده باشند. چرا که علاوه بر حضور و مشارکت مردم در سطح محله ای، توسعه ای نیز در زمینه اطلاع رسانی و ارتباطات به وقوع می پیوندد. در چنین حالتی به واسطه مرجعیت داشتن مساجد برای اقشار مختلف جامعه اعم از باسواد، کم سواد، بی سواد و پیر و جوان، کلیه اقشار مختلف جامعه به ویژه در سطح محله ای به استفاده از فناوری های نوین اطلاعاتی - ارتباطی گرایش می یابند که این خود به افزایش اندوخته های دینی و علمی افراد و نتیجتاً بر توسعه محله ای در راستای نیل به توسعه پایدار منتهی می گردد. از جمله اقداماتی که در راستای گسترش فناوری های نوین اطلاعاتی - ارتباطی در سطح محله ای در کلان شهری چون تهران می توان انجام داد می توان موارد ذیل را نام برد.

1 - راه اندازی ایستگاه مطبوعات در مساجد.

2 - با راه اندازی چنین ایستگاه هایی در مساجد محله های شهری، می توان شاهد روی آوردن اقشار مختلف جامعه برای کسب اطلاعات و اخبار در زمینه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، بهداشتی، ورزشی، مذهبی، هنری و... به مساجد و افزایش سطح آگاهی و در نتیجه دستیابی به توسعه محله ای خواهیم بود.

3 - آموزش و خدمات رایانه ای در مساجد.

4 - با وجود معرفی رایانه به عنوان ابزار در جهت اطلاع رسانی سریع و آموزشی علوم و یافته های جدید و انتقال اطلاعات از یک سو و عدم برخورداری افراد و گروه های مختلف از

توان خرید یا استفاده از این پدیده نوین از سوی دیگر سبب می گردد تا مساجد با به خدمت گرفتن رایانه ها، خدمات فرهنگی، آموزشی، مذهبی، هنری و اجتماعی و... را در اختیار مردم قرار دهند.

5 - نمایش فیلم های آموزشی در مساجد.

6 - استفاده از برنامه های مثبت ماهواره ای در مساجد.

7 - راه اندازی حداقل یک خط اینترنت در هر مسجد محله.

از جمله مهم ترین مزایای استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در مساجد محله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1 - جذب اقشار مختلف جامعه به ویژه قشر تحصیل کرده و قرار گرفتن آنان در کنار کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد بزرگسال و تحت آموزش قرار گرفتن این افراد توسط افراد تحصیل کرده که نهایتاً به ایجاد پل ارتباطی میان اجتماع و مساجد منتهی می گردد.

2 - غنی سازی اوقات فراغت اقشار مختلف جامعه در چارچوب ارزش های دینی و در راستای افزایش آگاهی از اطلاعات در زمینه های مختلف.

3 - افزایش انگیزه های حضور مردم در مساجد و علاقه بیشتر اقشار جامعه در راستای برطرف نمودن مسایل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی، مذهبی، اخلاقی و... موجود در محلات شهری.

4 - برقراری امکان حضور فرهیختگان، اساتید، محققان و دانشجویان در مساجد محلی در راستای ارتقای سطح فرهنگ دینی و توسعه محله.

5 - آشنایی با کارکردهای مساجد کشورهای اسلامی در راستای اداره هرچه بیشتر و بهتر امور محله و نیل به توسعه محله ای.

6 - ایجاد فرهنگ گفت‌وگو و تبادل اطلاعات فرهنگی، مذهبی، علمی و... در مساجد محلی که خود موجب تقویت کلان فرهنگ و مشارکت و تعامل نگری فرهنگ دینی و نهایتاً توسعه محله ای خواهد گردید.

مساجد، محوریت ایجاد و توسعه شهری و محله ای

اشاره

با افزایش جمعیت و توسعه شهرهای بزرگ و بالطبع پدید آمدن شهرهای تازه تأسیس با محلات جدید به دور از مسجد جامع موجب شد تا اهالی محلات مختلف جهت انجام فرایض خود به بنای مسجد جدیدی در محل خود مبادرت نمایند، چرا که همان گونه که قبلاً نیز بدان اشاره گردید، محوریت ایجاد و توسعه شهری را همواره مساجد رقم می زدند. از جمله مهم ترین فاکتورهایی که سبب افزایش تعداد مساجد در محلات مختلف شهرهای گوناگون شدند که این نیز خود در وهله اول به توسعه محله ای و ثانیاً توسعه شهری و ازدیاد جمعیت منجر گردید، می توان از موارد ذیل نام برد:

1 - فضیلت وقف و باقیات الصالحات در فرهنگ اسلامی

در برداشت عمومی باقیات الصالحات به آن دسته از اعمال نیکویی اطلاق می گردد که دارای اثر فیزیکی و اجتماعی طولانی مدت بوده و مردم در زندگی خود به نوعی از آن منتفع می کردند. براساس چنین تلقی است که باقیات الصالحات بیشتر در امور عمرانی و فرهنگی به ویژه در احداث مساجد تجلی یافته و دولت مردان و افراد متمکن را بدان ترغیب نموده است که در نتیجه، سبقت در امر مسجد سازی، افزایش تعداد مساجد و توسعه محله ای و شهری را به همراه داشته است.

2 - عدم پیش بینی فضای توسعه در بنای مسجد

گاه کمبود امکانات مادی و محدودیت مکانی و گاه عدم آینده نگری سبب می شد که مساجد در مساحت های کوچکتری احداث گردند. بعدها که در اثر افزایش جمعیت نیاز به مساجد بزرگتر احساس گردید، به علت عدم امکان توسعه آن، ناگزیر از زمین بزرگ تر برای احداث مسجد دیگری می شدند، لذا مساجد کوچک در ظاهر کاربری خود را از دست می دادند، اما بنابه وظیفه شرعی هم چنان نگهداری شده و برای اجتماعات کوچک تر مورد بهره برداری قرار می گرفتند.

3 - روحیه راحت طلبی

خصیصه راحت طلبی انسان، همواره وی را به عبادت در نزدیک ترین معابد و مساجد ترغیب نموده و در صورت احساس بعد مسافت، جهت رسیدن به فیض نماز جماعت و حضور پنج گانه در مساجد، ایجاد مسجد در نزدیک ترین محل سکونت را در رأس برنامه های اجتماعی خود قرار داده است. از این طریق با احداث مساجد متعدد در محلات مختلف توسعه محله ای و شهری به وقوع می پیوست.

4 - اختلافات قومی و منطقه ای

زندگی اقوام مختلف در شهرها، که اغلب در انجام اعمال عبادی دارای روش های مختلفی نیز بودند، ناگزیر از احداث مسجدی جداگانه برای خود می شدند، تا برحسب اعتقادات و سنن خود، مراسم عبادی را به نحو احسن برگزار نمایند. گاه در سکونت گاه های شهری علی رغم هم کیش بودن جمعیتی، افتراق سلیق، رقابت های محلی، اختلافات قومی و قبیله ای، پیدایش مساجد جدید و متعاقبا توسعه محله ای و شهری را در پی داشت.

آسیب شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات

عدم رعایت اصول مسلم شهرسازی در گذشته به ویژه در بنای مساجد - بار منفی فرهنگی - اجتماعی خود را امروزه به روشنی آشکار می سازد؛ به نحوی که، اغلب در محلی از محلات

شهری با تورم مساجد و در محله ای دیگر با نبود یا کمبود آن مواجه ایم. شهر بزرگ تهران خود نمونه بارز چنین وضعیت اسفباری است. تعداد کثیر مساجد در محلات قدیمی و جنوب شهر و نبود یا کمبود مساجد در محلات جدید و شمال شهر کاملاً مشهود است؛ البته چه بسا که عدم انتخاب محل مرغوب و حواشی خیابان برای احداث مساجد، چنین نمودی را به وجود آورده است. اگر فرد غریبه ای از داخل و یا خارج از کشور در طی مسیر خود از ابتدا تا انتهای خیابان ولی عصر که از خیابان های اصلی و محوری شهر تهران است، دقت نماید، چه تصویری از ام القرای جهان اسلام به لوح تفکرش نقش می بندد. حال اگر همان فرد برای ادای فریضه نماز اراده نموده و احتمالاً در اثر حواس پرتی متوجه مهدیه تهران نشد بدون پرس و جو به کجا می تواند مراجعه کند؟

پی آمد چنین وضعیتی اثر آشکاری است که در بررسی محلات گوناگون شهر تهران اعم از محلات قدیمی و نوساز به دست آمد و آن این که هرچه به سمت محلات قدیمی تر پیش

می رویم، محلات از غنای فرهنگی - اجتماعی اسلامی بیشتری برخوردار بوده و مساجد به خوبی به ایفای نقش در شناساندن جایگاه محله در ساختار بافت کلان شهر تهران پرداخته اند و در مقابل هرچه از محلات جدید گذر می کنیم با فقر فرهنگی - اجتماعی اسلامی و قرابت با فرهنگ بیگانه و عدم محسوس بودن محلات به عنوان اجزای خرد جامعه کلان شهر تهران و توسعه مفاهیم غیراقتصادی آن مواجه می شویم.

علت عمده توسعه نیافتگی به ویژه در سطح محله ای را باید در انتخاب الگوی توسعه جستجو نمود. در گذشته الگوی توسعه درون زا بود و این در حالیست که در دوران اخیر، الگوی توسعه برون زا مورد توجه قرار گرفته است.

در الگوی برون زا، کلیه ویژگی های ملی و محلی به عنوان مانع تلقی می شود که باید از سر راه برداشته شوند تا بستر برای استقرار الگوی برون زا آماده گردد. لذا عمده سرمایه ها صرف مقابله با مزیت های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می شود و چون فرهنگ پدیده ای پویا است، هر از چند گاهی همانند نهنگی که سندباد بحری آن را جزیره ای امن تصور می نمود و با خیالی آسوده اجاقش را روشن نمود، اما به یک نهنگ حرکت کرده و همه چیز را درهم

می ریخت، ترمیم خود را آغاز نموده و آن چه مصنوع و پیوندی است را به هم می ریزد؛ از این رو بیشترین سرمایه ها صرف مقابله با مزیت های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می گردد، در حالی که الگوی توسعه درون زا، چنین مزیت هایی به عنوان سرمایه هایی تلقی می گردند که باید در توسعه پایدار به ویژه در سطح محله ای نقش مثبت خود را ایفا نموده و به عوض آن که مردم مناطق و محلات، سهم خود را از توسعه مطالبه کنند، نقش خود در توسعه را جستجو می کنند. بنابراین راه حل این است که الگوی توسعه شهری به ویژه توسعه محله ای قرار دهیم. در این راستا باید در گذشته تاریخی - مذهبی خود پژوهش کرده و با توجه ویژگی های ساختاری هر محله، آنها را بومی نمود تا بتوان توسعه ای مبتنی بر مزیت های تاریخی، فرهنگی و مذهبی برنامه ریزی نمود.

نتیجه گیری

انسان های روی کره خاکی، برای رفع نیازهای اولیه و مشترک زیستی خود در مناطق جغرافیایی و اقلیمی متفاوت دست به اقدامات متنوعی زده اند که باعث ایجاد نیازهای ثانویه متنوعی گردیده است.

این نیازهای ثانویه، در برخی مواقع، اهمیتی فراتر از نیازهای اولیه به خود گرفته است. تلاش های متنوع و ابداعی بشر برای تأمین نیازهای اولیه و مشترک در سرزمین های مختلف سرمنشأ ایجاد تنوع فرهنگی گردیده است و لذا شناخت تنوع فرهنگی در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیت های متفاوت مناطق می باشد که ما از آن به عنوان مزیت های تاریخی، فرهنگی و مذهبی یاد می کنیم که از سرمایه های جاودانه بشر محسوب می گردند و چنان چه به خوبی شناخته و به کار گرفته شوند، رشد و توسعه بشری را به همراه خواهند آورد. متأسفانه در طول یک نیم قرن گذشته، از این موضوع غفلت شده است و به لحاظ تقلید از فرهنگ مدرن، مردم در جوامع مختلف به ویژه جوامع محله ای سرمایه های اصلی خود را به فراموشی سپرده اند، در صورتی که در نهضت بازگشت به خویشن چنان چه مردم هر شهر و منطقه و محله ای از زاویه مزیت های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود بتوانند وارد میدان توسعه

شوند سرمایه های مهمی را برای عرضه دارند. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیت های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود دچار فراموشی شده اند، برای مشارکت در توسعه دست خود را تهی می بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می کنند، در صورتی که اگر آنها به ظرفیت ها و استعداد های بالقوه و متنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود پی ببرند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه به ویژه در سطح توسعه محله ای، سرمایه های مهمی برای عرضه دارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. در شهرها و محلات اسلامی، مساجد اصلی ترین منبع چنین سرمایه هایی به شمار می آیند.

ص: 407

- 1 - مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، مسجد 6، ص 28.
- 2 - نقش مسجد در توسعه، چهارم شهریور 1383، سال 62، شماره 18029.
- 3 - اعتضادی، لادن، توسعه در پرتو توحید.
- 4 - میرخانی، عباس، مساجد و توسعه اجتماعی در ایران.
- 5 - آریان منش، جواد، نقش مساجد در توسعه شئون اجتماعی.

پیش گفتار

مساجد همواره خانه خدا، سجده گاه عشق، مأمن مردم، مرکز آزادی و رهایی از قید و بند اسارت های درونی و گسستن قیود برونی برای پرواز به ملکوت در اوج بندگی خدا، دانشگاه معارف دین و قرآن، مبدأ و منتهای معراج، مرکز اعتکاف و سلوک، محل انس و ذکر، خانه آزادی و پرورشگاه آزادگی، سکوی عروج و معراج، مشعل هدایت، نماد توجه به ارزش های والای انسانی و طرد آرایش های مادی، گوهرگران بها و جواهر درخشنده فرهنگ و هنر و معماری اسلامی، مرکز آرامش یافتن روح، میعادگاه و محل دیدار روزانه مسلمانان و جایگاه برگزاری زیباترین همایش روزانه عبادی، نشانگر و حافظ هویت دینی و تجلی گاه وحدت مسلمانان، ستاد فرماندهی جهاد و دفاع و پایگاه مقاومت در برابر بیگانگان، جایگاه مشاوره و شکل گیری صحیح فرآیند تصمیمات مهم سیاسی، نهاد ساماندهی انفاقات واجب و مستحب و پناهگاه مستضعفان و محل حل و فصل اختلافات و مشکلات فردی و اجتماعی، مرکز تحکیم روابط اجتماعی و محل تقویت مشارکت اجتماعی در امور مختلف، پایگاه مهم فعالیت های فرهنگی و مرکز پیش گیری و کاهش بزه کاری های اجتماعی، نماد برترین نوع حضور زنان در جامعه، مانده بزرگ روح انسان در تداوم ایمان، تجسم اعلائی فطرت خداجو، حضور تور در سیطره بی امان ظلمت در زمین، طواف دل در حریم الهی در احرام مناجات، سمبل صف بندی حق جویان توحید اندیش در برابر حق ستیزان ستم گر بوده است.

آری، مسجد، در جهان هستی، قلب تپنده معنوی است که در فضای نورانی آن، آسمان و زمین به هم پیوند می خورد و انسان به عنوان گل سر سبد نظام هستی در آن رشد و تکامل

می یابد. بدین سان مساجد ترجمان اندیشه و اعتقاد یک امت بلکه فریاد همه حنجره های پاک و خدایی است.

خوشبختانه نام گذاری، اجرای برنامه های ویژه و برپایی سلسله همایش های هفته گرامی داشت جهانی مساجد، فرصتی را فراهم آورده تا محققان، پژوهش گران، فرهیختگان، رهبران و اندیشمندان امت اسلامی در فضایی آکنده از حس مسئولیت و دلسوزی گرد آمده و برای رفع موانع و چالش های کنونی مساجد چاره جویی نموده و برای افزون ساختن زمینه های جذب جوانان و ارتقا و توسعه کمی و کیفی مساجد برنامه ریزی کنند.

کمیته علمی ستاد هفته گرامی داشت به منظور بهره مندی هرچه بیشتر از دیدگاه صاحب نظران فرهیخته و مدعوین دانشور همایش، در مورد موضوعات اساسی مساجد پرسش و نکاتی را در قالب چهار کمیسیون تخصصی مصوب به محضر مبارک حضار گرامی تقدیم نموده است تا در سایه رهنمود، پیشنهاد و طرح های شما گرامیان، طرح جامع احیای عظمت، جایگاه و کارکردهای اساسی مسجد در دوران معاصر را تدوین نماید و در جهت اجرا و تحقق آن گام بردارد.

امید است با لطف خداوند هستی و هم دلی امت اسلامی و با احیای نقش آفرینی بی بدیل مساجد به عنوان موهبت بزرگ الهی، از آن فضاهای مقدس به خوبی بهره گرفته و برای رفع مشکلات جهان اسلام از شبکه گسترده، نورانی و جهانی مساجد استفاده شود. ان شاء الله.

کمیته علمی ستاد گرامی داشت هفته جهانی مساجد

از همان آغازین روزهای بعثت، قرآن کریم مسلمانان را امتی واحد(1) و مؤمنان را برادر یکدیگر خواند(2) و آنان را به اتحاد و پرهیز از اختلاف و تنازع دعوت نمود(3) و پیمودن راه

ص: 412

1- «ان هذه امتکم امت واحده و انا ربکم فاتقون» مؤمنون: 52 .

2- «انما المؤمنون اخوه» حجرات: 10 .

3- «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم و اصبروا ان الله مع الصابرين» انفال: 46 .

مستقیم را به آنان توصیه فرمود. (1) و پیامبر صلی الله علیه و اله برای تحقق این اتحاد، کوشش فراوانی مبذول و زحمات طاقت فرسایی متحمل گشت.

شاید بتوان ادعا نمود که یکی از فلسفه های تشریح و واجب ساختن اجتماعات معنوی همانند نماز جماعت، نماز جمعه و کنگره سالیانه حج، استحکام پیوندهای دینی و برادرانه در امت اسلامی بوده است زیرا خداوند، کعبه را سبب قوام یافتن مردمان خوانده است. (2)

قرآن کریم نه تنها مسلمانان را به وحدت فراخوانده بلکه همه موحدان را در پرتو عبودیت خداوند به وحدت دعوت نموده است:

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم ان لا نعبد الا الله». (3)

با عنایت به آن که مسجد مرکز اصلی عبادت و عبودیت خداست، پس چرا ما از این مراکز مقدس برای وحدت بخشی بین مسلمانان استفاده نکنیم؟

رویکرد اساسی پیامبر صلی الله علیه و اله به ساخت مسجد در آغاز هجرت مؤید این حقیقت است که اجتماع معنوی و روزانه مسلمانان در مسجد، پیوندهای اجتماعی و وحدت بخش آنان را مستحکم می سازد، آن حضرت در آغاز هجرت، پس از خروج از غار ثور به هنگام ورود به منطقه و محله قبا که تا مرکز شهر یثرب فاصله چندانی نداشت، مسجد قبا را بنیان نهاد تا نقش اساسی مسجد در اسلام و زندگی مسلمانان و ضرورت توجه مردم به این مرکز وحدت آفرین متوجه سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله پس از اقامت چند روزه در قبا و بنای اولین مسجد در اسلام و ملحق شدن امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به همراه فوادم در روز جمعه به سوی شهر یثرب حرکت کردند ولی در میان راه و نزدیک ظهر به محله بنی سالم رسیدند. مردم قبیله به استقبال آن حضرت آمدند و درخواست کردند در میان آنان نزول اجلال فرماید. مسلمانان بنی سالم اگرچه پیش از ورود

ص: 413

1- «و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه» انعام: 153 .

2- «جعل الله الکعبه بیت الحرام قیاما للناس» مائده: 97 .

3- آل عمران: 64 .

پیامبر صلی الله علیه و اله مکانی برای نماز ساخته بودند ولی هنوز به صورت رسمی افتتاح نشده بود. پس از اصرار مردم، ناآه آن حضرت کنار مسجد متوقف شد، پیامبر فرود آمدند و این مسجد با قدوم و حضور رسول الله صلی الله علیه و اله و ایراد خطبه و اقامه نماز جمعه به طور رسمی افتتاح و تثبیت شد.

پس از ورود به مدینه نیز نخستین اقدام آن حضرت ساخت مسجد نبوی بود که مرکز همه فعالیت های اجتماعی سیاسی دفاعی و حکومتی مسلمانان شد.

اکنون در این شرایط حساس تاریخ که از یک سو اسرائیل سرزمین های قدس شریف را به اشغال درآورده و خیال تخریب مسجد الاقصی را در سر می پروراند و آمریکا با اشغال دو کشور اسلامی فریاد آغاز شدن دوباره جنگ های صلیبی را به گوش رسانیده و مسلمانان در بسیاری از نقاط جهان تحت فشار و ظلم و ستم قرار دارند و از سوی دیگر دشمن با به کار گرفتن همه تجهیزات و امکانات خود در زمینه فرهنگی تهاجم همه جانبه ای نسبت به نسل جوان صورت داده است و می کوشد در سایه آن هویت جوانان مسلمان جهان را به یغما برده و آنان را به مبلغان بی مزد خود بدل سازد، آیا چاره ای جز ایجاد یک شبکه درهم تنیده و قدرتمند معنوی جهانی مساجد و سعی در احیای مساجد و مستحکم ساختن پیوند آنها و بهره برداری در عالی ترین شکل ممکن از مساجد جهان اسلام برای حمایت از مسلمانان مظلوم جهان باقی مانده است؟

خوشبختانه ظرفیت و گستردگی مساجد جهان اسلام با توجه به پراکندگی آن در اقصی نقاط عالم به قدری زیاد است که می تواند در صورت ساماندهی مناسب به عنوان سنگری مستحکم و پایگاهی قدرتمند، عظیم و مردمی در سراسر جهان اسلام از مشکلات جوامع کاسته و در برابر توطئه های دشمنان جهان اسلام با کمال قدرت بایستد.

در این راستا توجه به نکات ذیل لازم است:

1 - با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و فراهم آمدن امکان برقرار پیوند و ارتباط، لزوم استفاده از تلفن، فاکس، ماهواره و طراحی شبکه هماهنگ جهانی مساجد در اینترنت تحت نظر شورای عالی مساجد جهان اسلام متشکل از مسئولان مساجد کشورهای اسلامی، یک ضرورت است.

2 - اطلاع رسانی روزآمد این شبکه در امور دینی، مشکلات جهان اسلام و احوال مسلمانان جهان اسلام در همه نقاط جهان و ساماندهی برنامه های مردمی و عمومی می تواند یکی از کارکردهای اساسی این شبکه باشد. به طور مثال:

- اعلام رویت هلال ماه نواز طریق هر مسجد به شبکه جهانی مساجد توسط مردم متدین پیرامون هر مسجد در جهان اسلام می تواند با عنایت به فتاوی نوین برخی از مراجع معظم تقلید یکسان سازی ماه های قمری و وحدت میان مسلمانان کشورهای مختلف در این زمینه بیانجامد.

- ساماندهی تظاهرات گسترده مردمی روز قدس در جهان اسلام از طریق این شبکه می تواند آمریکا و اسرائیل را به عقب نشینی واداشته و مواضع مردم فلسطین و مبارزان جان برکف آن را تقویت نماید.

3 - همسان سازی مواضع و ساماندهی حرکت های مردمی جهانی برای حفظ منافع مشترک دینی و جهانی و مقابله با دشمنان اسلام می تواند مساجد را به عنوان قدرتمندترین سنگر مبارزه بر علیه ظلم و استکبار در آورده، قدرت مردمی جهان اسلام را آشکار سازد.

4 - امکان تبلیغ دینی، آموزش قرآن، رفع نیازهای یکدیگر از طریق تبادل فرهنگی، علمی، انتقال تجارب و حتی مبادلات اقتصادی بین مردم مسلمان جهان و گفتمان مسالمت آمیز مذاهب مختلف از طریق شبکه جهانی مساجد، امری ممکن بلکه مطلوب خواهد بود.

اکنون پرسش اساسی آن است که برای تشکیل شورای عالی مساجد جهان اسلام و طراحی شبکه جهانی مساجد، چه اقدامات، زمینه سازی و تمهیداتی باید صورت پذیرد؟

افق چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه

ابلاغ متن کامل چشم انداز بیست ساله توسط مقام معظم رهبری به ریاست جمهوری و ارسال همزمان آن برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، از یک سو فصل جدیدی از جهت گیری، سیاست و اهداف کلی برنامه ریزی، الزامات و راهبردها را پیش رو نهاد و تحقق آرمان ها، سازندگی ها، بهبودسازی، پالایش و پیرایش و در یک جمله تعالی و رشد متناسب با شأن و جایگاه مردم بزرگوار انقلابی ایران و در نتیجه آثار و برکات نوینی را نوید بخشید.

و از سوی دیگر برابر فرموده پرچمدار فرزانه انقلاب اسلامی:

«تدوین سند چشم انداز بیست ساله کشور که در آن هدف نهایی تبدیل ایران به کشوری توسعه یافته با هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام عنوان شده، تمام امیدهای آنها (دشمنان) را به یأس مبدل کرد».

براساس تأکید متن ابلاغیه، تدوین برنامه جامع و عملیاتی و اهتمام و دقت نظر در تقنین و تحقق و تلاش مجدانه در جهت اجرای آن، از وظایف مهم دولت، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، قوه قضاییه، آحاد سازمانهای دولتی، مطبوعات و مردم است.

سازمان رسیدگی به امور مساجد نیز بر مبنای مطالعات بنیادی و میدانی خود، تدوین برنامه جامع اجرایی و عملیاتی در جهت تحقق اهداف فرهنگی چشم انداز بیست ساله را مورد توجه قرار داده است و برای استفاده از دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان و فرهیختگان، کمیسیون ویژه ای را در سلسله همایش های هفته بزرگداشت جهانی مساجد اختصاص داده است.

امید است که خداوند متعال توفیق بهره مندی از نظرات، تدوین نهایی و تحقق و اجرای آن را عنایت فرماید.

نگاهی به برخی از فرازهای سند چشم انداز و برنامه چهارم

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر:

- مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب.

- فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن رضایت مند و برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاور میانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزاری

تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

- الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی سالم و منطقه ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی قدس سره.

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه در امور فرهنگی، علمی و فن آوری

1 - اعتلا و تعمیق و گسترش دادن معرفت و بصیرات دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام .

- استوار کردن ارزش های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل.

- تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده.

- برنامه ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی.

2- زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی قدس سره و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها.

3- تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کار آفرینی، دست کاری و قناعت و اهتمام به ارتقای کیفیت تولید، فرهنگ سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات.

4- ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف موردنظر در افق چشم انداز.

5- تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی براسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی.

6- تعمیق روحیه دشمن شناسی و شناخت ترفندها و توطئه های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم ستیزی و مخالفت با سلطه گری استکبار جهانی.

7- سالم سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر.

- اطلاع رسانی مناسب برای تحقق ویژگی های مورد نظر در افق چشم انداز.

8- مقابله با تهاجم فرهنگی.

- گسترش فعالیت های رسانه های ملی در جهت تبیین اهداف و دست آوردهای ایران اسلامی برای جهانیان.

9- سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان.

- تقویت نهضت نرم افزاری و ترویج پژوهش.

- کسب فن آوری، به ویژه فن آوری های نو شامل ریز فن آوری و فن آوری های زیستی، اطلاعات و ارتباطات، زیست محیطی، هوا فضا و هسته ای.

10 - اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل: آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم انداز.

11 - تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی های مشروع از طریق آموزش، آگاهی بخشی و قانونمند کردن آن.

امور اجتماعی، سیاسی دفاعی و امنیتی

12 - تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت های برابر و ارتقای سطح شاخص هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد.

13 - ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی.

14 - تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.

15 - تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان های انقلاب اسلامی.

- فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب های اجتماعی آنان.

- توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی های آنان.

16 - ایجاد محیط و ساختار مناسب حقوقی، قضایی و اداری برای تحقق اهداف چشم انداز.

17 - اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریت های موازی، تأکید بر تمرکز زدایی در حوزه های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز.

18 - گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره مند ساختن دولت از همدلی و توانایی های عظیم مردم.

19 - آمایش سرزمینی مبتنی بر اصول ذیل:

- ملاحظات امنیتی و دفاعی.

- کارآیی و بازدهی اقتصادی.

- وحدت و یک پارچگی سرزمین.

- گسترش عدالت اجتماعی و تعادل های منطقه ای.

- حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی.

- حفظ هویت اسلامی - ایرانی و حراست از میراث فرهنگی.

- تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور.

- رفع محرومیت ها خصوصا در مناطق روستایی کشور.

20 - تقویت امنیت و اقتصاد ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران.

21 - هویت بخشی به سیمای شهر و روستا.

- باز آفرینی و روزآمد سازی معماری ایرانی - اسلامی.

- رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها.

22 - تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت.

همان طور که می دانید مطالعات مربوط به تهیه سند چشم انداز بلند مدت جمهوری اسلامی ایران برای دوره بیست ساله با در نظر گرفتن سه عامل:

1 - آرمان ها و ویژگی های جامعه ایده آل.

2 - شرایط اقتصادی - اجتماعی موجود کشور.

3 - تحولات بین المللی و منطقه ای و ویژگی های اقتصادی و فناوری جهانی انجام گرفته که نتایج آن جمع بندی شده است.

براساس متن چشم انداز، در آینده های ممکن در افق چشم انداز سه نوع نگاه وجود دارد:

نگاه انفعالی، نگاه فعال و نگاه آینده ساز. لازمه نگاه های فعال و آینده ساز موردنظر چشم انداز، حرکت برپایه مدیریت است و لازمه آن در برگیرنده کلیه قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به صورت یک کلیت و همچنین نگاه تعاملی با منظومه خرد و کلان، ملی و فراملی فرآیندها و قلمروها با یکدیگر است. از این رو در این نگاه حذف قلمرو

یا قلمروها و بها دادن به یکی و نادیده گرفتن دیگری، مطرح نیست و بین قلمروهای ممکن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی نه تنها تقابلی نیست، بلکه چگونگی در هم آمیزی کارآمدتر آنها به عنوان یک دغدغه مطرح است.

بدینسان آینده های ممکن این برنامه در افق چشم انداز در سه گزینه: تداوم روند گذشته، رشد سریع با رویکرد هم پیوندی، رشد معتدل با رویکرد هم پیوندی تنظیم شده است.

در سند چشم انداز محورهای اساسی و دیدمان چشم انداز براساس ذیل تنظیم شده است:

- 1 - رشد مستمر و پایدار.
- 2 - توسعه مبتنی بر دانایی.
- 3 - تعامل فعال با اقتصاد جهانی.
- 4 - رقابت پذیری اقتصاد.
- 5 - امنیت انسانی و عدالت اجتماعی.
- 6 - امنیت ملی.
- 7 - ارتقای کیفیت سطح زندگی.
- 8 - محیط زیست و توسعه پایدار.
- 9 - توسعه فرهنگی.
- 10 - توسعه مدیریت دولت.
- 11 - امنیت و توسعه قضایی.
- 12 - تعادل و توازن منطقه ای کشور براساس موازین آمایش سرزمین.

در هدف ها و سیاست های کلی برنامه چشم انداز نیز چنین آمده است:

- پرورش انسان دین باور، آگاه، انعطاف پذیر و ماهر با قابلیت های مشارکت و فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری در حال تغییر.

- مشارکت همه جانبه سرمایه انسانی عظیم کشور از جمله جوانان و متخصصین داخل و خارج در توسعه کشور.

و در تبیین توسعه مبتنی بر دانایی نکات ذیل ارائه شده است:

- استقرار انباشت سرمایه انسانی کارآمد، خلاقیت، کارآفرینی و نوآوری، توسعه (کاربرد) فناوری اطلاعات و ارتباطات و بسط کار و فعالیت ملی.

امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

اشاره

- آموزش و کسب مهارت.

- رفع موانع قانونی و کاستن از تابرابری ها و تبعیض های جنسیتی.

- ایجاد امنیت شغلی.

- برقراری عدالت اجتماعی.

- زمینه سازی برای شکل گیری مطلوب هویتی.

- احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد.

- ایجاد امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز.

همچنین در تبیین توسعه فرهنگی در سند چشم انداز چنین آمده است:

بسط توسعه ای باورها، تفکرات، سنت ها و تلقی ها از طریق:

- تقویت و تعمیق فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی.

- پی ریزی ارتباط مبتنی بر همدلی و تفاهم بین آحاد مردم.

- رشد فرهنگ معنویت، ایمان و اعتقاد وجدان اجتماعی.

- ترویج و تعمیق فرهنگ قانون پذیری.

ص: 422

یکی از موارد: ایجاد ساز و کار و بستر لازم برای پیشگیری از وقوع جرم مطرح شده است.

نگاهی کوتاه به آنچه به صورت گزینشی از چشم انداز بیست ساله کشور تقدیم شد، به خوبی روشن می سازد که بدون ارتقای نقش مساجد و ایفای صحیح آن، تحقق اهداف

و راهبردها و الزامات چشم انداز میسر نیست. براین اساس با توجه به آن که بخش عمده ای از فضای فرهنگی کشور را مساجد تشکیل می دهد، برای تحقق اهداف فرهنگی باید مساجد را احیا نمود.

براین اساس در افق چشم انداز کشور از نظر وضعیت مساجد باید:

1 - برخوردار از تشکیلات مدیریت کلان و یکپارچه در کل کشور.

2 - برخوردار از مساجدی شکیل و زیبا به مقدار نیاز با ساختمان و تجهیزاتی کامل و متناسب با شأن نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ و قهرمان ایران، نظیف، معطر و براساس استانداردها و معیارهای قرآنی، روایی و نظام مهندسی کشور.

3 - دارای اقامه سه وقت نماز، باز بودن درب در همه اوقات، برقراری کلاس آموزش قرآن و معارف دینی، مجهز به کتابخانه و رایانه برای نشر علوم اسلامی و بدون ایجاد مزاحمت برای همسایگان.

4 - برخوردار از ائمه جماعتی عالم، اندیشمند، پارسا، آشنا با فنون مشاوره و مدیریت و دارای ارتباطات مردمی گسترده.

5 - دارای کارگزارانی مدیر، مدبر، پارسا، آزموده، مجرب و توانا.

6 - دارای تأسیسات جانبی و تکمیلی و برنامه های متنوع و جذاب تبلیغی و آموزشی با جاذبه های علمی - معنوی متناسب با نیاز نسل جوان.

7 - حاضر در متن زندگی مردم و مرتبط و مؤثر در کلیه امور سیاسی، اقتصادی و... از طریق برقراری پیوند مستحکم و ارائه آموزه های دینی و معطر ساختن فضای مدرسه، دانشگاه، بازار و محیط پیرامونی با فرهنگ ناب اسلامی و ارتقا و افزون ساختن کارکردها و خدمات.

اکنون پرسش اساسی آن است که طی این طریق چگونه باید صورت پذیرد و چه اقداماتی برای تحقق آن باید انجام شود؟

در این راستا به برخی از امور مهم اشاره می‌گردد تا دیدگاه حضار گرامی پیرامون آن مطرح و در تدوین نهایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد:

1 - ادغام تشکیلات موازی دست اندرکار در امور مساجد و تشکیل یک سازمان یکپارچه برای مدیریت کلان کلیه امور مساجد یا ادامه روند نامطلوب فعلی؟!

2 - تشکیل شورای عالی ناظر بر ساخت و ساز مسجد با زیر مجموعه‌های تخصصی از نظر سازه‌های مهندسی، معماری اسلامی، استانداردهای دینی و... .

3 - تأسیس دانشگاه مسجد برای آموزش کلیه کارگزاران مسجد و ارائه آموزش‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی شایسته مدیریت مسجد.

- نوع آموزش‌های لازم برای ائمه جماعات، هیئت امناء، خدام، مربیان قرآن و... .

4 - ساماندهی نظام مالی و پیش‌بینی کلیه هزینه‌های مورد نیاز مساجد و تلاش برای تأمین آن از طریق مشارکت عمومی، امور وقفی و مساعدت‌های دولت جمهوری اسلامی.

- شکل و چگونگی مساعدت دولت با توجه به لزوم حفظ استقلال مساجد و غیردولتی باقی ماندن آنها.

5 - ارائه برنامه‌های آموزشی معارف دینی قرآنی با استفاده از کلیه امکانات نوین و مجهز ساختن کتابخانه، مرکز رایانه و اطلاع‌رسانی و توانا در پاسخ به پرسش‌های دینی نسل جوان.

- چگونگی ارائه برنامه‌ها و خدمات.

- تجهیزات مورد نیاز.

- لزوم طراحی شبکه رایانه‌ای بین مساجد با زیرمجموعه‌های مختلف.

الف) چالش‌های موجود در مساجد ایران

برابر با روایات مساجد پایگاه توحید، خانه‌های خدا در زمین، سکوی عروج، محل عبادت،

بازار آخرت، محیط رحمت، بهترین مکان های زمین، کلاس تربیت، بستان بهشتیان، مطاف عاشقان، امید محرمان، مأمن مستضعفان، میعادگاه متقین و صیانت گاه مؤمنین است.

افزون بر آن با سیری در سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام، امامان معصوم و مؤمنان تاریخ صدر اسلام به این حقیقت دست می یابیم که مساجد در امور و ابعاد گوناگون دارا نقش عمده و اساسی بودند و در خدمت ترویج فرهنگ اسلام و نشر معارف دین و ابلاغ پیام و رهنمودهای حیات بخش پیامبر و ائمه معصومین و در یک جمله در راستای تأمین سعادت و ارتقای سطح اندیشه، اخلاق و فرهنگ مسلمانان قرار داشتند.

با کمال تأسف به تدریج مساجد در کشورهای اسلامی به آسیب، چالش ها و موانعی دچار شدند که کارایی آنها را در امور مختلف کاهش داد. کاهش نقش آفرینی مساجد در همه سرزمین های اسلامی پیامدهای ناگواری را در پی داشت که مشهود است.

اکنون در این شرایط حساس تاریخ که از یک سو آمریکا با اشغال دو کشور اسلامی فریاد آغاز شدن دوباره جنگ های صلیبی را به گوش رسانیده و از سوی دیگر دشمن با به کار گرفتن همه تجهیزات و امکانات خود در زمینه فرهنگی تهاجم همه جانبه ای نسبت به نسل جوان صورت داده است و می کوشد در سایه آن هویت جوانان مسلمان رابه یغما برده و آنان را به مبلغان بی مزد خود بدل سازد، باید بکوشیم با شناخت موانع و آسیب ها، بار دیگر از مساجد در عالی ترین شکل ممکن بهره برداری نموده و برای صیانت از دستاوردهای انقلاب و خون بهای شهیدان آن فضاهای مقدس را فعال و پرنشاط سازیم.

آسیب، چالش ها و موانع را می توان در امور ذیل دسته بندی نمود:

1 - نبود اطلاعات جامع از وضعیت مساجد کشور و در نتیجه عدم تحلیل آماری لازم برای مورد توجه قرار دادن آن در جهت گیری های اساسی مربوط به مساجد.

2 - وجود تشکیلات موازی و ناهماهنگ و تعدد مراکز دخیل در مدیریت و امور مسجد.

3 - فقدان استراتژی و سیاستگذاری کلان در امور مختلف مساجد در برنامه کلان توسعه و عدم بذل توجه کافی در برنامه ریزی های بلندمدت توسعه به مساجد و عدم تخصیص بودجه لازم برای آن.

4 - عدم برنامه ریزی مناسب برای استفاده کامل، مطلوب و بهینه از مساجد با شرایط و وضعیت کنونی.

5 - فقدان استراتژی روشن در مورد چگونگی حضور و دخالت دولت و نحوه مشارکت مردم در مساجد.

6 - عدم وجود یک گروه کارشناسی قوی و کاردان جهت بازآفرینی نقش ها و کارکردهای مساجد و به روز کردن آن و عدم توجه مدیریت و برنامه ریزی کلان کشور به این امر.

7 - عدم وجود یک مرکز قوی پژوهش و تحقیقات بنیادی و کاربردی ویژه مساجد و اجرای نامناسب و غیرکاربردی پروژه های تحقیقاتی و پژوهشی در حال انجام درباره مساجد.

8 - ساخت مراکز متعدد فرهنگی هنری رقیب با بودجه و امکانات کافی به جای تقویت و گسترش فضای فرهنگی و هنری مساجد.

(ب) آسیب و چالش های فیزیکی و سخت افزاری

9 - عدم طراحی الگوی مناسب معماری در تیپ های گوناگون برای ساخت مساجد در دوران معاصر.

10 - فقدان امکانات مناسب تأسیساتی، فرهنگی، رفاهی همانند کفشداری، پارکینگ، مهد کودک، درمانگاه، صندوق قرض الحسنه و... .

11 - عدم بهره مندی از سرویس های بهداشتی مناسب، تهویه، سیستم های برودتی و حرارتی مطبوع نظافت، آراستگی، زیبایی، خوشبویی و نداشتن فضاسازی بیرونی جذاب.

12 - عدم کنترل کیفی و عدم رعایت اصول مهندسی، مقاوم سازی و عدم حفظ و مرمت مورد نیاز به صورت مداوم.

(ج) آسیب و چالش های مربوط به نیروی انسانی و کارگزاران

13 - فقدان سیستم جذب و گزینش برای کارگزاران مساجد در کشور.

- 14 - عدم ساماندهی مناسب منابع نیروی انسانی موجود مساجد.
- 15 - فقدان نظارت و ارزیابی مستمر بر عملکرد کارگزاران مساجد.
- 16 - عدم استفاده از توانایی های جوانان در انجام امور مساجد و به کار نگرفتن نیروی کار آنان.
- 17 - فقدان آموزش های روزآمد برای کارگزاران مساجد.
- 18 - عدم تغذیه فکری منابع نیروی انسانی به طور مداوم.
- 19 - عدم تأمین مالی آبرومندانه کارگزاران بویژه خادمان و در نتیجه عدم مسئولیت پذیری آنان.

(د) آسیب و چالش های محتوایی و برنامه ای

- 20 - تعطیلی اغلب مساجد جز در ایام خاص، عدم اقامه نماز جماعت در سه یا پنج نوبت، بسته بودن درب مساجد جز در وقت نماز و نبود برنامه مداوم نیایش و قرآن آموزی در آن.
- 21 - فقدان برنامه ریزی های جذاب هماهنگ و متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه و در نتیجه عدم اجرای برنامه های تبلیغی و فرهنگی مناسب.
- 22 - فقدان فضاسازی برای حضور مردم و نسل جوان و عدم فرهنگ سازی و اطلاع رسانی صحیح در مورد برنامه مساجد در رسانه های جمعی بویژه رسانه ملی.
- 23 - عدم تقویت و غنی سازی کتابخانه های مساجد کشور به طور مداوم.
- 24 - عدم استفاده از تجهیزات فرهنگی، هنری، رایانه ای و نرم افزاری روز و عدم استفاده از ابزار و زبان هنر در برنامه های تبلیغی فرهنگی مساجد.

راه کارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی مساجد و جذب جوانان

- 1 - ادغام تشکیلات موازی در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شده است و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت های مرتبط با مسجد با آن.

- 2- تعیین استراتژی و سیاست کلان در برنامه چهارم توسعه و اختصاص بودجه لازم و کافی.
- 3- اهتمام دولت و تشویق و ترغیب عمومی برای احداث، نوسازی و بهسازی مساجد و مجهز ساختن آن به تجهیزات روزآمد و حمایت از مساجد مناطق محروم.
- 4- تلاش در جهت وضع قوانین لازم برای حمایت های حقوقی و اجتماعی از مساجد.
- 5- جذب و بهره مندی از نیرو و امکانات قابل استفاده در محدوده مسجد.
- 6- اقدامات لازم برای بازنشسته نمودن خادمان از کار افتاده و تلاش برای به کار گرفتن خادمان جوان و مناسب در جهت پاکیزگی و نظافت مساجد.
- 7- سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان فرهنگی متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه بر محوریت آموزش قرائت، ترجمه و تفسیر قرآن در مساجد.
- 8- فضاسازی لازم برای جذب هرچه بیشتر همه اقشار نسل جوان به مساجد در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی توسط رسانه های جمعی بویژه رسانه ملی.
- 9- تأسیس دانشگاه مسجد و ارایه آموزش های روزآمد به کارگزاران مسجد.
- 10- تداوم برپایی همایش ها و جشنواره های بین المللی، کشوری، استانی و شهرستانی برای تبیین، احیاء و ارتقای جایگاه مساجد در جهان اسلام.
- 11- ایجاد پژوهشکده مسجد و انجام مداوم پژوهش های بنیادی و کاربردی برای احیاء و روزآمد نمودن مساجد.
- 12- تشکیل شورای عالی مهندسی مساجد و طراحی الگوی مناسب معماری و ساماندهی و نظارت بر کم و کیفیت بنا و تجهیزات مساجد و هدایت و ساماندهی ساخت و تجهیز مسجد براساس نیاز مناطق مختلف.
- 13- طراحی سیستم ماهواره ای و شبکه جهانی مساجد در اینترنت و بهره گیری مناسب از تکنولوژی ارتباطات و مبادله اطلاعات و برنامه ها و تجربیات با مساجد سراسر جهان و جوامع دیگر اسلامی در جهت اعتلای هرچه بیشتر نقش و جایگاه مسجد در جهان.
- 14- تلاش در مدیریت و برنامه ریزی کلان کشور برای ارتباط و حضور مسجد در متن زندگی مردم و ارتباط آن با مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و ...

پژوهش‌ها ثابت کرده است که توسعه به عنوان واقعیتی مطلوب دارای ابعاد مختلفی است؛ خوشبختانه در جهان معاصر، ابعاد گوناگون توسعه و ارتباط و پیوندها و تأثیر و تأثر متقابلی که بین ابعاد توسعه وجود دارد مورد توجه جدی قرار گرفته و به خوبی آشکار شده است که توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی بدون توسعه فرهنگی و توسعه منابع نیروی انسانی امری کاملاً دور از دسترس است؛ همچنان که توسعه فرهنگی و توسعه منابع نیروی انسانی بدون انجام توسعه اقتصادی اجتماعی سیاسی با مشکلات فراوانی مواجه می‌باشد!

براین اساس ضرورت توسعه فرهنگی و لوازم تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی پارسا، کارآمد و توانا در تحقق دیگر ابعاد توسعه واقعیتی انکارناپذیر است. نکته مهم و قابل توجه در این راستا تبیین نقش و جایگاه مساجد در توسعه همه جانبه کشور است.

با کمال تأسف عدم توجه کافی به مساجد، نقش، جایگاه، جاذبه‌های بی‌بدیل و تأثیرات عظیم و ممکن مساجد را به شدت کاهش داده است و این کاهش، پیامدهای ناگواری همچون توسعه تأثیرات تهاجم فرهنگی بر جوانان و امت اسلامی را در پی داشته است.

اکنون این حقیقت نه تنها برای اندیشمندان و فرهیختگان کشور و امت اسلامی بلکه بر عموم مردم به خوبی آشکار شده است و برای تحقق ابعاد دیگر توسعه در کشور و جهان اسلام باید نخست به فکر توسعه کمی و کیفی مساجد باشیم؛ این سخن، یک سخن احساسی یا یک توصیه غیرکارشناسی و غیرعلمی و از سر خیال پردازی و آرمان‌گرایی صرف نیست، بلکه سخنی براساس جستارهای پژوهش‌های بنیادی و کاربردی که بر مبنای «ولکم فی رسول الله اسوه حسنه» از روش و سیره مبارک آن حضرت صلی الله علیه و اله در بنیانگذاری تمدن بزرگ اسلامی اتخاذ شده است. پیامبر بزرگی که در توقف چهار روزه خود در دهکده قبا، مسجد قبا را بنا نموده و در مسیر آمدن به مدینه در محل زندگی قبیله بنی سالم، نماز جمعه را در مسجد آن قبیله اقامه فرمودند و در آغاز ورود به شهر مدینه با فرود آمدن ناقه دارای مأموریت، آن محل را برای ساختن مسجد خریداری و مسجد نبوی یا به دیگر سخن قطعه‌ای از باغ‌های بهشت را در زمینی خاکی برپا ساخت و همه ابعاد زندگی مردم را با آن گره زده و تالو نورانی آموزه‌های مسجد را

بر زوایای مختلف حیات بشری تاباند و دین توحیدی و شریعت عالی خود را از آن کانون هدایت منتشر ساخت و بدین طریق، راه و روش توسعه همه جانبه امت اسلامی را به امت اسلامی آموزش داد.

آری بدون تردید در توسعه کشور مهم ترین مسئله، بعد فرهنگی است و اگر در توسعه اجتماعی و اقتصادی به مسائل فرهنگی توجه نشود، توسعه اجتماعی و اقتصادی به مفهوم امروزی آن نیز تحقق نخواهد یافت. با عنایت به آن که مساجد محل اصلی نشر فرهنگ دینی و مذهبی کشور است، بنابراین در توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی، باید توسعه را از پایگاه های فرهنگ دینی یعنی مساجد شروع کرد، زیرا تقویت این پایگاه های دینی به معنای مصون سازی فرهنگ خودی در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان است. فرد هالیدی از شخصیت های امنیتی و سیاسی انگلیس و طرح براندازی خاموش یا براندازی در سکوت، یکی از راه های براندازی جمهوری اسلامی را محدود کردن نقش شبکه مساجد عنوان می کند.

نکته قابل تأمل آن است که مساجد، تنها مراکزی هستند که می توان از آنها به عنوان بهترین اماکن مقدس برای جذب مردم عموماً و جذب جوانان خصوصاً استفاده کرد. اگر امت اسلامی بخواهد جوانان را در مکان های دیگری جز مساجد، سازماندهی کند، باید هزینه های فراوانی را صرف کند، اما با هزینه ای بسیار اندک، با بهره برداری بهینه از مساجد، جذب جوانان کاملاً عملی، موفق و مقرون به صرفه می باشد و دارای آثار بسیار مبارکی است.

آنچه در پی می آید موضوعاتی است برای تأمل، اندیشیدن، جستجو و کنکاش پیرامون راه های توسعه و چاره اندیشی برای رفع موانع توسعه کمی و کیفی مساجد.

امید است در سایه الطاف الهی با توسعه مساجد، توسعه حقیقی و همه جانبه در کشور و در میان امت اسلامی پدید آید.

الف) توسعه کمی

با آن که در کشور بیش از 60000 مسجد با مساحتی بالغ بر 36000000 متر مربع زمین و 17000000 متر مربع زیربنا در بهترین مکان های شهر و روستا یعنی تقریباً به ازای هر 1000 نفر

یک مسجد وجود دارد اما با کمال تأسف به دلیل آن که در ساختن مساجد، میزان جمعیت پیرامون، منطقه جغرافیایی، فاصله متناسب با مساجد دیگر و... رعایت نشده و سیاست مدون و مشخصی در زمینه ساخت مسجد وجود نداشته، در بعضی از محلات پر جمعیت مسجدی وجود ندارد و یا اگر هست مسجدی بسیار کوچک است که جوابگوی خیل عظیم نمازگزاران نیست و بر عکس در برخی از مناطق کم جمعیت، مساجد بزرگ یا نزدیک به هم ساخته شده که خلوت بودن بعضی آنها هنگام اقامه نماز در شأن جامعه اسلامی نیست. این مشکل در کل جهان اسلام نیز به چشم می خورد.

در این راستا باید براساس مطالعات آمار و جمعیت شناسی، بررسی و تحلیل لازم صورت پذیرد تا مشخص شود چه مناطقی به چه تعداد مسجد و با چه مساحتی نیاز دارند تا در زمینه ساخت مسجد افراط و تفریط صورت نگیرد.

افزودن برآن در تجهیز، آراستگی، رنگ آمیزی و نظیف مساجد و زیباسازی نمای بیرونی آنها باید به نکات ذیل توجه شود:

- مقاوم سازی ساختمان مسجد در برابر حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله، طوفان و غیره.

- تمهیدات لازم برای حضور قشر عزیز جانباز و معلول.

- در نظر گرفتن مکان لازم برای پارکینگ خودروهای نمازگزاران در مناطق مورد نیاز.

- طراحی مکان مناسب همچون مهدکودک برای نگهداری نوزادان زنان و مادران دارای فرزند خردسال.

- ایجاد تأسیسات تکمیلی و مورد نیاز مسجد همانند مهد کودک، مدرسه، درمانگاه، صندوق قرض الحسنه، صندوق بازنشستگی، مرکز مشاوره و امور تربیتی و ورزشی داشته باشد، مرکز کمک رسانی به مردم.

- طراحی تأسیسات برودتی و حرارتی پیشرفته متناسب با محیط جغرافیایی.

- تنظیم صحیح سیستم نور و صدای مسجد.

- طراحی و اجرای فضای سبز و گل کاری و استفاده از رنگ های آرام بخش همراه با طرح های تلفیقی.

- استفاده از اسپری های خوشبو کننده هوا قبل از شروع نمازهای جماعت و مراسم مذهبی در فضای صحن مسجد مورد نظر.

- ساخت کفشداری خارج از شبستان، از جنس سنگ.

- استفاده از سجاده یا فرش های مناسب سراسری و علامت گذاری با پارچه سفید و شستشوی آن در هر شش ماه یک بار.

- حفظ سادگی و پویایی مسجد که پیامبر بر آن امر اصرار می ورزید در دوران معاصر؟

دیدگاه خویش را پیرامون پرسش های ذیل بیان فرمایید:

1 - آیا می توان استاندارد مشخصی برای تأسیس مسجد به ازای جمعیت و تراکم آن مشخص نمود، استدلال شما برای آن پیشنهاد چیست؟

2 - برای اصلاح وضع موجود که در ساختن مساجد، میزان جمعیت پیرامونی، منطقه جغرافیایی، فاصله متناسب با مساجد دیگر و... رعایت نشده، چه راه کارهایی وجود دارد؟

تأسیس مساجد براساس استانداردهای علمی مصوب؟ یا... .

3 - افزون بر جمعیت و تراکم آن چه معیارهایی را می توان برای لزوم تأسیس مسجد در نظر گرفت؟!

4 - چه روش هایی برای جذب مشارکت هرچه بیشتر مردم در ساخت و توسعه کمی مساجد وجود دارد؟

5 - در چه زمینه، چگونه و با چه روش هایی می توان از مساعدت و کمک های عمومی و دولتی برای ساخت و توسعه کمی مساجد بهره برد، بدون آن که استقلال مساجد خدشه دار شود؟

تدوین و اجرای قوانین لازم؟ اختصاص بودجه و در اختیار مرکز رسیدگی قرار دادن؟ ساخت تأسیسات جانبی و تکمیلی؟ اجرای ساخت؟ تصویب و اجرای معافیت در پرداخت هزینه های آب و برق و گاز؟ و... .

6 - موانع و چالش های توسعه کمی مساجد و راه برطرف ساختن آن چیست؟

مقصود از توسعه کیفی، بهینه سازی بهره برداری، گسترش نقش، جایگاه، کارکرد و ارتقای سطح و بالا بردن کیفیت و ارائه خدمات عبادی، آموزشی و... و افزون ساختن جاذبه های مسجد و در یک جمله آوردن مسجد در متن زندگی مردم مسلمان و برقراری و مستحکم ساختن پیوند بین مسجد و امور مختلف حیات بشری است.

نگاهی کوتاه به تاریخ اسلام نشان می دهد که مسجدالنبی مثل بعضی از مساجد خاک گرفته، متروکه و یا تشریفاتی امروز نبود که تنها هنگام نماز باز و پس از آن بسته شود و از روح زندگی و حرکت اصیل حیات باز بماند. در صدر اسلام مسجد مرکز زندگی و تپش حیات و محل دریافت طرح، مرکز جدیدترین خیرها و اقدامات مسلمانان و مرکز ارسال پیک ها به قبایل و کشورها و خلاصه جایگاه اصیل ارائه دعوت اسلامی به افراد انسانی بود. سرنوشت ملت ها و دولت ها در مسجد پیامبر رقم زده می شد و تمدن و فرهنگ اسلام از آن مرکز نورانی راهی جهان می گردید.

براین اساس با توجه به آن که منحصر ساختن مساجد کشور با این فضای بزرگ و عالی به برگزاری یک وعده یا دو وعده نماز جماعت، برگزاری مجالس ترحیم و عزاداری و بسته بودن درب آن در بیشتر اوقات و عدم برگزاری مجالس شاد و آموزشی چون مراسم ازدواج، تعلیم و تربیت و مذاکرات علمی و تصمیم گیری های اجتماعی و امورات مربوط به پیشرفت و برنامه های خانواده و زندگی یکی از خسارت های بزرگ دوران معاصر است، به نظر شما در بهینه سازی استفاده از مساجد چه باید کرد؟

1 - در دوران معاصر، مساجد چه نقش و کارکردهایی را می توانند برعهده گیرند؟

2 - نوع خدمات عمومی، اجتماعی را اکنون بر زمین مانده و مسجد می تواند آنها را برعهده گیرد کدام است؟! و چگونه ارائه آن از طریق مسجد؟!

3 - چه نوع تأسیساتی را در کنار مسجد و برای برعهده گرفتن نقش و کارکردهای جدید لازم می دانید؟

4 - چگونه می توان کارکرد و خدمات مساجد کنونی را افزایش داد؟

- راه اندازی مرکز ارائه خدمات آموزشی و رفاهی مسجد؟

5 - برنامه ریزی کلان و برنامه های میان مدت و کوتاه مدت اجرایی برای مساجد به صورت متمرکز یا غیر متمرکز کدام یک مناسب تر است؟ چرا؟

6 - چه نوع آموزش هایی به ائمه محترم جماعات و کارگزاران دیگر مساجد می تواند در توسعه کیفی مؤثر باشد؟

7 - تشکیل کلاس، فعال ساختن کتابخانه و نوارخانه، برگزاری دوره های سیر مطالعاتی، تشکیل گروه های سرود و تواشیح، در اختیار داشتن رایانه، قرار دادن نام مساجد و فعالیت های آن در شبکه جهانی اینترنت و ارائه خدمات علمی دیگر از طریق مساجد، اطلاع رسانی نیکو، نصب تراکت ها و پیام های تبلیغاتی و فرهنگی دو روز قبل از اعیاد و وفیات و ایام الله و جمع آوری آنها بعد از مراسم و چگونگی آن در بالا بردن کیفیت و افزونی جاذبه ها چه نقشی می تواند ایفا نماید؟

8 - نقش امام جماعت، هیئت امنا، خدام، بسیجیان و سایر نیروهای دست اندرکار در توسعه چیست؟ امام جماعت ثابت، مراعات حال نمازگزاران، عدم خطابه طولانی در بین الصلاتین، خوش برخورد، خوش اخلاق، خوش سیما، آشنا به مسائل شرعی و حتی الامکان جوان بودن خادم مسجد، تعیین مؤذن و تعقیب خوان خوش صدا، عدم پخش صدای برنامه های مسجد از جمله سخنرانی ها و سرودها از بلندگوی مساجد، رعایت اصول بهداشتی خصوصا در آبدارخانه مسجد و نظافت مستمر وضوخانه و سرویس های بهداشتی و نصب جای مایع دستشویی و خشک کن برقی و... چه نقشی در ایجاد جاذبه برای همسایگان و توسعه کیفی مساجد دارند؟ موارد مؤثر دیگر کدامند؟

9 - شیوه های مشارکت مردم و جوانان در مدیریت مساجد چگونه باید باشد تا ضمن عدم اخلال در امور مساجد را از ظرفیت و توانایی جوانان بهره مند سازد؟

10 - موانع و مشکلات موجود در راه توسعه کیفی کدام است و راه کارهای عملی حل آنها چیست؟

اشاره

چکیده

مهم ترین پدیده جغرافیایی عبادی در اسلام به شکل مسجد تجلی می یابد، خداوند مسجدی را شایسته می داند که بر پایه تقوا و اخلاص بنا شده و از انگیزه های مادی و نیرنگ های سیاسی دور باشد.

از همان آغاز که رسول اکرم در مدینه مسجدی بنیان نهاد، این مکان پایگاه اساسی تمامی فعالیت های عبادی و سیاسی بود بنابراین مسجد علاوه بر این که مرکز بندگی خدا و تربیت معنوی است کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه گری می باشد و در طول تاریخ تمامی فریادها و خروش ها و نهضت های اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم از مسجد منشأ گرفته است.

مسجد کوفه مرکزی برای سامان دهی رزمندگان اسلام بود و حضرت علی علیه السلام در این مکان زمینه مبارزه با قاسطین، مارقین و ناکثین را فراهم آورد، قیام مختار و انقلاب زید بن علی در مسجد مزبور شکل گرفت.

امویان خواستند سیمای نفرت انگیز خود را در پرده هایی از ریا و تزویر پنهان کنند و از این روی از مسجد دمشق برای دوام قدرت پوشالی خود بهره بردند ولی امام سجاد علیه السلام

در جامع دمشق نقشه های آنان را افشا نمود، قیام شهدای فسخ در مسجد النبی مدینه تکوین یافت. سربداران خراسان و سمرقند از مساجد این نواحی علیه مغولان وحشی بسیج شدند.

مردم تهران با هدایت میرزا مسیح مجتهد تهرانی از مسجد جامع این شهر برای آزاد نمودن بانوانی که در اسارت روس بودند، حرکت کردند و قیام علما و مردم مشهد بر علیه کشف حجاب در مسجد گوهر شاد به وقوع پیوست.

مردم تهران، قم و برخی شهرهای دیگر در سال 1342 و طی قیام 15 خرداد برای مبارزه با استبداد رژیم پهلوی و افشای کارنامه ننگین آن، تظاهرات گسترده ای را از مساجد سامان دادند

و به ندای امام خمینی برای جلوگیری از فجایع و اعمال ضد شرعی نظام پهلوی لبیک گفتند.

انقلاب اسلامی در مساجد به رشد و شکوفایی و بالندگی شکوهمند رسید و امام خمینی و یارانش مساجد را پایگاه مبارزات و تلاش های تبلیغی و فرهنگی خود قرار دادند، در لحظات پیروزی این نهضت نیز مساجد، مراکز نظم و انسجام و سازماندهی نیروهای مبارز و مؤمن بود و برخی از نهادهای انقلابی در این کانون های عبادی شکل گرفتند.

پایگاه عبادی و سیاسی

تجسم خارجی یا مهم ترین پدیده جغرافیایی در اسلام به شکل مسجد تجلی می نماید. خداوند مسجدی را که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر می داند:

«المسجد اسس علی التقوی من اول یوم»⁽¹⁾.

مرحوم طبرسی در تفسیر معروف خود می گوید مراد از این آیه هر مسجدی است که بر پایه طاعت الهی و نیت خالصانه برپا گردد.⁽²⁾ البته وی قول های دیگری را یادآوری می کند و می افزاید امکان دارد مسجد قبا یا مسجد النبی باشد، علامه طباطبایی تأکید می نماید که این آیه به مسجد قبا نظر دارد و بین این مسجد و مسجد ضرار مقایسه ای دارد.⁽³⁾

ص: 436

1- . توبه: 108 .

2- . تفسیر مجمع البیان: ج 5، ص 73 .

3- . تفسیر المیزان، ترجمه: ج 18، ص 330 .

بنابراین آنان که انگیزه ای غیر از پرهیزگاری و یکتاپرستی دارند نمی توانند به احداث مسجد همت گمارند و قرآن افرادی را که مسجدی برای زیان به مسلمانان، تقویت کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان ساختند محکوم می کند، فرمان وحی از این مکان که به مسجد ضرار موسوم گردید پرده برداشت. اهداف شوم بانیان آن را افشا کرد و به پیامبر دستور داد که در آن مسجد نماز نخواند و هر گونه فعالیتی در آن ممنوع است،⁽¹⁾ پیامبر فرمانی صادر کرد تا براساس آن این مسجد را تخریب نموده و به آتش بکشند و به زباله دانی تبدیل کنند. پس اغراض سیاسی منفی که از توطئه های دشمنان اسلام حکایت دارد می تواند در لباس زهد و تقوا و حربه مذهب آشکار گردد و از این رهگذر به مسلمین ضربه وارد کند و با ساختن مسجد مردم را فریب دهد و باید مراقب چنین نیرنگ هایی بود.

همچنین قرآن اجازه نداده است مشرکان در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند مساجد خدا را آباد کنند، این گونه اشخاص اعمال خراب دارند و در آتش دوزخ جاویدان هستند.⁽²⁾

و در آیه ای دیگر به کسانی اجازه داده شده که مساجد را آباد و تعمیر کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و از خدا می ترسند و نماز را اقامه نموده و زکات می دهند.⁽³⁾

قرآن کسانی را که مردم را بازمی دارند که در مساجد نام خدا یادآوری شود و در خرابی این اماکن می کوشند مصداقی از ستم کارترین افراد دانسته است.⁽⁴⁾ امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از یاران خویش به نام یونس بن یعقوب می فرماید: ستمگران را حتی در ساختن مسجد نیز یاری مکن.⁽⁵⁾ زیرا هر گاه آنان بخواهند از این مکان پوششی برای ستم خویش بسازند یاری رسانیدن به آنان در راستای تقویت بیدادگری است نه احیای مسجد، پس مسجد می تواند در گسترش عدالت اجتماعی نقش سازنده و مثبتی داشته باشد.

ص: 437

1- . نک: توبه: 107 .

2- . توبه: 17 .

3- . توبه: 18 .

4- . بقره: 114 .

5- . وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی: ج 12 ، ص 129 .

رسول اکرم صلی الله علیه و اله در ربیع الاول سال سیزدهم بعثت، مکه را به قصد یثرب (مدینه) ترک نمود، آن حضرت بعد از پیمودن 400 کیلومتر در دوشنبه 12 ربیع الاول به دهکده قبا رسید که در دو فرسخی مدینه قرار داشت، پیامبر در این آبادی شالوده مسجدی را ریخت که قبا نام گرفت، خاتم رسولان این مساجد را برای نبی عمر و بن عوف بنا نهاده، آن حضرت به این مسجد توجه ویژه ای داشت و هر شنبه با پای پیاده یا سواره از مدینه به قبا می آمد تا در آن نماز بگذارد، این همان مسجدی است که قرآن به عنوان اولین مکان عبادی مسلمانان بدان اشاره دارد و فضیلت نمازگزاری در آن طی توجه روایاتی پیامبر و ائمه هدی قرار گرفته است. (1) پیامبر در مدینه نیز مسجدی را بنیان نهاد که تنها در آن نماز اقامه نمی گردید بلکه مرکز فعالیت های فرهنگی و تبلیغی سیاسی مسلمانان تلقی گشت. از بدو استقرار رسول خدا صلی الله علیه و اله در مدینه که مسجد به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت های عبادی و سیاسی مسلمین قرار گرفت، یکی از مهم ترین کارکردهای آن حرکت و جهاد بود، مقدمات فکری و اجتماعی اکثر غزوات در مسجد تدارک دیده می شد و حضرت محمد صلی الله علیه و اله با بیان شیوای خود مسلمانان را در این مکان برای جهاد با کفار و مشرکان بسیج می نمودند. به یمن امنیتی که در این پایگاه توحید و عبادت وجود داشت مردم برای گره گشایی امور اجتماعی به حضرتش مراجعه می کردند و آن حضرت مشکلات جامعه را برطرف می نمودند. در جوار مسجد صفا ای برای بینوایان و مهاجران تهیدست ساخته شد تا در آن جا بسر ببرند، همین مسایل حکایت از آن داشت که در اسلام ایمان از مسایل اجتماعی و سیاسی جدا نیست و صرفاً یک آیین مذهبی معنوی نمی باشد بلکه با زندگی فردی و جمعی سر و کار دارد و ضمن آن که همه را به تقوا و پارسایی فرا می خواند از تدابیر در امور سیاسی و اصلاح اوضاع اجتماعی غفلت ندارد. (2)

امام خمینی در این باره گفته است:

«صدر اسلام از همین مساجد، جیش ها، ارتش ها، راه افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده، هر وقت یک گرفتاری پیدا می شد صدا می کردند که «الصلوه بالجماعه» اجتماع می کردند و آن گرفتاری را طرح می کردند». (3)

ص: 438

1- همان: ج 3، ص 548، ج 10، ص 276؛ وفاء الوفاء، سمهوری: ج 3، ص 808.

2- فروغ ابدیت، جعفر سبحانی: ص 453 - 452؛ بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، دکتر عباس سعیدی رضوانی: ص 42.

3- صحیفه امام، روح موسوی خمینی: ج 10، ص 16

بنابراین مسجد در ضمن این که مرکز عبادت و تربیت معنوی است، کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه گران و قوای استکبار می باشد و بر همین مبنا تمامی فریادها، خروش ها و نهضت های اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم از مساجد سرچشمه می گرفت و روی همین جهت مسجد در تاریخ بر فراز و نشیب اسلام و خصوص تشیع، بزرگ ترین پایگاه تجمع مردم و از سوی مهم ترین خار چشم حکومت های ظالم و جفا پیشه بوده است و همواره آنان در صدد بوده اند با شیوه های گوناگون این اماکن را به تعطیلی بکشانند اما چون مستقیماً در برابر شور و احساسات، اراده قوی و ایمان استوار مردم قرار می گرفتند این جسارت و توان را در خود نمی دیدند که علنی در برابر افراد مسلمان بایستند و از طرق دیگری وارد می شوند و از آن جمله در چهره قداست و مذهب در می آیند و مسجد را تحت پوشش و استیلا خود در می آورند. البته مردم پس از چندی به این تزویر پی می بردند و با چنین حاکمانی به مخالفت بر می خاستند و یا از شرکت در مسجدی که تحت سلطه زورمندان بود اجتناب می نمودند و اگر امکان اقتداری را بدست می آوردند این مکان مبارک و مقدس را از سلطه آنان می رهانیدند.

در طول تاریخ، تمامی قیام ها از سرچشمه مسجد جرعه نوش بودند و فریاد بیدار باش و حرکت عمومی از بالای منابر سر داده می شد و مردم بعد از سخنرانی های آتشین، روشنگر و کوبنده که توسط گویندگان متعهد و مسئول ایراد می گردید به کوچه ها و معابر می ریختند و در برابر حکومت های ظلم پیشه به نبرد می پرداختند و یا مرگی با غیرت را پذیرا می شدند و یا بر تباهی غلبه می یافتند، با این وصف می توان گفت مسلمانان عظمت و ابهت معنوی و سیاسی خود را باید مرهون مسجد بدانند و این سنگهای تسخیرناپذیر بودند که بزرگ ترین نقش را در این راستا ایفا کردند و بزرگ ترین سد در برابر هر جریان ضد ارزشی بوده و می باشند.

مسجد کوفه

کوفه که در آغاز برای استقرار رزمندگان اسلام بوجود آمد بر کانون مرکزی مسجد شکل گرفت و نخستین محل آن که جزو مساجد چهارگانه به شمار می رود مسجد بود، این مکان مدتی محل تفسیر آیات قرآن، بیان سنت رسول خدا و عرضه معارف اسلام و پایگاه ارشادها هدایت ها

و خروش های حضرت علی علیه السلام بوده است. در همین مسجد آن حضرت از دو چهرگان و مؤمنان سست ایمان گلایه می کند و زمینه حرکت و مبارزه با پیمان شکنان (ناکثین)، و ستم پیشگان (قاسطین) و آشوب طلبان (مارقین) را فراهم آورد و سرانجام در محراب همین مسجد در سپیده دم نوزدهم رمضان سال چهارم هجرت به شهادت رسید. (1)

در مسجد کوفه امام حسن مجتبی علیه السلام ضمن خطابه ای تاریخی از اهل بیت و حق مسلم آنان در خلافت سخن گفت و چون احساس نمود معاویه دست به عصیان زده و افرادی را برای اخلاصگیری تقویت می کند در پاسخ به این ستیزه جویی مؤمنان را بسیج نمود تا با معاویه به نبرد برخیزند اما به دلیل شرایطی که در سپاه خود می دید و تبلیغات منفی امویان و نفوذ خوارج و وابستگان دشمنان در میان نیروهای مردمی امام جنگ را ترک نموده و به صلح روی آورد، طرفین در مسجد کوفه اجتماع کردند و امام با بزرگواری و متانت خاصی بر منبر قرار گرفت در بخشی از بیانات خویش فرمود: معاویه چنین وانمود کرده که او را شایسته خلافت دیده ام ولی او دروغ می گوید، بر اساس قرآن و قضاوت رسول اکرم صلی الله علیه و اله ما از همه کس به حکومت اولی تر درآیم. (2)

مختار بن ابوعبیده ثقفی برای مجازات جنایتکاران اموی که در کربلا شرارت کرده و کارنامه ای ننگین از خود به جای نهاده بودند، در کوفه قیام کرد، مرکز خیزش وی مسجد جامع

این شهر است، او پس از مسلط شدن بر اوضاع شهر، در مسجد مذکور برای مردم خطبه ای حماسی خواند. سپس مراسم بیعت با وی با شور و هیجان وصف ناپذیری آغاز شد. (3)

جامع دمشق

یکی از مهم ترین حوادث دردناک تاریخ اسلام، حکومت جابرانه امویان می باشد. معاویه بنیانگذار این سلسله ملعون از سال 41 تا 60 هجری بر سرزمین شام حکومت کرد

ص: 440

- 1- . سیمای کوفه، از نگارنده: ص 74 - 72 .
- 2- . سیری در سیره انوه اطهار، شهید مرتضی مطهری: ص 89-82 ؛ و نیز نک: صلح امام حسن شیخ راضی آل یاسین، ترجمه آیت الله سید علی خامنه ای.
- 3- . ماهیت قیام مختار، سید ابوفاضل رضوی اردکانی: ص 322 - 309 .

ولی عامل دوام سلطه اش، سیاست بازی و دورویی است و ماهیت شرک و ستم را در پرده ای از ریا و تزویر مخفی کرد و تنها پایگاه تبلیغات مسموم وی در جهت انحراف افکار مردم از مسیر صحیح اسلام و مشحون نمودن اذهان از یاوه سرایی ها و تهمت ها بر علیه عزیزترین بندگان خدا، مسجد جامع دمشق بود، بعد از وی فرزند فاسدش همانند او از این مکان مقدس استفاده سوء کرد و آن را بهترین جایگاه قدرت پوشالی خود می دانست و برای قرار دادن پوششی بر جنایات و مفسد خویش هر صبح و شام به مسجد می آمد و به عنوان نماز جماعت و سخنرانی از آن استفاده می نمود اما حادثه ای به وقوع پیوست که سیمای کریه او را افشا ساخت. امام سجاد علیه السلام و عده ای از بازماندگان حادثه نینوا بعد از حماسه عاشورا، به عنوان اسارت به شام انتقال یافته و در خرابه ای اسکان داده شدند، روزی یزید امام چهارم را به این مسجد فراخواند و در حضور آن امام همام از خطیب مزدوری خواست بر فراز منبر رود و از فضایل بنی امیه و معایب دشمنان و علیه آل ابی طالب مطالبی بر زبان جاری نماید، امام زین العابدین علیه السلام چون این سخنان یاوه و باطل خطیب را شنید، روی به آن سخنران نمود و فرمود: وای بر تو، رضایت مخلوق را به خشم خداوند برتری دادی، پس جایگاهت در آتش است، آنگاه از یزید خواست تا اجازه دهد وی بر منبر مسجد رفته و مطالبی بگوید که مایه خوشنودی خداوند و ثواب برای حاضران در مسجد باشد، یزید در آغاز نپذیرفت ولی با اصرار مردم قبول کرد و با کراهت اجازه داد امام به منبر برود. حضرت علی بن الحسین علیه السلام طی بیاناتی شیوا و جالب از فضایل اهل بیت سخن گفت و از حماسه کربلا و جنایت شقاوت پیشه گان اموی در کربلا گزارشی ارائه داد و با سخنان حماسی و روشن گر خویش مسجد را یکپارچه تبدیل به فریاد، گریه و شور و هیجان نمود و ماهیت فساد و تباهکاری نظام استبدادی و اختناق اموی را رسوا ساخت و پایه های لرزان آن را روبه ویرانی نهاد یزید که از این افشاگری سخت هراسناک گردید. به فکر چاره ای افتاد و مؤذن را فرمان داد اذان بگوید تا از این راه جلو سخنان امام را بگیرد ولی حضرت سجاد از این سرود زیبای توحید هم بهترین استفاده را نمود و عباراتی از آن را برای هدایت مردم به سوی حقایق ناب و حاکمیت عدالت اسلامی بکار گرفت.⁽¹⁾

ص: 441

1- . مقتل الحسین، خوارزمی: ج 2، ص 72 و 73؛ الارشاد، شیخ مفید: ص 246؛ مشیر الاحزان، ابن نماحلی ساحلی: ص 104 .

از حوادث مهم سیاسی در ایام امامت امام صادق علیه السلام قیام زید بن علی در کوفه است، حرکتی که وی آغاز کرد نشان از نفوذ علویان در میان مردمان عراق دارد، او با بهره مندی از چشمه پرفیض پدر یعنی امام سجاد علیه السلام ضمن آن که به فضایل و معارفی آراسته بود خود را برای خیزشی علیه هشام بن عبدالملک، خلیفه وقت اموی، مهیا نمود، وقتی وی به کوفه آمد شیعیان و علاقه مندان به خاندان عترت در مسجد جامع کوفه گروه گروه نزدش می آمدند و با وی بیعت می کردند، چون زمان قیام نزدیک گردید، زید به یاران و هواداران وعده داد در چهارشنبه اول صفر 122 هجری خروج خواهد نمود ولی وقتی خبر مزبور به گوش والی وقت کوفه یوسف بن عمر رسید، بیعت کنندگان با زید را در مسجد تحت فشار سختی قرار داد و صرفاً از میان 1500 نفر حامی زید، 300 نفر موفق شدند به وی بپیوندند. در این میان نصر بن خزیمه که از یاران نزدیک زید بود، به او گفت مردم را در مسجد حبس کرده اند، ما را به سوی ایشان ببر، زید چنین کرد، اصحابش وقتی به مسجد رسیدند پرچم های خود را از بالای درب ها داخل مسجد می نمودند و می گفتند: ای اهل مسجد بیرون آیید و به ما ملحق شوید اما از آن سوی سپاه اموی بر این حامیان سنگ پرتاب می کردند و نبردی سخت بین دو طرف در گرفت و باران تیر به سوی مبارزان بارید و اگرچه آنان فداکاری و مقاومت کردند ولی قیام با شهادت زید به پایان رسید برخی از مورخان گفته اند، عده ای از کوفیان دعوت زید را نادیده گرفتند و ماندن در حبس و گرفتار شدن در محاصره دشمن را بر پیوستن به فرزند امام چهارم ترجیح دادند. (1)

در عصر امام کاظم علیه السلام یکی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام به نام حسین بن علی بن حسین که شخصیتی ممتاز و مسلمانی راستین بود در هشتم ذی حجه سال 169 ه.ق در زمان خلافت هادی عباسی بر ضد حکومت ستمگر وقت قیامی را در سرزمین فخر، حوالی شهر مکه، سامان داد. این خروش مقدس از مسجد النبی آغاز شد و روزهای اول انقلاب، مسجد مرکز جنب و جوش و هیجان های مردم بود و در این مکان، ستاد فرمان دهی نهضت تشکیل گردید،

ص: 442

1- . تفصیل این قیام را در کتاب سیره و قیام زید بن علی به قلم حسین کریمان و کتاب رهبر انقلاب کوفه، نوشته عبدالرزاق مقدم، ترجمه عزیزالله عطاردی مطالعه نمایید.

رهبری قیام همراه با جمعی از شیعیان و علویان وارد مسجد النبی گردید و در حالی که لباس و عمامه سپیدی پوشیده و شمشیری برهنه در دست داشت بر فراز منبر رفت و انگیزه نهضت و علت آن را به طور اختصار بیان داشت در آن سال جمعی قابل توجه برای زیارت بارگاه نبی اکرم به مدینه آمده بودند و در روز انقلاب و طی مراسم بیعت، در مسجد حضور داشتند به طوری که مسجد از افراد پر شده بود پس از انجام این مراسم، نیروهای مبارز در این مکان گرد آمدند، و مسلح و آماده دفاع و منتظر واکنش دشمن گردیدند و سرانجام پاسبان های مدینه که خالد بربری فرماندهی آنان را عهده دار بود به استمداد 200 نفر به سوی مقر فرماندهی انقلاب یعنی مسجد یورش بردند و بدین گونه درگیری آغاز شد اما طرفداران حسین گروه های مهاجم را عقب زده و از مسجد بیرون راندند و موفق گردیدند فرمانداری مدینه را تصرف کنند و در روز سوم قیام شهر کاملاً در تصرف قوای قیام فسخ بود، سپاه فاتح از مدینه به سوی وادی فسخ رسیدند و در آن جا نیرویی اندک با انبوه نیروهای دشمن با وضعی نابرابر درگیر شدند که منجر به شهادت رهبری قیام و تعدادی از یارانش گردید. رهبر قیام اگر چه در این حرکت مقدس شکست خورد اما در ابتدای پیروزی افتخار می کرد که به عنوان ذریه ای از رسول خدا، در مسجدالنبی بر روی منبر پیامبر با مردم سخن می گوید و از این مکان به مبارزه با ظلم و جفا برخاسته است. (1)

قیام سرداران

تهاجم متوالی مغولان به قلمرو جهان اسلام، تعادل سیاسی و امنیتی را بر هم زد، با این وجود بر اثر فروپاشی دستگاه عباسیان توسط این قوم، برخی فرق شیعه بال و پر گرفتند و رشد کردند، در این میان با تلاش های بی وقفه خواجه نصیر طوسی و ابن مطهر حلبی مذهب شیعه اثنی عشری به حیات فکری و ارزشی خود ادامه داد و موفق گردید راه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

شیخ خلیفه روحانی شیعه و انسانی پرهیزگار که از اهالی مازندران بود به سرزمین خراسان

ص: 443

1- . مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی: ص 298؛ بحارالانوار: ج 48، ص 165؛ تاریخ طبری: ج 8، ص 194.

مهاجرت نمود و در مسجد جامع سبزوار به وعظ و خطابه و ارشاد مردم پرداخت و سخنان این دانشور عارف عده کثیری را به سوی او جذب کرد و بسیاری از مردم پیروش شدند و بدین ترتیب آوازه شهرتش در اطراف و اکناف پیچید و صاحبان قدرت را به هراس افکند و عده ای که از راه سالوس و ریا بر مردم سلطه داشتند با افشاگری های او منافع خود را در خطر دیدند، از این رو حاکمان وقت در دو بعد سیاسی و عقیدتی بر علیه وی به مبارزه برخاستند ولی شیخ خلیفه به عنوان دانشوری عارف، با توجه به فضای سیاسی جدیدی که برای علمای شیعه پدید آمده بود به کار خود ادامه داد. برخی علمای وابسته به دربار فتوایی صادر کردند، با این مضمون که شخصی در مسجد ساکن است و از دنیا حدیث می گوید و چنین کسی واجب القتل است، سپس صورت فتوا را برای سلطان ابوسعید فرستادند تا متن آن را تأیید کند، ولی وی امتناع کرد و گفت: من دست به خون این فرد نمی آلام لکن معاندان بعد از نقشه های زیادی که به اجرا درآوردند به هدف خویش رسیده و این عالم شیعی را شهید نمودند و شیخ حسن جویری، شاگردش راه او را ادامه داد و از پایگاه مسجد برای مبارزه با ستیز و ستم، قیام سربداران را رهبری نمود و پیروانش غالباً کسبه عادی بودند.

حرکت سیاسی این روحانی شیعی در آغاز از موضع مسجد حالت مخفیانه داشت و بعدها وقتی مبارزه آغاز گردید صورت علنی بخود گرفت، تاریخ آغاز قیام سال 736 هـ- ق می باشد آنان در اندک مدتی قوای کمکی علاءالدین محمد وزیر را درهم شکستند و پیروزی از آن سربداران شد و پس از حملات و جنگ و گریزهای متوالی، شهر سبزوار را تسخیر کردند و آن جا را پایگاه عملیاتی خود کردند. امیر عبدالرزاق از افراد شجاع سربدار پس از این فتح در سال 737 هـ- ق در مسجد سبزوار خطبه به نام خود خواند و اعلام استقلال کرد، در این حال شیخ حسن با اقداماتی که دشمنانش علیه او انجام دادند، توسط ارغون شاه، دستگیر شد و در قلعه بلرز محبوس گشت زمانی که امیر وحیدالدین مسعود بعد از قتل برادر (عبدالرزاق)، روی کار آمد تصمیم گرفت شیخ حسن را از حبس برهاند، استخلاص این روحانی عملی گردید و او از زندان به سبزوار آمد و رهبری مذهبی حرکت سبزوار را هم چون گذشته عهده دار گشت. امیر مسعود با کمک شیخ حسن و پیروانش لشکر ارغون شاه را پراکنده ساخت و سیطره

آن چه که قیام سربداران را ممتاز و برجسته می نماید این است که درون مایه اش مذهبی و شیعی بود و مرکز شکل گیری فکری و سیاسی آن مسجد می باشد.

در جنبش سربداران سمرقند نیز مذهب نقش اصلی را ایفا می کند، رهبر آن مولانا زاده سمرقندی، رهبری مقاومت مردم این سامان را در برابر مهاجمین مغول به عهده گرفت، قبل از شروع قیام مردم از اقشار گوناگون در مسجد جامع شهر گرد آمدند تا در این خصوص به مشورت بپردازند. مولانا زاده تیرانداز و دلیر در حالی که شمشیر حمایل کرده آرام آرام بر بالای منبر مسجد آمد و پس از سلام بر حاضران آواز برآورد که امروزه کفار به تخریب قلمرو مسلمانان و کشتار آنان پرداخته، در این مورد نباید کوتاهی کنید، روز قیامت از شما می پرسند که چرا با وجود توانایی خاموش ماندید، جهاد و رفع اذیت از خود کردن و غم صلاح مسلمین خوردن هم چون ادای نمازهای پنج گانه و روزه ماه رمضان فرض است. در این زمان از میان شماها که در این خانه خدا حاضر شده اید کدامیک به این امر عظیم قیام می نمایند هرچه در دل دارید بگویید و رضا مدهید که کار دین عقب بماند گرایش مردمی که در مسجد جامع شهر گرد آمده اند نسبت به مواعظ و هشدارهای مولانا متفاوت است خواص مرفه از این که خود را برای هدفی والا به خطر بیاندازند شانه خالی می کنند ولی عموم مردم که رنج دیده و بلا خورده اند برای حفظ دین و صیانت از قلمرو مسلمانان آماده جان فشانی هستند. ناگهان مولانا تیغ از نیام کشید و بر گردن خود نهاد و روی به مردم کرد و گفت: من آماده فداکاری هستم و این وظیفه بزرگ را پذیرا گردیدم، شما چه می گوئید؟ این چنین بود که رهبری قیام را در برابر مغولان پذیرا گشت و قدرتش در این حرکت به حدی بود که اهالی به اشاره اش آماده هر گونه ایثاری بودند، آنان پس از مقدمات و تدارکات لازم بر شهر مسلط شدند و چون دشمن مغرور وارد سمرقند حدود شش سال و هفت ماه از پاییز سال 766 هـ- ق تا بهار سال 767 هـ- ق به طور مستقل بر این ناحیه حکومت کردند اما پس از این مدت با حيله و نیرنگ تاتاران مغول قتل عام شدند

ص: 445

و مولانا سمرقندی به دلیل نفوذ عمیق مذهبی از مرگ رهایی یافت. (1)

در این قیام، انگیزه اصلی هم چنان مذهب است و این عامل از لابلائی سخنان مولانا در مسجد جامع کاملاً مشهود است، کانون شکل گیری نیز مقدس ترین مکان سمرقند یعنی مسجد جامع است.

خشم مقدس

میرزا مسیح مجتهد استرآبادی متوفی به سال 1263 هـ- ق از فقه‌های قرن سیزدهم و شاگرد میرزای قمی می باشد که در تهران به بحث و درس و تربیت شاگردان مشغول بود. هنگامی که وی در مسجد جامع تهران پرتو افشانی می کرد، بر اثر بی کفایتی شاهان قاجار و زورگویی های روس

معاهده های ننگینی تحت عناوین ترکمان چای و گلستان به ایران تحمیل گردید. گریبایدوف روسی که فردی متکبر و جاه طلب بود در پنج رجب 1244 هـ- ق برای اجرای یکی از بندهای قرارداد ایران و روس از جمله استرداد اسرا و دریافت غرامت به ایران آمد و خواست از راه تفرعن و تحقیر و توهین مردم کار خود را سریع انجام دهد و او به بهانه جستجوی گرجیان و روس های پناهنده به حریم خانه های مسلمانان تجاوز کرد و در پی تعقیب زنان گرجی برآمد در حالی که بسیاری از آنان از زمان آغا محمدخان قاجار مسلمان شیعه شده و به عقد ازدواج مردمان مسلمان ایران درآمده و صاحب فرزند بودند. گریبایدوف این بانوان را با تهدید و ارباب و ضرب و جرح به سفارت روس انتقال داد و در این مکان نیز با آنان بنای بدرفتاری نهاد. زنان با تقاضای وی و همراهانش مخالف بودند به وسیله ذکر و خواندن قرآن به صورت دسته جمعی تنفر خویش را از سفیر و دیگر کارگزاران روس اعلام کرده و فریاد استغاثه خود را به گوش علمای تهران رسانیدند، ضمن آن که مجتهدان شهر وظیفه خود دیدند تا از حریم

ارزش ها و شرافت دینی حمایت کنند. مردم نیز به آنان مراجعه و تقاضای اقدام فوری و مؤثر نمودند.

ص: 446

1- . منتخب التواریخ، معین الدین نطنزی: ص 222 به بعد، مطلع السعدین، عبدالرزاق سمرقندی به اهتمام عبدالحسین نوایی: ص 331 و 33.

طبیعی بود که مردم به سراغ مجتهد برگزیده ای می روند که در سنگر مسجد جامع به تنویر افکار عمومی می پردازد و او کسی جز میرزا مسیح مجتهد نبود، سرانجام روز حادثه فرا رسید و مردم مسلمان تهران با هدایت علما و فتوای میرزا مسیح در روز ششم شعبان 1244 هـ- ق در مسجد جامع تهران اجتماع کردند و از این کانون توحید و تقوا به سوی لانه فساد که گریبایدوف ایجاد کرده بود روانه شدند تا حکم اسلام را مبنی بر آزاد نمودن زنان مسلمان از دست متجاوزان روس، به اجرا در آورند، جمعیت وقتی به درب سفارت رسیدند ضمن کنترل خشم و هیجان خویش خواسته های بر حق و منطقی خود را مطرح کردند ولی گریبایدوف به جای بردباری در مقابل مسلمانان دستور تیراندازی داد و نوجوان 14 ساله ای را که جلو جمعیت بود، به شهادت رسانید، مردم پیکر وی را به مسجدی در آن حوالی آورده و بر سر جنازه اش به سوگواری پرداختند و برای گرفتن انتقام با هجوم دسته جمعی وارد سفارت گردیدند و با افراد آن درگیر شدند و بر اثر آن 38 نفر از ساکنان سفارت از جمله گریبایدوف و 80 نفر از مردم کشته شدند. دولت روسیه از راه تهدید، از دولت ایران خواست تا رهبر قیام را تبعید کند اما وقتی خبر مزبور به آگاهی مردم رسید، آنان با تظاهرات وسیعی اعتراض خود را با این برنامه

اعلام کردند پس از سرکوبی اهالی تهران در هشتم صفر 1245 هـ- ق میرزا مسیح را به مسجد شاه (امام خمینی کنونی) آوردند و وی را مجبور کردند تهران را به مقصد عتبات عالیات به عنوان تبعید ترک کند. (1)

قیام گوهر شاد

هم زمان با اجباری شدن کلاه بین المللی (شاپو) زمزمه های حجاب زدایی از سوی رژیم رضاخان بلند می شود و نطق هایی جهت آماده سازی اذهان عمومی ایراد گردید. اما برخلاف پیش بینی تئوریسین های وابسته به استعمار و پس از جنگ های روانی شدید که علیه روحانیت ترتیب دادند، علمای مشهد با شنیدن این زمزمه ها و گفتار دولتی ها، به طور مخفی جلساتی برگزار می کنند، در یکی از این نشست ها پیشنهاد می شود که آیت الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود

ص: 447

1- . تفصیل این قیام را در کتاب میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، به قلم نگارنده مطالعه فرمایید.

و مستقیماً با رضا شاه مذاکره کند اما حاج آقا حسین قمی در باغ سراج الملک شهر ری بازداشت و ممنوع الملاقات می گردد.

از آن سوی مسجد گوهر شاد مشهد چند روزی است که محل اجتماع و سخنرانی علیه کشف حجاب است و با بازداشت این روحانی برجسته اجتماعات مزبور هر لحظه وسیع تر و اعتراضات گسترده می شود و سخنرانان در مسجد گوهر شاد با کلامی آتشین تر به افشاگری می پردازند. گردهمایی فزاینده مردم در مسجد مزبور همراه با سخنرانی های روحانیون بیدار، می رود تا پایه های نظام سلطه استعماری را درهم بریزد اما صبح روز جمعه 10 ربیع الثانی 1354 هـ- ق (20 تیر 1314 هـ- ش) قزاقان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل می شوند و بر روی آنان آتش می گشایند و یک صد نفر را کشته و زخمی می کنند ولی اهالی مشهد و حومه متفرق نمی گردند و مقاومت می نمایند مهاجمین مسلح که دستوری برای او خیانت از مرکز یا فرمانده خود دریافت نکرده بودند از برابر مردم عقب نشینی می کنند.

پس از این یورش مردم اطراف مشهد با ابزارهای کشاورزی و بنایی به سوی مسجد سرازیر می گردند و مسجد لبریز از جمعیت معترض می شود، غذای مورد نیاز افراد متحصن در مسجد از بیرون توسط حامیان قیام تأمین می گردد. زنان خواستار شرکت در خیزش گوهرشاد هستند و مسجد با زدن چادری برای بانوان شجاع و دلیر مهیا می شود.

روز شنبه 11 ربیع الثانی 1354 هـ- ق برابر با 2 تیر 1314 مسجد دیگر جای سوزن انداختن نبود، شعارهایی ضد سلطنت و کلاه بین المللی و ضد حجاب زدایی داده می شود، مردم یک پارچه در مسجد سرود مقاومت سر می دهند، عوامل رژیم نگرانی خود را به مرکز خبر می دهند اما رضاخان دستور می دهد اجتماع کنندگان در مسجد را به شدت سرکوب نمایند سران قشون و شهربانی قوای خود را هماهنگ می کنند، قزاقان در اطراف مسجد مستقر می گردند اسدی نایب التولیه که از کشتاری خونین در آینده ای نزدیک اطلاع دارد نیز می داند عده ای مجتهد برجسته در مسجد هستند به بهانه مذاکره آنان از مسجد خارج می نماید. پاسی از نیمه های شب 12 ربیع الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل های قزاقان، خراسان را به لرزه افکند و صدای شیپور جنگ از همه طرف بلند شد، گروهی از دژخیمان اسلحه بدست،

به داخل مسجد رفتند و عده زیادی را کشتند و به هیچ کس رحم نمی کردند، وقتی سپیده سرزد و نه صدای گلوله ای بود و نه ذکر فریاد معترضان از مسجد شنیده می شد و قزاقان با کشتن بیش از دو هزار نفر تا پنج هزار نفر و اسیر کردن 1500 تن و بازداشت نمودن عده ای از روحانیون موفق شدند قلب مقاومت مسجد گوهرشاد را درهم شکنند و دل استعمارگران را شاد کنند و ارباب خود یعنی رضاخان را راضی نمایند و اما آنان نتوانستند آوازه‌های استقامت و دفاع از ارزش های الهی را به بند کشند و کوس رسوایشان به صدا در آمد. (1)

فریاد اعتراض

به دنبال دستور امام خمینی از اول محرم سال 1383 هـ- ق مجامع و محافل کثیری در سراسر کشور برای روشنگری و افشای رژیم وابسته به استکبار پهلوی برگزار شد و در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی شعارهای انقلابی مطرح گردید از جالب ترین این برنامه ها تظاهرات روز عاشورای تهران بود که از مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه سابق آغاز گشت. در این حرکت، جمعیت به گروه های متعدد تقسیم شد و نظم و سازمان دهی هر گروهی شعار مخصوص خود را داشت، جالب این که اقشار دانشجویی، روحانی، بازاری، کارگر و دهقان، در این خشم مقدس حضور داشتند. تصویر امام خمینی و جملاتی از حضرت امام حسین علیه السلام زینت بخش صفوف عزاداران بود، تظاهر کنندگان صبح روز عاشورا شروع به حرکت کردند و ساعت سه بعد از ظهر پس از عبور از مسیر ری، بهارستان، مخبرالدوله، دانشگاه و بازار در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به متینگ خود خاتمه دادند این تظاهرات که از مسجد آغاز و به مسجد ختم گردید تبلور عینی اقشار مختلف جامعه خصوصا بازاریان و دانشجویان بود که در حمایت از روحانیت و مخالفت با رژیم پهلوی پای به میدان نهاده بودند. (2)

مساجد سید عزیزالله، شیخ علی، امین الدوله و آذربایجانی ها نیز به عنوان محل

ص: 449

- 1- قیام گوهر شاد، سینا واحد: ص 50 - 47؛ علما و رژیم رضاخان، حمید بصیرت منش، ص 470 - 467.
- 2- نقش روحانیت مبارز در جنبش تاریخی 15 خرداد 1342، بینا: ص 52 و 53؛ طلوع فجر، عبدالمجید معادیخواه: ص 77؛ فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره 28: ص 188 و 189؛ نهضت روحانیون ایران، علی دوانی: ج 3 و 4، ص 73 و 74؛ ماهنامه مسجد، شماره 100: ص 78.

شکل‌گیری هسته‌های مبارزاتی اهمیتی ویژه داشتند و مرکز ارتباط روحانیون و بازاریان بودند، نقطه عطف این مبارزات، با روی کار آمدن اسدالله علم و اجرای طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و به مبارزه علنی علما و بازاریان و سایر طبقات با رژیم پهلوی مبدل گشت به دنبال سخنرانی امام خمینی در خرداد 1342، در مسجد سید عزیزالله مراسم دعا و نیایش برگزار شد و در پی آن علمای وقت، آیات محترم خوانساری، بهبهانی و تنکابنی در این مسجد متحصن شدند، در پی این اقدام مساجد دیگر نیز وارد عمل شدند و مبارزات مردمی در کشور افزایش یافت و سخنرانی‌هایی در مساجد فوق به تأسی از امام خمینی توسط آیت‌الله خوانساری و حجج اسلام فلسفی و تنکابنی برگزار شد به نحوی که عمال رژیم پهلوی در خرداد 1342 مسجد عزیزالله را که در چهارسوق بازار تهران قرار داشت تعطیل کردند، با این وجود شدت مبارزات مردمی به حدی بود که اسدالله علم ناچار به لغو تصویب نامه مورد اشاره گردید. مسجد سید عزیزالله هم چنان جایگاه خود را در مبارزات ضد پهلوی حفظ نمود و در سال‌های 1346 تا 1350 هـ- ش محل موعظه استاد فلسفی و مرکز تجمع مبارزان بود.

در ماه رمضان سال 1371 هـ- ق (1331 هـ- ش) قرار بود که حجت الاسلام فلسفی در مسجد شاه (امام خمینی کنونی) سخنرانی کند اما چون مطلب ایشان به قول عوامل رژیم تحریک کننده بود، عده‌ای از افراد شهربانی داخل مسجد شدند اجازه ندادند وی منبر برود و بدین گونه مراسم آن ایام این مسجد، به تعطیلی کشانیده شد، از آن سوی فرمانداری نظامی تهران در اطلاعیه‌ای که صادر کرد به وعظ هشدار داد به هیچ وجه در منابر حق صحبت کردن در اطراف مسایل سیاسی را ندارند، امام خمینی که در زمان تعطیل گردیدن مراسم مسجد شاه در همدان بسر می برد از این برنامه اظهار نگرانی نمود، علمای قم و تهران و ائمه جماعات برخی

شهرستان‌ها هم در بیانیه‌های جداگانه‌ای تأثر خویش را از این بابت اعلام کردند. (1)

این مسجد در حوادث 15 خرداد 1342 نیز کانون مهمی به شمار می رفت به دنبال اعلام مراجع و اعلام امام خمینی به برگزاری مراسم و مجالس عزاداری بصورتی پررنگ تر در عاشورای سال 1382 هـ- ق مردم به صورت دسته‌های عزادار در خیابان‌های تهران ظاهر شدند

ص: 450

و با سر دادن شعار خمینی خدا نگه دار تو، ملت طرفدار تو، حمایت خویش را از امام و مخالفت خود را با رژیم شاه اعلام کردند، آنان به بازار تهران آمدند و از طریق خیابان مولوی به مسجد شاه (امام) رفتند. در این تظاهرات یکی از دانشجویان ضمن سخنرانی، پشتیبانی دانشجویان را از نهضت امام خمینی اعلام کرد ساعت 16 همان روز مردم پس از تظاهرات به مسجد بازگشتند و پس از استماع سخنرانی آیت الله مکارم شیرازی که در تقبیح اعمال رژیم پهلوی صورت گرفت، در حالی که شعار خمینی خمینی خدا نگه دار تو، بمیرد بمیرد دشمن خون خوار تو، سر می دادند به سوی میدان سپه راه افتادند و در اثنای حرکت عده کثیری به آنان ملحق شدند

آنان بعد از تظاهرات در بازار به مسجد حاج ابو الفتح رفتند و در مجلس ماتمی که روحانیون برگزار کرده بودند حضور یافتند، در آن جلسه مقرر گردید تظاهرات روز بعد از مسجد شاه (امام) ادامه بدهد. (1)

مسجد شیخ عبدالحسین واقع در بازار تهران است که به مسجد ترک ها یا آذربایجانی ها موسوم است این مکان توسط وصی میرزا تقی خان امیر کبیر از ثلث اموال آن مرحوم یعنی شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ العراقین ساخته شد، این مسجد نیز مرکز فعالیت نیروهای مذهبی، تبلیغی و سیاسی بود، مرحوم فلسفی در شب عاشورای سال 1383 هـ - ق (1342 هـ - ش) در این مکان بحث هایی را آغاز کرد که گزارش هایی از منبرهای ایشان در اسناد ساواک و شهربانی آمده است، جالب آن که اسد الله علم نخست وزیر وقت و نصیری (رئیس ساواک)، برخی امرای ارتش و عده ای ساواکی مستمع سخنان وی بودند، جمعیت به قدری زیاد بود که فلسفی از طریق پشت بام به مسجد رفت وی در این منبر، مسجد را کانون جنبش معرفی کرد و از استیضاح دولت علم توسط روحانیت قدرت علما، جنایت رژیم در مدرسه فیضیه و ایجاد محیط رعب و وحشت در قم سخن گفت به همین دلیل حجت الاسلام فلسفی را دستگیر و به زندان شهربانی انتقال دادند. (2)

مسجد جامع بازار به دلیل موقعیت سیاسی بازار دارای نقش و اهمیت خاصی در قیام

ص: 451

-
- 1- . تحولات سیاسی - اجتماعی در دوران پهلوی، علیرضا امینی: ص 276؛ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، جواد منصوری: ص 635؛ از قبا تا فیضیه، جنبش مسلمانان تبریز: ص 50.
 - 2- . خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی: ص 255، 258، 259 و 274.

15 خرداد 1342 و انقلاب اسلامی بوده است و از همان آغاز پایگاه مبارزان بود، اسناد شهربانی و ساواک این موضوع را مورد تأیید قرار می دهد در اسناد 11 خرداد 1342 شهربانی آمده است:

پیرو گزارش قبل از مسجد جامع مراقبت به عمل آمد، هفت نفر روضه خواندند، آقای کامل خراسانی بر منبر رفته و تمام صحبت های او اشاره به دولت و مردم را بر علیه حکومت تحریک می نمود و گفت چرا خارجیان را به خاک ایران راه داده اند، آقای انصاری قمی بر منبر قرار گرفت و به مردم گفت چرا قیام نمی کنید و چرا از بیگانگان پیروی می نمائید. (1)

مسجد و انقلاب اسلامی

امام خمینی صرف نظر از آن که در جلسات درسی، عبادات و نماز جماعت را در مساجد برگزار می نمود، مسجد را بهترین مکان برای شروع نهضت می دانست. او در مسجد اعظم قم دوم ذی حجه 1383 هـ- ق (1342 هـ- ش) اندکی پس از آزادی، در جمع هزاران نفر از علما و فضلاء قم و سایر اقشار به تفصیل آن چه را پس از بازداشت ایشان رخ داده بود و شاه و دستگاه تبلیغاتی

وی در ایران و خارج شایع ساخته بودند، به باد انتقاد گرفت آن گاه در اثر انعکاس این فریادها و بیدار باش های روشنگر و حرکت آفرین امام، در سراسر کشور خطبا و گویندگان متعهد در اجتماعات گوناگونی که در مساجد تشکیل می گردید به پیروی از امام امت به افشاگری و مخالفت با نظام ستم شاهی پرداخته و تحول عظیمی در افکار و اندیشه های مردم به وجود آوردند که باعث ترس رژیم پهلوی و اربابانش گردید.

این فریادها که از عمق جان ها در پایگاه مقدس مسجد برخاسته بذر امید و حرکتی بود که بر دل ها پاشیده و با تداوم آن به رشد و نمو و شکوفایی رسید، امام در نجف اشرف و علما و خطبا و طلاب در شهرهای گوناگون و روستاهای کشور با سخنرانی های کوبنده بر این حرکت مقدس تداوم بخشیدند، نوارهای سخنرانی های امام و پیام های معظم له به گونه دقیق و برنامه ریزی شده در مسجد به مردم می رسید به همین دلیل رژیم در مقام مخالفت و به تعطیلی کشاندن این اماکن مقدس برآمد اما موج حرکت چنان قوی بود که نمی توانست آن را از ریشه

ص: 452

برکنند و لذا گاهی گویندگان متعهد را که بر فراز منابر مساجد حقایقی را مطرح می کردند راهی زندان، تبعید و یا ممنوع المنبر می گردانید و در مواقعی هم مزدوران رژیم ستم شاهی به مساجد می ریختند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دادند و زمانی هم درب ها را می بستند تا کسی به این اماکن نیاید.

مسجد هدایت واقع در خیابان استامبول تهران پایگاه مهم فرهنگی و سیاسی آیت الله سید محمود طالقانی بود و او در مدت سی سال در این مکان مبارک نسلی دین دار، دردمند و مبارز تربیت کرد، افراد(1) حاضران در این مسجد اغلب جوانان و دانشجویان بودند و به قول شهید مطهری دالان دانشگاه بود. براساس گزارش های ساواک طالقانی در مسجد مزبور به موعظه و تفسیر می پردازد و در جلسات وی حدود 400 نفر شرکت می کنند، او در بیانات خود

پیوسته به اوضاع روز پرداخته و به مقامات عالی رژیم پهلوی حمله می نماید و اولیای امور را به ایجاد محیط رعب و وحشت و نقض قانون اساسی و آزادی بیان، اختلاس و ارتشاء متهم ساخته و حضار را به قیام علیه وضع کنونی تحریک می کند چون با وجود تذاکرات مکرری که به نامبرده در مورد خودداری از ادامه این روش داده شد، مشارالیه به حملات خود ادامه می دهد لذا عمل وی طبق ماده 79 قانون مجازات عمومی جرم محسوب و در صورت تصویب مراتب به دادستانی ارتش منعکس تا نامبرده تحت تعقیب قرار گیرد.(2)

در گزارش ساواک این مسجد به عنوان کانون جوانان معرفی شده چرا که محل فعالیت های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در این مسجد بود و انجمن اسلامی دانشجویان تهران در سال 1342 سخنرانی های افشاگرانه خود را علیه انقلاب سفید در مسجد هدایت برگزار کرد از این رو شهید باهنر آن را اولین مرکز هدایت جوانان و روشنفکران و شهید چمران آن را کشتی نجات نامید و بیانات طالقانی در این مسجد کام حاکمان رژیم پهلوی را تلخ کرد و همواره وی را ممنوع المنبر می نمودند یا روانه زندان و تبعید می کردند.(3)

ص: 453

1- . راهی که نرفته ایم (مجموعه مقالات برگزیده از 20 سال نشریه پیام هاجر درباره آیه الله طالقانی) به کوشش مهدی روغنی (تهران، مجتمع فرهنگی آیت الله طالقانی)، ب 1379 : ص 140 - 139 .

2- . آیت الله سید محمود طالقانی بازرگان توانای اسلام به روایت ستاد ساواک، وزارت اطلاعات: ص 309 .

3- . پیک آفتاب، محمد اسفندیاری: ص 75 و 81 .

شهید آیت الله مفتاح به موازات فعالیت های علمی و آموزشی بنا به دعوت اهالی مسجدالجواد که یکی از معدود پایگاه های عرضه اسلام راستین در آن زمان بود، در این مکان به ایراد سخنرانی و جلسات تفسیری پرداخت و به روشننگری نسل جوان مبادرت نمود، یادآور می شود در سال 1349 تا 1351 شمسی برنامه های تبلیغی این مسجد زیر نظر شهید مطهری بود.

مفتاح در سال 1352 شمسی برای ایجاد تشکل بین نیروهای مؤمن و مبارز و گشودن سنگری برای ارائه اسلام راستین، امامت مسجد جاوید را پذیرفت و در این پایگاه یک هسته مقاومت تشکیل داد و در اکثر اوقات از سخنرانان مبارز دعوت به عمل می آورد تا جوانان و خصوص دانشجویان را متوجه حقایق ناب نماید.

به دلیل تبدیل شدن مسجد جاوید به سنگری استوار برای ستیز با طاغوت و استقبال افشار تحصیل کرده از برنامه هایش و سخنرانی شخصیت هایی چون آیت الله خامنه ای و شهید مطهری در آن، برنامه های این مسجد بیش از 18 ماه ادامه نیافت و در سوم آذر 1353 پس از سخنرانی آیت الله خامنه ای ساواک به آن هجوم برد و مسجد جاوید را تعطیل و مفتاح را روانه زندان ساخت. در سال 1355 شمسی مفتاح امامت مسجدی را در حوالی حسینیه ارشاد پذیرفت که به مسجد قبا معروف گردید تا یادآور مسجدی باشد که در ظلمت کده جاهلیت توسط رسول اکرم بنیان نهاده شد مفتاح در مسجد مزبور در سطحی وسیع تر به تشکیل کلاس های عقیدتی و سخنرانی های روشنگرانه دست زد، رژیم که چنین شور و شوق و تحولی را می دید، وی را در تنگنایی سخت قرار داد اما او تنها و استوار در برابر فشارهای سیاسی ایستاد و این مسجد چنان مورد استقبال جوانان قرار گرفت که جمعیت انبوه هنگام سخنرانی خیابان های اطراف آن را پر می کرد در گزارش ساواک نیز از جذب جوانان مذهبی در این مسجد سخن به میان آمده و این که مسجد قبا به قطب تازه ای برای مبارزین تبدیل شده و جای مسجد هدایت را گرفته است.⁽¹⁾

شهید دکتر محمد جواد باهنر طی سال های 1342 تا 1356 همزمان با استفاده از آموزش

ص: 454

و پرورش و مدارس، از مساجد و حسینیه‌ها برای ایجاد تحول فرهنگی و سیاسی در جامعه استفاده نمود.

او فعالیت خود را به یک مسجد خاصی محدود نکرد بلکه با مساجدی که پایگاه مبارزان بود، ارتباط داشت و در چندین مسجد سخنرانی می‌نمود. مسجد جلیلی واقع در خیابان ایران شهر یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه علیه حکومت پهلوی بود. در این مسجد اقشاری از بازاریان تاروحنیان و دانشگاهیان در آن شرکت می‌کردند و به تبادل نظر در مسایل سیاسی می‌پرداختند. شخصیت تأثیرگذار این مسجد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کئی بود. باهنر در مواردی در این مکان به فعالیت و انجام سخنرانی می‌پرداخت و در سخنرانی‌های خود در مسجد جلیلی به ناهنجاری‌های سیاسی در جامعه اسلامی پرداخت و سلطه خارجی را از موانع رشد و ترقی دانست شهید باهنر به دلیل شرکت در بحث‌هایی که شب‌های شنبه هر هفته در این مسجد تشکیل می‌گردید تحت مراقبت و کنترل ساواک قرار گرفت در مسجد هدایت هم باهنر، از رژیم پهلوی انتقاد شدیدی نمود و حکومت شاهنشاهی را زیر سؤال برد. باهنر به دلیل فعالیت در این مسجد و نیز مسجدالجواد ممنوع المنبر گردید. (1)

اوج گیری نهضت

اول آبان 1356 (ذی قعدة 1398 هـ- ق) خیر تأثرانگیز شهادت حاج مصطفی خمینی موج عظیمی در میان مردم ایران پدید آورد و برخلاف اختناق شدید، اقشار مختلف مجالس ختم گوناگونی برای تجلیل از مقام آن عالم بزرگوار و فرزند رهبر انقلاب ترتیب دادند اولین مجلس ختم از سوی علمای تهران در مسجد جامع این شهر برگزار شد، سپس در مساجد دیگر تهران، قم و سایر شهرستان‌ها مجالسی بدین مناسبت منعقد گردید.

مجلس بسیار بزرگ و بی سابقه از طرف حوزه علمیه قم در مسجد اعظم این شهر منعقد گشت که در این برنامه علاوه بر شرکت گسترده علما، مراجع و فضلا و طلاب، جمعیت زیادی که از شهرستان‌ها آمده بودند، حضور به هم رسانیدند. کثرت حاضران به حدی بود که تمام

ص: 455

1- . شهید دکتر محمد جواد باهنر، مواضع و دیدگاه‌ها، مرتضی نعمتی زرگران: ص 92 - 89 .

شبهستان ها، حیاط مسجد و صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خیابان های اطراف مسجد و حرم مطهر مملو از جمعیت بود، سخنرانان نیز در افشای هرچه افزون تر چهره استبداد کوشیدند و پایه های ستم را با بیان واقعیت ها، متزلزل نمودند.

مجالس ختم هم چنان ادامه داشت تا قیام نوزده دی 1356 در قم بوجود آمد، اربعین شهدای این قیام از سوی روحانیت متعهد تبریز برگزار شد. عده ای هم اعلامیه هایی را که بر دیوار مسجد نصب شده بود و مطالعه می کردند که مأموران ساواک با آنان درگیر شدند و گروهی از مبارزان به شهادت رسیدند، برای بزرگداشت شهدای تبریز، مردم در شهرهای دیگر مجالسی برگزار کردند.⁽¹⁾

در ایام ماه رمضان سال 1398 هـ- ق مسجد مولا در شیراز، تحت محاصره قوای نظامی بود اما هزاران نفر در این مکان به منظور اقامه نماز جماعت و شنیدن سخنان آیت الله محلاتی

گرد آمده بودند. در مسجد جامع این شهر رژیم دست به جنایتی دیگر زد و عصر پنجشنبه پنجم رمضان (20 مرداد 1357) هنگامی که مردم بی دفاع در این مسجد مشغول انجام فریضه مذهبی بودند مورد هجوم افراد مسلح پلیس قرار گرفتند در این یورش طی مدت کوتاهی ده ها نفر شهید و عده ای زیاد زخمی شدند.⁽²⁾

در اصفهان ضمن شکل گیری تظاهرات و راهپیمایی های گسترده، همه روزه و شب ها اجتماعاتی در مساجد گوناگون برگزار می شد. مسجدالحجیم، مسجد جامع و مسجد سید از جمله آنها بود. مسجد حکیم پایگاهی مهم برای نهضت اسلامی در اصفهان به شمار می رفت و ضمن سخنرانی های انقلابی، اعلامیه هایی در این مکان پخش می گردید.⁽³⁾

در 24 مهرماه 1357 شمسی در حالی که مردم کرمان در مسجد جامع این شهر گردآمده بودند و چهلم شهدای میدان شهدا و فاجعه 17 شهریور تهران را گرامی می داشتند و به سخنان یکی از وعاظ گوش فرا می دادند، مأموران ساواک در حالی که عده ای را اجیر کرده بودند با چوب و چماق به این مسجد یورش بردند و پس از منفجر کردن چند کپسول گاز اشک آور،

ص: 456

1- . تحلیلی از انقلاب اسلامی، حاتم قادری: ص 100 - 97 .

2- . نهضت روحانیون ایران، علی دوانی: ج 8 و 9، ص 208 - 202 .

3- . یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب در اصفهان: ج 3، سید حسن نوربخش، ص 98، 104 و 146 .

از درب ورودی و پشت بام مسجد با چوب و سنگ و آجر و اسلحه گرم به مردم حمله کردند و عده ای را شهید و ده ها نفر را مجروح و مصدوم کردند و قرآن ها و کتاب های موجود در آن را به آتش کشیدند. (1)

هرچه انقلاب اسلامی مسیر حرکت و رشد سریع خود را می پیمود نقش مساجد در شکوفایی آن محسوس تر می گردید، در لحظات پیروزی دیگر مساجد کانون تلاش، و مبارزه مردم بود و آنان جز آنجا، مکانی را برای دریافت اخبار نهضت نمی شناختند پیام های امام توسط گویندگان مذهبی و افراد متعهد از بلندگوهای مسجد منتشر می گردید و تمامی راهپیمایی های با شکوه و حماسی میلیونی از مساجد سرچشمه می گرفتند و چون جویبارهایی در خیابان ها و معابر جاری می شدند تا آن که بساط طاغوت در هم پیچید و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، بعد از این فتح بزرگ مساجد کانون هایی برای حفظ انتظامات شهری، پاسداری از نهضت و مکانی برای تلاش های فرهنگی و اجتماعی بودند، کمیته های انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفین و کمیته امداد امام خمینی در همین مکان ها شکل گرفتند و با شروع جنگ تحمیلی مساجد مراکزی مهم برای ساماندهی نیروهای رزمنده و عزیمت آنان به جبهه های جنگ به شمار می رفتند، امکانات مورد نیاز دفاع مقدس در مساجد جمع آوری و بسته بندی می گردید و به رزمندگان اسلام می رسید.

ص: 457

1- . حماسه های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی، ولی الله فوزی: ص 94 و 95 .

اشاره

صهیونیسم به ایدئولوژی ناسیونالیسم یا نژادپرستی یهود اطلاق می شود که در اواخر قرن 19 شهرت یافت و به طور سنتی تئودور هر تزل به عنوان بنیان گذار آن شناخته می شود این مفهوم از واژه صهیون گرفته شده که نام تپه ای است در بیت المقدس. معنی این واژه روشن نیست معانی متعددی برای آن برشمرده اند مانند صخره، زمین خشک قلعه آب جاری و غیره. این نام در تاریخ نگاری کهن قوم یهود مترادف با نام شهر بیت المقدس بکار رفته است.

ترکیب صهیونیسم را اولین بار روزنامه نگار یهودی به نام ناتان برنباوم در آوریل 1890 بکار برد برای ارجاع به موجی که از دهه 1880 میلادی در میان یهودیان ساکن روسیه و شرق اروپا ایجاد شده بود با شعار بازگشت یهودیان به ارض اسرائیل (سرزمین فلسطین) سپس یک روزنامه نگار یهودی متولد مجارستان بنام «دولت یهود». کتاب هر تزل با حمایت کانون های بسیار ثروتمند و منتقد یهودی ساکن اروپا و ایالات متحده آمریکا به سرعت در همه کشورها معروف شد و خود هر تزل نیز به عنوان بنیان گذار جنبش صهیونیستی شهرت فراوانی یافت. 18 ماه بعد (29 اوت 1897) اولین کنگره صهیونیستی در شهر بال سوئیس تشکیل شد.

این داستان آشنایی است که کم و بیش در تمامی فرهنگ ها و منابع درباره منشأ صهیونیسم عنوان می شود. اگر بخواهیم منشأ صهیونیسم را با داستان فوق بشناسیم قطعاً به بی راهه

رفته ایم. این تاریخچه رسمی حاوی سه پیام منحرف کننده بسیار غلط است، به ما می گوید

که صهیونیسم اولاً در اواخر قرن 19 یعنی حدود یک قرن پیش ایجاد شد. ثانياً بیان ایدئولوژیک موج آوارگی یهودیان شرق اروپا، یعنی یک جریان طبیعی و خود انگیخته بود. ثالثاً مانند بسیاری از جریان های ایدئولوژیک اواخر قرن 19 و اوائل قرن بیستم یک جریان روشن فکری بود و بنیان گذاران آن روزنامه نگاران و اصحاب اندیشه و قلم مانند آقای هرتزل بودند.

هیچ یک از این موارد صحیح نیست. هرتزل تنها یک نماد بود برای حرکتی که از مدت ها قبل آغاز شده بود. اندیشه دولت یهود او حرف جدیدی نبود و از قرن هفدهم میلادی بوسیله زرسالاران یهودی و وابستگان و شرکای مسیحی آنها برای تأمین منافع شان گاه به گاه مطرح می شد. قبل از هرتزل در قرون هفدهم و هجدهم و نوزدهم یهودیان و بعضی از پروتستان ها جزوهایی با مضمون تأسیس دولت یهود در فلسطین منتشر کرده بودند. صهیونیسم نیز یک حرکت روشنفکری نبود بلکه یک موج سیاسی هدفمند بود که طراحان و حامیان و سرمایه گذاران آن خاندان های بسیار ثروتمند یهودی بودند و اهداف آنها با اهداف استعمار بریتانیا گره خورده بود. سال ها قبل از تولد هرتزل، در دوران ریاست لرد پالمستون بر دیپلماسی بریتانیا که مقارن است با دوران سلطنت محمد شاه قاجار و صادرات حاج میرزا آقاسی در ایران، از سال 1839 میلادی حوادث مشکوکی در منطقه سوریه و فلسطین رخ داد و تحرک شدید استعمار بریتانیا برای اشغال سرزمین فلسطین آغاز شد و همین حرکت است که یک صد سال بعد (مه 1948) به تأسیس دولت اسرائیل انجامید. توجه کنیم که در سال 1840 یعنی 55 سال قبل از انتشار کتاب هرتزل برخی روزنامه های فرانسوی و آلمانی هدف اقدامات پالمستون در منطقه خاورمیانه را ایجاد یک جمهوری یهودی در فلسطین عنوان کردند بنابراین نباید آقای هرتزل را جدی گرفت.

بنیان گذاران و رهبران واقعی صهیونیسم کانون های معینی بودند و این بخشی از حرکت مرموزی بود که از مدت ها پیش آغاز شده و با مطالع استعماری بریتانیا در قرن نوزدهم پیوند

تنگاتنگ داشت. می خواهیم نشان دهیم که هرتزل را نمی توان بنیان گذار صهیونیسم و حتی صهیونیسم جدید دانست و این نوع نگاه به تاریخ صهیونیسم در واقع تکرار همان الگوسازی تاریخی است که الیگارشی یهودی با اهداف معینی رواج داده است. اگر بخواهیم مبدا واقعی

صهیونیسم را بشناسیم باید به سراغ تاریخ باستان قوم یهود و اساطیر یهودی برویم و در این جستجو است که صهیونیسم را به عنوان ایدئولوژی الیگارشی یهودی خواهیم شناخت.

میان قوم یهود و الیگارشی یهودی نیز باید تفاوت قائل شد، منظورمان از الیگارشی یهودی آن گروه هائی است که در طول تاریخ قوم یهود براساس ساختارهایی بسیار متمرکز و منسجم راهبری یهودیان را به دست داشته و دارند و در واقع هویت قومی و سرنوشت تاریخی یهودیان را آنها زده اند. ریشه های شکل گیری این پدیده و سیر تاریخی آن را به طور روشن در اسفار پنج گانه و سایر منابع تاریخی کهن یهودیان، که به نام عهد عتیق معروف است، می توان دید. بنابراین صهیونیسم به یک قرن اخیر محدود نیست و آغاز آن نیز نه از کتاب هرتزل بلکه از اساطیر یهودی است این اساطیر نه فقط بر یهودیان بلکه بر مسیحیان نیز تأثیر فراوان گذاشت. آرمان های صهیونی از دوران جنگ های صلیبی به شدت با مسیحیت گره خورد و داعیه دولت جهانی مسیحیت را ایجاد کرد، گفته می شد که ظهور مسیح منجر به ایجاد یک امپراتوری جهانی مسیحی به مرکزیت بیت المقدس یا اورشلیم خواهد شد لذا برای تسریع در ظهور مسیح فرقه های نظامی صلیبی ایجاد شد مانند «شهبسواران معبد سلیمان»، «شهبسواران سن جان» و «شهبسواران توتونی». این فرقه ها که خصلت جهان وطنی داشتند یعنی تابع یک دربار اروپایی نبودند، بعدها نقش مهمی در تاریخ اروپا ایفا کردند مثلاً: پس از آنکه مسلمانان شهبسواران توتونی را از فلسطین و مدیترانه بیرون ریختند، آنها برای ادامه جنگ صلیبی، و این بار علیه قبائل کافر حاشیه دریای بالتیک، به شمال اروپا لشکر کشیدند. این سرآغاز تاریخ دولت آلمان است. استاد اعظم فرقه فوق پس از قتل قبائل پروسی حکومتی تشکیل داد و از سوی پادشاه لهستان به عنوان گراند دوک سرزمین قبائل پروسی منصوب شد. این هسته بعدها به پادشاهی پروس تبدیل شد و سرانجام در سال 1870 به تاسیس کشور آلمان انجامید. صهیونیسم یا آرمان استقرار سلطنت مسیح در صهیون یک موتور قوی بود که به وسیله آن توده های عوام بسیج و به عنوان لشکر حکمرانان و الیگارشی اروپا بکار گرفته می شدند به این ترتیب صهیونیسم مسیحی نقش بسیار مهمی در پیدایش تمدن جدید قرن و در تاسیس آمریکایی جدید داشت. انتقالی توده های عظیم انسانی از اروپا به سرزمینهای دوردست قاره آمریکا کار آسانی نبود. زمانی پادشاه وقت انگلیس بخشی از سرزمین کنونی کانادا که امروزه اسکاتلند نو نام دارد به یک درباری اسکاتلندی بنام سرویلیام

الکساندر بخشید. این آقا با حمایت دربار بریتانیا تلاش وسیعی را آغاز کرد که اسکاتلندی ها را به این سرزمین بکوچاند به هر اسکاتلندی که 2000 پوند پول دربار و 1000 پوند در سال به ویلیام الکساندر می داد 6500 هکتار زمین در اسکاتلند واگذار می شد. معهذ کسی از این طرح استقبال نکرد و از سال 1621 تا سال 1631 تنها 85 نفر حاضر به مهاجرت شدند بنابراین باید انگیزه های قوی معنوی و دینی ایجاد می شد تا این مهاجرت شکل انبوه به خود بگیرد. چنین بود که اولین کلنیها در قاره آمریکا با پرچم آرمان های صهیونیستی ایجاد شدند در پشت کمپانی هایی که این مهاجرت ها را سازمان می دادند و مدعی بودند انگیزه شان دینی و هدف شان ایجاد کلنی های صهیونی است، کانون های مالی و سیاسی قرار داشتند که سود واقعی را از ایجاد این موج می بردند. این صرافان آمستردام و اندن بودند که سرمایه این مهاجرت ها را با انگیزه سودهای کلان تامین می کردند... در انتها این امور نشان می دهد که هدف، چنگ اندازی بر فرصت های بکر اقتصادی بود و آرمان گرایی دینی که توسط اسطوره ها ساخته شد تنها پوششی بود برای اهداف دیگر البته با این موج اخیر یعنی مهاجرت به سوی آمریکا مسئله فلسطین یا همان

استراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا به علت کشف نفت این منطقه جدی شد و از اهمیت فوق العاده برخوردار شد و به تبع آن آرمان ارض موعود یا صهیونیزم جدی تر.

ماهیت پروتکلها

اگر در کل جهان حتی در ایران بخواهید درباره منشأ صهیونیسم بدانید اینطور توسط کتاب ها و نشریات به شما القاء می شود که: در پی چاپ کتاب دولت یهود اثر تئودور هرتزل(1) صهیونیسم

جهانی، اولین گردهمایی و کنگره خود را در سال 1897 میلادی در شهر بال سوئیس تشکیل داد.

این کنگره درصدد تحقق دو هدف عمده و اساسی در جهان برآمد:

1 - براندازی کلیه دولت های غیر صهیونیستی و تسلط بر مراکز سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نظامی کشورهای جهان.

ص: 462

1- . نظریه پرداز، پایه گذار و رهبر صهیونیسم سیاسی، تحصیل کرده دوره دکترای حقوق در دانشگاه وین اتریش در سال 1884 هرتزل مدتی به عنوان خبرنگار و نویسنده آزاد و مطبوعات فعالیت داشت او ضمن برگزاری اولین کنگره جهانی صهیونیسم در شهر بال حمایت و کمک های مالی تعدادی از بانک داران معتبر یهودی را در جهت تحکیم و توسعه روند صهیونیسم سیاسی جلب و تأمین کرد. رهبران اسرائیل، محمد شریده: ص 212 .

2- تأسیس دولتی صهیونیستی در فلسطین به نام اسرائیل.

این کنگره، نقطه‌ی تحول مهمی در تاریخ جنبش صهیونیسم بود نخستین توفیق عملی صهیونیسم در میان برخی محفل‌های یهودی جهان تحقق یافت، و آماج مستقیم سیاسی آن را مشخص و تأکید کرد که: هدف صهیونیسم آن است که برای مردم یهود، میهنی در فلسطین تشکیل دهد و قانونی عام از آن حمایت نماید. این کنگره، برنامه‌ی استعماری صهیونیستی در فلسطین را تدوین کرد که از چهار بخش عمده تشکیل می‌شد.

1- سازماندهی جنبش صهیونیسم جهانی.

2- برنامه ریزی برای استعمار صهیونیستی در فلسطین.

3- سرمایه‌گذاری و نظارت بر آن.

4- اجرای ارتباط و گفت‌وگوهای سیاسی به منظور تأمین پشتیبانی سیاسی جهانی و تحقق این هدف.

این هدف

به این ترتیب، نخستین خطوط و عجیب‌ترین و بدترین سلطه‌استعمارگران در تاریخ نوین را کسانی که اصلاً فلسطین را ندیده و به آن پا نگذاشته بودند در اروپا تدوین کردند. (1)

عده‌ای می‌گویند صهیونیست‌ها پس از تشکیل کنگره اول، انجمن‌های دیگری نیز تشکیل دادند و صورت جلسات آن انجمن‌ها را پروتوکل نام نهادند و عده‌ای دیگری گویند در

همان کنگره بال 1897 پروتوکلهای که در واقع اصول سیاست صهیونیسم جهانی و نوع نگرش آنان را به جوامع انسانی نشان می‌دهد که هم اکنون گویای حقیقتی است که جهان مشاور شکل‌گیری مراحل گوناگون تحقق آن ایده‌های شیطانی و غیر انسانی در راستای تسلط بر جهان بشری است، پخش شد.

این پروتوکلهای که شامل 24 یا در بعضی نسخه‌ها 27 بند است استراتژی و تاکتیک‌های یهودیان برای تسخیر جهان در طی صد سال است گفته می‌شود توسط فردی قبل از انعقاد توسط

ص: 463

1- . صفا تاج مجید: ص 56 و 57 .

یکی یهود تهیه شده و هرگز قصد انتشار و توزیع آنها حتی در میان خواص یهود در کار نبوده است.⁽¹⁾

بعد از آنکه پروتوکلها به انگلیسی ترجمه شد و نویسندگان به نقد و کنکاش درباره آنها پرداخته اندیشمند میلادی آشرگنیزبرگ از اهالی اودساد در معرض اتهام قرار گرفت.

او برای نخستین بار به عنوان نویسنده ای ناقد و ژرف اندیش در جامعه یهود ظاهر شد و نام متسعار احدها آم- یکی از مردم- را برای خود برگزید. آنچه برای او اهمیت داشت، مبانی اهداف و درستی روشی بود و به جزئیات اهمیتی نمی داد او معتقد بود که برانگیختن یهود در این عصر و ایجاد رستاخیز در آنان باید متکی به برانگیختن روحیه خشن یهودی باشد. بنابراین به عقیده او نخست باید روحیه یورش را خلق کرد و فعالیت برای رسیدن به سرزمینی که یهود آنجا گرد هم آیند خود به خود پی خواهند آمد.

او در سال 1856 در شهر اودسا واقع در ساحل دریای سیاه در منطقه اوکراین که از قرن ها پیش یکی از پایگاه های خشونت و ترور یهود بوده است نشو و نما یافت و او که وجودش لبریز از روح تلمود بود در سال 1927 در تل آویو در گذشت.

حال برای روشن تر شدن بحث خلاصه ای از بعضی بندهای پروتوکل های 24 گانه در اینجا می آوریم.

1 - آزادی سیاسی ایده ای بیش نیست و واقعیت خارجی ندارد اما هر یک از ما باید بدانند چگونه در موقع لزوم از این طعمه برای جذب گروهها و توده ها به سوی حزب خود و نابود کردن حزب مخالف که حکومت و قدرت را در اختیار دارد استفاده کند (پروتوکل اول).

2 - محور سیاست جدا از محور اخلاق است این دو هیچ وجه اشتراکی با هم ندارند حاکمی که تابع اصول و روش اخلاقی باشد سیاستمدار ماهری نیست و تا زمانی که بر سریر حکومت نشسته است همواره متزلزل و در آستانه سقوط خواهد بود ولی حاکم عاقلی که خواهان توسعه و تحکیم حکومت خویش است باید دو خصلت داشته باشد هوش قوی و مکر فریبنده (پروتوکل اول).

ص: 464

1- . نویهض عجاج پروتکلها دانشوران صهیون: ص 83 .

3 - حق ها، سرچشمه اش زور و قدرت است. کلمه حق امری است وجدانی، معنوی و مجرد و دلیلی بر درستی آن وجود ندارد مفهومی بیش از این ندارد آنچه می خواهیم به من بده

تا ثابت کنم از توقویرم شعارها باید این باشد: زور و فریب مردم، تا آنچه را فریبکارانه به خودشان می دهیم به عنوان یک امر صحیح بپذیرند و در درستی آن تردید نکنند فقط زور می تواند در میدان سیاست پیروز شود (پروتوکل اول).

4 - ما موفق شده ایم بگوییم - غیر یهود - بقبولانیم که اطلاعات نظری و تئوریک آنها محصول ناب علم است تا زمانی که این هدف باید از طریق مطبوعات خود اعتقاد به درستی نظریات و آرای شان را در آنها تحکیم بخشیم دانشمندان آنها به دانشی که دارند مغرور می شوند و بدون آنکه سعی کنند برای اثبات درستی آن تجربیات و دانشها از محک منطق کمک بگیرند. نظریه های خود را به مرحله اجرا در می آوردند. در حالی که آنچه به نظر آنها دانش و شناخت است در واقع چیزی نیست جز آنچه که عمال متخصص ما با استادی و مهارت برای آنها نوشته اند و این نوشته ها، همه، برای آن فراهم آمده است که اندیشه های آنان در جهتی که ما می خواهیم از آنها پرتو گیرند (پروتوکل سوم).

5 - گوییم - حکومت های غیر یهودی - بدون کمک متخصصان ما قادر به اندیشیدن و درست فکر کردن نیستند، آنها کوتاه بین تر از آنند که ضرورت ایجاد آنچه را که ما دو زور تاسیس پادشاهی خود وجود خواهیم آورد، دریابند.

6 - فراماسونری گوییم ناخودآگاه به ما خدمت می کند. به این ترتیب که پوششی برای ماست و ما خودمان و اهداف و برنامه هایمان را پشت سر آن پنهان می کنیم (سوم).

7 - کلیه چرخ های دستگاه حکومت ها احتیاج به موتور دارند و این موتور که همان طلاست در اختیار ما می باشد (پنجم).

8 - برای نابود کردن صنایع گوییم - غیر یهود - عشق به عیاشی و تجمل پرستی را در بین گوییم رواج می دهیم و آنها را به این وضعیت تشویق می کنیم.

9 - ما سطح دستمزدهای کارگرها را بالا خواهیم برد اما این عمل هیچ سودی به حال کارگران نخواهد داشت. چون در همان زمان به بهانه این که امر کشاورزی و دامداری دستخوش رکود شده است، قیمت مایحتاج عمومی را نیز گران می کنیم (پروتوکل 6).

10 - ما باید همیشه این آمادگی را داشته باشیم که در صورت بروز هر گونه مخالفتی با ما، از طریق ایجاد جنگ بین آن دولت مخالف و همسایه اش با او مقابله کنیم و چنانچه همه آنها در برابر ما یکپارچه شوند چاره ای نداریم جز این که آتش یک جنگ خانمانسوز جهانی را شعله ور کنیم (پروتوکل 7).

11 - ما حکومت های خود را در انبوهی از بانک داران، صنعت گران و سرمایه داران محاط خواهیم کرد و حلقه اتصال آنها میلیونرها خواهند بود چرا که در واقع، سرانجام هر چیزی به ارقام ختم می شود و این ارقامند که در همه جا حرف آخر را می زنند (پروتوکل 8).

12 - ما نسل جوان گوئیم را فریفته و گیج کردیم و با تربیت آنها بر اساس اصول و نظریاتی که می دانیم غلط و دروغ است و در عین حال ما به آنها تلقین کردیم به فسادشان کشانیم.

13 - ما در گذشته تلاش کرده ایم تا نفوذ روحانیون گوئیم را از بین ببریم و آنها از چشم مردم بیندازیم. هدف از این کار لطمه زدن به رسالت آنهاست رسالتی که ممکن بود همراه سد راه ما شود در حال حاضر این نفوذ روز به روز رو به کاهش می رود (پروتوکل 17).

14 - هرگاه مصالح ما اقتضاء کند که دفاع سری خود را با اتخاذ تدابیر خشن و بیرحمانه تقویت کنیم به وسیله تعدادی از سخنرانان زیان آور عوامل وقوع بی نظمی و پیدایی مظاهر خشم

و نارضائی مردم را در جامعه بوجود می آوریم (پروتوکل 18).

15 - هم اکنون ما تا فروپاشی کامل مسیحیت چند سالی بیشتر فاصله نداریم (پروتوکل 17).

16 - ما نسل جوان گوئیم و گیج کرده و با تربیت آنها بر اساس اصول و نظریاتی که می دانیم غلط و دروغ است و در عین حال ما به آنها تلقین کردیم به فسادشان کشانیم هیچ کس حتی مشاوران پادشاه نباید از برنامه هائیکه وی برای زمان کنونی و آینده دارد مطلع شود فقط شخص پادشاه و سه نفر دستیار او از این برنامه ها اطلاع خواهند داشت و بس.

پروتوکل ها اولین بار در سال 1903 در روسیه در روزنامه زنامیا چاپ شد و دو سال بعد متن مفصل تری از آن به چاپ رسید. این متن به سرعت به زبان های آلمانی فرانسه، انگلیسی و سایر زبان های اروپایی ترجمه شد و شهرت فراوان یافت.

اقبال گسترده به پروتوکل‌ها به ویژه در سال‌های 1921 - 1919 است. در فضای سیاسی و روانی پس از جنگ اول جهانی و انقلاب 1917 روسیه، مردم به شدت جذب این رساله شدند. این جاذبه البته علل عینی داشت زیرا طول جنگ نقش کانون‌های جنگ افروز یهودی و مجتمع‌های تسلیحاتی متعلق به ایشان، آرمسترانگ، برای افکار عمومی اروپا تا حدودی روشن شده بود. از سوی دیگر، این رساله را مخالفان بلشویک‌ها به وسعت توزیع کردند تا انقلاب بلشویکی روسیه را به عنوان یک توطئه یهودی مطرح کنند. جالب است بدانیم که در بریتانیا و کشورهای انگلیسی‌زبان بزرگ‌ترین مبلغ پروتوکل‌ها روزنامه تایمز لندن بود که از بدو پیدایش پیوندهای بسیار نزدیک با زرسالاران یهودی، و به ویژه خاندان روچیلد، داشت تا بدان حد که در دوران جنگ فرانسه و پروس، مردم فرانسه تایمز لندن را به عنوان ارگان روچیلدها می‌شناختند. تایمز در مه 1920 متن کامل پروتوکل‌ها را به چاپ رسانید دلیلی اکسپرس نیز، که به همین کانون تعلق داشت، آن را چاپ کرد و این جمله را تیتربزرگ صفحه اول خود قرار داد «راز بزرگ حییم (واریزن) بزرگ». و عجیب‌تر اینجاست که سر وینستون چرچیل به عنوان وزیر جنگ برکتازی در همین زمان اعلام کرد که انقلاب بلشویکی روسیه «توطئه جهانی از سوی یهودیان جهان وطن است برای نابود کردن و فروپاشی امپراتوری بریتانیا». در زمینه وابستگی وینستون چرچیل به زرسالای یهودی کمترین تردیدی نیست و می‌دانیم که چرچیل در طول زندگی طولانی‌اش همواره سرسخت‌ترین مدافع صهیونیست‌ها بوده و در تأسیس دولت اسرائیل نقش اصلی داشته است. این پیوند فقط به خود چرچیل محدود نیست و از آغاز تاریخ خاندان چرچیل شروع می‌شود. بنیانگذار این خاندان ژنرال جان چرچیل، دوک اول مارلبور است که فرمانده کل ارتش بریتانیا بود و از طریق ساخت و پاخت یا دلالان یهودی و دریافت رشوه

و پورسانت از سرسولومون مدینای یهودی پیمانکار بزرگ دربار و ارتش انگلیس، ثروت خاندان چرچیل را پایه‌گذار و از جمله کاخ بلنهایم را ساخت. تنها موردی که می‌شناسیم که سر وینسون چرچیل در طول زندگی‌اش علیه یهودیان سخن گفته، همین یک مورد و در فضای انتشار پروتوکل‌ها در انگلیس است. بعداً، کار تایمز و چرچیل را روس‌های سفید ادامه دادند یعنی مخالفین انقلاب روسیه که به اروپا و آمریکا پتاهنده شده بودند. آن‌ها پس از شکست نهایی از بلشویک‌ها در جبهه‌های جنگ روسیه، به تکثیر وسیع پروتوکل‌ها در غرب

پرداختند با این هدف که انقلاب روسیه را توطئه یهودیان معرفی کنند.

عجیب تر اینجاست که جعلی بودن این متن نیز اولین بار به وسیله همان روزنامه تایمز و همان کانون مطرح شد. در سال 1921، برای اولین بار، فیلیپ گریوز در روزنامه تایمز لندن

جعلی بودن پروتوکل های را مطرح کرد و شباهت های فروان پروتوکل ها را با طنزی که یک فرانسوی به نام موریس ژولی علیه ناپلئون سوم و سیاست های دسیسه آمیز جهانی او نوشته و در سال 1864 با عنوان مکالمه ماکیاولی و منتسکیو چاپ شده، نشان داد. نام فیلیپ گریوز برای مؤرخین ایرانی آشناست زیرا وی نویسنده زندگی نامه سرلشکر سرپرستی کاکس، کارگزار نامدار استعمار انگلیس در ایران و خلیج فارس است. بعدها، محققین روی پروتوکل ها کار کردند و سرانجام ولادیمیر برتسف، مؤرخ روس، به طور متقن ثابت کرد که پروتوکل ها جعل سازمان اطلاعاتی روسیه تزاری (اواخر انا یا اواخر انکا) است که براساس کتاب موریس ژولی و رمان تخیلی هرمن گودشه (چاپ 1868) و منابع دیگر صورت گرفته است. جعل ظاهر یک فرانسوی بوده که به عنوان جاسوس برای اواخر انا کار می کرده و نامش در دست نیست. رؤسای اواخر انا متن پروتوکل ها را به نیکلای دوم (آخرین تزار روسیه) عرضه می کنند و وی در حاشیه گزارش ایشان می نویسند: «نباید از امر حق با روش های غیراخلاقی دفاع کرد».

یعنی تزار به سادگی متوجه جعلی بودن متن می شود و این امر به دلیل صراحت و محتوای بسیار خامی است که در متن وجود دارد که انسان را از این همه ناشی گری به حیرت می اندازد.

بنابراین، ماجرای انتشار پروتوکل ها ماجرای ساده ای نیست و اصولاً یکی از پدیده های عجیب دو قرن اخیر بسیاری از این نوع کتاب ها و رساله هاست که علیه «یهودیت» یا «فراماسونری» و غیره منتشر می شود و در پس آن، چنان که در ماجرای پروتوکل ها دیدیم، دست همین کانون ها مشهود است: آثاری که به شکلی وهم آلود و غیرعقلانی توطئه یهودیان و ماسون ها را به نفی هرگونه برسانند و این باور را رواج دهند که اعتقاد به توطئه نوعی بیماری روانی و توهم است. به اعتقاد من این روش در ایران نیز به کار گرفته شده و تأثیرات روانی و سیاسی جدی و عمیق خود را بر جای گذارده است.

استاد عبدالله شهبازی در این باره می گویند:

«اولین تردید در من نسبت به اصالت پروتکل‌ها در زمانی ایجاد شد که برای بار اول متن پروتکل‌ها را دیدم. واقعا به دلم نچسبید و احساس کردم که هیچ فرد عاقلی چنین صریح و پوست‌کنده نقشه‌های خود را مطرح نمی‌کند. بالاخره، این توطئه‌گران باید انسان‌های پخته‌ای باشند و نباید این‌طور

دست خود را رو کنند و سند به دست دشمن بدهند. در تحقیقات ده ساله اخیر خود این مسئله را پیگیری کردم و به جد به این نظر رسیدم که جعل و انتشار پروتکل‌ها با اهداف معینی صورت گرفته که امروزه کاملاً قابل شناسایی و تبیین است و از یک برنامه ریزی و نقشه هوشمندانه حکایت می‌کند از آن نوع که به ما عنوان توطئه‌ی شناسیم. اصولاً تعریف من از توطئه این است: برنامه ریزی از سوی یک کانون برای تاثیرگذاری بفرآیندها و تحولات اجتماعی و سیاسی به ضرر دیگران و با روش‌های معینی که به روش‌های توطئه‌آمیز معروف شده (مانند نفوذ و ترور و تخریب و خدعه و جعل و غیره). این اقدام از سوی فرد یا گروهی که قربانی آن می‌شوند توطئه نام می‌گیرد در حالی که طراحان آن را برنامه ریزی و دانش می‌دانند، واقعا توطئه‌گری دانش است و از زمان جنگ‌های صلیبی به این طرف، و به ویژه از قرن شانزدهم میلادی به بعد، یعنی از زمان شروع تکاپوی

استعماری، این دانش در غرب بسیار پیشرفته و بگرنج شده است».

روشن است که در جهان سیاست واقعیتی به نام توطئه وجود دارد. یکی از بهترین روش‌ها برای قلب این واقعیت این است که پرچمدار افشای آن شوید و بخشی از حقیقت را بیان کنید ولی به شکل نامعقول و غیرمعقول و غیرقابل دفاع. این دفاع در نهایت منجر می‌شود به این که مردم از پذیرش این واقعیت سرخورده شوند. این روش یکی از مهمترین تاکتیک‌ها در جنگ روانی است که نمونه بارز آن را در ترویج انگلوفوبیا می‌توان دید یعنی اشاعه ترس از انگلیس و نسبت دادن همه چیز به توطئه انگلیسی‌ها. یعنی افرادی همه چیز را به شکل بیمارگونه و به قول معروف «داکی جان ناپلئونی» به انگلیسی‌ها نسبت می‌دهند و در نهایت موجی ایجاد می‌شود و از درون آن کسانی پیدا می‌شوند که غیرعقلانی بودن این برخورد را می‌فهمند

و به ضد آن می‌رسند یعنی به این نتیجه می‌رسند که هیچ نوعی توطئه ای وجود نداشته است. به عبارت دیگر از که مطلق به مطلق دیگر می‌رسند. بنابراین این گونه اشاعه توهم های توطئه چون بنیان جدی عقلانی جدی و قابل دفاع ندارد بهترین روش است برای لوث کردن واقعیت های بغرنج تاریخی. این روش در جامعه امواج کاذب و پوچ و بسیار شکننده ایجاد می‌کند که در نهایت به نوعی آنتی پاتی علیه این گونه مفاهیم می‌انجامد. در تحول روانشناسی بیست و دو ساله بعد از انقلاب تأثیرات مخرب این روش را شاهد بوده ایم.

زمانی برخی از حوادث را به آمریکا با صهیونیست ها نسبت می‌دادیم و البته در فضای اوایل انقلاب، که مردم فشار و ستم حکومت پهلوی و نفوذ مخرب اربابان غربی آن را کاملاً به یاد داشتند، صرف این ادعاها قانع کننده بود و احتیاج به استدلال نظری قوی نداشت. یعنی جامعه در مجموع می‌پذیرفت که مثلاً پیوندهای آمریکایی فلان رجل سیاسی یا فرهنگی پهلوی بر وطن فروش بودن آن فرد دلالت دارد. ولی در نهایت با دگرگونی ساختاری در جامعه ما و از جمله پیدایش نسل جدید، دیگر این روش کاربرد ندارد و در برخی موارد به ضد خود بدل می‌شود. اکنون برای نسل جوان کفایت نمی‌کند که بگویند شاه آمریکایی بود. می‌پرسد مگر آمریکایی بودن چه ایرادی دارد؟ او حق دارد زیرا ذهنیت سیاسی نسل جوان امروز همان ذهنیت نسل ما نیست که در دهه 1340 شاهد مبارزات مردم زیر ستم جهان علیه امپریالیسم آمریکا بود. برای نسل گفتمان جدیدی مطرح است. او سرنوشت برخی کشورهای دست - نشانده آمریکا، مانند تایوان و کره جنوبی، را می‌بینند که در یک دهه اخیر هم رسانه های جهانی و هم برخی از متفکران و اساتید دانشگاه ما و حتی گروهی از مسئولان اجرایی ما آن را به عنوان موفق ترین مدل توسعه مطرح کرده و حتی از آن ها تقلید کرده اند و در مقابل مدل شکست خورده انقلاب های ضدآمریکایی مانند ویتنام و کره شمالی را مشاهده می‌کنند. لذا، مطرح کردن معقول و دفاع بد

و فاقد بنیان متقن فکری و نظری نتایج بسیار مخربی در روانشناسی سیاسی جامعه بر جای می‌گذارد.

به جد معتقدم که کانون های زرسالار غربی و در قلب ایشان یهودی در جعل و ترویج و اشتها پروتوکل ها نقش اصلی را داشتند. زیرا متونی وجود دارند که هم معتبرند و هم همان

موارد مندرج در پروتوکل‌ها را به اثبات می‌رساند ولی هیچ‌گاه اشتها نیاftند و امروزه نسخ آن‌ها کمیاب یا حتی نایاب است. از میان این گونه کتاب‌ها تنها پروتوکل‌ها اشتها جهانی و بسیار عجیبی یافت زیرا متنی کاملاً مجعول و لذا غیرقابل دفاع بود و در نهایت محقق‌رابی اعتمادی به این گونه متون می‌رسانید. مهم‌ترین متنی که هم طرح‌های توطئه‌آمیز زرسالاری یهودی را ثابت می‌کند و هم کاملاً قابل دفاع است کتابی است به نام کتاب کاهال. نام سازمان‌های محلی یهودیان روسیه بود. فردی یهودی به نام یاکوب برافمن در 34 سالگی مسیحی شد و برای کنترل نامه‌ها و متون

عبری دو دیدنیش به خدمت دولت روسیه درآمد. او پس از مدتی، در سال 1869، کتاب کاهال را منتشر کرد. کتاب فوق‌مشمول بر اسناد مفصل درونی سازمان یهودیان روسیه است که به روسی ترجمه شده. برافمن در مقدمه خود بر این اسناد سازمان کاهال، یعنی سازمان محلی یهودیان روسیه و شرق اروپا، و آلیانس اسرائیلی، که مقر آن در فرانسه بود و در آن زمان تنها سازمان جهان یهودیان به شمار می‌رفت، را به عنوان شبکه‌هایی معرفی می‌کند که مجری طرح‌های رهبران یهودی غرب هستند. برافمن در مقدمه خود بر این کتاب حجیم دو جلدی این نظریه را مطرح ساخت که جوامع یهودی در واقع با حفظ ساختارهای سری درونی خود، با استقرار خویش در سرزمین‌های مختلف، دولتی در درون دولت تشکیل می‌دهند با هدف استثمار سکنه آن سرزمین و سلطه بر آنان. اسناد چاپ شده نیز ادعای برافمن را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد که زرسالاران یهودی غرب سلطه بر جوامع میزبان یهودیان چگونه از سازمان‌های محلی آن‌ها استفاده می‌کنند.

کتاب کاهاتل در دهه 1870 چندین بار به زبان‌های روسی، آلمانی، فرانسه و لهستانی منتشر شد و تأثیرات عمیقی بر جای نهاد و به یکی از منابع مهم آشنایی محققین با ساختارهای سری است و حتی دایره‌المعارف یهود نیز به صحت اسناد مندرج در آن اذعان دارد و می‌نویسد:

«هر چند برافمن (از سوی یهودیان) به جعل متهم شد ولی در واقع کتاب او ترجمه کاملاً دقیق اسناد و یکی از منابع تاریخی پژوهشگران برای آشنایی با زندگی درونی یهودیان روسیه در سده نوزدهم به شمار می‌رود».

ولی ما می بینیم که کتاب کاهال را با این همه اهمیت حتی خواص و محققان نیز کمتر می شناسد ولی پروتوکل ها این همه شهرت و معروفیت می یابد.

کانون زرسالاران یهودی

اما آنچه در پشت قضیه پروتکل ها و معرفی صهیونیست به پدیده صد ساله برای دست یابی به حکومت جهانی یهود است چیست؟

زرسالاری یهودی یک کانون منسجم از عوامل بسیار مقتدر و متنفذ حاضر و فعال در دنیای چند قرن اخیر است، زمانی که از یهودیان سخن می گوئیم همین کانون است و اعتقاد نداریم که هیچ قوم و طایفه ای همه یکسان هستند در پدیده ها و فرآیندهای اجتماعی از هیچ نوع کلیت مطلقی نمی توان سخن گفت و این گونه تعمیم ها و کلی گرای ها، همه نسبی است هر فرد استقلال خویش را دارد که می تواند در مواردی مستقل از هویت جمعی او باشد منظور یک کانون معین از متنفذین یهودی است که حتی شامل همه ثروتمندان یهودی نیز نمی شود این کانونی است که به طور مشخص در پیوند با الیگارشی خاخامی در قرن شانزدهم در پیوند با حکام اسپانیا و پرتغال در قرن هفدهم در پیوند با استعمارگران هلندی و در قرن هجدهم و نوزدهم در پیوند با الگارشی استعماری انگلوساکسون شکل گرفت و در توسعه استعماری قرن در این دوران نقش مهم و تعیین کننده ایفا کرد و بخصوص در توسعه استعماری بریتانیا در قرن نوزدهم نقش بسیار مهمی داشت. این کانون از اوایل قرن بیستم بر سیاست و اقتصاد ایالات متحده آمریکا به شدت چنگ انداخت و این اقدام در پی برنامه ریزی جدی انجام گرفت که مهاجرت میلیونی یهودیان روسیه و اروپایی شرقی نقش اساسی در آن داشت. (1)

مهاجرت توده انبوه و متراکم یهودیان روسیه و اروپایی شرقی حربه ای بود در دست زرسالاران یهودی برای تحقق طرح های جهان وطنی آنها، بهم ریزی ساختار اجتماعی و سیاسی اروپا و صدور جمعیت انبوه به قاره آمریکا به قطع می توان گفت که هیچ عاملی مانند این مهاجرت اقتدار جهان شمول زرسالاران یهودی، که نوعی نظام قبیله ای یا ارباب - رعیتی نوین در رابطه بخش مهمی از یهودیان جهان محفوظ داشته اند، کمک نکرد.

ص: 472

عنوان الیگارشلی خاخمی یا یهودی ساختار بسته و دودمانی اشرافیت دینی - سیاسی یهود در سده های نخست میلادی یک پدیده تاریخی آشکار است دایره المعارف یهود آن را الیگارشلی خاندان های عالیرتبه روحانی می خوانند و مؤرخین دانشگاه عربی اورشلیم آن را الیگارشلی خاخمی یا الیگارشلی روحانی می نامند این الیگارشلی که به رغم ابتدای آن بر بنیادهای کهنات سنتی و دیرین یهود پدیده ای نو است در پیرامون نهادی شکل گرفت که شورای سهندرین نام دارد.

این همان نهادی است که حکم قتل عیسی مسیح را صادر کرد و به عنوان عالی ترین مرجع دینی، سیاسی فقهی و قضایی یهودیان حضور آن تا دوران معاصر تداوم داشته است. (1)

این سهندرین همانی است که با تدوین کتاب میشنا نخستین کتاب فقهی یهودیان 200 میلادی به بنیادی ترین نهاد شرعی یهودیت جدید مبدل شد سپس میشنا توسط خاخمی های که به معنی خردمند و فقیه است و در اصل به ربانیون برجسته ای که در راس هرم روحانیت جای داشتند اطلاق می شد با اضافه کردن روایات و احکام به آن کتاب خبیثانه تلمود را پدید

آوردند. (2)

این کتاب هولناک در اصل چند مجلد بیشتر نداشت اما از 8 قرن پیش به 12 مجلد افزایش یافت و امروزه به زبان انگلیسی شامل 36 جلد در قطع وزیری می شود تلمود انبار شرارت های یهود است و کار تألیف آن حدود دو قرن پس از جمع آوری اسفار تورات آغاز شد از بیست و دو قرن پیش پس از جمع آوری اشعار و رواج آن و بازگشت از بابل، بابل تورات بسته شد و تلمود با افسانه ها و اساطیر عجیب و غریب خود بر تورات فائق آمد و آن را تحت الشعاع خویش قرار داد همه بذرهای ناپاک و ناپاکی در تلمود است.

از مطالعه تمام تحقیقات و کتاب های یهودی به این واقعیت دست می یابیم که کلیه یهودیان سرشناس در حرکت یهودی از فرق سر تا نوک پا تلمودی بوده اند و تلمود سرچشمه

ص: 473

1- . شهبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی: ج 1، ص 250 .

2- . مأخذ پیشین: ص 302 .

روحیه هرگونه ویرانگری است. هر خانه یهودی که تلمود در آن باشد آکنده از سنت ها و گرایش های تلمودی است. در چنین خانه ای تورات چندان رنگی ندارد. (1)

خاخام دکتر برود در مقدمه چاپ 1960 تلمود که به زبان انگلیسی منتشر شد می گوید. کتاب های مقدس و آثار رنبها (خاخام ها) و تلمود و میشتا و همه و همه جلوه گاه تمدن و فرهنگی است که چنان تأثیری در جان های ما گذاشته است که مظاهر هستی یهودی ما را فرا گرفته و مفاهیم و معانی زندگی ما را تفسیر کرده است. ما وظیفه داریم منابع و سرچشمه هایی را که خاستگاه همه این ها است به طور صحیح بشناسیم. (2)

برای آنکه خواننده اندک شناختی از روح تلمود به دست آورد در این جا به ذکر نمونه هایی از محتویات آن می پردازیم.

1 - مخلوقات دوگونه اند: زیرینی و رویینی (علوی و سفلی). در جهان هفتاد ملت با هفتاد زبان سکونت دارند. اسرائیل برگزیده مخلوقات است، خداوند آن را برگزید، تا چونان سروری انسان بر حیوان اهلی بر تمام بنی بشر سیادت و آقایی برتر را داشته باشد.

2 - عرب ها امتی فقیر هستند.

3 - ازدواج با زنان عرب ننگ است.

4 - نه دهم جنایات جهان را عرب ها مرتکب می شوند.

5 - سخنان رنبها (خاخام ها) شیرین تر از سخنان انبیاء است ... چون سخنان رنبها کلمات زنده خداوند است ... اگر ربن به تو بگوید که دست راست تو دست چپ است و دست چپ دست راست است، نباید سخنش را پشت سراندازی چه رسد به اینکه بگوید دست راست تو راست است و دست چپ تو چپ در این صورت چقدر باید او را احترام کنی.

6 - خداوند بزرگ از اینکه بنی اسرائیل را رها کرد تا در ورطه بدبختی بیافتد پشیمان شد مانند کسی که از یک گناه شخصی پشیمان می شود از این رو هر روزه دو قطره بزرگ اشک در دریا می افکند و در اثر آن چنان صدایی به وجود می آید که تمام اهل جهان آن را می شنوند

ص: 474

1- . عجاج نویهض پروتکل های دانشوران صهیون: ص 41 .

2- . همان منبع: ص 582 .

و خیلی وقت ها نیروی برخاسته از این صدا زمین لرزه های شدیدی پدید می آورند.

7 - تو می توانی سر غریبه کلاه بگذاری و با بهره زیاد به او وام بدهی، اما اگر با خویشاوند خود (یعنی یهودی) معامله کنی حق نداری او را گول بزنی.

8 - اشکالی ندارد اگر یک یهودی فردی بیگانه و غیریهودی را گمراه سازد و کاری کند که باورش شود او غیریهودی است اما چنانچه یهودی ولی ریاکارانه نصرانی شود و زنی مسیحی بگیرد و مانند خانواده همسرش بت پرستد نصارا گرفتار عذاب خواهد شد و در گودالی می افتد که هیچگاه از آن بیرون نخواهد رفت.

9 - موسی می گوید: «در زن خویشاوند خود هوس مکن» هر کس با زن خویشاوند خود مرتکب فحشا شود سزوار مرگ است تلمود می آموزد که خداوند زنا کردن مرد یهودی با زن یهودی را حرام کرده است ولی زنان اجانب بر او مباحند.

10 - ربی تام می گوید: سودای فحشا با زن یا مرد اجنبی گناه نیست زیرا شریعت از این دو بیزار است چنانکه گفته شده است نطفه آنها نطفه استر است به همین دلیل در پاره ای شرایط به زن یهودی اجازه داده می شود که با مرد مسیحی ازدواج کند تا با این ازدواج غیرشرعی دین او را بر باید (1) با آن که شریعت دستور حتمی به ازدواج با فاحشه ها را می دهد اما این ننگ را در این موقعیت اجازه می دهد زیرا ازدواج غیرشرعی با مرد مسیحی ازدواجی حیوانی است و پیوند زناشویی آن دو نیز از این دست به شمار می آید. گرچه این ماجرا به سال ها پیش برمی گردد اما این خوی و خصالت با مردن از بین نمی رود بلکه همچنان که مؤرخ نامدار یهود، یوسفوس، گفته است یهودی ها نسل اندر نسل آن را از یکدیگر به ارث می برند. (2)

زرسالاران یهودی و تمدن جدید غرب

جوامع یهودی در اوایل هزاره اول مسیحی و مهاجرت تدریجی آنها از سرزمین کنونی فلسطین که بین النهرین از یک سازمان متمرکز و بسیار منسجم برخوردار بوده اند که رهبری آن با خاندان

ص: 475

1- . همان منبع: ص 609 .

2- . همان منبع: ص 414 .

یهودی معین بوده است. این خاندان ها همه خود را از نسل داود علیه السلام می دانند در اینجا باید این توضیح را عرض کنیم که ما مسلمانان داود علیه السلام را پیامبر می دانیم ولی یهودیان او را پادشاه و نماد قدرت و شوکت دولت یهود می دانند. بنابراین، از نظر یهودیان اعضای این خاندان ها شاهزادگان داودی هستند و از میان آنها است که رؤسای جامعه جهان وطنی یهود بیرون می آیند این رؤسا «رشگلوتا» نام داشتند که «شاه داودی» را به عنوان معادل آن انتخاب کرده اند این رؤسای جوامع یهودی طی قرن ها اقتدار فوق العاده ای بر اتباع داشتند و در هر کشوری که مستقر می شدند سازمان سیاسی خود را به شکل مخفی حفظ می کردند و به عنوان دولت در دولت عمل می نمودند یعنی بر اتباع یهودی خود سلطه سیاسی و قضائی داشتند به این ترتیب تصویری از یک سازمان مخفی جهان وطنی منسجم و فرقه گونه به دست آمد که حدود یک هزار سال قدمت تاریخ دارد و در این دوران همیشه شاخه های آن در مهمترین مراکز اقتصادی و سیاسی پراکنده بوده است.

پیوند عمیق این الیگارشی یهودی با حکمرانان بزرگ و کوچک اروپا در تعیین سرنوشت جهان امروز بسیار مؤثر بود. این پیوندها از دوران جنگ های صلیبی شکل گرفت که ثروتمندان و صرافان و کارگزاران مالی و اطلاعاتی فرقه های صلیبی به ویژه فرقه شهسواران معبد عمل می کردند.

این فرقه های صلیبی که در جریان صلیبی شکل گرفتند و از ساختار نظامی دینی برخوردار بودند بعد از پایان جنگ های صلیبی فعالیت های خود را ادامه دادند، نقش بزرگی در پیدایش غرب جدید ایفا کردند بعد از اینکه مسلمانان به حکومت صلیبی ها در منطقه کنونی فلسطین به طور کامل پایان دادند و آنها را آخرین سنگرشان «قطعه عکا» بیرون کردند آنها فعالیت خود را ادامه دادند. یکی از فرقه های بزرگ صلیبی به نام شهسواران توتونی (آلمانی) جنگ صلیبی را برای مسیحی کردن اجباری قبائل اسلاو در شمال شرق اروپا ادامه داد که به تأسیس دولت بروس انجامید. یعنی استاد اعظم فرقه شهسواران توتونی پس از قلع و قمع و امحای کامل

قبائل اسلاو بروسی به عنوان اولین حاکم مسیحی سرزمین بروسی ها منصوب شد و بعدها با جانشین او شاه پروس شدند. دولت پروس به تدریج سایر سرزمین های آلمانی نشین را تصرف

کرد و سرانجام در سال 1871 موجودیت دولت واحد آلمان را اعلام نمود فرقه مهم صلیبی دیگر که نقش بزرگی در تاریخ جدید اروپا و جهان ایفا کرد، فرقه شهسواران معبد است. سران این فرقه پیوند بسیار نزدیک با سران جوامع یهودی داشتند و به دلیل این پیوند، سازمان خود را به یک صرافی و تجارت خانه بزرگ تبدیل کردند و کارشان به فساد کشیده شد.

این فرقه بسیار مهم و مورد حمایت پای تا بدان حد فساد و غیرقابل تحمل شد که در اوائل قرن 14 میلادی دو پادشاه خوشنام اروپا یعنی فلیپ چهارم فرانسه و ادوارد اول انگلستان به انحلال آن دست زدند و ژاک دموله استاد اعظم فرقه در فرانسه اعدام شد. به دلیل پیوندهای عمیق و عجیبی که میان فرقه شهسواران معبد و زرسالاران یهودی برقرار بود امروزه در طریقت های فرامانسوی ژاک دموله مورد احترام است و از او به عنوان «شهید و قدیس» یاد می شود.

همزمان با انحلال و قلع و قمع فرقه شهسواران معبد، دولت فرانسه و انگلستان صرافان و رباخواران یهودی مستقر در کشورهای خود را نیز اخراج کردند. بقایای فرقه شهسواران معبد به پرتغال گریختند و نام خود را به شهسواران مسیح تغییر دادند و فعالیت خود را در این سرزمین تداوم بخشیدند. از این دوران است که در شبه جزیره ایبری جنگ صلیبی در جبهه ای جدید اوج می گیرد و آن علیه مسلمانان اندلس است در این موج خشن و خونین ضداسلامی که سرانجام در

سال 1492 به سقوط دولت غرناطه عنوان آخرین دولت مسلمان اندلس انجامید هم اعضای فرقه شهسواران مسیح و هم زرسالاران یهودی نقش بسیار مؤثر داشتند.

دو نمونه شهسواران توتونی و شهسواران معبد که عرض کردیم نشان می داد که آلمان ها و فرقه های صلیبی چه نقش بزرگی در ایجاد غرب جدید داشتند متأسفانه ما به تبعیت از تاریخ نگاری رسمی غرب عادت کردیم که همیشه درباره نقش رونسانس و روشنگری و انقلاب صنعتی و غیره و پیدایش تمدن جدید غرب سخن بگوئیم یعنی همان طور که مکتب خاصی در تاریخ نگاری جدید غرب به ما القاء کرده است پیدایش تمدن جدید غرب را یک فرآیند فرهنگی می دانیم که در آن عنصر عقلانیت و دانش شکوفایی فرهنگ و دانش و هنر نقش اصلی را داشت. همه واقعیت این نیست و نقش تعصبات دینی که حتی تا قرن نوزدهم در قالب

آموزه های صلیبی تجلی می یافت در پیدایش غرب جدید بسیار عظیم بوده است و در واقع نقش تعیین کننده داشته است این نکته ای است که ما را از آن غافلیم در این فرآیند زرسالاران یهودی به عنوان واسطه میان اروپای غربی و سرزمین های اسلامی نقش بسیار مهمی داشتند که به نظر من تعدداً تمامی ابعاد آن را معرفی نمی کند.

اصولاً بر تاریخ نگاری جدید دنیای غرب یک مکتب خاص غلبه دارد که آن را تاریخ نگاری رسمی غرب نامیده اند یعنی آن نوع نگاه به تاریخ که مورد تأیید و حمایت کانون های حاکمه و قدرتمند دنیای غرب است و در مدارس و دانشگاه ها هم تدریس می شود و بخشی از تاریخ نگاری آکادمیک را شکل می دهد.

ولی این همه تاریخ نگاری غرب نیست تحقیقاتی که این مکتب رسمی را کاملاً بی اعتبار می کند فروان است و خوشبختانه دنیای پژوهشی غرب از این نظر بسیار غنی است ولی ما عادت کردیم که همیشه روایت های رسمی و درسی را بیامیزیم ولی این مایه تأسف فروان است. (1)

اسطوره سازی صهیونیسم

در راستای شکل دادن فرهنگ و روانشناسی سیاسی اجتماعی یهودیت جدید که منجر به موج مهاجرت یهودیان به آمریکای شمالی شد، استفاده کردن از جعل متون ضدیهودی (مانند پروتوکل ها که گذشت) و ترتیب دادن قتل عام های یهودیان روسیه بود که به پوگروم ها معروف است، و دقیقاً از درون این فضا بود که صهیونیسم جدید ظهور کرد.

اسطوره پوگروم ها

پوگروم واژه روسی است به معنی حمله و کشتار گروهی به وسیله گروه دیگر از سال 1881 در روسیه و شرق اروپا حوادث مرموزی شروع شد که راز آن تاکنون روشن نشده است. گروهی از درون جنگل ها، بخصوص در سرزمین اوکراین، به یهودیان حمله می کردند، آن ها را می کشتند و سپس ناپدید می شدند و تلاش دولت روسیه برای کشف عاملین این

ص: 478

1- . پژوه صهیونیت: ج 2، ص 345؛ شهبازی عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی: ج 2، ص 271.

جنایت‌ها نیز به جایی نرسید برخی از مؤرخین یهودی معاصر این قتل‌ها را به گروه‌های انقلابی نارونیک منسوب می‌کنند که درست نیست. استناد آنها تنها به یک اعلامیه از سازمان «نارود نایا» (اراده خلق) است که در آن دهقانان روسیه را به قیام علیه استثمارگران یهودی و تزار اشراف فرا خوانده بود. بهر حال بلافاصله تبلیغ بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های اروپای غربی و آمریکا درباره این کشتارها شروع شد و شاخ‌برگ‌های فروانی به آن داده شده و موجی از همدردی عمومی به سود مظلومیت یهودیان ایجاد کرد این موج چنان قوی بود که حتی نویسندگان آزاده‌ای چون ویکتور هوگو را فریب داد و او طی عریضه‌ای به دولت روسیه خواستار عدالت و شفقت در حق یهودیان شد در تبلیغات آن زمان و در تاریخ‌نگاری کنونی یهود وانمود می‌شود که این کشتارها را اعمال حکومت تراژدی انجام می‌دادند سندی برای اثبات این ادعا وجود ندارد و قراین نیز چیز دیگری را نشان می‌دهد این اصل روشن است.

و مؤرخین دانشگاه عبری اورشلیم نیز تأیید می‌کنند که این حوادث را یک کانون مرکزی و سازمان‌یافته و پنهان‌هدایت می‌کرده است. (1)

قبلاً حکومت نیکلای اول را در روسیه سراغ داریم که با الیگارشی یهودی میانه‌ای نداشت ولی چنین حوادثی در آن زمان اتفاق نیفتاد. برعکس، این قتل‌ها درست در زمانی اتفاق افتاد که سرمایه‌داران بزرگ یهودی، مانند خانواده‌های گوینزبرگ پولیاکف، طی دهه 1870 نفوذ فروانی در روسیه پیدا کرده بودند. این حوادث زمانی رخ داد که بدهی دولت روسیه به خاندان یهودی روچیلد به مبلغ 69 میلیون پوند استرلینگ رسیده بود. این مبلغ در قرن نوزدهم بسیار هنگفت بود و برابر با میلیاردها پوند امروزه است. به هر حال، هم اصل ماجرای «پوگروم‌ها» بسیار مرموز است و هم درباره ابعاد آن بسیار اغراق شده و می‌شود.

تعداد این «پوگروم‌ها» زیاد نبود و اصلاً اهمیتی نداشت که به خاطر آن میلیون‌ها نفر یهودی از زندگی در منطقه‌ای که دویست - سیصد سال در آن حضور داشتند چشم‌پوشند

و راهی سرزمین‌های جدید شوند. قطعاً، پوگروم‌ها نمی‌توانست علت مهاجرتی چنین وسیع باشد. بی‌شک، در پشت این حادثه سازمان مخفی نیرومندی قرار داشت که طبق یک برنامه دقیق

ص: 479

و با اهداف معین، یهودیان شرق اروپا را به سوی مهاجرت به غرب هدایت می کرد.

در این دوران بیش از چهار میلیون نفر یهودی در روسیه و شرق اروپا سکونت داشتند. توجه کنیم که این یهودیان سکنه بومی نبودند بلکه به طور عمده در قرن شانزدهم به اروپای شرقی و به خصوص به لهستان مهاجرت کرده بودند و این مهاجرت بخشی از پروژه ایجاد شبکه بین المللی را تشکیل می داد که با مهاجرت از شبه جزیره ایبری شکل گرفت.

آنها در زمانی به این منطقه رفتند که شرق اروپا اهمیت فروان داشت و انبار آذوقه اروپا محسوب می شد. این یهودیان مباشرین املاک اشراف لهستان و اوکراین شدند و شریان حیات اقتصادی منطقه را به دست گرفتند و تا آنجا قدرت یافتند که در اواخر قرن نوزدهم مالک حدود یک میلیون و چهار صد هزار هکتار از اراضی مرغوب کشاورزی شرق اروپا بودند. آنها صرافان منطقه نیز بودند و شبکه وسیعی از میخانه ها و میهمانخانه ها را در تملک داشتند. تاریخ و ادبیات شرق اروپا سرشار است از وقایع و داستان هایی درباره فجایع و ستم مباشرین و صرافان یهودی علیه مردم این مناطق. عجیب اینجاست که «پوگروم ها» و موج مهاجرت بعد از آن، درست در زمانی اتفاق افتاد که تحولات اقتصادی شرق اروپا به سود یهودیان نبود. شورش های اشراف لهستان علیه روسیه سبب شده بود که بسیاری از آنها بگریزند و املاک شان مصادره یا مخروبه شود و مباشرین یهودی جایگاه سابق را در کشاورزی منطقه از دست بدهند. دولت روسیه محدودیت های شدید در راه فعالیت میخانه دارها و فروش مشروبات الکلی وضع کرده بود. آزادی سرف ها، یعنی تبدیل دهقانان از برده به رعیت نسبتاً آزاد سبب شده بود که یک قشر جدید مرفه در میان دهقانان ایجاد شود که در فعالیت های پولی و تجاری شاغل شدند و صرافان یهودی را از روستاها بیرون راندند. تمام این عوامل سبب شده بود که یهودیان از نظر اقتصادی به رکود برسند و امکانات گذشته را برای تکاثر ثروت نداشته باشند. لذا، آنها به دنبال بهانه ای بودند که شرق اروپا را تخلیه کنند و به سرزمین های از نظر اقتصادی شکوفا، به خصوص ایالات متحده که سرزمینی با منابع زرخیز و کاملاً بکر و جمعیت اندک و امکانات بالقوه بسیار عظیم، بروند (در نیمه دوم قرن نوزدهم نیروی انسانی در ایالات متحده آمریکا کفاف بهره برداری از این همه منابع سرشار را نمی داد در حدی که برای احداث خطوط راه آهن،

کمپانی‌ها و سرمایه‌داران بزرگی مانند: ادوارد هریمن از صدها هزار نفر کارگر چینی استفاده می‌کردند و آنها را، درست مانند بردگان، از کسانی چون لرد اینچکیب، بنیانگذار و اولین رئیس کمپانی کشتیرانی شبه جزیره و شرق (PO) که بزرگترین شرکت کشتیرانی جهان در آن عصر بود می‌خریدند و به ایالات متحده آمریکا منتقل می‌نمودند. در این سرزمین یهودیانی مانند: یاکوب شیف و آگوست بلموفت و غیره نبض اقتصاد و سیاست را به دست داشتند ولی تعداد اندک آنها متناسب با قدرت عظیم مالی و سیاسی شان نبود (طبعاً این مهاجرت انبوه میلیونی در شرایط عادی امکان نداشت و برای تحقق آن به همدلی افکار عمومی و دولت‌های غرب اروپا و ایالات متحده آمریکا نیاز بود و گرنه این انتقال عظیم جمعیتی واکنش شدید مردم بومی را برمی‌انگیخت. بنابراین، باید فضای تبلیغاتی مناسبی ایجاد می‌شد تا دولت‌های اروپای غربی و آمریکا و مردم این کشورها مهاجرت عظیم فوق‌را بپذیرند. «پوگروم‌ها» و تبلیغات و مظلوم‌نمایی‌های بعد از آن بهانه لازم برای این مهاجرت بود.

بلافاصله پس از این حوادث و زمینه‌سازی و تبلیغاتی، زرسالاران بزرگ یهودی، مانند بارون هرش و روچیلدها، مذاکره با مقامات روسیه را آغاز کردند. بارون هرش با دولت روسیه به توافق رسید که ظرف 25 سال ترتیب مهاجرت چهار میلیون یهودی را بدهد و براساس این توافق با سرمایه دو میلیون پوند سازمانی ایجاد شد به نام «اتحادیه مستعمراتی یهود» یا «ایکا». فهرست موسسین «ایکا» علاوه بر بارون هرش، اعضای برخی از بزرگ‌ترین خاندان‌های سالار یهودی معاصر هستند، یعنی خانواده‌های روچلید، کوهن، گلواسمیت، کاسل، موکاتا و ریناش. بعد از مرگ بارون هرش، بارون اوموندروچلید متولی این سازمان شد.

سپس بارون هرش با دولت آمریکا به مذاکره پرداخت. این مذاکره دو سال طول کشید و پس از بذل و بخشش فروان سرانجام دولت آمریکا تسلیم شد و «بنیاد خیریه بارون دو هرش» با اهداف اسکان یهودیان مهاجر در آمریکا در این کشور آغاز به کار کرد. به این ترتیب، اولین گروه مهاجرین یهودی راهی آمریکا و کانادا شدند.

در میان نخستین نسل مهاجرین یهودی فوق‌بنیانگذاران صنعت سینمای آمریکا و هالیوود قرار داشتند، لویی مایز، برادران شنگ، شموئل گلب فیش (ساموئل گلویین بعدی)، لوئیز زلینگ

برادران وارنر، سام اشپیگل، ال جانسون، اسرائیل بالین (ایروینگ برلین) و غیره. چنین بود که بر بستر جوسازی هایی که به بهانه «پوگروم ها» صورت گرفت، جنبش جدید صهیونیستی پدید شد. سازمان هایی مانند «هیئت زیون» (عشق صهیون) «بنی زیون» (اولاد صهیون) «اهوت زیون» (برادران صهیون) و غیره ایجاد شدند. این جنبش در مجموع به «هوری زیون» (عاشقان صهیون) معروف است.

در این فضا بود که رساله های متعددی درباره تأسیس دولت یهود در فلسطین منتشر شد. ناتان برنباوم اصطلاح «صهیونیسم» را درست کرد و تئوریسین های سیاسی مانند: دکتر لئون پینسکر به فعالیت پرداختند. دکتر پینسکر در سال 1882 رساله ای منتشر کرد به نام «خود رهایی». او در این رساله گفت که «یهود آزاری» در «یهود ترسی» (جودافویا) ریشه دارد که یهودی را موجودی ماورا، انسان، چیزی مانند غول، می بیند. برای این که «جووافویا» از بین برود باید یهودیان کشور خاص خود را داشته باشند و به آنجا مهاجرت کنند. روح و جوهره این رساله «اقتدار دولت یهود» است. مثلاً پینسکر می گوید: «قدرت از آن کسانی است که اعمال قدرت می کنند». برنباوم نیز رساله «نوزایی ملی در یهود» را نوشت و خواستار تشکیل کنگره جهانی یهودیان شد. و سرانجام این موج به هرتزل و کنگره صهیونیستی انجامید.

نتیجه این موج، مهاجرت وسیع یهودیان از شرق اروپا بود. از سال 1881 (شروع پوگروم ها) تا سال 1914 میلادی بیش از دو و نیم میلیون نفر یهودی از شرق اروپا مهاجرت کردند. در این مهاجرت «صهیون» بهانه ای بیش نبود و این مهاجرت ها به طور عمده به ایالات متحده آمریکا صورت گرفت نه به فلسطین.

در واقع، هدف از ایجاد این مهاجرت تاریخی و سرنوشت ساز، اشغال کامل کشور ایالات متحده آمریکا از درون بود. عجیب نباید باشد که امروزه بشنوید که نیویوریک تایمز فاش کرده است که: آریل شارون، دیک چنی، دونالد رامسفلد، ریچارد مایزر و مقالات شبکه خبری فاکس نیز طراحان اصلی سیاست های کلان آمریکا به شمار می روند. به نوشته نیویورک تایمز این شبکه شیخ مانند سرنوشت حاکمیت آمریکا را بدست گرفته و هر جا که منافع شان در چهار چوب لابی صهیونیسم ایجاب کند آمریکا را سوق می دهند. نیویورک تایمز خاطر نشان

کرد نخست وزیر رژیم صهیونیستی معاون رئیس جمهور آمریکا و وزیر دفاع این کشور قدرت اصلی ایالات متحده را تشکیل می دهند و سیاست خاورمیانه واشنگتن را آنها ترسیم می کنند (توجه کنیم که از 2/5 میلیون نفر یهودی مهاجر، حدود دو میلیون نفرشان به ایالات متحده آمریکا رفتند، 350 هزار نفرشان به اروپای غربی، تعدادی به آرژانتین و سایر کشورها و تعداد بسیار کمی به فلسطین. این بی توجهی به سرزمین فلسطین را در گذشته مثلاً در موج بزرگ مهاجرت یهودیان شبه جزیره ایبری در قرن شانزدهم، نیز می توان دید که درست مانند جریان اخیر براساس «تئوری مظلومیت و آوارگی» و به بهانه دروغین انگیز سیون صورت گرفت.

در آن زمان نیز در حالی که انبوه یهودیان مهاجر در کانون های اصلی تجاری حوزه مدیترانه و غرب اروپا مستقر شدند، از سواحل لبنان و شمال آفریقا تا اسلامبول و ازمیر و سالونیک تا بنادر هلند، آلمان، ایتالیا، فرانسه، بلژیک و خیل کثیری از آنها به لهستان و شرق اروپا رفتند، تنها گروه بسیار ناچیزی به فلسطین رفتند که به طور عمده خاخام های سالخورده یهودی بودند. در موج اخیر نیز همین گرایش مشاهده می شود.

این امر نشان می دهد که هدف، چنگ اندازی بر «فرصت های بکر اقتصادی» بود و «آرمان گرایی دینی» تنها پوششی بود برای اهداف دیگر. البته با موج اخیر «مسئله فلسطین» برخلاف گذشته اهمیت جدی یافته بود و به این دلیل «آرمان صهیون» تابعی از چنگ اندازی استعماری بر منطقه استراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا نیز به شمار می رفت. با کشف نفت این منطقه از اهمیت فوق العاده برخوردار شد و به تبع آن «آرمان ارض موعود» یا صهیونیسم، نیز جدی تر شد.

اسطوره هولوکاست و سیطره بر آمریکا

در مورد اسطوره هولوکاست مصاحبه ای ترتیب دادیم گامی به سوی آزادی با پرفسور فردریک توبن عضو مؤسسه تجدید نظرطلبان تاریخ و استاد دانشگاه های استرالیا که به شرح ذیل است:

آقای دکتر توبن بسیار خرسندیم از اینکه شما را در ایران، به ویژه در کنفرانس بین المللی انتفاضه ملاقات می کنیم، به عنوان اولین سؤال تقاضا می کنم بفرمایید به عنوان

یک اروپایی با مسائل خاورمیانه و خصوصاً مسئله فلسطین تا چه حد آشنا هستید؟

خوشحال هستم که در این کنفرانس حضور دارم و این نشان دهنده آن است که همه چیز رو به بهبود است. در سال 2001 سمیناری توسط سازمان ملل بر علیه نژاد پرستی در آفریقای جنوبی برگزار شد. در این کنفرانس اسرائیل به عنوان یک رژیم صهیونیستی محکوم شد و کلیه اعضای شرکت کننده در این کنفرانس اسرائیل و عملکردهایش را محکوم کردند و اسرائیل به عنوان سمبل صهیونیسم معرفی شد اما 4 روز بعد حادثه 11 سپتامبر در آمریکا اتفاق افتاد. این حادثه تمام آن چیزی که در کنفرانس تصویب شده بود به هم ریخت و 4 روز بعد از یازدهم سپتامبر رئیس جمهوری آمریکا جرج بوش به اصطلاح تلاش برای برقراری دموکراسی و آزادی را شروع کرد. جرج بوش گفت هر کس که به آمریکا تعرض بکند تروریست است. بوش گفت دنیای اسلام دنیای تروریسم است.

لطفا در مورد قضیه هالوکست توضیحی بفرمایید.

در واقع با تحقیقات و مطالعاتی که ما انجام دادیم متوجه شدیم هیچ قضیه حقیقی در مورد هولوکست وجود ندارد در واقع هیچ کشتاری بر علیه یهودیان در زمان جنگ دوم جهانی اتفاق نیفتاد و قتل عام صهیونیست ها در اتاق های گاز هرگز اتفاق نیفتاده است و 6 میلیون یهودی مورد ادعای یهودیان در اروپا کشته نشده اند.

بحث در مورد کوره های آدم سوزی و اتاق های گاز که یکی از خطوط قرمز اروپاست و هیچ کس حق ندارد وارد این محدوده ها شود و بنده بخاطر همین سخنان به مدت هفت ماه در زندان آلمان بودم و کرسی استادی دانشگاه را در آنجا از دست دادم به طور خلاصه که براساس سه پایه تعریف کرده اند از ریشه دروغ است اول دستور نازی ها به کشتن، که در منابع و اسناد به هیچ وجه چنین دستوری وجود ندارد سلاح های کشتن که چنین سلاح هایی اصلاً کشف نشده است و سوم وجود 6 میلیون یهودی است که اصلاً در آن زمان در اروپا 6 میلیون یهودی وجود نداشته است.

در نهایت آقای دکتر توبن: می خواهم بدانم که شما آینده انتفاضه و قیام مردم فلسطین را چگونه پیش بینی می کنی؟

اسرائیل باید برود و فلسطین باید بماند. هیچ چیز دیگری وجود ندارد ممکن است این قضیه یک سال، دو سال پنجاه و یا طی صد سال دیگر اتفاق بیفتد. اما این اتفاق قطعاً رخ خواهد داد و مردم فلسطین به پیروزی خواهند رسید.

در ادامه اسطوره پوگروم ها که زرسالاران یهودی غرب نیاز داشتند که جمعیت انبوهی را از یهودیان به آمریکا بکشاند اسطوره هالوکاست که به این واسطه یهودیان را آواره و مظلوم نشان می دادند توجیه دیگری بود برای این موج عظیم مهاجرت. نتیجه این شد که در آستانه جنگ دوم جهانی، شهر نیویورک با 5/1 میلیون سکنه یهودی به بزرگ ترین و متراکم ترین مرکز یهودی جهان تبدیل شد و در ساختار جهانی یهودیان همان مقامی را یافت که بندر آمستردام در

قرن هفدهم از آن برخوردار بود. در این زمان در شیکاگو 350 هزار نفر، در فیلادلفیا 175 هزار نفر و در لندن 150 هزار نفر یهودی استقرار یافته بودند. حضور این جمعیت انبوه و بسیار ثروتمند

به سرعت چهره فرهنگی و اجتماعی جامعه آمریکا را تغییر داد. یهودیان به همراه خود حرفه های سنتی خویش را نیز از روسیه و شرق اروپا به دنیای جدید منتقل کردند از جمله ایجاد

شبکه گسترده تجارت مشروبات الکلی. یهودیان مهاجر اروپای شرقی بنیانگذاران تجارت وسیع مشروبات الکلی در آمریکا هستند، این تجارت به اوج خود رسید و حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا را به خطر انداخت که در سال 1933 دولت آمریکا فروش مشروبات الکلی ممنوع کرد. یک نمونه معروف ساموئل برونفلد یهودی است که در کانادا سکونت داشت و بزرگ ترین تولید کننده مشروبات الکلی و مواد مخدر برای بازار ایالات متحده آمریکا به شمار می رفت.

او برای توزیع کالاهای خود شبکه مخوفی در آمریکا ایجاد کرد که آرنولد روتیشترین یهودی آن را اداره می کرد و بعداً مه یرلانسکی یهودی ریاست این شبکه را به دست گرفت.

کمپانی برونفلد که سیگرم نام دارد، هنوز نیز فعال است و فروش سالیانه آن فقط از طریق مشروبات الکلی بیش از یک میلیارد دلار است. خانواده برونفلد مالک کمپانی نفتی - تگزاس - پاسیفیک نیز هستند که از بزرگ ترین کمپانی های نفتی ایالات متحده است.

مجتمع مطبوعاتی «دوپونت» کانادا نیز متعلق به برونفلد ها است. بنابراین سازمانی

که به نام «مافیای آمریکا» معروف شده برخلاف تبلیغات هالیوود که فقط گانگسترهای ایتالیایی را نمایش می دهد، از بدو تأسیس ابزار الیگارشی یهودی بوده و هست. در تاریخنگاری آمریکا، روتشتین را به عنوان «بنیانگذار تبهکاری سازمان یافته» در این کشور معرفی می کنند. گانگسترهای معروفی مانند: واکسی گوردون جک دیاموند... نوچه ها و دست پرورده های روتشتین بودند و او در مطبوعات آمریکا به عنوان «سلطان دنیای پنهان» شهرت داشت. از مه یرلانسکی، شاگرد و جانشین روتشتین، نیز به عنوان رهبر «شبکه جرم و جنایت سازمان یافته» در آمریکا یاد می شود. او شبکه بسیار وسیعی از قمارخانه ها و فاحشه خانه ها را در کوبای قبل از کاسترو، با هاماس و ایالات متحده در اختیار داشت. او در تمامی عملیات جنایی قابل تصور، از سرقت مسلحانه و فروش مواد مخدر و قمار و فحشای سازمان یافته تا سرقت کودکان و باج گیری و تجاوز به عنف و غیره و غیره، دست داشت و به قتل بسیاری از سران باندهای خود سرو مستقل تبهکار در نیویورک و نیوجرسی دست زد. جالب است بدانید که در سال 1970 دولت آمریکا برای دستگیری لانسکی اقدام کرد. لانسکی به اسرائیل فرار کرد و پس از دو سال جنگ حقوقی با دولت آمریکا سرانجام به این کشور بازگشت، محاکمه و تبرئه شد.

یکی دیگر از رهبران مافیای آمریکا، ویلیام ساموئل رزنبرگ معروف به «بیلی رز» است که او نیز مانند لانسکی و لوچیانو و زیگل و غیره، یهودی بود. بیلی رز از وابستگان برنارد باروخ یهودی، رئیس کمیته صنایع جنگی دولت آمریکا بود و تمام کارهایش را در مشاوره با باروخ انجام می داد. بیلی رز از سال 1924 شبکه بسیار گسترده ای از فاحشه خانه ها و کلوپ های شبانه (نایت کلاب) تأسیس کرد. وی در دهه های 1930 و 1940 به نمایش «شو» نیز اشتغال داشت. یکی از شوهای او فقط طی یک هفته یک صد هزار دلار آن زمان فروش کرد. بیلی رز از این طریق به یکی از میلیاردهای آمریکا بدل شد. او، در کنار لرد ساسون و برونفمن های کانادا و دیگران یکی از رهبران اصلی سندیکای جهانی تجارت مواد مخدر بود. بیلی رز در سوئیس بانکی تأسیس کرد به نام بانک بین المللی اعتباری و از این طریق پول های حاصل از فروش مواد مخدر را جابه جا می کرد و عملیات مالی خود را سامان می داد. این آقای بیلی رز در سال 1965 سفری به اسرائیل کرد و کلکسیون مجسمه های فلزی خود را که بیش از یک میلیون دلار ارزش داشت به این دولت اهداء نمود و به بن گورین نخست وزیر وقت اسرائیل گفت «این مجسمه ها را

این موج مهاجرت که با جنگ دوم جهانی تکمیل شد واقعا به معنای اشغال کشور آمریکا بود. در همه عرصه های مهم جامعه آمریکا همین وضع ایجاد شد. به عنوان مثال هالیوود بر بنیاد همین موج و به وسیله یهودیان ایجاد شد که می توان از آن به عنوان سینمای صهیونیسم نام برد.

منظور ما از سینمای صهیونیسم آن دسته از فیلم هایی هستند که مروج افکار صهیونیستی باشند. سینمای صهیونیستی را می توان به دو دسته تقسیم کرد. قبل از سال 1948 و بعد از سال 1948 قبل از سال 1948. این فیلم ها قسمتی در فلسطین و قسمتی دیگر در ایالات متحده آمریکا و اروپا

تولید شدند از جمله کارگردانان و فیلم های مشهور در این رابطه را می توان فیلم و زندگانی یهود در سرزمین موعود به کارگردانی جاکوب بن دون را نام برد. وی را پدر سینمای صهیونیستی لقب دادند یا فیلم «سرزمین» به کارگردانی هملرا و امات این فیلم در مورد جوانی یهودی است که خود را از چنگال نازی ها نجات و به حق خود نمی رسد مگر در فلسطین. سینمای صهیونیسم بعد از سال 1948 ایفا کننده نقش عظیمی به خصوص در ایالات متحده شد. بسیاری از کارگردانان برجسته هالیوود یهودی بودند و از نسل همان یهودیان مهاجر. (2)

مثلاً ساموئل گلودین، یکی از دو بنیانگذار کمپانی متر و گلدوین مایر از خویشاوندان مه یرلانسکی تبهکار بود. (3) این هالیوود بود که بسیاری از ایستارهای اخلاقی را در آمریکا و دنیای جدید دگرگون کرد مثلاً اولین فیلم تاریخ سینما که در آن حریم اخلاق سنتی مسیحی شکسته شد «ماه، آبی است» نام دارد که در سال 1935 ساخته شد، در این فیلم برای اولین بار واژه هایی مانند «آبستن» و «باکره» به کار رفت از زمان تولید این فیلم فقط 45 سال می گذرد. (4) این فیلم را با فیلم های جدید مقایسه کنید و ببینید در این دوره کوتاه چه تغییر عظیم و حیرت انگیزی در نظام اخلاقی غرب و دنیای پس از هالیوود رخ داده است کارگردان، این فیلم یک یهودی به نام اتوپرمینگر است و کمپانی سازنده اش یونایتد آرتیست. این آقای پرمینگر

ص: 487

1- پژوهش صهیونیت: ج 1، ص 165.

2- موسوعه اليهود والیهديه والصهیونیه: ج 3، ص 153.

3- همان: ص 186.

4- پژوهش صهیونیت: ج 2، ص 356.

سه سال بعد فیلم «مردی با دست های طلایی» را عرضه کرد و در این فیلم یک «نماد» اخلاقی دیگر را شکست و برای اولین بار به نمایش اعتیاد به هروئین پرداخت. او در فیلم بعدش که در سال 1959 یعنی 39 سال پیش عرضه شد، برای اولین بار صحنه تجاوز جنسی را به نمایش گذاشت.

فیلم بعدی او اکسودوس است که روایتی صهیونیستی و به شدت ناجوانمردانه از تأسیس دولت اسرائیل را ارائه می دهد. در رسانه های رادیویی و تلویزیونی نیز همین حکمفرماست. تقریباً تمامی شبکه های رادیویی و تلویزیونی آمریکا را یهودیان تأسیس کردند و مالکیت آن به ایشان تعلق دارد، از «رادیو آمریکا تا تلویزیون کلمبیا» (س.بی.اس). روبرت مردوخ، که به سلطان رسانه ها شهرت دارد نامی آشناست در واقع در طول تاریخ بشری هیچگاه سرزمینی مستعدتر از آمریکای شمالی برای شکوفایی و بروز تمامی استعدادهای نهفته الیگارشوی یهودی وجود نداشته است. در واقع می توانیم بگوییم که یهودی ها به دلیل روحیه مادی و فرهنگ خاصی که داشتند برای اینکه ثروت بیشتری به دست بیاورند وارد حوزه های از نظر اخلاقی ممنوعه می شدند.

سینما اکنون به مثابه یک نهاد تبلیغی عظیم شناخته شده است، تبلیغات سینمایی به صورت فعلی را می توان چنین توصیف کرد: این تبلیغات در خصوص یهود سکوت می کند، یهودیان به جز در موقعیت ها و شرایطی فوق العاده مطلوب و دلپذیر بر پرده سینما ظاهر نمی شود اما این تبلیغات مذاهب دیگر را مورد تهاجم قرار می دهند.

یک خاخام یهودی جز در بهترین کسوت ها بر پرده سینما ظاهر نمی شود. اما از باب مثال روحانیون مسیحی به اشکال مختلف، از مضحکه گرفته تا بزهدار بد جلوه داده می شود.

روحانیت کاتولیک به سرعت علیه تزییع منزلت روحانی خویش واکنش نشان دادند در نتیجه خشم شدید آنان یهود عقب نشست. اکنون هرگز نمی بینید که یک کشیش کاتولیک بر پرده سینما تحقیر شود ولی روحانی پروتستان همچنان به صورت شخصی قد بلند، مبتلا به زکام، ریاکار و متظاهر که در کاریکاتورهای ضد مسیحی ترسیم می گردد بر پرده ظاهر می شود.

عبدالحلیم قنديل سرپرست روزنامه العربی چاپ مصر در مصاحبه با شبکه خبری العربیه گفت گروهی از مقامات آمریکا و اسرائیل مانند سایه بوش را به هر سمت که بخواهند هدایت می کنند او افزود بوش اکنون آریل شارون را به مثابه پدر روحانی خود می داند و فرامین او را اجرا می کند. قنديل همچنین گفت این مقامات درصدد ایجاد نظریه ای تازه به نام صهیونیسم مسیحی هستند.

صهیونیسم مسیحی واژه ای است که برای شاخه افراطی پروتستان های آمریکایی به کار می رود. این گروه به خاطر حمایت از اسرائیل بدین نام مشهور شده اند. مقاله ای که در ذیل می آید نگاهی به نفوذ این گروه در ساختار سیاسی آمریکا دارد.

سرویس خارجی

«جرج بوش» پسر در کوران مبارزات انتخاباتی خود برای تصدی پست فرمانداری ایالت تگزاس گفت: «کسانی که به عیسی مسیح ایمان ندارند هرگز وارد بهشت نخواهند شد» درج این سخن در روزنامه های (آمریکا) اعتراض یهودیان را برانگیخت، به طوری که بوش مجبور شد به جمعیت یهودی «فرزندان برث» نامه بنویسد و سخنان خود را تصحیح کند «من معتقدم اگر می خواهم وارد بهشت شوم باید مسیحی باشم».

«بوش» در سال 2000 با پیروزی بر رقیب خود «جان مک لین» به عنوان نامزد حزب جمهوریخواه معرفی شد، پس از این ماجرا مشخص شد که «کشیش پت روبرتسون» رهبر ائتلاف راستگرایان مسیحی از جرج بوش حمایت کرده است. در حقیقت این واکنشی به «جان مک لین» چرا که وی در سال 1996 از نامزدی ژنرال «کالین پاول» در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا حمایت کرده بود البته پاول در اثر فشار راستگرایان مسیحی مجبور شده بود از نامزدی خود در این انتخابات صرف نظر کند. لذا به خاطر همین رویکرد عجیب به نظر نمی رسد که گروه «سرود مسیح» مراسم افتتاح کنفرانس ملی حزب جمهوریخواه را افتتاح کند و بوش را رسماً به عنوان نامزد ریاست جمهوری این حزب معرفی نماید، همچنین عجیب نیست که بوش در خلال این کنفرانس از پسر کشیش «بیل گراهام» (یکی از بنیانگذاران راستگرای

مسیحی) دعوت کند تا مراسم دعای برکت را انجام دهد، در اینجا باید بگویم راستگرایان محافظه کار از حامیان اسرائیل به شمار می روند، آنان معتقدند حمایت از اسرائیل براساس دستورات انجیل است که سرانجام آن به جنگ بزرگ آرماگدون؟ (و سلطنت هزار ساله مسیح) منتهی می شود.

اکنون بیشتر اعضای وابسته به این جریان، سمت های مهمی در دولت بوش دارند و سیاست های داخلی و خارجی امریکا تحت سیطره آنان می باشد. به هر حال باید گفت صهیونیست ها توانسته اند در میان مسیحیان نفوذ کنند و با راستگرایان ایشان ائتلافی بوجود آورند و آنان را در راستای اهداف و منافع اسرائیل به خدمت گیرند. حال در اینجا این سؤال مطرح می شود، ماجرای راستگرایان مسیحی چیست؟ میزان نفوذ آنان در تصمیم گیری های دولت امریکا چقدر است؟ اهداف سیاسی مهم ایشان کدام است؟ راستگرایان دینی نقشه خاورمیانه را ترسیم می کنند. به نظر می رسد این گونه سؤالات صرفا به مسائل داخلی امریکا مربوط می شود. لذا ضروری است که ما برای شناسایی ریشه های استنباط های نظری و اعتقادات دینی راست گرایان مسیحی با تانی و آرامش تاریخ آنها را مطالعه کنیم. چرا که امروز ترسیم نقشه خاورمیانه در دست این گروه قرار دارد و حتی اگر بگوئیم بعد از حادثه 11 سپتامبر گروه فوق برترسیم نقشه نوین جهان حاکم شدند، سخن اغراق آمیزی نگفته ایم. چرا که امروز شاهد هستیم امریکا به طور یک جانبه به اداره کردن (بحران و مسائل منطقه ای و بین المللی) در اقصی نقاط جهان می پردازد.

آمریکا در قرن 16 میلادی توسط مهاجرین پروتستان (اروپایی) بنیانگذاری شده و همزمان با این مسئله جریان راستگرایان مسیحی نیز متولد گشت. لذا مذهب و کلیسای راستگرایان مسیحی در سرزمین جدید حاکم شد و بر بیشتر مناطقی که پیروان این جریان تا قرن هجدهم میلادی در آنها سکونت داشتند، سیطره پیدا کرد. بعد از آن، ایالات متحده شاهد مهاجرت گروه انبوهی از مسیحیان کاتولیک بود. این مسئله موجب شد تا کلیسای پروتستان از این واژه پیدا کند که کلیسای کاتولیک رهبری دینی مردم را بدست گیرد و امتیازاتی که تاکنون در برابر دولت بدست آورده بود از بین ببرد و بدین رقیب کلیسای پروتستان شود. لذا قضیه

جدایی دین از سیاست را مطرح کرد. به طوری که توانست در سال 1789 اولین تعداد را در قانون اساسی آمریکا بوجود آورد و جدایی دین از سیاست را به مرحله اجرا گذارد. در این ماده قانونی آمده است: «کنگره» هیچ قانونی در ارتباط با نهادینه کردن یا ممانعت از فعالیت های دینی تصویب نخواهد کرد.

مدت زمانی از ایجاد این تعدیل نگذشته بود که پروتستان ها یک ماده الحاقی با این مضمون به قانون اساسی این کشور اضافه کردند: «آزادی بیان دینی حق تمام ادیان است». با گذشت زمان و تغییر در جامعه و جهان، ایالات متحده آمریکا توانست با کمک این مهاجرین جدید یک ساختار نیرومند اقتصادی و نظامی برای خودش بنیان گذارد و سپس دایره نفوذش را به خارج از مرزهای آمریکا گسترش دهد. در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مهاجرین پروتستان احساس کردند جامعه ای که ساخته اند ثروتمند است و با دیگر جوامع متفاوت می باشد. این احساس به آنان تأثیر منفی گذاشت. چرا که تصور کردند از دیگر ملت ها برترند و می توانند بر آنها تسلط پیدا کنند. خطرناک تر از این مسئله اندیشه برتری طلبی است که در داخل راستگرایان مسیحی آمریکا بوجود آمد و به ظهور گروهی موسوم به تندروهای پروتستان منجر شد.

این گروه معتقد است آمریکا بخاطر برتری که دارد باید بر کل جهان حاکم شود و این تفکر پایه ای برای توسعه امپراتوری شد. به هر حال به دنبال پایان یافتن جنگ دوم جهانی، چند گروه امریکایی با هدف سازماندهی مجدد خود در جامعه تحت نظارت و پوشش کلیسای پروتستان به بازسازی و شکافتن پوسته قدیمی خود دست زدند. آنها اقدام به تشکیل ائتلاف ها، سازمان ها، جمعیت ها و هیأت های چندی در چارچوب جامعه مدنی کردند مثل «سازمان اکثریت اخلاقی»، «ائتلاف انجیلی ملی» و ده ها سازمان و ائتلاف های دیگر. پس از آنکه این

جمعیت ها، سازمان ها و هیأت ها از مرحله تنظیم و بنیانگذاری ائتلاف ها گذشتند، شروع به گسترش نفوذ خود در سراسر جامعه آمریکا بویژه در بخش های رسانه ای، فرهنگی و سیاسی کردند. آنها در تبلیغات انتخابی سرمایه گذاری کردند و کار خود را محدود به نامزدهای پروتستان نکردند بلکه این فعالیت نامزدهای لائیک و یهود... را نیز دربرگرفت. با این حال آنها

رعایت اصول مذهب پروتستان را نیز می کردند. نفوذ صهیونیسم در راستگرایان مسیحی درباره چگونگی گسترش راستگرایان مسیحی در جامعه مدنی آمریکا باید بگویم این گروه با کمک و ائتلاف لابی صهیونیستی در جامعه آمریکا رشد و نمو کرد. چرا که لابی صهیونیستی دارای کارشناسان بزرگ برجسته ای در سازماندهی هیأت ها، مؤسسات و جمعیت های مدنی بود.

لابی صهیونیستی به خوبی می توانست در راه تأمین منافع، فشار وارد کند. این موضوعات سرانجام به ظهور جریانی قوی و نیرومند در داخل مذهب پروتستان منجر شد که به نام «صهیونیسم مسیحی» شناخته می شود. اکنون رهبری این جریان در آمریکا به عهده کشیش «پت رویوتسون» است. جریان فوق در آمریکا تحت عنوان «ائتلاف مسیحی» شناخته می شود که یک میلیون نفر عضو دارد. کشیش پت رویوتسون یک امپراتوری را اداره می کردند که بر مؤسسات بزرگ رسانه ای همچون شبکه خبری «فاکس نیوز»، «ان بی سی» و «سی ان ان» تسلط دارد. مهمترین عقاید صهیونیسم مسیحی بر 3 محور استوار است:

اول، ایمان به بازگشت حضرت مسیح علیه السلام و این بازگشت مشروط به برپایی دولت اسرائیل است.

دوم، تشکیل دولت اسرائیل و برپایی این دولت محقق نخواهد شد مگر با بازگشت یهودیان به فلسطین.

سوم، اینکه تنها شریعت خدا تورات است و این دین باید در فلسطین درباره یهودیان اجرا شود. چرا که آنان ملت برگزیده خداوند هستند.

در اینجا باید گفت که موضوعات فوق نقش اساسی در اعلامیه «بالفور» تشکیل دولت اسرائیل، مهاجرت یهودیان به فلسطین و حمایت و کمک به دولت تل آویو در چارچوب قوانین بین المللی داشت. فعالیت جریان صهیونیسم مسیحی با به قدرت رسیدن «رونالد ریگان» رئیس جمهور اسبق آمریکا در سال 1980 اوج گرفت.

در دهه 80 قرن بیستم بود که راستگرایان دینی و سیاسی باهم در آمیختند... این در حالی بود که ریگان به جریان راستگرایان سیاسی محافظه کار تمایل داشت و فردی متدین نبود.

با این حال ریگان راستگرایان مذهبی را به عنوان اسلحه مهم در جنگ سرد مورد استفاده

قرار داد. ریگان در آن زمان به شوروی «امپراتوری شر» لقب داده و این درست برخلاف سیاست همگرایی بود که ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکا در دهه 70 میلادی آن را در پیش گرفته بود.

در زمان ریاست جمهوری کلینتون نفوذ این جریان به طور آشکار نبود. اما در همین دوران بود که جریان مذکور توانست قانون مذهبی را در آمریکا به تصویب برساند. این قانون به دولت واشنگتن اجازه می دهد. تا در امور کشورهای جهان براساس مذهب مداخله کند.

سپس قانون مذکور به عنوان راهنمایی درآمد که نمی توان آن را نادیده گرفت و آن به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد.

وقتی که بوش مجددا متولد شد: «جورج بوش پسر» یکی از راست گرایان مذهبی آمریکا به شمار می رود. بوش قبلاً فردی دور از خدا بود. اما صبح یکی از روزهای سال 1995 به طور ناگهانی در خود احساسی را کشف می کند که باید به سوی خدا باز گردد این مسئله براساس تغییرات مذهب پروتستان «تجدد» نامیده می شود. یعنی بوش تبدیل به شخص دیگری شده و از نو متولد گشته و اکنون فردی متدین است براساس این معنا می توان گفت این اولین باری است که در تاریخ آمریکا یک فرد راستگرای دینی مسئولیت اداره حکومت این کشور را به عهده می گیرد و این جریان در بیشتر وزرات خانه های دولت بوش سیطره دارد و ساختار نظام دولت بوش را تشکیل می دهد این به غیر از آن است که معاون رئیس جمهور، وزیر دفاع، وزیر دادگستری و معاون وزیر دفاع آمریکا به این جریان وابستگی دارند. ذکر این نکته در این جا خالی از لطف نیست چنانچه مسلمانان بخواهند طلسم سیاست های خارجی آمریکا را بشکنند باید به طور کامل با نظرات و اعتقادات راستگرایان آمریکا آشنایی داشته باشند چرا که این جریان بر تمام ساختار سیاسی دولت بوش حاکمیت دارد به هر حال آشنایی با دیدگاههای دینی و فکری (این جریان) مانند عصای سحرآمیزی برای شکستن طلسم سیاست های خارجی دولت آمریکاست.

چه بسا آشنایی با اندیشه (جنبش تدبیری) که یکی از مهمترین و خطرناک ترین جنبش های اصولگرای صهیونیسم مسیحی است که ما را در درک و فهم اعتقادات دینی و نظری

ده ها سازمان و جنبش دیگر صهیونیسم مسیحی کفایت کند.

در اینجا مناسب است یادآوری کنم که «رونالد ریگان» رئیس جمهور اسبق آمریکا به این جنبش وابسته بود. خاطر نشان می شود جنبش تدبیر با تشکیل دولت اسرائیل در آمریکا شکل گرفت و در اواسط دهه 80 میلادی بیش از 40 میلیون آمریکایی در آن عضویت داشتند و اکنون بر تعداد زیادی از وسائل ارتباط جمعی آمریکا سیطره دارد و ایستگاه های تلویزیون ماهواره ای مخصوص را نیز در تملک خود دارد. البته مقامات بلند پایه کاخ سفید، شورای امنیت ملی بخش تصمیم گیری سیاسی وزرات خارجه و نظامیان متخصص در درگیری های اعراب و اسرائیل در این شبکه های تلویزیونی مشارکت دارند. این جنبش معتقد است که خداوند در کتاب مقدس خود به طور واضح خبرهایی را درباره چگونگی تدبیر خود در جهان هستی و سرانجام آن بیان کرده است. همانند برپایی دولت اسرائیل و بازگشت یهودیان به آن، سپس حمله دشمنان خدا به اسرائیل و شعله ور شدن جنگ اتمی «آرماگدون» (دشمنان اسرائیل)، روسیه و اعراب هستند یا به عبارت دقیق تر کمونیست ها و مسلمانان می باشند. جنگ هسته ای ویرانی های بسیار و میلیون ها کشته به جای می گذارد.

پس از این رخ دادها حضرت مسیح ظهور می کند تا پیروان خود را از آتشی که گرفتار آنند نجات بخشند. این همان چیزی است که یهودیان به آن ایمان دارند. سپس صلح و آرامش در حکومت حضرت مسیح استقرار می یابد. این حکومت هزار سال در زیر آسمان و روی این زمین جدید ادامه پیدا خواهد کرد.

همچنین اعضای وابسته به جریان جنبش تدبیری «مثل بقیه جنبش ها و سازمان های راستگرای دینی و صهیونیستی» بر این نکته اعتقاد دارند که تشکیل دولت یهودی در سرزمین فلسطین نشانه نزدیک شدن ظهور حضرت مسیح علیه السلام است و تا زمانی که یهود به طور کامل بر فلسطین تسلط پیدا نکرده و قدس به عنوان پایتخت آنان به شمار نیامده است ظهور حضرت مسیح علیه السلام به تاخیر خواهد افتاد. البته پیش از ظهور حضرت مسیح علیه السلام جنگ اتمی میان اسرائیل و دشمنان واقع می شود تعداد بی شماری زندگی خود را در این جنگ از دست می دهند و این آخرین جنگ روی زمین خواهد بود.

شاید این اعتقاد برای ما بیان می کند که چرا آمریکا اصرار به مسلح کردن اسرائیل به سلاح های پیشرفته و اعطای فن آوری جدید و حمایت همه جانبه از اقدامات آن در سرزمین های فلسطینی و خارج از آن دارد و براساس اندیشه های صهیونیسم مسیحی - آمریکا آمادگی تحقق این پیشگویی ها و ضمانت پیروزی اسرائیل بر دشمنانش در این جنگ ویرانگر را دارد.

این اصطلاح در اصل همان «هرمجدون» است که اشاره به نام تپه ای با همین عنوان دارد. (1)

حماسه یاران قدس

از روایات چنین بر می آید که بزرگترین جنگ های سفیانی نبرد بزرگ فتح فلسطین و جنگ با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است که یهودیان و رومیان در این نبرد سفیانی از وی پشتیبانی می کنند و قائله با کشته شدن سفیانی و پیروزی حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) و آزادی فلسطین و ورود آن حضرت به قدس پایان می پذیرد.

الله اکبر جرت تتردد

والقدس شاخصه المآذن تشهد

یوم اطلقها الفتی

عبرت الی ام الشهید تزعزد

قالت لها تارتالما تزل

یبراس ثورتنا یخی و یوتد

«ندای الله اکبر طنین افکن و بر زبان ها جاری شد. گلدسته های بلند قدس نیز این پیام را سر دادند روزی که این جوان برومند آوای الله اکبر را سر داد این پیام به مادر شهید رسید و او نیز هلهله کرد به او گفت انتقام ما همواره مشعل پر فروغ و نورانی انقلابمان است».

مقدمه فصل دوم

اشغال سرزمین فلسطین و بنیانگذاری رژیم غاصب صهیونیستی به شکل ناگهانی،

ص: 495

مطمئناً همانطور که در بخش پیشین گذشت در نتیجه بیانیه تقسیم فلسطین در سال 1948 نبوده است بلکه زائیده نقشه شیطانی و کهنه ای بوده که نظام سلسله جهانی ابزار تحقق آن را در صهیونیسم به گونه سیاسی یافته بود.

اما چه شد که صهیونیسم جهانی که ائتلاف قدرت های سلطه گر جهانی تشکیل شده بود فلسطین را برای تشکیل حکومت انتخاب نمود. صهیونیسم پس از سیطره بر منابع اقتصادی سیاسی اروپا و آمریکا طی قرن های 16 به بعد متوجه منابع سرشار اقتصادی و موقعیت استراتژیکی فوق العاده خاورمیانه شد.

اما این منطقه به علت حضور یکپارچه دولت عرب مسلمان و نگاهی که اسلام به حضور کفار (به معنای عام) در سرزمین هایش داشت و مشکل همیشگی ایجاد موج مهاجرت یهودیان به منطقه موانع را برای صهیونیسم چند برابر کرد اما به وجود آمدن جنگ جهانی اول که نهایت آن منتهی به تجزیه حکومت عثمانی شد و طی پیمان سایس - پیکو در سال 1916 استان های عربی و تشکیل کشورهای مختلف با موضع گیری های سیاسی مختلف حکمرانان که صهیونیسم از جنایت بعضی از سران نهایت استفاده را کرد صهیونیسم چون نمی توانست مثل اروپا با وجود آوردن تز دولت در دولت یا مثل آمریکا که به راحتی بر تمام منابع اقتصادی و سیاسی دست یافته بود بر منطقه دست یابد نیاز به دولتی و سرزمینی پیدا کرد تا از لحاظ دیپلماتیک گشایشی مرزها هدف خود را عملی کند.

از آنجا که سرزمینی به نام فلسطین که در جنوب غربی شام یعنی در غرب قاره آسیا، در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا واقع شده بود و با گشایش کانال سوئز بر اهمیت آنجا افزوده شده بود و نفت و کشورهای عرب برای رسیدن به اروپا و آمریکا و کشتی های حمل کالاهای اروپایی برای فروش آنها در بازارهای جهان عرب از آنجا می گذشت از لحاظ موقعیت استراتژیک بهترین گزینه برای صهیونیسم از جهت اقتصادی بود.

همچنین از لحاظ نظامی تجارب نشان داده که سرنوشت مصر و سرزمین های شام به طور دائم با سرنوشت فلسطین در ارتباط است و دفاع از مصر و سرزمین شام از فلسطین شروع می شود

پس همیشه می توانست فلسطین مقدمه ای برای کشورهای عرب مجاور باشد و این نیز فاکتوری بزرگ برای حضور دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین باشد.

از طرفی دیگر به علت پیشینه فرهنگی این سرزمین از قرن ها پیش و حضور پیغمبران مختلف در قدس و وجود تپه صهیون که نماد دولت یهودی است (به علت حکومت حضرت داود در آن منطقه) در آنجا مشکل اسطوره سازی برای ایجاد موج مهاجرت یهودیان و انحراف افکار بین المللی به راحتی حل می شد.

بنابراین صهیونیسم با حمایت دولت انگلستان طی یکسری روابط دیپلماتیک پا به منطقه گذاشت و تا به امروز در راستای دستیابی به اهدافش از هیچ کوشش سیاسی فرهنگی اقتصادی و تروریستی تحت عنوان اسرائیل برای دست یابی به منطقه فروگذاری نکرده است.

اما اینجا از تاریخچه حضور صهیونیسم و تشکیل حکومت غاصب اسرائیل می گذریم و بحث را به اینجا می کشانیم که با تمام تدابیری که صهیونیسم مبانی برای حضورش در این منطقه اندیشید همه قوایش را بکار گرفت تا بتواند اهداف شومش را به منصه ظهور برساند. جوانانی پیدا شدند که با دستانی خالی و با دلی پر امید و عشق به وطن و اسلام بر قلب این سفاکان حمله برده اند و تمام معادلات دنیوی آنها را با معادلاتی اخروی برهم زده اند و رو به سوی پیروزی حرکت می کنند.

انتفاضه فلسطین

هنگامی که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره در سال 1979 م / 1357 هـ - شکل گرفت، ناحوم گولدمن، یکی از مؤسسان کنفرانس جهانی و از بزرگ ترین حامیان برپایی وطن ملی یهود در فلسطین، و رئیس وقت صندوق یهود، در کتاب مهم خود تحت عنوان اسرائیل به کجا می رود، نوشت:

«این جزیره یهودی در اقیانوس عربی اطراف خود از بین خواهد رفت و شانس آن خیلی محدود خواهد بود».

در ابتدا کمتر کسی به این تحلیل و پیشگویی وی توجه کرد، اما با پیروزی و حمایت

انقلاب اسلامی ایران از نهضت مردم فلسطین، و آغاز انتفاضه در سرزمین های اشغالی این نظر به واقعیت تبدیل شد که جزیره مزبور (یهودی) از بین خواهد رفت، اما نه در میان اقیانوس عربی پیرامون خود. بلکه در میان امواج پر تلاطم انقلاب اسلامی که از شرق شروع شده است و دامنه ی آن فلسطین اشغالی را نیز فرا خواهد گرفت.

انتفاضه، (1) یا قیام فراگیر فلسطین اشغالی، یا آن جبهه به نام انقلاب مساجد یا معجزه ی قرن بیستم نامیده شده، اولین جهاد مردم فلسطین بر ضد رژیم صهیونیستی اسرائیل نیست و طبیعتاً آخرین آن نیز نخواهد بود. بلکه حرکتی مردمی و حلقه ی بارزی است از سلسله و زنجیره ی جهاد تاریخی مردم فلسطین، که از سال 1948، به اتحاد و روش های گوناگون، در قالب های حزبی و گروهی و حرکت های مردمی و یا اعتصاب جریان داشته است. به طور کلی نمی توان انتفاضه را از تاریخ فلسطین و مبارزه با دشمن صهیونیستی جدا کرد. مبارزه ای که از زمان سلطه ی استعمار انگلیس بر این سرزمین شروع شد، و با تشکیل دولت اسرائیل ادامه یافت، و با تشکیل جنبش های مقاومت فلسطینی از سال 1965، قالب و شکل حزبی و گروهی به خود گرفت. تا این که جزایان های سیاسی مدعی فلسطینی، به دلایل گوناگون، از مرکزیت مبارزه با رژیم صهیونیستی خارج شدند، و روز به روز مشعل مبارزه با این رژیم، رو به افول و خاموشی گرائید. اما در مقابل آن، انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره با وارد کردن اسلام به صحنه ی مبارزاتی مردم فلسطین، به کالبد و جسم نیمه جان نهضت فلسطین که رو به سردی گرائیده بود جانی دوباره بخشید. در نتیجه، دوباره آتش زیر خاکستر انقلاب فلسطین شعله ور شد، و در انتفاضه دسامبر 1987 میلادی تبلور یافت.

انتفاضه ی فلسطین، صرف نظر از عوامل متعدد شکل گیری آن، بدون هیچ وابستگی گروهی یا سازماندهی قبلی جریان های سیاسی مقاومت وابسته به دولت های عربی و با الهام از

انقلاب اسلامی ایران به منصفه ظهور نشانیده شد و وجه تسمیه انقلاب مساجد را به خود اختصاص داد. از آن جا که این قیام، بزرگ ترین دستاورد و پیامد تجربه ی نهضت فلسطین در

ص: 498

1- . انتفاضه از نفص گرفته شده و به معنای لبریز شدن و سررفتن مظروف از داخل ظرف است، به همین لحاظ به قیام مردمی و سراسری در سرزمین های اشغالی فلسطین که فراگیر شد، و همه گروه های مردمی را دربرگرفت، انتفاضه اطلاق می شود.

ظرف سال های مبارزه، به ویژه از سال 1948 م تاکنون است، ضروری است به منظور شناخت بهتر و درک عمیق تر ماهیت و بازتاب و پیام های آن، مسائل زیر را به طور گذرا و مختصر بررسی کنیم:

الف) عوامل مؤثر در پیدایی انتفاضه فلسطین.

ب) اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در انتفاضه.

ج) نیروهای شرکت کننده در انتفاضه.

د) دستاوردها و پیامدهای انتفاضه.

عوامل مؤثر در پیدایی انتفاضه

اشاره

انتفاضه ی فلسطین را نمی توان تابع علت واحدی دانست، و یا پیدایی و گسترش آن را در چندین علت خلاصه کرد. بلکه شروع این قیام فراگیر و استمرار آن، بدون شک تابع علل و عوامل متعددی در ابعاد محلی منطقه ای و جهانی است که به مهم ترین آنها اشاره می شود:

1 - عوامل فلسطینی

به نتیجه نرسیدن مبارزات پیشین گروه های فلسطین در طی مبارزات که در شکل ها و قالب های گوناگون و متعدد سیاسی چپ و غیر مذهبی شکل گرفته بود، نه تنها پیروزی ملت فلسطین ضداشغال گری صهیونیسم را به ارمغان نیاورد، بلکه موجب اختلاف بین طبقات گوناگون فلسطینی و ناکامی فلسطینیان در برابر رژیم صهیونیستی شد. این گروه ها، علاوه بر اختلاف هایی که با یکدیگر داشتند، مبارزه خود بر ضد رژیم صهیونیستی را در خارج از سرزمین های اشغالی فلسطین سازماندهی کردند، آن هم به صورت محدود، غیرمستمر و مقطعی. این گروه ها و سازمان های مقاومت پایگاه هایی در کشورهای همجوار فلسطین اشغالی مثل سوریه، مصر، اردن لبنان و حتی دیگر کشورهای عربی همچون عراق، لیبی و الجزایر داشتند و لذا مجبور بودند سیاست های خود را با سیاست های رژیم عربی همسو و هماهنگ کنند. در این صورت، مبارزه با رژیم اشغالگر قدس، منوط به رضا و توافق این رژیم ها بود. در حالی که برخی از این

رژیم‌ها به سبب ماهیت استبدادی و سرسپردگی به قدرت‌های استعماری غربی، و بعضی دیگر به علت ترس از انتقام اسرائیل، و تعدادی نیز به دلیل نگرانی از تأثیر فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی مبارزاتی متناسب با فلسطین بر جامعه و مردم خود، سعی می‌کنند تا الگو و شیوه‌ی مبارزاتی متناسب با وضع خود را بر فلسطینی‌ها تحمیل کنند.

اختلاف‌های گروهی و تفرقه نیز عامل دیگری بود که گریبانگیر مقاومت فلسطین تا پیش از انتفاضه بود. زیرا هر یک از کشورهای عربی، پس از این که در سال 1967 م جنبش مقاومت فلسطین را خطری برای خود احساس کردند، اقدام به ایجاد و یا تقویت جناح‌ها و افراد وابسته به خود در سازمان آزادی بخش فلسطین کردند. یعنی هرکدام، جناحی در داخل مقاومت فلسطین تشکیل دادند، که اولین هدف و ماموریت آن، حفظ منافع کشور مورد نظر خود در مسئله فلسطین بود. این اختلاف‌ها و جناح‌بندی‌ها در داخل مقاومت فلسطین، پدیده‌ای شوم و مسموم برای مبارزات ضد صهیونیستی فلسطینی‌ها بود، زیرا در بعضی موارد، اختلاف‌ها آن قدر عمیق و گسترده شد که از انشعاب و تحزب و گروه‌گرایی بالاتر رفت، و حتی به درگیری مسلحانه و تصفیه‌های خونین میان آن‌ها انجامید.

در بعد مبارزه با رژیم صهیونیستی نیز فلسطینی‌ها تا پیش از انتفاضه نه تنها نتوانستند پیشرفت و تحولی داشته باشند، بلکه در مقایسه با مبارزات سال‌های اولیه‌ی پس از اشغال فلسطین

(1948) نیز فاصله بیشتری تا پیروزی و تشکیل کشور مستقل فلسطینی پیدا کردند. در جنگ‌های عرب و اسرائیل، در سال‌های 1967 و 1973 میلادی، کشورهای عربی، علی‌رغم برتری نیرویی، نتوانستند به موفقیت چشم‌گیری دست یابند، هر سال که از اشغال فلسطین می‌گذشت، مبارزه با رژیم اشغالگر قدس از شکل و محتوی نظامی خارج می‌شد، و بیشتر جنبه سیاسی و دیپلماسی پیدا می‌کرد. به نحوی که فلسطینی‌ها در برخورد با اسرائیل دو گام به عقب و یک گام به جلو می‌گذاشتند. تا آنجا که فلسطینی‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی، دچار احساس سرخوردگی عمیق شدند و تصمیم گرفتند که به جای دل بستن به نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین و ارتش کشورهای عربی، در فکر چاره‌ای دیگر باشند.

آن‌ها شاهد انحطاط و فروپاشی مبارزات سازمانی، سیاسی و دیپلماسی عرب‌ها، در برابر

تقویت سلطه اسرائیلی ها بر سرنوشت و سرزمین خود و احداث مداوم شهرک های مهاجرنشین یهودی می شدند. لذا به فکر ایجاد حرکتی وسیع و مردمی و غیروابسته بر ضد اسرائیل در داخل

سرزمین های اشغالی فلسطین افتادند.

2 - عوامل منطقه ای

الف) انقلاب اسلامی ایران: پس از اینکه مردم فلسطین، تجربه های تلخ رهبران سیاسی خود را پشت سر گذاشتند، و هیچ روزنه ی امیدی در داخل افق و آرزوهای آن ها هویدا نشد، انقلاب اسلامی ایران شکوفا شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 ه- ش به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره، انوار مقدس آن بر منطقه تایید و مراحل رکود و تاریکی و یاس و ناامیدی را از صحنه فلسطین زدود. انقلاب اسلامی ایران از آغاز، شعار آزادی قدس شریف و فلسطین را از چنگال رژیم اشغالگر قدس و فرزند نامشروع نظام سلطه جهانی، سرداد. امام خمینی قدس سره مسلمانان جهان را به بسیج تمام توان و امکانات خود برای رویارویی با صهیونیسم غاصب دعوت کرد، و شعار نابودی اسرائیل را سرلوحه فعالیت های مسلمانان قرار داد.

جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از رهبر و بنیانگذار خود، اولین سفارت فلسطین در جهان را در تهران بازگشایی کرد. مدتی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشت که موج اسلام خواهی در کشورهای مسلمان منطقه شروع شد. نسل جوان فلسطینی که از مبارزات صوری و غیراصولی سازمان ها و گروه های فلسطینی، در قالب های سوسیالیسم و مارکسیسم و ملی گرایی عربی مأیوس و ناامید شده بودند، روح انقلابی حاکم بر ایران را لمس کردند. به تدریج با مطرح شدن ایدئولوژی اسلام از ناحیه انقلاب ایران در برخورد با مشکلات جهان اسلام، به ویژه مسئله فلسطین، تصور جدیدی در اذهان پیدا شد. که در آن، نشانه های انقلاب و سرکشی و طغیان بر ضد اشغالگران آشکار بود.

اما این مرتبه طغیان و قیام مردم فلسطین جدی تر نمایان شد و از بحث و سازش با اسرائیل در آن خبری نبود. آن ها راه خلاً موجود در صحنه ی مبارزاتی در فلسطین را یافتند و به سوی مذهب روی آوردند. لذا، گرایش به اسلام در نسل جدید فلسطینی و گسترش نشانه های آگاهی

و ظلم ستیزی. که با دین حنیف الهی تطابق داشت، شروع شد و نقش گروه‌ها و احزاب ملی و چپ‌گرا روز به روز در داخل فلسطین اشغالی کم‌رنگ و ماهیت واقعی آنها مشخص شد.

این روحیه به سرعت در ضمیر انسانی و روان گروه‌های مختلف مردم فلسطین در شهرهای غزه، الخلیل، طولکرم و بیت‌الحم که در زیر فشار سرنیزه اسرائیلی‌ها قرار داشت، شاهد شکوفایی تفکر جدیدی شد که از انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار آن حضرت امام خمینی قدس سره الهام می‌گرفت و بر کلیه‌ی اندیشه‌های سیاسی و سازش‌کارانه‌ی چپ و راست خط بطلان می‌کشید. با احیای این تفکر در فلسطین، مبارزات سیاسی سازمانی و گروهی خارج از

مناطق اشغالی رویه افول نهاد و اولین آثار انتفاضه فلسطین در سال 1987 هویدا شد.

ب) مقاومت اسلامی لبنان: بحث در مورد انتفاضه‌ی فلسطین به طور ناخودآگاه ذهن انسان را متوجه عوامل و پارامترهای دیگری در بعد منطقه‌ای آن می‌کند، که بدون شک اولین محور آن لبنان و به طور دقیق مقاومت اسلامی است. پس از اشغال جنوب لبنان و تسلط صهیونیست‌ها بر آن، در سال 1982 مقاومت اسلامی لبنان، به حق - در خلال مقاومت مسلحانه‌ی مردمی خود در جنوب لبنان در برابر اسرائیل اشغالگر - نمونه پویا و زنده‌ای از حرکتی جهادی و انقلابی را به نمایش گذاشت.

پس از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در این سال، و شکست طرح‌های سازشکارانه سیاسی - نظامی رهبران سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین و پس از آشکار شدن ماهیت دولت‌های سازشکار عرب، مقاومت اسلامی که پا به صحنه‌ی سیاست و عرصه کارزار با صهیونیست‌ها گذاشته بود نقطه عطف جدیدی در کشمکش‌های عرب‌ها و اسرائیل به وجود آورد، که دارای اصالت و ماهیت اسلامی بود. مقاومت اسلامی لبنان با تمسک به همین خط و روش توانست طرح صهیونیست‌ها را در لبنان به شکست بکشاند و نیروهای متجاوز و متجاسر آن را مجبور به عقب‌نشینی از این کشور کند. (1)

حرکت‌های چشم‌گیر و جهادی مقاومت اسلامی در تمام جهان اسلام منعکس و آثار آن به خوبی در فلسطین اشغالی آشکار شد. جوانان فلسطینی که شاهد عملیات متهورانه و استشهادی

ص: 502

1- . صفا تاج مجید، انتفاضه، کیهان: 14662، 5/10/1371 ش .

مقاومت اسلامی بودند وضع خود را در مناطق اشغالی فلسطین و با وضع مسلمانان جنوب لبنان مقایسه کردند. آنها دریافتند روحیه ای که در جنبش انقلابی نیز کارساز و موثر باشد و پیروزی بر دشمن در یک منطقه و جبهه محدود نیست و امکان پیروزی در جای دیگری وجود دارد.

با این روش مقاومت اسلامی لبنان روحیه جهادی و مبارزات ضد صهیونیستی در داخل فلسطین از نو برانگیخته شد. آنان توانستند اعتقاد به خداوند و اعتماد به نفس و انگیزه های مقاومت و انقلاب را در دل کلیه ی طبقات فلسطینی در برابر اسرائیل زنده کنند. آغاز دوم انتفاضه مسجدالاقصی پس از اقدام شارون جنایتکار در ورود به حرم شریف قدس با حمایت 2000 سرباز صهیونیست اتفاق افتاد در این انتفاضه تا اول تیرماه 1382 بیش از 2527 فلسطینی به شهادت رسیده و بیش از 60 هزار نفر مجروح شده اند. ضمناً در این انتفاضه تا این تاریخ 768 اسرائیلی به هلاکت رسیده اند.⁽¹⁾

به این ترتیب، ملت مسلمان فلسطین با بهره گیری از انقلاب اسلامی ایران و مقاومت اسلامی لبنان مصمم شد تا با اعتقاد به اسلام و برخورداری از روحیه انقلابی، مرحله جدیدی را برای مبارزات رهایی بخش خود ترسیم کند. آن ها درک کردند که دامنه انقلاب اسلامی به یک محدوده جغرافیایی منحصر نیست و شعاع آن فراتر رفته است و به زودی تمام دنیای اسلام را در بر می گیرد. انقلابی که عظمت اسلام را نمایان کرده و امت اسلامی را از مرحله ی ذلت

و خواری و خضوع در مقابل استکبار و عوامل دست نشانده اش به مدارج پیروزی و رهایی و استقلال می رساند.

ج) خیانت بعضی از سران عرب: ملت مظلوم فلسطین از همان هنگامی که کشورشان با تباری و توافق کشورهای استعمارگر، تحت قیومیت و سلطه ی انگلیس قرار گرفت اولین ضربات تازیانه های ظلم و تجاوز را بر پیکر خود احساس کرد. با تشکیل دولت اسرائیل به کمک استعمار انگلیس و با تباری سران خیانتکار عرب ملت فلسطین کاسه زهر محرومیت و جدایی از سرزمین اجدادی خود را سر کشید. از آن زمان به بعد در زیر سلطه ی رژیم صهیونیستی به زندگی برزخی خود ادامه داد.

ص: 503

هر روز که از زمان اشغال فلسطین می گذشت بر درد و رنج آنان افزوده می شد. زیرا از یک سو رژیم صهیونیستی با خشونت ترور جنایت و دیپلماسی پنهان و اشکار خود در صحنه ی جهانی و منطقه ای سعی در تحکیم سلطه ی خود بر فلسطین اشغالی و کسب موقعیت برتر در منطقه داشت، و از سوی دیگر، برخی کشورهای عربی، به ویژه مصر به سوی سازش با رژیم صهیونیستی و فراموش کردن تاریخ و تمدن و مبارزات ملت فلسطین گام برداشتند.

در بین کشورهای عربی، سادات، رئیس جمهور مصر، قرداد ننگین کمپ دیوید را با رژیم صهیونیستی امضا کرد. وی علاوه بر خارج کردن بزرگترین و پر جمعیت ترین کشور عربی از خط کشمکش عربی - اسرائیلی، ضربه شکننده ای بر پیکر فلسطین وارد کرد، و تمام آرمان ها و آرزوهای مردم فلسطین را که چشم امید به ارتش آن کشور دوخته بودند، نقش بر آب کرد.

لذا، آنان به این نتیجه رسیدند که: «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من». به این دلیل:

«فعالیت جوانان مسلمان فلسطینی پس از شکست کشورهای عربی در جنگ 1967 و رویکرد آن ها به سازش با اسرائیل، شکل انفرادی و سازمان

یافته به خود گرفت. جهاد بر ضداسرائیل، از سوی جوانان شهادت طلب آغاز شد و در کرانه غربی و نواره غزه، از سال 1985، عملیات فردی علیه صهیونیست ها در شهرهای اشغالی فلسطین رو به افزایش نهاد، و قیام پراکنده، مثل پرتاب سنگ علیه ارتش اسرائیل بعضی از خیابان ها را فرا گرفت».

3 - سرکوب و شکنجه فلسطینیان

رژیم صهیونیستی همواره در راستای اهداف تجاوزکارانه و توسعه طلبانه ی خود، به سرکوب فلسطینیان در کرانه غربی و نواره غزه اقدام کرده است. این اقدامات، در دوره ی بین سال های 1967 - 1987 از شدت بیشتری برخوردار شد.

به ویژه با اقداماتی ضد بشری نظیر: کشتار جوانان، زندانی کردن آن ها بدون تحقیق، بازداشت و اقامت اجباری افراد، انهدام منازل، بیرون راندن عرب ها، جلوگیری از ورود فلسطینیان به وطن شان، بستن مؤسسه های آموزشی و اجتماعی و تحمیل مالیات های سنگین

بر مردم، جلوگیری از احداث منازل مسکونی و ساختمان‌ها در روستاها، به وجود آوردن مشکل‌های اقتصادی بر فلسطینیان و... در این راستا، حکومت اسرائیل بیش از هزار منزل مسکونی را منهدم کرد، و چندین روستا را به بهانه‌ی مسائل امنیتی و توسعه‌ی خیابان‌ها به طور کامل از بین برد. رژیم صهیونیستی همچنین در مدت بیست سال (1967 - 1987) بر 52 درصد از زمین‌های کرانه غربی، و 33 درصد از زمین‌های نوار غزه استیلا یافت، و تعداد مستعمره‌های یهودی نشین فقط در کرانه غربی، به بیش از 149 مستعمره، و شمار ساکنان آن‌ها به بیش از 65 هزار تن بالغ شد.

رژیم صهیونیستی همچنین برخی از مراکز مقدس مسلمانان و مسیحیان را مورد تعرض قرار داد، که تظاهرات اعتراض آمیز وسیعی علیه آن به وجود آمد. از جمله‌ی این اقدامات تعرض آمیز و تجاوزکارانه، می‌توان آتش زدن منبر صلاح الدین ایوبی در مسجد الاقصی، در 21/8/1969 که تظاهرات گسترده‌ای از مسجد الاقصی علیه صهیونیست‌ها شروع شد. هجوم ارتش اسرائیل به حرم مسجد الاقصی و تیراندازی به سوی نمازگزاران در صحن مسجد، که ده‌ها تن مجروح شدند، و نیز تلاش صهیونیست‌ها برای انفجار و انهدام مسجد الاقصی، و نیز تلاش آنها برای انهدام مسجد به وسیله هواپیماهای بمب افکن. تجاوزات دیگری نیز در تاریخ یازدهم آوریل 1982 از سوی ارتش اسرائیل به این مسجد انجام گرفت، که عده‌ای از نمازگزاران به شهادت رسیدند و ده‌ها تن نیز زخمی شدند. اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه‌ی رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان و اماکن مقدس اسلامی و مسیحی فلسطین، همچنان، علی‌رغم محکومیت جهانی آن، ادامه یافته است.

4 - عوامل جهانی و بین‌المللی

حمایت‌های بی‌دریغ و مستمر قدرت‌های جهانی به ویژه آمریکا از رژیم صهیونیستی، در مجامع گوناگون جهانی، به خصوص در سازمان ملل متحد، و نیز نشست‌های برخی از کشورهای عربی به پشت‌میز مذاکره با اسرائیل، سبب شد تا به مرور زمان، رژیم صهیونیستی از انزوای سیاسی در صحنه‌ی جهانی و بین‌المللی و نیز تحریم‌های سازمان ملل خارج شود. نیز با بسیاری از کشورهای

آفریقایی روابط دیپلماتیک برقرار کند، و از تحریم های اقتصادی عرب ها رهایی یابد. تا آن جا که موفق شد بخش غظیمی از یهودیان (فالاشه) اتیوپی را به سرزمین اشغالی فلسطین انتقال، و آن ها را در شهرک های یهودی نشین اسکان دهد.

از سوی دیگر سیاستی را که گورباچف (آخرین رئیس جمهوری شوروی سابق) از زمان به دست گیری قدرت در سال 1985، تحت عنوان پروسترویکا و گلاسنوست دنبال کرد، به روند انتقال گسترده ی یهودیان شوروی به اسرائیل شدت بخشید. سقوط کمونیسم در اروپای شرقی و فروپاشی اردوگاه شرق که تا دیروز از حامیان حقوق فلسطینیان بود، و نیز برهم خوردن توازن قوا به نفع غرب که از حامیان اسرائیل بود، موجب شد تا کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی که از زیر چتر شوروی رها شده بودند، برای رهایی از مشکلات داخلی و معضلات اقتصادی که از نظام کمونیستی به آن ها به ارث رسیده بود، به برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل روی آوردند. لهستان، مجارستان و چک اسلواکی، در ابتدا، و سپس بلغارستان، پس از 23 سال قطع رابطه با اسرائیل، مجددا روابط سیاسی خود را با این رژیم از سر گرفتند.

این رویدادها به دنبال فروپاشی بلوک شرق و روی آوری به سوی برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، به قدری در صحنه ی داخلی و جبهه ی مبارزاتی فلسطینیان تأثیر منفی گذاشت که برخی گروه های عضو جنبش مقاومت فلسطین نتوانستند نگرانی و موضع انفعالی و ناامیدانه ی خود را پنهان کنند. نماینده ی سازمان آزادی بخش فلسطین در فرانسه (ابراهیم الصوص)، در مصاحبه با مجله هفتگی با ساچ، در آوریل 1990 اظهار داشت:

«تجدید روابط دیپلماتیک بین کشورهای اروپایی شرقی و اسرائیل ممکن است به صلح (!) کمک کند».

وی همچنین اضافه کرد:

«کنار گذاشتن اسرائیل به این معناست که کسی نتواند بر آن تأثیر بگذارد و یا اسرائیلی ها را به برقراری صلح تشویق کند».

حوادث و رویدادهای مذکور و چندین مسئله مشابه دیگر در صحنه ی جهانی و بین المللی، نه تنها فلسطینی ها را به باز پس گیری سرزمین شان از دست رژیم اشغالگر قدس امیدوار نکرد، بلکه به تقویت اسرائیل نیز کمک، و رویای چندین ساله ی آنها را نیز نقش بر آب

کرد. فلسطینیان نتوانستند با کمک مجامع بین المللی و قدرت های جهانی، از جمله سازمان ملل متحد، حتی به کوچکترین خواسته ی خود که طرح تقسیم فلسطین بود، دست یابند. لذا، مردم دریافتند که جز اتکال به نیروی لایزال الهی و استفاده از مسلسل های متکی بر ایمان، هیچ کس به جز خودشان نمی تواند دفتر سرنوشت فلسطین را ورق بزنند. (1)

در کنار عواملی که ذکر شد، عوامل دیگری نیز در شروع انتفاضه تأثیر داشت. از جمله ی آنها می توان عوامل زیر را نام برد:

1 - برخی از جوانان جنبش اسلامی که از زندان مرکزی غزه گریخته بودند، به دست نیروهای نظامی اسرائیل به شهادت رسیدند. تشییع جنازه ی آنها منجر به حرکت و قیام اعتراض آمیز علیه سلطه گران صهیونیستی شد.

2 - عملیات نفوذ و فرود عده ای از مجاهدان فلسطینی به وسیله ی هواپیماهای بدون موتور گلايدر (کایت)، به یکی از پادگان های ارتش رژیم صهیونیستی در شمال اسرائیل و درگیری شدید با نیروهای صهیونیستی که طی آن عده ای از صهیونیست ها کشته شدند و دو نفر

از مجاهدان نیز به شهادت رسیدند. این عملیات توانست احساسات ملت فلسطین را در همه جا برانگیزد و آنها را به مبارزه ی جدی با رژیم صهیونیستی مصمم کند.

اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در انتفاضه

پس از شروع انتفاضه در سرزمین های اشغالی فلسطین، رژیم صهیونیستی بر شدت تحرکات و اقدامات سرکوبگرانه و امنیتی خود علیه مردم فلسطین افزود. اسرائیل با تمام توان با اعمال فشار بر مبارزان مسلمان فلسطینی و تشدید اقدامات سرکوبگرانه ی خود نظیر دستگیری، شکنجه، قتل و کشتار انقلابیون و سرقت اموال و تخریب منازل و محله های تجاری آن ها برای سرکوب انتفاضه و یا حداقل جلوگیری از آثار و تبعات منفی آن تلاش کرد. ظرف سال های اول انتفاضه عده دستگیر شدگان بسیار زیاد و آزار و اذیت و شکنجه ی زندانیان فلسطینی در تمام بازداشتگاه ها و زندان های اسرائیل امری عادی و جاری شد.

ص: 507

1- . ماجرای فلسطین و اسرائیل: ص 66 .

ارتش رژیم صهیونیستی اقدام به ضرب و جرح زنان و کودکان و پیگیری و دستگیری و شکنجه ی آنها کرد. آنها به وسیله بمب دودزا و گازاشک آور به مساجد و نمازگزاران حمله کردند. جوانان را به قتل رسانیدند، اطفال را ربودند و دانشگاه ها و مدارس و موسسات آموزشی را تعطیل کردند.

الف - عقوبت های دسته جمعی از طریق تبدیل زمین های فلسطین اشغالی به زندان های بزرگ، منبع عبور و مرور افراد، لوازم و اثاثیه منزل و نابودی مواد تدارکاتی و غذایی در هنگام عملیات تفتیش، سرپا نگه داشتن فلسطینی ها به مدت زیاد در صحرا و بیابان و قرار دادن آن ها در سرمای شدید زمستان و یا زیر اشعه ی خورشید (آفتاب) در فصل تابستان و حتی بدون هیچ گونه استثنا و تفاوتی هتک حرمت به علمای دینی و اماکن و مراکز عبادی و مذهبی مسلمانان.

ب - بیرون راندن و تبعید فلسطینیان از سرزمین آبا و اجدادی خود. تا حدی که عده ی افراد تبعید شده به خارج از فلسطین از زمان انتفاضه به بیش از 63 تن رسیده است. با احتساب 11 تن دیگر که حکم تبعید درباره ی آن ها صادر شده است، شمار کسانی که از سال 1967 تاکنون با این شیوه به خارج از فلسطین تبعید شده اند به 3 هزار تن رسیده است.

افزون بر موارد یاد شده ی بالا، اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل تاکنون با روش ها و شیوه های گوناگون انجام گرفته است. بیشترین فشار بر روی افراد و عناصر شرکت کننده در انتفاضه بوده است که تبعات منفی شایان توجهی برای انتفاضه است. این اقدامات عبارتند از:

1 - لغو شناسنامه های اسرائیلی فلسطینی ها و اخراج افرادی که اقدام به پرتاب سنگ می کنند یا با سلاح سرد به اسرائیلی ها حمله می کنند و یا در شورش های شهری و انتفاضه دستگیر می شوند.

2 - تعیین مجازات به مدت یک سال برای هرکسی که به سازمان ترابری و حمل و نقل عمومی خسارت وارد و یا به سربازان اسرائیلی و صهیونیست ها اهانت و توهین کند.

3 - جلوگیری از اشتغال به کار افرادی که در انتفاضه شرکت می کنند.

4 - تعیین مراکز و مؤسسه های آموزشی به منظور استفاده از آن ها در عملیات تخریبی و سرکوبگرانه علیه انتفاضه.

5 - انحلال بیشتر مؤسسه های فلسطینی به ویژه در شرق بیت المقدس و همچنین انحلال انجمن های دانشجویی و ممنوعیت هرگونه فعالیت سیاسی در این مؤسسه ها و برخوردهای غیرانسانی با آن ها و اخراج کارمندان اداره ها و استادان دانشگاه ها که در انتفاضه شرکت می کنند.

6 - تشدید و مراقبت های فیزیکی از زندان و اعمال سیاست سرکوب زندانیان.

7 - اخراج برخی از افراد که در مقابله تبادل اسرا آزاد شده اند.

8 - اخراج کارکنان شهرداری ها که انتفاضه همکاری دارند.

9 - اجرای قوانین جدید احداث ساختمان در سرزمین های اشغالی به صورتی که طبق آن عرب های ساکن سرزمین های اشغالی، قادر به احداث واحدهای جدید مسکونی برای خود نیستند.

10 - انهدام منازل و ساختمان ها و حتی مزارع زیتون که در داخل آن ها سنگ یا بطری آتش زا به سوی اسرائیلی ها پرتاب شده است.

11 - مصادره اتومبیل هایی که در فعالیت هایی انتفاضه به کار گرفته می شود.

نیروهای شرکت کننده در انتفاضه

پس از شروع انتفاضه فلسطین، منابع رسمی اسرائیل و نیز رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا، در اظهارات خود، برای کاستن از اهمیت قیام مردم مسلمان فلسطین شرکت کنندگان در انتفاضه را مشتاق آشوبگر و تحریک شده از جانب خارجی ها خواندند، تا صفت زودگذر به آن بدهند. اما حقیقت امر نشان داد که اسلام گرایان فلسطینی و گروه های داخلی فلسطین اشغالی، و نیز اتحادیه ها و کمیته های جدید مردمی، هر یک در حد توانایی خود، در بسیج مردم مسلمان فلسطین علیه رژیم صهیونیستی نقش داشته اند. رونی جیلد در روزنامه اسرائیلی یدیعوت احارنوت رهبری داخلی انتفاضه را به نام کمیته ملی واحد در امور انتفاضه در مناطق اشغالی یاد کرد، و به ائتلاف نمایندگان هیئت ها و جناح های مختلف که زیر نظر ساف کار می کنند توصیف کرد. اما به مرور زمان مشخص شد که گروه های اسلامی فلسطین به ویژه جنبش حماس و جهاد اسلامی فلسطین، در انتفاضه نقش بارزی دارند و فرماندهی متحد انتفاضه که بوق های

تبلیغاتی از آن یاد می کردند، در برگیرنده ی گروه های ملی و کمونیستی مثل (فتح، جبهه ملی جبهه دموکراتیک و حزب کمونیست فلسطین) است، که تأثیرگذاری و نفوذ آنها را در انتفاضه کمتر از اسلام گراهاست. (1)

البته نقش تشکل های جدیدی را که پس از شروع انتفاضه ظاهر شدند، و یا به تعبیری انتفاضه آن ها را به وجود آورد و به هیچ تشکل سیاسی وابستگی ندارند، نباید ناچیز شمرد. این تشکل های خودجوش، فعالیت های مشخصی در انتفاضه، مانند انتقال مجروحین به بیمارستان، اهدای خون به مجروحین، کمک مالی به افراد خسارت دیده در انتفاضه و غیره انجام می دهند. در این زمینه، یهوشوع بورات، استاد دانشگاه عبری قدس می گوید:

«موج اعتراض موجود بر ضداسرائیل موجب شد تا به جز خود به کس دیگر و یا جریان دیگری اعتماد نداشته باشند. زیرا در چنین وضعیتی امکان رشد نسلی از رهبران جوان فلسطینی که در چارچوب سازمان های فلسطینی قدیم، به ویژه سابق عمل نمایند، در مناطق وجود دارد. اما این ها تابع مقررات

ساف و تأثیرپذیر از آن نیستند، بلکه با اقدامات خود در داخل اسرائیل (سرزمین های اشغالی) بر دیگران (ساف) تأثیر خواهد داشت».

جنبش ها و جریان های اسلامی از نظر تشکیلاتی و سیاسی در انتفاضه فعال هستند، و در مقایسه با دیگر گروه ها، از ویژگی ممتازی برخوردارند. روزنامه واشنگتن تایمز با انتشار گزارش ویژه ای در مورد فعالیت اسلام گراها در انتفاضه، در تاریخ پنجم فروردین 1371 نوشت:

«نیروی قدرتمندی اسلام رفته رفته بر تمام شوون زندگی فلسطینیان مقیم مناطق اشغالی سایه می افکند».

به نوشته ی این روزنامه، فلسطینی ها این روزها از دستورهای اسلام بیش از سازمان آزادی بخش فلسطین پیروی می کنند. این گزارش همچنین اضافه می کند:

«شعارهایی که این روزها بیشتر بر در و دیوارهای این مناطق به چشم

ص: 510

می خورد، به جانبداری از جنبش حماس و جنبش آزادی و جنبش جهاد اسلامی است. بسیاری از فلسطینی ها معتقدند سازمان آزادی بخش فلسطین و ملی گراها، عملاً از قدرتی، که داشته اند سوء استفاده کرده اند، و عملکرد نمایندگان و عوامل ساف در مناطق اشغالی را مورد انتقاد قرار داده اند».

اسرائیلی ها سعی کرده اند تا به نحو مقتضی، از ارتباط جریان های اسلامی فلسطین با دیگر گروه های اسلامی کشورهای دیگر، و تأثیر انتفاضه در کشورهای عربی، به منظور ارباب آن کشورها، استفاده کنند و ترس کشورهای عربی را برانگیزانند و نظر آن ها را برای سرکوبی نیروهای اصولگرای اسلامی فلسطین جلب کنند.

جریان های اسلامی فلسطین، هر چند دارای تأثیرهای نسبتاً زیادی در داخل سرزمین های اشغالی فلسطین هستند، و پایگاه عمده ای در میان مردم مسلمان فلسطین دارند، اما دیگر گروه ها و تشکل های مستقل فلسطینی، هر یک در خصوص خط مشی سیاسی و توانایی های بالفعل خود در داخل فلسطین، در بعضی اقسام نفوذ داشته، و از طریق آنها توانسته اند حضور خود را - هر چند اندک - در انتفاضه نشان دهند.

بنابراین، حضور هر یک از گروه های سیاسی و اجتماعی موجود در سرزمین های اشغالی، و میزان نفوذ نیروهای شرکت کننده در انتفاضه، به هیچ وجه یکسان نیست. از آن جا که این قیام حرکتی خودجوش و مردمی است نمی توان آن را در یک گروه و جریان خاص محصور کرد، بلکه قیامی است که پس از شروع، گروه های سیاسی و مذهبی و اجتماعی فلسطین را به دنبال خود کشید، و آن ها دوشادوش مردم مسلمان فلسطین در انتفاضه شرکت کردند، لکن نقش این گروه ها و مشارکت آن ها در انتفاضه، براساس میزان نفوذشان در مناطق اشغالی فلسطین است.

دست آوردها و پیامدهای انتفاضه

انتفاضه پس از گذشت چندین سال از عمر خود در فلسطین، هر چند دارای فراز و نشیب هایی بوده است، و گاهی بر اثر بروز حوادث و رویدادهایی کاهش و یا زمانی نیز شتاب گرفته

و پیشرفت تصاعدی پیدا کرده است، اما تاکنون مهم ترین و بزرگ ترین قیام فلسطین به شمار آمده است. به قول اسرائیلی ها: «انتفاضه طولانی ترین و خشن ترین قیام ملی فلسطینی هاست» که سرزمین های اشغالی شاهد آن بوده است. به ویژه در این سال جدید که علاوه بر ضربات مهلکی که بر پیکر اسرائیل وارد کرده، توانسته است دستاوردها و نتایج مهمی در صحنه های داخلی منطقه ای و بین المللی داشته باشد، و بسیاری از طرح های منطقه ای و جهانی سازش با رژیم اشغالگر قدس را نقش بر آب کند یا به شکست بکشاند.

در زیر به مهم ترین دستاوردهای انتفاضه اشاره می شود:

1 - محکومیت جهانی اقدامات سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی انتفاضه با تقدیم شهادای بسیار و تحمل بدترین و وحشیانه ترین خشونت ها و سرکوب به دست صهیونیست ها، که بیشتر رسانه های گروهی جهان شاهد آن بوده اند، نشان داد که مردم فلسطین تنها با خون جوشان خویش به موجودیت خود در این گرداب های توطئه و بی غیرتی های قومی، ادامه می دهند و حیات و بقای خود را تضمین می کنند. همچنین، هاله ای از مظلومیت را به دور فلسطینی ها پیچیده به گونه ای که نه تنها در مجامع بین المللی جهانی و کشورهای اسلامی، اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل محکوم شده است، بلکه موج حمایت مردم مسلمان منطقه را از ملت مظلوم فلسطین را برانگیخته، و بسیاری از دولت ها در حمایت از انتفاضه، و یا حداقل محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه و تروریستی اسرائیل به دنبال خود کشیده است. حتی توانسته است که در بین یهودیان و احزاب و گروه های صهیونیستی اختلاف ایجاد کند و احزاب میانه رو و دست چپی اسرائیلی را که مخالف سیاست های توسعه طلبانه دولت حاکم بوده اند، در صحنه ی سیاسی اسرائیل برای مخالفت با آن مصمم تر کند.

2 - خارج شدن رهبری مبارزه ضدصهیونیستی از دست رهبران سیاسی سازشکار فلسطینی انتفاضه با کسب تجربیات پنجاه سال گذشته، مبارزه با اسرائیل را برای پایان دادن به سلطه ی آن بر فلسطین اشغالی، از قالب های گروهی و دیپلماسی خارج کرد، و خط مشی مبارزه را دست رهبران سیاسی مذهبی و جریان های اسلامی و مردمی در داخل فلسطین انتقال دهد. این رهبری جدید، امروزه، در بسیاری از رویدادهای سیاسی فلسطین حضور دارد،

ص: 512

و با عملکردها و مواضع انقلابی خویش، در عمل برخی از سازمان های مقاومت فلسطین را به دنبال خود کشیده است. نمونه ی بارز این حرکت را می توان در پیروی گروه ها و سازمان فلسطینی از انتفاضه مبنی بر تحریک و محکوم کردن کنفرانس صلح خاورمیانه، و مذاکرات صلح رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین با رژیم صهیونیستی برشمرد.

3- قوت بخشیدن به ریشه های انتفاضه و انقلاب در دل مردم مسلمان منطقه انتفاضه، به سبب مستقل، خودجوش، مردمی و اسلامی، به عنوان تنها راه رهایی از چنگال صهیونیسم است. انتفاضه، به دلیل این که فقط به مردم متکی بود، بدون پذیرش هرگونه انقیاد و نفوذ رژیم های عربی منطقه، با قوت تمام به راه خود ادامه داد، و پرتو و دامنه ی آن به سایر کشورهای

عربی امتداد یافت، و کل منطقه را تحت تأثیر قرار داد انتفاضه ریشه های انقلاب را در دل مردم مسلمان منطقه قوت بخشید، و باعث شد گرایش به اسلام و اتکای به نفس در مردم این کشورها زنده شود و جوشش مستمر آن، رژیم های عربی سازشکار را نیز با مشکلات و بحران های داخلی ناشی از گرایش های اسلامی مردم آن ها مواجه کرد.

4- شکست طرح های ذلت بار سازش با رژیم صهیونیستی تشدید انتفاضه در سرتاسر فلسطین اشغالی، و سیر تصاعدی حرکت های ضد صهیونیستی، از سوی فلسطینی ها، در عمل طرح ها و حرکت های محلی، منطقه ای و بین المللی برای سازش با اسرائیل را با شکست مواجه کرد. رژیم صهیونیستی و حامی آن آمریکا چنان مستاصل شدند که کوچک ترین پیشرفتی در محدود کردن انتفاضه و جلوگیری از اسلام خواهی آن نداشتند. انتفاضه ثابت کرد که صهیونیسم و امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع عرب و سازشکاران فلسطینی، جزء تفکیک ناشدنی از یک پیکرند، و در منطقه مشترکی از سرنوشت قرار دارند. به همین دلیل، همه ی این جریان ها و رژیم ها، حتی برای دستیابی به یک توافق کلی و منطقه ای در مذاکرات صلح عرب ها و اسرائیل که با شرکت کشورهای عربی منطقه و فلسطینی های وابسته به خط سازش با اسرائیل در مادرید، واشنگتن، لندن و اسلو تشکیل شد، توفیقی به دست نیاورند. دلیل این مسئله را جورج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا صراحتاً اعلام داشت. او قیام اسلامی در فلسطین را سبب اصلی شکست مذاکرات صلح دانست و از اسرائیل خواست تا برای کسب موافقت عرب ها و همچنین

دسترسی به صلح، انتفاضه را بیش از پیش مهار کند. اسحاق رابین، نخست وزیر مقتول رژیم صهیونیستی نیز همزمان با شروع دور هفتم مذاکرات عرب ها و اسرائیل، در گفت و گو با مجله فرانسوی ربان لوموند، برسرکوبی انتفاضه تأکید کرد و اظهار داشت دولتش با تمام امکانات نظامی به مقابله با فلسطینی ها خواهد پرداخت.

5- ایجاد وحدت و هماهنگی مبارزاتی بین گروه های مختلف فلسطین بر ضد رژیم صهیونیستی انتفاضه توانست مناطق سه گانه فلسطین اشغالی را تحت شعار استقلال ملی وحدت بخشند، و کرانه غربی، نوار غزه و سرزمین های اشغالی 1948 را تبدیل به پیکر واحد در برابر اسرائیل کند. این وحدت، برای اولین بار در تاریخ مبارزاتی فلسطین از سال 1948 شکل گرفت. در سال های اولیه ی اشغال فلسطین و سال های 1967 - 1969، مقاومت چشم گیری مشاهده

نمی شد، مگر یک مجموعه عملیات فردی در مناطق دورافتاده. در نیمه ی اول دهه ی 1970 نیز جنبش سیاسی ملی در کرانه غربی فعال شد، ولی چنین حرکت هایی در دو منطقه دیگر فلسطین اشغالی صورت گرفت. سال 1980 به پایان نرسیده بود که جنبش اسلامی در سرزمین های اشغالی 1948، گامی به سوی عملیات مسلحانه بر ضد نهادهای اقتصادی رژیم صهیونیستی برداشت. اما انتفاضه، خواهان انقلاب همه جانبه و همگانی فلسطین در تمام سرزمین های اشغالی شد، و یک انسجام و وحدت اجتماعی در سرتاسر فلسطین اشغالی به وجود آورد. به این ترتیب، انتفاضه بر کلیه ی طرفداران نزاع و کشمکش بی ثمر در صحنه ی داخلی فلسطین غلبه یافت، و حرکت های ضد صهیونیستی در همه ی مناطق فلسطین را انسجام بخشید. همه ی گروه های جامعه، اعم از دانشجویان و کشاورزان و بارزگانان و کودکان، در صفی واحد در برابر اسرائیل قرار گرفتند و شعار آزادی فلسطین از بحر تا نهر (شرق تا غرب) و از راس ناقوره تا غزه(1) (شمال تا جنوب فلسطین) را در سرتاسر منطقه سر دادند.

آن ها برای همگان روشن کردند که مبارزه با اسرائیل نه تنها بر سر مرز و حدود جغرافیایی فلسطین است، بلکه مبارزه ای است برای بقا، که اصل وجود رژیم صهیونیستی را مورد سؤال قرار می دهد و خواستار نابودی آن به طور کامل است.

ص: 514

1- من البحر الی النهر و من رأس الناقوره الی غزه اصطلاحی است که برای تمامیت سرزمین فلسطین بکار برده می شود.

6 - شکست دستگاه های امنیتی و نظامی اسرائیل در خاموش کردن انتفاضه رژیم صهیونیستی، تمامی دستگاه های اطلاعاتی، امنیتی و نظامی خود را برای شکست انتفاضه و خاموش کردن آتش آن بسیج کرد. آن ها از هیچ اقدامی در این راه، حتی زندانی کردن، کشتار، شکنجه کوتاهی نکردند. اما در پایان بخشیدن به انتفاضه و یا حداقل آرام کردن آن، با شکست

مواجه شدند. در صورتی که در سال های گذشته، با توهم و خیال تفوق کامل و حتمی بر عرب ها و شکست ناپذیری ارتش خود، زندگی می کردند. ولی پس از گذشت پنج سال از شروع انتفاضه، ناتوانی خود را در مهار و خاموش کردن آتش آن اعلام کرده اند. در این زمینه، ژنرال دان شمرون، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، ضمن اشاره به ناکامی در کنترل انتفاضه، اعلام کرد:

«حجم نیروهای اسرائیلی در نوار غزه، به دنبال آشوب ها سه برابر حجم زمان عادی خود شده، و بسیار بیشتر از حجم نیرویی است که در سال 1967

نوار غزه و کرانه غربی را اشغال کرد».

اسحاق رابین نخست وزیر مقتول رژیم صهیونیستی نیز پس از حمله ی شهادت طلبانه یکی از جوانان انقلابی و مسلمان فلسطینی به یک اتوبوس حامل صهیونیست ها، در سرزمین های اشغالی فلسطین، که به تلافی کشتار وحشیانه ی نمازگزاران حرم ابراهیم علیه السلام انجام گرفت، علنا تصریح کرد:

«اسرائیل تاکنون بیشترین ضربات را از انتفاضه خورده است».

زیرا انتفاضه بر ارتش و دستگاه های امنیتی و نظامی اسرائیل نبردی را تحمیل کرد که آمادگی ورود به آن را نداشت، و به یک جنگ فرسایشی و قیامی طولانی مدت تبدیل شد. این رژیم در تنگنایی قرار گرفت که حتی کودکان و جوانان فلسطینی، که زمانی نام اسرائیل در درون بزرگان آن ها رعب و وحشت ایجاد می کرد، به آسانی توانستند در برابر دشمن اسرائیلی قرار بگیرند، و از اسلحه ی آنان نترسند. به این ترتیب بسیاری از اصول و پایه های حاکمیت اسرائیل مورد تهدید قرار گرفت، و حامیان آن مجبور شدند تا خطر انتفاضه را به تعویق یا تأخیر اندازند. لذا، تلاش کردند تا قبل از دست یابی انتفاضه به پیروزی، آن را تحت کنترل خود در آورند.

ص: 515

7 - به شکست کشاندن طرح های صلح و سازش با رژیم صهیونیستی انتفاضه توانست این اصل را مسجل و معین کند که در هیچ یک از طرح ها و برنامه های ساخته و پرداخته دست غرب و کشورهای عربی مرتجع و وابسته، که به صلح و سازش با اسرائیل منجر می شود، وارد نخواهند شد. نیز هیچ یک از کشورهای عربی و حتی فلسطینی های سازشکار داخل سرزمین های اشغالی نیز استحقاق آن را ندارند که به نمایندگی از فلسطینی ها، در طرح های صلح و سازش و حرکت های سیاسی محلی و منطقه ای شرکت کنند، و سخنگوی آن ها وارد در مذاکرات شوند. به مردم تحت ستم جهان نیز تفهیم کرد که برای دسترسی به حقوق مشروع خود، باید از مسلسل های متکی بر ایمان استفاده کرد.

8 - مواجه شدن رژیم صهیونیستی با بحران و رکود شدید اقتصادی بر اثر انتفاضه و اعتصاب کارگران فلسطینی، تولید کارخانه ها، علاوه بر کاهش میزان فروش و درآمد آن، به لحاظ اتخاذ سیاست تحریم کالاهای اسرائیلی از سوی فلسطینی ها و حتی مردم جنوب لبنان، کاهش چشمگیری داشت، و خسارت های زیادی به اقتصاد صنعتی اسرائیل وارد آمد:

«در خلال یک ماه، معادل 80 میلیون شیکل برای کارگاه های بیست و پنجگانه اسرائیل خسارت دربرداشته است».

در این زمینه، یکی از نمایندگان کارخانه های اسرائیل گفته است:

«در اثر غیبت کارگران عرب، خسارت هایی که در یک ماه به صنایع اسرائیل وارد شده است، در حدود 330 هزار دلار است».

او اشاره کرد که 25 کارخانه در زیردست اوست، که در حدود 53 میلیون دلار خسارت دیده اند. دلیل آن، فروش نرفتن تولیدات داخلی اسرائیل در فلسطین بوده است.

«در بخش کشاورزی نیز اقتصاد اسرائیل در دوران انتفاضه شاهد رکود بی سابقه ای بود، و میلیون ها دلار خسارت به آن وارد شد. فقط در یک روز اعتصاب کارگران فلسطینی در زمین های کشاورزی، که در تاریخ

21/12/1987 در سرزمین های اشغالی 1948 انجام گرفت، خسارتی بالغ بر 12 میلیون شیکل بر اقتصاد اسرائیل وارد شد».

در بخش شهرسازی و مسکن نیز به این علت که کارگران فلسطینی تقریباً 72 درصد کل نیروی کارگری این بخش را تشکیل می دهند، اعتصاب آن ها موجب شد تا:

«خسارت های این بخش در هر ماه به 40 تا 50 میلیون دلار برسد».

انتفاضه در بخش جهانگردی نیز تأثیر بسیار منفی گذاشت. جهانگردان و توریست های اروپایی، برای حفظ جان خود، از ورود به فلسطین اشغالی و سیر و سیاحت در این کشور و زیارت امکنه مقدسه آن پرهیز کردند. به این وسیله، خسارت زیادی به این بخش که «هر سال رقمی 3/1 میلیارد دلار درآمد داشت» وارد آمد.

دست آوردهای انتفاضه ی فلسطین ثابت کرد که انتفاضه و رهبری آن، الهام گرفته از روح اسلامی در داخل فلسطین است. نیروهای رسمی سیاسی و احزاب و گروه های ملی فلسطینی سعی داشتند انتفاضه را در مسیر طرح های مسالمت آمیز قرار دهند یا از آن به عنوان عامل تطبیق و مذاکرات صلح و سازش با رژیم صهیونیستی استفاده کند. در صورتی که انتفاضه آن چنان شکل گرفت و به فعالیت خود ادامه داد که راه را بر روی هرگونه طرح های سیاسی مسالمت جوینانه و سازشکارانه بست. روزنامه نگاران صهیونیستی، در همان سال های اول شروع انتفاضه، به این مسئله اعتراض کردند و اظهار داشتند:

«فعالیت ها به حسب ظاهر دور از انتظار است، و محل آن هم همین طور.

اردن و سازمان آزادی بخش فلسطین هیچ یک نمی توانند بر حوادث و رویدادها تسلط داشته باشند. روند حوادث به گونه ای است که در بسیاری از موارد با تعلیمات داده شده از خارج در تضاد است. اظهارات در خارج، خواستار

پیوستن به قطعنامه هایی است که در این جا صورت گرفته و درباره زمین است. در حالی که تظاهرکنندگان خواستار نابودی کامل رژیم اسرائیل هستند».

انتفاضه با تکیه بر اسلام و شعار الله اکبر، و استفاده از کم ترین امکانات ممکن در مبارزه علیه رژیم صهیونیستی، برای مردم خود آن چنان موفقیت و موقعیت های ویژه ای به دست آورد که کشورهای عربی در پنج دهه مبارزه سیاسی و حتی گاهی نظامی، و گروه ها و سازمان های مقاومت فلسطینی، ظرف ده ها سال مبارزه ی مسلحانه و عملیات چریکی و تخریبی علیه اسرائیل و حامیان آن در جهان، نتوانستند به دست آورند.

دکتر منیر شفیق استاد برجسته فلسطینی بود که در حال حاضر در دانشگاه های اردن به تدریس مشغول است وی در گفت وگویی اختصاصی به تشریح دیدگاه های خود پیرامون موضوعات مرتبط با فلسطین و انتفاضه پرداخت در ادامه بخش هایی از این گفت وگورا می خوانید.

آقای دکتر منیر شفیق! از حضور جنابعالی در ایران خوشحالیم و در این فرصت مقتنم به عنوان اولین پرسش تقاضا می کنم دیدگاه خود را درباره انتفاضه دوم مردم فلسطین و انتفاضه اول بفرمائید و اینکه چه دست آوردهایی را به همراه داشته است؟

به نظر من تفاوت عمده انتفاضه اول مردم فلسطین با انتفاضه دوم این است که انتفاضه دوم یک حرکت بین المللی بوده است. همچنین اختلاف دیگر انتفاضه دوم با انتفاضه اول این است که در انتفاضه اول اتحاد به معنای واقعی و عالی وجود نداشت اما در انتفاضه دوم اتحاد لازم برای مبارزه وجود دارد ضمن آن که فرماندهی در انتفاضه دوم قوی تر و منسجم تر شده و ضمن آن باید گفت انتفاضه دوم است که جهان اسلام و حتی در سطح بین المللی، نیروهای مبارز فلسطینی بیشتر شناخته و از حرکت های شهادت طلبانه آنها برای مبارزه با رژیم صهیونیستی آگاهی به دست آمده است همچنین باید گفت انتفاضه دوم توانست گروه های مختلف فلسطینی را هماهنگ کرده و در مبارزه به کار گیرد، کاری که انتفاضه اول نتوانست از عهده آن برآید، در واقع می توان گفت مقاومت های مسلحانه نسبت به سابق بیشتر شده و گروه های مبارز منسجم تر شده اند.

لطفا تحلیل خود را درباره توجه افکار عمومی جهان نسبت به انتفاضه بفرمائید؟

انتفاضه دوم موجب شد که مردم فلسطین متوجه ترفندهای اسرائیل شوند که در قبل از آن کمتر به این ترفندهای اسرائیل به مردم وارد می آمد و مردمی که در اردوگاه ها مقاومت کمی از خود نشان می دادند مقاومت شان در حال حاضر بسیار بیشتر شده است از جمله در اردوگاه جنین که مقاومت بسیار مشهود است و من فکر می کنم در سطح بین المللی و منطقه ای بسیار منسجم تر از گذشته شده و در واقع صدای انتفاضه اول این گونه نبود در یک کلام می توانم بگویم غیرتی که مردم در انتفاضه دوم به کار بردند ستودنی است و این مسئله موجب وحشت زیاد

آمریکا از گروه های فلسطینی شده است در حالی که در انتفاضه اول آمریکا وحشت زیادی از قیام های مردم فلسطین نداشت الان شاهد هستیم که حتی در غرب نیز تظاهراتی علیه آمریکا به خاطر حمایت این کشور از صهیونیسم صورت گرفته با مبارزه ای که طی چند سال گذشته و از طریق انتفاضه دوم صورت گرفته است برابری می کند و حتی می توان گفت تأثیر بیشتری نیز نسبت به مبارزات پنجاه ساله اخیر داشته است و انتفاضه دوم موجب شده که اشغال گری رژیم صهیونیستی که همیشه استمرار داشته است با مشکل مواجه گردد و در بخشی از نواحی مجبور به عقب نشینی شود و این نکته مهمی است زیرا همان طوری که رژیم صهیونیستی برخلاف مقررات اسلو عمل کرد هیچگاه به مقررات و تعهدات بین المللی پایبند نیست.

موقعیت فعلی رژیم صهیونیستی در برابر گسترش انتفاضه دوم را چگونه پیش بینی می کنید؟

به نظر من مزیت دوم این است که ماهیت رژیم به دنیا نشان داد و حتی برخی از آقایانی که در کشورهای عربی نسبت به ماهیت صلح طلبی رژیم صهیونیستی شک و تردید داشتند به اهداف غیر صلح طلبانه و اشغال گرانه رژیم صهیونیستی پی بردند و در واقع مشخص شد که صلح طلبی اسرائیل در واقع اشغال کل فلسطین است و می خواهند اراضی خود را در کل فلسطین توسعه دهند و به همین خاطر نیز رعب و وحشت زیادی را در فلسطین ایجاد کردند من فکر می کنم هدف آمریکا و اسرائیل این است که سوریه و عراق و حتی ایران را که با اسرائیل

متحد نمی شود با اسرائیل متحد کند تا منافع این رژیم را به رسمیت بشناسند.

پیش بینی شما از آینده قیام مردم فلسطین برای احقاق حقوق حقه شان چیست؟

اتفاقات خوبی در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و در تمامی مراحل جریان مبارزه با مردم فلسطین اتفاق افتاده است و الآن میلیون ها نفر در دنیا اخبار مربوط به هجوم بی رحمانه اسرائیل علیه مردم بی دفاع فلسطین را می شنوند و دنبال می کنند و اگر مردم ممالک اسلامی کمک کند، مطمئناً قیام زودتر به نتیجه می رسد و امکان دارد که حتی ارتش صهیونیستی را متلاشی کرده و یا وادار به عقب نشینی بدون قید و شرط کنند، مانند همان مسئله که در جنوب لبنان اتفاق افتاد و رژیم صهیونیستی وادار به عقب نشینی شد.

نقش روشن فکران و نخبگان فکری و دانشجویان جوامع اسلامی در شناسان مبارزه مردم فلسطین چیست؟

به نظر من نقش اصلی را در حمایت از انتفاضه روشن فکران و به ویژه دانشجویان جهان اسلام ایفا می کنند، و نه تنها در مبارزه با مردم فلسطین بلکه در تمامی مبارزات جهانی نیز این نقش برجسته را دانشجویان و نخبگان برعهده دارند، در واقع دانشجویان دختر و پسر با روحیه شهادت طلبی که دارند نقش مهمی را در این زمینه ایفا می کنند.

به عنوان آخرین سؤال نقش سازمان ها و نهادهای بین المللی را در حمایت از انتفاضه مردم فلسطین چگونه ارزیابی می کنید؟

باید گفت که منافع نامشروع اسرائیل و آمریکا به همدیگر گره خورده است و این مسئله منحصر به زمان قبلی نیست و در تمامی دوره های قبلی نیز این چنین بوده است و بنابراین خیلی دور از انتظار نیست که سازمان های بین المللی نقش خوبی را در این زمینه ایفا

نکرده باشند. حتی می توان گفت با نفوذ عمده ای که صهیونیست ها در مجلس آمریکا دارند طبیعی است که آمریکا مجبور به حمایت از این رژیم باشند و در واقع اگر این حمایت از طرف آمریکا صورت نگیرد بقای پارلمان آمریکا نیز با مشکل مواجه خواهد بود.

ص: 520

- 1 - صفا تاج، مجید، ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380 .
- 2 - الموسوعه الفلسطینیه غزه، 1984 م .
- 3 - پایداری فلسطین از نگاه تاریخ و سرزمین، دبیرخانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- 4 - الموسوعه اليهود و الیهودیه و الصهیونیه، 1998 ، سوریه.
- 5 - نویهض عجاج، پروتوکل های دانشوران صهیون، موسسه چاپ آستان قدس رضوی، 1381 .
- 6 - زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، عبدالله شهبازی، ج اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1377 .
- 7 - زرسالاران یهودی و پارسی، جلد دوم.
- 8 - پژوهه صهیونیت، مرکز مطالعات فلسطین، ج اول، 1376 .
- 9 - پژوهه صهیونیت، ج دوم، 1381 .
- 10 - خلاصه مقالات همایش بین المللی انتفاضه گامی به سوی آزادی، دبیرخانه کنفرانس حمایت از انتفاضه، 1382 .
- 11 - صفا تاج، مجید، انتفاضه، کیهان 5/10/1375 شماره 14661 .
- 12 - انصار الثوره الاسلامیه فی فلسطین انتفاضه، ج 2، 1990 .
- 13 - صهیونیسم مسیحی، عمرو سلمان، موسسه کیهان، 1382 .
- 14 - زرسالاران یهود و صهیونیسم، همشهری 24 دی 1377 ، شماره 1742 .
- 15 - مصاحبه با پرفسور توبن، کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه.
- 16 - مصاحبه با دکتر منیر شفیق.

اشاره

مقدمه

یهودیان همواره در طول تاریخ با مشکلاتی فراوان روبرو بوده اند. چه، زمان بنی اسرائیل و در زمان پیامبر خودشان، حضرت موسی، چه بعد از آن، جهان شمولی و یک دستی اسلام و مسیحیت را نداشته اند. تحریف آموزه ها و عقاید اصیل و الهی حضرت موسی در روش و عقیده یهودیان، مسئله ای مهم است که کمتر در خور تشکیک است و تلمود و عهد قدیم و فرمان های دهگانه (الواح) و جز آن، همه مملو از عقایدی است که در نگاه امروزی کمتر انسانی و عقلانی به نظر می رسد! از جمله دعایی منسوب به موسی که می گوید:

«متبارک است خدایی که مرا یهودی خلق کرد، مرا یک زن نیافرید و مرا بی سواد به وجود نیاورد».

جدا از این مسئله، برخورد آنان با مسیحیان و مسلمانان نیز در طول تاریخ مناسب نبوده است؛ آنان به آزار و اذیت فراوان در باره عیسی مسیح و پیروان او روی آوردند و به عقیده مسیحیان، همین یهودیان او را کشتند و هنوز هم مسیحیان افراطی، یهودیان را به بازگشت مسیح تهدید می کنند! نبی ما محمد صلی الله علیه و اله نیز کم از یهودیان رنج و محنت تحمل نکرد! در قرآن نیز مذمت کمی از یهودیان نشده است و به هر حال در طول تاریخ، یهودیان سابقه درخشانی نداشته اند. براین مبنا شمار آنان نیز اندک بوده است و هرگز شایان قیاس با ادیان جهانی دیگر

نیست؛ اما علی‌رغم این مسئله، از یک سو یهودیان در علم و دانش و ثروت، به نسبت رشد چشم‌گیری داشته‌اند، اندیشمندان بزرگ جهانی، فلاسفه، و بنگاه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگی در جهان، یهودی و متعلق به یهود هستند. از دیگر سو عقیده یهودیان مبتنی بر این‌که قوم برگزیده و مقدس و از نسل ابراهیم هستند و خدا آنان را برگزیده است، موجب شده که در نظر و عمل، نقشی مهم در امروز جهان داشته باشند. خصوصاً بعد از بنیان صهیونیسم که به دست یهودیان افراطی از دهه 40 میلادی شکل گرفت، یهودیان به فکر تشکیل کشور مستقل، آزادی، اتحاد و پایان دادن به مشکلات و مصائب تاریخی خود افتاده‌اند که این امر در سال 1947 م با خروج انگلستان از منطقه فلسطین صورت گرفت. آن زمان که قسمتی از منطقه به یهودیان و قسمتی به مسلمانان داده شد و بیت المقدس نیز تحت نظارت سازمان ملل قرار گرفت؛ و بر همین مبنا در 14 می 1948 م کشور مستقل اسرائیل به پایتختی تل‌آویو اعلام موجودیت کرد و به سرعت توسط کشورهای غربی، آمریکا و ایران به رسمیت شناخته شد.

در این مقاله سعی شده است که ضمن روشن ساختن واژه هولوکاست و ریشه‌های آن، استفاده‌های ایدئولوژیک که از این واقعه توسط موافقان آن صورت گرفته، مانند ادعای یهودیان مبنی بر تعلق سرزمین فلسطین به آنان، که ریشه آن واقعه تاریخی دارد، مطرح کرده و سپس در قسمت نتیجه‌گیری دیدگاه‌های نویسنده مقاله را درباره این واقعه بیان کرده است.

تاریخ معاصر جهان از جنگ جهانی اول تاکنون به سبب ظهور قدرت‌های جهانی پس از این دو جنگ فراگیر جهانی، در قرون 20 و 21 و افزایش کشمکش این قدرت‌ها با یکدیگر در قیاس با دهه‌ها و حتی سال‌های گذشته، تحریفات بیشتری داشته است. بسیاری از وقایع سیاسی اتفاق افتاده در این دو قرن نیز به دست قدرت‌های بزرگ و سلطه‌آنان یا مسکوت گذاشته شد یا بیش از حد بزرگ نشان داده شده است.

یکی از وقایع تاریخی که در خلال جنگ جهانی دوم (= 1939 م) اتفاق افتاد و بخشی از شئون زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جوامع اروپایی و آمریکایی را از همان واپسین روزهای پایان جنگ تحت تأثیر قرار داد، واقعه تاریخی معروف به «هولوکاست» است.

این واژه که از سوی یهودی‌ها به عنوان مدرک جرم مبنی بر یهودی‌ستیزی آلمانی‌ها

منتشر شده، باعث طرح دیدگاه‌های متفاوتی از جمله منجر به اختلاف میان طرفداران این این گونه دیدگاه‌ها شده است. هولوکاست که به کشته شدن یهودی‌ها در کوره‌های آدم‌سوزی و همچنین خفه شدن در اتاق‌های بسته با گازهای سمی به دست آلمانی‌ها اشاره دارد، مدعی است که در جنگ جهانی دوم شش میلیون تن، و به گفته بعضی از رسانه‌ها مانند فیلم شب مه حدود 9 میلیون تن یهودی به دست آلمان هیتلری (نازیسم) کشته شده‌اند. روزنامه‌ها و مقالات متعددی این قضیه را تایید کرده و آن را تبلیغ می‌کردند تا وسیله‌ای برای مظلوم‌نمایی دولت اسرائیل و گرفتن غرامت از آلمان به صورت حربه‌ای اقتصادی و سیاسی باشد. لذا بعد از جنگ جهانی دوم با این که سراسر دنیا در این جنگ شرکت کرده بودند و از هر کشوری افراد بسیاری کشته شده بودند، ولی فقط دولت اسرائیل توانست غرامت کشته شده‌های خود را از آلمان دریافت کند که این دریافت غرامت تا سال 2030 میلادی نیز ادامه یافت. هر چند هولوکاست را صهیونیست‌ها در قالب موضوعی دینی و رویداد تاریخی قلمداد کرده‌اند، اما این رویداد برای غیر یهودیان موضوعی تاریخی است. در این مقاله از این که دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای، نویسندگان و حتی سیاستمداران غربی چیزی درباره افسانه هولوکاست نمی‌گویند و مجامع غربی برخلاف شعار آزادی بیان خود به کسی اجازه تشکیک در این افسانه را نمی‌دهند ابراز تعجب و تأسف است.

باعث تأسف است که عده‌ای در دنیای امروز به اسم آزادی بیان و اندیشه به خود اجازه می‌دهند با باورها و اعتقادات بیش از یک میلیارد مسلمان بازی کنند و به ساحت مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله اهانت کنند، اما با چرخشی صد و هشتاد درجه‌ای اجازه نمی‌دهند کسی آزادانه درباره افسانه‌ای که صحت آن مخدوش است، تشکیک کند. با اشاره به برخی محاکماتی که به همین علت برضد برخی دانشمندان غربی برپا می‌شود می‌توان گفت که دمکراسی غربی صرفاً با منافع اقتصادی و سیاسی تفسیر و تعبیر می‌شود، هر کس مختار است و حق دارد به نام آزادی به ارزش‌های دیگران بتازد، اما هیچ کس حق ندارد سخنی تردیدآمیز درباره آدم‌سوزی و نسل‌کشی خیالی نازیسم مطرح کند. به دیدگاه‌ها و تفکرات «روژه گارودی» اندیشمند فرانسوی اشاره می‌شود که گفته است:

«هیچ فرقی بین اعتقادات صهیونیسم و نازیسم نیست هر دوی آنها بر توسعه طلبی نامحدود نظامی استوارند».

همچنین از قول «روژه گارودی»، نازیسم با تفکر نژادپرستانه در صدد جهان گشایی بود صهیونیسم نیز با بهانه و داعیه آدم سوزی و نسل کشی یهودیان در صدد توجیه حضور غاصبانه خود در سرزمین های فلسطین است.

در واقع با مهر «فوق العاده ممنوع» درباره افسانه هولوکاست اجازه نمی دهند حتی کسی آن افسانه را بازخوانی کند، مبادا دروغ و خدعه آنها حتی با درصدی بسیار محدود آشکار شود.

صهیونیسم امروز از انسان های فقیر فلسطینی و اسلحه فقیرانه تر آنان (یعنی سنگ) می ترسد تا مبادا داود سان بر هیمنه و سیطره جالوت گونه آنان فائق آیند.

آنان امروز از سایه هر اقدام استشهادی و اهمه داشته و رعشه بر اندامشان می افتد. اسرائیل امروز به روشنی می داند که اگر افسانه هولوکاست برملا شود، بزرگترین حربه و مستمسک آنان - از ابتدا تاکنون - برای هرگونه اشغال گری و تداوم وحشیانه ترین اقدامات شان از دست می رود. افسانه هولوکاست سلاح اساسی و درجه یک صهیونیسم است که با استفاده از آن و حربه تبلیغات، اشغال گری خود و نیز رفتارهای وحشیانه خویش را با فلسطینیان توجیه می کند. همان توجیهی که نیم قرن است موضوع کتاب های درسی و دانشگاهی و چکیده هر نمایش و تئاتر بوده است.

یهود و صهیونیسم بیم آن دارند که روزی این سلاح و حربه را از دست بدهند و جامعه جهانی با پوچی و بی اساس بودن این حربه دیگر وجود ایشان را برنتابد. آنان از دستان فقیرانه کودکان فلسطینی هراسناکند همچنان که از دستان نویسندگانی که جز قلم صلاح دیگری ندارند می ترسند.

به راستی چه رابطه ای بین واقعه هولوکاست و تأمین شرایط لازم برای تشکیل و بقای دولت اسرائیل بوده است؟

در سال گذشته مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای تصویب کرد که براساس آن 27 ژانویه را روز جهانی «هولوکاست» نام گذاری کرد.

این قطعنامه تا روز سه شنبه اول نوامبر سال 2005 م از سوی مجمع عمومی و بالایی گری اسرائیل، «جان داندروف» سفیر اسبق آمریکا در سازمان ملل، و «تام لنتوس» سناتور یهودی آمریکایی و همچنین گروه های یهودی به اتفاق آرا به تصویب رسید، که از پشتیبانی 104 کشور برخوردار بود.

این قطعنامه هرگونه تجدیدنظر در این موضوع را که از آن به انکار هولوکاست یاد می کنند رد می کند و کشورها را تشویق می کند تا برنامه های آموزشی درباره هولوکاست را توسعه دهند. با تأیید مجدد اعلامیه جهانی حقوق بشر که بیان می دارد هر کس بدون هیچ نوع تمایزی نظیر نژاد، مذهب یا دیگر وضعیت، مستحق داشتن حقوق و آزادی های موضوعه در آن است.

تصویب این قطعنامه در حالی در سازمان ملل صورت گرفت که بسیاری از مورخانی که ابعاد گوناگون این واقعه را زیر سؤال برده بودند، در زندان به سر می برند. شنیدن این خبر از سوی روشن فکران جهان و کسانی که به آزادی تحقیق و تفحص، اعتقادی راسخ داشتند، مأیوس ساخت.

صرف نظر از بسیاری از ادعاها در باره هولوکاست، تجدید نظرطلبان خاطر نشان می سازند که داستان هولوکاست کاملاً تغییر کرده و بسیاری از ادعاها در خصوص کشتار (یهودیان) ارزش و اعتبار خود را از دست داده است؛ به عنوان مثال، زمانی گفته می شد که

آلمانی ها یهودیان اردوگاه داخائوی، بوخنوالد و سایر اردوگاه های کار اجباری را در آلمان با گاز مسموم کرده اند؛ اما ثابت شد که این بخشی از داستان کشتار (یهودیان) آن قدر بی اساس است که سی سال پیش نیز از بررسی آن صرف نظر شد، در زمان حاضر هیچ یک از مورخان برجسته، داستان های مربوط به وجود «اردوگاه های مرگ» در دولت گذشته آلمان رایش را تأیید نمی کنند. حتی مرکز سایمون ویزنتال که مأمور کشف هویت افسران متحدین است نیز این مطلب را تصدیق کرده که:

«هیچ اردوگاه مرگی در کشور آلمان وجود نداشته است».

در محاکمه استثنایی دادگاه نورنبرگ در سال های 1946 - 1945 م و ظرف دهه های پس از جنگ جهانی دوم اردوگاه آشویتس (بخصوص آشویتس بیرکنائو و مجدانک - لوبلین)

عموماً به عنوان مهمترین «اردوگاه های مرگ» قلمداد شد و متفقین در نورنبرگ ادعا کردند که آلمانی ها چهار میلیون انسان را در آشویتس و 5/1 میلیون دیگر را در مجدانک به قتل رسانده اند، اما هم اکنون هیچ مورخ معروفی این آمار و ارقام را قبول ندارد. به علاوه، در سال های اخیر، مدارک بسیار چشمگیری در دسترس قرار گرفته اند که براساس آنها نمی توان اتهامات مربوط به کشتار توده یهودیان در این اردوگاه ها را به سادگی پذیرفت، برای مثال، در عکس های مفصلی که به طور تصادفی در سال 1944 م (بنابر ادعاها اوج دوران انقراض و نابودی) توسط هواپیماهای شناسایی از اردوگاه آشویتس - بیرکناو گرفته شده، هیچ اثری از انبوه اجساد، دود ناشی از سوختن اجساد و یا توده یهودیان در انتظار مرگ مشاهده نمی شود. در صورتی که بنابر اظهارات، اگر آشویتس مرکز یک کشتار عظیم بوده باید در این عکس ها به طور واضح مشاهده می شد.

ضمناً در زمان حاضر همه ما می دانیم که اعترافات پس از جنگ «رودلف هس» فرمانده آشویتس به عنوان بخشی مهم از داستان کشتار هولوکاست، زیر شکنجه صورت گرفته است. اعترافاتی که شش میلیون نامقدس از آن نشأت گرفته است.

یکی از حربه های مهم صهیونیست ها برای توجیه سیاست های وحشیانه خویش، جعل افسانه ها و اسطوره هایی از جمله هولوکاست است. این واقعه ادعایی بیشتر به ارتش هیتلر نسبت داده می شود؛ در صورتی که عالمان تاریخ ارتباط وثیق هیتلر از این موضوع را گوشزد کرده اند.

«هانا آرنه» دانشمند یهودی و «هاینس هوهنه» روزنامه نگار آلمانی به ارتباط های گرم آلمان هیتلری و حزب ناسیونال سوسیالیسم او و صهیونیست ها اقرار می کنند. شواهد گوناگونی براین ارتباط وجود دارد، از جمله:

- انعقاد قرارداد «هاوا» را که تسهیلات لازم جهت مهاجرت یهودیان به فلسطین را از راه انتقال سرمایه شان با صدور کالاهای آلمانی فراهم می کرد.

- همکاری گروه صهیونیستی بتار با نازی ها.

- در قرارداد هاوا در سال 1933 م جانب نازی ها را گرفتند و مانع از اعمال تحریم اقتصادی برضد آن ها شدند.

- مهاجرت گسترده یهودیان آلمان از طریق کمیته رستگاری که مردی به نام کاستنر مسئولیت آن را برعهده داشت و در قبال آن خدماتی به نازی ها عرضه می کرد.

گرفتن غرامت از آلمان از 1952 م و ادامه آن تا سال 2002 م بابت این قتل عام ادعایی. این غرامت چنان برای اسرائیل حیاتی بود که بنگورین، گرفتن آن را معجزه ای در حد ایجاد دولت صهیونیستی می داند.

مقام معظم رهبری می فرمایند:

«دولت آلمان صد و پنجاه میلیارد مارک به عنوان خسارت به یهودی ها داد، اما خسارت یهودیان از آلمان هنوز تمام نشده است، باز هم خسارت طلبکارند و باید به آن ها داده شود؛ آن چه یهودی ها با آلمان کردند، کم و بیش با برخی از کشورهای اروپایی دیگر مثل اتریش، سوئیس، فرانسه و حتی چند سال قبل با واتیکان نیز انجام دادند. همه باید خسارت بپردازند، این خسارت تمام شدنی نیست. در بعد روانی، اسرائیلی ها فعالیت های بسیار

مهمی دارند. همه سیاست مداران، خبرنگاران، روشن فکران، کارگزاران و نخبگان غرب باید در مقابل بنای یادبود کوره های آدم سوزی سر تعظیم فرود بیاورند. یعنی داستانی که اصل صحت آن معلوم نیست، مورد تأکید

قرار گیرد و خود را بدهکار آن داستان قلمداد کنند. این ها روش هایی است که در تبلیغ دارند و همه معطوف به مظلوم نمایی است. این افسانه در کنار اتهام یهودستیزی به منتقدان آن کمک شایانی به توجیه ستم های صهیونیسم در جهان می کند».

پرفسور «نورمن فینکلشتاین» یهودی هم در کتاب صنعت یهودی سوزی به سوء استفاده از این داستان تصنعی و بحث یهودستیزی پرداخته است. پژوهش گران رقم واقعی کشته شدگان یهودی جنگ دوم جهانی را کم تر از دویست هزار تن می دانند که در مقایسه با پنجاه میلیون کشته در جنگ جهانی که مسیحی و مسلمان و بودایی و غیره بودند، قابل اعتنا نیست.

اخیرا با تلاش لابی های صهیونیستی در سازمان های بین المللی و کشورهای گوناگون

قوانینی تصویب شده است که کسی حق اظهار نظر درباره این اسطوره‌ها را ندارد.

قانون دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو حق اظهار نظر اندیشمندان درباره محاکمه‌های دادگاه‌های سران نازیسم را از همه می‌گیرد.

در فرانسه قانون «فابیوس - گسو» به صورتی ظالمانه حق آزاداندیشی و تأمل درباره جعل تاریخ به دست صهیونیست‌ها را سلب می‌کند. انجمن بین‌المللی وکلا و حقوقدان‌های یهودی در کنفرانسی به سال 1998 م در سالوینک خواستار وضع قوانین ضد تجدید نظرطلبی در تاریخ شده و خواسته‌اند کشورهایی که قوانین مشابهی ندارند، آن را تصویب کنند. حامیان هولوکاست از

بحث و گفت‌وگوهای عقلانی اجتناب می‌کنند و معتقدند که باید باور کنیم زیر سؤال بردن این مسئله عملی ارتدادی است و مرتدین باید تنبیه شوند.

امروزه هولوکاست در غرب تبدیل به باور جزمی و قطعی شده است حال آن که در سراسر دنیا کسانی هستند که کشته می‌شوند و کسی به آنها اهمیتی نمی‌دهد، بر همین اساس مدیر بنیاد کانادایی آزادی بیان می‌گوید:

«هولوکاست داستانی خودخواهانه‌ای است که به منافع اقتصادی و سیاسی صهیونیست‌ها کمک می‌کند؛ هالیوود به طور گسترده‌ای به دست صهیونیست‌ها کنترل می‌شود و آنان فیلمهای بی‌شماری درباره هولوکاست به جامعه عرضه می‌کنند، اما برای مثال رنج دیگران مانند پاک‌سازی قومی 16 میلیون آلمانی از اروپای شرقی در سال‌های 1944 - 1948 م را نادیده می‌گیرند».

وی همچنین در این باره که چرا تجدید نظرطلبان از گفت‌وگو درباره هولوکاست منع شده‌اند و چرا با کسانی که در این باره اظهار نظر می‌کنند مانند مرتدین برخورد می‌شود، چنین اظهار نظر می‌کند:

«مذهب هولوکاست به هدف کنترل مردم خدمت می‌کند و مصونیت مهمی را برای اسرائیل فراهم می‌آورد به طوری که نمی‌توان از آن انتقاد کرد و به یهودیان اجازه می‌دهد تا رفتار ویژه‌ای در بسیاری از کشورهای غربی

داشته باشند. همچنین این پدیده به یهودیان در غرب اجازه می دهد در حالی که خودشان را یک اقلیت تحت تعقیب به تصویر می کشند، کنترل نامناسبی بر رسانه ها و اقتصاد داشته باشند. زیر سؤال بردن هولوکاست مزایا و موضع قدرتمند صهیونیست ها را که در بسیاری از

کشورهای غربی از آن برخوردارند، قطع خواهد کرد. بنابراین هر کسی که در این باره بحث کند و یا ابعاد آن را از داستان هولوکاست را زیر سؤال ببرد باید ساکت شود».

مظلومیت یهود از مهم ترین سیاست گذاری های فرهنگی و هنری امروز در تمدن جهودزده غرب است. همان گونه که مسلمانان در طول تاریخ، شهیدان مظلوم خود را دارند و از حماسه آفرینی های عظیم ایشان نیرو می گیرند، یهودیان نیز برای خود «هولوکاست» - یعنی ماجرای کذب قتل عام شش میلیون یهودی در اتاق های گاز و سوزاندنشان در کوره های آدم سوزی - را ساخته اند!

کارکرد هولوکاست به جهات سیاسی و فرهنگی شبیه سازی شده ای این چنین است، با این فرق اساسی که هولوکاست آن گونه که یهودیان صهیونیستی چون «اسپلبرگ» در فیلم «فهرست شیندلر» روایت می کند، یکسره دروغین و تحریف شده است.

سؤال مهم این است که آیا پدیده ای به نام هولوکاست وجود خارجی دارد، یا این که ساخته ذهن کسانی است که آن را وسیله ای برای سلطه گری و اشغالگری به بهانه مظلومیت خود قرار دادند؟

آنچه مسلم است این پدیده حتی اگر حقیقت باشد در باره ابعاد آن اغراق شده است و اغراق در ابعاد آن توجیهی برای اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان بوده است.

نتیجه

پدیده هولوکاست با این همه بزرگ نمایی بیشتر به افسانه شبیه است تا واقعیت، اگر چه این پدیده با اسناد و مدارک و شواهد اثبات شود، اما در باره آن چند نکته مهم مطرح است:

اولاً تمامی کشته شدگان یهودی نبوده اند، و عده چشم گیری از اسلاوها، کولی ها، معلولان، همجنس گراها، کمونیست ها و غیره که یهودی نیز نبوده اند، کشته شده اند. ثانياً شمار کشته شدگان مبهم است و غالباً کسانی که در این مسئله شک کرده اند نیز به کشته شدن 1 تا 5/1 میلیون تن در واقعه هولوکاست اذعان دارند. ثالثاً نکته مهم تر سوءاستفاده صهیونیست ها و مظلوم نمایی اسرائیل از این واقعه است که گهگاه براین اساس برای خود حقوقی قائل می شوند؛ اما فارغ از این مسئله کشته شدن حتی یک تن بی جهت و بدون هر گناهی، امری حیوانی است، چه برسد شکنجه، عریان کردن، کشتن توسط گاز و سوزاندن صدها هزار انسان، مرد، زن، کودک، پیر، جوان و غیره آن هم به دست انسان، اشرف مخلوقات خدا!

اسرائیل و صهیونیست ها ضمن این که واقعه دردناک هولوکاست را برای خود مصادره کرده اند، در پنجاه سال گذشته از آن استفاده های فراوانی برده اند؛ یکی از توجیحات مهاجرت به منطقه خاورمیانه (اسرائیل) همین موضوع بوده است. آنان که در این سال ها خود حقوق بشر را با وقاحت تمام زیر پا گذاشته اند، همواره از موضوع هولوکاست دم می زنند.

ص: 532

«جهانی شدن» (Globalization) اصطلاحی ناظر به یک واقعیت عینی و خارجی است که در آن حیثیت فاعلی و ارزشی، مدنظر نیست. به دیگر سخن، بحث پیرامون پدیده یا وضعیتی است که آدمیان اینک و در دهه های اخیر، با آن مواجه بوده و آن را در حال تحقق می بینند. در مقابل، «جهانی سازی» (Globalizing) اصطلاحی ناظر به حیثیت فاعلی و ارزشی پدیده یا وضعیت جهانی شدن است و به تعبیر روشن تر: حاکی از یک ایدئولوژی و یک برنامه هدفمند برای جهانشمول کردن پاره ای از امور.

این نوشتار ابتدا به تبیین مقوله جهانی شدن می پردازد، سپس از جهانی سازی و راست و ناراست بودن آن سخن می گوید، آنگاه در باب نقش و جایگاه مساجد در عصر جهانی سازی و کارکردهای مؤثر آن، سخن خواهیم گفت.

جهانی شدن

جهانی شدن فرآیندی است در ارتباط با چهار حوزه:

1 - حوزه فنی: در این حوزه، از وقوع و شکل گیری «انقلاب صنعتی و علمی سوم» سخن به میان می آید. «انقلاب صنعتی و علمی اول» از نیمه قرن 16 تا پایان قرن 17 شکل گرفت که در طی آن، پیشرفت های قابل توجه و چشم گیری در زمینه های مهندسی، کشاورزی، پزشکی و جنگ به وجود آمد. «انقلاب صنعتی و علمی دوم»، در نیمه قرن نوزدهم زخ داد و موجب دگرگونی در عرصه توزیع و ارتباط و نیز تولید دیدگاه های علمی بدیع و اساسی گردید. در «انقلاب صنعتی و علمی سوم»، ما با انقلابی در عرصه ارتباطات و فناوری اطلاعات مواجه هستیم. در این مرحله، «نظام جهانی اطلاعات» (World Information Order) از چند طریق شکل می گیرد:

الف - ارتباطات کامپیوتری و تلفنی.

ب - ارتباطات ماهواره ای.

ج - شبکه های بدون مرزی تلویزیونی و رادیویی.

علاوه بر موارد مزبور، توسعه صنعت حمل و نقل هم در این میان نقش آفرین است. مجموعه این عوامل یاد شده، سبب برچیده شدن عنصر «زمان و مکان» و جغرافیا در ارتباطات شده است. از این ویژگی به «افشردگی مکانی» و «باطل شدن جغرافیا» نیز تعبیر می کنند. در چنین شرایطی است که آدمیان احساس می کنند در «دهکده ای جهانی» به سر می برند.

2 - حوزه اقتصاد: در جهانی شدن اقتصاد، شاهد افول و تضعیف «اقتصاد کینزی» هستیم. براساس اقتصاد کینزی، که در مقابل اقتصاد کلاسیک است، دست نامرئی بازار به تعدیل چرخه اقتصادی می پردازد و دولت نباید در این چرخه دخالت داشته باشد. از آن رو که اقتصاد کلاسیک

نتوانست رفاه اقتصادی به بار آورد و به شکاف طبقاتی انجامید، کینز، قائل به نقش و دخالت دولت در اقتصاد برای حل بحران پیشین گردید اما اینک و با جهانی شدن اقتصاد، حاکمیت و دخالت دولت در اقتصاد ملی تضعیف می شود و در مقابل، آنچه برجسته و تقویت می گردد نقش شرکت های چند ملیتی است که وطن و ملیت خاصی نداشته و به دنبال تولید ارزان تر و با صرفه تر می باشند. این شرکت ها از محدودیت قوانین سیاسی و حقوقی ملی تا حد زیادی رهایی می یابند. اینجاست که اقتصاد ملی کم رنگ می شود. در چنین فضایی، سازمان تجارت جهانی (WTO) به وجود آمد که نمادی برای جهانی شدن اقتصاد است.

3 - حوزه سیاست: در حوزه سیاست، شاهد پیدایی و بسط و گسترش روز افزون نهادهای سیاسی بین المللی و یا مؤثر در سیاست بین الملل هستیم. سازمان ملل، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و مؤسسات بین المللی متعدد مدافع آموزی همچون حقوق بشر و محیط زیست، عرصه را بر سیاست ملی تنگ کرده و رابطه دولت - ملت را دچار چالش های متعدد نموده اند. بدین معنا که گاه تصمیمات حاکمیت، در محدوده ملی، در تضاد با دریافت ها و رهیافت های چنین نهادها و مؤسساتی قرار می گیرد، گاه یک تصمیم قضایی، مخالف حقوق بشر شمرده می شود و گاه یک تصمیم اقتصادی دولت، با مخالفت سازمان های مدافع محیط زیست روبه رو می گردد که اقتدار سیاسی دولت را با چالش مواجه می کند.

4 - حوزه فرهنگ: در حوزه فرهنگ، شاهد تقارب و به تعبیر دقیق تر، انتقال فرهنگ ها هستیم. در این انتقال و ترابط، فرهنگ با تمامی اجزا و ارکان خود، همچون دین، آداب، رسوم و باورها انتقال پیدا کرده و گسترش می یابد. نهادهای فرهنگی - حقوقی بین المللی همچون مؤسسات پاسبان حقوق بشر، نمادی از جهانی شدن در عرصه فرهنگ هستند.

جهانی شدن یک برنامه یا یک پدیده طبیعی؟

بحث مهمی که در اینجا مطرح است آنست که آیا با یک پدیده طبیعی با نام جهانی شدن روبرویم یا با یک برنامه طراحی شده و هدفمند؟ برخی معتقدند آنچه آن را جهانی شدن

می‌نامیم مولود طبیعی و جبری پاره‌ای علل و عوامل فنی و تکنولوژیک است، اما در مقابل، برخی دیگر برآنند که این وضعیت، برنامه‌ای طراحی شده و هدفدار برای تحقق اهداف و امیال غرب است که در این راستا از تعبیراتی همچون «آمریکایی‌سازی جهان» یا «غربی‌سازی جهان» استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد هر یک از دیدگاه‌ها بازتاب وجهی از واقعیت‌اند. از سوی دیگر،

«انقلاب ارتباط و اطلاعاتی» و فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی و زوال مرزهای جغرافیایی و مرگ زمان و مکان، مولود طبیعی رشد خیره‌کننده دانش فنی و تکنولوژی است، جهانی شدن بدین معنا، امری طبیعی جلوه می‌کند. همچنین باید گفت از آن رو که این وسایل پیشرفته ارتباط جمعی، در دامن کشورهای غربی متولد شده و رشد کرده‌اند، می‌توانند عاملی برای انتقال آنچه

این کشورها طراحی می‌کنند باشند و اهداف غرب را محقق سازند. چنین وضعیتی، اکنون در مسئله جهانی شدن حاکم بوده و ما در واقع با «جهانی‌سازی» مواجهیم.

در اینکه غرب، در مسئله جهانی شدن، چه چیزی را به دیگران تحمیل می‌کند دو دیدگاه مطرح است:

دیدگاه اول: برخی معتقدند در جهانی شدن، آنچه به دیگران منتقل می‌شود «مدرنیسم» (Modernism) است. مطابق این دیدگاه، مدرنیسم که ذاتاً ماهیتی هژمونیک دارد تسری می‌یابد و به آخرین مرحله تجلی و تکامل خود می‌رسد.

دیدگاه دوم: مطابق این دیدگاه، جهانی شدن در ارتباط اساسی با پست مدرنیسم (Post_Modernism) است. سر برآوردن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید در عرصه‌های گوناگون، تسلط و غلبه و یک پارچگی مدرنیسم را ستانده و جهان را دچار تکثر می‌کند. «کیت نش»، از مدافعان دیدگاه دوم است. به نظر می‌رسد نظریه دوم، چندان مطابق با واقعیت نباشد، زیرا:

اولاً، پست مدرنیسم، دست کم طبق پاره‌ای نگرش‌ها، نقدی از درون تمدن غرب است. پست مدرنیسم، حکایت نارسایی مدرنیسم و البته در چارچوب اندیشه غربی است و از این رو امتداد مدرنیسم است نه دوران و وضعیتی مستقل از آن.

ثانیا، حتی اگر در روند جهانی شدن، اندیشه ها و فرهنگ های دیگر هم رخ بنمایانند، غلبه همچنان با مدرنیسم است. این امر درباره فرهنگ و تمدن های غیراسلامی به دلایل ذیل صادق است:

1 - ضعف در محتوای فرهنگ ها.

2 - ضعف در روز آمد بودن فرهنگ ها.

3 - ضعف در ناحیه وسایل ارتباطی و فنی که منجر به ضعف در فرم (Form) می شود.

در باره فرهنگ و تمدن اسلامی، قطعا مورد اول صادق نیست، ولی مورد دوم به معنای ضعف فعالیت مسلمانان در روز آمد کردن فرهنگ اسلامی (= حفظ محتوا + زبان و فرم جدید) و نیز مورد سوم صادق می باشد.

اکنون به پاره ای از عناصر اساسی مدرنیسم می پردازیم تا دریابیم که با جهانی شدن، پاره دیگر جهان چه هدیه ای از غرب دریافت می کند:

عناصر اساسی مدرنیسم

1 - عقل گرایی (Rationalism)

انسان مدرن، با تکیه بر عقل ابزاری، راه جدیدی برای زندگی خود گشود. عقل ابزاری، عقلی است که به درک جهان اطراف و روابط میان پدیده ها پرداخته و نتایج بدست آمده را بصورت قواعدی تنظیم می کند. چنین عقل، بیشتر کارایی عملی دارد و به انسان امروز، امکان تغییر جهان به سوی وضع مطلوب و زندگی بهتر و راحت تر، در راستای لذایذ غریزی را می دهد. این عقل، با اندیشه دینی و معارف و حیانی ارتباطی نداشته و از آن گریزان است. انسان مدرن، با کنار گذاشتن عقل شهودی، که وجه فارق دوران پیشا مدرن از دوران مدرن بود و می توانست در زمینه مفاهیم و حیانی و حقایق کلی هستی کاوش کند، راه و عرصه را برای عقل ابزاری گشود.

ص: 539

2 - اومانيسم (انسان گروى) (Humanism)

در دیدگاه مدرن، انسان، محور و کانون هستی است و اصالت دارد. توانایی های ذهنی و ادراکی و علمی او برای اداره زندگی اش کفایت می کنند. در دیدگاه صنعتی، انسان گر چه شرافت و کرامت دارد، اما این شرافت و کرامت، از طریق بندگی و عبودیت حاصل می شود، انسان رها و گسیخته از عبودیت، انسان شریفی نیست. در مقابل، انسان جدید بر استقلال خود و کرامت های ذاتی خود و حاکمیت خود بر تدبیر آموزش تأکید کرد و امر و فعلی صادر از جایی فراتر از خود را نپذیرفت. در دوران ما قبل مدرن، کانون هستی «خداوند» بود و ارزش هر چیز، وابسته به خواست و تمایل او گشت.

3 - سکولاریسم (جدانگاری دین و دنیا)

سکولاریسم، فرآیندی است که طی آن، وجدان دینی، فعالیت های دینی و نهادهای دینی، اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می دهند و این بدان معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه، با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امر ماوراء طبیعی عنایت دارند عقلائی می گردند. امروزه، دین در غرب، از او مرتبت نفوذ فراگیری و حتی تعیین کنند و سرنوشت سازی که روزگاری از آن برخوردار بود، سقوط کرده و صرفاً به یک بخش از نظم اجتماعی تبدیل گردیده است.

4 - آزادی

انسان مدرن، خود را در ساحت اندیشه، بیان و عمل، آزاد و رها می بیند. او در اجتماع آزاد است تا هرگونه که می خواهد زندگی و رفتار کند. آزادی او هیچ قیدی ندارد به جز آزادی و رضایت دیگران. تنها زمانی که آزادی دیگران برهم خورد، آزادی محدود می شود و گرنه آدمی، اولاً و بالذات هیچ منع و محدودیتی، حتی منع و محدودیت دینی و الهی را نمی پذیرد، چرا که عرصه

اجتماعی، عرصه حقوق آدمی است و این حقوق را آدمیان خود وضع می کنند نه خداوند کس دیگری. به دیگر سخن، در عرصه حیات جمعی و زندگی اجتماعی، مبنای رفتار آدمیان توافقات خود آنان است نه تکالیف دینی. از این رو، در جوامع غربی، اموری همچون همجنس بازی مشروع و قانونی می شود.

بحران های دامنگیر جوامع مدرن

1 - بحران معرفتی: انسان مدرن، از زمان کانت به بعد، میان خود و جهان واقع، فاصله ای پر نشدنی می بیند. راه شناخت حقیقت اشیا به روی انسان مدرن بسته است و او با عینک ذهن خود، جهان را می بیند و می سازد. این جهان، جهان اوست نه جهان واقعی. از اینجا ریشه های شک گرایی انسان جدید متولد شد. از دیگر سو، نتیجه مطالعات هرمنوتیکی نشان می داد که هیچ فهم ناب و کاملی از یک متن فرا چنگ نخواهد آمد. در معرفت شناسی، صدق به «انسجام با دیگر نظریه ها» تعریف شد و نه به «مطابقت با واقع»؛ مبنای گروی حریفی به نام «انسجام گروی» یافته. نظریه های علوم تجربی با مشکل عدم قطعیت مواجه شدند و قصه تغذیه آنان از علل و عوامل غیر معرفتی بر زبان افتاد. در این میان، نظریه های علوم تجربی، شتاب آلود جای خود را به دیگری می دادند و این انسان مدرن بود که روزافزون دچار بحران معرفت و عدم اطمینان و شک و تردید می شد.

2 - بحران اخلاقی: در دوران مدرن، مکاتبی همچون نسبی گرایی، سودگروی و لذت گروی در فلسفه اخلاق پدیدار شدند که دست کم در برخی شقوق خود (مثل لذت گرایی یا سودگروی تعدیل نایافته) به مشکلات اخلاقی جوامع غربی و ناهنجاری های اجتماعی منجر شدند و یا در گسترش آنها نقش داشتند. چنانکه ذکر گردید، مطابق با اصل آزادی و نیز اومانیسیم، انسان غربی، دست خود را برای ارضای بی حد و حصر و لجام گسیخته شهوات و امیال نفسانی گشوده دید و این چنین شد که امروزه غرب گرفتار بحران معنویت و اخلاق است. غرب، امروزه با معضلات بزرگی همچون خشونت های خیابانی، مصرف بسیار گسترده مشروبات الکلی و مواد مخدر، داروهای توهم زا، آزار جنسی و هم جنس بازی روبه روست. یکی از علل گسترش

مشکلات اخلاقی، توسعه و پیشرفت وسایل ارتباطی و فناوری اطلاعات است. شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای و سایت های اینترنتی، در این زمینه، نقشی اساسی دارند. از آثار چنین وضعیتی در جوامع غربی، فروپاشی جایگاه و منزلت خانواده، افزایش مردان و زنان بی همسر و یا طلاق گرفته و فزونی عشق های خارج از دواج است.

3- بحران روانی: اضطراب و استرس، بیماری قرن و بیماری دوران مدرن است. اروپایی ها، خود واژه «عصر اضطراب» را برای توصیف قرن بیستم برگزیده اند. شکل خاص اضطراب در قرن حاضر، مولود «بی معنایی» و «پوچی و بی اهمیتی» است؛ بی معایی و پوچی زندگی و بی هویتی انسان. جهان جدید، کانون معنوی و معنا بخش زندگی خود را گم کرده است. انسان جدید، ابتدا، خدا را کنار زد تا با عقل خود، خود را آرام و قرار دهد، اما دیری نپایید که دانست کنار رفتن خدا از صحنه زندگی، نه تنها آرام و قرار نمی دهد، بلکه اضطراب و تشویش

می آفریند؛ چنانکه «نیچه» می گوید: «خدا مرده است»؛ یعنی در دوران جدید، حضور خدا در زندگی انسان از بین رفته است. چنین است که در غرب امروز، بشر به پوچی رسیده، از ورزش و سینما همچون دین های جدید تقدیر می کند و خود را به آنها می آوزد.

بخش دوم : کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن

مسجد و تکثیر اندیشه دینی

همچنان که گفتیم در عصر جهانی شدن، جهان غرب می کوشد تا «مدرنیسم» را به نیمه دیگر جهان تحمیل کند و ذهن و ضمیر انسان های سویه دیگر زمین را با زینت و زیورهای فریبنده آن تسخیر کند. برای مقابله با چنین امری، مساجد می توانند کانون هایی برای ارائه اندیشه دینی، در مقابل اندیشه غربی باشند. به دیگر سخن، مساجد می توانند از ظرفیت های خود سود جست و اندیشه قدسی و الهی که زلال و پاک و شفاف است را به مسلمانان و علی الخصوص جوانان

مسلمان عرضه کنند و در مقابل مدرنیسم که ره آورد مغرب زمین است و سمت و سوی با وحی و معارف قدسی و اندیشه های الهی ندارد بایستد.

مسجد و زدودن شبهات فکری

جهان غرب می کوشد با بیانی سیل آسا و انبوه شبهات فکری، اندیشه جوان مسلمان را نسبت به علایق دینی و اعتقادات مذهبی خود سست کند و به تدریج از او فردی لاقید بسازد. چنین فردی، دیگر نخواهد توانست در خدمت انقلاب اسلامی و اهداف عالی آن بکوشد و سودای پیشرفت دینی و دنیوی در سر داشته باشد. مساجد علاوه بر راهکار تکثیر اندیشه دینی، می توانند در این عرصه، کانونی برای دفع شبهات جدید فکری و القائات دنیای مدرن باشند و به جوانان، راه حل صحیح مشکلات فکری را عرضه دارند و آنان را در برابر این هجومه شدید، بیمه نمایند. بدین سان، مساجد در سیمای کانون مقابله با «شبیخون فرهنگی» عرض اندام کرده و جلوه گر می شوند.

مسجد و بهداشت روانی

بهداشت روانی، در جهان جدید مسئله پر اهمیت و دشواری است. چنان که آوردیم یکی از معضلات و مشکلات دنیای معاصر، مسئله بحران های روحی و روانی است تا بدانجا که عصر جدید را «عصر اضطراب» می نامند. دنیای غرب، توأم با تحمیل فرهنگ خود به دیگر جوامع بشری، بیماری دوران مدرن یعنی اضطراب را هم مخفیانه و پوشیده بدانان انتقال می دهد. در اینجا هم مساجد می توانند نقش فعالی ایفا کنند و در تطهیر ذهنی و روانی و بهداشت روانی فرد کمک شایانی ارائه نمایند. این امر از طریق برنامه های عبادی همچون دعا، نماز، راز و نیاز و نیایش و عزاداری که در مساجد انجام می گیرد، محقق خواهد شد. نیکوست تا در اینجا به یک مسئله جالب توجه اشاره کنیم و آن تأثیر سبک معماری اسلامی مساجد در روح و روان و بهداشت روانی افراد است.

ص: 543

«ویلیام جیمز» در کتاب «دین و روان» می گوید:

«اجازه می خواهم که در اینجا نظری به ساختمان های معابد انداخته و بینم که در بکار بردن زیبایی ها در ساختمان های بعضی از معابد همان نیاز و احتیاجی ملاحظه شده است که در نهاد و سرشت آدمی وجود دارد.

روحیه هایی از مردم هست که به سادگی بسیار علاقمند بوده و به بی آلاشی زندگی داخلی خود اهمیت بسزایی می دهند. در مقابل، مردم دیگری هستند که به زرق و برق و جلال و جبروت اهمیت می گذارند... یک روحیه ای که به جاه و جلال اهمیت فراوان می دهد از یک معبد ساده و بی آرایش خوشش نمی آید. او به یک سازمان روحانیتی نیازمند است که پر ابهت و جلال بوده

و یک مقام با عظمتی در رأس آن قرار گرفته باشد... اینها در مقابل یک معبد پر عظمتی که سر به آسمان برافراشته و در آن صدای تکبیر و الله اکبر با لحن

مخصوصی طنین انداز باشد، عظمت و قدوسیت خداوند را بیشتر و بهتر درک می کنند»⁽¹⁾.

سید حسین نصر «جوان مسلمان و دنیای متجدد» می نویسد:

«شاهکارهای بزرگ هنر اسلامی، همچون مساجد جامع قرطبه در اسپانیا، قیروان در تونس و ابن طولون در قاهره یا نظایر دیگر آنها در این سوتر شرق جهان اسلام، مثل بناها و مساجد استانبول و مخصوصاً اصفهان و سمرقند، نه تنها جلوه هایی از روح وحی اسلامی را باز تابانده است، بلکه اصلاً طنین جان و جوهر همان روح است و به یک معنا، روشن ترین و عینی ترین پاسخ رابه این سؤال می دهد که: «اسلام چیست؟». این بناها:

برخی از مهم ترین جنبه های پیام اسلام را در هماهنگی و تناسب و صفا و روشنی و آرامش خود متبلور ساخته است»⁽²⁾.

ص: 544

1- . ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی: ص 150 و 151 .

2- . سید حسین نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو: ص 148 و 149 .

مساجد می توانند کانونی نقش آفرین و اساسی برای گسترش و تعمیق اندیشه مهدویت و به سخن روشن تر جهانی سازی مهدوی (عج) باشند. در اندیشه شیعی، مهدی موعود (عج)، روزگاری، دعوت جهانی خود را آغاز خواهد کرد و حکومتی جهانی به پا خواهد نمود و اندیشه الهی و وحیانی شیعی را در سراسر گیتی خواهد گستراند. بنابراین، شیعه معتقد به جهانی سازی مهدوی (عج) است. این اندیشه، نقطه مقابل جهانی سازی غربی است که از زلال وحی به دور است و بر مبانی فرهنگ و تمدن غرب استوار است، می باشد. شیعه می تواند از اندیشه مهدویت سود جسته و آن را به جهانیان عرضه داشته و دل های افسرده و دردمند سراسر عالم را امیدوار سازد و بدانان بفهماند که چنان نیست که اندیشه غالب، اندیشه غرب و جهان کفر باشد. برای نیل به چنین هدفی، باید از مساجد یاری گرفت تا ابتدا خود اندیشه مهدویت در میان شیعیان به تعمیق و رشد و بالندگی برسد و زمینه صدور آن فراهم گردد.

مسجد و مسئله بازیابی هویت

یکی از فرق های دوران ما قبل مدرن و جهان سنتی با دوران مدرن اینست که در دوران ما قبل مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمی، ساده و غیر پیچیده بودند. این اشیا نشانه ها و آیت خداوند بود. آدمی با نظر به آنها، به یاد خداوند می افتاد و یا آنکه به تأمل در خود و هستی خود و شناخت حقایق نفس خود کشانده می شد، به دیگر زبان، جهان چنان دیده می شد که گویی محضر و تجلی گاه خداوند است. فرآورده های علمی و فنی بشر در آن دوران هم واجد چنین وصفی بودند یعنی انسان با دیدن آنها یا به خدا و یا به نفس خود (به عنوان مقدمه ای برای رجوع به خدا) ارجاع داده می شد و چنین است که در معماری سنتی مساجد، مفاهیم دینی خودنمایی می کند. اما در جهان مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمیان، پیچیده شدند و جامد سادگی را بدر کردند، بشر بجای آن که به تفسیر طبیعت بنشیند، به تغییر او پرداخت و دنیایی عجیب و پر زرق و برق با انواع و اقسام محصولات تکنولوژی مدرن پدید آورد. در این دنیا، اشیا دیگر آیت و وجه الله نبودند. آدمی با نظر به اشیای پیرامون و مکان های اطراف خود، به خدا یا نفس خود، ارجاع داده

نمی شود. به دیگر سخن، دنیای مدرن دنیایی است که در آن محصولاتتی که پدید می آیند و مکان هایی که ساخته می شوند، ناشی از نفسانیت بشرند. چیزی که چنین باشد آیت خداوند نخواهد بود. بنابراین، بشر در دنیای مدرن، با نظر به اشیای پیرامون خود، دیگر به خود و خدا باز نمی گردد و هویت و چیستی حقیقی خود را بازیابی نمی کند بلکه در همان اشیای ظلمانی و نفسانی فرو می رود. اما در همین دنیای مدرن، اشیا و مکان های سنتی و دینی که رنگ خدا به خود گرفته اند، می توانند بشر را به خود یا خدا، ارجاع دهند. مسجد یکی از همین مکان هاست. مسجد مکانی است که بشر امروز هویت خود را در آن باز می یابد. در مساجد، این مؤلفه بازگشتی (بازگشت به خود و خدا) به خوبی و به زیبایی تمام جلوه گر و آشکار است. معماری مساجد، نوای دلنواز و قدسی اذان که از مناره ها به گوش می رسد، نماز جماعتی که در مساجد برپا می شود، نیایش ها، دعاها و عزاداری هایی که در مساجد انجام می گیرد همگی عواملی مؤثر در رجوع انسان به خود و خدای خود است.

آیین ها و مراسم مذهبی یکی از عناصر و مقولات جدایی ناپذیر همه دیانت های آسمانی و بشری است. شعائر در نقش مجموعه سنت های اجتماعی با مفهوم نمادین دینی یا بشری نه تنها در شاکله و اسکلت ادیان و مذاهب حضوری جدی و فعال دارند که در نهادهای اجتماعی دیگر نیز به چشم می خورند. در واقع تمام اشکال و انواع آداب و رسوم، زیر مجموعه شعائر به حساب می آیند. این مجموعه ارزش ها و سنت های دینی، حقوقی، اخلاقی و... با کارکرد تنظیم و جهت دهی به رفتارها و اندیشه های عمومی، نقش مهمی در تمام فعالیت های اجتماعی انسان ایفا می کنند. از این روی شعائر دینی از نقش و اهمیت ویژه ای در نظام اعتقادی ادیان برخوردارند. شعائر دینی از نگاه مردم شناسی فرهنگی به دو کارکرد پیوسته به هم می پردازند: از یک سو موجب احیا و نشاط دوباره تصورات مذهبی شده و از سوی دیگر احساس بازگشت به ریشه ها و اصول را تقویت می کنند. شعائر در نقش بعد عملی عبادات به عنوان مجموعه رفتارهایی در ارتباط با پرستش خداوند تلقی می شوند که از حالت تقدس برخوردار بوده و در بسیاری از اعمال عبادی به صورت خضوع و کرنش در برابر خداوند به چشم می خورند. شعائر دینی در بسیاری موارد با مجموعه روابط اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی آمیخته گشته و کارکردهایی چند منظوره می یابند. در همین راستا دین اسلام به شعائر در عرصه حیات

دینی و اجتماعی بشر، اهمیت بسزایی داده و آنها را سمبلی بر عبادت، تقوا و نیکوکاری قرار داده است. آیه 32 حج در این باره می گوید: هرکس شعایر الهی را بزرگ دارد پس آن نشانه تقوای دل هاست. در اسلام، مهم ترین واجبات و فرایض دینی مانند: نماز، روزه، حج و جهاد در ارتباطی عمیق با شعایر قرار داشته و حتی شعایر اسلامی در روابط عمومی و روزمره جامعه مانند: تولی فرزندان، آداب ازدواج، مرگ و حتی خواب و بیداری حضوری جدی و مستمر دارند.

هر دیانتی به طور طبیعی برای نهادینه کردن فرایند عمل به شعایر مذهبی سعی در تأسیس قطبی ویژه می نماید که نام عمومی آن معبد است. نهاد مسجد در نقش تنها معبد اصیل اسلامی از نگاه دانش دین شناسی تطبیقی از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا فرمان و آیین نامه تأسیس بنای این معبد برخلاف بسیاری دیگر از ادیان به طور صریح در خود قرآن آمده است. با این حال و علی رغم جایگاه و موقعیت بنیادین و مستحکم این نهاد دینی در قرآن و سنت با شگفتی بسیار شاه پیدایش و شکل گیری مجموعه نهادهای مذهبی دیگر در کنار مسجد و به عنوان مکمل نقش آن هستیم که در بسیاری موارد در نقش رقیب آن در می آمدند. خانقاه، تکیه و حسینیه نمونه های روشنی از این دست نهاد های جانبی هستند. به راستی چه می شود که برخی در انجام مراسم دینیو عبادی خود در مسجد احساس تنگی نموده و به بیرون از آن کشیده می شوند؟ آیا مسجدی که در سنت نبوی محل هرگونه تجمع مسلمانان ولو در ظاهر بی ارتباط با مسایل عبادی طراحی شده گنجایش و ظرفیت اعمال عبادی این دسته افراد - صرف نظر از گونه های انحرافی آن - را ندارد و یا تعریف و کارکرد مسجد در فرهنگ اسلامی تغییر کرده و به نوعی محدود گشته است؟

گسترش ارتباطات در عصر جدید و پیدایش رقبای بسیار متنوع و متکثر در برابر نهاد مسجد، نقد و بررسی مجدد برخی عوامل محدودکننده نهاد مسجد را بیش از پیش ضروری گردانیده است. در واقع یا باید خزیدن و کناره گرفتن این نهاد دینی را از متن روابط اجتماعی

پذیرفته و به کارکرد محدود آن در انجام پاره ای اعمال عبادی رضایت دهیم و یا با گشودن درهای آن به روی اقشار مختلف، امکان رفع نیازهای بیشتر و متنوع تری درون آن فراهم آوریم. در همین راستا توجه خوانندگان محترم را به برخی از عوامل محدود کننده مسجد جلب نموده

و در عین حال تأکید می‌نمایم که هدف از ذکر این موارد تنها جلب توجه و گشودن زمینه بحث

و گفت و گو در این باره بوده و به هیچ وجه در صدد انتقاد و یا انکار حکمی شرعی نیستیم.

1 - تنوع حاضران

در مساجد معمولاً تیپ خاصی از مردم و حتی گاه تیپ ویژه‌ای از متدینان و نه همه آنها حاضر می‌شوند که عدم حضور بسیاری از آنها نه از روی بی‌تفاوتی که به دلیل وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی می‌باشد که مانع پذیرفته شدن آنها در میان مسجیدیان است. در واقع بسیاری از مساجد عملاً به نوعی پاتوق برای طبقه‌ای از مردم بدل شده که ناخود آگاه دیگر طبقات جامعه را به تعریف جایگزین‌های دیگری برای مسجد و می‌دارد. مسجد به منزله خانه خدا باید پناهگاهی مطمئن و ایمن برای همه بندگان او باشد ولو برخی از آنها در زمره اهل معصیت تلقی شده و حتی آثار آن بر چهره و شمایل آنان آشکار باشد. البته روشن است که زمینه باز و آزاد برای حضور این دسته نباید به تأیید رفتار آنها بیانجامد؛ اما آنها نیز به عنوان بندگان خداوند حق حضور در خانه او و شرکت در شعایر مذهبی را دارند؛ همان گونه که انسان‌ها از منظر دین اسلام در هر حال و در هر زمان و مکان اجازه دارند با خدای خود مستقیم و بی‌پرده سخن گویند.

« قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا... وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ» (1)

بنابراین هر انسانی هرگاه اراده کند که در جمع مؤمنان با خدای خود گفت و گو نموده و یا حتی از روی کنجکاوی قصد اطلاع یافتن از آداب و شعایر مسجیدیان داشته باشد باید بتواند با آزادی تمام و بدون نگرانی از واکنش اهل مسجد به خواسته خود نایل شود. جالب توجه آن که در برخی اماکن مذهبی، قوانینی برای ممانعت از حضور برخی افراد تدوین شده و حتی همه اقشار متدینان نیز حق حضور در آن اماکن را ندارند؛ از باب مثال می‌توان از زیارتگاه‌ها نام برد که معمولاً ورود بانوان بدون چادر حتی در صورت برخورداری از پوشش کاملاً اسلامی ممنوع است.

ص: 549

امروزه در عصر ارتباطات و در واکنش به پدیده جهانی سازی فرهنگی، متولیان همه ادیان و مکاتب سعی دارند از حداکثر امکانات و ابزارهای موجود برای حفظ موقعیت خود و رقابت با رقبایان استفاده نمایند و آیین و مذهب خویش را در معرض دید و اطلاع همگان به منظور جلب توجه و گرایش آنها قرار دهند؛ این در حالی است که یک غیرمسلمان بنا به برخی آرای فقهی نجس ظاهری تلقی شده و در نتیجه حق حضور در مساجد و آگاهی یافتن و چه بسا شرکت نمودن در آیین مذهبی مسلمانان را ندارد. نکته قابل توجه آن که چنین حکمی در عموم ادیان جهان از

جمله مسیحیت و یهود و... وجود نداشته و افراد وابسته به ادیان دیگر می توانند به راحتی در مراسم مذهبی آنها شرکت نموده و از آن اطلاع کسب کرده و حتی از آن فیلم و عکس تهیه کنند؛ امری که حتی برای مسلمانان نیز در برخی اماکن مذهبی همچون حرم مطهر امامان شیعه فراهم نبوده و نوعی بی احترامی تلقی می شود. لازم به ذکر است که اهل کتاب از میان غیر مسلمانان بنا به فتوای تعداد قابل توجهی از فقهای گذشته و امروز پاک تلقی شده حتی دیگر گونه های کافران نیز به فتوای برخی فقهای معاصر پاک می باشند که این مسئله می تواند راهکاری برای حل این مشکل پدید آورد. جالب توجه آن که کافران عصر پیامبر برای شنیدن کلام الهی و آگاهی از اسلام معمولاً در مسجد به حضور ایشان رسیده و با آن حضرت به گفت و گو می نشستند که در بسیاری موارد به اسلام آوردن آنها می انجامید. امروزه این محدودیت در برخی مساجد کشورهای غربی نیز برداشته شده و غیرمسلمانان نیز در کنار مسلمانان می توانند در آیین های اسلامی شرکت جسته که رودر روی مسلمانان آن کشورها با واقعیات عصر جدید در پیدایش این امر تأثیرگذار بوده است.

3 - حضور بانوان

در مساجد معمولاً بانوان نقشی حاشیه ای و طفیلی ایفا نموده و دخالت مستقیم در تصمیمات مربوط به مسجد و انجام مراسم های مذهبی ندارند و حتی در نقشه بنای مساجد نیز آنها را در گوشه ای دنج و زاویه ای کور و دلگیر وا می نهند. گویا بیشتر نقشی شبیه به یک تماشاگر برای آنها

در نظر گرفته می شود. البته بدیهی است که این مسئله از علل و عوامل تاریخی و فرهنگی ناشی شده و چه بسا در بسیاری موارد به طور ناخودآگاه از سوی متولیان مساجد سر می زند؛ از جمله می توان به وجود پاره ای روایات بررسی نشده ای اشاره نمود که حضور بانوان را در مساجد چندان ضروری نشمرده و مسجد آنها همان خانه شان تلقی شده است. علاوه بر این ممنوعیت حضور بانوان در ایام عادت زنانه خود عامل دیگری در بیرون نمودن نیمی از افراد جامعه از متن شعایر مسجدی به حساب می آید و بدین سان تقریباً هر خانمی در حدود یک سوم از دوران زندگی خود از حضور در مساجد و شرکت در مراسم مذهبی و فرهنگی آنها به جز نماز که از آن معاف شمرده شده است محروم است. راه حل ساده و ابتدایی این مشکل که به طور محدود در برخی مساجد اتخاذ شده آن است که بخش ویژه بانوان خارج از محدوده وقف مسجد در نظر گرفته شود؛ اما به هر روی این مانع از آن نمی شود که مسئله مذکور مورد بحث مجدد فقهی قرار گیرد.

4 - تنوع فعالیت ها

در مساجد معمولاً به انجام برخی مراسم عبادی خاص بسنده شده و تنوع کارکردی چندان در آنها به چشم نمی خورد که این مسئله به طور طبیعی از جاذبه مساجد برای بسیاری از افراد جامعه کاسته و حتی برخی متدینان را برای ذکر نمونه تاریخی آن می توان از حسینیه ها و تکایا نام برد.

5 - امام جماعت

امام مسجد علاوه بر نقش عبادی از جایگاهی اجتماعی برخوردار بوده و نقش ایجاد ارتباط با گروه های مختلف جامعه را برعهده دارد. بنابراین نمی توان به حداقل شروط فقهی در انتخاب امام جماعت بسنده نمود و به ویژگی های اجتماعی و حتی شکل ظاهری او توجه نداشت. امام مسجد باید از روحیه ای با نشاط و فعال و جاذبه های شخصیتی ویژه ای برخوردار باشد تا بتواند نقش ارتباطی خود را با مخاطبان متنوع حاضر در مسجد به خوبی ایفا نماید. گاه ویژگی های امام جماعت به اقتضای محل مأموریت و نوع مخاطبان تغییر کرده و حالتی نسبی

می یابد؛ مثلاً در دانشگاه‌ها مناسب است که امام جماعت خود از تحصیلات دانشگاهی و تجربه دانشجویی برخوردار باشد و یا در اماکن ویژه بانوان مناسب است که امام جماعت خود نیز از میان خانم‌ها انتخاب شود و حتی گاه ممکن است تعیین یک شخصیت غیر معمم و یا حتی غیرروحانی مناسب‌تر باشد که در این گونه موارد نباید پاره‌ای تعصبات صنفی را بر مصالح اسلامی ترجیح داد.

6 - اداره شورایی

امروزه همه نهادهای اجتماعی به سوی نوعی دموکراسی در شیوه اداره و تصمیم‌گیری حرکت می‌کنند. مساجد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و لذا در بسیاری مساجد شاهد شکل‌گیری هیئت‌مدیره به جای متولی که در گذشته صاحب اختیار و همه‌کاره مسجد به شمار می‌رفت، هستیم. اما نکته قابل توجه آن که در انتخاب هیئت‌مدیره بیشتر به جنبه‌های اقتصادی و یا سنی افراد توجه شده و معیارهای مهم دیگر مورد غفلت قرار می‌گیرند. به علاوه انتخاب هیئت‌مدیره معمولاً از سوی برخی افراد با نفوذ صورت گرفته و به ندرت از عموم مسجدیان اظهار نظر خواسته می‌شود.

در واقع این مسئله نیز تا حد زیادی ناشی از نبود فرهنگ مشارکت عمومی و اهمیت ندادن افراد به نقش و جایگاه مسجد ناشی می‌شود و لذا هرگاه تصمیم نابعی از سوی متولیان مسجد دیده می‌شود افراد ترجیح می‌دهند به جای دخالت در امور و اظهار نظر، خود را کنار کشیده و از شرکت در مراسم‌ها و گاه حتی حضور در نماز خودداری ورزند.

موارد مذکور در این مختصر تنها نمونه‌هایی بارز و روشن از چالش‌های فراوری نهاد مسجد در عصر حاضر می‌باشند که امیدواریم بتواند زمینه این گونه مباحث را در میان متولیان امور مساجد و به ویژه نشریه وزین مسجد باز نموده و رونقی تازه و تحرکی پویا به این نهاد مقدس دینی بخشند.

چکیده

دوران کنونی ما را پدیده‌هایی چون «توسعه» و «جهانی شدن» (Globalization) از دیگر دوره‌های تاریخ زندگی بشر ممتاز و متمایز کرده است، «جهانی شدن» از موضوعاتی است که در دهه پایانی قرن بیستم، بسیاری از جریان‌ها و پدیده‌های جوامع بشری را تحت الشعاع قرار داده و در نتیجه به موضوع بحث روز تبدیل شده است.

پدیده‌های پیچیده‌ای که اگرچه آشکارترین و مهم‌ترین شکل ظهور و بروز آن تاکنون بیشتر در جنبه‌های اقتصادی بوده است، اما دارای گستره‌ی وسیعی از سیاست و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و آموزش و دین و اخلاق و نیز رفتارهای اجتماعی و حتی فردی را، از سویی در برمی گیرد و از سوی دیگر در آنها اثر گذار است.

از آنجا که دغدغه اساسی بسیاری از جوامع کنونی بشر معاصر پیوستن و همسو شدن با «جهانی شدن» و «توسعه» است، چگونگی، شیوه، ابزار و ساز و کار آن پرسش جدی فراروی گرایش‌ها، نگرش‌ها، بینش‌ها، و اندیشمندان و دانشمندان است.

در جوامع مسلمان مسجد در واقع قلب تپنده حیات اسلام، دارای جایگاه ویژه و اثرگذار و کانون و محور فعالیت های جامعه اسلامی است. آنچه اکنون به عنوان «معبد» در دیگر ادیان مطرح است، ارتباطی عمیق و ریشه دار با جامعه و مسائل اجتماعی ندارد. اما مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای جایگاه است.

مسجد هرچند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش های اسلامی است. از آنجا که مساجد در خط دهمی و هدایت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نقش غیر قابل انکاری دارند، ضروریست که در پروسه «توسعه» و «جهانی شدن» نقش مساجد و بایسته های آن در کشور اسلامی بدقت مورد بررسی قرار گیرد.

در شرایط کنونی «توسعه» و «جهانی شدن» و عصر انفجار اطلاعات، دیگر نمی توان در مساجد فقط به تلاوت آیات کریمه و نقل روایتی از معصومین، توصیه ای اخلاقی و احیانا مشکلات مسجد و یا اهالی محله بسنده کرد و بهره وری مساجد را به این حد محدود و متوقف ساخت.

مساجد باید بتوانند با رویکرد و رهیافت جدید و کاملاً هدفمند نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن، اهداف، خوبی ها و معایب آن آشنا کنند و مسجدی ها باید بیش از هر زمان دیگر در جهان کنونی به «حکومت جهانی و دولت کریمه» بیندیشند.

توسعه

برای توسعه (development) تعریف های گوناگونی ارائه شده که این امر ناشی از تفاوت دیدگاه ها، مفروضات، چارچوب های نظری و زوایای دید نسبت به این مسئله است. برخی از این تعاریف عبارت اند از:

یکی از پیچیده ترین مفاهیم در جامعه شناسی، توسعه است و در لغت به معنای خروج از لفاف است و لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند و در نتیجه، توسعه مقوله ارزشی و چند بعدی

و کیفی است که شامل توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشد. (1)

فریدمن می گوید:

«توسعه یک روند خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی، در سیستم اجتماعی است». (2)

توسعه، فرآیندی است که تولید با استفاده از ابزارهای پیش رفته ی جدید، از وضعیت سنتی به روش نوین، متحول گردیده، انسان ها تخصص و مهارت لازم و فرهنگ مناسب با توسعه را کسب کرده و روند انباشت و به کارگیری سرمایه در جامعه، همراه با مدیریتی کارا و با ثبات تحقق یافته باشد. (3)

توسعه، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی تر است... برای درک معنای درونی توسعه باید حداقل سه ارزش اصلی به عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته شود. این ارزش های اصلی عبارت اند از: معاش زندگی، اعتماد به نفس و آزادی که نمایانگر هدف های مشترکی هستند که به وسیله تمام افراد و جوامع

دنبال می شود. (4)

توسعه، به فراگردی گفته می شود که در آن جامعه از وضع نامطلوبی به وضع مطلوبی متحول می شود. این فراگرد تمامی نهادهای جامعه را در بر می گیرد و ماهیت آن اساسا آن است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل در می آید؛ به عبارت دیگر، در فرآیند توسعه استعداد های سازماندهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفا می شود، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. (5)

توسعه، بهینه سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع است. (6)

ص: 555

1- . مرگان حق خواه، توسعه فرهنگی در جامعه ایرانی: ایسجا 2/12/1382 .

2- . مرتضی قره باغیان، رشد و توسعه: ج 1، ص 7 .

3- . حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتنی در اقتصاد ایران: ص 176 - 177 .

4- . عباس حاج فتحعلی ها، توسعه تکنولوژی: ص 9 به نقل از: مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی: سازمان برنامه و بودجه، 1363 .

5- . همان: ص 10 به نقل از: علی اسدی، توسعه برجاده تکنولوژی می تازد، مجله تدبیر: شماره 3، مرداد 1369 .

6- . محمود سریع القلم، اصول ثابت توسعه، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی: شماره 20، فروردین و اردیبهشت 1369 .

در همه این تعاریف، مفهوم ایجاد شرایط مناسب برای افراد و جوامع در کلیه وجوه انسانی مورد نظر است. بنابراین، ضمن پذیرفتن اختلاف، تعاریف از این جهت مکمل یکدیگر بوده و متناقض نیستند.

«جهانی شدن»

اشاره

برای فرآیند جهانی شدن تعاریف متفاوتی ارائه شده که به مهمترین آنها اشاره می شود:

«جهانی شدن (Globalization) در هم آمیزی اقتصاد، جامعه شناسی، سیاست، فرهنگ و رفتارها از طریق نفی مرزها و حذف پیوستگی های ملی

و اقدام های دولتی است» (1).

حقیقت تکامل سرمایه داری در پرتو سلطه کشورهای مرکز و حاکمیت نظم نابرابر جهانی است. (2) جهانی شدن یعنی یکسان سازی و یا مشابه کردن دنیا به طرق گوناگون چون توسعه ی ماهواره ها، گسترش رایانه ها، افزایش رسانه ها، به ویژه ازدیاد کانال های تلویزیونی. (3) جهانی شدن، پدیده ای چند بعدی است، از این رو، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را دربر می گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم رنگ می شود؛ کشورها نقش گذشته ی خود را از دست می دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین المللی بر کشورها حاکم می گردد. (4) جهانی شدن، فرایندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می رود. البته اگرچه جهانی شدن یک روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... است، اما پیش از همه، روندی اقتصادی است. (5) گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر کره ی زمین است. (6) تداوم حرکت

ص: 556

- 1- . مجله الواحه: ش 16 ، ص 153 .
- 2- . جیمز روزناو، دنیامیسم شناخت.
- 3- . نظام جهانی، سیاست و فرهنگ: ص 34 .
- 4- . فرهنگ رجایی، پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی: ص 40 .
- 5- . جهانی شدن و فرهنگ: ص 28 .
- 6- . جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان: ص 24 - 33 ؛ عصر اطلاعات، ج 1 ، ص 130 .

سرمایه داری که پس از پایان جنگ سرد، رویای تسلط بر عالم را در سر می پروراند. (1) تلاش برای گسترش جهانی الگوهای آمریکاست. (2) تصویری ترسناک از یک بازار عنان گسیخته و پایان نوسازی به سبک ملی و دینی است که می رود تمام شالوده های سیاسی و اجتماعی ملت ها و دولت ها را از هم بگسلد. (3) دخالت در امور داخلی دولت های جهان سوم و کنار گذاشتن ممانعت هرگونه قانونی که مانع تجارت آزاد از سوی شرکت های چند ملیتی است، بدون آنکه ثبات اجتماعی و حاکمیت این دولت ها را در نظر بگیرد. (4) و سرانجام تن دادن

جهانیان به فرهنگ، مفاهیم، زبان و اخلاق یا بی اخلاقی آمریکایی است. (5)

مقدمه

امروزه دنیا، شاهد توسعه، تحولات و دگرگونی های گسترده و شگفت آوری، در عرصه اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین الملل، در راستای «توسعه» و «جهانی شدن» است. چنانکه شاهد هستیم تحوّل و تکامل در ابزار و شیوه های ارتباطات آشکارا می تواند در انهدام و برداشته شدن حد و مرزهای اجتماعی، تأثیر گذاشته؛ همبستگی و یک پارچگی بیشتری را موجب گردد.

شهید مطهری در بحث از «آینده جامعه ها» معتقد است: جامعه ها و تمدن ها و فرهنگ ها و به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می کنند. (6)

اکنون یکی از نظریات مهم در عرصه بین الملل، «توسعه» و «جهانی شدن» است، حتی می توان گفت این نظریه ها بلامنازع هستند.

پدیده - جهانی شدن - رویدادی ناگهانی و جدید نیست؛ بلکه فرایندیست که از قرن ها

ص: 557

1- . مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: ج 1، ص 130 .

2- . جهان رها شده: ص 6 .

3- . جهانی شدن با کدام هدف؟: ص 84 .

4- . غربی سازی جهان: ص 110 .

5- . فصلنامه مطالعات راهبردی: ش 3، ص 286 - 285 .

6- . تعلیم و تربیت در اسلام: ص 146 - 153 .

پیش به شکل های مختلف وجود داشته و اکنون سرعت آن بیشتر شده است. (1)

توسعه ارتباطات جهانی، به واسطه پیشرفت های فنی، افزایش نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین المللی، پیدایش سازمان های صنعتی و مالی چند ملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی، به عنوان اجزای اصلی فرایند جهانی شدن است.

شالوده افکار و اندیشه های سیاسی، سمت و سوی تعهدات و تصمیم گیری های بین المللی، ماهیت برنامه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت ها، ادبیات و فرهنگ غالب جوامع، جهت گیری سرمایه گذاری و خدمات اعتباری و مالی، شبکه ارتباطات و انفورماتیک و... به تدریج، براساس «توسعه» و «جهانی شدن» شکل می گیرد و پیوستگی و یکپارچگی میان آنها بیشتر می شود.

«جهانی شدن» در بعد فرهنگی سعی در اشاعه فرهنگی جهانی شده به فرهنگی های سنتی، ملی و محلی دارد. در این راستا هویت های فرهنگی که دین یکی از عناصر سیاسی آن در هر جامعه است، مورد تعرض قرار می گیرد. این تعرض با اشاعه سکولاریزم به عنوان یکی از مؤلفه های فرهنگ جهانی صورت می گیرد و نوعی فشار جهت استحاله مذهب به عنوان جزئی از فرآیند سقوط سنت ایجاد می گردد.

برهمن اساس است که بیشترین مقاومت در مقابل جهانی شدن از سوی مذاهب بزرگ شرق مانند اسلام، هندوئیسم و آیین کنفوسیوس صورت گرفته است؛ پیروان این مذاهب «جهانی شدن» را یک پروژه غربی در جهت جهانی سازی سکولاریزه غربی در نظر می گیرند.

از آنجا که در اسلام مساجد کانون انس و الفت مسلمانان و عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است، جایگاه، اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را در موضوع «توسعه و جهانی شدن» نمی توان نادیده گرفت.

نوشتار پیش رو در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مساجد چه جایگاه و نقشی در

ص: 558

1- . تأسیس سازمان ملل متحد 1945 - انتشار نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان 1065 - انتشار نظریه موج سوم آلوین تافلر 1978 پایان جنگ سرد 1989 - اتحاد پولی یازده کشور اروپایی 1998 - گسترش روزافزون سازمان ها و اتحادیه های اقتصادی (نظیر آسه آن، نفتا و اکو - ادغام بازارهای مالی، ادغام بانک های بزرگ جهان، تأسیس گات و در پی آن سازمان تجارت جهانی در 1995 .

فرآیند توسعه همه جانبه و جهانی شدن دارند و رویکرد جدید مسلمانان به مساجد در فرآیند توسعه و جهانی شدن چگونه باید باشد.

نظریه ی «جهانی شدن»

«جهانی شدن» (Globalization) از موضوعات مهم روزگار حاضر است که در عرصه های مختلفی همچون اقتصاد، فرهنگ، سیاست، دین، اخلاق و... مطرح شده است. مهم ترین دغدغه انسان امروز، مسئله «توسعه» و «جهانی شدن» در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

«جهانی شدن» ابتدا در هیأت نظریه ای اقتصادی رخ نمود؛ اما اینک اکثریت قریب به اتفاق جوامع بشری، از تسری این امر در سایر حوزه ها حتی حوزه های فرهنگی - مذهبی آگاهند.

کاربرد اصطلاح «جهانی شدن» به دو کتاب برمی گردد که در سال هزار و نهصد و هفتاد میلادی انتشار یافت. کتاب نخست «جنگ و صلح در دهکده ی جهانی» تألیف مارشال مک لوهان که بر نقش پیشرفت وسائل ارتباطی در تبدیل دنیا به دهکده ی واحد جهانی متمرکز بود و کتاب بر ژینسکی، مسئول سابق شورای امنیت ملّی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان بود که درباره ی نقشی بود که آمریکا می بایست برای رهبری جهان و ارائه ی نمونه ی جامع مدرنسیم به عهده می گرفت. (1)

امروزه «جهانی شدن» به صورت مفهوم و اصلی در آمده است که تقریباً در همه حوزه های علمی، سیاسی، اقتصادی، فکری، فلسفی و دینی، مورد بحث و گفت و گو و یا چالش و مناقشه است و با آن که عمر آن - به منزله یک تئوری یا نظریه - چندان زیاد نیست از چنان گسترشی برخوردار شده که به مثابه محوری برای تبیین و تفسیر مفاهیم و پدیده های گوناگون، خود را بر مجامع و محافل مختلف فکری و عملی مسلط ساخته است.

اصطلاح «جهانی شدن» در گذشته به عنوان یک اصطلاح جدّی و جا افتاده علمی، کمتر مورد توجه و کاربرد بود و به طور عمده از اواسط دهه 1980 به عنوان یک اصطلاح علمی،

ص: 559

1- . جهانی شدن فرهنگ و سیاست، دکتر سید علی اصغر کاظمی.

مورد استفاده قرار گرفت. به نظر رابرتسون مفاهیم جهانی شدن، بیشتر پس از انتشار کتاب مارشال مک لوهان تحت عنوان - اکتشافاتی در ارتباطات - در سال 1960 مورد وجه واقع شد (نظریه دهکده جهانی). (1)

البته همه نظریه پردازان و نویسندگان، یکسان نمی اندیشند و هر کدام از زاویه خاصی به موضوع «جهانی شدن» می نگرند. هم اکنون در مورد این مفهوم، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و تعابیر و برداشت های متفاوتی از آن ارائه می شود؛ لذا برخی از صاحب نظران مدعی اند که اصطلاح «جهانی شدن» اصطلاحی مبهم و نا شفاف است.

در این راستا، عبارات و مفاهیم جهانی گرایی، جهانی بودن، جهان گستری، جهانی سازی، دهکده جهانی، نظم نوین جهانی، جهان واحد، جهان رها شده، جهان شمولی، اتحاد بزرگ، سامان جهانی، جهان وطنی، همگرایی فرهنگی جهانی، نجات کره زمین، جهانی کردن، صحنه جهانی و... مطرح شده است که در نهایت می توان گفت:

«جهانی شدن» به این معنا است که تحوّل در جهان جریان دارد و نشانگر فرآیندی است که در آن اقتصاد، فرهنگ، سیاست و کارگزاران این امور، جهانی می شوند و در عرصه جهانی ظهور و بروز می یابند، جهانی شدن نشانگر یک تحوّل اجتماعی گسترده و فرآیندی است که بنیاد جامعه را تغییر داده، یک تحوّل تاریخی به وجود می آورد. (2)

مسجد همواره در کنار کارکرد عبادی و معنوی خود، کانون اثرگذار و تعیین کننده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه کشورهای مسلمان و حتی در بین سایر ملیت ها نیز بوده است.

ص: 560

-
- 1- دهکده جهانی، نظریه مک لوهان.
 - 2- به نظر می رسد در این رابطه با سه وجه مهم، اساسی و گاهی متمایز از هم، روبه رو هستیم که به اشتباه یا تسامح، به هر عنوان جهانی شدن اطلاق می گردد: 1- روند و پروسه جهانی شدن فرآیندی طبیعی و تدریجی 2. Globalization - پروژه و برنامه جهانی کردن (غربی سازی 3. Westernization - پروژه جهانی سازی (آمریکایی سازی = Americnization = globalism). جهانی شدن برایجاد جهانی با ارزش های مشترک و احترام به مبانی فرهنگی دیگران و جهانی سازی بر ساخت جهانی با ارزش ها و هنجارهای مشترک و خالی از هرگونه تفاوت و تمایز در همه عرصه های تأکید می کند. جهانی کردن درصدد تسلط اقتصادی و فرهنگی برکل جهان و بهره برداری از آن به نفع نظام سرمایه داری غربی است.

اینک مساجد باید آماده باشند تا بیش از آنچه تاکنون بوده است در سطح جهانی و شرایط جدید توسعه و جهانی شدن، حضور بسیار گسترده تر، قوی تر و تعیین کننده تری داشته باشند. در شرایط جدید نگرش به جهان، مسئولان و متولیان مساجد دیگر نباید محله ای، شهری و حتی کشوری بیندیشند، چه اینکه آموزه های دینی ما هم مبتنی بر توسعه همه جانبه مسلمانان و جهانی اندیشی است.

مساجد، توسعه و جهانی شدن

چنان که گفته شد امروزه پدیده های «توسعه و جهانی شدن»، اموری فراگیر، گسترش یابنده، پیچیده و دارای آثار و پیامدهای گوناگون در زندگی بشری است؛ به طوری که شرایط زندگی انسان ها را در بیشتر جنبه های آن حتی در ابعاد اخلاقی و معنوی، دستخوش دگرگونی های ژرف کرده است.

از این رونمی توان «جهانی شدن» را در توسعه همه جانبه، نوآوری ها و انطباق های فرهنگی نادیده گرفت و یا توسعه همه جانبه را در فرآیند جهانی شدن نادیده انگاشت و نسبت به آن بی تفاوت بود. بلکه می توان با بیانی ساده، همه کس فهم در مساجد چارچوب های علمی و نظری آن را ارائه و اقشار مختلف مردم را با پی آمدهای مثبت و منفی آنها آشنا نمود.

همچنین به علت این که در پس پرده این روند، عوامل و افکار متعدّد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار دارند؛ باید به دقت و هوشمندانه آنها را مورد بررسی و تحلیل و به روشنگری اذهان عموم مردم پرداخت از آنجا که روشن است که برخی از مبانی، اهداف، ویژگی ها، آثار و پیامدهای «توسعه» و «جهانی شدن»، تفاوت و تباین اساسی با مبانی و اهداف شریعت مطهر دارد، نقش مساجد در سامان دهی، روشن گری و هدایت گری توده های مردم لزوم و اهمیت ویژه ای نسبت به گذشته خواهد داشت.

بی دلیل نیست که کسی مانند روزه گارودی، مسجد را آئینه اسلام می داند و آن را عنوان کتابش قرار داده است و مارسل بوازار اسلام شناس سویسی راجع به نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می نویسد:

«مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی توان نادیده گرفت، مخصوصاً در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگر بار از خود نشان می دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان نسبت به ستمگران و سلطه جویان درآمده است و به تدریج مساجد موقعیت سالهای نخستین ظهور اسلام را به دست آورده اند».(1)

کریستین نفاع در مقاله خود: «مسجد کانون فعالیت جامعه اسلامی» می نویسد:

«مساجد به مثابه مرکز ارتباطی نهادهای اجتماعی، مثل بیمارستان ها، آسایشگاه ها، نوانخانه ها و دانشگاه ها و مدارس عمل می کند، اما استقرار این مساجد در مرکز شهر که با احاطه شدن به وسیله بازار و صنعت گران متعدد کانون اصلی شکل گیری جمعیت شهری است، گواهی است بر ضرورت و نقش عمومی آنان و هماهنگی این پدیده با تمام جوامع اسلامی جهان».(2)

بنابراین نه تنها باید موضع ما مسلمانان در قبال روند «توسعه» و «جهانی شدن»، روشن باشد بلکه باید به جایگاه، نقش، سهم و اثرگذاری در آن بیندیشیم. سوال اصلی ما باید این باشد که چه کنیم که محاسن و فواید این فرآیند را بدست آوریم و پی آمدهای منفی آن در امان باشیم.

هدف و مبنای اصلی «جهان گستری» استکباری و نه «جهانی شدن» سودجویی و تأمین منفعت بیشتر برای دولت های بزرگ، شرکت ها و نهادهای فراملی و... و نیز برتری طلبی و سلطه جویی قدرت هایی چون ایالات متحده است و احتمالاً آنچه در روند فرآیند «جهانی شدن» وجود ندارد و یا نمود ضعیفی دارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی معنوی جهانیان، چون برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، رفاه همه جانبه و... است؛ برعکس در سایه

ص: 562

1- . اسلام در جهان امروز، مارسل بوازار: ص 101 و 102 .

2- . پیام یونسکو، آذر 1369 ، ش 242 ، سال 22 ، ص 35 .

آنها جهان اینک با اباحی‌گری و بحران معنویت، هویت و اخلاق رو به رو است؛ بلکه بحران ناامنی، فقر، بهره‌کشی و نابرابری نیز به طور فزاینده‌ای گسترش می‌یابد.

این در حالی است که نقش مساجد در جوامع مسلمان بسط و گسترش و تعمیق ذکر خدا، معنویت و عواطف، عدالت، اخلاق، تحکیم بنیاد روابط انسان‌ها بویژه در درون خانواده، احترام متقابل خصوصا احترام به بزرگترها و مانند اینهاست بنابر این روشن است که رویارویی این دو موج در آینده باز هم بیشتر خواهد بود.

از آنجا که موج منفی «جهانی شدن» روز به روز، بلکه لحظه به لحظه در حال تقویت کردن خود با تجهیز و تکمیل ابزار، بویژه ابزار رسانه‌ای است، باید دید موج مثبت و مقابل آن که خواستگارش عمدتاً در مساجد است چگونه خواهد توانست در همراهی با آن اثرات منفی آن را خنثی کند و همچنان مردمان را به پاکی و اخلاق و عدالت فرا بخواند.

گسترش فعالیت‌های ضد ارزشی و فرهنگی در فرآیند «توسعه و جهانی شدن» مورد علاقه شدید سران و دولتمردان کشورهای غربی است.

اگر این فرآیند در جامعه‌ی بشری بویژه جامعه‌ی اسلامی توأم با توسعه و گسترش ارزش‌های غیراسلامی و تحریف شده و کاذب باشد بی‌تردید با اهداف مسجد که توسعه ارزش‌های انسانی، دینی و الهیست مغایر است و باید از آن اجتناب نمود، زیرا در چنین حالتی دیگر انسان به عنوان مخلوق عالی و خداجو مطرح نخواهد بود و در هر نوع توسعه بازگشت به ارزش‌های اسلامی، معنوی، روحی و حیاتی باید یکی از اهداف تعیین‌کننده آن باشد.

مساجد و دولت کریمه‌ی جهانی

اگرچه ممکن است گفته شود نظریه‌های «توسعه» و «جهانی شدن» خواستگاهی غربی دارد، اما بطور قطع نظریه‌ی دولت کریمه‌ی جهانی متعلق به اسلام و مسلمانان است که در آموزه‌های دینی، قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است. بنابراین آثار و پیامدهای «توسعه» و «جهانی شدن» بر حیات دینی؛ آینده‌ی ادیان، پویایی انتظارات از دین، حکومت‌های دینی؛ قلمروهای دین، گفت‌وگوی ادیان؛ بنیادگرایی، دین‌های محدود و دین‌های جهانی؛

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قابل بررسی است.

سؤال اینست که اگر «توسعه» و «جهانی شدن»، همان حرکت بسوی حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، اگر فرآیند «توسعه» و «جهانی شدن» اساساً ربطی با آن ندارد، و اگر «توسعه» و «جهانی شدن» با آن حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجه اشتراک و امتیازاتی دارد، مساجد در تمامی این حالات چه وظیفه ای دارند؟

چنان که می دانیم در اسلام، بویژه در مکتب تشیع، توجه به آینده و تشکیل حکومت واحد جهانی براساسی قسط و عدل تحت رهبری امام معصوم، جایگاه خاصی دارد. تا چند دهه پیش اگر درباره «حکومت جهانی» سخن به میان می آمد، درک و فهم و پذیرش آن برای عموم مردم، سنگین و آگاهی و دانش آنان در این باره، محدود بود و بحث درباره «حکومت جهانی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» و زمینه سازی برای پذیرش و باور داشت آن، مشکل به نظر می رسید.

اما اینک به راحتی می توان، در صحن عمومی مساجد در این باره ویژگی های «دولت کریمه ی جهانی»، و ابعاد جهانی آن و ارتباط آن با توسعه و جهانی شدن صحبت کرد و از حقانیت و درستی آن دفاع نمود.

به تعبیر دیگر اکنون در شرایط کنونی «توسعه» و «جهانی شدن» و عصر انفجار اطلاعات، دیگر نمی توان در مساجد فقط به تلاوت آیات کریمه و نقل روایتی از معصومین علیهم السلام و احیاناً مشکلات مسجد و یا اهالی محله بسنده کرد و بهره وری مساجد را تا این حد محدود و متوقف ساخت.

قدر مسلم توسعه بی قید و بدون حد و مرز و جهانی شدن به هر شکل از حیث داشتن ابعاد و اشکال مختلف و مبهم و پیامدهای سوء، نمی تواند وجه مشترکی با حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد؛ چنانکه مشاهده می کنیم «توسعه» و «جهانی کردن» رها از مرزها و قوانین الهی دنیا را در ورطه انحراف، جنگ، ناکامی و اباحی گری قرار داده است و پیامدها و آثار نا مطلوب و ناگواری با خود به همراه دارد که هیچ یک در حکومت جهانی

حضرت مهدی علیه السلام وجود ندارد، هر چند پاره ای از ویژگی های توسعه و جهانی شدن و نشانه های آن، با بعضی از ویژگی های حکومت آن حضرت مشابهت دارد، بعنوان مثال گسترش سریع ارتباطات و نزدیکی جوامع به یکدیگر، امکان گفت و گو و تبادل آرا و افکار، استفاده مردم جهان از آخرین اخبار و یافته های علمی و پزشکی، تعامل و همفکری در مورد مسائل سیاسی (جنگ، صلح و...) جهان، بالا رفتن سطح سواد و معلومات، جهانی شدن فنّ آوری و صنعت و... برخی از وجوه مثبت و قابل قبول جهانی شدن است که مدل کامل و مطلوب آنها در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام وجود خواهد داشت.

وقتی جامعه بشری به مرحله ای از رشد و شکوفایی علمی، صنعتی و فکری می رسد که در آن نیاز شدیدی به اتحاد و نزدیکی احساس شده و بشر در بیشتر جنبه های زندگی، رفتارها و گفتارهای فرا ملی و جهانی از خود بروز می دهد؛ در این صورت می توان از مساجد بطور مؤثری در توجه دادن افکار عمومی به حکومت دولت کریمه بهره گرفت و تئوری «تشکیل دولت کریمه جهانی» را به جهانیان ارائه داد و نکات مثبت و ارزنده آن را بیان نمود.

در مسجد، این پایگاه اعتقادی مسلمین است که باید تبیین شود که حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت های برجسته دینی که معصوم از خطا و یا تالی تلو معصوم اند، ایجاد می شود و خدا و احکام خدا تعالیم اسلامی محور و برای اداره ی جامعه ی جهانی کافی است و در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام دین اسلام، تنها دین حاکم بر جهان و قرآن، محور زندگی بشر قرار خواهد بود.

در مساجد و در کنار اقامه نماز باید افکار عمومی به این نکته جلب شود که توسعه در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بر محورهای اخلاقی، اجتماعی، امنیتی استوار است و توسعه ی علمی، قسط و عدل از ویژگی های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است.

و نیز در مساجد باید تبیین شود که حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علاوه بر آنکه مشروعیت خود را از خدا دارد، بر مبنای حاکمیت

عقل است و از افراد فاسق و فاجر و کافر، در آن حکومت اثری نیست و خواسته های بشر در هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام الهی خواهد بود.

مساجد باید بتوانند نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن، اهداف، خوبی ها و معایب آن آشنا کنند و مسجدها بیش از هر زمان دیگر نیازمندند که در جهان کنونی بیاموزند که نه محله ای، نه شهری، نه استانی، نه کشوری، بلکه «جهانی» اندیشیده و قضایا و رخدهای آن و اهداف آشکار و پنهان استکبار جهانی و دشمنان دین را بدرستی تحلیل کرده، از سطحی انگاری، زودباوری و نیرنگ دشمنان برحذر و هوشیار باشند و این موضوع اگر از مسئولیت ها و ماموریت های جدید مساجد نباشد قطعاً از مهمترین آنها است.

اگر بپذیریم که مساجد محل فراهم آمدن «احباء الله» است و واژه ی مسجد غیر از معنای خاصی که دارد مفهوم دیگری هم دارد، آنگاه با «بینشی جهانی» در این عبارت حضرت امیرالمومنین علیه السلام دقت کنیم، به یافته های تازه ای در باب «توسعه و جهانی شدن» خواهیم رسید، آن حضرت علیه السلام فرمودند:

«الدنيا مسجد احباء الله».

«دنیا «مسجد» دوستان خداست...» (1)

نتیجه

«توسعه و جهانی شدن» به مثابه بحثی معرفتی، شامل مفاهیمی است که در آن و ملزومات آن، اختلاف نظر وجود دارد. در این باب، مباحث انتزاعی و آکادمیک و مباحث سیاسی و فرهنگی بسیاری درگرفته و تقسیمات متعددی هم در آن واقع شده است و در نهایت به صورت یکی از مهمترین دغدغه های انسان امروز برای حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب در آمده است.

احتمالاً آنچه در روند فرآیند «جهانی شدن» و «توسعه» کم اهمیت است و یا نمود ضعیفی دارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی معنوی جهانیان، چون برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، و... است، از این رو باید موضع ما مسلمانان در قبال روند توسعه و جهانی شدن، روشن باشد، بلکه باید به جایگاه، نقش، سهم و میزان اثرگذاری در آن بیندیشیم و این روشنگری

ص: 566

از رویکردهای بسیار مهم و جدی مساجد در شرایط کنونی است.

اسلام به عنوان یک دین جهانی، نه تنها با جهانی شدن مخالفتی ندارد، بلکه می تواند ارمغان های مهمی به جهان بشریت ارائه دهد، به شرط آنکه ندای عدالت خواهی، صلح طلبی، خردورزی و آزادی خواهی اسلامی، در طنین هیاهوی مستکبران خشونت طلب و تهاجم فرهنگی آنان گم نشود، بنابراین مساجد خواه و ناخواه باید آماده باشند تا نقش و تأثیری بسیار گسترده تر و اثرگذارتر، بیش از آنچه تاکنون داشته اند، نه فقط در جوامع مسلمان، بلکه در سطح جهانی و شرایط جدید توسعه و جهانی شدن، در مدیریت و هدایت جامعه و اقشار مختلف مسلمانان در زمینه «توسعه و جهانی شدن» داشته باشند.

طبیعی است که برای تحقق این امر راهکارها و رهیافت هایی لازم است که طرح آنها از حوصله ی این نوشتار خارج است و باید بطور مستقل به آنها پرداخته شود.

ص: 567

- 1 - آکسفورد، باری، نظام جهانی سیاست و فرهنگ، ترجمه ی حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، 1378 .
- 2 - ایران زاده، سلیمان، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، مرکز آموزش دولتی، تهران، 1380 .
- 3 - تاملیسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، 1381 .
- 4 - جمعی از سخنرانان، گفتمان مهدویت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1381 .
- 5 - حاج فتحعلی ها، عباس، توسعه تکنولوژی، تهران، انتشارات دانشگاه، علامه طباطبایی، 1372 .
- 6 - رجایی، فرهنگ، پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، آگاه، تهران، 1380 .
- 7 - رفیع، جلال، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، چاپ اول: تهران، انتشارات اطلاعات، 1373 .
- 8 - سریع القلم، محمود، عقل و توسعه یافتگی، چاپ اول: نشر سفید، 1372 .
- 9 - سوئیزی، پل و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف؟، ترجمه ناصر زرافشان، آگاه، تهران، 1381 .
- 10 - صبح صالح، شرح نهج البلاغه، انتشارات دارالهجره، قم، بی تا.
- 11 - کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، ترجمه علی قلیان و افشین خاکباز، طرح نو، تهران، 1380 .
- 12 - مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا .
- 13 - منصوری، جواد، فرهنگ استقلال و توسعه، تهران، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، 1374 .
- 14 - هانتیگتون، ساموئل، سامان سیاسی و جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، 1370 .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

